بازدید شد
۱۳۸۳

۸۹۸۸-ف

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب ترجمه کنوز النجاح عدة السفر وعمدة الحضر
مؤلف فضل بن الحسن بن الفضل الطبرسی
موضوع مترجم خاتون آبادی (محمد باقر بن محمد اسماعیل الحسینی)
شماره قفسه
دارای جلد روغنی تاریخ زمان تألیف ۱۱۳۰
۹۱۶۸

شماره ثبت کتاب
۸۵۴۳۲
۱۱۸۹۵

۹۱۶۸

۵۱ - ۵۲

خطی - فهرست شده
۹۱۶۸



کتابخانه مجلس شورای ملی

فهرست ادعیه این کتاب

دعای اول الهام رزق

دعای حفظ دعای رفع غم و همّ دعای برای حاجة

دعای بعد تعقیب هر نماز دعای مسجد دعای جمعه

دعای ... دفع شر دعای امام جعفر صادق عهد ... مظلوم

دعاء لدفع ... دعاء لدفع خوف دعاء آخر لدفع الخوف والضرر

دعاء ... دعاء الالحاح دعاء کثیر الفضیلة المشهور ...

دعاء لدفع الاعداء المروی عن الرضا دعاء المروی عن محمد الجواد علیه السلام لانجاح الحاجات

دعاء ... المروی عن علی النقی دعاء لدفع ...

دعاء لدفع القائم دعاء لدفع ... دعاء ... دعاء الاعتقاد

ادعیة الوسایل جوشن صغیر جوشن ... المروی عن الصادق دعاء ... المروی عن القائم عجل الله فرجه

دعاء ... دعاء الجامع دعاء ... فاطمة الزهراء سلام الله علیها دعاء لدفع ... السحر

دعائی که در هر صبح خوانده میشود تسبیحی که بعد از هر نماز خوانده میشود

دعاء ... دعاء یدعو به فی کل صبح دعاء یدعو به عقیب اکثر صلوة دعاء ... لدفع البلاء

دعاء لدفع ... دعاء یدعو به فی الصبح دعاء یدعو به فی زمان الخوف ... دعاء

یدعو به ... دعاء لدفع ... دعاء لرفع ... دعاء آخر لرفع ... دعاء یدعی به ...

دعاء یدعو به لیلة الجمعة دعاء ... الخوف من الخلق دعاء الفرج ... للحفظ من البلاء

دعاء لطلب الامان من الله دعاء ... الخوف من الخلق دعاء لدفع کید الاعداء دعاء لقضاء الحاجة

دعاء آخر کذلک دعاء آخر کذلک دعاء ... دعاء ...

دعاء لدفع الشر دعاء لدفع ... دعاء ... دعاء آخر کذلک دعاء ...

حرز للحفظ حرز آخر کذلک دعاء لدفع ... دعاء ... دعاء ...

للخلاص من القتل دعاء کثیر الفضیلة دعاء لقضاء الحوائج دعاء ...

دعاء لطلب الرزق دعاء آخر کذلک دعاء زین العابدین

دعاء آخر کذلک دعاء للحفظ دعاء ... دعاء الحاجة

الکرب دعاء کذلک دعاء ... دعاء لدفع ... دعاء

لاداء الدین دعاء کذلک دعاء ... دعاء ... دعاء ...

دعاهائی که بعد از نماز صبح ... دعای ... صلوة ... صلوة النبی صلی الله علیه و آله

دعای ... دعاء ... مرض العین دعاء الصباح ... دعاء ...

توقیع القائم محمد بن صلت القمی دعاء عشرات دعاهائی که هر شب خوانده میشود

دعائی که در صبح خوانده میشود دعاء آخر یدعو به فی کل صباح و مساء دعاء یدعو به فی ...

ادعیه ایام الاسبوع دعاء زین العابدین دعاء للحفظ دعاء لطول العمر تعقیب صلوة العصر

بسم الله الرحمن الرحیم

کنوز نجاح و رستکاری و خزاین فلاح و دینداری را مفتاح باب
سعادت مآب حمد و ثنای جناب رب الارباببست جل شانه که
بمقتضای صدق انتمای کنت کنزا مخفیا از وجود هر موجود مشعلهٔ
تجلی روشن در نظر بر معرفت ذات مفیض الجود خود فروزان نمود
و بمؤدای حقیقت اقتضای ادعونی استجب لکم گرسنه چشمان خوان
حوایج را در مهمانخانهٔ کرم بر سر سفرهٔ اجابت دعوت فرمود صدق
وار کف دعائی که بدرگاه بی نیازش بلند گردد و از دریای رحمتش
بسؤال مدعا نماید لبریز گوهر حصول مأمول و لبالب درر وصول مسئول
گشته از سیم تهی دستی خواهد شد و سمع سار هر انسانی که در بزم عبادتش
ثابت قدم باشد و زبان بذکر آیات ثنایش گشاید مدام روشن
دل و نور فزای هر محفل خواهد بود الا له الخلق و الامر
تبارک الله رب العالمین و وسیلهٔ قبول عبادات و باعث استجابت
دعوات صلوات تامات و تسلیمات نامیاتست بر سرور داعیان
بشاهراه عبودیت معبود و بشیر و هادیان بصراط المستقیم بندگی
ایزد ودود اولین وجود آخرین نمود از ایجاد عوالم امکان مقصود
مصدق رتبهٔ اعلای رسالتش قاب قوسین او ادنی مفسر مصحف

کتابخانه
جعفر سلطان القرائی
تبریز ۱۳۶۵ قمری

والای نبوتش ان هو الا وحی یوحی مقتدای هر دو سرا محمد مصطفی
و بر آل اطهار و اهل بیت ابرار آن قافلهسالار اخیار که سفاین
نجات امت و مصابیح شبستان هدایت و وسایط افاضهٔ فیض
خالق و وسایل قبول مسایل خلایق اند علی الخصوص دانای اسرار
هل اتی کشاف رموز لو کشف الغطاء موضوع علوم مجموعهٔ دین
عدهٔ سفر عقبای اهل یقین امام المتقین و یعسوب الدین علی بن
ابی طالب امیر المؤمنین صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین
اما بعد چون از برکات الطاف والای خداوند مستعان و میامن
فیض بی منتهای ایزد منان که مدام دلیل طالبان راه حق و هادی
سالکان سبیل رضای واهب مطلق است خاطر خطیر ناظر ارجمند
و طبع مبارک آسمان پیوند بندگان نواب کامیاب گردون جناب
مقدس القاب عالیان مآب اعظم پادشاهان صاحب نام اکرم
سلاطین کیوان غلام آفتاب سپهر عدالت خورشید اوج عظمت و
جلالت حکمرانی آفاق را متصرف بحق بسیط زمین را فرمان فرمای
مطلق پادشاهی که نام آوران جهان مهجهٔ خود را در منهاج اطاعتش
مبذول دارند و سروران دوران عدهٔ خویش را در راه خدمت
گذاریش گذارند شاهنشاهی که مجموعهٔ آرام و امنیت بلاد از خط
فرمانش بتصحیح رسیده و نسخهٔ عتیقهٔ بندگیش بر عباد بمرور ایام

از واجبات گردیده. عظیم الاقتداری که مصباح سلطنتش مقتبس
دولت سلاطین ربع مسکون. و مفتاح شوکتش کشاینده ابواب دهر
بوقلمون است. بلند مقداری که خواقین گیتی پناه صحیفه عدالتش را
منتسخ فرمانروائی دانند. و دعوات دوام دولتش را هر صبح و شام
جهت حفظ میخوانند. صائب تدبیری که از دست گشاده در هر طرف
رایت انا فتحنا افراخته. کشور گیری که قادر توانا زبان داعیانش را
در دفع اعدا بمثابه سیف و سنان ساخته. صاحب احتشامی که در
درگاهش جبین سائی کسری و قیصر اگر کسر شأنش نباشد بر جلالتش بیفزاید
عالیمقامی که بر آستانش خاقان و فغفور هر یک که سر گذارد از بن دولت
دل بر نمیدارد. همت بلندش باعلاء لوای کلمة الله مقصور. نهمت
ارجمندش باذعان فرمان کونوا انصار الله مشهور. یگانه گوهر درج
اصطفا. فروزان اختر برج ارتضا. سالک شاهراه شرع انور.
پاسبان مذهب حق ائمه اثنی عشر. غلام باخلاص امیر المؤمنین حیدر
خادم عتبات ذریه پاک پیغمبر. السلطان الجلیل المؤید و
الخاقان النبیل المسدد. رافع الویة البسالة. باسط بساط
العدل و الجلالة. سلطان سلاطین الامم. مولی ملوک العالم.
اصل اصول الجود و الکرم. و القاهر علی العرب و العجم. و الترک
و الدیلم. المؤید بتأییدات الملک المنان. السلطان بن السلطان

بن السلطان. و الخاقان بن الخاقان بن الخاقان. ابو المظفر
شاه سلطان حسین الصفوی الموسوی الحسینی بهادر خان لا زالت
ایدی الداعین لدوام دولته مبسوطة بالدعاء. و اعلام عظمته
و جلالته مرفوعة الی اعنان السماء. پیوسته راغب و مایل
به تتبع آثار اهل بیت طاهرین. و تصفح اطوار ائمه معصومین
صلوات الله علیهم اجمعین است. و اشتغال باشغال سلطنت
و انجام مهام سپاهی و رعیت. و تنظیم آنها بر وجه کامل و لایق. و
رضا جوئی خالق و خلایق. که افاخم خواقین صاحب تخت و کلاه را
دست تصرف از ادنی مراتب آن قاصر و کوتاه است. آن شاهنشاه عالم
پناه را از صرف اوقات در وظایف طاعات و اکتساب حسنات.
که سرآمد جمله سعادات است باز نمیدارد. و اکثر اوقات تحصیل
رسائل اذکار و دعوات. و مجموعهای مؤلفه در عبادات و تفحص
کتب ادعیه و اعمال وارده از مقربان درگاه ایزد متعال مینمایند.
که بدان وسیله نشر آثار پیشوایان دین. و شکرگزاری خالق معین
فرموده باشند. و در این اوان خیر اقتران نسخه عتیقه مشتمله بر دو
مجموعه کثیرة المنفعة. یکی مجموعه مشهوره مسماة بکنوز النجاح که از
نفایس مجموعهای دعا و محتوی است بر حرزهای معتبره و عوذهای
شریفه و ادعیه جامعه مأثوره که بجهت اکثر مطالب و مقاصد از

اهل بیت عصمت منقول و وارد شده. و دیگری مجموعه معروفه مسمّاة
بعدة السفر و عمدة فی الحضر که آن نیز از مجموعهای مرغوبهٔ مؤلفه
در دعا و عبادات. و مشتمل است بر بسیاری از صلوات مستحبّه
و تعقیبات و اذکار معتبره و ادعیهٔ ایّام هفته. و دعاهای مخصوص
بایّام و لیالی متبرّکه و برخی از دعاهائی که بجهت بعضی مطالب و اغراض
و دفع بسیاری از علل و امراض از مخازن علوم رسالت و امامت
نقل و روایت شده بنظر آفتاب مثال آن پادشاه بلند اقبال رسید
و آن هر دو رسالهٔ شریفهٔ منیفه از جملهٔ مؤلّفات محمّد بن علمای
امامیّه رضوان الله تعالی علیهم و اکثر ادعیه و اعمالی که در آنها
مذکور است با آنچه در کتب مشهورهٔ معتبره که معتمد علما تالیف
نموده اند مسطور است موافق و مطابق. و بدان جهت اعتماد و وثوق را
سزاوار و لایق است مع هذا معروض قوایم سریر آن خسرو جهان بخش
عالمگیر داشته بودند که شیخ جلیل فاضل و نحریر نبیل کامل قدوة
المحقّقین. و اسوة المدقّقین. منبع العلوم الربّانیّه. جامع الکمالات
النفسانیّه. خاتم المجتهدین. معدن الفضل و الحقّ و الیقین. مروّج
المذهب شیخ علی بن عبد العالی الکرکی. قدّس الله تعالی روحه. و جعل
رحیق الرضوان غبوقه و صبوحه. بر نسخهٔ مزبوره کردیده و از مرور او
بر تبهٔ تصحیح رسیده. و آثار خط آن شیخ مرحوم از نسخهٔ مزبوره ظاهر

و آبان

و ابان و بدان سبب اعتبار را شایان است. و خاطر خطیر بیضا
نشان آن فرمانفرمای اهل جهان متعلّق گردید که بر مضامین صواب
قرین آن بتفصیل اطلاع حاصل نمایند. لهذا داعی دوام دولت قاهره
محمّد باقر بن اسمعیل الحسینی الخاتون آبادی را مورد اشفاق و
عنایات خورشید مثال و مأمور امر واجب الاتّباع لازم الامتثال
ساختند که دو رسالهٔ مزبوره را فارسی نموده بنظر انور اکسیر خاصیت
آن مهر سپهر سلطنت و عظمت رساند. امتثالاً لامره الاشرف الارفع
الامجد. لا زال نافذاً فی الآفاق بعون الملک الاحد. بفارسی نمودن
آنها مشغول گردید. امید که مقبول طبع حق گزین و پسند خاطر معدلت
آیین آن پادشاه جملهٔ روی زمین گشته در عالی درجهٔ استحسان
جلوه گر و ثواب آن عاید بروزگار فرخندهٔ سپهر آن خسرو دادگر گردد
و هو الموفّق و المعین مؤلّف کتاب کنوز النجاح بعد از حمد خداوند منّان
و صلوة بر رسول آخر الزمان و آل اطهار علیهم صلوات الله الملک
الجبّار و وصف کتاب و سبب تالیف آن گفته است که دعای شریفی
که خوانده میشود بجهت حفظ نمودن خود و احتراز کردن از چیزهائی
که محلّ خوف باشد دعائیست که روایت کرده است آنرا حضرت امام
جعفر صادق علیه الصلوة و السلام از پدر بزرگوار خود علیه الصلوة
و السلام که جابر بن عبد الله انصاری رضی الله تعالی عنه گفت آ

دعا بجهت ایمن شدن از غرق و سوخته شدن و ایمن شدن از هر چه از آن خوف داشته باشد و این دعا را حضرت پیغمبر صلّی الله علیه و آله در جنگی از جنگها بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام تعلیم نموده

که جبرئیل علیه السلام بر حضرت رسول صلی الله علیه وآله نازل شد
و این دعا را آورد و آنحضرت این دعا را در جنگی از جنگها بحضرت
امیر المؤمنین علیه الصلوة والسلام تعلیم نمود و برای این
دعا حکایتی هست که آنرا درین کتاب ذکر نمودیم و این دعا
امانیست از غرق شدن و سوخته شدن و از قهر و سختی
کبری هر جبر کننده و از هر چیزی که از آن ترسان باشی و دعا اینست
بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ شَهِدَ اللهُ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ
بنام خدای بخشاینده مهربان گواهی داده است خدا که نیست خدائی مگر او
وَالْمَلٰئِكَةُ وَاُولُوا الْعِلْمِ قَآئِمًا بِالْقِسْطِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ
و فرشتگان و صاحبان علم در حالتی که برپا دارنده است عدل را نیست خدائی مگر او
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ اِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللهِ الْاِسْلَامُ وَنَحْنُ عَلٰى مَا
که غالب درست کردار است بدرستی که دین حق نزد خدا اسلام است و ما بر آنچه
قَالَ رَبُّنَا مِنَ الشَّاهِدِينَ وَاَنَا اَشْهَدُ بِمَا شَهِدَ اللهُ وَ
گفته است پروردگار ما از جمله گواهانیم و من گواهی میدهم بآنچه گواهی داده است خدا و
اَسْتَوْدِعُ اللهَ هٰذِهِ الشَّهَادَةَ وَهٰذِهِ الشَّهَادَةُ هِيَ لِي
بامانت میسپارم بخدا این شهادت را و این شهادت این شهادت برای من
وَدِيعَةٌ عِنْدَ اللهِ حَتّٰى يُؤَدِّيَهَا اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ اَللّٰهُمَّ
امانتی است نزد خدا تا آنکه ادا کند آنرا تا روز قیامت خداوندا

اِنِّي اَعُوذُ بِكَ وَبِنُورِ قُدْسِكَ وَعَظَمَةِ طَهَارَتِكَ وَ
بدرستی که من پناه میبرم بتو و بروشنی پاکیزگی تو و عظیم بودن پاکی تو و
بَرَكَةِ جَلَالِكَ مِنْ كُلِّ اٰفَةٍ وَعَاهَةٍ وَطَارِقِ الْجِنِّ وَ
ثابت بودن بزرگواری تو از هر آفتی و بلائی و از وارد شونده جن و
الْاِنْسِ اِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ عِيَاذِي فَبِكَ
آدمی مگر وارد شونده که وارد شود بخوبی خداوندا توئی پناه من پس بتو
اَعُوذُ وَاَنْتَ مَلَاذِي فَبِكَ اَلُوذُ يَا مَنْ ذَلَّتْ لَهُ رِقَابُ
پناه میبرم و توئی ملجاء من پس بتو التجا می آورم ای کسی که خوار گردیده است برای او گردنهای
الْجَبَابِرَةِ وَخَشَعَتْ لَهُ مَغَائِظُ الْفَرَاعِنَةِ اَعُوذُ بِجَلَالِ
جباران و خشوع نموده برای او خشمهای سخت سرکشان پناه میبرم ببزرگی
وَجْهِكَ وَكَرَمِ جَلَالِكَ مِنْ خِزْيِكَ وَكَشْفِ سِتْرِكَ
ذات تو و گرامی بودن بزرگی تو از خوار گردانیدن تو و برداشتن پرده تو
وَنِسْيَانِ ذِكْرِكَ وَالْاِضْرَابِ عَنْ شُكْرِكَ اَنَا فِي كَنَفِكَ
و فراموش نمودن یاد کردن تو و در گذشتن از شکرگذاری تو من در پناه توام
اٰنَاءَ لَيْلِي وَنَهَارِي وَنَوْمِي وَقَرَارِي وَظَعْنِي وَاَسْفَارِي
در اوقات شب خود و روز خود و خواب خود و قرار خود و کوچ کردن خود و سفر کردن خود
ذِكْرُكَ شِعَارِي وَثَنَاؤُكَ دِثَارِي لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ تَنْزِيهًا
یاد کردن تو شعار من است و ستایش تو دثار من است میگویم که نیست خدائی مگر تو از جهت تنزیه کردن

لوجهك وكرما لسبحات وجهك اجرني من خزيك
ذات تو وگرامی داشتن نورهای ذات تو پناه ده مرا از رسوا کردن تو
ومن شر عذابك واضرب علي سرادقات حفظك و
و از شر عذاب تو و بزن برمن سراپردهای حفظ کردن خود را و
وق روعي بخير منك وحفظ عنايتك يا ارحم
نگاه دار و دفع کن خوف مرا بخوبی از جانب خود و حفظ کردن اعانت خود ای رحم کننده ترین
الراحمين سبحانك والحمد لله عدد قطرات ماء
رحم کنندگان تسبیح میکنم تورا و سپاس مر خدا راست بعدد قطرهای آب
الامطار سبحانك والحمد لله عدد ماء البحار سبحانك
بارانها تسبیح میکنم تورا و سپاس مر خدا راست بعدد آب دریاها تسبیح میکنم تورا
والحمد لله عدد الرمل والحصى سبحانك والحمد لله
و سپاس مر خدا راست بعدد ریگ روان و سنگ ریزها تسبیح میکنم تورا و سپاس مر خدا راست
عدد ما احصاه المحصون وتكلم به المتكلمون
بعدد آنچه شمرده اند آنرا شمرندگان و گویا شده اند بآن گویا شوندگان
وفوق ذلك الى منتهى قدرتك يا ذا الجلال
و بالاتر از آن تا نهایت قدرت تو ای صاحب بزرگی
والاكرام وصلى الله على محمد وآله وسلم
و گرامی داشتن و رحمت فرستد خدا بر محمد و آل او و سلام فرستد

دعای دیگر

دعای دیگر بجهت مطلبی که مذکور شد

دعای دیگر بجهت ابن مطلب و این دعا را حضرت رسول خدا صلی الله علیه
و آله با انس بن مالک تعلیم نموده و فرموده است که این دعا را هر روز بخوانی
پس بدرستی که هر روز که این دعا را بخوانی نمیرسد بتو در آن روز آزاری و ناخوشی
از شیطانی و نه از پادشاهی و نمیرسد بتو آفتی از جنیان و آدمیان و دعا اینست
بسم الله الرحمن الرحيم والحمد لله رب العالمين محمد
ابتدا میکنم بنام خدای بخشاینده مهربان و سپاس مر خدا راست که پروردگار عالمیانست محمد
رسول الله صلى الله عليه وآله بسم الله على ديني ونفسي
رسول خداست رحمت فرستد خدا بر او و آل او بنام خدا بر دین من و نفس من
بسم الله على اهلي ومالي بسم الله على كل شيء اعطاني
بنام خدا بر اهل من و مال من بنام خدا بر هر چیزی که عطا کرده است بمن
ربي بسم الله خير الاسماء بسم الله رب الارض و
پروردگار من بنام خدا بهترین نامها بنام خدا پروردگار زمین و
السماء بسم الله الذي لا يضر مع اسمه داء بسم الله
آسمان بنام خدائی که ضرر نمیرساند با نام او دردی بکلمه بسم الله
افتتحت وعلى الله توكلت لا حول ولا قوة الا بالله
افتتاح کردم و بر خدا توکل کردم نیست گردشی و نه توانائی مگر بخدا
لا حول ولا قوة الا بالله الله اكبر الله اكبر
نیست گردشی و نه توانائی مگر بخدا خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است

اَللهُ اَكْبَرُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ
خدا بزرگتر است نیست خدائی مگر الله که بردبار صاحب کرم است نیست خدائی مگر الله
الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ
که بلند رتبه بزرگ مرتبه است تسبیح میکنم خدا را که پروردگار آسمانهای هفتگانه است و پروردگار
الْعَرْشِ الْعَظِيمِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ
عرش عظیم است سپاس مر خدا را که پروردگار عالمهاست عزیز است همسایهٔ تو و بزرگست
ثَنَاؤُكَ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي فِي جِوَارِكَ
ثنای تو و نیست خدائی مگر تو خداوندا بگردان مرا در پناه خود
مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ وَمِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ اِنَّ وَلِيِّيَ
از شر هر صاحب شری و از شر شیطان رانده شده بدرستی که دوست من
اللهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ فَاِنْ تَوَلَّوْا
خدائیست که فرو فرستاده است قرآن را و او متوجه کارهای صالحان است پس اگر رو بگردانند
فَقُلْ حَسْبِيَ اللهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ
پس بگو که بس است مرا خدا نیست خدائی مگر او بر او توکل کردم و او
رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
پروردگار عرش بزرگ است و رحمت فرستد خدا بر محمد و آل او و سلام فرستد
دعای دیگر در این باب و این دعا را حضرت رسول خدا صلی الله
علیه و آله بحضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها تعلیم نموده

یا معنی اینست که خدا متوجه کارهای صالحان است و او دوست میدارد صالحان را یا صالحان را دوست خود نیکو داند

دعا جهت دفع غم و سختی و فتح و ظفر که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله بحضرت فاطمه صلوات الله علیها تعلیم نموده است

و فرموده است که ای فاطمه هرگاه برسد بتو غمی یا سختی یا بترسی
از پادشاه تکبر کننده یا از مردمان حاجتی سؤال کنی و آن حاجت
تورا مانده و عاجز کردانیده باشد پس این دعا را بخوان پس قسم باکسی
که جان من در دست اوست که نخواندم این دعا را در وقت جنگ مگر آنکه فتح
و ظفر یافتم و نخواندم این دعا را بر ضرر دشمنی مگر آنکه نصرت و یاری یافتم و
نخواندم این دعا را برای تو و برای فرزندان تو مگر آنکه دیدم در شما اثر آنرا که میخواستم ای فاطمه بگو
يَا عَالِمَ الْغُيُوبِ وَالسَّرَائِرِ يَا مُطَاعُ يَا عَزِيزُ يَا عَلِيمُ يَا هَازِمَ
ای دانای غیبها و پنهانیها ای اطاعت کرده شده ای غلبه کننده ای بسیار دانا ای گریزاننده
الْاَحْزَابِ لِاَحْمَدَ يَا كَائِدَ فِرْعَوْنَ لِمُوسَى يَا مُنْجِيَ عِيسَى مِنْ
گروهها برای احمد ای کید کننده فرعون برای موسی ای نجات دهنده عیسی از
اَيْدِي الظَّلَمَةِ يَا مُخَلِّصَ نُوحٍ مِنَ الْغَرَقِ يَا فَاعِلَ كُلِّ خَيْرٍ يَا
دستهای ظالمان ای خلاص کننده نوح از غرق شدن ای کننده هر خیری ای
هَادِيًا اِلَى كُلِّ خَيْرٍ يَا دَالًّا عَلَى كُلِّ خَيْرٍ يَا آمِرًا بِكُلِّ خَيْرٍ يَا خَالِقَ
هدایت کننده بسوی هر خیری ای دلالت کننده بر هر خیری ای امر کننده بهر خیری ای آفریننده
الْخَيْرِ يَا اَهْلَ الْخَيْرِ اَنْتَ اللهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ قَدْ رَغِبْتُ اِلَيْكَ
خیر ای اهل خیر توئی خدائی که نیست خدائی مگر تو بتحقیق که رغبت کرده ام بتو
فِيمَا قَدْ عَلِمْتَ فَاَجِبْنِي بِفَضْلِكَ يَا اَللهُ يَا رَحْمٰنُ
در چیزی که بتحقیق دانسته پس اجابت کن مرا بفضل خود ای خدا ای بخشاینده

دعائیست عظیم الشان که زود مستجاب میکردد واز حضرت امیر المؤمنین صلوات الله وسلامه علیه روایت شده است

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْاَلُکَ بِاِسْمِکَ الْعَظِیمِ الْاَعْظَمِ الْاَجَلِّ الْاَکْبَرِ
خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم تورا بحق نام تو که عظیم واعظم است وجلیل تر وبزرکتر است

اَلْمَخْزُونِ الْمَکْنُونِ النُّورِ الْبُرْهَانِ الْحَقِّ الْمُبِینِ الَّذِی
وخزانه کذاشته وپنهان کرده شده است وهدایت کننده او وحجت حق وواضح که

هُوَ نُورٌ مِنْ نُورٍ مَعَ نُورٍ نُورٌ فِی نُورٍ نُورٌ عَلیٰ نُورٍ نُورٌ فَوْقَ
آن نوریست از نور با نور نوریست در نور نوریست بر نور نوریست بر روی

کُلِّ نُورٍ نُورٌ عَلَا کُلَّ نُورٍ وَنُورٌ یُضِیٓءُ بِهِ کُلُّ ظُلْمَةٍ
هر نوری نوریست که بلند است بر هر نوری ونوریست که روشن میشود بآن هر تاریکی

وَیَنْکَسِرُ بِهِ شِدَّةُ کُلِّ شَیْطَانٍ مَرِیدٍ وَکُلِّ جَبَّارٍ عَنِیدٍ
وشکسته میشود بآن سختی هر شیطان سرکشی وهر جبار عناد ورزنده

وَلَا تَقِرُّ لَهُ اَرْضٌ وَلَا تَقُومُ لَهُ سَمَآءٌ وَیَامَنُ بِهِ کُلُّ خَآئِفٍ
وقرار نمیکیرد برای آن زمین وبرپا نمی ایستد برای آن آسمان وایمن میشود بآن هر ترسانی

وَیَبْطُلُ بِهِ سِحْرُ کُلِّ سَاحِرٍ وَبَغْیُ کُلِّ بَاغٍ وَحَسَدُ کُلِّ حَاسِدٍ
وباطل میشود بآن سحر هر سحر کننده وزیادتی هر زیادتی کننده وحسد هر حسد برنده

وَیَتَصَدَّعُ لِعَظَمَتِهِ الْبَرُّ وَالْبَحْرُ وَیَسْتَقِلُّ بِهِ الْفُلْکُ حَتّیٰ
وشکافته میشود برای عظمت آن صحرا ودریا وراست می ایستد وبرامیرود بآن کشتی در وقتی

بحق

دعای عظیم الشان که زود مستجاب میکردد

یَتَکَلَّمَ بِهِ الْمَلَکُ فَلَا یَکُونُ لِلْمَوْجِ عَلَیْهِ سَبِیلٌ وَهُوَ اِسْمُکَ یَا اَللّٰهُ
سخن میکوید بآن فرشته پس نمیباشد برای موجه بر آن کشتی راهی وآن نام تست ای خدا

الْاَعْظَمُ الْاَجَلُّ النُّورُ الْاَکْبَرُ الَّذِی سَمَّیْتَ بِهِ نَفْسَکَ
که عظیم تر وبزرکتر است وراهنمای بزرکتر است که نامیده بآن ذات خودرا

وَاسْتَوَیْتَ بِهِ عَلیٰ عَرْشِکَ وَاسْتَقْرَرْتَ بِهِ عَلیٰ کُرْسِیِّکَ
ومستولی شده بآن بر عرش خود ومتمکن شده بآن بر کرسی خود

وَاَتَوَجَّهُ اِلَیْکَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَاَسْاَلُکَ
وروی می آورم بسوی تو بمحمد که رحمت فرستد خدا براو وبر آل او وسؤال میکنم تورا

بِهِ وَبِهِمْ اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقْضِیَ حَاجَتِی هٰذِهِ
بحق او وبحق ایشان اینکه رحمت فرستی بر محمد وآل محمد وبرآوری حاجت مرا این حاجت

فَرِیبًا کَلَمْحِ الْبَصَرِ بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ وَاَنْ تَفْعَلَ بِی کَذَا وَکَذَا
بزودی مانند برهم زدن چشم برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندکان واینکه بکنی بمن چنین وچنین

وبجای کذا وکذا حاجت خود را بکوید پس بدرستی که مستجاب میکردد ان شاء الله تعالی دعای دیکر جبرئیل امین علیه السلام این دعارا بجهت حضرت رسول خدا صلی الله علیه وآله هدیه آورده است وحضرت رسول صلی الله علیه وآله انرا بحضرت امیر المؤمنین علیه الصلوة والسلام تعلیم نموده وجبرئیل فرموده است که یا محمد این دعا هدیه ایست از جانب پروردکار تعالی شانه ونوزده حرف است چهار

دعای هدیه که جبرئیل بحضرت رسول خدا صلی الله علیه وآله آورده وآنحضرت بحضرت امیر المؤمنین علیه الصلوة والسلام تعلیم نموده وخواندن آن سبب رفع غم میشود

حرف آن بر پیشانی اسرافیل نوشته شده است و چهار حرف دیگر بر
پیشانی جبرئیل و چهار حرف دیگر بر پیشانی میکائیل و چهار حرف دیگر
بر اطراف عرش و سه حرف آن بر پیشانی عزرائیل نوشته شده است و این دعا را
غمگینی نمیخواند مگر آنکه حق تعالی کفایت کار او میکند و غم او را زایل میکرداند و دعا اینست
یا عِمادَ مَنْ لا عِمادَ لَهُ وَ یا ذُخْرَ مَنْ لا ذُخْرَ لَهُ وَ یا سَنَدَ
ای محل اعتماد کسی که محل اعتمادی برای او نباشد و ای ذخیره کسی که ذخیره برای او نباشد و ای معتمد
مَنْ لا سَنَدَ لَهُ وَ یا غِیاثَ مَنْ لا غِیاثَ لَهُ یا حِرْزَ الضُّعَفاءِ
کسی که معتمدی برای او نباشد و ای فریادرس کسی که فریادرسی برای او نباشد ای پناه ضعیفان
یا عَظیمَ الرَّجاءِ یا مُنْقِذَ الْغَرْقی یا مُنْجِیَ الْهَلْکی یا مُحْسِنُ یا
ای کسی که بزرگست امید باو ای خلاص کننده غرق شدگان ای نجات دهنده هلاک شدگان ای احسان کننده ای
مُجْمِلُ یا مُفْضِلُ یا مُنْعِمُ اَنْتَ الَّذی سَجَدَ لَکَ سَوادُ اللَّیْلِ
نیکوئی کننده ای تفضل کننده ای نعمت دهنده توئی که سجده کرده است برای تو سیاهی شب
وَ نُورُ النَّهارِ وَ ضَوْءُ الْقَمَرِ وَ شُعاعُ الشَّمْسِ وَ حَفیفُ الشَّجَرِ
و روشنائی روز و نور ماه و شعاع آفتاب و صدای درختان
وَ دَوِیُّ الْماءِ یا اَللّهُ لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ اِفْعَلْ بی کَذا وَ کَذا
و صدای آب ای خدا نیست خدائی مگر تو بکن بمن چنین و چنین
و بجای کذا و کذا حاجت خود را باید گفت دعائی که در عقب همه نمازها
فریضه خوانده میشود حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله این دعا را

بحضرت امام حسن و امام حسین صلوات الله علیهما تعلیم
نموده و فرموده است که هر که خواهد که بیرون رود از
دنیا و حال آنکه پاک و خالص شده باشد از گناهان چنانکه
خالص میشود طلائی که غشی در آن نباشد و کسی از و طلب مظلمه
نکند پس در عقب هر یک از نمازهای پنجگانه بخواند نسبت پروردگار تعالی
شانه یعنی سوره قل هو الله احد را دوازده مرتبه بعد از آن دست خود را بدعا بگشاید و بگوید
اَللّهُمَّ اِنّی اَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الْمَکْنُونِ الْمَخْزُونِ الطّاهِرِ
خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم تو را بحق نام تو که پنهان کرده شده خزانه کرده شده پاک
الطُّهْرِ الْمُبارَکِ وَ اَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الْعَظیمِ وَ سُلْطانِکَ الْقَدیمِ
پاکیزه مبارک است و سؤال میکنم ترا بحق نام تو که عظیمست و پادشاهی تو که قدیم است
یا واهِبَ الْعَطایا یا مُطْلِقَ الْاُساری یا فَکّاکَ الرِّقابِ مِنَ النّارِ
ای بخشنده عطاها ای رها کننده اسیرها ای خلاص کننده گردنها از آتش
وَ اَسْأَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتی
و سؤال میکنم تو را اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه آزاد کنی گردن مرا
مِنَ النّارِ وَ تُخْرِجَنی مِنَ الدُّنْیا آمِنًا وَ تُدْخِلَنِی الْجَنَّةَ سالِمًا
از آتش و بیرون بری مرا از دنیا در حالی که ایمن باشم و داخل کنی مرا بهشت در حالی که سالم باشم
وَ اَنْ تَجْعَلَ دُعائی اَوَّلَهُ فَلاحًا وَ اَوْسَطَهُ نَجاحًا وَ آخِرَهُ
و اینکه بگردانی دعای مرا اولش را رستگاری و وسطش را فیروزی و آخرش را

تعقیب هر نماز که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله بحضرت امام حسن و حضرت امام حسین صلوات الله علیهما تعلیم نموده و خواندن آن سبب آمرزش همه گناهان است

دعائی که حضرت امام
زین العابدین علیه الصلوة
والسلام میخوانده‌اند در وقتی
که مهمی او را رو میداده یا
شدت و سختی او را پیش می‌آمده

فلاحا انک انت علام الغیوب دعای دیگر که مرویست از حضرت
رستکاری بد رستی که تو توئی بسیار دانای غیبها امام زین العابدین علیه الصلوة والسلام
و آنحضرت آن دعا را میخوانده است هرگاه مهمی او را
عارض میشده یا حادثه و شدتی او را پیش می‌آمده و دعا اینست
یا من تحل به عقد المکاره و یا من یفثاء به حد الشدائد
ای کسی که کشوده میشود باو گرههای ناخوشیها وای کسی که ساکن میشود باو تندی سختیها
و یا من یلتمس منه المخرج الی روح الفرج ذلت
وای کسی که طلب کرده میشود ازو بیرون رفتن از تنکی براحت کشایش آسان شده است
لقدرتک الصعاب و تسببت بلطفک الاسباب وجری
بقدرت تو همه دشوارها و سبب کردیده است بلطف تو همه سببها و جاری شده است
بقدرتک القضاء و مضت علی ارادتک الاشیاء فهی
بقدرت تو حکم و روان شده است بر وفق خواهش تو همه چیزها پس همه اینها
بمشیتک دون قولک مؤتمرة و بارادتک دون نهیک
بمحض خواهش تو بی کفتن تو فرمان بردارند و بمجرد اراده تو بی آنکه نهی کنی
منزجرة انت المدعو للمهمات و انت المفزع فی الملمات
منع کرده شده اند توئی خوانده شده برای کارهای عظیم و توئی پناه در بلاهائی که نازل شود
لا یندفع منها الا ما دفعت و لا ینکشف منها الا ما کشفت
دفع نمیشود از بلاها مکر آنچه تو دفع کنی و برطرف نمیشود از آنها مکر آنچه تو برطرف کنی

و قد نزل بی یا رب ما قد تکادنی ثقله و
و بتحقیق که رسیده است بمن ای پروردکار من آنچه بتحقیق که دشوار است بر من سنکینی آن و
الم بی ما قد بهظنی حمله و بقدرتک اوردته
نازل شده است بمن آنچه بتحقیق که کران کردیده بر من برداشتن آن و بقدرت خود وارد ساخته آنرا
علی و بسلطانک وجهته الی فلا مصدر لما
بر من و بسلطنت خود متوجه ساخته آنرا بسوی من پس نیست باز کرداننده برای آنچه
اوردت و لا صارف لما وجهت و لا فاتح لما
وارد ساخته باشی و نیست بر کرداننده برای آنچه تو متوجه ساخته باشی و نیست کشاینده برای آنچه
اغلقت و لا مغلق لما فتحت و لا میسر لما عسرت
تو بسته باشی و نیست کسی که به بندد آنچه را که تو کشوده باشی و نیست آسان کننده برای آنچه تو دشوار کرده باشی
و لا ناصر لمن خذلت فصل علی محمد و آله و افتح
و نیست یاری کننده برای کسی که تو خوار کرده باشی پس رحمت بفرست بر محمد و آل او و بکشای
لی یا رب باب الفرج بطولک و اکسر عنی سلطان
برای من ای پروردکار من در کشایش را بفضل خود و بشکن از من سلطنت
الهم بحولک و انلنی حسن النظر فیما شکوت و اذقنی
اندوه را بقوت خود و برسان بمن خوبی نظر کردن را در آنچه شکوه آن کردم و بچشان بمن
حلاوة الصنع فیما سالت و هب لی من لدنک رحمة
شیرینی کار را در آنچه سؤال کردم و ببخش بمن از جانب خود رحمتی

وَفَرَجاً هَنِيئاً وَاجْعَلْ لِي مِنْ عِنْدِكَ مَخْرَجاً وَحِيّاً وَلا

وگشادگی گوارائی و بگردان برای من از نزد خود بیرون شدن از این بلا بزودی و

تَشْغَلْنِي بِالاهْتِمامِ عَنْ تَعاهُدِ فُرُوضِكَ وَاسْتِعْمالِ

مشغول مگردان مرا بسبب اندوه از رعایت نمودن واجبهای تو و کردن

سُنَنِكَ فَقَدْ ضِقْتُ لِما نَزَلَ بِي يا رَبِّ ذَرْعاً وَ

سنتهای تو پس بتحقیق که طاقت ندارم این بلا را که نازل شده است ای پروردگار من و

امْتَلَأْتُ بِحَمْلِ ما حَدَثَ عَلَيَّ هَمّاً وَاَنْتَ الْقادِرُ عَلى

پر شده ام بسبب برداشتن آنچه حادث شده است بر من از اندوه و توئی قادر بر

كَشْفِ ما مُنِيتُ بِهِ وَدَفْعِ ما وَقَعْتُ فِيهِ فَافْعَلْ بِي

برطرف کردن آنچه مبتلا شده ام بآن و دفع کردن آنچه افتاده ام در آن پس بکن بمن

ذلِكَ وَاِنْ لَمْ اَسْتَوْجِبْهُ مِنْكَ يا ذَا الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

این را و اگرچه من مستحق نیستم آنرا از تو ای صاحب عرش بزرگ

دعائیست در محافظت نمودن خود و احتراز کردن از آفات این دعا را

روایت کرده است ابو حمزه ثمالی از حضرت امام محمد

باقر صلوات الله وسلامه علیه و آنحضرت فرموده است

که هرگاه من این دعا را بخوانم اگر همه جنیان و آدمیان بر ضرر من اجتماع نمایند نتوانند

و دعا اینست اِنَّ رَبِّيَ اللهُ لا اِلهَ اِلاّ هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ

بدرستی که پروردگار من خدائیست که نیست خدائی مگر او بر او توکل کردم

دعا بجهت حفظ از همه آفات و بلیات

وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ حَسْبِيَ اللهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ لا حَوْلَ وَلا

و اوست پروردگار عرش بزرگ بس است مرا خدا و خوب وکیلی است نیست گردیدنی و

قُوَّةَ اِلاّ بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ما شاءَ اللهُ كانَ وَما لَمْ يَشَأْ لَمْ

توانائی مگر بخدای بلند رتبه بزرگ مرتبه آنچه خواسته است خدا شده است و آنچه نخواسته است

يَكُنْ اَشْهَدُ اَنَّ اللهَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَاَنَّ اللهَ قَدْ

نشده است گواهی میدهم اینکه خدا بر هر چیزی بغایت تواناست و اینکه خدا بتحقیق

اَحاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْماً وَاَحْصى كُلَّ شَيْءٍ عَدَداً اَللّهُمَّ اِنِّي

فرو گرفته است بهر چیزی علم او و شمرده است عدد هر چیزی را خداوندا بدرستی که من

اَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ رَبِّي آخِذٌ بِناصِيَتِها

پناه میبرم بتو از شر نفس خود و از شر هر جنبنده که پروردگار من گیرنده است موی پیشانی او را

اِنَّ رَبِّي عَلى صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ اَلْحَمْدُ

بدرستی که پروردگار من بر راه راست است بنام خدای بخشاینده مهربان سپاس

لِلّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ مالِكِ يَوْمِ الدِّينِ اِيّاكَ

مر خدا را پروردگار عالمها بسیار رحم کننده مهربان صاحب روز جزا همین تو را

نَعْبُدُ وَاِيّاكَ نَسْتَعِينُ اِهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِيمَ صِراطَ

عبادت میکنیم و همین از تو یاری میجوئیم هدایت کن ما را راه راست راه

الَّذِينَ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلا الضّالِّينَ

جماعتی که انعام کرده بر ایشان نه غضب کرده شده بر ایشان و نه گمراهان

مطلب آنکه بودن پروردگار بر راه راست اینست که همه افعال او از روی عدالت است و عذاب کردن و رحمت و انعام او بطریق صحیح و عدالت است و حکمت و همه افعال او حقی باشد

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ مَلِكِ النَّاسِ
بنام خدای بخشاینده مهربان بگو که پناه میبرم بپروردگار ادمیان پادشاه ادمیان
اِلٰهِ النَّاسِ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي
معبود بحق ادمیان از شر وسوسه کننده پنهان شونده که وسوسه میکند در
صُدُورِ النَّاسِ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
سینهای مردمان از جنیان و ادمیان بنام خدای بخشاینده مهربان
قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ اِذَا وَقَبَ
بگو که پناه میبرم بپروردگار صبح از شر انچه افریده است و از شر شب بسیار تاریک هرگاه [در] اید
وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ اِذَا حَسَدَ
و از شر زنان دمندگان در گرهها و از شر حسد برنده هرگاه حسد برد
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ اَللّٰهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَ
بنام خدای بخشاینده مهربان بگو اوست خدای یکتا خدا است بی نیاز که مقصود در حاجتها است نزاییده
لَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ
و زاییده نشده است و نیست برای او همتا کسی خدا نیست خدائی مگر او که زنده
الْقَيُّومُ لَا تَاْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا
بخود برپا است فرا نمیگیرد او را سنه و نه خوابی از برای اوست انچه در اسمانها و انچه
فِي الْاَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ اِلَّا بِاِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ
در زمین است کیست انکه شفاعت کند نزد او مگر برخصت او میداند انچه را که پیش

سنه فرو روشنی است که پیش از خواب بهم رسد

ابریم

اَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ اِلَّا بِمَا شَاءَ
روی ایشانست و انچه را که پشت ایشانست و احاطه نمیکنند ایشان بچیزی از علم او مگر بانچه او خواسته است
وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ وَلَا يَؤُدُهُ حِفْظُهُمَا
وسعت دارد کرسی او اسمانها و زمین را و سنگین نمیکند او را نگاه داشتن انها
وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ لَوْ اَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْاٰنَ عَلٰى جَبَلٍ لَرَاَيْتَهُ
و اوست بلند مرتبه بزرگ رتبه اگر فرو میفرستادیم این قرانرا بر کوهی هر اینه میدیدی انرا
خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللّٰهِ وَتِلْكَ الْاَمْثَالُ نَضْرِبُهَا
فروتنی کننده از هم شکافنده از ترس خدا و این مثلهاست که میزنیم انهارا
لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ هُوَ اللّٰهُ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ
برای مردمان شاید که ایشان تفکر کنند اوست خدائی که نیست خدائی مگر او
عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللّٰهُ الَّذِي لَا
دانای غیب و شهادت است اوست بخشاینده مهربان اوست خدائی که نیست
اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ
خدائی مگر او پادشاه بسیار پاکیزه بی عیب سلام امان دهنده حفظ کننده عزیز
الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللّٰهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللّٰهُ الْخَالِقُ
جبار بزرگوار پاکست خدا از انچه شریک او میدانند مشرکان اوست خدای تقدیر کننده
الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ
افریننده صورت بخشنده از برای اوست نامهای نیکو تسبیح میکند برای او انچه در اسمانها

والارض وهو العزيز الحكيم ان ربكم الله الذي خلق السموات

و زمین است و اوست عزیز حکیم   بدرستی که پروردگار شما خدایست که آفرید آسمانها

والارض في ستة ايام ثم استوى على العرش يغشي الليل

و زمین را در شش روز پس مستولی شد بر عرش میپوشاند بپردهٔ شب

النهار يطلبه حثيثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات

روز را در حالی که طلب میکند از شتابکان و آفرید آفتاب را و ماه را و ستارها را در حالی که مسخر اند

بامره الا له الخلق والامر تبارك الله رب العالمين

بفرمان او آگاه باشید که از برای خداست خلق و امر مقدس است خدا پروردگار عالمیان

ادعوا ربكم تضرعا وخفية انه لا يحب المعتدين ولا

بخوانید پروردگار خود را از روی فروتنی و پنهانی بدرستی که خدا دوست نمیدارد از حد گذرندگان

تفسدوا في الارض بعد اصلاحها وادعوه خوفا وطمعا

فساد مکنید در زمین بعد از اصلاح آن و بخوانید خدا را از روی ترس و امید

ان رحمت الله قريب من المحسنين بسم الله الرحمن الرحيم

بدرستی که رحمت خدا نزدیک است به نیکوکاران   بنام خدای بخشاینده مهربان

والصافات صفا فالزاجرات زجرا فالتاليات ذكرا

قسم بجودم بگروهها که صف بستند صف بستنی پس راننده اند راندنی پس خوانندگان اند ذکر کردنی

ان الهكم لواحد رب السموات والارض وما بينهما ورب

بدرستی که خدای شما هر آینه یکی است پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آنها و پروردگار

المشارق انا زينا السماء الدنيا بزينة الكواكب وحفظا من

مشرقهاست بدرستی که ما زینت دادیم آسمان دنیا را بزینت ستارها و حفظی از

كل شيطان مارد لا يسمعون الى الملا الاعلى ويقذفون

هر شیطان سرکشی نمیشنوند و گوش نمی‌اندازند بسوی گروه بلند مرتبه و زده میشوند

من كل جانب دحورا ولهم عذاب واصب الا من خطف

از هر طرف بجهت راندن و برای ایشانست عذاب دائمی شدید مگر کسی که ربود

الخطفة فاتبعه شهاب ثاقب سبحان ربك رب العزة

ربودنی پس از پی درآمد او را شهابی درخشان   پاکست پروردگار تو پروردگار عزت

عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين

از آنچه وصف میکنند و درود باد بر پیغمبران مرسل و سپاس مر خدا را که پروردگار عالمیان

بسم الله الرحمن الرحيم يس والقرآن الحكيم انك لمن

بنام خدای بخشاینده مهربان قسم به یس و قرآن حکیم بدرستی که تو هر آینه از

المرسلين على صراط مستقيم تنزيل العزيز الرحيم لتنذر قوما

رسولانی بر راه راست فرستاده شده از جانب عزیز مهربان تا آنکه بترسانی گروهی را

ما انذر آباؤهم فهم غافلون لقد حق القول على اكثرهم

که ترسانیده نشده اند پدران ایشان پس ایشان غافلند هر آینه بتحقیق که ثابت است گفتار عذاب بر اکثر ایشان

فهم لا يؤمنون انا جعلنا في اعناقهم اغلالا فهي الى

پس ایشان ایمان نمی‌آورند بدرستی که ما گردانیدیم در گردنهای ایشان غلها پس آنها رسیده اند تا

الاذقان فهم مقمحون وجعلنا من بين ايديهم سدا ومن
ذقنها پس ایشانند سر بلندان وکردانیدیم از پیش روی ایشان سدی واز
خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون وسواء علیهم ءانذرتهم
عقب ایشان سدی پس پوشانیدیم چشمهای ایشانرا پس ایشان نمی بینند ویکسانست برایشان خواه بترسانی ایشانرا
ام لم تنذرهم لا یؤمنون قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن
یا نترسانی ایشانرا ایمان نمی آورند بکوای محمد صلی الله علیه وآله که بخوانید خدا را بنام الله یا بخوانید او را بنام رحمن
ایا ما تدعوا فله الاسماء الحسنی ولا تجهر بصلاتک ولا تخافت
بهر نام که بخوانید او را پس برای او ستایشهای نیکو و بسیار بلند مکن قراءت نماز خود را و بسیار آهسته مکن
بها وابتغ بین ذلک سبیلا وقل الحمد لله الذی لم یتخذ
آنرا وطلب کن میان آن واین راهی وبکوای محمد صلی الله علیه وآله که سپاس مرخدایراست که فرا نکرفته است
ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی من الذل
فرزندی ونیست برای او شریکی در پادشاهی ونیست برای او دوستی از خواری
وکبره تکبیرا ان فی خلق السموات والارض واختلاف
وبکیر بکو او را تکبیر کفتنی بدرستی که در آفریدن آسمانها وزمین واختلاف
اللیل والنهار لایات لاولی الالباب الذین یذکرون الله
شب وروز هر آینه علامتها هست از برای صاحب عقلها آنان که یاد میکنند خدا را
قیاما وقعودا وعلی جنوبهم ویتفکرون فی خلق السموات
در حالتی که ایستاده اند ونشسته اند وبر پهلوها خوابیده اند وتفکر میکنند در آفریدن آسمانها

والارض ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانک فقنا عذاب
وزمین ای پروردکار ما نیافریدی تو این را باطل بپاکی یاد میکنیم تو را پس نکاه دار ما را از عذاب
النار ربنا انک من تدخل النار فقد اخزیته وما
آتش ای پروردکار ما بدرستی که تو کسی را که داخل کنی در آتش پس بتحقیق که خوار کردانیده او را ونیست
للظالمین من انصار ربنا اننا سمعنا منادیا ینادی
از برای ظالمان یاری کنندکانی ای پروردکار ما بدرستی که ما شنیدیم ندا کننده را که ندا میکرد
للایمان ان امنوا بربکم فامنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا
برای ایمان باینکه ایمان بیاورید بپروردکار خود پس ایمان آوردیم ای پروردکار ما پس بیامرز برای ما کناهان ما را
وکفر عنا سیئاتنا وتوفنا مع الابرار ربنا واتنا
وبرطرف کن از ما کناهان ما را وبمیران ما را با نیکوکاران ای پروردکار ما وبده بما
ما وعدتنا علی رسلک ولا تخزنا یوم القیمة انک
آنچه را که وعده کرده بما بر زبان پیغمبران خود وخوار مکن ما را در روز قیامت بدرستی که تو
لا تخلف المیعاد دعائیست که طلب کردن دفع شر وعرو بیست
خلف نمیکنی وعده را از حضرت امام جعفر صادق علیه الصلوة والسلام
بسند متصل روایت شده است از فضل بن الربیع واو روایت
کرده است از پدر خود یعنی ربیع که حاجب منصور دوانیقی که یکی
از خلفای بنی عباس است بوده وربیع کفته است که روزی منصور
مرا طلب نمود وکفت ای ربیع جعفر صادق را حاضر کردان پس

بخدا قسم که او را بقتل میرسانم پس من متوجه منزل انحضرت شدم
و چون بخدمت انحضرت رسیدم گفتم ای فرزند رسول الله اگر
تورا وصیتی یا عهدی باشد بکن پس انحضرت با من امد و فرمود
که منصور را بامدن من اعلام کن پس من داخل مجلس منصور شدم
و باو گفتم که جعفر بن محمد امده است گفت او را داخل مجلس کردان
پس حضرت را داخل مجلس منصور گردانیدم و چون حضرت را چشم
بر منصور افتاد دیدم که لبهای مبارک انحضرت حرکت میکند و چیزی
میخواند که من نمیفهمم و امد بنزدیک منصور و چون بر منصور سلام
کرد منصور از جای خود برخاست و دست در گردن انحضرت کرد
و در پهلوی خود نشانید و گفت هر مطلبی و حاجتی که داری بگو پس
انحضرت چندین رقعه و عریضه مردم را بر اورد و چندین مطلب
دیگر انرا بمنصور گفت و همه مطالب را منصور اجابت نمود و ربیع حکایت
طولانی نقل کرد تا انکه گفت که حضرت برخاست و روانه کردید و
من خود را با نحضرت رسانیدم و گفتم ای فرزند رسول خدا منصور
عزم کار عظیمی داشت یعنی قصد قتل حضرت نموده بود و چون چشم
تو بر و افتاد ان عزم از خاطر او رفت پس حضرت فرمود که ای ربیع
شب گذشته حضرت رسول خدا صلی الله علیه و اله را در خواب دیدم و فرمود که ای
جعفر از منصور نترسیده گفتم بلی یا رسول الله پس فرمود که هر گاه چشم تو بر و افتد بگو

بِسْمِ اللهِ اَسْتَفْتِحُ وَبِسْمِ اللهِ اَسْتَنْجِحُ وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى
بکلمه بسم الله طلب فتح میکنم و بکلمه بسم الله طلب ظفر میکنم و بوسیله محمد صلی
اللهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ اَتَوَجَّهُ اَللّٰهُمَّ ذَلِّلْ لِي صُعُوبَةَ اَمْرِي
الله علیه و اله رو میاورم خداوندا اسان کن برای من دشواری کار مرا
وَكُلَّ صُعُوبَةٍ وَسَهِّلْ لِي حُزُونَةَ اَمْرِي وَكُلَّ
و هر دشواری را و هموار کن برای من ناهمواری کار مرا و هر
حُزُونَةٍ وَاكْفِنِي مَؤُونَةَ اَمْرِي وَكُلَّ مَؤُونَةٍ
ناهمواری را و کفایت کن برای من مشقت کار مرا و هر مشقتی را

دعای دیگر بجهت این مطلب که مرویست از حضرت امام جعفر صادق علیه الصلوة والسلام

و این دعا را نیز در وقتی خوانده است که داخل مجلس منصور شده
است مرتبه دیگر و چون بیرون امده است فضل بن الربیع گفته است
که با حضرت دیدم که لبهای خود را حرکت دادی و چیزی خواندی پس
سؤال میکنم از تو که انرا بمن تعلیم نمائی تا در شدائد و سختیها ازان
نفع یابم پس انحضرت فرموده است که خواندم دعائی را که جدم حضرت
امام زین العابدین علیه الصلوة و السلام خوانده است انرا روزی که
مسلم بن عقبه مری در حره جنگ و قتال نموده و جمعی کثیر را در مدینه طیبه بقتل رسانیده
و دعا اینست اَللّٰهُمَّ احْرُسْنِي بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ وَاكْنُفْنِي
خداوندا پاسبانی کن مرا بچشم نگهبانی خود که نمیخوابد و محافظت کن مرا

دعای دیگر بجهت دفع شر دشمنان ... دزد و قتل ... نافع است

بِرُكْنِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ وَاغْفِرْ لِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ فَلَا
بقوت خود که قصد کرده نمیشود وبیامرز مرا بقدرت خود برمن پس
أَهْلِكُ وَأَنْتَ رَجَائِي فَكَمْ مِنْ نِعْمَةٍ أَنْعَمْتَ بِهَا
هلاک نمیشوم من وحال انکه تو امیدی پس چه بسیار است نعمتی که انعام کرده با ان
عَلَيَّ قَلَّ لَكَ عِنْدَهَا شُكْرِي وَكَمْ مِنْ بَلِيَّةٍ ابْتَلَيْتَنِي
برمن کم بوده است برای تو نزد ان نعمت شکر من وچه بسیار است بلائی که مبتلا ساختی
بِهَا قَلَّ لَكَ عِنْدَهَا صَبْرِي فَيَا مَنْ قَلَّ شُكْرِي عِنْدَ نِعَمِهِ
بان که کم بود برای تو نزد ان صبر من پس ای انکسی که کم بود شکر من نزد نعمتهای او
فَلَمْ يَحْرِمْنِي وَيَا مَنْ قَلَّ صَبْرِي عِنْدَ بَلَائِهِ فَلَمْ يَخْذُلْنِي وَ
پس محروم نکرد مرا وای کسی که کم بود صبر من نزد بلاهای او پس وا نکذاشت مرا و
يَا مَنْ رَآنِي عَلَى الْخَطَايَا فَلَمْ يَفْضَحْنِي يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي
ای کسی که دید مرا بر کناهان پس رسوا نکرد مرا ای صاحب احسانی که
لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا وَيَا ذَا النَّعْمَاءِ الَّتِي لَا تُحْصَى عَدَدًا صَلِّ
منقطع نمیشود احسان او هرکز وای صاحب نعمتهائی که شمرده نمیشود عدد انها رحمت بفرست
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَادْفَعْ عَنِّي شَرَّ فُلَانٍ بِكَ أَدْفَعُ فِي
بر محمد وال محمد ودفع کن از من شر فلان را بتو دفع میکنم در
نَحْرِهِ وَأَسْتَعِيذُ مِنْ شَرِّهِ وَأَسْتَعِينُ عَلَيْهِ فَاكْفِنِي
کلو کردن او وبتو پناه میبرم از شر او وبتو طلب یاری میکنم بر دفع ضرر او پس کفایت کن از من

شَرَّهُ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ٥
شر او را بقوت وتوانائی خود ای رحم کننده ترین رحم کنندکان

دعای دیگر که از انحضرت علیه السلام منقولست روایت کرده است هشام بن احمد وکفته است که شخصی از جانب پادشاه بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام امد وکفت بیا که پادشاه تورا میطلبد انحضرت فرمود که جامهای خود را بپوشم وبیایم انشخص جواب داد که پادشاه امر کرده است که تورا چنانکه باشی بی مهلت ببریم پس انحضرت روانه کردید و درحال رفتن این دعا را خواند وچون بنزد پادشاه امد ضرری باو نرسانید وکفت که باز کرد و دعا اینست

أَمْتَنِعُ بِحَوْلِ اللهِ وَقُوَّتِهِ مِنْ حَوْلِهِمْ وَقُوَّتِهِمْ وَأَسْتَعِيذُ
سرکشی میکنم بیاری قوت خدا وتوانائی او از قوت ایشان وتوانائی ایشان وپناه میبرم
بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَأَقُولُ مَا شَاءَ اللهُ كَانَ
بپروردکار صبح از شر انچه افریده است ومیکویم انچه خواسته است خدا شده است
وَمَا لَمْ يَشَأْ لَا يَكُونُ أَشْهَدُ أَنَّ اللهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
وانچه نخواسته است نمیشود کواهی میدهم اینکه خدا بر هر چیز بغایت توانا است

دعای دیگر که در حال خوف خوانده میشود حضرت امام جعفر صادق علیه الصلوة والسلام فرموده است که دعاء ما طایفه اهل بیت هرکاه داخل شویم بر دشمنان وبر پادشاهان

دعای دیکر بجهت دفع ضرر

دعای که در حال خوف خوانده میشود

وحاکمان جور اینست که سوره انا انزلناه را
میخوانیم و هفت مرتبه یا الله میگوییم و بعد از ان میگوییم که
نشفع الیك بمحمد و آله ان تغلبه لنا
شفاعت میکنیم بسوی تو بجاه محمد وآل او اینکه غلبه کنی براو برای ما
و آن حضرت فرمود که هر یك از شما شیعیان
که مبتلا شود بخوف از این جماعت پس چنین کند و بگوید
اللهم الخ من ارادنی بسوء منك لمحة توهن بها
خداوندا نظر کن بهر کس که اراده کرده است مرا ببدی از جانب خود نظر کردنی که سست کنی بسبب ان
کیده و تغلب بها مکره و تکسر بها قوته و
حیله او را و غلبه کنی بسبب ان بر مکر او و بشکنی بسبب ان قوت او را و
ترد بها عنی شره یا ربنا و رب کل شیء و بعد میگوییم
برگردانی بسبب ان از من شر او را ای پروردگار ما و پروردگار هر چیزی
که اللهم انی استکفیك ظلم من لم تعظه المواعظ
خداوندا بدرستی که من طلب کفایت میکنم از تو ظلم کسی را که پند نداده او را موعظها
و لم تنفعه الذکری و لم تمنعه منی المصائب و لا الغیر
و نفع نکرده باو یاد آوری و باز نداشته او را از من رسیدن مصیبتها و نه حادثهای تغیر دهنده
اللهم اشغله عنی اللهم انی اعوذ بك من شر فلان
خداوندا فارغ ساز او را از من خداوندا بدرستی که من پناه میبرم بتو از شر فلان

لمحه یعنی نظر کردن خفیفانست
و تعبیر بلمحه در اینجا بجهة اشاره
بانست که در درست نمودن مکر او و
شکستن قوت او و دفع کردن شر او
اندك التفاتی از تو کافی است

بجای
فلان نام ان
شخص را باید گفت

اللهم

اللهم ان کنت قضیت علی فی یومی هذا و فی جمعتی هذه
خداوندا اگر بوده باشی که تقدیر کرده باشی بر من در روز من این روز و در هفته من این هفته
و فی شهری هذا و فی سنتی هذه لاحد ممن ولیته
و در ماه من این ماه و در سال من این سال برای کسی از کسانی که مولی ساختی او را
امری سلطانا او اجریت ذکری علی لسانه فاسئلك
بر کار من تسلطی یا جاری گردانیدی یاد کردن مرا بر زبان او پس سوال میکنیم از تو
ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان توفقه لحاجتی و
اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه توفیق دهی او را برای قضاء حاجت من و
تاخذ بقلبه الی موافقتی و تسخره لی و تعظمنی فی عینه
اینکه بگردانی دل او را بسوی موافقت من و مسخر گردانی او را برای من و عظیم گردانی مرا در نظر او
و تقذف لی فی قلبه الرحمة و الخیر و تصرف عنی اذاه
و بیندازی برای من در دل او رحمت و خیر را و باز داری از من اذیت او
و شره رب انی لا املك لنفسی ضرا و لا نفعا و لا موتا
و شر او را ای پروردگار من بدرستی که من مالك نیستم برای نفس خود ضرری را و نه نفعی را و نه مردنی را
و لا حیوة و لا نشورا صل علی محمد و آل محمد و افتح
و نه زندگی را و نه محشور شدنی را رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بگشای
لی الباب الذی فیه الفرج و المخرج و سخر لی فلانا
برای من دری را که در ان باشد گشایش و بیرون شد و مسخر گردان برای من فلان را

وَاعطِف بقَلبِهِ عَلَیّ یَا مُقَلِّبَ القُلُوبِ فَاِنَّکَ عَلیٰ ذٰلِکَ وَعَلیٰ مَا تَشَاءُ قَدِیرٌ

وَمهربان کردان دل او را بر من ای کرداننده دلها پس بدرستی که تو بر این و بر آنچه خواهی بغایت توانا

دعای دیگر که از انحضرت علیه السلام منقولست مسمعی گفته است که بخدمت

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض نمودم که من مردی هستم

که داخل مجلس پادشاه میشوم و گاه میباشد که از ایشان خوف

میکنم پس تعلیم کن بمن دعائی که بخوانم انرا حضرت

فرمود که چون بر پادشاه داخل شوی و حال

انکه از و خوف داشته باشی بگو اعوذ برب

پناه میبرم به پروردگار

الفَجرِ وَاللَّیَالِی العَشرِ وَالشَّفعِ وَالوَترِ وَاللَّیلِ اِذَا

صبح و شبهائی ده گانه ناست و پروردگار جفت و طاق و شب هرگاه

یَسرِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَادرَأ عَنّی

برود خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و دفع کن از من

شَرَّهُم وَذَلِّل لِی اَیدِیَهُم وَاَلسِنَتَهُم مِنکَ بِالعَافِیَةِ

شر ایشانرا و نرم کردان برای من دستهای ایشان و زبانهای ایشانرا از جانب خود بعافیت

دعای دیگر بجهت دفع خوف و دفع ضرر که نیز از انحضرت روایت شده است

سکونی روایت کرده است که حضرت امام جعفر صادق علیه الصلوة

و السلام فرمود که از جمله دعاهای حضرت موسی علی نبینا و آله

وعلیه السلام دعائیست که خواندانرا در وقتی که روی فرعون بروظاهر

دعای بجهت دفع خوف و دفع ضرر

دنمایان شد و این دعای ما طایفه اهل بیت است هرگاه داخل شویم بر

دشمنان و پادشاهان و حاکمان جور و از جور و ستم ایشان خوف کنیم و دعا

اینست اَللّٰهُمَّ اِنّی اَدرَأُ بِکَ فِی نَحرِهِ وَاَعُوذُ بِکَ

خداوندا بدرستی که من دفع میکنم بتو در کوبی کردن او و پناه میبرم بتو

مِن شَرِّهِ وَاَستَعِینُکَ عَلَیهِ فَاکفِنِیهِ بِمَن شِئتَ

از شر او و طلب یاری میکنم از تو بر دفع ضرر او پس کفایت کن مرا از و بوسیله هر کسی که خواهی

دعاء دیگر که نیز از انحضرت علیه السلام مرویست ابن محبوب

روایت کرده است از محمد بن سنان و او گفته است که من در خدمت

حضرت امام جعفر صادق علیه الصلوة والسلام بودم شنیدم

که میمون با نحضرت عرض نمود که پادشاه مکرر مرا طلب میکند و من

از و و از اتباع و موافقان او خوف دارم انحضرت فرمود که هرگاه

چنین است پس بنا کن بر اطراف خود شهری و قلعه گفتم چگونه این

قلعه را بر خود بنا کنم انحضرت فرمود که هرگاه از منزل خود بیرون

روی بخوان سوره قل هو الله احد را در پیش روی خود بعد از ان

متوجه جانب راست خود بشو و این سوره را بخوان بعد از ان

متوجه پشت سر خود بشو و این سوره را بخوان بعد از ان متوجه

جانب چپ خود بشو و این سوره را بخوان بعد از ان متوجه بالای

سر خود بشو و این سوره را بخوان بعد از ان متوجه زیر پای خود

دعای بنای قلعه

دعای الحاح

بشو و این سوره را بخوان تا برای تو مانند قلعهٔ محکمی باشد که محافظت
نماید تو را در آن روز از ضرر پادشاه و از ضرر شیطان دعاء
الحاح که بجهت بر آمدن حوایج خوانده میشود مرویست که محمد بن
مسلم گفته است که مردی آمد بخدمت حضرت امام جعفر صادق
علیه الصلوة و السلام و با نحضرت خطاب نمود و گفت که فدای
تو شوم تعلیم کن مرا دعائی که نفع یابم از آن دعا در دنیای خودم
و آخرت خودم پس آن حضرت فرمود که کجائی تو از دعای
الحاح وضوی کامل بساز و دو رکعت نماز بگذار و بخوان
در رکعت اول سورهٔ حمد و سورهٔ قل هو الله احد را یکمرتبه و در
رکعت دویم سورهٔ حمد و سورهٔ قل یا ایها الکافرون را یکمرتبه بعد از آن بگو
اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَرَبَّ الْاَرَضِيْنَ السَّبْعِ وَمَا
خداوندا ای پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار زمینهای هفتگانه و آنچه
فِيْهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ وَرَبَّ السَّبْعِ الْمَثَانِيْ
در آنهاست و آنچه در میان آنهاست و پروردگار عرش بزرگ و پروردگار سبع المثانی
وَرَبَّ الْقُرْاٰنِ الْعَظِيْمِ وَرَبَّ جَبْرَئِيْلَ وَمِيْكَائِيْلَ وَاِسْرَافِيْلَ
و پروردگار قرآن بزرگ و پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل
وَرَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّيْنَ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيْمِ
و پروردگار محمد که ختم کنندهٔ همه پیغمبران است بدرستی که من سؤال میکنم ترا بحق نام بزرگ تو

اَلَّذِيْ بِهِ تَقُوْمُ السَّمَاۤءُ وَبِهِ تَقُوْمُ الْاَرْضُ وَبِهِ تُفَرِّقُ الْجَمِيْعَ
که بسبب آن بر پا شده است آسمان و بسبب آن بر پا شده است زمین و بسبب آن متفرق میسازی جمع شده را
وَبِهِ تَجْمَعُ الْمُتَفَرِّقَ وَبِهِ تَرْزُقُ الْاَحْيَاۤءَ وَبِهِ تُحْيِيْ
و بسبب آن جمع میکنی پراکنده شده را و بسبب آن روزی روزی میدهی زندهها را و بسبب آن زنده میگردانی
الْمَوْتٰى وَبِهِ تُمِيْتُ الْاَحْيَاۤءَ وَبِهِ اَحْصَيْتَ عَدَدَ
مردهها را و بسبب آن میمیرانی زندهها را و بسبب آن شمرده عدد
الرِّمَالِ وَوَزْنَ الْجِبَالِ وَكَيْلَ الْبِحَارِ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ
ریگهای روان را و قدر سنگینی کوهها را و پیمانهٔ دریاها را اینکه رحمت فرستی بر محمد
وَاٰلِ مُحَمَّدٍ و حاجت خود را سؤال کن و در طلبیدن حاجت الحاح و مبالغه کن
و آل محمد دعائیست که فضل بسیار دارد و از حضرت امام موسی
کاظم علیه الصلوة و السلام روایت شده است و مشهور است بدعاء کفایة البلاء
در باب این دعا حکایت طولانی هست و آنحضرت این دعا را خوانده است
در وقتی که بر هرون الرشید داخل شده و هرون الرشید قصد ضرر
و آزار آنحضرت داشته است و چون آنحضرت را دیده از جای خود
جسته و بجانب آنحضرت آمده و دست در گردن او کرده و رعایت
او نموده و عزیمت خود را فسخ کرده است و آنحضرت چون بازگردیده
است فضل بن الربیع بهارون الرشید گفته است که تو اراده زدن
و آزار کردن او داشتی پس چگونه شد که فسخ عزیمت خود نمودی

دعاء کفایة البلاء

واورا پناه دادی ورعایت کردی هرون جواب گفته است که ای
فضل از و بمن رسید چیزی عظیم و بان سبب دانستم که قرب و منزلت
او نزد حق تعالی بسیار است ای فضل چون تو از پیش من رفتی که
اورا بنزد من آوری دیدم که جمعی متوجه خانه من شده اند و حربها
در دست دارند و در میان خانه من حربها را بزمین فرو برده اند
ومیگویند که اگر بفرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله آزاری رساند
اورا بزمین فرو میبریم و اگر باو نیکی کند باز میگردیم و ضرر باو نمیرسانیم
فضل گوید که چون این سخن را شنیدم از پی آنحضرت رفتم و بخدمت
او عرض نمودم که چه بود آنچه خواندید و بدان سبب شر هارون
الرشید را حق تعالی از شما دفع کرد و ضرر او کفایت شد آنحضرت
فرمود که خواندم دعاء جدم علی بن ابی طالب علیه الصلوة والسلام را
و آن دعائیست که هرگاه آن دعا را خوانده است با لشکری جنگ
نکرده است مگر ایشان را شکست داده و با سواری مبارزت نموده مگر آنکه برو غالب
آمده است و آن دعا کفایت بلاست پس گفتم که آن دعا کدام است فرمود که بگو
اَللّٰهُمَّ بِكَ اُساوِرُ وَبِكَ اُحاوِلُ وَبِكَ اُجادِلُ وَبِكَ
خداوندا بتو غلبه میکنم و بتو قصد میکنم و بتو مجادله میکنم و بتو
اَصُولُ وَبِكَ اَنْتَصِرُ وَبِكَ اَمُوتُ وَبِكَ اَحْيا اَسْلَمْتُ
حمله میکنم و بتو انتقام میکشم و بتو می میرم و بتو زندگی میکنم تسلیم کرده ام

نفسی

نَفْسِي اِلَيْكَ وَفَوَّضْتُ اَمْرِي اِلَيْكَ لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ
نفس خود را بسوی تو و واگذاشتم کار خود را بسوی تو نیست گردشی و نه توانائی مگر بخدای
الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ خَلَقْتَنِي وَرَزَقْتَنِي وَسَرَرْتَنِي
بلند مرتبه بزرگ رتبه خداوندا بدرستی که تو آفریدی مرا و روزی دادی مرا و خوشحال کردی مرا
وَسَتَرْتَنِي مِنْ بَيْنِ الْعِبادِ بِلُطْفِكَ خَوَّلْتَنِي اِذا هَرَبْتُ
و پوشانیدی مرا از میان بندگان بلطف خود عطا کردی بمن بفضل هرگاه گریختم
رَدَدْتَنِي وَاِذا عَثَرْتُ اَقَلْتَنِي وَاِذا مَرِضْتُ شَفَيْتَنِي
برگردانیدی مرا و هرگاه لغزیدم فسخ کردی مرا و هرگاه بیمار شدم شفا دادی مرا
وَاِذا دَعَوْتُكَ اَجَبْتَنِي يا سَيِّدِي اِرْضَ عَنِّي فَقَدْ اَرْضَيْتَنِي
و هرگاه سؤال کردم از تو اجابت کردی مرا ای آقای من راضی شو از من بتحقیق که راضی کردی مرا

دعائی که مرویست از حضرت امام رضا علیه الصلوة والسلام

و آنرا ابوجعفر بن بابویه علیه الرحمة از مشایخ خود روایت
نموده و گفته است که حضرت امام رضا علیه السلام در شهر مرو
بود و موازی سیصد و شصت نفر از شیعیان که از شهرهای متفرق
آمده بودند در خدمت آنحضرت میبودند پس دشمنان آنحضرت
بمامون الرشید علیه اللعنه خبر دادند که حضرت امام رضا
علیه السلام تهیه خروج کردن نموده و مردمان را بجهت این مقصد
جمع مینماید پس مامون الرشید فرمان داد که اصحاب و اتباع

انحضرت را از درخانه حضرت دور کنند وانحضرت
بدین جهت بغایت غمگین واندوهناك کردید پس غسل کرد
وبابی الصلت که از اصحاب ومخصوصان انحضرت بود امر
کرد وفرمود که برو ببالای بام ونظر کن که ازین جماعت چه چیز
ظاهر میشود تا من دو رکعت نماز کذارم پس انحضرت دو رکعت نماز
کذارد ودر حال قنوت دستهای خود را بجانب اسمان بلند کرد وکفت
اَللّٰهُمَّ یَا ذَا الْقُدْرَةِ الْجَامِعَةِ وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ
خداوندا ای صاحب توانائی جمع کننده و رحمت وسیع
وَالْمِنَنِ الْمُتَتَابِعَةِ وَالْآلَاءِ الْمُتَوَالِیَةِ وَالْأَیَادِی
ونعمتهای پی در پی ونعمتهای متوالی ونعمتهای
الْجَمِیلَةِ وَالْمَوَاهِبِ الْجَزِیلَةِ یَا مَنْ لَا یُوصَفُ بِالتَّمْثِیلِ وَلَا
نیکو وبخششهای بسیار ای انکه وصف کرده نمیشود بتشبیه کردن و
یُمَثَّلُ بِنَظِیرٍ وَلَا یُغْلَبُ بِظَهِیرٍ یَا مَنْ خَلَقَ فَرَزَقَ وَأَلْهَمَ
تشبیه کرده نمیشود بنظیری ومغلوب کرده نمیشود بسبب معاونی ای انکسی که افرید پس روزی داد والهام کرد
فَأَنْطَقَ وَابْتَدَعَ فَشَرَعَ وَعَلَا فَارْتَفَعَ وَقَدَّرَ
پس کویا کردانید واز نو افرید پس قرار داد شرع را و بلند شد پس بغایت بلند کردید وتقدیر کرد
فَأَحْسَنَ وَصَوَّرَ فَأَتْقَنَ وَاحْتَجَّ فَأَبْلَغَ وَأَنْعَمَ فَأَسْبَغَ
پس نیکو کردانید وصورت بخشید پس محکم ساخت وحجت قرار داد پس رسانید وانعام کرد پس کامل کردید

وَأَعْطَى فَأَجْزَلَ وَمَنَحَ فَأَفْضَلَ یَا مَنْ سَمَا فِی الْعِزِّ
وعطا کرد پس بزرك کردانید وعطیه داد پس تفضل نمود ای انکسی که بلند کردیده در عزت
فَفَاتَ خَوَاطِفَ الْأَبْصَارِ وَدَنَا فِی اللُّطْفِ فَجَازَ
پس فوت شده است از چشمهای ربایند وبنزدیك شده است در مهربانی پس تجاوز کرده است
هَوَاجِسَ الْأَفْکَارِ یَا مَنْ تَفَرَّدَ بِالْمُلْكِ فَلَا نِدَّ لَهُ فِی
از بخاطر رسیدن فکرها ای انکسی که یکانه کردید بپادشاهی پس نیست مانندی برای او در
مَلَکُوتِ سُلْطَانِهِ وَتَوَحَّدَ بِالْکِبْرِیَاءِ فَلَا ضِدَّ لَهُ
پادشاهی سلطنت او ویکانه شده است ببزرکواری پس نیست معارضی برای او
فِی جَبَرُوتِ شَأْنِهِ یَا مَنْ حَارَتْ فِی کِبْرِیَاءِ هَیْبَتِهِ
در جبروت شان او ای انکسی که حیران شده است در بزرکواری مهابت او
دَقِیقُ لَطَائِفِ الْأَوْهَامِ وَانْحَسَرَتْ دُونَ إِدْرَاكِ عَظَمَتِهِ
دقیق از عقلهای نازك وماند شده اند نارسیده بادراك بزرکی او
خَطَائِفُ أَبْصَارِ الْأَنَامِ یَا عَالِمَ خَطَرَاتِ قُلُوبِ الْعَالَمِینَ
ربایندکان چشمهای مردمان ای دانا بخاطر رسیدهای دلهای عالمیان
وَشَاهِدَ لَحَظَاتِ أَبْصَارِ النَّاظِرِینَ یَا مَنْ عَنَتِ الْوُجُوهُ
وبیننده اشارهای چشمهای نظر کنندکان ای انکسی که خوار شده است روها
لِهَیْبَتِهِ وَخَضَعَتِ الرِّقَابُ لِعَظَمَتِهِ وَجَلَتْ لِهِ وَ
برای هیبت او وفروتنی کرده است کردنها برای عظمت وبزرکواری او و

وجلت القلوب من خیفته وارتعدت الفرآئص

ترسان شده اند دلها از بیم او ولرزان شده اند رگهای گردنها

من فرقه یا بدیٔ یا بدیع یا قوی یا منیع یا

از ترس او ای ابتدا کننده ای از نوبدید آورنده ای صاحب قوت ای منع کننده

علی یا رفیع صل علی من شرفت الصلوة بالصلوة

ای بلند مرتبه ای رفیع الشان رحمت بفرست بر کسی که مشرف کردانیدهٔ نماز را بصلوات فرستادن

علیه وانتقم لی ممن ظلمنی واستخف بی وطرد

بر او وانتقام بکش برای من از کسی که ظلم کرده است بر من و خفت رسانیده است بمن و منع کرده است

الشیعة عن بابی واذقه مرارة الذل والهوان

شیعیان را از در من و بچشان باو تلخی ذلت و خواری را

کما اذا قنیها واجعله طرید الارجاس وشرید الانجاس

چنانکه چشانیده است بمن او و بگردان او را رانده شدهٔ پلیدان و گریخته ناپاکان

راوی گوید که چون آنحضرت از خواندن این دعا فارغ کردید

مردمان بر مامون الرشید شوریدند و در در خانهٔ او اجتماع

نمودند و بحدی شورش و غوغا کردند که مامون الرشید را

از بودن در آن شهر منع کردند و بدین جهت از آن شهر بیرون رفت

دعائی که بجهت آسان شدن کارها از حضرت امام محمد تقی

علیه الصلوة والسلام روایت شده است محمد بن الفرج گفته است

کهحضرت

که حضرت امام محمد تقی علیه السلام این دعا را نوشت و بجهت من

ارسال و بمن تعلیم نمود و فرمود که هر که این دعا را در عقب نماز صبح بخواند

هیچ حاجت را طلب نکند مگر آنکه حق تعالی آن حاجت را برای او میسر

و آسان کرداند و کفایت کند هرچه او را اندوهناک سازد و دعا این است

بسم الله وصلی الله علی محمد واله وافوض امری

بنام خدا و رحمت کند خدا بر محمد و آل او و وامیگذارم کار خود را

الی الله ان الله بصیر بالعباد فوقه الله سیئات

بسوی خدا بدرستی که خدا بیناست به بندگان پس نگاه داشت او را خدا از بدیهای

ما مکروا لا اله الا انت سبحانک انی کنت من

مکر ایشان نیست خدائی مگر تو بپاکی یاد میکنم تو را بدرستی که بودم من از

الظالمین فاستجبنا له ونجیناه من الغم وکذلک ننجی

ستمکنندگان پس اجابت کردیم برای او و نجات دادیم او را از غم و چنین نجات میدهیم

المؤمنین حسبنا الله ونعم الوکیل فانقلبوا بنعمة من الله

مؤمنان را بس است ما را خدا و نیکو وکیلی است پس برگشتند ایشان بنعمتی از جانب خدا

وفضل لم یمسسهم سوء ما شاء الله لا حول ولا قوة الا

و زیادتی نرسید بایشان مکروهی آنچه خواسته است خدا میشود نیست گردشی و نه توانائی مگر

بالله ما شاء الله لا ما شاء الناس ما شاء الله وان کره

بخدا آنچه خواسته است خدا میشود نه آنچه خواسته اند مردمان آنچه خواسته است خدا میشود و اگرچه ناخوش دارند

دعائی که بعد از نماز صبح
برآمدن حاجات و کفایت مهمات
باید خواند

النّاس حسبی الرّبّ من المربوبین حسبی الخالق من المخلوقین
مردمان بس است مرا پروردگار از پرورده شدگان بس است مرا آفریننده از آفریده شدگان
حسبی الرّازق من المرزوقین حسبی الله ربّ العالمین
بس است مرا روزی دهنده از روزی داده شدگان بس است مرا خدائی که پروردگار عالمیانست
حسبی من هو حسبی حسبی من لم یزل قطّ حسبی حسبی
بس است مرا کسی که او بس است مرا بس است مرا کسی که همیشه در همه زمانها بس است مرا بس است مرا
من کان منذ کنت حسبی حسبی الله لا اله الّا
کسی که بوده است از زمانی که بوده ام کفایت کننده من بس است مرا خدا نیست خدائی مگر
هو علیه توکّلت و هو ربّ العرش العظیم
او بر او توکل کرده ام و اوست پروردگار عرش بزرگ

دعا بجهت ایمن شدن از هرچه آدمی از آن ترسد و حذر نماید و مرویست از حضرت امام علی نقی علیه الصلوة والسلام

ابو الحسن منصوری روایت کرده است که ابو السّری سهل بن یعقوب بن اسحق گفت که من روزی بخدمت حضرت امام علی نقی علیه السّلم عرض نمودم که ای آقای من اختیارات ایام که از حضرت امام جعفر صادق علیه السّلام منقولست و از احسن بن عبد الله بن مطهّر از محمّد بن سلیمان دیلمی از پدر خود سلیمان دیلمی از حضرت امام جعفر صادق علیه السّلام روایت نموده است در اختیار کردن

روزها بجهت کارها در هر ماه بمن رسیده است و میخواهم که آنرا بر تو عرض کنم و خاطر خود را جمع نمایم پس آنحضرت مرخّص فرمود که عرض کنم و بعد از آنکه اختیارات مزبوره را عرض نمودم و تصحیح آن کردم گفتم ای آقای من در اکثر این روزها بسبب نحوستها و خوفها که در این حدیث مذکور است از پی کارها نمیتوان رفت و بسیار است که در این روز متوجّه بعض کارها شدن ضرور میشود پس راهنمائی کن مرا بچیزی که بوسیله آن احتراز کنم و محافظت خود نمایم از نحوستها و مخاوف این روزها پس آنحضرت فرمود که ای سهل بدرستی که شیعیان ما را بسبب دوستی ما پناهی و نگاهدارنده هست که اگر بدریاهای عمیق و بیابانهای دور در میان درندگان و گرگان و دشمنان از جنّیان و آدمیان راه روند هرآینه از همه خوفها و ترسها ایمن میباشند بسبب ولایت و دوستی ما پس بخدای عزّ و جلّ اعتماد کن و در دوستی ائمّه طاهرین خالص باش و متوجّه هرچه خواهی بشو و هر کاری را که اراده نمائی قصد کن ای سهل هرگاه صبح کنی سه مرتبه بگو
اصبحت اللّهمّ معتصما بذمامک المنیع الّذی لا یطاول
صبح کردم خداوندا دست زننده بحرمت قوی غالب تو که نزاع کرده نمیشود
و لا یحاول من شرّ کلّ غاشم و طارق من سائر من
و قصد کرده نمیشود از شرّ هر ستم کننده و وارد شونده در شب از جمیع هر که

دعا بجهت ایمن شدن از هرچه آدمی از آن ترسد و حذر نماید

خلقتَ وما خلقتَ من خلقك الصّامت والنّاطق من كلّ
آفریده وانچه آفریده تو از مخلوقات خود خاموش و گویا از هرچه
مخوفٍ بلباسٍ سابغةٍ ولآء اهل بیت نبیّك محمّدٍ علیه
مخوف باشد بزره فراخ که آن دوستی اهل بیت پیغمبر تو که محمّد است بر او
وآله السّلام محتجبًا عن كلّ قاصدٍ لی الی اذیّةٍ
وبر آل او باد سلام پوشیده شده از هر که قصد کند مرا بآزار رسانیدن
بجدارٍ حصینٍ الاخلاص فی الاعتراف بحقّهم و
بدیوار محکم اخلاص در اعتراف بحق ایشان و
التّمسّك بحبلهم جمیعًا موقنًا انّ الحقّ لهم ومعهم
دست زدن به پیمان ایشان همه یقین دارنده باینکه حق از برای ایشانست وبا ایشان
وفیهم وبهم اوالی من والوا واجانب من جانبوا
ودر ایشان وبسبب ایشانست دوستی میکنم باهر که ایشان دوستی کرده اند و دوری میکنم از هر که ایشان دوری کرده اند
فصلّ علی محمّدٍ وآله واعذنی اللّهمّ بهم من شرّ
پس رحمت بفرست بر محمّد وآل او وپناه ده مرا خداوندا بسبب ایشان از شر
ما اتّقیه یا عظیم حجزتُ الاعادی عنّی ببدیع
آنچه میترسم از آن ای بزرگ مرتبه منع کردم دشمنان را از خود بنو آفریننده
السّموات والارض انّا جعلنا من بین ایدیهم سدًّا
آسمانها و زمین بدرستی که ما گردانیدیم از پیش روی ایشان سدّی
ومن خلفهم سدًّا فاغشیناهم فهم لا یبصرون.
واز پشت سر ایشان سدّی پس پوشانیدیم ایشان را پس ایشان نمی بینند
وشام نیز سه مرتبه بگو وچون چنین کنی در حصاری و قلعه
خواهی بود از همه خوفها وترسها وایمن خواهی بود از هر محذوری
وچون اراده کنی که متوجّه کاری شوی در روزی که منع کرده باشند
وحذر فرموده باشند تورا از کردن آن کار پس پیش از آنکه متوجّه آن
کار شوی بخوان سوره فاتحة الكتاب و سوره قل هو الله احد و قل اعوذ بربّ الفلق و
قل اعوذ بربّ النّاس وآیة الكرسی و سوره انّا انزلناه را و پنج آیه سوره آل عمران را که
انّ فی خلق السّموات والارض واختلاف اللّیل و
بدرستی که در آفریدن آسمانها و زمین و اختلاف شب و
النّهار لآیاتٍ لاولی الالباب الّذین یذكرون الله
روز هر آینه علامتها هست از برای صاحبان عقلها که یاد میکنند خدا را
قیامًا وقعودًا وعلی جنوبهم ویتفكّرون فی خلق
درحالی که ایستاده اند و نشسته اند و بر پهلوها خود خوابیده اند و تفکر میکنند در آفریدن
السّموات والارض ربّنا ما خلقت هذا باطلًا
آسمانها و زمین ای پروردگار ما نیافریدی تو این را باطل
سبحانك فقنا عذاب النّار ربّنا انّك من تدخل
بپاکی یاد میکنم ... نگاه دار ما را از عذاب آتش ای پروردگار ما بدرستی که تو هر کسی را

النار فقد اخزیته وما للظالمین من انصار ربنا
در آتش پس بتحقیق که خوار کرد آیده او را و نیست از برای ظالمان یاری کند کانای پروردگار ما
اننا سمعنا منادیا ینادی للایمان ان آمنوا بربکم
بدرستی که ما شنیدیم ندا کننده را که ندا میکرد برای ایمان با اینکه ایمان بیاورید به پروردگار خود
فآمنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وکفر عنا سیئاتنا
پس ایمان آوردیم ای پروردگار ما پس بیامرز برای ما گناهان ما را و بر طرف کن از ما گناهان ما را
وتوفنا مع الابرار ربنا وآتنا ما وعدتنا علی
و بمیران ما را با نیکوکاران ای پروردگار ما و بده بما آنچه را که وعده کرده بما بر
رسلک ولا تخزنا یوم القیمة انک لا تخلف المیعاد
زبان پیغمبران خود و خوار مکن ما را در روز قیامت بدرستی که تو خلف نمیکنی وعده را
و بعد از آن بگو اللهم بک یصول الصائل وبقدرتک
خداوندا بیاری تو حمله میکند حمله کننده و بقدرت تو
یطول الطائل ولا حول لکل ذی حول الا بک ولا
غلبه میکند غلبه کننده و نیست قوت هر صاحب قوتی مگر بتو و نیست
قوة یمتارها ذو قوة الا منک بصفوتک من خلقک و
قوتی که طلب کند آنرا صاحب قوتی مگر از تو بحق برگزیدگان تو از مخلوقات تو
خیرتک من بریتک محمد نبیک وعترته وسلالته
انتخاب کرده شدگان تو از خلق تو که محمد پیغمبر تو و ذریه او و اولاد او بند

علیهم السلام صل علیه وعلیهم واکفنی شر هذا
که بر ایشان باد سلام رحمت بفرست برو و بر ایشان و کفایت کن از من شر این
الیوم وضره وارزقنی خیره ویمنه واقض لی فی
روز و ضرر آنرا و روزی کن بمن خوبی و میمنت این روز را و حکم کن برای من در
منصرفاتی بحسن العاقبة وبلوغ المحبة والظفر
تصرف کردنهای من به نیکوئی عاقبت و رسیدن بآنچه خوش آینده است و ظفر یافتن
بالامنیة وکفایة الطاغیة والغویة وکل
بآرزو و کفایت کردن طغیان کننده و گمراه کننده و هر
ذی قدرة علی اذیة حتی اکون فی جنة وعصمة
صاحب قدرت بر اذیت را تا آنکه بوده باشم در پناه و حفظ
من کل بلاء ونقمة وابدلنی من المخاوف فیه
از هر بلائی و بدی و بدل کن برای من خوفها را در این روز
امنا ومن العوائق فیه یسرا حتی لا یصدنی صاد
بامنیت و موانع را در این روز بآسانی تا آنکه مانع نشود مرا منع کننده
عن المعاد ولا یحل لی طارق من اذی العباد انک
از رجوع بتو و نرسد بمن حادثه از اذیت بندگان بدرستی که تو
علی کل شیء قدیر والامور الیک تصیر یا من لیس
بر هر چیز بغایت توانائی و کارها بسوی تو برمیگردد ای آنکه نیست

كمثله شيء وهو السميع البصير دعائى كه بر ضرر ظالم بجهت
مثل ومانند او چيزى واوست شنواى بينا نفرين بر او خوانده ميشود

ومرويست از حضرت امام على نقى عليه الصلوة والسلام
وانحضرت از پدر بزرگوار خود واو از پدران خود عليهم السلام
روايت نموده است كه مردى بخدمت حضرت امام جعفر صادق
عليه الصلوة والسلام امد وشكوه نمود از شخصى كه بر او ظلم
وستم كرده پس انحضرت فرمود كه كجائى تو از دعاء مظلوم كه ان دعا را
حضرت رسول خدا صلى الله عليه واله بحضرت امير المؤمنين عليه الصلوة
والسلام تعليم نموده وان دعا را هيچ مظلومى بر ضرر ظالم خود نخوانده است مگر اينكه
حق تعالى ان مظلوم را نصرت ويارى نموده است وضرر ظالم را از او رفع ودفع كرده وكفايت
كار او كرده است ودعا اينست اللهم طمه بالبلاء طما وغمه

خداوندا فرو گير او را ببلا فرو گرفتنى وبپوشان او را

بالبلاء غما وقمه بالاذى قما وارمه بيوم لا معاد
ببلا پوشانيدنى وغضب كن او را باذيت غضب كردنى وبينداز او را بروزى كه نباشد بازگشت

له وساعة لا مرد لها وابح حريمه وصل على محمد
براى او وساعتى كه نباشد رد كننده براى ان ومباح گردان حريم او را ورحمت بفرست محمد

واله واكفنى امره وقنى شره واصرف عنى كيده
وال او وكفايت كن از من كار او را ونگاه دار از من شر او را وبگردان از من مكر او را

دعاى مظلوم بجهت دفع ضرر ظالم

[illegible]

واخرج قلبه وسد فاه عنى وخشعت الاصوات للرحمن
وشك كردان دل او را وببند دهان او را از من وپست كرديده است صداها از براى خداى بخشاينده

فلا تسمع الا همسا وعنت الوجوه للحى القيوم وقد
پس نميشنوى تو مگر صداى ضعيف وخوار كرديده روها از براى زنده بخود برپا و بتحقيق

خاب من حمل ظلما اخسئوا فيها ولا تكلمون
كه زيان كار است كسى كه متحمل شده است ظلم را دور شويد وباشيد در جهنم وسخن مگوئيد با من

بعد از ان هفت مرتبه بگويد صه صه دعائى كه بجهت بر امدن همه
خاموش باش
مطالب وحاجات خوانده ميشود وا از حضرت صاحب الزمان صلوات الله
وسلامه عليه مرويست روايت كرده است احمد بن الدربى از خادم
ابى عبد الله حسين بن محمد بزوفرى واو گفته است كه بيرون امد
از ناحيه مقدسه حضرت صاحب الزمان عليه الصلوة والسلام
كه هر كس را بسوى حق تعالى حاجتى باشد پس بايد كه بعد از نصف شب
جمعه غسل كند وبجاى نماز خود رود ودو ركعت نماز گذارد و
در ركعت اول بخواند سوره حمد را وچون باياك نعبد واياك
نستعين برسد صد مرتبه انرا مكرر كند وبعد از انكه صد مرتبه
تمام شود تتمه سوره حمد را يك مرتبه بخواند وبعد از تمام شدن
سوره حمد سوره قل هو الله احد را يك مرتبه بخواند وركوع ودو
سجده را بجاى اورد وسبحان ربى العظيم وبحمده را هفت مرتبه

[illegible]

در رکوع بگوید وسبحان ربی الاعلی وبحمده
را در هر یک از دو سجده هفت مرتبه بگوید وبعد
از ان رکعت دویم را نیز ما نند رکعت اول بجای اورد
وبعد از تمام شدن نماز این دعا را بخواند پس بدرستی که
حق تعالی البته حاجت اورا بر می اورد هر گونه حاجتی که باشد
مگر انکه حاجت او در قطع کردن صله رحم باشد ودعا اینست
اللهم ان اطعتک فالمحمدة لک وان عصیتک فالحجة
خداوندا اگر اطاعت کنم تورا پس ستایش برای تست واگر عصیان کنم تورا پس حجت
لک منک الروح ومنک الفرج سبحان من انعم و
برای تست از جانب تست راحت واز جانب تست کشایش منزه است کسی که انعام کرده و
شکی سبحان من قدر وغفر اللهم ان کنت عصیتک
قبول شکر کرده منزه است کسی که قادر است وامرزیده است خداوندا اگر هستم که عصیان کرده ام تورا
فانی قد اطعتک فی احب الاشیاء الیک وهو
پس بدرستی که من بتحقیق که اطاعت کرده ام تورا در دوست ترین چیزها بسوی تو وان
الایمان بک لم اتخذ لک ولدا ولم ادع لک شریکا منا
ایمان اوردن بتو است فرا نگرفته ام برای تو فرزندی ونخوانده ام برای تو شریکی در حالتی که منت کننده است
منک به علی لا منا منی به علیک وقد عصیتک یا الهی علی
از جانب خود بان بر من نه انکه منتی باشد از من بان بر تو وبتحقیق که عصیان کرده ام تورا ای خدا بر

دعا بجهت بر امدن حوائج ودفع ضرر دشمنان

غیر وجه المکابرة والخروج عن عبودیتک ولا الجحود
غیر طریق منازعه وبیرون رفتن از بندگی تو ونه از راه انکار کردن
لربوبیتک ولکن اطعت هوای وازلنی الشیطان
پروردگاری تو ولیکن اطاعت کردم خواهش خود را ولغزانید مرا شیطان
فلک الحجة علی والبیان فان تعذبنی فبذنوبی غیر
پس برای تست حجت بر من وتمام نمودن ان پس اگر عذاب کنی مرا پس بسبب گناهان است در حالی
ظالم لی وان تغفر لی وترحمنی فانک جواد کریم وبعد از ان تا نفس
که نیستی ظلم کننده بر من واگر بیامرزی مرا ورحم کنی مرا پس بدرستی که تو بخشنده صاحب کرمی او وفا کند یا کریم یا
کریم را مکرر بگوید بعد از ان بگوید یا امنا من کل شیء وکل شیء
ای ایمن از هر چیزی وهمه چیز
منک خائف حذر اسالک بامنک من کل شیء وخوف
از تو ترسان حذر کننده است سؤال میکنم ترا بحق ایمن بودن تو از هر چیز وترسیدن
کل شیء منک ان تصلی علی محمد وال محمد وان تعطینی
هر چیزی از تو اینکه رحمت فرستی بر محمد وال محمد واینکه عطا کنی بمن
امانا لنفسی واهلی وولدی وسائر ما انعمت به علی
امنیتی برای جان من واهل من وفرزندان من وباقی انچه انعام کرده تو بان بر من
حتی لا اخاف ولا احذر من شیء ابدا انک علی کل شیء
تا انکه نترسم وحذر نکنم از چیزی هرگز بدرستی که تو بر هر چیز

قدیرٌ وحسبنا الله ونعم الوکیل یا کافی ابرهیم نمرود
بغایت توانائی وبس است مارا خدا وخوب وکیلی است ای کفایت کنندهٔ ابرهیم از شر نمرود
ویا کافی موسی فرعون اسألک ان تصلّی علی محمّدٍ وآلِ
وای کفایت کنندهٔ موسی از شرِ فرعون سؤال میکنم تورا اینکه رحمت فرستی بر محمد وآل
محمّدٍ وان تکفینی شرّ فلانِ بنِ فلانٍ وبجای فلان
محمد واینکه کفایت کنی مرا از شر فلان پسر فلان بن فلان نامِ
شخصی را که از ضرر او میترسد ونام پدرِ او را بکوید وازحق تعالی
طلب کند که ضررِ او را رفع نماید وکفایت کند پس بدرستی که
حق تعالی البته کفایتِ ضرر او خواهد کرد انشاءالله تعالی
وبعد از ان بسجده رود وحاجتِ خود را مسئلت نماید وتضرّع
وزاری کند بسوی حق تعالی پس بدرستی که نیست مرد مؤمنی وزن
مؤمنهٔ که این نماز را بکذارد واین دعا را از روی اخلاص
بخواند مکر اینکه کشوده میشود برای او درهای اسمان برایِ
برامدن حاجت او ودعای او مستجاب میکردد در همان وقت و
در همان شب هر کونه حاجتی که باشد واین بسبب فضل وانعام
حق تعالی است بر ما وبر مردمان دعاء دیکر بجهت دفع ضرر ظالم
که از حضرتِ امام جعفر صادق علیه السلم روایت شده است
از یونس بن عمار مرویست که کفته است که من بخدمت حضرت امام

جعفر صادق علیه الصلوة والسلام شکوه کردم از
مردی که اذیت وازار بمن میرسانید پس انحضرت فرمود که
نفرین کن بر او جواب کفتم که نفرین کردم حضرت فرمود که نفرین
کردن چنان نیست که کردهٔ بلکه چنین است که توبه کن وخود را از
کناهان بازدار ونماز بکذار وتصدّق بکن وچون اخر شب در رسد وضوی
کامل بساز وبایست ودو رکعت نماز بکذار بعد از ان سجده کن ودر حال سجود بکو
اللّهمّ انّ فلان بن فلانٍ اذانی اللّهمّ اسقم بدنه
خداوندا بدرستی که فلان پسر فلان ازار کرده است مرا خداوندا بیمار کن بدن او را
واقطع اثره وانقص اجله وعجّل له ذلک فی عامه هذا
وقطع کن خبر او را وکم کن عمر او را وتعجیل کن برای او این را در سال او این سال
راوی کوید که چنین کردم پس چندی نکذشت که ان ظالم هلاک
کردید دعاء بناء مدینه بر اطراف خود که از ائمّه صادقین علیهم السلم
روایت شده است یعنی دعائی که هرکاه کسی این دعا را بخواند
پس کویا بر اطراف خود شهری وحصاری بنا کرده و
چنانکه کسی هرکاه در میان شهر وحصار باشد از شرِ دشمنان
بیرونی ایمن میباشد کسی که این دعا را بخواند از همه شرور
وافات وبلاها محفوظ وایمن میکردد واین دعا چنین است
که راست بایست یا سجده کن در حالی که با طهارت باشی وبکو

دعای دیکر بجهت دفع ضرر ظالم
ودوزده بلادم
بجای فلان بن فلان نام ان ظالم
ونام پدر او را بکوید

دعای بنای مدینه بر اطراف خود

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَحْتَجِبُ اِلَیْکَ بِنُورِ وَجْهِکَ الْکَرِیمِ الْجَلِیلِ
خداوندا بدرستی که من پناه می‌آورم بسوی تو بحق نور ذات تو که صاحب کرم بزرگ
الْقَدِیمِ الرَّفِیعِ الْعَظِیمِ الْعَلِیِّ الرَّحِیمِ الْقَائِمِ بِالْقِسْطِ
قدیم است و رفیع الشأن عظیم بلند مرتبه مهربان برپای دارنده عدل است
لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَوَاتُکَ
نیست خدائی مگر تو که عزیز درست کرداری و بحق محمد و آل او که رحمتهای تو
عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ اَجْمَعِینَ وَبِمَلَائِکَتِکَ الْمُقَرَّبِینَ رِضْوَانُکَ
بر او و بر ایشان همگی باد و بحق فرشتگان مقرب تو که خوشنودی تو
عَلَیْهِمْ اَجْمَعِینَ وَبِبَیْتِکَ الْمَعْمُورِ وَبِالسَّبْعِ الْمَثَانِی
بر ایشان همگی باد و بحق بیت المعمور تو . و بحق سبع المثانی
وَالْقُرْآنِ الْعَظِیمِ وَبِکُلِّ مَنْ یُکْرَمُ عَلَیْکَ مِنْ
و بحق قرآن عظیم و بحق هر کسی که گرامی است بر تو از
خَلْقِکَ اَجْمَعِینَ لِاَنْفُسِ اَهْلِ بَیْتِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ
مخلوقات تو همه ایشان برای جانهای اهل بیت محمد که رحمتهای تو بر او
وَعَلَیْهِمْ وَلِاَدْیَانِهِمْ وَلِجَمِیعِ مَا مَلَّکْتَهُمْ وَتَتَفَضَّلُ بِهِ
و بر ایشان باد و برای دینهای ایشان و برای همه آنچه مالک کرده ایشان را و آنچه تفضل میکنی
عَلَیْهِمْ وَلِاَنْفُسِنَا وَلِاَدْیَانِنَا وَلِجَمِیعِ مَا مَلَّکْتَنَا وَ
بر ایشان و برای جانهای ما و برای دینهای ما و برای همه آنچه مالک کرده ما را و

بیت المعمور خانه و محل عبادت اهل
آسمان است که در آسمان هفتم یا در
آسمان چهارم برابر خانه کعبه معظمه
واقع شده و هر روز هفتاد هزار فرشته
بر دور آن طواف میکنند چنانکه
مصرح [illegible] کتب

تفضل

تَتَفَضَّلُ بِهِ عَلَیْنَا مِنْ شُرُورِ جَمِیعِ مَا قَضَیْتَ وَقَدَّرْتَ وَ
تفضل میکنی بآن بر ما از بدیهای جمیع آنچه حکم کرده و تقدیر کرده و
خَلَقْتَ وَمِنْ شُرُورِ جَمِیعِ مَا تَقْضِی وَتُقَدِّرُ وَتَخْلُقُ
آفریده و از بدیهای جمیع آنچه حکم میکنی و تقدیر میکنی و خلق میکنی
مَا اَحْیَیْتَنَا وَبَعْدَ وَفَاتِنَا بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ
ما دام که زنده بداری ما را و بعد از مردن ما پناه می‌آورم باین سوره بنام خدای بخشاینده مهربان
قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ اَللّٰهُ الصَّمَدُ لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ وَلَمْ
بگو اوست خدای یکتا خداست بی نیازی که مقصود است در حوایج نزاییده و زاییده نشده و نبود
یَکُنْ لَهُ کُفُوًا اَحَدٌ کَذٰلِکَ اللّٰهُ رَبُّنَا وَبِبِسْمِ اللّٰهِ
برای او همتا کسی چنین است خدا که پروردگار ماست و باز باین سوره بنام خدای
الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ اَللّٰهُ الصَّمَدُ لَمْ یَلِدْ
بخشاینده مهربان بگو اوست خدای یکتا خداست بی نیازی که مقصود است در حوایج نزاییده
وَلَمْ یُولَدْ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُوًا اَحَدٌ کَذٰلِکَ اللّٰهُ
و زاییده نشده است و نبود برای او همتا کسی چنین است خدا
رَبُّنَا وَبِبِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ اَللّٰهُ
که پروردگار ماست و باز باین سوره بنام خدای بخشاینده مهربان بگو اوست خدای یکتا خداست
الصَّمَدُ لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُوًا اَحَدٌ
بی نیازی که مقصود است در حوایج نزاییده و زاییده نشده است و نبود برای او همتا کسی

كَذَلِكَ اللهُ رَبُّنَا عَنْ فَوْقِهِمْ وَعَنْ فَوْقِنَا وَبِبِسْمِ اللهِ
چنین است خدا که پروردگار ماست از بالای سر ایشان و از بالای سر ما و باز باین سوره بنام خدای
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللهُ اَحَدٌ اَللهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ
بخشاینده مهربان بگو اوست خدای یکتا خداست بزرگی که مقصود است در حوایج نزاییده
وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ كَذَلِكَ اللهُ رَبُّنَا
و زاییده نشده است و نبود برای او همتا کسی چنین است خدا که پروردگار ماست
وَبِبِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللهُ اَحَدٌ اَللهُ الصَّمَدُ
و باز باین سوره بنام خدای بخشاینده مهربان بگو اوست خدای یکتا خداست بزرگی که مقصود است در حوایج
لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ كَذَلِكَ اللهُ
نزاییده و زاییده نشده است و نبود برای او همتا کسی چنین است خدا
رَبُّنَا وَبِبِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللهُ اَحَدٌ اَللهُ
که پروردگار ماست و باز باین سوره بنام خدای بخشاینده مهربان بگو اوست خدای یکتا خداست
الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ
بزرگی که مقصود است در حوایج نزاییده و زاییده نشده است و نبود برای او همتا کسی
كَذَلِكَ اللهُ رَبُّنَا عَنْ اَيْمَانِهِمْ وَعَنْ اَيْمَانِنَا وَبِبِسْمِ اللهِ
چنین است خدا که پروردگار ماست از طرفهای راست ایشان و از طرفهای راست ما و باز باین سوره بنام خدای
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللهُ اَحَدٌ اَللهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ
بخشاینده مهربان بگو اوست خدای یکتا خداست بزرگی که مقصود است در حوایج نزاییده و

از آداب ایشان آمد پیش علیهم الصلوة والسلام است چنانکه از پیش و بعد ظاهر میشود

بولد

يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ كَذَلِكَ اللهُ رَبُّنَا وَبِبِسْمِ
زاییده نشده است و نبود برای او همتا کسی چنین است خدا که پروردگار ماست و باز باین سوره بنام خدای
اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللهُ اَحَدٌ اَللهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ
بخشاینده مهربان بگو اوست خدای یکتا خداست بزرگی که مقصود است در حوایج نزاییده
يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ كَذَلِكَ اللهُ رَبُّنَا
زاییده نشده است و نبود برای او همتا کسی چنین است خدا که پروردگار ماست
وَبِبِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللهُ اَحَدٌ اَللهُ الصَّمَدُ
و باز باین سوره بنام خدای بخشاینده مهربان بگو اوست خدای یکتا خداست بزرگی که مقصود است در حوایج
لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ كَذَلِكَ اللهُ رَبُّنَا
نزاییده و زاییده نشده است و نبود برای او همتا کسی چنین است خدا که پروردگار ماست
عَنْ يَسَارِهِمْ وَعَنْ يَسَارِنَا وَبِبِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
از طرف چپ ایشان و از طرف چپ ما و باز باین سوره بنام خدای بخشاینده مهربان
قُلْ هُوَ اللهُ اَحَدٌ اَللهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ
بگو اوست خدای یکتا خداست بزرگی که مقصود است در حوایج نزاییده و زاییده نشده است و نبود
لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ كَذَلِكَ اللهُ رَبُّنَا وَبِبِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ
برای او همتا کسی چنین است خدا که پروردگار ماست و باز باین سوره بنام خدای بخشاینده
الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللهُ اَحَدٌ اَللهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ
مهربان بگو اوست خدای یکتا خداست بزرگی که مقصود است در حوایج نزاییده و زاییده نشده است و

يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ كَذٰلِكَ اللّٰهُ رَبُّنَا وَبِبِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ
نبود برای او همتا کسی چنین است خدا که پروردگار ماست و باز باین سوره بنام خدای بخشاینده
الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ اَللّٰهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ
مهربان بگو اوست خدای یکتا خدا بزرگی که مقصود در حوایج است نزاینده و زاینده نشده است و
يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ كَذٰلِكَ اللّٰهُ رَبُّنَا عَنْ اَمَامِهِمْ وَعَنْ
نبود برای او همتا کسی چنین است خدا که پروردگار ماست از پیش روی ایشان و از
اَمَامِنَا وَبِبِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ اَللّٰهُ
پیش روی ما و باز باین سوره بنام خدای بخشاینده مهربان بگو اوست خدای یکتا خداست
الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ كَذٰلِكَ اللّٰهُ
بزرگی که مقصود در حوایج است نزاینده و زاینده نشده است و نبود برای او همتا کسی چنین است خدا
رَبُّنَا وَبِبِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ اَللّٰهُ الصَّمَدُ
که پروردگار ماست و باز باین سوره بنام خدای بخشاینده مهربان بگو اوست خدای یکتا خداست بزرگی که مقصود است در حوایج
لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ كَذٰلِكَ اللّٰهُ
نزاینده و زاینده نشده است و نبود برای او همتا کسی چنین است خدا
رَبُّنَا وَبِبِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ اَللّٰهُ الصَّمَدُ
که پروردگار ماست و باز باین سوره بنام خدای بخشاینده مهربان بگو اوست خدای یگانه خداست بزرگی که مقصود است در حوایج
لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ كَذٰلِكَ اللّٰهُ رَبُّنَا عَنْ
نزاینده است و زاینده نشده است و نبود برای او همتا کسی چنین است خدا که پروردگار ماست از

حَوَالَيْهِمْ وَعَنْ حَوَالَيْنَا عِصْمَةً وَحِصْنًا وَحِرْزًا لَهُمْ
همه اطراف ایشان و از اطراف ما تا اینکه نگاهدارنده و قلعه و پناهی باشد برای ایشان
وَلَنَا مِنْ كُلِّ سُوْءٍ وَضُرٍّ وَمَكْرُوْهٍ وَمَخُوْفٍ وَمَحْذُوْرٍ
و برای ما از هر بدی و ضرری و ناخوشی و خوف و ترسیده شده
وَشَفَآءٍ مَا عِشْنَا وَبَعْدَ مَا مُتْنَا بِقُدْرَةِ رَبِّنَا اِنَّهُ
و شفاء ما دام که زنده باشیم و بعد از آنکه بمیریم بقدرت پروردگار ما بدرستی که او
عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ وَلِكُلِّ شَيْءٍ حَفِيْظٌ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى
بر همه چیز بغایت تواناست و برای هر چیز تنها حفظ کننده است او و رحمت فرستد خدا
مُحَمَّدٍ وَاٰلِهٖ اَجْمَعِيْنَ دُعَآءِ بَرْضَرَرِ ظَالِمْ وَنَفْرِيْنْ بَرْ اُوْ
محمد و آل او همگی مردی آمد بخدمت حضرت امام جعفر صادق
عَلَيْهِ الصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ وَشِكْوَه كرد از ظالمی که برو ستم میکرده پس آنحضرت
امر کرد او را بخواندن این دعا و نهی فرمود او را از خواندن
این دعا بر ضرر کسی که در دین و مذهب با او موافق باشد و دعا
اینست يَا نَاصِرَ الْمَظْلُوْمِ الْمَبْغِيِّ عَلَيْهِ اِنَّ فُلَانَ بْنَ فُلَانٍ ظَلَمَنِيْ
ای یاری کننده مظلوم زیادتی کرده شده بر او بدرستی که فلان پسر فلان ظلم کرده است مرا
وَبَغٰى عَلَيَّ فَابْتَلِهٖ بِفَقْرٍ لَا تَجْبُرُهُ وَبَلَاءٍ لَا تَسْتُرُهُ
و زیادتی کرده است بر من پس مبتلا کن او را بفقری که تدارک نکنی او را و بلائی که نپوشانی آن را
و آنحضرت فرمودند که این دعا را کسی بر ظالم خود نخوانده است مگر

دعا بجهت دفع ظالم

بجای فلان بن فلان نام آن ظالم و نام پدر او را بگوید

مرتبه مگر آنکه حق تعالی مبتلا کرده است آن ظالم را به پستی که در
پریشانی او نمایان بوده و بعد از پستی او را بی چیز و محتاج
گردانیده است دعاء دیگر بجهت دفع ضرر دشمن شیخ ابو جعفر طوسی
علیه الرحمه در کتاب مصباح ذکر کرده است که هر که دشمنی
داشته باشد که آزار باو رساند پس در سجده
دویم از دو رکعت اول نماز شب بخواند این دعا را که
اَللّٰهُمَّ اِنَّ فُلاَنَ بْنَ فُلاَنٍ قَدْ شَهَرَنِی وَنَوَّهَ بِی
خداوندا بدرستی که فلان پسر فلان بتحقیق که ظاهر ساخته است عیب مرا و شهرت داده است مرا
وَعَرَّضَنِی لِلْمَکَارِهِ اَللّٰهُمَّ فَاصْرِفْهُ عَنِّی بِسُقْمٍ عَاجِلٍ
و در آورده است مرا در معرض ناخوشیها خداوندا پس باز گردان او را از من به بیماری زودی
یَشْغَلُهُ عَنِّی اَللّٰهُمَّ وَقَرِّبْ اَجَلَهُ وَاقْطَعْ اَثَرَهُ وَعَجِّلْ
که مشغول شود او را از من خداوندا و نزدیک گردان اجل او را و قطع کن اثر او را و تعجیل کن
ذٰلِکَ یَا رَبِّ اَلسَّاعَةَ اَلسَّاعَةَ دعای دیگر بجهت دفع دشمن
این را ای پروردگار من در این ساعت در این ساعت در سجده دویم رکعت دویم نماز
شب بخواند این دعا را که یَا عَلِیُّ یَا عَظِیمُ یَا رَحْمٰنُ یَا رَحِیمُ اَسْاَلُکَ مِنْ
ای بلند رتبه ای بزرگ مرتبه ای بخشاینده ای مهربان سؤال میکنم ترا از
خَیْرِ الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ وَخَیْرِ اَهْلِهَا وَاَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ
خیر دنیا و آخرت و خیر اهل آن و پناه میبرم بتو از شر

دعا بجهت دفع دشمن

یعنی در سجده دویم رکعت اول / وسجده دویم رکعت دویم نماز شب این دعا را بخواند / بجای فلان بن فلان نام دشمن و نام پدر او را بگوید

دعای دیگر بجهت دفع دشمن

الدنیا

اَلدُّنْیَا وَشَرِّ اَهْلِهَا اَللّٰهُمَّ اَقْرِضْ اَجَلَ فُلاَنِ بْنِ فُلاَنٍ وَ
دنیا و شر اهل آن خداوندا قطع کن اجل فلان پسر فلان را و
اَبْتُرْ عُمْرَهُ وَعَجِّلْ بِهِ وَالْحَاحْ و مبالغه کن در دعا کردن
کوتاه کردان عمر او را و تعجیل کن در این پس بدرستی که حق تعالی کار آن دشمن
کفایت میکند و ضرر او را رفع مینماید از تو دعا بنوشتن رقیمه
بجناب مقدس الهی جل شانه و عظم برهانه حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله و سلامه علیه فرموده است که هر گاه در محنتی و مشقتی
سخت افتی یا بجنس پادشاه جابر گرفتار شوی پس توکل کن بر خدا و بنویس این را
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ مِنَ الْعَبْدِ الذَّلِیلِ فُلاَنِ بْنِ فُلاَنٍ
بنام خدای بخشاینده مهربان از جانب بنده خوار فلان پسر فلان
اِلَی الْمَوْلَی الْجَلِیلِ اللّٰهِ الَّذِی لاَ اِلٰهَ اِلاَّ هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ
بسوی آقای بزرگوار خدائی که نیست خدائی مگر او زنده بخود بر پا
وَسَلاَمٌ عَلٰی اٰلِ یٰسِینَ مُحَمَّدٍ وَعَلِیٍّ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ وَ
و سلام بر آل یاسین باد محمد و علی و حسن و حسین و
عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَی بْنِ
علی پسر حسین و محمد پسر علی و جعفر پسر محمد و موسی پسر
جَعْفَرٍ وَعَلِیِّ بْنِ مُوسَی وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ وَعَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ
جعفر و علی پسر موسی و محمد پسر علی و علی پسر محمد و حسن

بجای فلان بن فلان نام دشمن و نام پدر او را بگوید

نوشتن رقیمه بجناب مقدس الهی جل شانه

بْنُ عَلِیٍّ وَالْحُجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ حُجَّتُكَ یا رَبِّ عَلی خَلْقِكَ اَللّٰهُمَّ
پسر علی و حجت پسر حسن حجت تواند ای پروردگار من بر خلق تو خداوندا
اِنّی اَسْئَلُكَ بِاَنّی اَشْهَدُ اَنَّكَ اللّٰهُ اِلٰهی وَاِلٰهُ الْاَوَّلینَ
بدرستی که من سؤال میکنم تورا باینکه من گواهی میدهم باینکه تو خدا خدای منی و خدای پیشینیان
وَالْآخِرینَ وَلا اِلٰهَ غَیْرُكَ اَتَوَجَّهُ اِلَیْكَ بِحَقِّ هٰذِهِ
و پسینیانی و نیست خدائی غیر تو روی میآورم بسوی تو بحق این
الْاَسْماءِ الَّتی اِذا دُعیتَ بِها اَسْتَجَبْتَ وَاِذا سُئِلْتَ
نامهائی که هرگاه خوانده شوی بآنها اجابت میکنی و هرگاه سؤال کرده شوی
بِها اَعْطَیْتَ لَمّا صَلَّیْتَ عَلَیْهِمْ وَهَوَّنْتَ عَلَیَّ خُرُوجَ رُوحی
بآنها عطا میکنی مگر اینکه رحمت فرستی برایشان و آسان کردانی بر من بیرون رفتن جان مرا
وَكُنْتَ قَبْلَ ذٰلِكَ عِیاذاً وَمُجیراً مِمَّنْ اَرادَ اَنْ یَفْرُطَ
و بوده باشی پیش از آن پناهی و پناه دهنده از هر که اراده داشته باشد اینکه زیادتی کند
عَلَیْنا اَوْ اَنْ یَطْغی و بعد از آنکه این را نوشتی در میان قدری
بر ما یا اینکه طغیان کند از گِل بکذار و سوره یس را بخوان و بینداز
انرا بدریا و اگر انداختن بدریا ممکن نباشد پس بینداز انرا در
چاه یا چشمه آبی که بتو نزدیک باشد مؤلف کتاب علیه الرحمه
گوید که از اول کتاب تا باین موضع سی گنج است از دعاهای
جامع که گمان نیست که در مجموعه کسی جمع شده باشد پس باید

که از روی جد و جهد متوجه آن شوی و بعقل ثاقب و رای صائب
خود انرا تأمل نمائی تا بدین وسیله حق تعالی برساند ترا بآرزوها
تو و عطا کند مطالب و حوایج تورا بفضل و کرم و انعام خود ان
شاء الله تعالی دعای اعتقاد که مؤلف علیه الرحمه انشا نموده و
مشتمل است بر اقرار و اعتراف کردن باصول دین و بجمیع انچه نزد
فرقه محقه ناجیه شیعه اثنا عشریه اعتقاد کردن بان لازم است
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اُشْهِدُكَ وَ
بنام خدای بخشاینده مهربان خداوندا بدرستی که من گواه میگیرم تورا و
كَفیٰ بِكَ شَهیداً وَاُشْهِدُ السَّفَرَةَ الْكِرامَ الْبَرَرَةَ
بسی تو برای گواه بودن و گواه میگیرم نویسندگان گرامی نیکوکاران
مِنْ مَلائِكَتِكَ وَالْخِیَرَةَ مِنْ رُسُلِكَ وَاَنْبِیائِكَ وَصِفْوَتِكَ
از فرشتگان تورا و خوبان از رسولان تورا و پیغمبران تو و برگزیدگان تورا
وَاَوْلِیائِكَ الْمُخْلِصینَ مِنْ بَرِیَّتِكَ اَنّی اَشْهَدُ اَنَّكَ
و دوستان باخلاص از خلق تورا اینکه من گواهی میدهم اینکه تو
اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ الْواحِدُ فِی الْاِلٰهِیَّةِ الْفَرْدُ
توئی خدائی که نیست خدائی مگر تو یکتای در خدائی تنهای
فِی الْاَزَلِیَّةِ الْاَوَّلُ الَّذی لَیْسَ لَهُ قَبْلٌ فَیَكُونَ شَیْءٌ
در همیشه بودن اولی که نیست برای او پیشی تا اینکه بوده باشد چیزی

دعای اعتقاد

قَبْلَهُ وَالْاٰخِرُ الَّذِى لَيْسَ لَهُ بَعْدٌ فَيَكُونَ شَىْءٌ بَعْدَهُ
پيش ازو وَآخرى كه نيست براى او بعدى تا اينكه بوده باشد چيزى بعد ازو
وَالظَّاهِرُ لَا بِكِثَافَةٍ وَالْبَاطِنُ لَا بِلِطَافَةٍ الْقَدِيمُ الَّذِى
وَظاهر است نه بكثيف بودن وپنهان است نه بلطيف بودن قديمى است كه
لَا يَحُولُ الدَّائِمُ الَّذِى لَا يَزُولُ الْحَىُّ الَّذِى لَا تَلْحَقُهُ
تغيير نميابد دائمى است كه برطرف نميشود زنده ايست كه نميرسد باو
الْاٰفَاتُ الْمَوْجُودُ الَّذِى لَا تَتَغَيَّرُ عَلَيْهِ الْحَادِثَاتُ
آفتها موجوديست كه متغير نميشود بوارد شدن حادثها براو
الْقَدِيرُ الَّذِى لَا نِهَايَةَ لِمَقْدُورَاتِهِ الْعَلِيمُ الَّذِى لَا
توانائى است كه نيست آخرى براى مقدورات او دانائيست كه نيست
غَايَةَ لِمَعْلُومَاتِهِ تَعْلَمُ دَبِيبَ النَّمْلَةِ السَّوْدَاءِ عَلَى
نهايتى براى معلومات او ميدانى تو حركت كردن مور سياه را بر
الصَّخْرَةِ الصَّمَّاءِ فِى اللَّيْلَةِ الظَّلْمَاءِ تَعْلَمُ خَائِنَةَ
سنگ خارا در شب تار ميدانى تو خيانت
الْاَعْيُنِ وَمَا تُخْفِى الصُّدُورُ لَيْسَ كَمِثْلِكَ شَىْءٌ وَاَنْتَ
چشمها را وآنچه پنهان ميدارند از سينها نيست مثل ومانند تو چيزى وتوئى
السَّمِيعُ الْبَصِيرُ لَمْ تَزَلْ كَذٰلِكَ وَلَا تَزَالُ مَا اخْتَلَفَ عَلَيْكَ
شنواى بينا هميشه تو چنين بوده وهميشه چنين خواهى بود مختلف نشده بر تو

کثیف جسمی است که نور چشم در آن نفوذ نکند و مانع باشد از دیدن عقب آن مانند زمین و امثال آن که ولطیف مقابل اوست یعنی جسمی که نور چشم در آن نفوذ کند و مانع نباشد از دیدن عقب خود مانند هوا و شیشه و امثال آنها

ولا يعزب عنك مثقال ذرة فى الارض ولا فى السماء
وغائب نميشود از تو مقدار ذره در زمين ونه در آسمان

دَهْرٌ فَتَخْتَلِفَ مِنْكَ الْحَالُ وَلَا كُنْتَ فِى مَكَانٍ فَيَجُوزَ عَلَيْكَ
روزگار تا اينكه مختلف شود از تو حال ونبوده تو در مكانى تا اينكه روا باشد بر تو
الْاِنْتِقَالُ الْوَاحِدُ لَا ثَانِىَ لَكَ فِى الْقِدَمِ الْمُحْدِثُ لِلْاَشْيَاءِ
انتقال يگانه كه نيست دومى براى تو در قديم بودن پديد آورنده چيزها را
بَعْدَ الْعَدَمِ الْغَنِىُّ لَا تَحْتَاجُ وَكُلُّ الْعِبَادِ اِلَيْكَ مُحْتَاجٌ
بعد از نبودن بى نيازى كه محتاج نميشوى وهمه بندگان بسوى تو محتاجند
لَا يُبْلِيكَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَلَا يَجُوزُ عَلَيْكَ الشُّهْرَةُ
كهنه نميكند تو را شب و روز وجايز نيست بر تو شهرت كردن بعيب
وَالنِّفَارُ تَعَالَيْتَ عَنِ اتِّخَاذِ الْاَبْنَاءِ وَتَقَدَّسْتَ عَنْ
ونفرت كردن از تو برترى تو از فرا گرفتن فرزندان ومقدسى تو از
مُلَامَسَةِ النِّسَاءِ لَمْ تَلِدْ فَتَكُونَ مَوْلُودًا وَلَمْ تُولَدْ
مباشرت كردن با زنان نزائيده تا اينكه بوده باشى خود زائيده شده ونزائيده شده
فَتَكُونَ مَحْدُودًا وَلَا تَنَالُكَ الْاَوْهَامُ فَتُقَدِّرَكَ
تا اينكه بوده باشى اندازه كرده شده ونميرسد بتو عقلها تا اينكه اندازه كنند تو را
وَلَا تَتَوَهَّمُكَ الْفِطَنُ فَتُصَوِّرَكَ وَلَا تُدْرِكُكَ الْحَوَاسُّ
ونميفهمند تو را زيركان تا اينكه بصورتى درآورند تو را وادراك نميكنند تو را حاسها
وَلَا يَلْمِسُكَ الْمُمَاسُّ وَلَا تُوصَفُ بِالتَّجَزِّى وَالْاِنْقِسَامِ
ولمس نميكند تو را لمس كننده وموصوف نميشوى بپاره شدن ومنقسم گرديدن

وَلَا تُشَبَّهُ بِالْجَوَاهِرِ وَالْأَجْسَامِ وَلَا بِعَرَضٍ مِنَ الْأَعْرَاضِ
وتشبيه كرده نميشوى بجوهرها وجسمها ونه بعرضى از عرضها
وَلَا بِالْغَيْرِيَّةِ وَالْأَبْعَاضِ وَلَا كُفُوءَ لَكَ فَيُكَافِيكَ
ونه بمغايرت داشتن باچيزها وجزو بودن براى چيزها ونيست مانندى براى تو تا اينكه برابرى كند با تو
وَلَا نَظِيرَ فَيُسَاوِيكَ لَسْتَ فِي الْأَشْيَاءِ بِوَالِجٍ وَلَا
ونه نظيرى تا اينكه مساوى باشد با تو نيستى تو در چيزها داخل شونده ونه
عَنْهَا بِخَارِجٍ أَنْشَأْتَ الْخَلَائِقَ إِنْشَاءً وَابْتَدَأْتَهَا
از انها بيرون رونده ازنو آفريدى همه مخلوقات را ازنو آفريدنى وابتدا كردى انها را
ابْتِدَاءً عَلَى غَيْرِ مِثَالٍ خَلَا مِنْ غَيْرِكَ وَلَمْ تَسْتَعِنْ عَلَى
ابتدا كردنى بر غير اينكه نمونه پيش بوده باشد از غير تو وطلب يارى نكردى بر
خَلْقِهَا بِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ بَلْ رَفَعْتَ السَّمَاءَ بِغَيْرِ دَعَائِمَ
خلق كردن انها بيكى از خلق خود بلكه خود بلند كردى اسمانرا بغير ستونها
وَأَقَمْتَهَا بِلَا قَوَائِمَ وَحَصَّنْتَهَا مِنَ الْأَوَدِ وَالْاعْوِجَاجِ
وبرپا داشتى انرا بى پايها ومحكم ساختى انرا از ميل كردن وكج شدن
وَمَنَعْتَهَا مِنَ التَّهَافُتِ وَالْانْفِرَاجِ وَأَمْسَكْتَ الْأَرْضَ
ومنع كردى انرا از افتادن وشكافتن ونگاه داشتى زمين را
بِلَا إِمْسَاكٍ وَدِسَارٍ وَأَرْسَيْتَهَا عَلَى غَيْرِ قَرَارٍ عِلْمُكَ بِهَا
بى انكه نگاه داشتن وريسمانى وثابت كردى انرا بى انكه برجائى قرار گيرد علم تو بانها

قبل

قَبْلَ تَكْوِينِهَا كَعِلْمِكَ بَعْدَ تَبْيِينِهَا لَمْ تُكَوِّنْهَا
پيش از خلق كردن انها مانند علم تست بانها بعد از ظاهر كردانيدن انها خلق نكردى انها را
لِتَشْيِيدِ سُلْطَانٍ وَلَا خَوْفاً مِنْ زَوَالٍ وَنُقْصَانٍ بَلِ
از براى جارى كردن سلطنت خود ونه از جهت خوف از برطرف شدن وناقص بودن بلكه
اسْتَشْهَدْتَ بِحُدُوثِهَا عَلَى أَزَلِيَّتِكَ وَبِمَا وَسَمْتَهَا
گواه گرفتى بتازه بودن انها بر هميشه بودن خود وبانچه نشان كرده انها را
بِهِ مِنَ الْعَجْزِ عَلَى قُدْرَتِكَ وَبِمَا اضْطَرَرْتَهَا إِلَيْهِ مِنَ
بان از عاجز بودن بر توانائى خود وبانچه مضطر ساخته انها را بسوى ان از
الْفَنَاءِ عَلَى دَيْمُومَتِكَ لَمْ يَخْلُ مِنْكَ مَكَانٌ فَتُدْرَكَ
برطرف شدن بر باقى بودن خود خالى نيست از تو مكانى تا اينكه ادراك كنند ترا
بِأَيْنِيَّةٍ وَلَا لَكَ شَبَحُ مِثَالٍ فَتُنْعَتَ بِكَيْفِيَّةٍ حَارَتْ
باينكه در چه مكانى ونيست براى تو اندازه مشخصى تا اينكه وصف كرده شوى باينكه بر چه حالى حيران شده
فِي مَلَكُوتِكَ مَذَاهِبُ التَّفْكِيرِ وَانْقَطَعَتْ دُونَ
در پادشاهى بزرك تو راههاى فكر ومنقطع شده است راسخ
الرُّسُوخِ فِي الْعِلْمِ بِكَ جَوَامِعُ التَّفْسِيرِ لَمْ تَحْلُلْ فِي
نشده در علم تو بيانهاى جامع فرود نيامده خود را در
الْأَشْيَاءِ فَيُقَالَ أَنْتَ فِيهَا كَائِنٌ وَلَمْ تَنْأَ عَنْهَا فَيُقَالَ
چيزها تا اينكه گفته شود كه تو در انها هستى ودور نشده از انها تا اينكه گفته شود

انت بها بائن واشهد يا الهی انک المتکلم بلا لسان
که تو از انها جدائی وگواهی میدهم ای خدای من اینکه توئی سخن گوینده بی زبانی
ولهوات والسامع بلا خروق وادوات تقول ولا
وکامها وشنونده بی شکافها والتها میگوئی تو وبر
تلفظ وتحفظ ولا تتحفظ وانما کلامک فعل
زبان جاری نمیکنی وحفظ میکنی واندک غافل نمیشوی وبدرستیکه سخن تو نیست مگر فعلی
منک انشاته وذکر مبارک انزلته لم یکن قبل
از تو که بدید اورده انرا وذکر مبارکی است که فرو فرستاده انرا که نبوده است پیش از
ذلک کائنا ولو کان قدیما لکان الها ثانیا واشهد یا
این موجود واگر میبود همیشه هر اینه خواهست بود خدای ثانی وگواهی میدهم ای
الهی انک العادل فی القضایا والقسیم الجواد بفوائد
خدای من اینکه توئی عادل در حکمها وقسمتها بخشنده بنفع دارنده
العوائد والنعم الحکیم فی افعالک فهی للحکمة
از بخششها ونعمتها حکیمی در کارهای خود پس انها با حکمت
والصواب مطابقة واقوالک فهی للحق والصدق
ودرستی مطابقند وحکیمی در قولهای خود پس انها با حق وراستی
موافقة تعالیت عن ارادة الظلم والاستفساد
موافقند برتری تو از اراده کردن ظلم وطلب کردن فساد

وتکرمت

وتکرمت عن خلق افعال العباد کما تنزهت عن
ومکرمی تو از افریدن افعال بندگان چنانکه منزهی تو از
الصاحبة والاولاد لا ترضی لعبادک الکفر
فرا گرفتن زن وفرزندان راضی نمیشوی برای بندگان خود کفر را
ولا تشاء الفساد ولا ترید منهم الا الصلاح والرشاد
واشاره کرده نمیشوی بفساد واراده نمیکنی از ایشان مگر خوبی وراه حق را
بل انت الرحیم بهم المحسن الیهم المیسر ما کلفتهم
بلکه توئی مهربان با یشان احسان کننده بسوی ایشان اسان کننده انچه را که تکلیف کرده تو ایشانرا
علیهم بالتمکین منه والاقتدار علیه والارشاد
بر ایشان بتمکین کردن از ان وقدرت دادن بر ان وراه نمودن
له والهدایة الیه اذ عرضتهم بذلک للثواب
برای ان وهدایت کردن بسوی ان چونکه در عرضه در اوردی ایشانرا باین برای ثواب
العظیم والنعیم المقیم الذی لا یحسن ایصاله
عظیم وبهشت ثابتی که نیکو نبود رسانیدن ان
الیهم الا بالاستحقاق ویقبح فعله باهل الجحود
بایشان مگر باستحقاق وقبیح بود کردن این کار با اهل انکار
والشقاق والکفر والنفاق لم تمنعهم فی دینهم
ومنازعه وکفر ونفاق منع نکردی از ایشان در باب دین ایشان

لطفاً ولا اصلاحاً ولا تحرمهم فوزاً ولا فلاحاً ربیتنا
لطفی را ونه خوبی را ومحروم نکردی ایشان را از رسیدن بمقصود ونه از رستگاری تربیت کردی مارا
فی الدنیا بنعمتك واحسانك واشرت لنا فی الآخرة
در دنیا بنعمت خود و احسان خود واشاره کردی برای ما در آخرت
الی عفوك وغفرانك خبرك الینا نازل وشرنا
بسوی عفو خود وآمرزش خود خبر تو بسوی ما فرود آینده است وشر ما
الیك صاعد لم یزل ولا یزال ملك كریم یأتیك
بسوی تو بالا رونده است همیشه و همیشه ملکی گرامی می آید بنزد تو
عنا بعمل قبیح فلا یمنعك ذلك ان تحوطنا بنعمك
از جانب ما با عمل زشتی پس منع نمیکند ترا این حال از اینکه فرو گیری مارا بنعمتهای خود
وتتفضل علینا بكرمك فسبحانك ما احلمك و
و تفضل کنی بر ما بکرم خود پس منزهی تو چه بردباری تو و
اكرمك وما افشی فینا صنائعك ونعمك لا
چه صاحب کرمی تو وچه بسیار است در پیش ما کردارهای خوب تو ونعمتهای تو
تكلف الا دون الطاقة ولا تأمر الا بالاستطاعة
تکلیف نمیکنی مگر کمتر از طاقت وامر نمیکنی مگر بقدر استطاعت
قضاؤك خیرة وتقدیرك عدل وهبتك ابتداء
حکم تو پسندیده شده است وتقدیر تو بعدالت است وبخشش تو ابتدائی است

وعفوك فضل لا تحدث فی خلقك من فنون الآلام
ودرگذشتن تو تفضل است احداث نمیکنی در خلق خود از اقسام دردها
والامراض الا لما تقتضیه الحكمة من لطائف الاغراض
و بیماریها مگر بجهت آنچه اقتضا میکند آنرا حکمت از غرضهای لطیف تو
وترتقبه لهم من جلائل الاعواض واشهد انك
ووعده میکنی آنرا برای ایشان از عوضهای عظیم وگواهی میدهم اینکه توئی
المفنی الاشیاء بعد وجودها حتی تصیر موجودها
برطرف کننده چیزها بعد از بودن آنها تا اینکه بگردد بوده آنها
كمفقودها ولیس فناء الدنیا بعد ابتداعها
مثل نبوده آنها ونیست برطرف شدن دنیا بعد از نو پدید آمدن آن
باعجب من انشائها واختراعها وانك تعود بعد
عجیب تر از نو پدید آوردن آن واختراع کردن آن واینکه تو خواهی بود بعد از
فناء الدنیا وحدك لا شیء معك كما كنت قبل ابتدائها
برطرف شدن دنیا یگانه که نباشد چیزی با تو چنانکه بودی تو پیش از ظاهر شدن دنیا
كذلك تكون بعد فنائها بلا وقت ولا مكان ولا
چنین میباشی بعد از برطرف شدن آن بی وقتی وبی مکانی وبی
زمان عدمت عند ذلك الاحیان والاوقات وزالت
زمانی معدوم میشود نزد آن زمانها ووقتها وبرطرف میشود

السنون والساعات واشهد انک کما بدات اول خلق
سالها وساعتها وگواهی میدهم اینکه تو چنانکه ابتدا کرده اول خلق را
نعیده لمراد عدل فی العالمین نریده ومراد فضل
بر میگردانی انرا بجهت اراده عدالتی که در همه عالمیان اراده داری انرا واراده تفضلی
علی المؤمنین نفیده ونبعثر من فی القبور وتحصل
که بر همه مؤمنان می بخشی انرا وبیرون میاوری کسانی را که در قبرها هستند وحاصل میکردانی
ما فی الصدور نجزی بالاعمال الصالحات ونخلد
انچه را که در سینهاست جزا میدهی بسبب کردن کارهای خوب ومخلد میکردانی
المؤمنین فی روضات الجنات ولا نحبط ثواب شیء
همه مؤمنان را در چمنهای بهشتها وباطل نمیکنی ثواب چیزی
من الطاعات وتعفو عن کثیر من السیئات ولا تغفر
از طاعتها را ودر میگذری از بسیاری از گناهان ونمی امرزی
ان یشرک بک اذ وعدت الکفار بالخلود فی النار
اینکه شرک ورزیده شود بتو چونکه وعده کرده کافران را بمخلد بودن در اتش
فلا ینجون من عقابک وتغفر ما دون الشرک من الذنوب
پس نجات نمی یابند از عقاب تو ومی امرزی انچه غیر شرک است از گناهان
لمن تشاء من المؤمنین کما وعدت فی کتابک ولا تظلم
برای هر که میخواهی از مؤمنان چنانکه وعده کرده در کتاب خود وظلم نمیکنی

مثقال ذرة وان تک حسنة تضاعفها وتؤت من لدنک
بمقدار سنگینی یک ذره واگر بوده باشد ان ذره نیکی مضاعف میکنی انرا وعطا میکنی از نزد خود
اجرا عظیما واشهد یا الهی انک قد اخترت من عبادک
اجری عظیم وگواهی میدهم ای خدای من اینکه تو بتحقیق که انتخاب کرده از میان بندگان خود
صفوة لنفسک جعلتهم امناء علی وحیک وسفراء
برگزیدگانی چند برای خود که گردانیده ایشان را امینان بر وحی خود وخبر اورندگان
بینک وبین بریتک واهبطت الیهم الرسل من ملئکتک
میان تو ومیان خلق تو وفرو فرستاده بسوی ایشان رسولان از فرشتگان خود را
واصطفیتهم علی العالمین وبعثت الیهم الروح الامین
وبرگزیده ایشان را بر همه عالمیان وبرانگیخته بسوی ایشان روح الامین را
ورضیتهم حججا علی خلیقتک وتراجمة لحکمتک
وپسندیده ایشان را که حجتی چند باشند بر خلق تو وبیان کننده باشند مر حکمتهای تو را
فهم انبیاؤک المجتبون واصفیاؤک المصطفون
پس ایشان پیغمبران پسندیده تو اند وبرگزیدگان برگزیده تو اند
کلما مضی منهم سلف عقبهم لحفظ دینک خلف حتی
هرچه گذشت از ایشان پیشی در عقب ایشان در امد برای نگاهداری دین تو جانشینی تا انکه
انتهت کرامتک الی اجلهم واکملهم وسیدهم
منتهی شد کرامت تو بسوی بزرگوارترین ایشان وکاملترین ایشان وبزرگ ایشان

وافضلهم محمد صلواتك عليه واله فاخرجته من
وبهتر از همه ایشان که محمد است رحمتهای تو بر او و بر آل او باد پس بیرون آوردی تو انحضرت را از
افضل المعادن محتدا واكرم المغارس منبتا و
بهترین معدنها از جهت محل و از گرامی ترین کشت زارها از جهت روییدن و
اعز الخلائق ارومة وافضلها اكرومة وخصصته
عزیزترین همه خلائق از جهت اصل او و افضل از همه ایشان از جهت گرامی بودن و مخصوص گردانیدی او را
بالكتاب القويم والقرآن الكريم والصراط المستقيم و
بکتاب درست و راست و قرآن کریم و راه راست و
نسخت بشريعته شرائع الماضين وختمت به النبيين
برطرف کردی بشریعت او شرعهای گذشتگان را وختم کردی باو پیغمبران را
واتممت به عدد المرسلين فلا نبي بعده الى يوم الدين
وتمام کردی باو عدد رسولان را پس نیست پیغمبری بعد از او تا روز جزا
واشهد انهم خيرتك من خلقك مطهرون معصومون
وگواهی میدهم اینکه ایشان برگزیدگان تو اند از خلق تو پاکیزگانند معصومند از گناه
موفقون للصواب في الفعال والمقال صادقون فيما
توفیق داده شدگانند برای درستی در کردار و گفتار راست گویانند در آنچه
ادوه الى العباد على جميع الاحوال واشهد يا الهي انك
رسانیده اند آنرا بسوی بندگان بر همه حالها وگواهی میدهم ای خدای من اینکه تو

لم تخل

لم تخل الارض ولن تخليها قط من حجة لك على خلقك
خالی نگذاشته زمین را و خالی نخواهی گذاشت آنرا هرگز از کسی که حجت باشد برای تو بر خلق تو
حافظ لشريعتك مستودع لحكمتك مؤيد ببرهانك
که حفظ کننده باشد مر شریعت تو را سپرده شده باشد نزد او حکمت تو تقویت کرده شده باشد بدلیل واضح تو
مخصوص بسلطانك معصوم من الخطأ والزلل موثوق
مخصوص باشد بسلطنت تو معصوم باشد از غلط و لغزش اعتماد کرده شده باشد
به في القول والعمل جعلته افضل دهره واعلم
باو در گفتار و کردار که گردانیده باشی او را بهترین اهل روزگار خود و داناترین
خلق عصره وسيد اقرانه واشجع زمانه واشهد
خلق در عصر خود و بزرگ همچشمان خود و شجاع ترین اهل زمان خود وگواهی میدهم
ان المخصوص بهذه الصفات والمتسم بهذه السمات
اینکه مخصوص باین صفتها و نشان شده باین علامتها
بعد نبينا محمد صلواتك عليه واله بلا فصل امير
بعد از پیغمبر ما محمد که رحمتهای تو بر او و بر آل او باد بی فاصله امیر
المؤمنين وسيد الوصيين وامام المتقين وقائد
مؤمنان و بزرگ جانشینان و پیشوای متقیان و کشاننده
الغر المحجلين علي بن ابي طالب عليه السلام ثم السبط
خوبان ممتاز علی پسر ابی طالب است بر او باد سلام بعد از او فرزند او

الإمام والسيد الهمام الحسن بن علي ثم سيد الشهداء
که امام وبزرگ وشجاع وسخی است حسن پسر علی بعد از و بزرگ شهیدان
وافضل الاصفياء الحسين بن علي ثم سيد العابدين
وبهترین برگزیدگان حسین پسر علی است بعد از و بزرگ عابدان
وقرة عين الزاهدين علي بن الحسين ثم البدر الباهر
وروشنی چشم زاهدان علی پسر حسین است بعد از و ماه تمام روشن
والعلم الزاهر والإمام الباقر محمد بن علي ثم السيد
ونشان درخشان وامام شکافنده علوم محمد پسر علی است بعد از و بزرگ
الناطق والإمام الصادق جعفر بن محمد ثم الامين العالم
سخن گو وامام راست گو جعفر پسر محمد است بعد از و امین دانا
والإمام الكاظم موسى بن جعفر ثم الحجة المرتضى و
وامام فرو برنده خشم موسی پسر جعفر است بعد از و حجت برگزیده و
الإمام الرضا علي بن موسى ثم الجواد السخي والإمام
امام پسندیده علی پسر موسی است بعد از و بخشنده با سخاوت وامام
التقي محمد بن علي ثم الوصي الولي والإمام النقي
پرهیزکار محمد پسر علی است بعد از و جانشین دوست وامام پاکیزه
علي بن محمد ثم النور المضيء والإمام الزكي الحسن بن علي
علی پسر محمد است بعد از و نور روشن کننده وامام پاکیزه حسن پسر علی است

ثم وصي الاوصياء وامام الاتقياء الولي الوفي
بعد از و جانشین همه جانشینان وامام پرهیزکاران دوست وفادار
المهدي الحجة المؤتمن ابن الحسن صلواتك عليهم
حضرت مهدی که حجت امانت دار خدا و پسر حسن است رحمتهای تو بر ایشان
اجمعين واشهد انهم اولياؤك المصطفون وحزبك
همگی باد وگواهی میدهم اینکه ایشان دوستان برگزیده تواند و طایفه
الغالبون واصفياؤك الصادقون الذين جللتهم
غلبه کننده تواند وبرگزیدگان صادق تواند که بزرگ گردانیده ایشانرا
بكرامتك وغذيتهم بحكمتك واصطفيتهم على
بکرامت خود وغذا داده ایشانرا بحکمت خود وبرگزیده ایشانرا بر
بريتك وارتضيتهم لحفظ شريعتك لا امامة بعد
خلق خود وپسندیده ایشانرا برای حفظ شریعت خود نیست امامی بعد از
النبي لمن عداهم ولن يستحقها احد سواهم وهم
پیغمبر برای کسی غیر ایشان وهرگز مستحق آن نبوده کسی سوای ایشان وایشانند
الشهداء يوم القيمة على رعاياهم لا تقبل الاعمال
گواهان در روز قیامت بر رعیتهای خود قبول کرده نمیشود عملها
الا بمعرفتهم وولايتهم ولا تنال السعادة الابدية
مگر بشناختن ایشان ودوستی ایشان وادراک کرده نمیشود نیکبختی دایمی

الّا بالتمسّك بعروتهم فانّهم سفن النّجاة وعين الحياة

مگر بدست زدن بحلقهٔ محبت ایشان پس بدرستی که ایشان کشتیهای نجاتند و چشمهٔ اب حیوتند

ومثلهم مثل سفينة نوح من ركبها نجا ومن تخلّف

و مثل ایشان مثل کشتی نوح است که هر که سوار شد بران نجات یافت و هر که تخلف کرد

عنها هوى ولا يجاز الصّراط الّا بجوازهم ولا ينجز

ازان هلاک شد و گذشته نمیشود از پل صراط مگر بگذرانیدن ایشان و نمیرسد کسی

الموعود الّا بانجازهم اللّهمّ هذه شهاداتي واعتقاداتي

بانچه وعده شده است مگر برسانیدن ایشان خداوندا اینها شهادتهای من و اعتقادات منست

عقدتها بعد ان اعتقدتها فاكتبها لي عندك

محکم کردم انهارا بعد از انکه اعتقاد داشتم بانها پس بنویس انهارا برای من نزد خود

مع شهادة اولي العلم حتّى تؤدّيها الىّ يوم القيمة

با شهادت صاحبان علم تا انکه ادا کنی انهارا بسوی من در روز قیامت

وانت عنّي راض وتقضي لي بها من السّعادة ما انت

و حال انکه تو از من راضی باشی و حکم کنی برای من بانها از نیک بختی انچه را که تو

قاض فقد اوجبت لي بها غفرانك وجنانك والمكث

حکم کننده و حال انکه البته واجب کرده بانها برای من بانها امرزش خود و بهشتهای خود را و باقی ماندن

لي ببركتها رضوانك واحسانك واحللتني بها دار

مرا ببرکت انها در خوشنودی تو و احسان تو و فرود اوردی مرا بانها در خانهٔ

المقامة من فضلك لا يمسّني فيها نصب ولا يمسّني

اقامت از فضل خود در حالی که نرسد بمن در ان خانه تعبی و نرسد بمن

فيها لغوب واحيني عليها ما احييتني موفورا

در ان خانه واماندگی و زنده بدار مرا برین اعتقادات مادام که زنده میداری مرا و افر کرده شده

وامتني عليها اذا امتّني مسرورا وابعثني بها

و بمیران مرا برین اعتقادات هر گاه بمیرانی مرا خوشحال و برانگیزان مرا باین اعتقادات

اذا بعثتني محبورا واجعلها لي عندك عهدا يوم

هر گاه برانگیزانی مرا شادمان و بگردان این اعتقادات را برای من نزد خود عهدی در روز

القاك منشورا ربّنا انّنا سمعنا مناديا ينادي للايمان

که ملاقات کنم ترا پهن کرده شده ای پروردگار ما بدرستی که ما شنیدیم نداکننده را که ندا میکرد برای ایمان

ان امنوا بربّكم فامنّا ربّنا فاغفر لنا ذنوبنا و

باینکه ایمان بیاورید بپروردگار خود پس ایمان اوردیم ای پروردگار ما پس بیامرز برای ما گناهان ما را

كفّر عنّا سيّئاتنا وتوفّنا مع الابرار ربّنا واتنا

برطرف کن از ما گناهان ما را و بمیران ما را با نیکوکاران ای پروردگار ما و بده بما

ما وعدتنا على رسلك ولا تخزنا

انچه را که وعده کرده بما بر زبان پیغمبران خود و خوار مکن ما را

يوم القيمة انّك لا تخلف الميعاد

در روز قیامت بدرستی که تو خلف نمیکنی وعده را

وسایل بسوی مسائل که مرویست از حضرت امام همام ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیهما الصلوة والسلام سید سعید ضیاء الدین فضل الله بن علی بن عبید الله بن محمد حسینی راوندی رفع الله درجته گفته است که خبر داد مرا سید سعید مرتضی بن الداعی حسنی در شهر ری و گفت که خبر داد مرا جعفر بن محمد دوریستی و گفت خبر داد مرا شیخ ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی رضی الله تعالی عنه و گفت حدیث کرد مرا عبد الله بن رفاعة بن مسعود و گفت حدیث کرد مرا ابرهیم بن محمد بن الحارث النوفلی و گفت حدیث کرد مرا پدرم که خادم و ملازم حضرت امام رضا علیه الصلوة والسلام بود و گفت که چون مامون الرشید دختر خود را بحضرت امام محمد تقی جواد علیه الصلوة والسلام تزویج نمود آنحضرت بمامون نوشت که برای هر زنی از مال شوهر او مهری هست و حق تعالی اموال ما را در آخرت قرار داده و عطا نموده است و مهر ما در آخرت آنها را ذخیره و اندوخته خود کرده ایم چنانکه حق تعالی اموال شما را در دنیا برای شما قرار داده و بشما رسانیده است و شما آنها را ضبط نموده و گنج کرده اید و من بمهر دختر تو دادم وسائل بسوی مسائل را و آنها چند مناجات است که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام بپدر من داده و فرموده است

دعاهای وسایل بسوی مسایل که آنها را حضرت امام محمد تقی بمهر دختر مامون الرشید قرار داده

والداعی و گفت خبر داد مرا ام

که اینها

که اینها را بمن داد پدرم یعنی حضرت امام جعفر صادق علیه السلام و فرمود که اینها را بمن داد پدرم یعنی حضرت امام محمد باقر علیه السلام و فرمود که اینها را بمن داد پدرم یعنی حضرت امام زین العابدین علیه السلام و فرمود که اینها را بمن داد پدرم یعنی حضرت امام حسین علیه السلام و فرمود که اینها را بمن داد برادرم یعنی حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام و فرمود که اینها را بمن داد پدرم یعنی حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و فرمود که اینها را بمن داد حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله که در صحیفه نوشته بود و فرمود که این را بمن داد حضرت جبرئیل علیه السلام و گفت که پروردگار تو سلام میرساند بتو و میفرماید که این دعاها کلیدهای گنجهای دنیا و آخرت است پس بگردان این دعاها را وسیلهای خود بسوی مسئلها و حاجتهای خود تا بمقصد برسی و بمطلب خود فایز گردی و منحصر مگردان این دعاها را بر حاجات دنیا که چون چنین کنی بهره تو از آخرت کم میگردد و این دعاها ده وسیله است بسوی ده مسئلت پس بخواندن این دعاها بکوب درهای رغبت را بجناب مقدس الهی تا گشوده شود و حاجات خود را طلب کن تا برآورده شود و نسخه دعاها اینست **مناجات باستخاره** یعنی مناجاتی که در وقت استخاره کردن و طلب خیر نمودن باید خواند اینست

مناجات با استخاره

اللّهمّ انّ خيرتك فيما استخيرك فيه تنيل الرّغائب

خداوندا بدرستی که خبر نمودن تو در آنچه طلب خیر میکنم از تو در آن میرساند نفعها را بمن

و تجزل المواهب و تغنم المطالب و تطيب المكاسب

و بسیار میدهد بمن بخششها را و نفع میرساند بمن در حاجتها و پاکیزه میکرداند کسبها را

و تهدي الى اجمل المذاهب و تسوق الى احمد

و هدایت میکند بسوی نیکوترین راهها و میکشاند بسوی محمودترین

العواقب و تقي مخوف النّوائب اللّهمّ انّي استخيرك

عاقبتها و نگاه میدارد از بلاهای مخوف خداوندا بدرستی که من طلب خیر میکنم از تو

فيما عزم رأيي عليه و قادني عقلي اليه فسهّل

در آنچه قرار گرفته است رای من بر آن و کشانیده است مرا عقل من بسوی آن پس هموار کن

اللّهمّ ما توعّر و يسّر منه ما تعسّر و اكفني

خداوندا آنچه را که ناهموار است و آسان کن از آن آنچه را که دشوار است و کفایت کن مرا

منه المهمّ و ادفع عنّي كلّ ملمّ و اجعل

از آن کار آنچه را که اهتمام دارم و دفع کن از من هر نازل شونده را و بگردان

عواقبه غنما و مخوفه سلما و بعده قربا

عاقبتهای آنرا غنیمت و خوف داشته شده آنرا سلامتی و دوری آنرا نزدیکی

وجدبه خصبا و ارسل اللّهمّ اجابتي و انجح

و قحط آنرا ارزانی و بفرست خداوندا اجابت عام مرا و برآور

طلبتی

طلبتي و اقض حاجتي و اقطع عوائقها و امنع

مطلب مرا و قضا کن حاجت مرا و قطع کن از من موانع آنرا و منع کن

بوائقها و اعطني لواء الظّفر بالخيرة فيما

هلاککنندها آنرا و بده بمن علم ظفر و نصرت را بخیر نمودن در آنچه

استخرتك و فوز الغنم فيما دعوتك و عوائد

طلب خیر نموده ام از تو و رسیدن بنفع را در آنچه طلبیده ام از تو و نفعهای

الافضال فيما رجوتك و اقرنه اللّهمّ بالنّجاح

احسان را در آنچه امید دارم از تو و مقارن ساز آنرا خداوندا برستگاری

و حطه بالصّلاح و ارني اسباب الخيرة واضحة

و فرو گیر آنرا بخوبی و بنما بمن اسباب خیر را واضح

و اعلام غنمها لائحة و اشدد خناق تعسّرها

و نشانهای فایده آنرا ظاهر و محکم کن ریسمان خفه کردن دشواری آنرا

و انعش صريع تيسّرها و بيّن اللّهمّ ملتبسها

و بلند کن افتاده شده آسانی آنرا و ظاهر کردان خداوندا مشتبه شده آنرا

و اطلق محتبسها و مكّن اسّها حتّى تكون خيرة

و رها کن حبس کرده شده آنرا و محکم کن بنای آنرا تا آنکه بوده باشد خیری

مقبلة بالغنم مزيلة للغرم عاجلة النّفع

رو کننده باشد بنفع و زایل کننده باشد از برای ضرر و معجل باشد نفع آن

باقية الصنع انك ملي بالمزيد مبتد بالجود

وباقی باشد نیکی آن بدرستی که تو نهایت قدرت داری بزیاد کردن و ابتدا کننده بخشش

مناجاة باستقالة یعنی مناجاتی که مناجاتی که در وقت طلب

کردن عفو و درگذشتن حق تعالی از گناهان باید خواند اینست

اللهم رب ان الرجاء لسعة رحمتك انطقني

خداوندا ای پروردگار من بدرستی که امید من (واری) بسبب وسعت رحمت تو گویا کرده است مرا

باستقالتك والامل لاناتك ورفقك شجعني

بطلب فسخ کردن از تو و امید من بسبب بردباری تو و مدارای تو صاحب جرأت نموده است مرا

على طلب امانك وعفوك ولي يا رب ذنوب قد

بر طلب کردن امان تو و عفو تو و برای من (هست) ای پروردگار من گناهانی که

واجهتها اوجه الانتقام وخطايا قد لاحظتها

روبرو افتاده است آنها را روهای انتقام و خطاهایی که ملاحظه کرده است آنها را

اعين الاصطلام واستوجبت بها على عدلك

چشمهای استیصال و مستحق شده ام بآنها بنابر عدالت تو

اليم العذاب واستحققت باجتراحها مبير العقاب

الم رساننده از عذابرا و مستحق شده ام بکسب کردن آنها هلاک کننده از عقاب را

وخفت تعويقها لاجابتي وردها اياي عن قضاء

وخوف دارم از تعویق انداختن آنها مر اجابت مرا و برگردانیدن آنها مرا از برآوردن

مناجاة باستقاله

حاجتي وابطالها لطلبتي وقطعها لاسباب رغبتي من

حاجت من و باطل کردن آنها مر مطلب مرا و قطع کردن آنها مر اسباب رغبت مرا به

اجل ما قد انقض ظهري من ثقلها وبهظني من

واسطه آنچه بتحقیق که سنگین کرده است پشت مرا از سنگینی آنها و گران کرده است مرا از

الاستقلال بحملها ثم تراجعت رب الى حلمك

استقلال ببرداشتن آنها باز رجوع کردم ای پروردگار من بسوی حلم تو

عن الخاطئين وعفوك عن المذنبين ورحمتك

از بسیار خطا کنندگان و بسوی عفو تو از گناهکاران و بسوی رحمت تو

للعاصين فاقبلت بثقتي متوكلا عليك طارحا

برای عاصیان پس رو آوردم با اعتماد خود توکل کننده بر تو اندازنده

نفسي بين يديك شاكيا بثي اليك سائلا رب

نفس خود را پیش روی تو شکوه کننده پراکندگی خود را بسوی تو سؤال کننده ای پروردگار من

ما لا استوجبه من تفريج الهم ولا استحقه

آنچه را که مستحق آن نیستم از برطرف کردن اندوه و آنچه را که مستحق آن نیستم

من تنفيس الغم مستقيلا رب لك واثقا مولاي

از زایل کردن غم طلب فسخ کننده ام ای پروردگار من از تو اعتماد دارنده ام ای آقای من

بك اللهم فامنن علي بالفرج وتطول علي بسلامة

بتو خداوندا پس منت گذار بر من بگشایش و تفضل کن بر من بسلامتی

المخرج واد للنی برامنك علی سمت المنهج وازلنی
بیرون شدن ودلالت کن مرا بمهربانی خود بر سمت راه واضح وبگردان مرا
بقدرتك عن الطریق الاعوج وخلصنی من سجن
بقدرت خود از راه کج وخلاص گردان مرا از زندان
الکرب باقالتك واطلق اسری برحمتك وطل علی
اندوه بدرگذشتن خود وبگشای بند مرا برحمت خود وتفضل کن بر من
برضوانك وجد علی باحسانك واقلنی عثرتی و
بخوشنودی خود وجود کن بر من باحسان خود ودرگذر از لغزش من و
فرج کربتی وارحم عبرتی ولا تحجب دعوتی
برطرف کن اندوه مرا ورحم کن اشك مرا ومانع مشو دعای مرا
واشدد بالاقالة ازری وقو بها ظهری واصلح
وسخت کن بدرگذشتن قوت مرا وقوی گردان بان پشت مرا واصلاح کن
بها امری واطل بها عمری وارحمنی یوم حشری و
بان امر مرا ودراز کن بان عمر مرا ورحم کن مرا در روز حشر من و
وقت نشری انك جواد کریم غفور رحیم
وقت برانگیختن من بدرستی که تو بخشنده صاحب کرم آمرزنده مهربانی

مناجات که در وقت اراده سفر باید خواند

مناجات بسفر یعنی مناجاتی که در وقتی که کسی اراده سفر
کند وخواهد که بیرون رود باید که آنرا بخواند اینست

اللهم انی ارید سفرا فخر لی فیه واوضح لی سبیل
خداوندا بدرستی که من اراده کرده ام سفری را پس اختیار کن برای من در این سفر وواضح کن برای من راه
الرای وفهمنیه وافتح عزمی بالاستقامة واشملنی
تدبیر را وبفهمان بمن آنرا وبگشای عزم مرا براستی ودرستی وفرو گیر مرا
فی سفری بالسلامة وافدنی به جزیل الحظ و
در سفر من بسلامتی ونفع برسان بمن در این سفر بهره وافر و
الکرامة واکلانی فیه بحرز الحفظ والحراسة و
کرامت را ونگاهدار مرا در این سفر در پناه محافظت وپاسبانی و
جنبنی اللهم وعثاء الاسفار وسهل لی حزونة
دور گردان از من خداوندا مشقتهای سفرها را وهموار گردان برای من ناهمواری
الاوعار واطو لی طول انبساط المراحل وقرب
زمینها ناهموار را ودرهم پیچ برای من درازی مسافتهای گشاده را ونزدیک کن
منی بعد نائی المناهل وباعد فی المسیر بین خطی
بمن دوری منزلهای دور را ودوری افکن در راه رفتن میان گامهای
الرواحل حتی تقرب نیاط البعید وتسهل وعور
شتران تا آنکه نزدیک کنی دوری منزل دور را وآسان کنی ناهمواری
الشدید ولقنی فی سفری اللهم نجح طائر الواقیة
جای سخت را وملاقات فرمای بمن در سفر من خداوندا بظفر یافتن بحرزها یعنی محافظت کننده

وهنئني غنم العافية وخفيرا الاستقلال ودليل
وگوارا کن برای من غنیمت عافیت را وپناه دهنده بسر خود بودن را وراه نمای
مجاوزة الاهوال وباعث وفور الكفاية وسانح خير
در گذشتن از خوفها را وباعث وافر بودن کفایت کردن امور مرا وتازه از پناه دهنده
الولاية واجعله اللهم رب سببا عظيم السلم
نصرت تو را وبگردان این را خداوندا ای پروردگار من سببی از برای سلامتی عظیم
حاصل الغنم واجعل الليل سترا لي من الافات و
که حاصل باشد منفعت آن وبگردان شب را پوششی برای من از آفتها و
النهار مانعا من الهلكات واقطع عني قطع لصوصه
روز را مانعی از هلاکتها وبرطرف کن از من بریدن دزدان این سفر را
بقدرتك واحرسني من وحوشه بقوتك حتى تكون
بقدرت خود ومحافظت کن مرا از جانوران وحشی آن بتوانائی خود تا آنکه بوده باشد
السلامة فيه مصاحبتي والعافية مقارنتي واليمن
سلامتی در این سفر مصاحب من وعافیت قرین من ویمنت
سائقي واليسر معانقي والعسر مفارقي والنجح بين
کشاینده من وآسانی معانقه کننده من ودشواری مفارقت کننده من ورستکاری در میان
مفارقي والقدر موافقي والامن مرافقي انك
راههای سفر من وتقدیر موافقت کننده با من وامنیت رفاقت کننده با من بدرستی که تو

مناجات بجهت طلب رزق

ذو المن والطول والقوة والحول وانت على
صاحب منت واحسانی وصاحب توانائی وقدرتی وتو بر
كل شيء قدير **مناجات برای طلب روزی**
همه چیز قادری **از جناب مقدس الهی جل شانه**
اللهم رب ارسل على سجال رزقك مدرارا وامطر
خداوندا ای پروردگار من فرو ریز بر من دلوهای روزی خود را فرو ریختنی وبباران
على سحائب افضالك غزارا وادم غيث نيلك الي
بر من ابرهای احسان خود را بسیار ودایمی بدار باران نعمت خود را بسوی من
سجالا واسبل مزيد نعمتك على خلتي اسبالا وافقرني
ریزان وبریزان زیاد شده نعمت خود را بر فقر من ریختنی ومحتاج گردان مرا
بجودك اليك واغنني عما يطلب ما لديك وداو
بکرم خود بسوی خود وبی نیاز گردان مرا از آنکه طلب میکند آنچه را که نزد تست ومداوا کن
فقري بدواء فضلك وانعش صرعة عيلتي بطولك
فقر مرا بدواء تفضل خود وبلند گردان بر زمین افتادن احتیاج مرا با احسان خود
وتصدق على اقلالي بكثرة عطائك وعلى اختلالي
وتصدق کن بر پریشانی من به بسیاری عطای خود وبر اختلال احوال من
بكريم حبائك وسهل رب سبيل الرزق الي و
به بخشش بزرگ خود وآسان کن ای پروردگار من راه روزی را بسوی من و

اَثبِتْ قَواعِدَهُ لَدَيَّ وَبَجِّسْ لي عُيُونَ سَعَتِهِ بِرَحْمَتِكَ وَفَجِّرْ
ثابت دار اساسهای بناهای آنرا نزد من وبشکاف برای من چشمهای توسعهٔ رحمت خودرا وجاری کردن
اَنْهارَ رَغَدِ الْعَيْشِ قِبَلي بِرَأْفَتِكَ وَاَجْدِبْ اَرْضَ فَقْري
نهرهای وسعت زندگانی را در پیش من بشفقت خود وخشك کن زمین فقر مرا
وَاَخْصِبْ جَدْبَ ضُرّي وَاصْرِفْ عَنّي فِي الرِّزْقِ الْعَوائِقَ
وفراوان کردان قحطی ضرر مرا وباز دار از من در باب روزی موانع را
وَاقْطَعْ عَنّي مِنَ الضّيقِ الْعَلائِقَ وَارْمِني اَللّٰهُمَّ مِنْ
وقطع کن از من از تنگی اسباب آنرا وبینداز بجانب من خداوندا از
سَعَةِ الرِّزْقِ بِاَخْصَبِ سِهامِهِ وَاحْبُني مِنْ رَغَدِ الْعَيْشِ
وسعت روزی فراوان ترین تیرهای آنرا وعطا کن بمن از وسعت زندگانی
بِاَكْثَرِ دَوامِهِ وَاكْسُني اَللّٰهُمَّ سَرابيلَ السَّعَةِ وَجَلابيبَ
دایمی ترین آنرا وبپوشان بمن خداوندا پیراهنهای توسعه را وجامهای
الدَّعَةِ فَاِنّي رَبِّ مُنْتَظِرٌ لِاِنْعامِكَ بِحَذْفِ الضّيقِ وَ
رفاهیت را پس بدرستی که من ای پروردگار من منتظرم برای انعام کردن تو بیرطرف کردن تنگی و
لِتَطَوُّلِكَ بِقَطْعِ التَّعْويقِ وَلِتَفَضُّلِكَ بِبَتْرِ التَّقْتيرِ وَلِوَصْلِ
برای احسان کردن تو بقطع کردن تاخیر وبرای تفضل کردن تو بقطع کردن تنگی وبرای متصل ساختن
حَبْلي بِكَرَمِكَ بِالتَّيْسيرِ وَاَمْطِرِ اللّٰهُمَّ عَلَيَّ سَماءَ
وسیلهٔ من بکرم تو بتوانگر ساختن وبباران خداوندا بر من آسمان

رزقك

رِزْقِكَ بِسِجالِ الدِّيَمِ وَاَغْنِني عَنْ خَلْقِكَ بِعَوائِدِ النِّعَمِ
روزی خودرا بباران‌های ریزان وبی نیاز کردان مرا از خلق خود ببخششهای نعمتها
وَارْمِ مَقاتِلَ الْاِقْتارِ مِنّي وَاحْمِلْ عَسْفَ الضُّرِّ عَنّي
بدور انداز کشندهای از تنگی را از من وبردار ظلم ضرررا از من
وَاضْرِبِ الضُّرَّ بِسَيْفِ الْاِسْتيصالِ وَامْحَقْهُ رَبِّ
وبزن ضرررا بشمشیر مستاصل کردن وباطل کن آنرا ای پروردگار من
مِنْكَ بِسَعَةِ الْاِفْضالِ وَامْدُدْني بِنُمُوِّ الْاَمْوالِ وَاحْرُسْني
از جانب خود بتوسعهٔ احسان واعانت کن مرا بزیاد شدن مالها ونگاه دار مرا
مِنْ ضيقِ الْاِقْلالِ وَاقْبِضْ سُوءَ الْجَدْبِ وَابْسُطْ لي
از تنگی بی چیزی وبگیر بدی قحطی را وپهن کن برای من
بِساطَ الْخِصْبِ وَاسْقِنِي اللّٰهُمَّ مِنْ ماءِ رِزْقِكَ غَدَقاً
فرش فراوانی را وسیراب کردان مرا خداوندا از آب روزی خود بسیار
وَانْهَجْ لي مِنْ عَميقِ بَذْلِكَ طُرُقاً وَفاجِئْني بِالثَّرْوَةِ
وواضح کن برای من از کوی بخشش خود راههارا وبناگاه برسان مرا بتوانگری
وَالْمالِ وَانْعَشْني فيهِ بِالْاِسْتِقْلالِ وَصَبِّحْني بِالْاِسْتِظْهارِ
ومال وبلند کردان مرا در آن بمستقل بودن وداخل در صبح کردان مرا بمستظهر بودن
وَمَسِّني بِالتَّمَكُّنِ مِنَ الْيَسارِ اِنَّكَ ذُو الطَّوْلِ الْعَظيمِ
وداخل در شام کردان مرا بمتمکن بودن از توانگری بدرستی که تو صاحب احسان عظیم

دیم جمع دیمه است ودیمه باران است که بی رعد وبرق باشد وتخصیص این نوع از باران بجهت آنست که دوام این نوع بیشتر از باقی بارانها است وباین مناسبت از دیمه میگویند

مناجات بجهت پناه بردن از بلاها و آفتها

وَالفَضلِ الجَسیمِ وَاَنتَ الجَوادُ الکَریمُ **مناجات بجهت پناه بردن**
و فضل بزرگ و توئی بخشنده صاحب کرم **از بلاها و آفتها**
اَللّٰهُمَّ اِنّی اَعوذُ بِکَ مِن مُلِمّاتِ نَوازِلِ البَلاءِ وَاَهوالِ
خداوندا بدرستی که من پناه میبرم بتو از سختیهای بلاهای نازل شونده و از هولهای
عَظائِمِ الضَّرّاءِ فَاَعِذنی رَبِّ مِن صَرعَةِ البَاساءِ وَاَجِبنی
ضررهای عظیم پس پناه ده مرا ای پروردگار من از بر و در انداختن از بدی و مانع شو مرا
مِن سَطَواتِ البَلاءِ وَنَجِّنی مِن مُفاجاةِ النِّقَمِ وَاحرُسنی
از حمله آورندهای بلا و نجات ده مرا از بناگاه رسیدن عقوبتها و نگاهدار مرا
مِن زَوالِ النِّعَمِ وَمِن سُبُوفِ الفُحَمِ وَمِن زَلَلِ القَدَمِ وَ
از برطرف شدن نعمتها و از شمشیرهای افتادن در بلاها و از لغزش قدمها و
اجعَلنی اللّٰهُمَّ رَبِّ فی حِمیٰ عِزِّکَ وَحِیاطَةِ حِرزِکَ
بگردان مرا خداوندا ای پروردگار من در قرق عزت خود و فرو گرفتن در پناه خود
مِن مُباغَتَةِ الدَّوائِرِ وَمُعاجَلَةِ البَوادِرِ اللّٰهُمَّ رَبِّ
از ناگاه در آمدن بدیها و زود رسیدن بلاها خداوندا ای پروردگار
وَاَرضَ البَلاءِ فَاخسِفها وَعَرصَةَ المِحَنِ فَارجِفها وَ
و زمین بلاها را پس ببر آنرا و عرصه محنتها را پس برطرف کن آنرا و
شَمسَ النَّوائِبِ فَاکسِفها وَکُرَبَ الدَّهرِ فَاکشِفها
آفتاب مصیبتها را پس بپوشان آنرا و غمهای روزگار را پس بردار آنها را

وعوائق

وَعَوائِقَ الاُمورِ فَاصرِفها وَجِبالَ السُّوءِ فَانسِفها وَاَوردنی
و موانع کارها را پس باز گردان آنها را و کوههای بدی را پس از بیخ برکن آنها را و وارد ساز مرا
حِیاضَ السَّلامَةِ وَاحمِلنی عَلیٰ مَطایَا الکَرامَةِ وَاصحِبنی
بحوضهای سلامتی و بار کن مرا بر شتران کرامت و مصاحب گردان مرا
بِاِقالَةِ العَثرَةِ وَاشمِلنی بِسَترِ العَورَةِ وَمَتِّعنی رَبِّ
باد رگذشتن از لغزش و فرو گیر مرا بپوشانیدن قبایح و بهره مند گردان مرا ای پروردگار من
بِطولِ عُمرِ العافِیَةِ وَبُعدِ اَجَلِ الوافِیَةِ وَجُد
بدرازی عمر عافیت و دوری انقضای محافظت کننده و بخشش کن
عَلَیَّ رَبِّ بِآلائِکَ وَکَشفِ بَلائِکَ وَدَفعِ ضَرّائِکَ
بر من ای پروردگار من بنعمتهای خود و برطرف کردن بلای از جانب خود و دفع کردن بدی از جانب خود
وَادفَع عَنّی اَلیمَ عِقابِکَ وَاَعِذنی مِن بَوائِقِ الدُّهورِ
و دفع کن از من عقاب دردناک خود را و پناه ده مرا از حادثهای روزگار
وَاَنقِذنی مِن سوءِ عَواقِبِ الاُمورِ وَاحرُسنی مِن
و خلاص گردان مرا از بدی عاقبتهای کارها و نگاهدار مرا از
جَمیعِ المَحذورِ وَاصدَع صَفاةَ البَلاءِ عَن اَمری وَ
همه حذر کرده شدها و بشکاف سنگ سخت بلا را از کار من و
اَشلُل یَدَهُ عَنّی مَدیٰ عُمری اِنَّکَ الرَّبُّ المَجیدُ المُبدِئُ
شل کن دست بلا را از من در مدت عمر من بدرستی که توئی پروردگار بزرگوار و نو بجهه

المعيد الفعّال لما تريد مناجات از براى طلب قبول شدن
بازگرداننده بسيار توانا بر كردن آنچه اراده دارى توبه و آمرزش گناهان
اللّهمّ انّى قصدت اليك باخلاص توبة نصوح و
خداوندا بدرستيكه من متوجه شده ام بسوى تو بخالص كردانيدن توبه نصوح و
تثبيت عقد صحيح و دعاء قلب قريح و اعلان قول
ثابت كردانيدن اعتقاد صحيح و دعا كردن بدل مجروح و ظاهر كردانيدن قول
صريح اللّهمّ ربّ فتقبّل منّى انابة مخلص التوبة
صريح خداوندا اى پروردگار من پس قبول كن از من بازگشت خالص كننده توبه را
واقبال سريع الاوبة ومصارع تخشّع الحوبة و
و روآوردن بازگشت سريع را و زاری کردنهای خشوع کردن بسبب گناه را و
قابل ربّ توبتى بجزيل الثّواب وكريم المآب
برابر كن اى پروردگار من توبه مرا بثواب بسيار و بازگشت نيكو
وحطّ العقاب وصرف العذاب وغنم الاياب
و برطرف شدن عقاب و بازگردانيدن عذاب و بنفع بردن در بازگشت
وامح اللّهمّ ربّ بها ما ثبت من ذنوبى واغسل
و محو كن خداوندا اى پروردگار من باين توبه آنچه را كه ثبت شده است از گناهان من و بشوى
بقبولها جميع عيوبى واجعلها جالية لقلبى شاحذة
بقبول كردن آن توبه همه عيبهاى مرا و بكردان آن توبه را جلادهنده براى دل من تيز كننده

مناجاة از براى طلب قبول شدن توبه و آمرزش گناهان

نصوح مبالغه در نصح است و نصح بمعنى خلوص است و توبه نصوح توبه ايست كه بغايت خالص باشد و توبه كننده اراده كردن آن گناه هرگز نداشته باشد و عزم جزم بر ترك آن گناه داشته باشد و بعضى گفته اند كه توبه نصوح پشيمانى در دل و استغفار بزبان و ترك گناهان با اعضا است و آنكه عازم بر ترك همه گناهان باشد

مراد از قول صريح گفتن استغفر الله ربّى و اتوب اليه است كه صريح است در بازگشت بسوى حق تعالى و پشيمانى از گناهان

بصيرة

لبصيرة لبّى غاسلة لدرنى مطهّرة لنجاسة بدنى
براى بينا عقل من شوينده براى چرك گناهان از من پاك كننده براى نجاست بدن من
مصحّحة فيها ضميرى عاجلة الى الوفاء بها
درست كننده در آن توبه باطن مرا تعجيل كننده بسوى وفا كردن بآن توبه
مصيرى واحتفال فى طويّتى واجتهاد فى نقاء
انتقال مرا و بسوى مبالغه كردن در باب نيت خود و سعى كردن در پاكيزگى
سريرتى وتثبيت انابتى ومسارعة الى
باطن خود و ثابت كردانيدن بازگشت خود و شتاب كردن بسوى
امرك بطاعتى واجل اللّهمّ ربّ بالتوبة عنّى
فرمان تو باطاعت كردن من و جلا ده خداوندا اى پروردگار من بسبب توبه از من
ظلمة الاصرار وامح بها ما قدّمته من الاوزار
تاريكى اصرار بر گناه را و محو كن بآن آنچه را كه پيش كرده ام آنرا از گناهان
واكسنى بها لباس التّقوى وجلابيب الهدى
و بپوشان بمن بآن جامه پرهيزكارى را و لباسهاى هدايت را
فقد خلعت ربق المعاصى عن خلدى ونزعت
پس بتحقيق كه بيرون كرده ام ريسمان گناهان را از دل خودم و كنده ام
سربال الذّنوب عن جسدى مستمسكا
پيراهن گناهان را از بدن خودم دست زننده ام

ربِّ بِقُدرَتِكَ مُستَعيناً عَلىٰ نَفسي بِعِزَّتِكَ

ای پروردگار من بقدرت تو طلب یاری کنده ام بر نفس خود بعزت تو

مُستَودِعاً تَوبَتي مِنَ النَّكثِ بِخُفرَتِكَ مُعتَصِماً

بامانت سپارنده ام توبه خود را از شکستن پناه و محافظت تو طلب نگاه داری کنده ام

مِنَ الخِذلانِ لِعِصمَتِكَ مُقِرّاً بِأنَّهُ لا حَولَ وَلا

از خوار شدن بنگاهداری تو اقرار کننده ام باینکه نیست گردشی و نه

قُوَّةَ إلّا بِكَ مناجات از برای طلب نمودن

توانائی مگر بتو توفیق حج بیت الله الحرام

اَللّٰهُمَّ ارزُقنِي الحَجَّ الَّذي افتَرَضتَهُ عَلىٰ مَنِ استَطاعَ

خداوندا روزی کن بمن حجی که واجب کردانیده آنرا بر هر کسی که استطاعت داشته

إلَيهِ سَبيلاً وَاجعَل لي فيهِ هادِياً وَإلَيهِ دَليلاً

بسوی آن راهی و بگردان برای من در این حج راهنمائی و بسوی آن دلیلی

وَقَرِّب لي بُعدَ المَسالِكِ وَأعِنّي فيهِ عَلىٰ تَأدِيَةِ

و نزدیک کردان برای من دوری راهها را و اعانت کن مرا در این برادا کردن

المَناسِكِ وَحَرِّم بِإحرامي عَلَى النّارِ جَسَدي وَ

اعمال حج و حرام کردان بسبب احرام من بر آتش بدن مرا و

زِد لِلسَّفَرِ في زادي وَقُوَّتي وَجَلَدي وَارزُقني

زیاد کردان برای سفر در توشه من و توانائی من و قوت من و روزی کن بمن

مناجات از برای طلب نمودن توفیق حج بیت الله الحرام

رب

مجلس شورای ملی
تاسیس ۱۳۰۲
کتابخانه

رَبِّ الوُقوفَ بَينَ يَدَيكَ وَالإفاضَةَ إلَيكَ وَأظفِرني

پروردگار من ایستادن پیش روی تو را و کوچ کردن بسوی تو را و ظفر ده مرا

بِالنُّجحِ وَاحبُني بِوافِرِ الرِّبحِ وَأصدِرني رَبِّ مِن

بر رستگاری و عطا کن بمن بنفع وافر و کوچ فرمای مرا ای پروردگار من از

مَوقِفِ الحَجِّ الأكبَرِ إلىٰ مُزدَلِفَةِ المَشعَرِ وَاجعَلها

موقف حج اکبر بسوی مزدلفه که مشعر الحرام است و بگردان آنرا

زُلفَةً إلىٰ رَحمَتِكَ وَطَريقاً إلىٰ جَنَّتِكَ وَقِفني

سبب نزدیکی بسوی رحمت خود و راهی بسوی بهشت خود و بدار مرا

مَوقِفَ المَشعَرِ الحَرامِ وَمَقامَ وُفودِ الإحرامِ وَأهِّلني

در موقف مشعر الحرام و در جای وارد شدن برای احرام و سزاوار کردان مرا

لِتَأدِيَةِ المَناسِكِ وَنَحرِ الهَدْيِ التَّوامِكِ بِدَمٍ

برای ادا کردن اعمال حج و کشتن قربانی صاحب کوهان بزرگ بخونی

يَثُجُّ وَأوداجٍ تَمُجُّ وَإراقَةِ الدِّماءِ المَسفوحَةِ مِنَ

که روان شود و رگهائی که خون بریزاند و ریختن خونهای جهنده از

الهَدايا المَذبوحَةِ وَفَرْيِ أوداجِها عَلىٰ ما أمَرتَ

قربانیهای ذبح کرده شده و بریدن رگهای آنها بر آن نحوی که امر کرده

وَالتَّنَفُّلِ بِها كَما رَسَمتَ وَأحضِرني اَللّٰهُمَّ

و قسمت کردن آنها چنانکه قرار داده و حاضر کردان مرا خداوندا

مراد از موقف عرفات است و از حج اکبر اصل حج است و عمره را حج اصغر میگویند

صَلوٰةَ الْعَبْدِ رَاجِيًا لِلْوَعْدِ خَالِقًا شَعْرَ رَاسِي وَمُقَصِّرًا

بنماز عبد امید وارم وعده نیک تو را تراشنده موی سر خود را و کوتاه کننده

مُجْتَهِدًا فِي طَاعَتِكَ مُشَمِّرًا وَرَامِيًا لِلْجِمَارِ بِسَبْعٍ

وسعی کننده در فرمان برداری تو دامن بر کمر زننده و اندازنده مر جمرها را بهفت عدد

بَعْدَ سَبْعٍ مِنَ الْاَحْجَارِ وَاَدْخِلْنِي اللّٰهُمَّ عَرْصَةَ

بعد از هفت عدد از سنگ ریزها و داخل کردان مرا خداوندا در عرصه

بَيْتِكَ وَعَفْوِكَ وَاَوْلِجْنِي مَحَلَّ اَمْنِكَ وَكَعْبَتِكَ

خانه خود و در ساحت قرب خود و داخل کن مرا در محل امنیت خود و در کعبه خود

وَمَسَاكِينِكَ وَسُؤَالِكَ وَوَفْدِكَ وَمَحَاوِيجِكَ

و در میان مساکین تو و سؤال کنندگان از تو و وارد شوندگان بر تو و محتاجان تو

وَجُدْ عَلَيَّ اللّٰهُمَّ بِوَافِرِ الْاَجْرِ مِنَ الْاِنْكِفَاءِ وَالنَّفْرِ

و ببخش بر من خداوندا اجر وافر بسبب رجوع و کوچ کردن از منی

وَاخْتِمْ لِي مَنَاسِكَ حَجِّي وَانْقِضَاءَ عَجِّي بِقَبُولٍ مِنْكَ

و ختم کن برای من اعمال حج مرا و منقضی شدن صدا بلند مرا بقبول کردن از جانب تو

لِي وَرَاْفَةٍ مِنْكَ بِي يَا غَفُورُ يَا رَحِيمُ مناجات از برای

برای من و مهربانی از تو بمن ای آمرزنده ای مهربان دفع ظلم ظالمان

اَللّٰهُمَّ اِنَّ ظُلْمَ عِبَادِكَ قَدْ تَمَكَّنَ فِي بِلَادِكَ حَتّٰى

خداوندا بدرستی که ظلم کردن بندگان تو بتحقیق که قرار گرفته است در شهرهای تو تا اینکه

و قد جمع وافدات و وافد کسی را گویند که به بزرگی وارد شود و نزد او آید بجهت طلب کردن خیر و احسان و وفود بر حق تعالی کنایه است از اینکه بندگان او قصد او کنند و حوایج خود را از و مسئلت نمایند

مناجات از برای دفع ظلم ظالمان

اَمَاتَ الْعَدْلَ وَقَطَعَ السُّبُلَ وَمَحَقَ الْحَقَّ وَاَبْطَلَ

میرانیده است عدالت را و بریده است راهها را و برطرف کرده است حق را و باطل کرده است

الصِّدْقَ وَاَخْفَى الْبِرَّ وَاَظْهَرَ الشَّرَّ وَاَخْمَلَ

راستی را و مخفی کرده است نیکی را و ظاهر ساخته است بدی را و پنهان کرده است

التَّقْوٰى وَاَزَالَ الْهُدٰى وَاَزَاحَ الْخَيْرَ وَاَثْبَتَ

پرهیزکاری را و زایل کرده است هدایت را و برطرف کرده است خیر را و ثابت کرده است

الضَّيْرَ وَاَنْمَى الْفَسَادَ وَقَوَّى الْعِنَادَ وَبَسَطَ

ضرر را و زیاد کرده است فساد را و تقویت کرده است معانده را و پهن کرده است

الْجَوْرَ وَعَدَّى الطَّوْرَ اَللّٰهُمَّ وَرَبِّ لَا يَكْشِفُ

ظلم را و گذرانیده است مردم را از اندازه خود خداوندا و ای پروردگار من برطرف نمیکند

ذٰلِكَ اِلَّا سُلْطَانُكَ وَلَا يُجِيرُ مِنْهُ اِلَّا امْتِنَانُكَ

این ظلم را مگر پادشاهی تو و پناه نمیدهد از آن مگر منت گذاشتن تو

اَللّٰهُمَّ رَبِّ فَابْتُرِ الظُّلْمَ وَبُتَّ حِبَالَ الْغَشْمِ وَاَخْمِلْ

خداوندا ای پروردگار من پس قطع کن ظلم را و ببر ریسمانهای ظلم را و پنهان کن

سُوقَ الْمُنْكَرِ وَاَعِزَّ مَنْ عَنْهُ زَجَرَ وَاحْصُدْ

بازار قبیح را و عزیز گردان کسی که از آن منع کند و قطع کن

شَافَةَ اَهْلِ الْجَوْرِ وَاَلْبِسْهُمُ الْحَوْرَ بَعْدَ الْكَوْرِ

بیخ اهل ظلم را و بپوشان بایشان نقصان را بعد از زیادتی

وَعَجِّلْ لَهُمُ الْبَنَاتَ وَانْزِلْ عَلَيْهِمُ الْمَثُلَاتِ وَامِتْ
وَتعجيل كن براى ايشان منقطع شدنرا وفرود آور بر ايشان عقوبتهارا وبميران
جَبْوَةَ الْمُنْكَرَاتِ لِيُؤْمَنَ الْمَخُوفُ وَيَسْكُنَ الْمَلْهُوفُ
زندگى قبايح را تا اينكه ايمن كرده شود ترسيده شده وآرام گيرد ستم رسيده شده
وَيَشْبَعَ الْجَائِعُ وَيُحْفَظَ الضَّائِعُ وَيُؤْوَى الطَّرِيدُ
وسير كرده شود گرسنه وحفظ كرده شود تلف شونده وجا داده شود بيرون كرده شده
وَيَعُودَ الشَّرِيدُ وَيُغْنَى الْفَقِيرُ وَيُجَارَ الْمُسْتَجِيرُ
وباز گردد گريخته وبى نياز كرده شود فقير وپناه داده شود طلب پناه كننده
وَيُوَقَّرَ الْكَبِيرُ وَيُرْحَمَ الصَّغِيرُ وَيُعَزَّ الْمَظْلُومُ
وتعظيم كرده شود پير ورحم كرده شود طفل وعزيز كرده شود مظلوم
وَيُذَلَّ الْخَصُومُ الظَّلُومُ وَيُفَرَّجَ الْمَغْمُومُ وَ
وذليل كرده شود دشمنى كننده بسيار ظلم كننده وگشايش داده شود اندوهناك و
تُفَرَّجَ الْغَمَّاءُ وَتَسْكُنَ الدَّهْمَاءُ وَيَمُوتَ
برطرف كرده شود غم وفرونشيند مصيبت وبميرد
الْاِخْتِلَافُ وَيَحْيَى الْاِئْتِلَافُ وَيَعْلُوَ الْعِلْمُ وَ
مخالفت وزنده شود الفت وبلند شود مرتبهٔ علم و
يَشْمَلَ السِّلْمُ وَتُجْمَلَ النِّيَّاتُ وَيُجْمَعَ الشَّتَاتُ
شامل شود سلامتى ونيكو شود نيتها وجمع كرده شود پراكندگى

وتحضر

وَتُحْضَرَ الْمَشَاهِدُ وَتُعْمَرَ الْمَسَاجِدُ وَيَقْوَى
وحاضر كرده شوند مردم در جايهاى حاضر شدن ومعمور شود مسجدها وقوى شود
الْاِيمَانُ وَيُتْلَى الْقُرْآنُ اِنَّكَ اَنْتَ الْمَنَّانُ
ايمان وتلاوت كرده شود قرآن بدرستى كه تو توئى بسيار نعمت دهنده
الْمُنْعِمُ الدَّيَّانُ مناجات از براى اداى شكر
انعام كننده جزا دهنده پروردگار تعالى شانه
اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَرَدِّ نَوَازِلِ الْبَلَاءِ وَمُلِمَّاتِ
خداوندا براى تست ستايش بر باز گردانيدن بلاهاى نازل شونده وضررهاى
الضَّرَّاءِ وَكَشْفِ نَوَائِبِ اللَّأْوَاءِ وَتَوَالِي سُبُوغِ
فرود آينده وبرطرف كردن حادثهاى تنگى معيشت وپى در پى رسيدن
النَّعْمَاءِ وَلَكَ الْحَمْدُ رَبِّ عَلَى هَنِيِّ عَطَائِكَ وَمَحْمُودِ
نعمتهاى كامل وبراى تست ستايش اى پروردگار من بر گوارا از بخشش تو وپسنديده
بَلَائِكَ وَجَلِيلِ آلَائِكَ وَلَكَ الْحَمْدُ رَبِّ عَلَى اِحْسَانِكَ
از نعمت تو وبزرگ از نعمتهاى تو وبراى تست ستايش اى پروردگار من بر احسان تو
الْكَثِيرِ وَخَيْرِكَ الْغَزِيرِ وَتَكْلِيفِكَ الْيَسِيرِ وَدَفْعِكَ
كه بسيار است وخير تو كه بسيار است وتكليف كردن تو چيزهاى آسان را ودفع كردن تو
الْعَسِيرَ فَلَكَ الْحَمْدُ رَبِّ عَلَى تَثْمِيرِكَ قَلِيلَ الشُّكْرِ وَ
دشوار را پس براى تست ستايش اى پروردگار من بر زياد كردن تو اندكى از شكر را و

مناجات بجهت اداى شكر پروردگار تعالى شانه

اِعْطائكَ وافِرَ الاَجْرِ وَحَطّكَ مُثْقَلَ الوِزْرِ وَقَبُولكَ
عطا کردن تو بسیاری از اجر را و بر طرف نمودن تو سنگینی گناه را و قبول کردن تو
ضَیِّقَ العُذْرِ وَوَضْعكَ فادِحَ الاِصْرِ وَتَسْهیلكَ
عذر تنگ و ناقص را و در گذشتن تو دشوار از گناه را و آسان کردن تو
مَوْضِعَ الوَعْرِ وَمَنْعكَ مُفْظِعَ الاَمْرِ وَلَكَ الحَمْدُ
جای ناهموار را و منع کردن تو رسوا کننده از کار را و برای تست ستایش
رَبِّ عَلَی البَلاءِ المَصْرُوفِ وَوافِرِ المَعْرُوفِ وَدَفْعِ
ای پروردگار من بر بلاء باز داشته شده و بسیار از احسان و دفع کردن
المَخُوفِ وَاِذْلالِ العَسُوفِ وَلَكَ الحَمْدُ عَلی قِلَّةِ
مخوف و خوار گردانیدن ظلم کننده و برای تست ستایش بر کمی
التَّكْلیفِ وَكَثْرَةِ التَّخْفیفِ وَتَقْوِیَةِ الضَّعیفِ وَ
تکلیف و بسیاری تخفیف و تقویت کردن ضعیف و
اِغاثَةِ اللَّهیفِ وَلَكَ الحَمْدُ عَلی سَعَةِ اِمْهالِكَ وَدَوامِ
بفریاد رسیدن مظلوم و برای تست ستایش بر وسعت مهلت دادن تو و دایم بودن
اِفْضالِكَ وَصَرْفِ مِحالِكَ وَحَمیدِ فِعالِكَ وَتَوالی
احسان تو و باز داشتن عذاب تو و نیکو بودن افعال تو و متوالی بودن
نَوالِكَ وَلَكَ الحَمْدُ عَلی تَأخیرِ مُعاجَلَةِ العِقابِ وَ
عطای تو و برای تست ستایش بر پس انداختن تو تعجیل کردن در عقاب را و

تَرْكِ مُغافَصَةِ العَذابِ وَتَسْهیلِ طُرُقِ المَآبِ وَاِنْزالِ
ترک کردن تو ناگاه گرفتن بعذاب را و آسان کردن تو راههای بازگشت را و فرو فرستادن تو
غَیْثِ السَّحابِ اِنَّكَ المَنّانُ الوَهّابُ مُناجات از برای طلب بر آمدن حاجت
باران را از ابر بدرستی که توئی بسیار نعمت دهنده بسیار بخشنده
اَللّهُمَّ جَدیرٌ مَنْ اَمَرْتَهُ بِالدُّعاءِ اَنْ یَدْعُوكَ وَمَنْ
خداوندا سزاوار است کسی که امر کرده او را بدعا کردن اینکه دعا کند و بخواند ترا و کسی
وَعَدْتَهُ بِالاِجابَةِ اَنْ یَرْجُوكَ وَلی اَللّهُمَّ حاجَةٌ
که وعده کرده او را باجابت کردن اینکه امید داشته باشد از تو و برای من خداوندا حاجتی هست
قَدْ عَجَزَتْ عَنْها حیلَتی وَكَلَّتْ فیها طاقَتی وَضَعُفَتْ
که بتحقیق که عاجز شده است از آن چاره من و مانده شده است در آن طاقت من و ضعیف شده است
عَنْ مَرامِها قُدْرَتی وَسَوَّلَتْ لی نَفْسِیَ الاَمّارَةُ بِالسُّوءِ
از رسیدن بآن توانائی من و زینت داده است برای من نفس من که بسیار امر کننده است ببدی
وَعَدُوِّیَ الغَرُورُ الَّذی اَنا مِنْهُ وَمِنْها مُبْتَلیً اَنْ
و دشمن فریب دهنده من که من از آن دشمن و از آن نفس مبتلایم اینکه
اَرْغَبَ فیها اِلی ضَعیفٍ مِثْلی وَمَنْ هُوَ فِی النُّكُولِ
رغبت کنم در آن حاجت بسوی ناتوانی مثل خودم و کسی که او در ناتوانی
شَكْلی حَتّی تَدارَكَتْنی رَحْمَتُكَ وَبادَرَتْنی بِالتَّوْفیقِ
شبیه من است تا اینکه رسید بمن رحمت تو و مبادرت کرد مرا بتوفیق

مناجات از برای طلب بر آمدن حاجت

رَأْفَتَكَ وَرَدَدْتَ عَلَيَّ عَقْلِي بِتَطَوُّلِكَ وَأَلْهَمْتَنِي رُشْدِي

مهربانی تو و برگردانیدی بر من عقل مرا بتفضل خود و فهمانیدی بمن خیر مرا

بِتَفَضُّلِكَ وَأَحْيَيْتَ بِالرَّجَاءِ لَكَ قَلْبِي وَأَزَلْتَ خُدْعَةَ

بتفضل خود و زنده گردانیدی بامید وار بودن بتو دل مرا و برطرف کردی حیله

عَدُوِّي عَنْ لُبِّي وَصَحَّحْتَ بِالتَّأْمِيلِ فِكْرِي وَشَرَحْتَ

دشمن مرا از عقل من و درست کردی بآرزومند کردن بجود فکر مرا و گشادی

بِالرَّجَاءِ لِإِسْعَافِكَ صَدْرِي وَصَوَّرْتَ لِيَ الْفَوْزَ

بامیدداشتن بعضا کردن تو حاجت مرا سینه مرا و تصویر کردی برای من ظفر یافتن را

بِبُلُوغِ مَا رَجَوْتُهُ وَالْوُصُولِ إِلَى مَا أَمَّلْتُهُ فَوَقَفْتُ

برسیدن بآنچه امید داشتم آنرا و رسیدن بسوی آنچه آرزو داشتم آنرا پس ایستادم

اللّٰهُمَّ يَا رَبِّ بَيْنَ يَدَيْكَ سَائِلًا لَكَ ضَارِعًا إِلَيْكَ

خداوندا ای پروردگار من پیش روی تو سؤال کننده از تو زاری کننده بسوی تو

وَاثِقًا بِكَ مُتَوَكِّلًا عَلَيْكَ فِي قَضَاءِ حَاجَتِي وَ

اعتماد دارنده بتو توکل کننده بر تو در بر آوردن حاجت من و

تَحْقِيقِ أُمْنِيَّتِي وَتَصْدِيقِ رَغْبَتِي فَأَعِذْنِي اللّٰهُمَّ

محقق ساختن آرزوی من و راست کردن خواهش من پس پناه ده مرا خداوندا

رَبِّ بِكَرَمِكَ مِنَ الْخَيْبَةِ وَالْقُنُوطِ وَالْأَنَاةِ

ای پروردگار من بکرم جود از زیان کاری و نومیدی و پس انداختن

والتثبیط

وَالتَّثْبِيطِ بِهَنِيءِ إِجَابَتِكَ وَسَابِغِ مَوْهِبَتِكَ إِنَّكَ

و ناخیر کردن بگوارای اجابت کردن تو و بکامل از بخشش تو بدرستیکه تو

وَلِيٌّ وَبِالْمَنَائِحِ مَلِيٌّ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَبِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ

نصرت کننده و بعطاها توانگری و تو بر هر چیز قادری و بهمه چیز احاطه کننده

شرح دعاء جوشن صغیر

دعائی که از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله و سلامه علیه

روایت شده و معروف است بدعاء جوشن صغیر سید سعید

ابو الرضا فضل الله بن علی حسنی علیه الرحمة گفته است که خبر

داد مرا سید ابو تراب حسنی و گفت که خبر داد مرا شیخ ابو عبد الله

دوریستی و گفت خبر داد مرا ابو عبد الله دئلی و گفت

خبر داد مرا هارون بن موسی تلعکبری و گفت حدیث کرد مرا

ابو العباس بن علی بن ابرهیم و گفت حدیث کرد مرا عمارة بن

زید عقیلی و گفت حدیث کرد مرا عبد الله بن علاء و گفت

حدیث کرد مرا امام همام ابو عبد الله جعفر بن محمد صادق

علیه الصلوة و السلام و فرمود که حدیث کرد مرا پدر من یعنی

حضرت امام محمد باقر علیه الصلوة و السلام و فرمود که حدیث

کرد مرا پدر من یعنی حضرت امام زین العابدین علیه الصلوة

و السلام و فرمود که حدیث کرد مرا پدر من یعنی سید شهداء

حضرت امام حسین علیه الصلوة و السلام و فرمود که حدیث

کردم مرا پدر من یعنی سید اوصیا حضرت امیر المؤمنین علیه
الصلوة و السلام و فرمود که ای فرزند من آیا تعلیم بکنم تو
دعائی را که سریست از اسرار رسول خدا صلی الله علیه و آله
و نازل ساخته است آن را روح الامین یعنی جبرئیل علیه السلام
و آن گنجی است از گنجهای حق تعالی که مخصوص و ممتاز گردانیده است
حضرت رسول صلی الله علیه و آله را بآن طلب فریاد رسی میکند
بآن دعا مظلومان بسوی حق تعالی و آن معروفست بجوشن
و حق تعالی گردانیده است آن را برای هر که آن را بخواند حرزی و
امانی از آفتها و عقوبتهای دنیا و بهره از نعیم آخرت و نیک
بختی آن و آنحضرت فرمود که این دعا را تعلیم کن باهل خود و
ترغیب کن ایشان را بر خواندن آن و توسل کردن در این دعا
بسوی حق تعالی بنامهای مقدسه او و اعتراف نمودن بنعمتهای
او و منع کن اهل خود را از اینکه تعلیم کنند آن را بکسی که کافر و مشرک
باشد پس بدرستی که هیچ بنده سؤال نکرده است چیزی را از
حق تعالی بوسیله این دعا مگر آنکه عطا کرده است باو و کار او را
کفایت کرده است و حفظ نموده است او را از هر حذر کرده شده
و در باب این دعا و زود مستجاب شدن دعا ببرکت آن احاد
احادیث و اخبار مشهوره وارد شده از جمله دیدم نسخه کد

ظهران

ظهر آن نوشته شده بود که این دعای جوشن است که مرویست
از حضرت امام همام موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین
بن علی بن ابی طالب صلوات الله علیهم اجمعین و در اول آن
نسخه نوشته بود که بسم الله الرحمن الرحیم خبر داد ما را شیخ
رئیس ابو البقا هبة الله بن ناصر بن الحسین بن نصر علیه الرحمة
باین طریق که من بر او خواندم و او گفت که خبر داد ما را شیخ
اجل سید عالم ابو عبد الله محمد بن هبة الله جعفر بن الطرابلسی
و گفت که خبر داد ما را شیخ ابو جعفر محمد بن الحسن الطوسی و شریف
ابو یعلی محمد بن الحسن جعفری علیهما الرحمه و گفتند که خبر داد
ما را شریف ابو محمد حسن بن احمد بن قاسم محمدی و گفت که
خبر داد ما را شیخ معدل ابو بکر احمد بن الحسن بن عبد العزیز
در محل عکبرا و خبر دادند ما را عبد الغفار بن عبد الله
حسینی واسطی و ابو محمد هرون بن موسی تلعکبری و ابو الفضل
محمد بن عبد الله بن مطلب و گفتند که حدیث کرد ما را ابو
العباس احمد بن عبید الله بن عمار از کتاب خود و خبر داد
ما را نیز محمد بن حمید بن حسن بن ربیع لخمی محدث و گفت که
حدیث کرد ما را نادولک بن عبد الله هاشمی و گفت که حدیث
کرد ما را ابو العباس احمد بن عمار از کتاب خود و گفت که حدیث

کرد مرا ابو الوضاح عبد الله بن احمد بن بدیل تمیمی و گفت که
غیرت میکنم بر این حدیث و خوش نمی آید مرا از اینکه کسی این را بشنود
چنانکه غیرت میکنم بر زن وجیه بجهت آنکه این حدیث از جمله
حدیثهائی است که بغایت شریف و نفیس است پس زنهار که این را
بکسی نقل کنی مگر بکسی که مستحق آن باشد و مخصوص گردان باین
حدیث نیکان برادران دینی خود را و علما را تا حق تعالی بسبب آن
بتو و با ایشان نفع رساند و شریف ابو محمد محمدی گفته است که حدیث
کرد مرا ابو عبد الله احمد بن محمد بن عیاش جوهری و گفت که حدیث
کرد مرا ابو یوسف یعقوب بن عمر ازدی که مشهور بود باین قراره
و گفت که حدیث کرد مرا ابو الوضاح نهشلی در کوفه و گفت که حدیث
کرد مرا عبد الله بن بدیل و گفت که کشته شد حسین بن علی بن حسن
بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام در موضع فخ و نقل
کرد این حدیث و این دعا را و شریف ابو محمد محمدی گفت که حدیث
کردند ما را ابو غالب زراری و ابو المفضل شیبانی و گفتند که
حدیث کرد ما را ابو العباس محمد بن جعفر رزاز قرشی و گفت
که حدیث کرد ما را محمد بن حسین بن ابی الخطاب و گفت که حدیث
کرد ما را عبد الله بن بدیل که با اخبار و احادیث بغایت دانا
بود و بسیار متعبد و راستگو بود و گفت که چون حسین بن علی

که در موضع فخ مقتول شده عزم خروج بر بنی عباس نمود خبر او
بحضرت امام موسی کاظم علیه الصلوة والسلم رسید پس کسی
فرستاد و اعلام نمود باو که خروج مکن که اگر خروج کنی کشته
خواهی شد پس حسین بآنکسی که از جانب آنحضرت آمده بود
گفت که بسید و آقای من بگو که آیا احتمال میرود که کشته شدن
نباشد و چیزی پیش آید که پست تر از آن باشد پس آنکس برگردید
و این سخن را بخدمت حضرت عرض نمود آنحضرت فرمود که باز
گرد و بحسین بگو که بخدا سوگند که تو کشته خواهی شد پس چنین کن
که من بار دیگر تو را نه بینم پس آنکس که این خبر را بحسین رسانید
حسین گریست و گفت که کیست که در فرموده آنحضرت شک
کند تا آنحضرت ناچار شود بیاد کردن قسم لیکن من میگویم که
لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و بعد از آن حسین
نیست گردیدنی و نه توانائی مگر بخدای بلند رتبه بزرگ مرتبه از جای خود برخواست
و آمد بخدمت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام و چون
حضرت او را دید بآواز بلند فرمود که یا قتیل فخ یعنی ای کشته
شده در منزل فخ بعد از آن حضرت دست راست مبارک خود را
دراز کرد و بگونه راست او گذارد و دست خود را کشید و بوسید
و فرمود ای حسین این اول قطعه و کوششی خواهد بود از تو که

وارد بهشت میشود وچون حسین ناز کردید حضرت این شعر را خواند
که یرید العبد ان یعطی مناه • ویابی الله الا ما ارادا •
یعنی اراده دارد بنده که عطا کرده شود ارزوی او وحق تعالی
اباد ارد که واقع شود مگر انچه خود اراده کرده است وبعد ازانکه
حسین خروج کرد وسپاه او با سپاه خلیفه ملاقات نمودند و
اتش جنگ در گرفت جمعی دیدند که حسین بکناری رفت وبدست
خود زمین را کاوید وچیزی را دفن نمود وبمعرکه باز گردید و
بحرب مشغول گردید تا کشته شد راوی گوید که عنبسة بن عمر بن
یعقوب یشکری که از مشایخ زیدیه است خبر داد مرا وگفت که
خبر داد مرا احمد بن عمرو وگفت که خبر داد مرا ابی الدواس
که یکی از سپاه حسین بود وگفت که دیدم حسین علیه الرحمه را
که یکی از سیاه پوشان عباسی متوجه او گردید ونیزه بجانب او
افکند پس او نیزه را از خود دفع نمود ونیزه بران سیاه پوش زد
واورا بقتل رسانید پس دیگری متوجه او گردید وبا او نیز چنین
کرد پس از یکی از سیاه پوشان شمشیر خود را بنزدیک روی او
اورد وگویا بروی او مالید پس حسین ضربتی بر کاسه سر او برد
که کلاه خود وبدن او را بدو نیم کرد بحدی که نصف الان تناسل
او با یک نصف بدن ونصف دیگر با نصف دیگر بدن او بود

اسمعیل بن ابان غنوی و گفت که خبر داد مرا ابن
صح

بعد ازان حسین از معرکه دور شد وچیزی را در زمین دفن
نمودوندانستم که چه چیز بود وچون کشته شد وسپاه متفرق
گردیدند امدم بموضعی که دیده بودم که چیزی دران موضع
دفن نموده وکاویدم دیدم که قطعه از گوشت وپوست گوشه او
راکه ان سیاه پوش بشمشیر قطع نموده بود دران موضع دفن
کرده است • ابو الوضاح نهشلی گوید که عبد الله بن احمد بن
وضاح تمیمی گفت که چون حسین بقتل رسید ومردمان متفرق
گردیدند سر او را با اسیران اوردند بنزد موسی بن مهدی
خلیفه عباسی پس سر او را ملاحظه نمودیم وجای ضربت را
دیدیم که گوشه را است او را با قدری از لحیه او بریده وجدا کرده
است وان قطعه بوده است که انرا دفن نموده بوده وان بوده است
که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام خبر داده بوده است
که اول قطعه از تو که وارد بهشت میشود این است بعد ازان
موسی بن مهدی عباسی علیه اللعنه در مقام شماتت شعری
چند خوانده وفرمود تا اسیرانرا اوردند ویک یک از ایشان
سرزنش مینمود ومیفرمود تا گردن میزدند بعد ازان شروع نمود
در مذمت کردن هر یک از اولاد امجاد حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام تا نوبت بحضرت امام موسی کاظم علیه السلام

رسید و آنحضرت را مذمت بسیار نمود و گفت که بخدا سوگند که خروج نکرده
بود حسین مگر بامر او و پیروی نکرده بود مگر دوستی او را و خدا مرا
بکشد اگر برو رحم کنم پس ابو یوسف قاضی که در آن مجلس حاضر بود
و با او بجرأت سخن میگفت گفت یا خلیفه بگویم یا ساکت باشم خلیفه
گفت بگو هرچه خواهی خدا مرا بکشد اگر از موسی بن جعفر عفو کنم
و در گذرم و اگر نه بود آنچه شنیده ام از مهدی در باب جعفر بن
محمد صادق و سخن خبری که بمن رسیده است که او در باب منصور
گفته است هر آینه قبر او را میشکافتم و جسد او را می سوزانیدم
پس ابو یوسف قاضی قسم یاد نمود باینکه زنان او مطلقه باشند
و همه مال او تصدق باشد و همه بندگان او آزاد باشند و چهار پایان
او وقف باشد و حج پیاده برو واجب باشد اگر دروغ گوید اینرا
که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام اراده خروج کردن
نداشت و پدر بزرگوار او و جد بزرگوار او نیز اراده خروج
کردن نداشتند و فرزندان او نیز خواهش خروج کردن ندارند
و بعد از آن نقل کرد که جماعت زیدیه اعتقاد بخروج کردن
دارند و گفت که باقی نمانده اند از جماعت زیدیه مگر این طایفه
که با حسین خروج کردند و حق تعالی خلیفه را بر ایشان ظفر داد و
غالب گردانید و پیوسته ابو یوسف از این باب سخن میگفت تا آنکه

غضب

غضب خلیفه فرو نشست راوی گوید که این حکایت را برای حضرت
امام موسی کاظم علیه السلام نقل کردند در وقتی که جمعی در خدمت آنحضرت
حاضر بودند پس آنحضرت بآن جماعت خطاب نمود و فرمود که
شما مصلحت را در چه چیز میدانید پس همه ایشان گفتند که مصلحت
شما را در این میدانیم که از این خلیفه دوری کنید و خود را از او
پنهان فرمائید که از شر او ایمن نیستید پس آنحضرت تبسم نمود
و شعری چند خواند که دلالت میکرد بر اینکه آنحضرت از شر این
خلیفه ایمن است و ضرر او بآنحضرت نخواهد رسید بعد از آن
فرمود که حق تعالی خوف و ترس شما را زایل گردانید بخدا قسم
که اول مکتوبی که از عراق خواهد آمد باین مضمون خواهد
بود که خلیفه یعنی موسی بن مهدی عباسی در خواب بوده که مرده است
و بخدا قسم که این سخن حق است مثل آنکه شما سخن میگوئید پس آنحضرت
سر مبارک خود را بجانب آسمان بلند گردانید و رو بقبله کرد و شروع نمود
بخواندن دعائی که بعد از این مذکور خواهد شد و بعد از خواندن دعا
بسجده رفت و در حال سجده دعائی را خواند که بعد از این مذکور خواهد شد
که در حال سجده باید خواند و بعد از آن مردمان متفرق شدند و دیگر
مردمان اجتماع ننمودند مگر برای خواندن مکتوبی که خبر مردن موسی بن
مهدی و خلیفه شدن هارون الرشید در آن نوشته بود و دعا اینست

دعای جوشن صغیر

إلهي كم من عدوٍّ انتضى عليّ سيف عداوته وشحذ
ای خدای من بسا از دشمنی که کشید بر من شمشیر دشمنی خود را و تند کرد
لي ظبة مديته وأرهف لي شبا حدّه وداف
برای من دم کارد بزرگ خود را و نازک کرد برای من کناره تندی اثر او و حیسانید
لي قواتل سمومه وسدّد إليّ صوائب سهامه ولم تنم
برای من زهرهای کشنده خود را و راست کرد بجانب من تیرهای درست و ننخوابید
عنّي عين حراسته وأضمر أن يسومني المكروه
از من چشم پاسبانی او و در دل گرفت اینکه برساند بمن ناخوشی را
ويجرّعني ذعاف مرارته نظرتَ إلى ضعفي عن
و بیاشاماند بمن جرعه آب زهر تلخی خود را نظر کردی بسوی ناتوانی من از
احتمال الفوادح وعجزي عن ملمّات الجوائح وقصوري
برداشتن چیزهای گران و عجز من از حادثهای هلاک کننده و کوتاهی من
عن الانتصار ممّن قصدني لمحاربته ووحدتي
از انتقام کشیدن از کسی که قصد کرد مرا بمحاربه خود و تنهایی من
في كثيرٍ ممّن ناواني وأرصادهم لي فيما
در میان عدد بسیاری از کسانی که دشمنی کردند با من و در کمین کردن ایشان برای من در انچه
لم أعمل فكري في الإرصاد لهم بمثله
کار نفرمودم فکر خود را در کمین کردن برای ایشان بمثل ان

فایدتنی

فأيّدتني بقوّتك وشددت أزري بنصرك و
پس تقویت کردی مرا بقوت خود و محکم کردی پشت مرا بنصرت خود و
فللت لي حدّه وخذلته بعد جمع عديده و
کند کردی برای من تندی او را و خوار کردی او را بعد از جمع کردن او عدد بسیار خود را
حشده وأعليت كعبي عليه ووجّهت ما سدّد
جماعت خود را و بلند کردی کعب مرا بر او و متوجه ساختی انچه را که راست کرده بود
إليّ من مكائده إليه ورددته لم تشف غليله
بسوی من از تیرهای مکر خود بسوی او و برگردانیدی او را در حالتی که شفا نداده بود کینه خود را
ولم تبرد حرارات غيظه وقد عضّ على أنامله
و خنک نشده بود گرمیهای خشم او و بتحقیق که بدندان گرفت سر انگشتان خود را
وأدبر مولّياً قد أخفقت سراياه فلك الحمد
و پشت کرد اعراض کننده بتحقیق که نومید گردید لشکرهای او پس برای تست ستایش
يا ربّ من مقتدرٍ لا يُغلب وذي أناةٍ لا يعجل صلّ
ای پروردگار من ای توانایی که مغلوب نمیشود و صاحب حلمی که شتاب نمیکند رحمت فرست
على محمّدٍ وآل محمّدٍ واجعلني لنعمائك من الشاكرين
بر محمد و آل محمد و بگردان مرا برای نعمتهای تو از شکر کنندگان
ولآلائك من الذاكرين إلهي وكم من باغٍ بغاني
و برای احسانهای تو از یاد کنندگان ای خدای من و بسا از ستم کننده که ستم کرد مرا

کعبتها استخوان [illegible] بلند کردن کعب [illegible]

بِمَكَائِدِهِ وَنَصَبَ لِي اَشْرَاكَ مَصَائِدِهِ وَوَكَّلَ بِي
بکیدهای خود و برپا کرد برای من دامهای صیدهای خود را و موکل کرد بر من
تَفَقُّدَ رِعَايَتِهِ وَاَضْبَأَ اِلَيَّ اِضْبَاءَ السَّبُعِ لِطَرِيدَتِهِ انْتِظَارًا
جستجوی رعایت کردن خود را و در کمین نشست مثل کمین نشستن شیر از برای شکار خود بجهت انتظار
لِانْتِهَازِ فُرْصَتِهِ وَهُوَ فِي ذٰلِكَ كُلِّهِ يُظْهِرُ لِي
برای یافتن فرصت خود و حال آنکه در اینها همه ظاهر میکرد برای من
بَشَاشَةَ الْمَلَقِ وَيَبْسُطُ لِي وَجْهًا غَيْرَ طَلِقٍ فَلَمَّا رَاَيْتَ
شکفتگی چاپلوسی را و میگشود برای من روی غیر گشاده خود را پس چونکه دیدی تو
دَغَلَ سَرِيرَتِهِ وَقُبْحَ مَا انْطَوٰى عَلَيْهِ لِشَرِيكِهِ فِي
فساد باطن او را و زشتی آنچه بخاطر گرفته است برای بدی که پنهان کرده از او در
قَلْبِهِ وَاَصْبَحَ مُجْلِبًا لِي فِي بَغْيِهِ اَرْكَسْتَهُ لِاُمِّ رَاْسِهِ
دل خود و صبح کرد ظاهر کننده برای من در ظلم خود نگونسار کردی او را بمغز سر او
فِي زُبْيَتِهِ وَنَقَضْتَ بُنْيَانَهُ مِنْ اَسَاسِهِ وَرَدَيْتَهُ
در زبیه او و شکستی بنای ظلم او را از بیخ آن و انداختی او را
مَهْوٰى حُفْرَتِهِ وَجَعَلْتَ خَدَّهُ طَبَقًا لِتُرَابِ رِجْلِهِ
در محل افتادن گو او و گردانیدی گونه او را چسبیده بخاک پای او
وَشَغَلْتَهُ فِي بَدَنِهِ وَرِزْقِهِ وَرَمَيْتَهُ بِحَجَرِهِ وَ
و مشغول کردی او را در بدن او و در روزی او و انداختی او را بسنگ او و

زبیه بضم زای و سکون باء نقطه گودی است که برای شکار کردن شیر میکنند و روی آنرا پنهان میپوشانند تا شیر در آن بیفتد و معنی اینست که انداختی دشمن را بعمق سرش در آن چاهی که برای من کنده بود و نجات دادی مرا از حیله او و کوئی که برای کردن من کرده بود

یعنی او را مشغول ساختی به بیماری و آزار در بدن و تنگی و مشقت در تحصیل روزی

خنقته

خَنَقْتَهُ بِوَتَرِهِ وَذَكَّيْتَهُ بِمَشَاقِصِهِ وَكَبَبْتَهُ
خفه کردی او را بزه کمان او و ذبح کردی او را بپیکانهای تیر او و برو در انداختی او را
لِمِنْخَرِهِ وَرَدَدْتَ كَيْدَهُ فِي نَحْرِهِ وَرَبَقْتَهُ بِنَدَامَتِهِ
به بینی او و برگردانیدی حیله او را در گلو گردن او و بستی او را به پشیمانی او
وَفَتَّاْتَهُ بِحَسْرَتِهِ فَاسْتَخْذَاَ وَتَضَاءَلَ بَعْدَ نَخْوَتِهِ
و کند کردی او را باندوه او پس مطیع شد و حقیر شد بعد از تکبر او
وَانْقَمَعَ بَعْدَ اسْتِطَالَتِهِ ذَلِيلًا مَاْسُورًا فِي رِبَقِ
و باز گشت بعد از سرکشی او خوار بسته شده در ریسمان
حِبَالَتِهِ الَّتِي كَانَ يُؤَمِّلُ اَنْ يَرَانِي فِيهَا يَوْمَ سَطْوَتِهِ
دام خود که بود که آرزو میکرد اینکه ببیند مرا در آن در روز غضب خود
وَقَدْ كِدْتُ يَا رَبِّ لَوْلَا رَحْمَتُكَ اَنْ يَحُلَّ بِي مَا
و بتحقیق که نزدیک بودم ای پروردگار من اگر نبود رحمت تو اینکه فرود آید بمن آنچه
حَلَّ بِسَاحَتِهِ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ
فرود آمد بمیان سرای او پس برای تست ستایش ای پروردگار من از توانا که مغلوب نمیشود
وَذِي اَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي
و صاحب حلمی که شتاب نمیکند رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بگردان مرا
لِنَعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلِاٰلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ
برای نعمتهای تو از شکر کنندگان و برای احسانهای تو از یاد کنندگان

إِلٰهِي وَكَمْ مِنْ حَاسِدٍ شَرِقَ بِحَسْرَتِهِ وَعَدُوٍّ شَجِيَ
ای خدای من وبسا از حسد برنده که گلو گیر شده بود باندوه خود ودشمنی که اندوهگین شده بود
بِغَيْظِهِ سَلَقَنِي بِحَدِّ لِسَانِهِ وَوَخَزَنِي بِشَبَا سِنَانِهِ
بخشم خود آزار کرد مرا بتندی زبان خود وطعن زد مرا بکنار نیزهٔ خود
وَجَعَلَنِي غَرَضًا لِمَرَامِيهِ وَقَلَّدَنِي خِلَالًا لَمْ تَزَلْ
وگردانید مرا نشانه برای تیرهای خود وبگردن من انداخت صفتهای را که پیوسته
فِيهِ نَادَيْتُكَ يَا رَبِّ مُسْتَجِيرًا بِكَ وَاثِقًا بِسُرْعَةِ
در خود بود خواندم ترا ای پروردگار من پناه آورنده بتو اعتماد کننده بزود
إِجَابَتِكَ مُتَوَكِّلًا عَلَى مَا لَمْ أَزَلْ أَتَعَرَّفُهُ مِنْ حُسْنِ
اجابت کردن تو توکل کننده بر آنچه همیشه میشناسم آنرا از نیکو
دِفَاعِكَ عَالِمًا أَنَّهُ لَنْ يُضْطَهَدَ مَنِ اعْتَضَدَ بِوِلَايَتِكَ
دفع کردن تو دانا باینکه هرگز ستم رسیده نمیشود کسی که قوت گرفت بولایت تو
وَآوَى إِلَى ظِلِّ كَنَفِكَ وَكِفَايَتِكَ وَلَمْ يَفْزَعِ
وجای گرفت در سایهٔ حمایت تو وکفایت تو ونمی ترساند
الْحَوَادِثُ مَنْ لَجَأَ إِلَى مَعْقِلِ الِانْتِصَارِ بِكَ فَحَصَّنْتَنِي
حادثها کسی را که پناه برد بسوی پناهگاه انتقام کشیدن بتو پس نگاه داشتی مرا
مِنْ بَأْسِهِ بِقُدْرَتِكَ وَكَفَيْتَنِي سَطْوَتَهُ بِرَحْمَتِكَ
از شدت او بقدرت خود وکفایت کردی از من غضب او را برحمت خود

فلك

فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي أَنَاةٍ لَا
پس برای تست ستایش ای پروردگار من از آن توانائی که مغلوب نمیشود وصاحب حلمی که
يَعْجَلُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنَعْمَائِكَ
شتاب نمیکند رحمت فرست بر محمد وآل محمد وبگردان مرا برای نعمتهای تو
مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلِآلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ
از شکر کنندگان وبرای احسانهای تو از یاد کنندگان
إِلٰهِي وَكَمْ مِنْ سَحَائِبِ مَكْرُوهٍ جَلَّيْتَهَا وَسَمَاءِ نِعْمَةٍ
ای خدای من وبسا از ابرهای ناخوشی که گشودی آنها را وابرهای نعمتی
أَمْطَرْتَهَا وَجَدَاوِلِ كَرَامَةٍ أَجْرَيْتَهَا وَأَعْيُنِ
که بارانیدی آنها را وجدولهای رحمتی که جاری ساختی آنها را وچشمهای
أَحْدَاثٍ طَمَسْتَهَا وَنَاشِئَةِ رَحْمَةٍ نَشَرْتَهَا وَجُنَّةِ
حادثهائی که پر کردی آنها را وپهن شونده رحمتی که پهن کردی آنرا وسپر
عَافِيَةٍ أَلْبَسْتَهَا وَغَوَامِرِ كُرُبَاتٍ كَشَفْتَهَا وَ
عافیتی که پوشانیدی آنرا وفرو برندهای غمهائی که برطرف کردی آنها را و
أُمُورٍ جَارِيَةٍ قَدَّرْتَهَا لَمْ تُعْجِزْكَ إِذْ طَلَبْتَهَا وَلَمْ
فرمانهای جاری که تقدیر کردی آنها را عاجز نکردند ترا در وقتی که طلب کردی آنها را و
تَمْتَنِعْ عَلَيْكَ إِذْ أَرَدْتَهَا فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ
سرکشی نکردند بر تو در وقتی که خواستی آنها را پس برای تست ستایش ای پروردگار من از آن

مقتدرٍ لا یُغلب وذی اناةٍ لا یعجل صلّ علی محمدٍ
توانائی که مغلوب نمیشود و صاحب حلمی که شتاب نمیکند رحمت فرست بر محمد
وآلِ محمدٍ واجعلنی لنعمائک من الشاکرین و
و آل محمد و بگردان مرا برای نعمتهای تو از شکر کنندگان و
لآلائک من الذاکرین الهی وکم من ظنٍّ حسنٍ
برای احسانهای تو از یاد کنندگان ای خدای من و بسا از گمان نیکوئی
حققت ومن کسر املاقٍ جبرت ومن مسکنةٍ
که درست کردی و از شکستن پریشانی که تدارک کردی و از درویشی
فادحةٍ حوّلت ومن صرعةٍ مهلکةٍ نعشت ومن مشقةٍ
سنگینی که گردانیدی و از افتادن هلاک کننده که برداشتی و از مشقتی
ارحت لا تسئل یا سیدی عمّا تفعل وهم یسئلون
که برطرف کردی سؤال کرده نمیشوی ای آقای من از آنچه میکنی و مردمان سؤال کرده میشوند
ولا ینقصک ما انفقت ولقد سئلت فاعطیت
و کم نمیکند خزانهٔ تو را هر قدر که خرج کنی و هر آینه بتحقیق که سؤال کرده شدی پس عطا کردی
ولم تسأل فابتدأت واستمیح باب فضلک فما
و سؤال کرده نشدی پس ابتدا کردی و طلب بخشش کرده شد از درگاه فضل تو پس
اکدیت ابیت الا انعاما وامتنانا والا تطوّلا
باندک دادن راضی نشدی ابا کردی مگر از نعمت دادن و اکرام کردن و مگر از تفضّل

یارب

یا ربّ واحسانا وابیت الا انتهاکا لحرماتک
ای پروردگار من و احسان کردن و ابا کردم مگر از مبالغه کردن در دریدن پردههای محرمات تو
واجتراءً علی معاصیک وتعدّیاً لحدودک و
و جرأت کردن بر گناهان تو و تجاوز کردن از حدود تو و
غفلةً عن وعیدک وطاعةً لعدوّی وعدوّک
غفلت ورزیدن از تهدید تو و فرمان برداری برای دشمن من و دشمن تو
فلم یمنعک یا الهی وناصری اخلالی بالشکر
پس مانع نشد ترا ای خدای من و یاری کننده من خلل رسانیدن من بشکرگزاری
عن اتمام احسانک ولا حجزنی ذلک عن ارتکاب
از تمام کردن تو احسان خود را و مانع نشد مرا این از مرتکب شدن
مساخطک الهی وهذا مقام عبدٍ ذلیلٍ اعترف
بخشم آورندهای تو ای خدای من و این جای ایستادن بندهٔ خواریست که اعتراف کرده است
لک بالتوحید واقرّ علی نفسه بالتقصیر فی اداء
برای تو بیگانگی تو و اقرار کرده است بر نفس خود بتقصیر داشتن در ادا کردن
حقک وشهد لک بسبوغ نعمتک علیه وجمیل
حق تو و گواهی داده است برای تو بکامل بودن نعمت تو بر او و نیکوئی
عاداتک عنده واحسانک الیه فهب لی یا الهی
عادتهای تو نزد او و احسان تو بسوی او پس ببخش بمن ای خدای من

وَسَيِّدِي مِنْ فَضْلِكَ مَا أَتَوَسَّلُ بِهِ إِلَى رَحْمَتِكَ وَأَتَّخِذُهُ
و آقای من از فضل خود آنچه را که وسیله جویم بآن بسوی رحمت تو و فرا گیرم آنرا
سُلَّمًا أَعْرُجُ فِيهِ إِلَى مَرْضَاتِكَ وَآمَنُ بِهِ مِنْ سَخَطِكَ
نردبانی که بالا روم در آن بسوی خوشنودی تو و ایمن شوم بسبب آن از غضب تو
بِعِزَّتِكَ وَطَوْلِكَ وَبِحَقِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَالْأَئِمَّةِ
بحق عزت تو و قدرت تو و بحق پیغمبر تو محمد و بحق امامان
صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ
رحمتهای خدا بر او و بر ایشان باد پس برای تست ستایش ای پروردگار من
مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلَى
از آن توانائی که مغلوب نمیشود و صاحب حلمی که شتاب نمیکند رحمت فرست بر
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنَعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَ
محمد و آل محمد و بگردان مرا برای نعمتهای خود از شکر کنندگان و
لِآلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ إِلٰهِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ
برای احسانهای تو از یاد کنندگان ای خدای من و بسا از بنده
أَمْسَى وَأَصْبَحَ فِي كَرْبِ الْمَوْتِ وَحَشْرَجَةِ الصَّدْرِ وَ
که شام کرد و صبح کرد در اندوه مرگ و غرغره سینه و
النَّظَرِ إِلَى مَا تَقْشَعِرُّ مِنْهُ الْجُلُودُ وَتَفْزَعُ لَهُ الْقُلُوبُ
نظر کردن بسوی آنچه میلرزد از آن پوستها و میترسد از آن دلها

وَأَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذٰلِكَ كُلِّهِ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ
و حال آنکه من هستم در عافیتی از اینها همه پس برای تست ستایش ای پروردگار من
مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلَى
از آن توانائی که مغلوب نمیشود و صاحب حلمی که شتاب نمیکند رحمت فرست بر
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنَعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ
محمد و آل محمد و بگردان مرا برای نعمتهای تو از شکر کنندگان
وَلِآلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ إِلٰهِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى
و برای احسانهای تو از یاد کنندگان ای خدای من و بسا از بنده که شام کرده
وَأَصْبَحَ سَقِيمًا مُوجَعًا فِي أَنِينٍ وَعَوِيلٍ يَتَقَلَّبُ
و صبح کرده بیمار دردناک در ناله و فریاد در حالی که میگردد
فِي غُمَّةٍ لَا يَجِدُ مَحِيصًا وَلَا يُسِيغُ طَعَامًا وَلَا
در اندوهی و نمی یابد گریزگاهی و گوارا نمیکند بر خود خوردنی را و نه
شَرَابًا وَأَنَا فِي صِحَّةٍ مِنَ الْبَدَنِ وَسَلَامَةٍ مِنَ
آشامیدنی را و حال آنکه من هستم در صحتی از بدن و سلامتی از
الْعَيْشِ كُلُّ ذٰلِكَ بِفَضْلِكَ وَكَرَمِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ
زندگانی همه اینها بفضل تو و کرم تست پس برای تست ستایش
يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ
ای پروردگار من از آن توانائی که مغلوب نمیشود و صاحب حلمی که شتاب نمیکند

صل على محمد وآل محمد واجعلني لنعمائك من

رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بگردان مرا برای نعمتهای تو از

الشاكرين ولآلائك من الذاكرين الهي و

شکر کنندگان و برای احسانهای تو از یاد کنندگان ای خدای من و

سيدي وكم من عبد أمسى وأصبح خائفا مرعوبا

آقای من و بسا از بنده که شام کرده و صبح کرده ترسان هراسان

مشفقا وجلا هاربا طريدا منحجرا في مضيق و

خوفناک بیمناک گریزنده رانده شده پنهان گشته در تنگنائی و

مخبأة من المخابي وقد ضاقت عليه الأرض برحبها

گریزگاهی از گریزگاهها و بتحقیق که تنگ کرده بر او زمین با وسعتش

لا يجد حيلة ولا منجى ولا مأوى وأنا في أمن

در حالتی که نمی یابد چاره و نه پناهی و نه جای نجاتی و حال آنکه من هستم در امنیت

وطمأنينة وعافية من ذلك كله فلك الحمد

و آرام و عافیت از این بلاها همه پس برای تست ستایش

يا رب من مقتدر لا يغلب وذي أناة لا يعجل صل

ای پروردگار من از توانائی که مغلوب نمیشود و صاحب حلمی که شتاب نمیکند رحمت بفرست

على محمد وآل محمد واجعلني لنعمائك من الشاكرين

بر محمد و آل محمد و بگردان مرا برای نعمتهای تو از شکر کنندگان

ولآلائك من الذاكرين الهي وسيدي وكم من عبد

و برای احسانهای تو از یاد کنندگان ای خدای من و بزرگ من و بسا از بنده

أمسى وأصبح مغلولا مكبلا بالحديد بأيدي

که شام کرده و صبح کرده غل کرده شده حبس کرده شده باهن در دستهای

العداة لا يرحمونه بعيدا من أهله وولده منقطعا

دشمنان که رحم نمیکنند او را دور افتاده از اهل خود و اولاد خود جدا شده

عن إخوانه وبلده يتوقع كل ساعة بأية قتلة

از برادران خود و شهر خود توقع دارد در هر ساعت که بکدام کشتن

يقتل وبأية مثلة يمثل وأنا في عافية من

کشته میشود و بکدام سیاست سیاست کرده میشود و حال آنکه من هستم در عافیت از

ذلك كله فلك الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب

اینها همه پس برای تست ستایش ای پروردگار من از توانائی که مغلوب نمیشود

وذي أناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد واجعلني

و صاحب حلمی که شتاب نمیکند رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بگردان مرا

لنعمائك من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين

برای نعمتهای تو از شکر کنندگان و برای احسانهای تو از یاد کنندگان

الهي وكم من عبد أمسى وأصبح يقاسي الحرب ومباشرة

ای خدای من و بسا از بنده که شام کرده و صبح کرده بسختی که میکشد تعب جنگ کردن و مباشرت

الْقِتَالِ بِنَفْسِهِ قَدْ غَشِيَهُ الْأَعْدَآءُ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ بِالسُّيُوفِ
محاربرا بنفس خود درحالی که فرو گرفته اند او را دشمنان از هر جانب بشمشیرها
وَالرِّمَاحِ وَسَائِرِ آلَاتِ الْحَرْبِ يَتَقَعْقَعُ وَهُوَ فِي
و نیزها و باقی آلتهای جنگ و باضطراب حرکت میکند وحال آنکه رو در
الْحَدِيدِ قَدْ بَلَغَ مَجْهُودَهُ لَا يَعْرِفُ حِيلَةً وَلَا يَجِدُ
میان آهن بتحقیق که رسیده است بانتهای طاقت او نمیشناسد چاره و نمی یابد
مَهْرَبًا قَدْ اُدْنِفَ بِالْجِرَاحَاتِ اَوْ مُتَشَحِّطًا
گریزگاهی بتحقیق که نزدیک رسیده بمردن بسبب جراحتها یا بر رو در افتاده غلطیده
بِدَمِهِ تَحْتَ السَّنَابِكِ وَالْاَرْجُلِ يَتَمَنّٰى شَرْبَةً مِنْ
بخون خود در زیر سمهای اسبان و پاهای مردمان درحالی که آرزو میکند شربتی از
مَآءٍ اَوْ نَظْرَةً اِلٰى اَهْلِهِ وَوَلَدِهِ لَا يَقْدِرُ عَلَيْهَا
آب یا نظر کردنی بسوی اهل خود و اولاد خود و قادر نیست بر آن
وَاَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذٰلِكَ كُلِّهِ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ
وحال آنکه من هستم در عافیتی از اینها همه پس برای تست ستایش ای پروردگار
مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي اَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ صَلِّ
از آن توانائی که مغلوب نمیشود و صاحب حلمی که شتاب نمیکند رحمت بفرست
عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنَعْمَآئِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ
بر محمد و آل محمد و بگردان مرا برای نعمتهای تو از شکر کنندگان

وَلِآلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ اِلٰهِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ اَمْسٰى وَ
و برای احسانهای تو از یاد کنندگان ای خدای من و بسا از بنده که شام کرده و
اَصْبَحَ فِي ظُلُمَاتِ الْبِحَارِ وَعَوَاصِفِ الرِّيَاحِ وَالْاَهْوَالِ
صبح کرده در تاریکیهای دریاها و در بادهای تند و ترسها
وَالْاَمْوَاجِ يَتَوَقَّعُ الْغَرَقَ وَالْهَلَاكَ لَا يَقْدِرُ عَلٰى
و موجها توقع دارد غرق شدن و هلاک را درحالی که قادر نیست بر
حِيلَةٍ اَوْ مُبْتَلًى بِصَاعِقَةٍ اَوْ هَدْمٍ اَوْ غَرَقٍ اَوْ
چاره یا مبتلا شده بصاعقه یا خراب شدنی یا غرق شدنی یا
حَرْقٍ اَوْ شَرَقٍ اَوْ خَسْفٍ اَوْ مَسْخٍ اَوْ قَذْفٍ وَاَنَا
سوختنی یا در گلو گرفتنی یا بزمین فرو رفتنی یا مسخ شدنی یا سنگسار شدنی وحال آنکه من
فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذٰلِكَ كُلِّهِ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ
هستم در عافیتی از اینها همه پس برای تست ستایش ای پروردگار من از آن
مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي اَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ
توانائی که مغلوب نمیشود و صاحب حلمی که شتاب نمیکند رحمت بفرست بر محمد
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنَعْمَآئِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلِآلَائِكَ
و آل محمد و بگردان مرا برای نعمتهای تو از شکر کنندگان و برای احسانهای تو
مِنَ الذَّاكِرِينَ اِلٰهِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ اَمْسٰى وَاَصْبَحَ
از یاد کنندگان ای خدای من و بسا از بنده که شام کرده و صبح کرده

مُسَافِرًا شَاخِصًا عَنْ اَهْلِهِ وَوَلَدِهِ مُتَحَيِّرًا فِي الْمَفَاوِزِ
سفر کننده دور شونده از اهل خود و اولاد خود حیران در بیابانها
تَائِهًا مَعَ الْوُحُوشِ وَالْبَهَائِمِ وَحِيدًا فَرِيدًا لَا يَعْرِفُ
سرگردان با وحشیان و چهارپایان تنها و بیکس که نمیشناسد
حِيلَةً وَلَا يَهْتَدِي سَبِيلًا اَوْ مُتَاَذِّيًا بِبَرْدٍ اَوْ حَرٍّ
چاره را و پی نمیبرد براهی یا در آزار باشد بسبب سرما یا گرما
اَوْ جُوعٍ اَوْ عُرْيٍ اَوْ غَيْرِهِ مِنَ الشَّدَائِدِ مِمَّا اَنَا مِنْهُ
یا گرسنگی یا برهنگی یا غیر آن از سختیها از آنچه من هستم از آن
خِلْوٌ وَفِي عَافِيَةٍ مِنْ ذٰلِكَ كُلِّهِ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ
خالی و هستم در عافیت از اینها همه پس برای تست ستایش ای پروردگار من
مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي اَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ
از آن توانائی که مغلوب نمیشود و صاحب حلمی که تعجیل نمیکند رحمت بفرست بر محمد
وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنَعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَ
و آل محمد و بگردان مرا برای نعمتهای تو از شکر کنندگان و
لِآلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ اِلٰهِي وَسَيِّدِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ
برای احسانهای تو از یاد کنندگان ای خدای من و آقای من و بسا از بنده
اَمْسٰى وَاَصْبَحَ فَقِيرًا عَائِلًا عَارِيًا مُمْلِقًا مُخْفِقًا مَهْجُورًا
که شام کرده و صبح کرده پریشان عیالمند برهنه بی‌چیز مضطرب دور افتاده

جائعا

جَائِعًا ظَمْاٰنَ يَنْتَظِرُ مَنْ يَعُودُ عَلَيْهِ بِفَضْلٍ اَوْ عَبْدٍ
گرسنه تشنه انتظار میکشد کسی را که احسان کند برو و بخشش یا با بنده
وَجِيهٍ كَانَ عِنْدَكَ اَوْجَهَ مِنِّي وَاَشَدَّ عِبَادَةً لَكَ
با منزلت و رتبه که باشد نزد تو منزلت دارتر از من و بیشتر باشد عبادت او برای تو
مَغْلُولًا مَقْهُورًا قَدْ حَمَلَ ثِقْلًا مِنْ تَعَبِ
در حالی که غل کرده شده و قهر کرده شده باشد بتحقیق که متحمل شده است سنگینی را از تعب
الْعَنَاءِ وَشِدَّةِ الْعُبُودِيَّةِ وَكُلْفَةِ الرِّقِّ وَثِقْلِ
آزار کشیدن و سختی بندگی و مشقت بندگی و سنگینی
الضَّرِيبَةِ اَوْ مُبْتَلًى بِبَلَاءٍ شَدِيدٍ لَا قِبَلَ لَهُ بِهِ
آنچه برو قرار یافته یا مبتلا باشد ببلای سختی که برابری نتواند کرد او با آن بلا
اِلَّا بِمَنِّكَ عَلَيْهِ وَاَنَا الْمَخْدُومُ الْمُنَعَّمُ الْمُعَافَى
مگر با احسان کردن تو براو و حال آنکه من هستم مخدوم نعمت داده شده عافیت داده شده
الْمُكَرَّمُ وَفِي عَافِيَةٍ مِمَّا هُوَ فِيهِ فَلَكَ الْحَمْدُ
گرامی داشته شده و در عافیتم از آنچه آن بنده در آن گرفتار پس برای تست ستایش
عَلٰى ذٰلِكَ كُلِّهِ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي
بر اینها همه ای پروردگار من از آن توانائی که مغلوب نمیشود و صاحب
اَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي
حلمی که شتاب نمیکند رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بگردان مرا

لِنَعمائِكَ مِنَ الشّاكِرينَ وَلِآلائِكَ مِنَ الذّاكِرينَ
برای نعمتهای تو از شکر کنندگان و برای احسانهای تو از یاد کنندگان
اِلٰهي وَمَولايَ وَسَيِّدي وَكَم مِن عَبدٍ اَمسىٰ وَ
ای خدای من و آقای من و بزرگ من و بسا از بنده که شام کرد و
اَصبَحَ طَريداً شَريداً اَجيراً اَنا مُتَحَيِّراً جائِعاً خائِفاً
صبح کرد رانده شده آواره گشته اجیر تو متحیّر گرسنه ترسان
خاسِراً فِي الصَّحاري وَالبَراري قَد اَحرَقَهُ
برهنه در صحراها و بیابانها که بتحقیق سوخته است او را
الحَرُّ وَالبَردُ وَهُوَ في ضُرٍّ مِنَ الحَيوٰةِ وَضَنكٍ مِنَ
گرما و سرما و او در مشقّتی است از زندگی و تنگی است از
العَيشِ وَذُلٍّ مِنَ المَقامِ يَنظُرُ اِلىٰ نَفسِهِ حَسرَةً
زندگانی و خواریست از مرتبه و منزلت در حالتی که نظر میکند بسوی نفس خود از روی حسرت
لا يَقدِرُ لَها عَلىٰ ضُرٍّ وَلا نَفعٍ وَاَنا خِلوٌ مِن ذٰلِكَ
که قادر نیست برای نفس خود بر دفع ضرری و نه تحصیل نفعی و حال آنکه من هستم خالی از اینها
كُلِّهِ بِجودِكَ وَكَرَمِكَ فَلا اِلٰهَ اِلّا اَنتَ سُبحانَكَ
همه بخشش تو و کرم تو پس نیست خدائی مگر تو تسبیح میکنم ترا
مِن مُقتَدِرٍ لا يُغلَبُ وَذي اَناةٍ لا يَعجَلُ صَلِّ عَلىٰ
از آن توانائی که مغلوب نمیشود و صاحب حلمی که تعجیل نمیکند رحمت فرست بر

محمّد

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجعَلني لِاَنعُمِكَ مِنَ الشّاكِرينَ وَ
محمّد و بر آل محمّد و بگردان مرا برای نعمتهای تو از شکر کنندگان و
لِآلائِكَ مِنَ الذّاكِرينَ وَارحَمني بِرَحمَتِكَ يا اَرحَمَ
برای احسانهای تو از یاد کنندگان و رحم کن مرا برحمت خود ای رحم کننده ترین
الرّاحِمينَ اِلٰهي وَسَيِّدي وَكَم مِن عَبدٍ اَمسىٰ وَ
رحم کنندگان ای خدای و بزرگ من و بسا از بنده که شام کرد و
اَصبَحَ عَليلاً مَريضاً سَقيماً مُدنَفاً عَلىٰ فُرُشِ العِلَّةِ
صبح کرد دردناک بیمار صاحب آزار نزدیک رسیده بمرگ افتاده بر بسترهای بیماری
وَفي لِباسِها يَتَقَلَّبُ يَميناً وَشِمالاً لا يَعرِفُ شَيئاً
و در جامه آن در حالی که میگردد براست و چپ نمی یابد چیزی را
مِن لَذَّةِ الطَّعامِ وَالشَّرابِ يَنظُرُ اِلىٰ نَفسِهِ حَسرَةً
از لذّت خوردنی و آشامیدنی نظر میکند بسوی خود از روی حسرت
لا يَستَطيعُ لَها ضَرّاً وَلا نَفعاً وَاَنا خِلوٌ مِن ذٰلِكَ
قادر نیست برای نفس خود دفع ضرری را و نه تحصیل نفعی و حال آنکه من هستم خالی از اینها
كُلِّهِ بِجودِكَ وَكَرَمِكَ فَلا اِلٰهَ اِلّا اَنتَ
همه بخشش تو و کرم تو پس نیست خدائی مگر تو
سُبحانَكَ مِن مُقتَدِرٍ لا يُغلَبُ وَذي اَناةٍ لا يَعجَلُ
تسبیح میکنم ترا از آن توانائی که مغلوب نمیشود و صاحب حلمی که شتاب نمیکند

صل علی محمد وآل محمد واجعلنی لک من العابدین
رحمت بفرست بر محمد وآل محمد وبگردان مرا برای تو از عبادت کنندکان
ولنعمائک من الشاکرین ولآلائک من الذاکرین
وبرای نعمتهای تو از شکر کنندکان وبرای احسانهای تو از یاد کنندکان
وارحمنی برحمتک یا ارحم الراحمین مولای و
ورحم کن مرا برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندکان ای آقای من و
سیدی وکم من عبد امسی واصبح قد دنا
بزرگ من وبسا از بنده که شام کرد وصبح کرد درحالی که بتحقیق نزدیک شده است
یومه من حتفه واحدق به ملک الموت فی اعوانه
روز او بمرگ او واحاطه نموده است باو ملک الموت با یاوران خود
یعالج سکرات الموت وحیاضه تدور عیناه
درحالی که آن بنده مشغول شده وفرو رفته در سختیهای مرگ وحوضهای آن میکردد چشمهای او
یمینا وشمالا لا ینظر الی احبائه واودائه واخلائه
بجانب راست وچپ نظر میکند بسوی محبان ودوستان ومصاحبان خود
قد منع من الکلام وحجب عن الخطاب ینظر
بتحقیق که منع کرده شده است از سخن کفتن وممنوع شده است از کفتکو درحالی که نظر میکند
الی نفسه حسرة لا یستطیع لها ضرا ولا نفعا
بسوی نفس خود از روی حسرت که استطاعت ندارد برای نفس خود دفع ضرری را و نه تحصیل نفعی را

وانا خلو من ذلک کله بجودک وکرمک فلا
وحال آنکه من هستم خالی از آنها همه ببخشش تو وکرم تو پس نیست
اله الا انت سبحانک من مقتدر لا یغلب وذی
خدائی مگر تو تسبیح میکنم ترا از آن توانائی که مغلوب نمیشود وصاحب
اناة لا یعجل صل علی محمد وآل محمد واجعلنی
حلمی که شتاب نمیکند رحمت بفرست بر محمد وآل محمد وبگردان مرا
لک من العابدین ولنعمائک من الشاکرین و
برای تو از عبادت کنندکان وبرای نعمتهای تو از شکر کنندکان و
لآلائک من الذاکرین وارحمنی برحمتک یا ارحم
برای احسانهای تو از یاد کنندکان ورحم کن مرا برحمت خود ای رحم کننده ترین
الراحمین مولای وسیدی وکم من عبد امسی
رحم کنندکان ای آقای من وبزرگ من وبسا از بنده که شام کرده
واصبح فی مضائق الحبوس والسجون وکربها و
وصبح کرده در تنگیهای حبسها وزندانها واندوه آنها و
ذلها وحدیدها یتداوله اعوانها وزبانیتها
خواری آنها وآهن آنها که دست بدست میکردانند اورا اعوان آنها وخدمه آنها
فلا یدری ای حال یفعل به وای مثلة یمثل به
پس نمیداند که چه کار کرده میشود باو وبچه عقوبت سیاست کرده میشود باو

فَهُوَ فِي ضُرٍّ مِنَ الْعَيْشِ وَضَنْكٍ مِنَ الْحَيٰوةِ يَنْظُرُ اِلٰى
پس او در تعبی است از زندگانی و در تنگی است از زندگی در حالی که نظر میکند بسوی
نَفْسِهٖ حَسْرَةً لَا يَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَاَنَا
خود از روی حسرت استطاعت ندارد برای نفس خود دفع ضرری را و نه تحصیل نفع را و حال آنکه من
خِلْوٌ مِنْ ذٰلِكَ كُلِّهٖ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ فَلَا اِلٰهَ
هستم خالی از اینها همه ببخشش تو و کرم تو پس نیست خدایی
اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي اَنَاةٍ
مگر تو تسبیح میکنم تورا از آن توانائی که مغلوب نمیشود و صاحب حلمی
لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ
که شتاب نمیکند رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بگردان مرا برای تو از
الْعَابِدِينَ وَلِنَعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلِآلَائِكَ مِنَ
عبادت کنندگان و برای نعمتهای تو از شکر کنندگان و برای احسانهای تو از
الذَّاكِرِينَ وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
یاد کنندگان و رحم کن مرا برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان
سَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ اَمْسٰى وَاَصْبَحَ
ای بزرگ من و آقای من و بسا از بنده که شام کرده و صبح کرده
قَدِ اسْتَمَرَّ عَلَيْهِ الْقَضَاءُ وَاَحْدَقَ بِهِ الْبَلَاءُ وَفَارَقَ
که بتحقیق که مستمر و جاری شده است بر او قضای خدا و فرو گرفته است او را بلا و جدا شده است

اَخِلَّاۤءَهٗ وَاَوِدَّاۤءَهٗ وَاَمْسٰى اَسِيرًا حَقِيرًا ذَلِيلًا فِي
از مصاحبان و دوستان خود و گردیده است اسیر حقیر خوار در
اَيْدِي الْكُفَّارِ وَالْاَعْدَاۤءِ يَتَدَاوَلُونَهٗ يَمِينًا وَشِمَالًا
دستهای کافران و دشمنان که دست بدست میکردند او را بجانب راست و چپ
قَدْ طُمِرَ فِي الْمَطَامِيرِ وَثُقِّلَ فِي الْحَدِيدِ لَا يَرٰى شَيْئًا
که بتحقیق که بستر شده است در زندانها و سنگین کرده شده است در آهن که نمی بیند چیزی را
مِنْ ضِيَاۤءِ الدُّنْيَا وَلَا مِنْ رَوْحِهَا يَنْظُرُ اِلٰى نَفْسِهٖ حَسْرَةً
از روشنی دنیا و نه از راحت آن در حالی که نظر میکند بسوی خود از روی حسرت
لَا يَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَاَنَا خِلْوٌ مِنْ ذٰلِكَ كُلِّهٖ
استطاعت ندارد برای نفس خود دفع ضرری را و نه تحصیل نفع را و حال آنکه من هستم خالی از اینها همه
بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي
ببخشش تو و کرم تو پس رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بگردان مرا
لَكَ مِنَ الْعَابِدِينَ وَلِنَعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَ
برای تو از عبادت کنندگان و برای نعمتهای تو از شکر کنندگان و
ارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ سَيِّدِي وَمَوْلَايَ
رحم کن مرا برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ای بزرگ من و آقای من
وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ اَمْسٰى وَاَصْبَحَ قَدِ اسْتَنَامَ اِلَى الدُّنْيَا
و بسا از بنده که شام کرده و صبح کرده که بتحقیق که مطمئن گردیده بدنیا

للرغبة فيها الى ان خاطر بنفسه وما له حرصا منه
براى خواهش در آن تا اينكه در معرض خطر در آورده جان خود را ومال خود را از جهت حرص بود او
عليها قد ركب الفلك وكسر به وهو في آفاق
بر تحصيل دنيا كه بتحقيق كه سوار شده است در كشتى وشكسته شده كشتى او وحال آنكه او در اطراف
البحار وظلمها ينظر الى نفسه حسرة لا يقدر
درياها وتاريكيهاى آنها نظر ميكند بسوى خود از روى حسرت كه قادر نيست
لها على ضر ولا نفع وانا خلو من ذلك كله بجودك
براى نفس خود بر دفع ضررى ونه تحصيل نفعى وحال آنكه من هستم خالى از اينها همه بخشش تو
وكرمك فلا اله الا انت سبحانك من مقتدر لا
وكرم تو پس نيست خدائى مگر تو تسبيح ميكنم تو را از آن توانائى كه
يغلب وذي اناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد
مغلوب نميشود وصاحب حلمى كه شتاب نميكند رحمت بفرست بر محمد وآل محمد
واهل بيته واجعلني لك من العابدين ولنعمائك
واهل بيت او وبگردان مرا براى تو از عبادت كنندگان وبراى نعمتهاى تو
من الشاكرين وارحمني برحمتك يا ارحم الراحمين
از شكر كنندگان ورحم كن مرا برحمت خود اى رحم كننده ترين رحم كنندگان
سيدي ومولاي وكم من عبد امسى واصبح قد
اى بزرگ من وآقاى من وبسا از بنده كه شام كرده وصبح كرده كه بتحقيق كه

استمر

استمر عليه القضاء واحدق به البلاء والكفار
مستمر وجارى شده بر او قضاى خدا وفرو گرفته است او را بلا وكافران
والاعداء واخذته الرماح والسيوف والسهام
ودشمنان وفرا گرفته است او را نيزه‌ها وشمشيرها وتيرها
وجدل صريعا وقد شربت الارض من دمه و
وافتاده است بروى خود در حالى كه بتحقيق كه آشاميده است زمين از خون او و
اكلت السباع والطير من لحمه وانا خلو من
خورده اند درندگان ومرغان از گوشت او وحال آنكه من هستم خالى از
ذلك كله بجودك وكرمك لا باستحقاق مني فلا
اينها همه بخشش تو وكرم تو نه باستحقاقى از جانب من پس نيست
اله الا انت سبحانك من مقتدر لا يغلب وذي
خدائى مگر تو تسبيح ميكنم تو را از آن توانائى كه مغلوب نميشود وصاحب
اناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد واهل بيته
حلمى كه شتاب نميكند رحمت بفرست بر محمد وآل محمد واهل بيت او
واجعلني لك من العابدين ولنعمائك من الشاكرين
وبگردان مرا براى تو از عبادت كنندگان وبراى نعمتهاى تو از شكر كنندگان
وارحمني برحمتك يا ارحم الراحمين الهي و
ورحم كن مرا برحمت خود اى رحم كننده ترين رحم كنندگان اى خداى من و

عزتك يا كريم لاطلبن مما لديك ولالحن
بعزت تو اى صاحب كرم كه هر اينه طلب ميكنم البته از انچه در نزد تست وهر اينه الحاح ميكنم البته
عليك ولامدن يدى نحوك مع جرمها اليك
بر تو وهر اينه ميكشم البته دستخود را بجانب تو با وجود گناه كارى ان بسوى تو
يا رب فبمن اعوذ وبمن الوذ لا احد لى الا
اى پروردگار من پس بكه پناه برم وبكه التجا كنم نيست كسى براى من مگر
انت افردتنى وانت معولى وعليك متكلى
تو ايا پس بر ميگردانى مرا وحال انكه توئى معتمد من وبر تست توكل من
اسالك باسمك الذى وضعته على السماء فاستقلت
سؤال ميكنم ترا بحق نام تو كه گذاشتى انرا بر اسمان پس در ايستاد
وعلى الارض فاستقرت وعلى الجبال فرست و
و بر زمين پس قرار گرفت وبر كوهها پس ثابت شد و
على الليل فاظلم وعلى النهار فاستنار ان تصلى
بر شب پس تاريك شد و بر روز پس روشن گرديد اينكه رحمت فرستى
على محمد وال محمد وان تقضى لى حوائجى كلها و
بر محمد وال محمد واينكه بر اورى براى من حاجتهاى مرا همه انها را و
تغفر لى ذنوبى كلها صغيرها وكبيرها وتوسع
بيامرزى براى من گناهان مرا همه انها را كوچك انها را وبزرگ انها را وتوسعه دهى

على من الرزق ما تبلغنى به شرف الدنيا والاخرة
بر من از روزى انقدر كه برسانى مرا بان بشرف دنيا واخرت
يا ارحم الراحمين مولاى بك استغثت فصل على
اى رحم كننده ترين رحم كنندگان اى اقاى من بتو استغاثه ميجويم پس رحمت فرست بر
محمد وال محمد واغثنى وبك استجرت فاجرنى واغننى
محمد وال محمد واغاثت كن مرا وبتو پناه مياورم پس پناه ده مرا وبى نياز گردان مرا
بطاعتك عن طاعة عبادك وبمسئلتك عن مسئلة
بفرمان بردارى تو از فرمان بردارى بندگان وبسؤال كردن از تو از سؤال كردن
خلقك وانقلنى من ذلة الفقر الى عزة الغنى و
از خلق تو ومنتقل ساز مرا از خوارى بى چيزى بسوى عزت توانگرى و
من ذل المعاصى الى عز الطاعة فقد فضلتنى
از خوارى فرمان نبردن بسوى عزت فرمانبردارى پس بتحقيق كه زيادتى داده تو مرا
على كثير من خلقك جودا منك وكرما لا باستحقاق
بر بسيارى از مخلوقات خود از جهت بخشش از جانب خود وگرامى داشتنى نه باستحقاق من
الهى فلك الحمد على ذلك كله صل على محمد وال
اى خداى من پس براى تست ستايش بر اينها همه رحمت فرست بر محمد وال
محمد واجعلنى لنعمائك من الشاكرين ولالائك من الذاكرين
محمد وبگردان مرا براى نعمتهاى تو از شكر كنندگان وبراى احسانهاى تو از ياد كنندگان

وَارْحَمْنِی بِرَحْمَتِكَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ بعد از آن سجده کن
ورحم کن مرا برحمت خود ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان و در حال سجود بگو
سَجَدَ وَجْهِیَ الْبَالِی الْفَانِی لِوَجْهِكَ الدَّائِمِ الْبَاقِی
سجده کرده است روی من که کهنه بر طرف شونده است برای ذات تو که دائمی و باقیست
سَجَدَ وَجْهِیَ الذَّلِیلُ لِوَجْهِكَ الْعَزِیزِ الْجَلِیلِ سَجَدَ
سجده کرده است روی من که خوار است برای ذات تو که عزیز بزرگوار است سجده کرده است
وَجْهِیَ الْفَقِیرُ لِوَجْهِكَ الْغَنِیِّ الْكَبِیرِ سَجَدَ وَجْهِی
روی من که محتاج است برای ذات تو که بی نیاز بزرگ است سجده کرده است روی من
وَسَمْعِی وَبَصَرِی وَلَحْمِی وَدَمِی وَجِلْدِی وَعَظْمِی وَمَا
و گوش من و چشم من و گوشت من و خون من و پوست من و استخوان من و آنچه
اَقَلَّتِ الْاَرْضُ مِنِّی لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ اَللّٰهُمَّ عُدْ
برداشته است زمین از من برای خدا پروردگار عالمیان خداوندا ببخش
عَلٰی جَهْلِی بِعِلْمِكَ وَعَلٰی فَقْرِی بِغِنَاكَ وَعَلٰی ذُلِّی
بر نادانی من بعلم خود و بر بی چیزی من بتوانگری خود و بر خواری من
بِعِزِّكَ وَسُلْطَانِكَ وَعَلٰی ضَعْفِی بِقُوَّتِكَ وَعَلٰی خَوْفِی
بعزت خود و سلطنت خود و بر ضعف من بقوت خود و بر خوف من
بِاَمْنِكَ وَعَلٰی ذُنُوبِی وَخَطَایَایَ بِعَفْوِكَ وَرَحْمَتِكَ
بایمن ساختن خود و بر گناهان من و خطاهای من بعفو خود و رحمت خود

یَا رَحْمٰنُ یَا رَحِیمُ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَدْرَاُ بِكَ فِی نَحْرِ
ای بخشاینده ای مهربان خداوندا بدرستی که من دفع میکنم بتو در گلو کردن
فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ فَاكْفِنِیهِ بِمَا
فلان پسر فلان و پناه میبرم بتو از شر او پس کفایت کن مرا از شر او بآنچه
كَفَیْتَ بِهِ اَنْبِیَاۤءَكَ وَاَوْلِیَاۤءَكَ مِنْ فَرَاعِنَةِ عِبَادِكَ
کفایت کرده‌ای بآن پیغمبران خود و دوستان خود را از سرکشان بندگان تو
وَطُغَاةِ خَلْقِكَ بِرَحْمَتِكَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ
و طاغیان از خلق تو برحمت خود ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان
دعای دیگر که از آن بجوشن میناممند و مرویست از حضرت امام جعفر صادق
علیه الصلوة والسلام سید ضیاء الدین تاج الاسلام ابو الرضا
فضل الله بن علی بن عبد الله راوندی قدس الله روحه گفته است
که خبر داد مرا شیخ سعید ابو جعفر محمد بن علی بن حسن مقری
نیشابوری قدس الله روحه و گفت که خبر داد مرا شیخ سعید
ابو الوفا عبد الجبار بن عبد الله مقری و گفت که خبر داد مرا
شیخ موفق ابو جعفر محمد بن حسن بن علی بن محمد طوسی رضی الله عنه
ع و خبر داد مرا ذو الفقار حسینی مروزی و گفت که خبر داد
بطریق مکاتبه شیخ ابو جعفر طوسی علیه الرحمه ع و خبر داد مرا
سید مرتضی ابن الداعی حسنی در شهر ری و گفت که خبر داد مرا

بجای
فلان بن فلان
نام دشمن و نام پدر
او را بگوید

جوشن صغیر که از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام روایت
شده است

شیخ ابو عبد الله جعفر بن محمد دوربستی وگفت که خبر داد ما را
محمد بن الحسن الصفار و روایت کرد از احمد بن محمد بن عیسی از
هرون بن مسلم از مسعدة بن صدقه و او گفت که سؤال کردم از حضرت
امام جعفر صادق علیه الصلوة والسلام که تعلیم کند بمن دعائی
را که بخوانم آنرا در همه کارها و مطالب خود پس آنحضرت بیرون
آورد چند ورق از کتاب کهنه و فرمود که بنویس آنچه در این ورقهاست
که این دعاء جدم حضرت امام زین العابدین علیه الصلوة والسلم
است و از برای بر آمدن همه مقاصد و کارهاست پس
آنها را بهمان طریق که در آنجا بود نوشتم پس هرگز بسختی و شدتی
نرسیدم و غمگین نکرد مرا چیزی مگر آنکه این دعا را خواندم پس حق
تعالی گشایش داد و دلگیری مرا زایل کردانید و سختی و شدت
مرا برطرف نمود و مطلب مرا بمن عطا کرد **و دعا اینست**

اللهم هدیتنی فلهوت و وعظتنی فقسوت و
خداوندا هدایت کردی مرا پس غافل بودم و پند دادی مرا پس دل سخت بودم و
ابلیت الجمیل فعصیت و عرفت فاصررت ثم عرفت
عطا کردی نیکو را پس عصیان کردم و شناسانیدی پس اصرار ورزیدم بعد از شناسانیدی
فاستغفرت فاقلت فعدت فسترت فلک الحمد
پس طلب آمرزش کردم پس در گذشتی پس باز گشتم پس پوشانیدی پس برای تست ستایش

دعای دیگر که از جوشن میباشد

الهی تقحمت اودیة الهلاک و تخللت شعاب تلفی و
ای خدای من انداختم خود را در وادیهای هلاک خود و در آمده ام در میان راههای برطرف شدن خود
تعرضت فیها لسطواتک و بحلولها لعقوبتک بانها
متعرض شده ام در آنها برای غضبهای تو و بسبب حلول نشیبهای آنها برای عقوبتهای اینها
و وسیلتی الیک التوحید و ذریعتی انی لم اشرک
و وسیله من بسوی تو یگانه دانستن تست و دستاویز من اینست که من شریک نساختم
بک شیئا و لم اتخذ معک الها و قد فررت الیک
با تو چیزی را و فرا نگرفته ام با تو خدائی را و بتحقیق که گریختم بسوی تو
من نفسی مفر المسیء و انت مفزع المضیع حظ نفسه
از نفس خود گریختن بدکار و توئی پناه کسی که ضایع کننده است بهره نفس خود را
فلک الحمد الهی و کم من عدو انتضی علی سیف
پس برای تست ستایش ای خدای من و بسا از دشمنی که کشیده بر من شمشیر
عداوته و شحذ لی شباحده و داف لی قواتل سمومه
دشمنی خود را و تند کرد برای من کناره تندی خود را و خیسانید برای من زهرهای کشنده خود را
و سدد نحوی صوائب سهامه و لم تنم عنی عین حراسته
و راست کرد بجانب من تیرهای راست رونده خود را و نخوابید از من چشم پاسبانی او
و اظهر ان یسومنی المکروه و یجرعنی زعاق
و ظاهر ساخت اینکه برساند بمن ناخوشی را و بیاشاماند بمن جرعه آب بسیار تلخ

مرارته فنظرت يا الهي الى ضعفي عن احتمال الفوادح
تلخی خود را پس نظر کردی ای خدای من بسوی ناتوانی من از برداشتن بارهای گران
وعجزي عن الانتصار ممن قصدني بمحاربته ووحدتي
و عاجز بودن من از انتقام کشیدن از کسی که قصد کرد مرا بمحاربه خود و تنهائی من
في كثير عدد من ناواني وارصد لي البلاء فيما
در برابر عدد بسیار انکه دشمنی کرد با من و کمین کرد برای من بلا را در انچه
لم اعمل فيه فكري فابتدأتني بنصرتك وشددت
بکار نبردم در ان فکر خود را پس تقویت کردی مرا بنصرت خود و محکم کردی
ازري بقوتك ثم فللت لي حده وصيرته من بعد
پشت مرا بقوت خود بعد از ان کند کردی برای من تندی او را و گردانیدی او را بعد از
جمع وحده واعليت كعبي عليه وجعلت ما
جمعیت تنها و بلند کردی کعب مرا بر او و گردانیدی انچه را
سدده مردودا عليه فرددته لم يشف غليله
که راست کرده بود از رد کرده شده بر او پس باز گردانیدی او را در حالتی که شفا نداده بود سینه خود را
ولم تبرد حرارة غيظه قد عض على شواه و
و خنک نشده بود گرمی خشم او بتحقیق که بدندان گرفت بر من دستهای خود را
ادبر موليا قد اخلف سراياه وكم من باغ
پشت کرد اعراض کننده بتحقیق که خلف کردند لشکرهای او و بسا از ستم کننده

بغاني بمكائده ونصب لي اشراك مصائده
که ستم کرد مرا بکیدهای خود و برپا کرد برای من دامهای صیدهای خود را
ووكل بي تفقد رعايته واضبا الى اضباء
و موکل ساخت برای من جستجوی رعایت کردن خود را و در کمین نشست بسوی من در کمین نشستن
السبع لصيده وانتظار الانتهاز لفريسته
شیر برای شکار خود و بجهت انتظار کشیدن دست یافتن برای شکار کشته شده خود
فناديتك يا الهي مستغيثا بك واثقا بسرعة
پس ندا کردم ترا ای خدای من استغاثه کننده بتو اعتماد کننده بزود
اجابتك عالما انه لن يضطهد من اوى الى ظل
اجابت کردن تو دانا باینکه هرگز ستم رسیده نمیشود کسی که جا گیرد بسوی سایه
كنفك ولن يفزع من لجا الى معاقل انتصارك
حمایت تو و هرگز نمیترسد کسی که پناه برد بسوی قلعهای محکم انتقام کشیدن تو
وكم من سحائب مكروه قد جليتها وغواشي كربات
و بسا از ابرهای مکروهی که بتحقیق گشادی انرا و پردهای اندوهها
كشفتها لا تسئل عما تفعل ولقد سئلت
که برداشتی انها را سؤال کرده نمیشوی از انچه میکنی و هر اینه بتحقیق که سؤال کرده شدی
فاعطيت ولم تسئل فابتدأت واستميح فضلك
پس عطا کردی و سؤال کرده نشدی پس ابتدا کردی و طلب کرده شد فضل تو

فما اكدیت ابیت الا احسانا وابیت الا تقحم
پس كم ندادی اباكردی مگر از احسان كردن و اباكردم مگر انداختن خود
حرماتك وتعدی حدودك والغفلة من وعیدك
در محرمات تو و تجاوز كردن از حدود تو و غافل شدن از بیم دادن تو
فلك الحمد الهی من مقتدر لا یغلب وذی اناة لا
پس برای تست ستایش ای خدا من از ان توانائی كه مغلوب نمیشود وصاحب حلمی كه
یعجل هذا مقام من اعترف لك بالتقصیر و
تعجیل نمیكند این مقام كسی است كه اعتراف كرده است برای تو بتقصیر كردن و
شهد علی نفسه بالتضییع اللهم انی اتقرب
گواهی داده است بر نفس خود بضایع كردن خداوندا بدرستی كه من تقرب میجویم
الیك بالمحمدیة الرفیعة واتوجه الیك
بسوی تو بملت محمد كه بلند است و رو میكنم بسوی تو
بالعلویة البیضاء فاعذنی من شر ما خلقت
بملت علوی كه درخشان است پس پناه ده مرا از شر انچه افریده
وشر من یریدبی سوءا وان ذلك لا یضیق علیك
وشر كسی كه اراده میكند بمن بدی را و بدرستی كه این تنگ نیست بر تو
فی وجدك ولا یتكادك فی قدرتك وانت
در جنب توانگری تو و سنگین نمیكند تو را در جنب قدرت تو و تو

علی كل شیء قدیر اللهم ارحمنی بترك المعاصی ما
بر همه چیز قادری خداوندا رحم كن مرا بترك كردن معاصی مادام
ابقیتنی وارحمنی بترك تكلف ما لا یعنینی
كه باقی داری مرا و رحم كن مرا بترك كردن مشقت كشیدن انچه بكار نمی اید برای من
وارزقنی حسن النظر فیما یرضیك عنی والزم
و روزی كن مرا نیكو نظر كردن در انچه راضی كند ترا از من و لازم كردان
قلبی حفظ كتابك كما علمتنی واجعلنی اتلوه
دل مرا بحفظ كردن كتاب تو چنانكه تعلیم كرده مرا و بگردان مرا كه تلاوت كنم
علی ما یرضیك به عنی ونور به بصری واوعه
بر نحوی كه راضی كند ترا بسبب ان از من و روشن كن بان چشم مرا و جا ده انرا
سمعی واشرح به صدری وفرج به عن قلبی
در گوش من و بگشا بسبب ان سینه مرا و گشاده گردان بسبب ان دل مرا
واطلق به لسانی واستعمل به بدنی واجعل فی
و جاری كن بان زبان مرا و كار فرمای بان بدن مرا و بگردان در من
من الحول والقوة ما یسهل ذلك علی فانه لا حول
از قدرت و توانائی انقدر كه اسان كند این را بر من پس بدرستی كه نیست قدرتی
ولا قوة الا بك اللهم اجعل لیلی ونهاری و
و نه توانائی مگر بتو خداوندا بگردان شب مرا و روز مرا و

دُنیایَ وَآخِرَتی وَمُنقَلَبی وَمَثوایَ عافِیَةً مِنکَ
دنیای مرا و آخرت مرا و بازگشت مرا و جایگاه مرا عافیتی از جانب تو
وَمُعافاةً وَبَرَکَةً مِنکَ اَللّٰهُمَّ اَنتَ رَبّی وَ
و سلامتی و برکتی از تو خداوندا تو پروردگار منی و
مَولایَ وَسَیِّدی وَاَمَلی وَاِلٰهی وَغِیاثی وَسَنَدی
آقای منی و بزرگ منی و آرزوی منی و خدای منی و فریادرس منی و معتمد منی
وَخالِقی وَناصِری وَثِقَتی وَرَجائی لَکَ مَحیایَ وَ
و آفریننده منی و یاری کننده منی و اعتماد منی و امید منی از برای تست زندگی من و
مَماتی وَلَکَ سَمعی وَبَصَری وَبِیَدِکَ رِزقی وَ
مردن من و برای تست گوش من و چشم من و بدست تست روزی من و
اِلَیکَ اَمری فِی الدُّنیا وَالآخِرَةِ مَلَّکتَنی بِقُدرَتِکَ
بسوی تست امر من در دنیا و آخرت مالک شده مرا بقدرت خود
وَقَدَرتَ عَلَیَّ بِسُلطانِکَ لَکَ القُدرَةُ فی اَمری
و قادر شده بر من بسلطنت خود برای تست قدرت در کار من
وَناصِیَتی بِیَدِکَ لا یَحُولُ اَحَدٌ دُونَ رِضاکَ بِرَأفَتِکَ
و موی پیش سر من بدست تست نمیگردد کسی بدون رضامندی تو بسبب مهربانی
اَرجُو رَحمَتَکَ وَبِرَحمَتِکَ اَرجُو رِضوانَکَ لا اَرجُو
امید دارم رحمت تو را و بسبب رحمت تو امید دارم رضامندی تو را امید ندارم

ذلک

ذٰلِکَ لِعَمَلی فَقَد عَجَزَ عَنّی عَمَلی وَکَیفَ اَرجُو ما
این را بجهت عمل خود پس بتحقیق که عاجز است از من عمل من پس چگونه امیدوار باشم چیزی را
قَد عَجَزَ عَنّی اَشکُو اِلَیکَ فاقَتی وَضَعفَ قُوَّتی
که بتحقیق که عاجز است از من شکایت میکنم بسوی تو احتیاج خود را و ضعیف بودن قوت خود را
وَاِفراطی فی اَمری وَکُلُّ ذٰلِکَ مِن عِندی وَما
و افراط کردن مرا در کار خود و همه اینها از جانب من است و آنچه را
اَنتَ اَعلَمُ بِهِ مِنّی فَاکفِنی ذٰلِکَ کُلَّهُ اَللّٰهُمَّ اجعَلنی
که تو داناتری بآن از من پس کفایت کن مرا از اینها همه خداوندا بگردان مرا
مِن رُفَقاءِ حَبیبِکَ مُحَمَّدٍ وَاِبرٰهیمَ خَلیلِکَ وَیَومَ
از رفیقان حبیب تو محمد و ابرهیم خلیل تو و در روز
الفَزَعِ الاَکبَرِ مِنَ الآمِنینَ فَآمِنّی وَبِبُشراکَ
فزع اکبر از امان یافتگان پس امان ده مرا و ببشارت خود
فَبَشِّرنی وَبِاَظلالِکَ فَاَظِلَّنی وَبِمَفازَةٍ مِنَ النّارِ
پس بشارت ده مرا و بسایه افکندن خود سایه بیفکن بر من و بنجات یافتن از آتش
فَنَجِّنی وَلا تَمَسَّنی السُّوءَ وَلا تُخزِنی وَمِنَ الدُّنیا
نجات ده مرا و مرسان بمن بدی را و رسوا مکن مرا و از دنیا
فَسَلِّمنی وَحُجَّتی یَومَ القِیٰمَةِ فَلَقِّنی وَبِذِکراکَ فَذَکِّرنی
سالم بدار مرا و حجت مرا در روز قیامت برسان بمن و بیاد آوردن خود بیاد آور مرا

وَلِلْيُسْرٰى فَيَسِّرْنِى وَلِلْعُسْرٰى فَجَنِّبْنِى وَالصَّلٰوةَ وَالزَّكٰوةَ
وبراى يسرى توفيق ده مرا واز عسرى دور كردان مرا ونماز وزكوة را
فَأَلْهِمْنِى وَلِعِبَادَتِكَ فَقَوِّنِى وَفِى الْفِقْهِ وَمَرْضَاتِكَ
الهام كن بمن وبراى عبادت خود قوت ده مرا ودر دانش ودر رضامندى تو
فَاسْتَعْمِلْنِى وَمِنْ فَضْلِكَ فَارْزُقْنِى وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ
بكار دار مرا واز فضل خود روزى ده مرا ودر روز قيامت
فَبَيِّضْ وَجْهِى وَحَاسِبْنِى حِسَابًا يَسِيرًا وَبِقَبِيحِ عَمَلِى
سفيد كردان روى مرا وبحساب كردن آسان حساب كن مرا وبعمل زشت من
فَلَا تَفْضَحْنِى وَبِهُدَاكَ فَاهْدِنِى وَبِالْقَوْلِ الثَّابِتِ
رسوا مكردان مرا وبهدايت خود هدايت كن مرا وبقولى كه ثابت وباقى باشد
فِى الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَفِى الْاٰخِرَةِ فَثَبِّتْنِى وَمَا أَحْبَبْتَ
در زندكى دنيا ودر آخرت ثابت بدار مرا وآنچه را كه دوست داشتى
فَحَبِّبْهُ إِلَىَّ وَمَا كَرِهْتَ فَبَغِّضْهُ إِلَىَّ وَمَا
پس دوست كردان آنرا بسوى من وآنچه را كه ناخوش داشتى پس دشمن كردان آنرا بسوى من وآنچه
أَهَمَّنِى مِنَ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ فَاكْفِنِى وَصَلَاتِى
مهم است براى من از امر دنيا وآخرت پس كفايت كن مرا ونماز مرا
وَصِيَامِى وَدُعَائِى وَنُسُكِى وَشُكْرِى وَدُنْيَاىَ وَاٰخِرَتِى
وروزه مرا ودعاى مرا وعبادتهاى مرا وشكر كردن مرا ودنياى مرا وآخرت مرا

مراد از يسرى كارها وحالات نيكو است كه سبب آسانى در دنيا وآخرت ميشود ومراد از عسرى افعال واعمال بد است كه سبب دشوارى در دنيا وآخرت

فَبَارِكْ لِى وَالْمَقَامَ الْمَحْمُودَ فَابْعَثْنِى وَسُلْطَانًا نَصِيرًا
پس مبارك كن وثابت براى من ودر محل ايستادن پسنديده پس مبعوث كن مرا وسلطنتى يارى كرده شده
فَاجْعَلْ لِى وَظُلْمِى وَجَهْلِى وَإِسْرَافِى فِى أَمْرِى
پس بكردان براى من وظلم من ونادانى من واسراف كردن من در كار خودم
فَتَجَاوَزْ عَنِّى وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ فَخَلِّصْنِى
پس در كذر از من واز فتنه زندكى ومردن پس خلاص كردان مرا
وَمِنَ الْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ فَنَجِّنِى وَمِنْ
واز قبايح آنچه ظاهر است از آن وآنچه مخفى است پس نجات ده مرا واز جمله
أَوْلِيَائِكَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فَاجْعَلْنِى وَأَدِمْ لِى صَالِحَ
دوستان خود در روز قيامت پس بكردان مرا وفرود بر براى من از چيزهاى
الَّذِى أَعْطَيْتَنِى وَبِالْحَلَالِ عَنِ الْحَرَامِ فَأَغْنِنِى وَبِالطَّيِّبِ
كه داده بمن وبحلال از حرام پس بى نياز كردان مرا وبپاكيزه
عَنِ الْخَبِيثِ فَاكْفِنِى أَقْبِلْ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ إِلَىَّ وَلَا
از كثيف كفايت ده مرا رو كن بروى بزركوار خود بسوى من و
تَصْرِفْهُ عَنِّى وَإِلٰى صِرَاطِكَ الْمُسْتَقِيمِ فَاهْدِنِى وَلِمَا
مكردان روى خود را از من وبسوى راه راست خود پس هدايت كن مرا وبراى آنچه
تُحِبُّ وَتَرْضٰى فَوَفِّقْنِى اَللّٰهُمَّ إِنِّى أَعُوذُ بِكَ مِنَ
دوست ميدارى وراضى ميشوى پس توفيق ده مرا خداوندا بدرستى كه من پناه ميبرم بتو از

الرِّيَآءِ وَالسُّمعَةِ وَالكِبرِيَآءِ وَالتَّعَظُّمِ وَالخُيَلَآءِ
ریا وسمعه وتکبر وبزرکی کردن وتختر

وَالفَخرِ وَالبَذَخِ وَالاَشَرِ وَالبَطَرِ وَالاِعجَابِ
وتفاخر وغرور وبسیاری نشاط وخوش امدن از مال وعجب وزیدن

بِنَفسِی وَالجَبرِیَّةِ رَبِّ فَنَجِّنِی وَاَعُوذُ بِكَ مِنَ
بنفس خود وتکبر نمودن ای پروردکار من پس نجات ده مرا وپناه میبرم بتو از

العَجزِ وَالبُخلِ وَالشُّحِّ وَالحَسَدِ وَالحِرصِ وَالنَّفَاسَةِ
عاجز بودن وبخیل بودن وبی خیر بودن وحسد بردن وحرص داشتن وچشم کردن

وَالغِشِّ وَاَعُوذُ بِكَ مِنَ الطَّمَعِ وَالهَلَعِ وَالجَزَعِ
وخیانت کردن وپناه میبرم بتو از طمع وحرص وجزع

وَالزَّيغِ وَالقَمعِ وَاَعُوذُ بِكَ مِنَ البَغيِ وَالظُّلمِ
ومیل کردن از حق وخوار شدن وپناه میبرم بتو از ظلم وستم

وَالاِعتِدَآءِ وَالفَسَادِ وَالفُجُورِ وَالفُسُوقِ وَ
وزیادتی کردن وفساد ومعصیتها وفسوق و

اَعُوذُ بِكَ مِنَ الخِيَانَةِ وَالعُدوَانِ وَالطُّغيَانِ
پناه میبرم بتو از خیانت وزیاده روی وسرکشی

رَبِّ وَاَعُوذُ بِكَ مِنَ المَعصِيَةِ وَالقَطِيعَةِ وَالسَّيِّئَةِ
ای پروردکار من وپناه میبرم بتو از معصیت وقطع رحم وبدی

ریا بمعنی کردن کار خیر است برای آنکه مردمان ببینند وسمعه کردن کار خیر است برای آنکه مردمان بشنوند

بطر بمعنی طغیان کردن بسبب زیادتی نعمت نیز آمده ودرین مقام نیز مناسب است

والفواحش

وَالفَوَاحِشِ وَالذُّنُوبِ وَاَعُوذُ بِكَ مِنَ الاِثمِ وَالمَاْثَمِ
وقبایح وکناهان وپناه میبرم بتو از کناه وعقوبت کناه

وَالحَرَامِ وَالمُحَرَّمِ وَالخَبِيثَةِ وَكُلِّ مَا لَا تُحِبُّ رَبِّ
وحرام وحرام کردانیده شده وغیر پاکیزه وهرچه را که دوست نمیداری ای پروردکار

وَاَعُوذُ بِكَ مِن شَرِّ الشَّيطَانِ وَبَغيِهِ وَظُلمِهِ وَ
وپناه میبرم بتو از شر شیطان وظلم او وستم او و

عُدوَانِهِ وَشَرَكِهِ وَرَبَائِثِهِ وَجُندِهِ وَاَعُوذُ بِكَ
زیادتی او ودام او ومکرهای او وسپاه او وپناه میبرم بتو

مِن شَرِّ مَا يَنزِلُ مِنَ السَّمَآءِ وَمَا يَعرُجُ فِيهَا وَاَعُوذُ
از شر آنچه فرود می آید از آسمان وآنچه بالا میرود در آن وپناه میبرم

بِكَ مِن شَرِّ مَا خَلَقتَ مِن دَآبَّةٍ وَهَامَّةٍ اَو جِنٍّ اَو
بتو از شر آنچه خلق کرده از جنبنده وکزنده یا جنی یا

اِنسٍ مِمَّا يَتَحَرَّكُ وَمِن شَرِّ مَا ذَرَاَ فِي الاَرضِ وَمَا
آدمی از هرچه حرکت میکند واز شر آنچه پراکنده کرده در زمین وآنچه

يَخرُجُ مِنهَا وَاَعُوذُ بِكَ مِن شَرِّ كُلِّ سَاحِرٍ وَكَاهِنٍ وَ
بیرون می آید از زمین وپناه میبرم بتو از شر هر سحر کننده ودعوی علم غیب کننده

زَاكِنٍ وَنَافِثٍ وَرَاقٍ وَاَعُوذُ بِكَ مِن شَرِّ كُلِّ
ودانا ودمنده وافسون کننده وپناه میبرم بتو از شر هر

حاسدٍ وطاغٍ وباغٍ وظالمٍ ومعتدٍ وجائرٍ واعوذ
حسد برنده وطغیان کننده وظلم کننده وستم کننده وزیادتی کننده وجور کننده وپناه میبرم
بك من العمی والصمم والبکم والبرص والجذام
بتو از کوری و کری و گنگی و پیسی و خوره
والشك والریب واعوذ بك من الکسل والفشل و
و شك و ریب وپناه میبرم بتو از کسالت و بی دلی و
العجز والتفریط والعجلة والتضییع والتقصیر و
عاجز بودن و تقصیر و تعجیل و تضییع و کوتاهی و
الابطاء واعوذ بك رب من شر ما خلقت فی السموات
کندی و پناه میبرم بتو ای پروردگار من از شر آنچه خلق کرده در آسمانها
والارض وما بینهما وما تحت الثری رب واعوذ
و زمین و آنچه میان آنهاست و آنچه در زیر خاکست ای پروردگار من وپناه میبرم
بك من الفقر والحاجة والفاقة والمسکنة والضیقة
بتو از بی چیزی و احتیاج و تنگدستی و درویشی و تنگی
والعائلة واعوذ بك من الضیق والشدة والقید
و عیالمندی وپناه میبرم بتو از تنگی و سختی و قید
والحبس والوثاق والسجون والبلاء وکل مصیبة
و حبس و بسته شدن و زندانها و بلا و هر مصیبتی

لی لا صبر لی علیها آمین رب العالمین اللهم
برای من که نباشد صبری برای من بر آنها خداوندا مستجاب کن ای پروردگار عالمیان خداوندا
اعطنا کل الذی سألناك وزدنا من فضلك علی
بده بما همه آنچه را که سؤال کردیم از تو و زیاد کن برای ما از فضل خود بر
قدر جلالك وعظمتك بحق لا اله الا انت العزیز الحکیم
قدر بزرگواری خود و عظمت خود بحق این کلمه که نیست خدائی مگر تو که عزیز حکیمی

دعای سمات و این دعائیست عظیم الشان و مجربست و در وقت
غروب آفتاب روز جمعه این را باید خواند و از عثمان بن سعید عمری
که از سفراء حضرت صاحب الزمان صلوات
الله وسلامه علیه است روایت شده است

اللهم انی اسئلك باسمك العظیم الاعظم الاعظم
خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو بحق نام تو که بزرگ بزرگتر بزرگتر
الاعظم الاعز الاجل الاکرم الذی اذا دعیت
بزرگتر عزیزتر جلیل تر گرامی تر است که هرگاه خوانده شوی
به علی مغالق ابواب السماء للفتح بالرحمة انفتحت
بان بر بستهای از درهای آسمان برای گشودن برحمت گشوده میشود
واذا دعیت به علی مضائق ابواب الارض للفرج
وهرگاه خوانده شوی بان بر تنگهای درهای زمین برای گشایش

دعای سمات

میتواند بود که مراد از مغالق چیزهائی باشد که درها را بآنها می بندند مانند قفل و کلون و امثال آن

انفرجت وَاِذا دُعيتَ بِهٖ عَلَى الْعُسْرِ لِلْيُسْرِ تَيَسَّرَتْ
كشاده میشود وهرگاه خوانده شوی بان بر دشواری برای اسانی اسان میشود
وَاِذا دُعيتَ بِهٖ عَلَى الْاَمْواتِ لِلنُّشُورِ انْتَشَرَتْ وَ
وهرگاه خوانده شوی بان بر مردگان برای زنده شدن زنده میشوند و
اِذا دُعيتَ بِهٖ عَلى كَشْفِ الْبَاْسَآءِ وَالضَّرَّآءِ انْكَشَفَتْ
هرگاه خوانده شوی بان بر برطرف شدن بلاها وبدحالیها برطرف میشوند
وَبِجَلالِ وَجْهِكَ الْكَريمِ اَكْرَمِ الْوُجُوهِ وَاَعَزِّ
وبحق بزرگواری ذات گرامی تو که گرامی ترین ذاتها وعزیزترین
الْوُجُوهِ الَّذي عَنَتْ لَهُ الْوُجُوهُ وَخَضَعَتْ لَهُ الْاَصْواتُ
ذاتهاست که خوار شده اند برای او ذاتها وفروتنی کرده اند برای او صداها
وَوَجِلَتْ لَهُ الْقُلُوبُ مِنْ مَخافَتِكَ وَبِقُوَّتِكَ الَّتي
وترسیده اند برای او دلها از خوف تو وبحق توانائی تو که
تُمْسِكُ السَّمآءَ اَنْ تَقَعَ عَلَى الْاَرْضِ اِلّا بِاِذْنِكَ
نگاه میداری اسمانرا ازاینکه بیفتد بر زمین مگر برخصت تو
وَتُمْسِكُ السَّمواتِ وَالْاَرْضَ اَنْ تَزُولا وَلَئِنْ
ونگاه میداری اسمانها وزمین را ازاینکه زایل شوند وهرآینه اگر
زالَتا اِنْ اَمْسَكَهُما مِنْ اَحَدٍ مِنْ بَعْدِكَ وَبِمَشِيَّتِكَ
زایل شوند نگاه نمیدارد انهارا کسی بعد از تو وبحق مشیت تو

الَّتي دانَ لَهَا الْعالَمُونَ وَبِكَلِمَتِكَ الَّتي خَلَقْتَ بِهَا
که فروتنی کرده اند برای ان همه عالمیان وبحق کلمه تو که افریده بان
السَّمواتِ وَالْاَرْضَ وَبِحِكْمَتِكَ الَّتي صَنَعْتَ بِهَا الْعَجائِبَ
اسمانها وزمین را وبحق حکمت تو که ساختی بان چیزهای غریب را
وَخَلَقْتَ بِهَا الظُّلْمَةَ وَجَعَلْتَها لَيْلاً وَجَعَلْتَ اللَّيْلَ
وافریدی بان تاریکی را وگردانیدی از اشب وگردانیدی شب را
سَكَناً وَخَلَقْتَ بِهَا النُّورَ وَجَعَلْتَهُ نَهاراً وَجَعَلْتَ
محل ارام وافریدی بان حکمت روشنی را وگردانیدی ازا روز وگردانیدی
النَّهارَ نُشُوراً مُبْصِراً وَخَلَقْتَ بِهَا الشَّمْسَ وَجَعَلْتَ
روزرا زنده کننده بینا کننده وافریدی بان حکمت افتاب را وگردانیدی
الشَّمْسَ ضِياءً وَخَلَقْتَ بِهَا الْقَمَرَ وَجَعَلْتَ الْقَمَرَ
افتابرا روشنی وافریدی بان ماه را وگردانیدی ماه را
نُوراً وَخَلَقْتَ بِهَا الْكَواكِبَ وَجَعَلْتَها نُجُوماً وَ
روشنی وافریدی بان حکمت ستارها را وگردانیدی انهارا علامتها و
بُرُوجاً وَمَصابيحَ وَزينَةً وَرُجُوماً وَجَعَلْتَ لَها
برجها وچراغها وزینت ودورکنندها وگردانیدی برای انها
مَشارِقَ وَمَغارِبَ وَجَعَلْتَ لَها مَطالِعَ وَمَجارِيَ
مشرقها ومغربها وگردانیدی برای انها محل طلوعها ومحل حرکتها

یعنی مردمان از او در روز در شب میکنند
وبرخی انکه برای از خواب کسب میکنند
است

وَجَعَلْتَ لَهَا فَلَكًا وَمَسَابِحَ وَقَدَّرْتَهَا فِي السَّمَاءِ مَنَازِلَ
وکردانیده برای آنها آسمانها وجاهاشناوری نها ومقدر کرده آنهارا در آسمان منزلها
فَأَحْسَنْتَ تَقْدِيرَهَا وَصَوَّرْتَهَا فَأَحْسَنْتَ تَصْوِيرَهَا
پس نیکوکرده تقدیر انهارا وتصویر کرده انهارا پس نیکوکرده تصویر انهارا
وَأَحْصَيْتَهَا بِأَسْمَائِكَ إِحْصَاءً وَدَبَّرْتَهَا بِحِكْمَتِكَ
وشمرده انهارا بنامهای خود شمردنی وتدبیر کرده انهارا بحکمت خود
تَدْبِيرًا وَأَحْسَنْتَ تَدْبِيرَهَا وَسَخَّرْتَهَا بِسُلْطَانِ اللَّيْلِ
تدبیر کردنی ونیکوکرده تدبیر انهارا ومسخر کرده انهارا بسلطنت شب
وَسُلْطَانِ النَّهَارِ وَالسَّاعَاتِ وَعَدَدِ السِّنِينَ وَالْحِسَابِ
وسلطنت روز وساعتها وعدد سالها وحساب
وَجَعَلْتَ رُؤْيَتَهَا لِجَمِيعِ النَّاسِ مَرْأًى وَاحِدًا فَأَسْأَلُكَ
وکردانیده دیدن انهارا برای همه مردمان یک دیدن پس سؤال میکنم ترا
اللَّهُمَّ بِمَجْدِكَ الَّذِي كَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ
خداوندا بحق بزرگواری تو که سخن کفته بان بابنده خود ورسول خود
مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمُقَدَّسِينَ فَوْقَ
موسی پسر عمران که برو باد سلام در میان پاکیزکان در بالای
إِحْسَاسِ الْكَرُوبِيِّينَ فَوْقَ غَمَائِمِ النُّورِ فَوْقَ تَابُوتِ
اواز فرشتکان مقرب در بالای ابرهای نور بالای تابوت

الشَّهَادَةِ فِي عَمُودِ النَّارِ وَفِي طُورِ سَيْنَاءَ وَفِي جَبَلِ
شهادت در عمود آتش ودر کوه طور سیناء ودر کوه
حُورِيثَ فِي الْوَادِ الْمُقَدَّسِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنْ
حوریث در وادی پاکیزه در بقعه مبارکه از
جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ مِنَ الشَّجَرَةِ وَفِي أَرْضِ مِصْرَ بِتِسْعِ
جانب راست کوه طور از درخت ودر زمین مصر بنه
آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَيَوْمَ فَرَقْتَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ وَفِي
علامت واضح وروزی که شکافتی برای بنی اسرائیل دریارا ودر
الْمُنْبَجِسَاتِ الَّتِي صَنَعْتَ بِهَا الْعَجَائِبَ فِي بَحْرِ سُوفٍ وَ
آبهای شکافنده که کردی بسبب آنها امور غریبه را در دریای سوف و
عَقَدْتَ مَاءَ الْبَحْرِ فِي قَلْبِ الْغَمْرِ كَالْحِجَارَةِ وَجَاوَزْتَ
منعقد وبسته کردی آب دریارا در میان دریای عمیق مانند سنگ وکذرانیدی
بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ وَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ الْحُسْنَى عَلَيْهِمْ بِمَا
بنی اسرائیل را از دریا وتمام شد کلمه نیکوی تو برایشان بسبب انچه
صَبَرُوا وَأَوْرَثْتَهُمْ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي
صبر کردند ومیراث دادی بایشان مشرقهای زمین را ومغربهای زمین را که
بَارَكْتَ فِيهَا لِلْعَالَمِينَ وَأَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ
برکت دادی در انها برای عالمیان وغرق کردانیدی فرعون وسپاه اورا

وَمَرَاكِبِهِمْ فِي الْيَمِّ وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ

وَمَرْكَبهای ایشان را در دریا و بحق نام تو که بزرگ بزرگتر بزرگتر

الْأَعَزِّ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ وَبِمَجْدِكَ الَّذِي تَجَلَّيْتَ

عزیزتر جلیل‌تر گرامی‌تر است و بحق بزرگواری تو که تجلّی کردی

بِهِ لِمُوسَى كَلِيمِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طُورِ سَيْنَاءَ وَ

بان برای موسی کلیم تو که برو باد سلام در کوه طور سیناء و

لِإِبْرٰهِيمَ خَلِيلِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ قَبْلُ فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ

برای ابرهیم خلیلِ تو که برو باد سلام پیش از ان در مسجدِ خیف

وَلِإِسْحٰقَ صَفِيِّكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بِئْرِ شِيَعٍ وَلِيَعْقُوبَ

وبرای اسحق برگزیدهٔ تو که برو باد سلام در چاه شیع وبرای یعقوب

نَبِيِّكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَيْتِ إِيلَ وَأَوْفَيْتَ لِإِبْرٰهِيمَ

پیغمبر تو که برو باد سلام در خانهٔ خدا ووفا کردی برای ابرهیم

عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمِيثَاقِكَ وَلِإِسْحٰقَ بِحَلْفِكَ وَلِيَعْقُوبَ

که برو باد سلام به پیمان خود وبرای اسحق بسوگند تو وبرای یعقوب

عَلَيْهِ السَّلَامُ بِشَهَادَتِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ بِوَعْدِكَ وَ

که برو باد سلام بشهادت تو وبرای وفا کنندگان بوعدهٔ تو و

لِلدَّاعِينَ بِأَسْمَائِكَ فَأَجَبْتَ وَبِمَجْدِكَ الَّذِي ظَهَرَ

برای دعا کنندگان بنامهای تو پس مستجاب کردی وبحق بزرگواری تو که ظاهر شد

مؤلف این مجموعه گفته است که
لفظ شیع در اصل سبیع و بئر سبع
بجا می است که [illegible]
پادشاهی که نام او [illegible]
[illegible] پادشاه [illegible]

لموسی

لِمُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى قُبَّةِ الرُّمَّانِ وَبِآيَاتِكَ

برای موسی پسر عمران که برو باد سلام بر قبهٔ رمان وبحق نشانهای تو

الَّتِي وَقَعَتْ عَلَى أَرْضِ مِصْرَ بِمَجْدِ الْعِزَّةِ وَالْغَلَبَةِ

که بلند شده تو بر زمین مصر برای بزرگواری عزت وغالب شدن

بِآيَاتٍ عَزِيزَةٍ وَبِسُلْطَانِ الْعِزَّةِ وَالْقُدْرَةِ وَبِشَأْنِ

بعلامتهای غلبه کننده وبسلطنت غلبه وقدرت وبشان

الْكَلِمَةِ التَّامَّةِ وَبِكَلِمَاتِكَ الَّتِي تَفَضَّلْتَ بِهَا

کلمه که تمام است وبحق کلمهای تو که تفضل کرده بانها

عَلَى أَهْلِ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَهْلِ الدُّنْيَا وَ

بر اهل آسمانها وزمین واهل دنیا و

الْآخِرَةِ وَبِرَحْمَتِكَ الَّتِي مَنَنْتَ بِهَا عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ

آخرت وبحق رحمت تو که منت کذاشته بانها بر همه خلق خود

وَبِاسْتِطَاعَتِكَ الَّتِي أَقَمْتَ بِهَا عَلَى الْعَالَمِينَ وَبِنُورِكَ

وبحق قدرت تو که برپای داشته انرا بر همه عالمیان وبحق نور تو

الَّذِي قَدْ خَرَّ مِنْ فَزَعِهِ طُورُ سَيْنَاءَ وَبِعِلْمِكَ وَ

که بتحقیق که افتاده است از ترس ان کوه طور سیناء وبحق علم تو و

جَلَالِكَ وَكِبْرِيَائِكَ وَعِزَّتِكَ وَجَبَرُوتِكَ الَّتِي

جلالت تو وبزرگواری تو وغلبه تو وعظمت تو که

لم تستقلها الارض وانخفضت لها السموات و
برنداشته است انرا زمين و پست گرديده براى ان اسمانها و
انزجر لها العمق الاكبر وركدت لها البحار و
باز ايستاده براى ان چشم عمق بزرگتر و ساكن شده براى ان درياها و
الانهار وخضعت لها الجبال وسكنت لها الارض
نهرها و فروتنى كرده براى ان كوهها و ارام گرفته براى ان زمين
بمناكبها واستسلمت لها الخلائق وخفقت لها
باطراف خود و انقياد كرده براى ان مخلوقات و مضطرب شده براى ان
الرياح في جرياتها وخمدت لها النيران في اوطانها
بادها در وزيدن انها و فرو مرده براى ان اتشها در جايهاى انها
وبسلطانك الذي عرفت لك به الغلبة دهر
وبحق سلطنت تو كه شناخته شده است براى تو بسبب ان غلبه در دهر
الدهور وحمدت به في السموات والارضين
زمانها و حمد كرده شده بان در اسمانها و زمينها
وبكلمتك كلمة الصدق التي سبقت لابينا ادم
وبحق كلمه تو كلمه راستى كه سبقت كرده براى پدر ما ادم
عليه السلام وذريته بالرحمة واسألك بكلمتك
كه برو باد سلام و براى ذريه او برحمت و سؤال ميكنم ترا بحق كلمه تو

كلّها
همهٔ آن

التي

التي غلبت كل شيء وبنور وجهك الذي تجليت به
كه غالب شده بر هر چيز و بحق نور ذات تو كه تجلى كردى بان
للجبل فجعلته دكا وخر موسى صعقا وبمجدك
براى كوه پس گردانيدى انرا پراكنده و بر رو در افتاد موسى مدهوش و بحق بزرگوارى تو
الذي ظهر على طور سيناء فكلمت به عبدك
كه ظاهر شد بر كوه طور سيناء پس سخن گفتى بان با بنده خود
ورسولك موسى بن عمران وبطلعتك في ساعير و
و رسول خود موسى پسر عمران و بحق ظاهر شدن تو در كوه ساعير و
ظهورك في جبل فاران بربوات المقدسين و
ظاهر شدن تو در كوه فاران به بلنديهاى مرتبه مقدسان و
جنود الملائكة الصافين وخشوع الملائكة المسبحين
سپاه فرشتگان صف زننده و فروتنى كردن فرشتگان تسبيح كننده
وببركاتك التي باركت فيها على ابراهيم خليلك عليه
و بحق بركتهاى تو كه بركت داده در انها بر ابراهيم دوست تو كه برو باد
السلام في امة محمد صلى الله عليه وآله وباركت
سلام در باره امت محمد كه رحمت فرستد خدا برو و بر آل او و بركت داده
لاسحق صفيك في امة عيسى عليه السلام وباركت
براى اسحق برگزيده تو كه برو باد سلام در باره امت عيسى كه برو باد سلام و بركت داده

لِيَعْقُوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِسْرَائِيلَكَ فِي أُمَّةِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَمُ

براى يعقوب كه برو باد درود كه پيغمبر تست درباره امت موسى كه برو باد سلام

وَبَارَكْتَ لِحَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي عِتْرَتِهِ

وبركت داده براى دوست خود محمد كه رحمت فرستد خدا برو و بر آل او در عترت او

وَذُرِّيَّتِهِ وَأُمَّتِهِ بِالرَّحْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَنَسْأَلُكَ

و ذريت او و امت او برحمت كه بر ايشان باد سلام و سؤال ميكنيم تورا

اللّٰهُمَّ وَكَمَا غِبْنَا عَنْ ذٰلِكَ وَلَمْ نَشْهَدْهُ وَآمَنَّا

خداوندا و چنانكه غايب بوديم از آنحضرت و نديديم او را و ايمان آورديم

بِهِ وَلَمْ نَرَهُ صِدْقًا وَعَدْلًا نَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى

باو و نديديم او را از روى راستى و درستى سؤال ميكنيم تورا اينكه رحمت فرستى بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُبَارِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَرَحَّمَ

محمد و آل محمد و اينكه مبارك گردانى بر محمد و آل محمد و ترحم كنى

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَرَحِمْتَ

بر محمد و آل محمد مثل بهترين آنچه رحمت فرستاده و مبارك كرده‌اى و رحم كرده

وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرٰهِيمَ وَآلِ إِبْرٰهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ

و ترحم نموده بر ابرهيم و بر آل ابرهيم بدرستى كه تو ستوده شده بزرگوارى

فَعَّالٌ لِمَا تُرِيدُ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ اللّٰهُمَّ بِحَقِّ

كننده آنچه را اراده نمائى و تو بر همه چيز گواهى خداوندا بحق

هٰذَا الدُّعَاءِ وَبِحَقِّ هٰذِهِ الْأَسْمَاءِ الَّتِي لَا يَعْلَمُ تَفْسِيرَهَا

اين دعا و بحق اين نامهائى كه نميدانند تفسير آنها را

وَلَا يَعْلَمُ ظَاهِرَهَا وَبَاطِنَهَا غَيْرُكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

و نميدانند ظاهر آنها را و باطن آنها را كسى غير تو رحمت فرست بر محمد و آل محمد

و در نسخه ديگر بجاى وَلَا يَعْلَمُ ظَاهِرَهَا وَبَاطِنَهَا

غَيْرُكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ چنين است كه

وَلَا يَعْلَمُ بَاطِنَهَا غَيْرُكَ افْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا وَانْتَقِمْ

و نميدانند باطن آنها را كسى غير تو بكن بمن چنين و چنين و انتقام بكش

لِي مِنْ فُلَانٍ وَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي مَا تَقَدَّمَ وَمَا تَأَخَّرَ

براى من از فلان و بيامرز براى من گناهان مرا آنچه پيش شده و آنچه بعد از اين ميشود

وَوَسِّعْ عَلَيَّ مِنْ حَلَالِ رِزْقِكَ وَاكْفِنِي مَؤُنَةَ إِنْسَانٍ

و وسيع گردان بر من از روزى حلال خود و كفايت كن از من مشقت آدم

سَوْءٍ وَجَارِ سَوْءٍ وَقَرِينِ سَوْءٍ وَسَاعَةِ سَوْءٍ وَسُلْطَانِ

بد را و همسايه بد را و همنشين بد را و ساعت بد را و پادشاه

سَوْءٍ إِنَّكَ عَلَى مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ وَبِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ آمِينَ

بد را بدرستى كه تو بر آنچه خواهى قادرى و بهمه چيز دانائى خداوندا مستجاب كن

رَبَّ الْعَالَمِينَ محمد بن على راشدى گفته است كه من چند بن

اى پرورنده كار عالميان مرتبه خواندم اين دعا را در رفع شدن

بجاى
كذا و كذا حاجت
خود را بگويد ۲

بجاى
فلان نام كسى را
كه از ضرر او خوف
دارد بگويد ۲

بلاها و برطرف شدن اسباب غم و اندوه و هر مرتبه که خواندم دعای
من بزودی مستجاب گردید و غم و بلا بزودی برطرف شد و بعضی
از علماء شیعه گفته‌اند که هر که بخواند این دعا را در هر سمتی که متوجه
شود و بجهت هر حاجتی که قصد کند و بخواند پیش از آنکه برود بجانب
دشمنی که از او خوف کند یا پادشاهی که از او بترسد و بجهت رفع
شدن بلیه که بر او وارد شود حق تعالی حاجت او را بر می‌آورد
و از کسی ضرر باو نمیرسد و خوف او باطمینان مبدل میگردد و هر که
او را خواندن این دعا مقدور نباشد پس باید که بنویسد و با خود
این دعا را هم
نگاه دارد و مرویست که حضرت امام محمد باقر علیه الصلوة والسلم
فرموده است که اگر قسم یاد کنم بر اینکه اسم اعظم پروردگار تعالی شأنه
در این دعا هست هر آینه قسم را براستی خورده‌ام پس چون اراده
خواندن این دعا کنید تمام آنرا بخوانید و آنحضرت فرمود که حضرت
یوشع بن نون چون با طایفه عمالقه محاربه و مقاتله نمود و از جهت
زیادتی قوت و کثرت ایشان از ایشان خوف کرد بمخصوصان خود
امر نمود که سبوهای کوچک خالی بیاورند و سبوها را بر دوشهای
چپ خود بگیرند بنام هر یک یک از طایفه عمالقه و نیز فرمود که
شاخ گوسفند میشینه بیاورند و آنرا سوراخ کنند و این دعا را
بتأنی و آهستگی بر آن شاخ بخوانند و سبب اینکه فرمود که آهسته

خوانند

بخوانند این بود که مبادا شیاطین جن و انس به بینند و بشنوند و بیاموزند
و بدان سبب سحر کنند و بمردمان تعلیم نمایند پس اصحاب یوشع در آن
شب آنچه یوشع فرموده بود بعمل آوردند و چون آخر شب شد سبوها
بلشکرگاه عمالقه بردند و در آنجا شکستند پس شکمهای عمالقه
باد کرد و تا صبح همه ایشان بمردند و آنحضرت فرمود که این دعا
از جمله علمهای عمیق مخزون پنهانست از برای کسی که او را نزد حق
تعالی حاجتی باشد پس این دعا را بخوانید و اظهار مکنید آنرا
مگر برای کسی که اهل و لایق آن باشد و جماعتی که سفیه و کم عقل
باشند و زنان و اطفال و ستمکاران و منافقان اهل و لایق
این دعا نیستند **دعاء شب شنبه** مرویست که حضرت امیر المؤمنین
دعای شب شنبه
علیه الصلوة و السلام جبرئیل ع را در شب شنبه دید که این
دعا را میخواند و این دعا را از جبرئیل علیه السلام تعلیم
گرفت و آنحضرت جبرئیل را نشناخت پس حضرت رسول صلی الله
علیه و آله فرمود که این شخص که دعا را بتو تعلیم نمود جبرئیل بود **و دعا این است**
یا من عفا عن السیئات و لم یجاز بها ارحم عبدک
ای کسی که در گذشت از بدیها و جزا نداده است بآنها رحم کن بنده خود را
یا الله نفسی نفسی ارحم عبدک ای سیداه
ای خدا خلاصی ده نفس مرا خلاص ده نفس مرا رحم کن بنده خود را ای آقای من

عَبْدُكَ عَبْدُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ اَيَا رَبَّاهُ اَيْ اِلٰهِي بِكَيْنُونَتِكَ
بندهٔ تو بندهٔ تو پیش روی تست ای پروردگار من ای خدای من بحق هستی خود
اَيْ اَمَلَاهُ اَيْ رَجَايَاهُ اَيْ غَايَتَاهُ اَيْ مُنْتَهٰى رَغْبَتَاهُ
ای آرزوی من ای امید من ای نهایت مطلب من ای نهایت رغبت من
اَيْ مُجْرِيَ الدَّمِ فِي عُرُوقِ عَبْدِكَ عَبْدُكَ عَبْدُكَ بَيْنَ
ای جاری کنندهٔ خون در رگهای من بندهٔ تو بندهٔ تو پیش
يَدَيْكَ اَيْ سَيِّدِي اَيْ مَالِكَ عَبْدِكَ هٰذَا عَبْدُكَ
روی تست ای آقای من ای مالک بندهٔ خود این بندهٔ تست
اَيْ سَيِّدَاهُ اَيْ سَيِّدَاهُ يَا اَمَلَاهُ يَا مَالِكَاهُ اَيَا هُوَ
ای آقای من ای آقای من ای آرزوی من ای صاحب من ای او
اَيَا هُوَ يَا رَبَّاهُ عَبْدُكَ لَا حِيلَةَ لِي وَلَا غِنٰى بِي
ای او ای پروردگار من بندهٔ توام نیست چاره برای من و نه بی نیازی برای من
عَلٰى نَفْسِي لَا اَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا اَجِدُ
بر نفس خودم استطاعت ندارم برای نفس خود دفع ضرر را و نه تحصیل نفع را و نمی یابم
مَنْ اُصَانِعُهُ انْقَطَعَتْ اَسْبَابُ الْخَدَائِعِ عَنِّي وَ
کسی را که سازکاری کنم با او منقطع شده است اسباب حیلها از من و
اضْمَحَلَّ عَنِّي كُلُّ بَاطِلٍ وَاَفْرَدَنِي الدَّهْرُ اِلَيْكَ
برطرف شده است از من هر باطلی و تنها گذاشته است مرا روزگار بسوی تو

قوله فضحتنی مقصود و مدلول ... کرانست وازا
ازا آنجاه حق تعالی از ... [illegible] الله
و چون در جمیع مقام منادی و داعی
ظاهر است که اسم فقط تعالی ...
و نیز الله بود که ضمیر راجع ...
تعالی الله باشد چنانکه در جمله شده [illegible]

ففمت

فَقُمْتُ هٰذَا الْمَقَامَ اِلٰهِي تَعْلَمُ هٰذَا كُلَّهُ فَكَيْفَ اَنْتَ
پس ایستادم این بخوایستادن ای خدای من میدانی اینها را همه پس چگونه تو
صَانِعٌ بِي لَيْتَ شِعْرِي وَلَا اَشْعُرُ كَيْفَ تَقُولُ لِدُعَائِي
سلوک خواهی کرد با من کاش میدانستم و نمیدانم که چگونه میگوئی برای دعای من
اَتَقُولُ نَعَمْ اَوْ تَقُولُ لَا فَاِنْ قُلْتَ لَا فَيَا وَيْلِي يَا وَيْلِي
آیا میگوئی آری یا میگوئی نه پس اگر بگوئی نه پس ای وای بر من ای وای بر من
يَا وَيْلِي يَا عَوْلِي يَا عَوْلِي يَا شِقْوَتِي يَا شِقْوَتِي
ای وای من ای زاری من ای زاری من ای بدبختی من ای بدبختی من
يَا شِقْوَتِي يَا ذُلِّي يَا ذُلِّي يَا ذُلِّي اِلٰى مَنْ اَوْ عِنْدَ مَنْ
ای بدبختی من ای خواری من ای خواری من ای خواری من بسوی کی دو کنم یا نزد کی روم
اَوْ كَيْفَ اَوْ لِمَاذَا اِلٰى اَيِّ شَيْءٍ اَلْجَاُ وَمَنْ اَرْجُو وَمَنْ
یا چگونه باشد حال من یا برای چه بسوی چه چیز پناه برم و کی را امید داشته باشم و کی
يَعُودُ عَلَيَّ حَيْثُ تَرْفُضُنِي يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ وَاِنْ قُلْتَ
بخشش میکند بر من در وقتی که وا گذاری مرا ای صاحب آمرزش وسیع و اگر بگوئی تو
نَعَمْ كَمَا اَظُنُّ فَطُوبٰى لِي اَنَا السَّعِيدُ طُوبٰى لِي اَنَا النَّقِيُّ
آری چنانکه گمان دارم پس خوشحال من منم نیکبخت خوشحال من منم پاکیزه
طُوبٰى لِي اَنَا الْمَرْحُومُ اَيْ مُتَرَحِّمُ اَيْ مُتَرَئِّفُ اَيْ
خوشحال من منم رحم کرده شده ای بسیار رحم کننده ای بسیار مهربان ای

مُنعَطِفُ ای مُتَمَلِّكُ ای مُتَجَبِّرُ ای مُتَسَلِّطُ لا عَمَلَ لي
بسیار شفقت کننده ای مالک شونده ای بسیار بزرگ ای بسیار تسلط دارنده نیست عملی برای من
اَبلُغُ بِهِ نَجاحَ حاجَتي فَاَنا اَسئَلُكَ بِاِسمِكَ الَّذي اَنشَاتَهُ
که برسم بسبب آن بسر آوردن حاجت من پس من سؤال میکنم بحق نام تو که بیرون آورده او را
مِن كُلِّكَ فَاستَقَرَّ في غَيبِكَ فَلا يَخرُجُ مِنكَ اِلیٰ شَيءٍ
از همه نامهای خود پس قرار گرفته است در علم غیب تو پس بیرون نمیرود از نزد تو بسوی چیزی
سِواكَ اَسئَلُكَ يا هُوَ لَم يُلفَظ بِهِ وَلا يُلفَظُ اَبَداً اَبَداً
غیر تو سؤال میکنم ترا ای او تلفظ کرده نشده است بآن نام و تلفظ کرده نخواهد شد هرگز ابداً
بِهِ وَبِكَ لا شَيءَ غَيرُ هٰذا وَلا اَجِدُ اَحَداً اَنفَعَ لي
بآن و بتو نیست چیزی غیر این و نمی یابم کسی را نفع رساننده تر برای خود
مِنكَ اَي كَبيرُ اَي عَلِيُّ اَي مَن عَرَّفَني نَفسَهُ اَي
از تو ای بزرگ ای بلند مرتبه ای کسی که شناسانید بمن نفس خود را ای
مَن اَمَرَني بِطاعَتِهِ اَي مَن نَهاني عَن مَعصِيَتِهِ اَي
کسی که امر کرده است مرا بطاعت خود ای کسی که نهی کرده است مرا از معصیت خود ای
مَن اَعطاني مَسأَلَتي اَي مَطلوباً اِلَيهِ اِلٰهي رَفَضتُ
کسی که عطا کرده است بمن سؤال مرا ای طلب کرده شده بسوی او ای خدا من ترک کردم
وَصِيَّتَكَ وَلَم اُطِعكَ وَلَو اَطَعتُكَ لَكَفَيتَني ما
سفارش ترا و اطاعت نکردم ترا و اگر اطاعت کرده بودم ترا هر آینه کفایت کرده بودی مرا از آنچه

قُمتُ اِلَيكَ فيهِ قَبلَ اَن اَقومَ وَاَنا مَعَ مَعصِيَتي
ایستاده ام بسوی تو در آن باب پیش از آنکه بایستم و من با وجود معصیت کردن من
لَكَ لَراجٍ فَلا تَحُل بَيني وَبَينَ ما رَجَوتُ وَارْدُدْ
برای تو امیدوارم پس حایل و مانع مشو میان من و میان آنچه امید داشته ام و برگردان
يَدي عَلَيَّ مَلأىٰ مِن خَيرِكَ وَفَضلِكَ وَبِرِّكَ وَ
دست مرا بر من مملو از خیر خود و فضل خود و نیکی خود و
عافِيَتِكَ وَمَغفِرَتِكَ وَرِضوانِكَ بِحَقِّكَ يا سَيِّدي
عافیت خود و آمرزش خود و خشنودی خود بحق خودت ای آقای من

وحضرت امیر المؤمنین علیه السلام بعد از خواندن دعائی که مذکور شد این کلمات شریفه را میخواندند

يا عُدَّتي عِندَ كُربَتي يا غِياثي عِندَ شِدَّتي يا
ای تهیه کرده شده من نزد اندوه من ای فریادرس من نزد سختی من ای
وَلِيَّ نِعمَتي يا مُنجِحي في حاجَتي يا مَفزَعي في وَرطَتي يا
مولی نعمتهای من ای رستگار کننده من در حاجت من ای پناه من در ورطه من ای
مُنقِذي مِن هَلَكَتي يا كالِئي في وَحدَتي صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ
خلاص کننده من از هلاکت من ای حفظ کننده من در تنهائی من رحمت فرست بر محمد
وَآلِهِ وَاغفِر لي خَطيئَتي وَيَسِّر لي اَمري وَاجمَع لي
و بر آل او و بیامرز برای من گناه مرا و آسان کردان برای من کار مرا و جمع کن برای من

شملی وانجح لی طلبتی واصلح لی شانی واکفنی واجعل
پراکنده کم مرا و براور برای من مطلبهای مرا و اصلاح کن برای من حال مرا و کفایت کن مرا و بگردان
لی من امری فرجا ومخرجا ولا تفرق بینی وبین
برای من از کار من گشایشی و بیرون شدی و تفرقه مکن میان من و میان
العافیة ابدا ما ابقیتنی عندو فاتی واذا
عافیت هرگز مادام که باقی بداری مرا تا نزد مردن من و هرگاه
توفیتنی یا ارحم الراحمین دعائی که حضرت
بمیرانی مرا ای رحم کننده ترین رحم کنندگان امیر المؤمنین علیه

دعای جامع

الصلوة والسلم میخوانده و همه مطالب دنیا و اخرت را در
دعا که مشتمل است بر پنج کلام جمع نموده است اینست
اللهم انی اسالک من الدنیا وما فیها ما اسدد
خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا از دنیا و انچه در انست چیزی که راست کنم
به لسانی واحصن به فرجی واؤدی به امانتی
بان زبان خود را و حفظ نمایم بان عورت خود را و ادا کنم بان امانت خود را
واصل به رحمی واتجر به لاخرتی
و صله کنم بان رحم خود را و تجارت کنم بان برای اخرت خود
دعائیست مجرب که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و اله از برای دختر
خود یعنی فاطمه زهرا صلوات الله و سلامه علیها تعلیم نموده

سید

سید سعید علم الهدی عز الدین علی پسر سید سعید ضیاء الدین
ابی الرضا فضل الله بن علی بن عبید الله بن محمد بن عبد الله بن
محمد بن عبید الله بن الحسن بن علی بن محمد بن الحسن بن جعفر بن
الحسن بن الحسن بن علی بن ابی طالب علیهم السلام گفته است که
خبر داد مارا شیخ پیشوا عبد الرحیم بن احمد بن محمد بن اخوه بغدادی
و گفت که خبر داد مارا ابو القسم بن یوسف بن حسن بن مظفر
و گفت که خبر داد مارا جد من و گفت که خبر داد مارا ابو الفضل
محمد بن عبد الله بن محمد بن عبد المطلب شیبانی و گفت که خبر
داد مارا ابو عبد الله جعفر بن محمد بن جعفر بن حسن حسنی و گفت
که خبر داد مارا موسی بن عبد الله بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب
علیهم السلام و او روایت کرده از پدر خود و او از پدر بزرگوار
خود یعنی حضرت امام حسن مجتبی علیه الصلوة والسلام و ان
حضرت فرموده که مادرم یعنی حضرت فاطمه زهرا صلوات الله و
سلامه علیها فرمودند که پدرم یعنی حضرت رسالت پناه صلی
الله علیه و اله بمن خطاب نمود و فرمود که ای فاطمه ایا تعلیم نکنم
بتو دعائی را که نمیخوانند انرا کسی مگر انکه مستجاب میشود
دعای او و تاثیر نمیکند در و سحری و حاصل نمیشود او را دلگیری
و عارض نمیشود با و جنی و شیطانی و رد نمیشود برای او دعای

و برآورده میشود هر حاجتی که رغبت بآن داشته باشد از حاجتهای
دنیا و آخرت حضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها گوید که گفتم
بلی میخواهم که تعلیم کنی بمن این دعا را ای پدر بخدا قسم که این دعا خوشتر است نزد من و دوست‌تر
ترا است از دنیا و هرچه در دنیا است پس آنحضرت فرمود که بگو
یَا اَللهُ یَا اَعَزَّ مَذْکُورٍ وَاَقْدَمَهُ قِدَمًا فِی الْعِزَّةِ وَ
ای خدا ای عزیزترین یاد کرده شدها و قدیم ترین آنها از راه قدیم بودن در عزت و
الْجَبَرُوتِ یَا اَللهُ یَا رَحِیمَ کُلِّ مُسْتَرْحِمٍ وَمَفْزَعَ کُلِّ
بزرگواری ای خدا ای رحم کننده هر طلب رحم کننده و پناه هر
مَلْهُوفٍ یَا اَللهُ یَا رَاحِمَ کُلِّ حَزِینٍ یَشْکُو بَثَّهُ وَحُزْنَهُ
ستم دیده ای خدا ای رحم کننده هر اندوهناکی که شکایت کند دلگیری و اندوه خود را
اِلَیْکَ یَا اَللهُ یَا خَیْرَ مَنْ طُلِبَ الْمَعْرُوفُ مِنْهُ وَاَسْرَعَهُ
بسوی تو ای خدا ای بهترین کسی که طلب شده است احسان از او و شتاب کننده تر
اِعْطَاءً یَا اَللهُ یَا مَنْ یَخَافُ الْمَلٰئِکَةُ الْمُتَوَقِّدَةُ بِالنُّورِ
از جهت عطا کردن ای خدا ای کسی که میترسند فرشتگانی که برافروخته شده اند بنور
مِنْهُ اَسْئَلُکَ بِالْاَسْمَاءِ الَّتِی یَدْعُوکَ بِهَا حَمَلَةُ عَرْشِکَ
از او سؤال میکنم ترا بحق آن نامهائی که میخوانند ترا بآن نامها بردارندگان عرش تو
وَمَنْ حَوْلَ عَرْشِکَ یُسَبِّحُونَ بِهَا شَفَقَةً مِنْ خَوْفِ عَذَابِکَ
و کسانی که بر دور عرش تو اند و تسبیح میکنند بآن نامها از جهت ترس از خوف عذاب تو

دعا بجهت رفع اثر سحر و رفع
سم و رفع ضرر شیاطین
و برآمدن حاجات

وبالاسماء

وَبِالْاَسْمَاءِ الَّتِی یَدْعُوکَ بِهَا جَبْرَئِیلُ وَمِیکَائِیلُ وَاِسْرَافِیلُ
و بحق آن نامهائی که میخوانند ترا بآن نامها جبرئیل و میکائیل و اسرافیل
اِلَّا اَجَبْتَنِی وَکَشَفْتَ یَا اِلٰهِی کَرْبِی وَسَتَرْتَ ذُنُوبِی
مگر اینکه اجابت کنی مرا و برطرف کنی ای خدای من اندوه مرا و بپوشانی گناهان مرا
یَا مَنْ اَمَرَ بِالصَّیْحَةِ فِی خَلْقِهِ فَاِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ
ای کسی که امر میکند بصدا بلند زدن در میان خلق خود پس ناگاه ایشان در صحرای محشر حاضر میشوند
اَسْئَلُکَ بِذٰلِکَ الْاِسْمِ الَّذِی تُحْیِی بِهِ الْعِظَامَ وَ
سؤال میکنم ترا بحق آن نامی که زنده میکنی بآن استخوانها را و حال آنکه
هِیَ رَمِیمٌ اَنْ تُحْیِیَ قَلْبِی وَتَشْرَحَ صَدْرِی وَتُصْلِحَ
آنها پوسیده اند اینکه زنده گردانی دل مرا و بگشائی سینه مرا و اصلاح کنی
شَاْنِی یَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالْبَقَاءِ وَخَلَقَ لِبَرِیَّتِهِ
حال مرا ای کسی که مخصوص کرده است نفس خود را بباقی بودن و آفریده است برای مخلوقات خود
الْمَوْتَ وَالْحَیٰوةَ یَا مَنْ فِعْلُهُ قَوْلٌ وَقَوْلُهُ اَمْرٌ وَاَمْرُهُ
مردن و زنده بودن را ای کسی که کردار او گفتار است و گفتار او امر است و امر او
مَاضٍ عَلٰی مَا یَشَاءُ اَسْئَلُکَ بِالْاِسْمِ الَّذِی دَعَاکَ بِهِ
جاریست بر هرچه خواهد سؤال میکنم ترا بحق آن نامی که خوانده است ترا بآن
خَلِیلُکَ حِینَ اُلْقِیَ فِی النَّارِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَقُلْتَ یَا
دوست تو در وقتی که انداخته شد در آتش پس مستجاب کردی برای او و گفتی که ای

یعنی بعضی گفته اند که بودن در این جمله
خواهد بعمل فی الابد و گفته اند
او بحکم فعل داده

نارُ كوني برداً وسلاماً على ابرهيم وبالاسم الذي دعاك
اتش باشو سرد وسلامتی بر ابرهیم وبحق آن نامی که خواند ترا
به موسى من جانب الطور الايمن فاستجبت له دعاءه
بآن نام موسی از جانب راست کوه طور پس مستجاب کردی برای او دعای اورا
وبالاسم الذي كشفت عن ايوب الضر وتبت على
وبحق آن نامی که برطرف کردی از ایوب آزار اورا وقبول کردی توبه
داود وسخرت لسليمن الريح تجري بامره والشياطين
داود را ومسخر کردانیدی برای سلیمن باد را که جاری میشد بفرمان او ومسخر کردی شیاطین
وعلمته منطق الطير وبالاسم الذي وهبت به
وتعلیم کردی او سخن مرغان را وبحق آن نامی که بخشیدی بسبب آن
لزكرياء يحيى وخلقت به عيسى من روح القدس
برای زکریا یحیی را وخلق کردی بآن عیسی را از روح القدس
من غير اب وبالاسم الذي خلقت به العرش والكرسي
بدون پدری وبحق آن نامی که آفریدی بسبب آن عرش وکرسی را
وبالاسم الذي خلقت به الروحانيين وبالاسم الذي
وبحق آن نامی که آفریدی بآن فرشتگان روحانیین را وبحق آن نامی که
خلقت به الجن وبالاسم الذي خلقت به جميع الخلق
خلق کردی بآن جن را وبحق آن نامی که خلق کردی بآن همه مخلوقات را

وجميع ما اردت من شيء وبالاسم الذي قدرت به على
وهمه آنچه را که اراده کردی از چیزی وبحق آن نامی که تقدیر کردی بآن بر
كل شيء اسألك بهذه الاسماء لما اعطيتني سؤلي و
هر چیزی سؤال میکنم ترا بحق این نامها مگر اینکه عطا کنی بمن سؤال مرا و
قضيت بها حوائجي وهر گاه این دعا را خواندی گفته میشود
برآوردی بآنها حاجتهای مرا بتو که ای فاطمه آری آری حاجت تورا
بر می آوردم خبر داد مارا سید سعید ضیاء الدین علم الهدی
ابو الرضا فضل الله راوندی قدس الله روحه وگفت که خبر
داد مارا شیخ سعید قطب الدین ابو جعفر محمد بن علی مقری
نیشابوری رحمه الله تعالی باین طریق که برو خواندم واو می شنید
واو گفت که خبر داد مارا مفید ابو علی وروایت کرد در نجف
اشرف از پدر خود یعنی شیخ ابو جعفر طوسی علیه الرحمه در سال
پانصد وهشتاد که من از حج دویم خود فارغ شده واز سفر حجاز
باز گردیده بودم وشیخ علیه الرحمه گفته است که خبر داد مرا محمد
بن محمد وگفت که خبر داد مرا ابو حفص عمر بن محمد صیرفی وگفت که
حدیث کرد مرا ابو عبد الله حسین بن اسمعیل ضبی وگفت که
حدیث کرد مرا عبد الله بن شعیب وگفت که حدیث کرد مرا
اسمعیل بن اوس وگفت که حدیث کرد مرا اسحق بن یحیی وروایت

دعائی که در صبح خوانده میشود

کرد از ابی برده اسلمی و او روایت کرد از پدر خود که حضرت رسول
خدا صلی الله علیه و آله چون نماز صبح را میگذارد
آواز خود را بلند میگردانید بحدی که اصحاب
آنحضرت که حاضر بودند همگی میشنیدند و میفرمود
اللهم اصلح لی دینی الذی جعلته لی عصمة سه مرتبه
خداوندا اصلاح کن برای من دین مرا که گردانیده آن را برای من نگاهداری
و میفرمود اللهم اصلح لی دنیای التی جعلت فیها معاشی
خداوندا اصلاح کن برای من دنیای مرا که گردانیده تو در آن معیشت مرا
سه مرتبه و میفرمود اللهم اصلح لی آخرتی التی جعلت الیها
خداوندا اصلاح کن برای آخرت مرا که گردانیده تو بسوی آن
مرجعی سه مرتبه و میفرمود اللهم انی اعوذ برضاک من
بازگشت مرا خداوندا بدرستی که من پناه میبرم بخوشنودی تو از
سخطک و اعوذ بعفوک من نقمتک سه مرتبه و میفرمود
غضب تو و پناه میبرم بعفو تو از عقوبت تو
اللهم انی اعوذ بک منک لا مانع لما اعطیت و
خداوندا بدرستی که من پناه میبرم بتو از تو نیست مانعی برای آنچه عطا کنی و
لا معطی لما منعت و لا ینفع ذا الجد منک الجد
نیست عطا کننده مر آنچه را که تو منع کنی و نفع نمی بخشد صاحب غنا را نزد تو غنای او

وار سلمان

تسبیحی که بعد از هر نماز خوانده میشود

و از سلمان فارسی رضی الله تعالی عنه منقولست که او گفته است که حضرت
رسول خدا صلی الله علیه و آله بمن خطاب نمود که ای سلمان
چون صبح کنی سه مرتبه بگو اللهم انت ربی لا اشرک بک
خداوندا تو پروردگار منی شریک نمی آورم بتو
لک اصبحنا و اصبح الملک لله و چون شام کنی این را سه
برای تو صبح کردیم و صبح کرد پادشاهی برای خدا مرتبه بگو پس بدرستی که
خواندن این دعا کفاره هر گناهیست که در ما بین این دو وقت
کرده باشی و حق تعالی ببرکت این دعا آنها را می آمرزد
تسبیحیست که خواندن از بعد از هر نماز سنت است و حضرت صاحب
الزمان صلوات الله و سلامه علیه تعلیم نموده است از ابعضی
از مخلصان خود که بشرف پای بوس آنحضرت مشرف شده بودند
سبحان من لا یصفه الواصفون سبحان من لا یسبحه
تسبیح میکنم کسی را که وصف نمیتوانند کرد او را وصف کنندگان تسبیح میکنم کسی را که تسبیح نمیتوانند کرد او را
المسبحون سبحانه سبحانه سبحان من لم یزل
تسبیح کنندگان تسبیح میکنم او را تسبیح میکنم او را تسبیح میکنم او را تسبیح میکنم کسی را که بوده است
ابدا سبحان من لا یزال ابدا سبحانه سبحانه
همیشه تسبیح میکنم کسی را که خواهد بود همیشه منزه است او منزه است او
جل و عز لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد
بزرگوار و عزیز است نزاییده و زاییده نشده است و نیست برای او همتا کسی

دعائی که حضرت صاحب الزمان صلوات الله وسلامه علیه تعلیم
نموده است از برای کرده حبس بوده است که بجهت خلاصی از حبس بخواند

دعائی که بجهت خلاصی از حبس خوانده میشود

اَللّٰهُمَّ عَظُمَ الْبَلَاۤءُ وَ اَمْتَنَعَ الرَّجَاۤءُ وَضَاقَتِ الْاَرْضُ
خداوندا عظیم شده است بلاء و سرکشی کرده است امید و تنگی کرده است زمین
وَمَنَعَتِ السَّمَاۤءُ وَاَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَاِلَيْكَ الْمُشْتَكٰى
و منع کرده است آسمان و توئی طلب فریاد رسی کرده شده و بسوی تست شکایت
وَعَلَيْكَ الْمُتَوَكَّلُ فِي الشِّدَّةِ وَالرَّخَاۤءِ فَصَلِّ عَلٰى
و بر تست توکل در سختی و رفاهیت پس رحمت بفرست بر
مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَعَلٰى اُولِي الْاَمْرِ الَّذِيْنَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا
محمد و آل محمد و بر صاحبان فرمان که واجب کرده بر ما
طَاعَتَهُمْ وَعَرَّفْتَنَا بِذٰلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ
فرمان برداری ایشان را و شناسانیده بما بسبب این منزلهٔ ایشان را پس گشایش ده از ما بحق ایشان
فَرَجًا عَاجِلًا قَرِيْبًا كَلَمْحِ الْبَصَرِ اَوْ هُوَ اَقْرَبُ
گشایش معجل نزدیکی مانند برهم زدن چشم یا نزدیکتر از آن

دعائی که حضرت امیر المؤمنین علیه الصلوة و
السلام در هر صبح میخوانده

دعائی که در هر صبح خوانده میشود

اَللّٰهُمَّ احْيِنِيْ وَاَمِتْنِيْ عَلَى الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ وَسَلِّمْنِيْ
خداوندا بدار مرا و بمیران مرا بر موافقت کتاب و سنت و سالم بدار مرا

مِن

مِنَ الْاَهْوَاۤءِ وَالْبِدْعَةِ وَالزَّيْغِ وَالشُّبْهَةِ وَاعْصِمْنِيْ
از خواهشها و بدعت و میل کردن و شبهه و نگاه دار مرا
مِنَ الْحَيْرَةِ وَالضَّلَالَةِ وَالْحُمْقِ وَالْجَهَالَةِ وَمِنْ سُوْۤءِ
از حیران شدن و گمراهی و حماقت و نادانی و از بدی
الْبَلَاۤءِ وَالْفِتْنَةِ وَقِلَّةِ الْفَهْمِ وَالْمَعْرِفَةِ وَاتِّصَالِ
بلا و آزمایش و از کمی فهم و شناسائی و از متصل بودن
الْغَفْلَةِ بِطُوْلِ الْمُهْلَةِ وَغَلَبَةِ الشَّهْوَةِ اِنَّكَ لَطِيْفٌ
غفلت بمهلت طولانی و زیادتی شهوت بدرستی که تو لطف کننده
لِمَا تَشَاۤءُ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ دعائی که حضرت
برای آنچه خواهی ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خضر علیه السلام
بحضرت امیر المؤمنین علیه الصلوة والسلم تعلیم
نموده و فرموده است که بعد از هر نماز را باید خواند

دعائی که بعد از هر نماز خوانده میشود

يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ يَا مَنْ لَا يُغَلِّطُهُ السَّاۤئِلُوْنَ
ای کسی که مشغول نمیسازد او را شنیدنی از شنیدنی ای کسی که بغلط نمی اندازند او را سؤال کنندگان
يَا مَنْ لَا يَتَبَرَّمُ بِاِلْحَاحِ الْمُلِحِّيْنَ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ
ای کسی که دلتنگ نمیشود بسبب الحاح کردن الحاح کنندگان رحمت بفرست بر محمد و بر آل محمد
وَاَذِقْنَا بَرْدَ عَفْوِكَ وَحَلَاوَةَ مَغْفِرَتِكَ بِرَحْمَتِكَ
و بچشان بما خنکی عفو خود را و شیرینی آمرزش خود را برحمت خود

یا ارحم الراحمین عوذه که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله
ای رحم کننده ترین رحم کنندگان بمحمد علی قوشچی در خواب تعلیم نموده
اللهم انی اعوذ بحلمک من جهلی و اعوذ بغناک
خداوندا بدرستی که من پناه میبرم بعلم تو از جهل خودم و پناه میبرم بتوانگری تو
من فقری و اعوذ بعزک من ذلی عز جارک و جل
از بی چیزی خودم و پناه میبرم بعزت تو از خواری خودم عزیز است همسایه تو و جلیل است
ثناؤک و لا اله غیرک یا کریم دعائی که مرویست که حضرت امام جعفر صادق
ستایش تو و نیست خدائی غیر تو ای صاحب کرم علیه الصلوة و السلام بعد از هر نماز میخوانده
اللهم انی استغفرک و اتوب الیک من کل ذنب
خداوندا بدرستی که من طلب آمرزش میکنم از تو و توبه میکنم بسوی تو از هر گناهی
سعت الیه قدمی و نطق به لسانی و نظر الیه
که رفته است بسوی آن قدم من و گویا شده است با آن زبان من و نظر کرده است بسوی آن
بصری و استمعت الیه اذنی مما نهیتنی عنه
چشم من و متوجه شده است بسوی آن گوش من از آنچه نهی کرده مرا از آن
فعصیتک فیه و اسئلک ان تصلی علی محمد و آل
پس عصیان کرده ام ترا در آن و سؤال میکنم ترا اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل
محمد و ان تغفر لی ذنوبی التی کسبت جوارحی هذه
محمد و اینکه بیامرزی برای من گناهان مرا که کسب کرده است اعضای من این اعضا

فیما سلف من عمری و تستعملنی فیما بقی من عمری فی
در آنچه گذشته است از عمر من و بکار داری مرا در آنچه باقی مانده است از عمر من در
طاعتک و مرضاتک یا ذا الجلال و الاکرام
اطاعت تو و خوشنودی تو ای صاحب جلالت و گرامی داشتن
دعاء دیگر که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست و
بعد از هر نماز فریضه باید خواند و بجهت دفع بلاها مجربست
حسبی الله لدینی حسبی الله لدنیای حسبی الله لآخرتی
بس است مرا خدا برای دین من بس است مرا خدا برای دنیای من بس است مرا خدا برای آخرت من
حسبی الله لما اهمنی حسبی الله لمن بغی علی حسبی
بس است مرا خدا برای آنچه مهم است نزد من بس است مرا خدا برای کسی که زیادتی کند بر من بس است مرا
الله عند الموت حسبی الله عند المسألة فی القبر
خدا نزد مردن بس است مرا خدا نزد سؤال کردن در قبر
حسبی الله عند المیزان حسبی الله عند الصراط حسبی
بس است مرا خدا نزد ترازوی عمل بس است مرا خدا نزد پل صراط بس است مرا
الله الذی لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم
خدائی که نیست خدائی مگر او بر او توکل کردم و اوست پروردگار عرش بزرگ
مرویست که حضرت امام جعفر صادق علیه الصلوة و السلام بیکی از اصحاب
خود فرمود که میخواهی که تعلیم کنم بتو دعائی را که برای دنیای

دعا بجهت دفع درد چشم

٧

تو و برای آخرت تو نیک باشد و درد چشم را از تو رفع نماید پس آن شخص
گفت که بلی پس آنحضرت فرمود که بعد از نماز صبح و بعد از نماز شام بگو
اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْاَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْكَ اَنْ
خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا بحق که محمد و آل محمد راست بر تو اینکه
تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِي بَصَرِي
رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نور را در چشم من
وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَالْاِخْلَاصَ
و بینائی را در دین من و یقین را در دل [illegible] اخلاص را
فِي عَمَلِي وَالسَّلَامَةَ فِي نَفْسِي وَالسَّعَةَ فِي رِزْقِي وَ
در عمل من و سلامتی را در نفس من و توسعه را در روزی من و
الشُّكْرَ لَكَ اَبَدًا مَا اَبْقَيْتَنِي مرویست که حضرت پیغمبر صلی الله
شکر گذاری را برای تو همیشه مادام که باقی داری مرا علیه و آله فرموده است که هر مؤمنی
که صبح کند و این دعا را بخواند پس او بری و بیزار است از هر بدعتی خواه بدانند
آن بدعت را یا ندانند و او در بهشت با من خواهد بود و دعا اینست
اَصْبَحْنَا عَلٰى فِطْرَةِ الْاِسْلَامِ وَكَلِمَةِ الْاِخْلَاصِ وَ
صبح کردیم بر فطرت اسلام و کلمه اخلاص و
دِينِ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَاَنَا اَشْهَدُ
دین پیغمبر ما محمد که رحمت فرستد خدا بر او و بر آل او و من گواهی میدهم

دعائی که در صبح خوانده میشود

اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهٗ وَرَسُولُهٗ وَاَنَا
اینکه نیست خدائی مگر الله و اینکه محمد بنده او و رسول اوست و من
بَرِيْءٌ مِنْ كُلِّ بِدْعَةٍ وَضَلَالَةٍ وَمُتَمَسِّكٌ بِالسُّنَّةِ وَالْجَمَاعَةِ
بیزارم از هر بدعتی و گمراهی و چنگ زننده ام بسنت و جماعت
و از آنحضرت صلی الله علیه و آله منقولست که هر بنده که
خوف کند که نعمتی از او زایل شود یا عافیت و تندرستی
از او تغییر یابد پس این دعا را بخواند حق تعالی با وعطا
میکند [illegible] دنیا و آخرت را و دعا اینست
يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا [illegible] وَاحِدُ يَا مَجِيدُ يَا بَرُّ يَا كَرِيمُ
ای زنده ای بخود برپا ای توانگر ای بزرگوار ای نیکوکار ای صاحب کرم
يَا رَحِيمُ يَا غَنِيُّ تَمِّمْ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ وَهَنِّئْنَا كَرَامَتَكَ
ای مهربان ای بی نیاز تمام گردان بر ما نعمت خود را و گوارا ساز برای ما کرامت خود را
وَاَلْبِسْنَا عَافِيَتَكَ از جمله دعاهائی که حضرت رسالت پناه
و بپوشان بما لباس عافیت خود را صلی الله علیه و آله میخوانده اینست
اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا مَضٰى فِي عِلْمِكَ مِنْ ذُنُوبِي وَاعْصِمْنِي
خداوندا بیامرز برای من آنچه گذشته است در علم تو از گناهان من و نگاه دار مرا
فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي وَارْزُقْنِي اَعْمَالًا زَكِيَّةً تُطَهِّرُنِي
در آنچه باقی مانده است از عمر من و روزی کن مرا عملهای پاکیزه که پاک کند مرا

دعائی که تا بخوانند از نعمتی
که خوف زوال از برطرف شدن
نعمتا تغییر نیابد
داشته باشند

وترضى عني وايضاً از جمله دعاهاى
وخوشنود كند ترا از من ان حضرت اين است
اللهم رحمتك ارجو فلا تكلني الى نفسي طرفة
خداوندا رحمت تورا اميد دارم پس وامگذار مرا بسوى نفس من بقدر برهم زدن
عين وعليك اعتمد فاصلح لي شأني بعظمتك
چشمى وبر تو اعتماد دارم پس اصلاح كن براى من حال مرا بعظمت خودت
دعائيست كه بتجربه رسيده است وتخلف نميكند واين دعا
را حضرت امير المؤمنين عليه الصلوة والسلام تعليم نموده
است بمردى از اهل يمن كه شرارت وسركشى ميمودند و اطاعت او نميكرد
پس انحضرت باو فرموده است كه هرگاه دشوار شود بر تو چيزى و از عهده
ان بر نيائى خواه اهل تو باشد وخواه مال تو باشد وخواه فرزند تو باشد
وخواه امر فرعونى باشد يعنى طغيان كننده باشد از جمله طغيان كنندگان پس اين
دعا را بخوان كه حق تعالى ضرر او را رفع مينمايد و او را كفايت
ميكند وبراى اين دعا حكايت غريبه هست ودعا اينست

دعا بجهت دفع ضرر و كفايت كار

اللهم انى اتوجه اليك بنبيك نبى الرحمة و
خداوندا بدرستى كه من رو مى آورم بسوى تو به پيغمبر تو كه پيغمبر رحمت است و
اهل بيته الذين اخترتهم على علم على العالمين اللهم
باهل بيت او كه برگزيده ايشانرا دانسته بر همه عالميان خداوندا

فذلل

فذلل لى صعوبتها وحزونتها واكفنى شرها
پس آسان گردان براى من دشوارى آنها وناهموارى آنها را وكفايت كن از من شر آنها را

مراد از آنها كارهاى دشوار دشمنان است كه بقرينه مقام معلوم است

فانك المعافى والغالب القاهر بسند صحيح روايت
پس بدرستى كه تو عافيت دهنده وغلبه كننده قهر كننده شده است
كه حضرت امير المؤمنين صلوات الله وسلامه عليه فرموده است
كه از حضرت رسول خدا صلى الله عليه وآله شنيدم كه ميفرمود كه هر
نرسيده است بكسى كه صاحب حلم وعقل باشد دلگيرى واندوهى
پس اين دعا را خوانده باشد مگر آنكه حق تعالى دلگيرى او را رفع
نموده وبرطرف كرده وبجاى اندوه او فرجى وگشايشى باو عطا كرده است
پس جمعى از اصحاب كه در خدمت انحضرت بودند گفتند كه يا رسول الله
آيا ما اين دعا را بياموزيم پس انحضرت فرمودند كه سزاوار است
براى هر كسى كه اين دعا را بشنود اينكه بياموزد آنرا ودعا اينست

دعائى كه بجهت رفع غم و غم بايد خواند

اللهم انى عبدك وابن عبدك ابن امتك وفى قبضتك
خداوندا بدرستى كه من بنده تو و پسر بنده تو پسر كنيز توام ودر قبضه قدرت توام
ناصيتى فى يدك ماض فى حكمك عدل فى قضاؤك
موى پيش سر من در دست تست جارى است در من حكم تو بعدالت است در باب من حكم تو
اسألك بكل حق هو لك وبكل اسم سميت به نفسك
سؤال ميكنم ترا بهر حقى كه آن براى تست وبهر اسمى كه ناميدة اين خود را

اَوْ اَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ اَوْ عَلَّمْتَهُ اَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ اَوِ
یا فرو فرستاده انرا در کتاب خود یا تعلیم کرده انرا بکسی از خلق خود یا
اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ اَنْ تَجْعَلَ الْقُرْاٰنَ
انتخاب کرده انرا در علم غیب نزد خود اینکه بکردانی قران را
رَبِيعَ قَلْبِي وَشِفَاءَ صَدْرِي وَنُورَ بَصَرِي وَجِلَاءَ
بهار دل من و شفای سینه من و نور دیده من و برطرف کننده
حُزْنِي وَذَهَابَ هَمِّي بعد از ان حضرت رسول صلی
اندوه من و برنده غم من الله علیه و اله فرمودند که
اندوه هنا ک نکردانید مرا چیزی مکر انکه جبرئیل علیه السلام
برای من ممثل کردید و خودرا بمن نمود و کفت ای محمد بکو که
تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ
توکل کرده ام بر زنده که نمی میرد ستایش مر خدا راست که
يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ
فرا نکرفته فرزندی و نیست برای او شریکی در پادشاهی و
يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا امر و هیبت
نمی باشد برای او دوستی از جهت خواری و تکبیر بکو او را تکبیر کفتنی که حضرت
فاطمه زهرا صلوات الله علیها فرموده است که حضرت رسول
خدا صلی الله علیه و اله تعلیم نمود بمن دعائی که هر صبح و شام

دعای دیگر بجهت دفع غم

انرا صبح خوانم

انرا صبح خوانم و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام فرمود که اکر
خوش می اید ترا که نرسد بتو ما دام که در دنیا زندکانی کنی
تب مواظبت کن برین دعا و بسیار بخوان انرا و دعا اینست
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللّٰهِ النُّورِ بِسْمِ اللّٰهِ نُورِ
بنام خدای بخشاینده مهربان بنام خدای روشن کننده بنام خدا که روشن کننده
النُّورِ بِسْمِ اللّٰهِ نُورٌ عَلٰى نُورٍ بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِي هُوَ
روشنی است بنام خدای که نوریست بر نور بنام خدائی که او
مُدَبِّرُ الْاُمُورِ بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِي خَلَقَ النُّورَ مِنَ النُّورِ
تدبیر کننده کارهاست بنام خدائی که افریده است نور را از نور
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي خَلَقَ النُّورَ وَاَنْزَلَ النُّورَ عَلَى الطُّورِ فِي
ستایش مر خدا راست که افریده است نور را و فرو فرستاده است نور را بر کوه طور در
كِتَابٍ مَسْطُورٍ بِقَدَرٍ مَقْدُورٍ عَلٰى نَبِيٍّ مَحْبُورٍ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
کتابی نوشته شده باندازه تقدیر کرده شده بر پیغمبری نیکو ستایش مر خدا را
الَّذِي هُوَ بِالْعِزِّ مَذْكُورٌ وَبِالْفَخْرِ مَشْهُورٌ وَعَلَى السَّرَّاءِ وَ
که او بعزت مذکور است و ببزرکی مشهور است و بر خوشحالی و
الضَّرَّاءِ مَشْكُورٌ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ الطَّاهِرِينَ
بدحالی شکر کرده شده است و رحمت فرستد خدا بر اقای ما محمد و بر ال او که پاکانند
منقولست که سلمان فارسی رضی الله تعالی عنه کفته است که

دعائی که مواظبت بران سبب ان است که خواننده از هر کز تب نکند

اطلاق نور بر ذات الله سبحانه و تعالی یا بجهت انست که چنانکه نور هویدا و واضح است وجود حق تعالی نیز هویدا و واضح است نیز اکر چه ذات او از ذوات ممکنات و دلیل است واضح بر وجود ذات مقدس او و یا بجهت انست که چون حق تعالی نور ودرو شن کننده عالم است پس اطلاق نور بر ذات مقدس او از روی مبالغه و یا بجهت انست که حق تعالی منور کننده دلها است و الله تعالی اعلم

ابن دعا را من از حضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها تعلیم
گرفتم و تعلیم نمودم آنرا به زیاده بر هزار کس از اهل مکه و مدینه که
ایشانرا علتهای تب و بیماری بود و الحال همه ایشان باذن حق تعالی
چاق و صحیح اند حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است که هر که در هر شب
جمعه ده مرتبه این دعا را بخواند حق تعالی ایمن گرداند او را از
همه آفتهای دنیا و آخرت و دعا اینست
یا ذا الشمّ الفضل علی البریّة یا ذا المواهب السنیّة
ای کسی که دائمی است انعام او بر خلایق ای صاحب بخششهای بلند مرتبه
یا باسط الیدین بالعطیّة صلّ علی محمّد و آل محمّد
ای گشاینده دستهای خود ببخشش رحمت فرست بر محمد و آل محمد
خیر الوری سجیّة و اغفر لنا یا ذا العلی فی هذه العشیّة
که بهترین خلایق اند از جهت طبیعت و بیامرز برای ما ای صاحب بلندیها در این شب
منقولست که مردی بخدمت حضرت امیر المؤمنین علیه الصلوة
والسلم آمد و گفت تعلیم کن بمن دعائی که مختصر باشد پس آنحضرت فرمود که بگو
اللهمّ هب لی مع کلّ بلیّة صبرا و مع کلّ نعمة شکرا
خداوندا ببخش برای من با هر بلائی صبر را و با هر نعمتی شکر گذاردن را
دعائی که هرگاه آدمی از کسی بترسد این دعا را بخواند
و این دعا از دعاهای مستجاب است و دعا اینست

دعائی که در هر شب جمعه ده مرتبه باید خواند تا ایمن شوند از آفتهای دنیا و آخرت

اللهمّ لا ربّ لی سواک فادعوه و لا اله لی غیرک
خداوندا نیست پروردگاری برای من غیر تو تا اینکه بخوانم او را و نیست خدائی برای غیر تو
فارجوه انت الرّبّ و انا العبد و العبد یخطی و
تا اینکه امیدوار باشم او را توئی پروردگار و منم بنده و بنده خطا میکند و
الرّبّ یعفو فان کانت دعوتی لک صادقة و یقینی
پروردگار عفو میکند پس اگر بوده باشد دعا کردن من برای تو صادق و یقین داشتن من
لک خالصا فاغثنی یا غیاث المستغیثین دعای فرج
برای تو خالص پس فریادرسی کن مرا ای فریادرس طلب فریادرسی کنندگان
یا من لا یواری منه لیل داج و لا سماء ذات ابراج
ای کسی که پنهان نمیکند مرا از او شب تاریک و نه آسمان صاحب برجها
و لا حجب ذات ارتاج و لا دوی ماء فی بحر عجّاج
و نه پردهای صاحب پوشانیدنها و نه صدای آب در دریای فریاد زننده
یا دافع السّطوات یا کاشف الکربات یا منزل البرکات
ای دفع کننده حملها ای برطرف کننده غمها ای فرود آورنده برکتها
یا رافع الدّرجات یا خالق الارضین و السّموات
ای بلند کننده مرتبها ای آفریننده زمینها و آسمانها
اسئلک یا فتّاح یا من بیده خزائن کلّ مفتاح ان تصلّی
سؤال میکنم ترا ای گشاینده ای کسی که بدست اوست خزانهای هر کلیدی اینکه رحمت فرستی

دعای مستجابی که در وقت خوف از کسی باید خواند

دعای فرج که خواندن آن سبب گشایش میشود

علی محمد و آل محمد و تفتح لی فی هذه الساعة خیر الدنیا
بر محمد و آل محمد و بگشائی برای من در این ساعت خیر دنیا
والآخرة وان تجعل لی مما انا فیه فرجا و مخرجا
و آخرت را و اینکه بگردانی برای من از آنچه من در آن هستم گشایشی و بیرون شدی
انک علی کل شیء قدیر و انت ارحم الراحمین
بدرستی که تو بر همه چیز قادری و تو رحم کننده ترین رحم کنندگانی
دعای حرز تحصنت بالحی الذی لا یموت من شر خلق
پناه برده ام بزنده که نمی میرد از شر خلق
الله اجمعین و رمیت الذی یرید بی بسوء بلا حول و
خدا همگی و انداختم کسی را که اراده کرده است امر بدی با من بکلمه که نیست گردیدن و
لا قوة الا بالله العلی العظیم استمسک بعروة الله
نه توانائی مگر بخدای بلند رتبه بزرگ مرتبه چنگ میزنم بدسته محکم خدا
الوثقی التی لا انفصام لها والله هو السمیع العلیم
که نیست شکستگی برای آن و خدا اوست شنوای دانا
اعددت لکل هول لا اله الا الله و لکل غم و هم
مهیا کرده ام برای هر هولی کلمهٔ لا اله الا الله را و برای هر غمی و همی
ماشاء الله لن یغلب الله شیء والله غالب کل شیء
کلمهٔ ما شاء الله را هرگز غالب نمیشود بر خدا چیزی و خدا غلبه کننده است بر هر چیزی

دعای حرز که خوانند دانان سبب حفظ از بلاها میشود

حسبی

حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش
بس است مرا خدا نیست خدائی مگر او براو توکل کرده ام و اوست پروردگار عرش
العظیم دعائی که در طلب کردن امان از جناب مقدس الهی و
بزرگ باز گذاشتن کار بسوی او خوانده میشود اینست
اللهم انی استودعک نفسی و دینی و دنیای و
خداوندا بدرستیکه من بامانت می سپارم جان خود و دین خود و دنیای خود و
اهلی و مالی و ولدی و جمیع اموری و اسبابی و
اهل خود و مال خود و اولاد خود را و جمیع کارهای خود و وسیلهای خود و
احوالی و خواتیم اعمالی استودع ذلک الحی
احوال خود و خاتمه کارهای خود را بامانت می سپارم اینها را بزنده
الذی لا تضیع ودائعه استودع ذلک الحی الذی
که ضایع نمیشود امانتهای او بامانت می سپارم اینها را بزنده که
لا یموت اللهم احرسنی بعینک التی لا تنام واکنفنی
نمی میرد خداوندا نگهبانی کن مرا بچشم تو که نمیخوابد و محافظت کن مرا
برکنک الذی لا یرام و قونی بقوتک التی لا تضام
بقوت خود که قصد کرده نمیشود و تقویت کن مرا بتوانائی خود که ستم رسانیده نمیشود
اللهم ارحمنی بقدرتک علی لا حول و لا قوة الا
خداوندا رحم کن مرا بقدرت خود بر من نیست قدرتی و نه توانائی مگر

دعا بجهت طلب کردن امان از حق تعالی و دعا گذاشتن کارها بحق تعالی

دعائی که در وقت خوف از کسی خوانده میشود

بِكَ يا رَبَّ العالَمِينَ دُعائی که در وقت خوف از
بتو ای پروردگار عالمیان کسی خوانده میشود این است
اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمٰواتِ السَّبعِ وَرَبَّ العَرشِ العَظِيمِ
خداوندا ای پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار عرش عظیم
كُن لِي جاراً مِن فُلانِ بنِ فُلانٍ وَأعوانِهِ مِن خَلِيقَتِكَ
بوده باش برای من پناهی از شر فلان پسر فلان و مددکاران او از مخلوقات تو
وَمِن شَرِّ الجِنِّ وَالإنسِ أن يَفرُطَ عَلَيَّ أحَدٌ مِنهُم
و از شر جنیان و آدمیان از اینکه زیادتی کند بر من یکی از ایشان
أو أن يَطغى عَزَّ جارُكَ وَجَلَّ ثَناؤُكَ وَلا إلٰهَ غَيرُكَ
یا اینکه طغیان کند عزیز است همسایهٔ تو و بزرگ است ثنای تو و نیست خدائی غیر تو

بجای فلان بن فلان نام آن شخصی که از او خوف دارد و نام پدر او را بگوید

دعائی که بجهت دفع ضرر کید و مکر و حیله خوانده میشود این است
اَللّٰهُمَّ اجعَل كَيدَهُم فِي نُحُورِهِم وَأعِذنِي مِن شُرُورِهِم
خداوندا بگردان مکر ایشان را در گلوی گردنهای ایشان و پناه ده مرا از بدیهای ایشان
حَسبِيَ اللّٰهُ وَكَفى سَمِعَ اللّٰهُ لِمَن دَعا لَيسَ وَراءَ
بس است مرا خدا و کافی است شنیده است خدا و مستجاب کرده است برای کسی که دعا کرده است نیست غیر
اللّٰهِ مُنتَهى حَسبِيَ اللّٰهُ وَنِعمَ الوَكِيلُ دُعاء حاجت
خدا منتهائی بس است مرا خدا و خوب وکیلی است دو رکعت نماز بکند در دم
و در هر رکعت بعد از سوره حمد هر سوره که خواهی بخوان و بعد از آنکه سلام نماز را داد

دعا بجهت دفع ضرر و مکر و حیله دشمنان

دعا بجهت برآمدن حاجات

بگو اَللّٰهُمَّ إنِّي أسألُكَ بِاسمِكَ العَظِيمِ الَّذِي هُوَ مِلاءُ
خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا بنام بزرگ تو که آن پر کننده
الأركانِ كُلِّها وَبِاسمِكَ الَّذِي إذا دُعِيتَ بِهِ أجَبتَ
همه رکنهاست و بنام تو که هرگاه خوانده شوی بان اجابت میکنی
وَإذا سُئِلتَ بِهِ أعطَيتَ أن تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
و هرگاه سؤال کرده شوی بان عطا میکنی اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد
وَأن تَقضِيَ حاجَتِي لا إلٰهَ إلّا أنتَ وَاجعَل رَغبَتِي
و اینکه برآوری حاجت مرا نیست خدائی مگر تو و بگردان رغبت مرا
فِيما عِندَكَ دُعاء دیگر اَللّٰهُمَّ إنِّي أسألُكَ وَأتَوَجَّهُ
در آنچه نزد تست خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو و رو میآورم
إلَيكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيهِ وَآلِهِ السَّلامُ نَبِيِّ الرَّحمَةِ
بسوی تو بوسیلهٔ پیغمبر تو محمد بر او و بر آل او باد سلام که پیغمبر رحمت است
يا مُحَمَّدُ إنِّي أستَشفِعُ بِكَ عَلى رَبِّي فِي قَضاءِ
ای محمد بدرستی که من طلب شفاعت خواهی میکنم بحق تو بر من از پروردگار من در برآوردن
حاجَتِي اَللّٰهُمَّ شَفِّعهُ فِي نَفسِي وَشَفِّع نَبِيَّكَ فِي
حاجت من خداوندا شفیع کن آن را در نفس من و شفیع کن پیغمبر خود را در باب من
نقل کرده اند که در زمان حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله این دعا را
نابینائی خواند و حق تعالی او را بینا کرد این است دعای دیگر بجهت

برآمدن حاجت واین دعا مجربست واز حضرت امام جعفر صادق علیه الصلوة والسلم روایت شده است وآنحضرت فرموده است که دست خود را بدعا بلند میکنی و میگوئی
اللهم انك امرتني ان ادعوك فقلت في كتابك
خداوندا بدرستی که تو امر کرده مرا باینکه بخوانم ترا پس گفته در کتاب خود که
ادعوني استجب لكم فانا ادعوك باحب اسمائك
بخوانید مرا تا مستجاب کنم برای شما پس من میخوانم ترا بدوسترین نامهای تو
اليك وامرتني ان استغفرك فقلت واستغفروا
بسوی تو و امر کرده مرا اینکه طلب آمرزش کنم از تو پس گفته که و طلب آمرزش کنید
ربكم انه كان غفارا فانا استغفرك لذنب لا
از پروردگار خود بدرستی که او هست بسیار آمرزنده پس من طلب آمرزش میکنم از تو برای گناهی که
يغفره غيرك وامرتني ان اسالك من فضلك فقلت
نمی آمرزد آنرا کسی غیر تو و امر کرده مرا اینکه سؤال کنم تو را از فضل تو پس گفته
في كتابك واسئلوا الله من فضله ان الله كان بكل
در کتاب خود که و سؤال کنید خدا را از فضل او بدرستی که خدا هست بهمه
شيء عليما فانا اسئلك من يدك الملائ فقلت ما
چیز بسیار دانا پس من سؤال میکنم تو را از دست قدرت تو که پر است پس من کنم آنچه را
امرتني فانجز لي ما وعدتني دعائی که در وقت بیرون رفتن
که امر کرده مرا پس بده بمن آنچه را که بمن وعده کرده از خانه باید خواند

دعائی که بجهت برآمدن حاجت مجرب است

بسم الله توكلت على الله لا حول ولا قوة الا بالله
بیرون رفتم بنام خدا توکل کردم بر خدا نیست گردشی و نه توانائی مگر بخدا
اللهم اني اعوذ بك ان اذل او اذل او اضل
خداوندا بدرستی که من پناه میبرم بتو از اینکه خوار شوم یا خوار کرده شوم یا گمراه شوم
او اضل او اظلم او اظلم او اجهل او يجهل
یا گمراه کرده شوم یا ظلم کنم یا ظلم کرده شوم یا جاهل باشم یا مجهول کرده شود
علي او اعتدي او يعتدى علي انك على كل شيء
بر من یا زیادتی کنم یا زیادتی کرده شود بر من بدرستی که تو بر همه چیز
قدير دعائی که در وقت داخل شدن خانه باید خواند
بغایت توانا بسم الله دخلنا على الله توكلنا اللهم
بنام خدا داخل شدیم بر خدا توکل کردیم خداوندا
ارزقنا خير المدخل وخير المخرج دعائی که در وقت داخل
روزی کن بما خیر داخل شدن و خیر بیرون رفتن را شدن بازار باید خواند
روایت کرده است کعب احبار که حضرت رسول خدا صلعم چون داخل بازار میشد میفرمود
که لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك وله
نیست خدا مگر الله یگانه است نیست شریکی برای او برای اوست پادشاهی و برای اوست
الحمد يحيي ويميت وهو حي لا يموت بيده الخير وهو
ستایش زنده میکند و میمیراند و اوست زنده که نمی میرد بدست قدرت اوست خیر و او

دعائی که در وقت داخل شدن خانه باید خواند

دعائی که در وقت داخل شدن بازار باید خواند

عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْاَلُكَ خَيْرَ هٰذِهِ السُّوقِ

بَرْ هر چيز قادر است خداوندا بدرستى كه من سؤال ميكنم از تو خير اين بازار

وَخَيْرَ اَهْلِهَا وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ اَهْلِهَا

و خير اهل انرا و پناه ميبرم بتو از شر اين بازار و از شر اهل ان

دعائيست جليل الشان كه از حضرات ائمه طاهرين عليهم السلام

روايت شده است حسين بن محمد بن غامر گفته است كه خبر داد مرا احمد بن محمد و او از پدر خود روايت كرده كه هفت كس از اهل يك شهر در يك مكان در حبس بنى اميه بودند پس روزى يكى از ايشان بازنجيرى كه داشت مفقود گرديد و هر چند تفحص نمودند او را نيافتند و بر خبر او مطلع نگرديدند و بدين جهت بغايت متعجب بودند و بعد از يكسال شش كس ديگر را از حبس مرخص نمودند و آن شش نفر چون بشهر خود باز گرديدند آن شخص مفقود را ديدند كه در وطن و منزل خود است از و پرسيدند كه چگونه از حبس بيرون آمدى و بمنزل خود رسيدى جواب گفت كه دعائى را حفظ نموده بودم و شب و روز انرا ميخواندم پس شبى خوابيدم و در ان شب هفتاد نوبت اين دعا را خواندم و بخواب رفتم و چون بيدار شدم خود را در منزل خود و در ميان اهل و اولاد خود ديدم و دعا اينست

اَسْتَلْطِفُ اللّٰهَ اللَّطِيفَ لِمَا يَشَآءُ لِتَيْسِيرِ مَا اَخَافُ

طلب لطف ميكنم از خدائى كه لطف كننده است مرا آنچه را خواهد براى آسان كردن آنچه ميترسم

تَعْسِيرَهُ فَاِنَّ تَيْسِيرَ الْعَسِيرِ عَلَى اللّٰهِ يَسِيرٌ وَاِنَّ اللّٰهَ

از دشوارى ان پس بدرستى كه آسان كردن دشوار بر خدا آسان است و بدرستى كه خدا

عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَالْطُفْ

بر همه چيز قادر است خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و لطف كن

لِي فِي اَمْرِي فَاِنَّكَ لَطِيفٌ لِمَا تَشَآءُ

دعائى كه بجهت دفع شر و ضرر دشمن خوانده ميشود و اين دعا مجربست

بمن در كار من پس بدرستى كه تو لطف كننده مرا آنچه را كه ميخواهى

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اَنْقَطَعَ الرَّجَآءُ اِلَّا مِنْكَ يَا اَحَدَ مَنْ

خداوندا توئى كه منقطع شده است اميد مگر از تو اى كسى كسى

لَا اَحَدَ لَهُ وَمِيكُوئى لَا اَحَدَ لِي غَيْرُكَ و اين فقره را مكرر ميگوئى

كه نباشد كسى براى او نيست كسى براى من غير تو

انقدر كه يكنفس وفا كند بعد از ان ميگوئى اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَ

سؤال ميكنم بحق محمد و على و

فَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَجَعْفَرٍ وَمُوسٰى

فاطمه و حسن و حسين و على و محمد و جعفر و موسى

وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَالْحُجَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

و على و محمد و على و حسن و حجت كه بر ايشان باد سلام

دعا بجهت خلاص شدن از حبس

لطيف از جمله اسما و اوصاف حق تعالى است و بمعنى لطف كننده و مهربان و مشفق است

دعا بجهت دفع شر

خداوندا توئى يعنى تو ان كسى كه منقطع شده است اميد مگر از تو و معنى ان اين است كه ...

السلطن

اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَکْفِیَنِی شَرَّ فُلَانِ
اینکه رحمت فرستی بر محمد وآل محمد واینکه کفایت کنی از من شر فلان
بْنِ فُلَانٍ وَاَنْ تَکُونَ لِی جَارًا وَاَنْ تَکْفِیَنِی مُؤْنَتَهُ
پسر فلان را واینکه بوده باشی برای من پناه واینکه کفایت کنی از من مشقت او را
مِنْ غَیْرِ مُؤْنَةٍ عَلَیَّ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ دعائی که
از غیر مشقتی بر من ای رحم کننده ترین رحم کنندگان هرگاه آدمی
از کسی خوف کند واز ضرر او بترسد واین دعا را
بخواند حق تعالی دعای او را مستجاب میکرداند و ضرر او را رفع مینماید
اَللهُ اَکْبَرُ اَللهُ اَکْبَرُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ
خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است نیست خدائی مگر الله و خدا بزرگتر
اَعَزُّ وَاَجَلُّ مِمَّنْ اَخَافُ وَاَحْذَرُ اَللهُ اَعَزُّ وَاَجَلُّ
و عزیزتر و بزرگوارتر است از کسی که از او خوف دارم و میترسم خدا عزیزتر و بزرگوارتر است
مِنْ خَلْقِهِ اَعُوذُ بِاللهِ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ مُمْسِکُ
از خلق خود پناه میبرم بخدائی که نیست خدائی مگر او که نگاه دارنده
السَّمَاءِ اَنْ تَقَعَ عَلَی الْاَرْضِ اِلَّا بِاِذْنِهِ مِنْ شَرِّ مَا
آسمانست از اینکه بیفتد بر زمین مگر برخصت او از شر آنچه
خَلَقَ وَذَرَاَ وَبَرَاَ وَمِنْ شَرِّ فُلَانٍ خَاصَّةً وَاَشْیَاعِهِ
خلق کرده و آفریده و جان داده واز شر فلان بخصوص واز شر پیروان او

بجای فلان بن فلان نام دشمن و نام پدر او را میگوئی

دعا بجهت رفع ضرر کسی که از او ترسد

بجای فلان نام شخص را میگوید که از او ترس داده

دابالہ

وَاَتْبَاعِهِ دعائی که در وقت داخل شدن
و تابعان او بمجلس پادشاه باید خواند
یَا مَنْ هُوَ اَعَزُّ مِنْ کُلِّ شَیْءٍ اَخْشٰی وَاَحْذَرُ وَاَعَزُّ
ای آنکسی که او عزیزتر است از هر چیزی که من میترسم و حذر میکنم و عزیزتر است
مِنْ جَمِیعِ خَلْقِهِ وَاَقْدَرُ اِکْفِنِی شَرَّ مَا اَخَافُ
از همه مخلوقات خود و توانا تر است کفایت کن از من شر آنچه را که میترسم
وَاَحْذَرُ فِی الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ
و حذر میکنم از آن در دنیا و آخرت ای رحم کننده ترین رحم کنندگان
دعای دیگر که در وقت داخل شدن بمجلس
پادشاه باید خواند هفت مرتبه میگوئی
اِیَّاکَ نَعْبُدُ وَاِیَّاکَ نَسْتَعِینُ خَیْرُکَ بَیْنَ یَدَیْکَ
همین ترا عبادت میکنیم و همین از تو استعانت میجوئیم خیر تو در پیش روی تو باد
وَشَرُّکَ تَحْتَ قَدَمَیْکَ وَبِاللهِ اَسْتَعِینُ عَلَیْکَ اَللّٰهُمَّ
و شر تو در زیر پاهای تو باد و بخدا استعانت میجویم بر دفع تو خداوندا
اِکْفِنِیهِ بِمَا شِئْتَ فَاِنَّهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِکَ
کفایت کن از من شر او را بآنچه خواهی پس بدرستی که نیست قوتی مگر بتو
دعائی که حضرت امام موسی کاظم علیه الصلوة والسلام در وقتی که هرون الرشید اراده
قتل آنحضرت کرده از آن خوانده است پس حق تعالی ضرر او را از آنحضرت رفع نموده اینست

مراد از ذو در این مقام خطاب بدشمن است و مراد اینست که حق تعالی از جانب تو کوی
خیر و دشمن در پیش روی او و ظاهر باشد و شر او در زیر پاهای او پنهان باشد و
یکی را از بد بکار اکو ترسد همچنین بود

اَللّٰهُمَّ اِنَّ سِرِّی لَکَ مَکْشُوفٌ وَ اَنَا اِلَیْکَ مَلْهُوفٌ
خداوندا بدرستی که راز پنهان من برای تو ظاهر است و من بسوی تو مظلوم استغاثه کننده ام
اِذَا ازْدَحَمَتْ عَلَیَّ الْهُمُومُ لَجَأْتُ اِلَی الْاِسْتِجَارَةِ بِکَ
هرگاه انبوه شود بر من اندوهها التجا آورم بسوی پناه آوردن بتو
خَاضِعًا لِعِلْمِی بِاَنَّ اَزِمَّةَ الْاُمُورِ بِیَدِکَ وَمَصْدَرَهَا
فروتنی کننده برای علم داشتن من باینکه مهارهای کارها بدست تست و بازگشتنها
عَنْ قَضَائِکَ اَللّٰهُمَّ وَ بِعِلْمِکَ بِفَاقَتِی اِلَی حَادِثِ
از تقدیر تست خداوندا و بسبب علم داشتن تو بمحتاج بودن من بسوی تازه
رَحْمَتِکَ لِتَکُونَ لِی شِفَاءً مِنَ الْعَمَی وَ نَجَاةً مِنَ
از رحمت تو تا اینکه بوده باشی برای من شفا دهنده از کوری و نجات دهنده از
الْمَحْذُورِ وَ عَزِیمَةً عَلَی الْمَقْدُورِ اَللّٰهُمَّ اِنْ سَهَوْتُ
ترسیده شده و عزیمتی بر تقدیر کرده شده خداوندا اگرچه اینکه غافل شوم
عَنْ مَسْئَلَتِی وَ عَمِیتُ عَنْ حُجَّتِی فَلَا تُبْعِدْنِی یَا رَبِّ
از سؤال کردنم و کور شوم از دلیل و راهنمای خود پس دور مگردان مرا ای پروردگار من
مِنْ هِدَایَاتِکَ وَ وِلَایَاتِکَ وَ نَیْلِ الْحَظِّ مِنْ کِفَایَاتِکَ
از راهنمائیهای خود و دوستیهای خود و رسیدن بهره از کفایتهای خود
یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ دعائی که بجهت پناه بردن از زوال نعمتها
ای رحم کننده ترین رحم کنندگان و نزول بلاها و دلتنگی و دشواری معیشت

وزندگانی خوانده میشود و مشهور است بدعاء ذخر حدیث کرد
مارا ابو عمرو عثمان بن احمد بن عثمان جبائی با جماعتی و همه
گفتند که حدیث کرد مارا ابو طالب عبد الله بن احمد بن یعقوب
انباری و گفت حدیث کرد مارا جعفر بن محمد بن ملک غزاری
و گفت حدیث کرد مرا ابرهیم بن اسحق سبیعی و گفت حدیث کرد
مرا عبد الله بن یونس از محمد بن سنان از ابی محمد مفضل بن عمر
و گفت که داخل شدم بمجلس آقای خودم یعنی حضرت امام جعفر
صادق علیه الصلوة و السلام پس گفتم ای آقای من بدرستی که
شیعیان تو سؤال میکنند دعائی که بوسیله آن پناه برند بسوی
حق تعالی از زایل شدن نعمتها و فرود آمدن عذابها و بلاها و
دشواری معیشت و زندگانی و دلتنگی پس آنحضرت فرمود که
ای مفضل هرگاه یکی از ایشانرا کاری سخت و دشوار پیش آید
بدان جهت دلتنگ و غمگین گردد از جانب من
امر کن او را که قصد و نیت خود را جمع کرده اند و
هوا و هوس را از دل خود بیرون کند و آب بر خود فرو ریزد
و جامهای پاک در پوشد و دستهای خود را بدعا بگشاید و بگوید
اَللّٰهُمَّ اِنِّی ذَخَرْتُ تَوْحِیدِی اِیَّاکَ وَ مَعْرِفَتِی بِکَ
خداوندا بدرستی که من ذخیره کرده ام یگانه دانستن من ترا و معرفت خودم را بتو

دعای ذخر

واثقاً واخلاصي لك واقراري بربوبيتك وذخرت
امانت سپارنده و اخلاص ورزیدن خودم را برای تو و اقرار داشتن خود بپروردگاری تو و ذخیره کرده ام
ولاية من انعمت علي بمعرفته من حججك في خلقك
دوستی کسان را که انعام کرده بر من بشناختن ایشان از حجتهای تو در میان خلق تو
واوليائك واصفيائك من بريتك محمد واله ليوم
و دوستان تو و برگزیدگان تو از خلق تو که محمد و آل اویند برای روز
فزعي اليك عاجلا واجلا وقد فزعت اليك بك
پناه آوردن من بسوی تو حالا و بعد از این و بتحقیق که پناه آورده ام بسوی تو بوسیله تو
وبهم في يومي هذا وموقفي هذا وسألتك
و بوسیله ایشان در روز من این روز و در محل ایستادن من این محل و سؤال کرده ام تو را
حراسة ما لدي من نعمتك وازاحة ما اخشاه
نگهبانی کردن آنچه نزد من است از نعمتهای تو و برطرف کردن آنچه میترسم آن را
من نقمتك والبركة لي في جميع ما رزقتنيه و
از عقوبتهای تو و برکت دادن را برای من در جمیع آنچه روزی کرده بمن و
تحصن صدري من كل هم وغم وجائحة ومصيبة
اینکه محکم گردانی سینه مرا از رسیدن هر غمی و اندوهی و محنتی و مصیبتی
في ديني ودنياي وآخرتي بمنك يا ارحم الراحمين
در دین من و دنیای من و آخرت من بمنت گذاشتن خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

وبعد از خواندن این دعا هر چه خواهد از حوائج خود مسئلت
نماید پس بدرستی که حق تعالی مهربانتر است بما از اینکه رد کند کسی را
که در حاجت خود متوسل بما شده باشد دعای مستجابی که از حضرت امام
زین العابدین علیه الصلوة والسلام منقول است بجهت دفع شدن غم و اندوه
يا سامع كل صوت ومحيي كل نفس بعد الموت ما
ای شنونده هر آوازی و زنده کننده هر شخصی بعد از مردن نیست
لي اله غيرك فادعوه ولا شريك لك فارجوه
برای من خدائی غیر تو تا اینکه بخوانم او را و نیست شریکی برای تو تا اینکه امید داشته باشم او را
صل على محمد وآل محمد وخلصني يا رب بحق محمد
رحمت فرست بر محمد و آل محمد و خلاص گردان مرا ای پروردگار من بحق محمد
وآل محمد من كل غم كما تخلص الولد من بين المشيمة
و آل محمد از هر اندوهی چنانکه خلاص میکنی فرزند را از میان بچه‌دان
واللحم بعزتك وخلصني يا رب بحق محمد وآل محمد
و گوشت بعزت خود و خلاص گردان مرا ای پروردگار من بحق محمد و آل محمد
من كل غم كما تخلص اللبن من بين فرث ودم بقوتك
از هر اندوهی چنانکه خلاص میگردانی شیر را از میان سرگین و خون بقوت خود
وخلصني يا رب بحق محمد وآل محمد من كل غم كما
و خلاص گردان مرا ای پروردگار من بحق محمد و آل محمد از هر اندوهی چنانکه

تخلص الثمرة من بين ماء وطين ورمل بقدرتك وخلصني
خلاص میکردانی میوه را از میان آب و گل و ریگ ردان بقدرت خود و خلاص کردان مرا
یا رب بحق محمد وال محمد من کل غم کما تخلص البیضة
ای پروردگار من بحق محمد وال محمد از هر اندوهی چنانکه خلاص میکردانی تخم را
من جوف الطایر بجلالك وخلصني یا رب بحق محمد
از میان شکم مرغ ببزرگواری خود وخلاص کردان مرا ای پروردگار من بحق محمد
وال محمد من کل غم کما تخلص الطایر من جوف
وال محمد از هر اندوهی چنانکه خلاص میکردانی مرغ را از میان
البیضة بحولك وقوتك ورحمتك انك فعال
تخم بقدرت خود وتوانائی خود ورحمت خود بدرستی که تو نهایت قدرت داری بر کردن
لما ترید وانت علی کل شیء قدیر دعائی که بجهت دفع شداید
انچه اراده کنی و تو بر همه چیز بغایت توانا و سختیها خوانده میشود
یا اله الجبارین یا اله موسی وهرون یا اله الاولین
ای خدای جباران ای خدای موسی وهرون ای خدای پیشینیان
والاخرین یا فاطر السموات والارضین یا هازم
و پسینیان ای آفریننده آسمانها و زمینها ای گریزاننده
الاحزاب لاحمد یا کاید فرعون لموسی یا منجی عیسی
گروهها برای احمد ای مکر کننده با فرعون برای موسی ای نجات دهنده عیسی

من ایدی الظلمة یا مخلص نوح من الغرق یا منقذ
از دستهای ظالمان ای خلاص کننده نوح از غرق شدن ای رهاننده
ابرهیم من النار صل علی محمد وال محمد وخلصني مما
ابرهیم از آتش رحمت فرست بر محمد وال محمد وخلاص کردان مرا از آنچه
انا فیه دعاء حضرت داود علی نبینا
من هستم دران واله وعلیه الصلوة والسلام
الهی اتیت اطباء عبادك لیداووني فکلهم علیك
ای خدای من رفتم بنزد اطباء از بندگان تو برای اینکه مداوا کنند مرا پس همه ایشان بر تو
دلوني فیا بؤسا للقانطین من رحمتك الهی
دلالت کردند مرا پس ای تنگدستی برای نومید شدگان از رحمت تو ای خدای من
طفت البلاد وجربت العباد وانت خیر
گردیدم در شهرها وتجربه کردم بندگان را و تو بهتر
من الکل دعائی که بحضرت امیر المؤمنین
از همه علیه الصلوة والسلام منسوب است
اللهم انك سلطت علینا بذنوبنا من لا یعرفك
خداوندا بدرستی که تو مسلط ساختی بر ما بسبب گناهان ما کسی را که نمیشناسد ترا
فبحقوق من یعرفك علیك ان تدفع عنا بلیة من لا
پس قسم بحقهای کسی که میشناسد ترا بر تو اینکه دفع کنی از ما بلیه کسی را که

يعرفك دعائى كه بحضرت موسى بن عمران على نبينا
نميشناسد ترا وآله وعليه الصلوة والسلام منسوب است
اللهم انى اخافك واخاف من لا يخافك فنجنى
خداوندا بدرستيكه من ميترسم از تو وميترسم از كسيكه نميترسد از تو پس نجات ده
من يخافك اكفنى شر من لا يخافك دعائى كه از حضرت امام زين العابدين
كسيكه ميترسد از تو كفايت كن از من شر كسى را كه نميترسد از تو عليه الصلوة والسلام روايت شده
عبيدك بفنائك سائلك بفنائك مسكينك بفنائك
بنده اى تو بر آستانه تست سؤال كننده تو بر آستان تست بيچاره تو بر آستان تست
اسيرك بفنائك يشكو اليك ما لا يخفى عليك
اسير تو بر آستان تو شكوه ميكند بسوى تو آنچه را كه مخفى نيست بر تو
حضرت امام همام ابو الحسن على بن موسى الرضا عليه الصلوة والسلام
فرموده اند كه هر گاه وبا و مرگ بسيار شود بخوان اين دعا را
بسم الله الرحمن الرحيم لا حول ولا قوة الا بالله
بنام خداى بخشاينده مهربان نيست گرديدنى و نه توانائى مگر بخداى
العلى العظيم لا يضر ولا ينفع شئ الا باذن الله
بلند مرتبه بزرگ مرتبه ضرر نميرساند و نفع نميرساند چيزى مگر برخصت خدا
توكلت على الله لا يأتى بالشفاء الا الله ما شاء
توكل كردم بر خدا نميدهد شفا را مگر خدا آنچه خواسته

الله لا يصرف السوء الا الله حسبى الله الذى خلقنى
خدا ميشود باز نميگرداند بدى را مگر خدا بس است مرا خدائيكه كسى است كه آفريده است مرا
فهو يهدين والذى هو يطعمنى ويسقين واذا مرضت
پس او هدايت ميكند مرا و كسى است كه او اطعام ميكند مرا و سيراب ميگرداند مرا و هر گاه بيمار شوم
فهو يشفين وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة
پس او شفا ميدهد مرا و فرو ميفرستيم از قرآن چيزى را كه آن شفا و رحمت است
للمؤمنين اللهم ارزقنى العافية يا ولى العافية
براى مؤمنان خداوندا روزى كن بمن عافيت را اى صاحب عافيت
ولا تفرق بيننا وبين العافية يا خالق العافية
و جدائى مينداز ميان ما و ميان عافيت اى آفريننده عافيت
دعائى كه از حضرت خضر عليه السلام روايت شده است
و آنرا در صبح هر روز بايد خواند
اللهم اجعل بدء يومى هذا صلاحا واوسطه
خداوندا بگردان ابتداء روز مرا اين روز خوبى و وسط آنرا
فلاحا وآخره نجاحا اسئلك ذلك باسمك الواحد
رستگارى و آخر آنرا ظفر يافتن سؤال ميكنم از تو اين را بحق نام تو كه يكى
الاحد الصمد الذى يملأ الاركان كلها الكبير
يگانه مقصود در حوائج كه پر ميكند اركان را همه آنها را كه بزرگ

دعائى كه در صبح هر روز بايد خواند

دعای درجات

الوقر المتعال دعای درجات که از حضرت امام محمد
باقر علیه الصلوة والسلم روایت شده است باوقار بسیار بلندات
اللهم انی اعوذ بك من صلوة لا ترفع ومن دعاء
خداوندا بدرستی که من پناه میبرم بتو از نمازی که بلند کرده نشود واز دعائی که
لا یسمع ومن قلب لا یخشع ومن عمل لا ینفع ومن
شنیده نشود واز دلی که فروتنی نکند واز عملی که نفع نرساند واز
بطن لا یشبع ومن عین لا تدمع واسالك الدرجات
شکمی که سیر نشود واز چشمی که اشك نریزد وسؤال میکنم از تو مرتبهای
العلی من الجنة امین اللهم انی اعوذ بك من
بلند از بهشت را خداوندا مستجاب کن خداوندا بدرستی که من پناه میبرم بتو از
غنی یطغینی ومن فقر یلهینی ومن عمل یخزینی
توانگری که بطغیان اندازد مرا واز بی چیزی که غافل کند مرا واز عملی که دلگیر کند مرا
ومن هوی یردینی ومن قلب یعصینی واسالك الدرجات
واز خواهشی که هلاك کند مرا واز دلی که نافرمانی کند مرا وسؤال میکنم از تو مرتبهای
العلی من الجنة امین اللهم انی اسالك فما
مرتبهای بلند از بهشت را خداوندا مستجاب کن خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو دهان
صائما وظهرا قائما وشکرا دائما وفؤادا عالما
روزه دارنده وپشت ایستاده و شکر دائمی و دل دانائی

وعیشا سالما واسالك الدرجات العلی من الجنة
وزندگانی باسلامتی وسؤال میکنم از تو مرتبهای بلند از بهشت را
امین اللهم اغننی بالحلال عن الحرام وبالصحة
خداوندا مستجاب کن خداوندا بی نیاز گردان مرا بحلال از حرام وبصحت
عن السقام وبالبر عن الاثام وبالیقین عن الاوهام
از بیماری وبنیکوکاری از گناهان وبیقین داشتن از شك داشتنها
وبالنور عن الظلام واسالك الدرجات العلی
وبروشنی از تاریکی وسؤال میکنم از تو مرتبهای بلند
من الجنة امین اللهم انت ذو العز والکبریاء
از بهشت خداوندا مستجاب کن خداوندا توئی صاحب عزت و بزرگواری
فاطر الارض والسماء سابغ النعماء عظیم الآلاء
توئی آفریننده زمین واسمان توئی که کامل کننده نعمتها توئی توئی که عظیم احسانها توئی
واسالك الدرجات العلی من الجنة امین اللهم
وسؤال میکنم از تو مرتبهای بلند را از بهشت خداوندا مستجاب کن خداوندا
لا تخیب رجائی ولا تجهد بلائی ولا تسیء قضائی
نومید مکن امیدواری مرا ودشوار مگردان بلای مرا وبد مگردان تقدیر مرا
ولا تشمت بی اعدائی واسالك الدرجات العلی
وشماتت مفرمای بمن دشمنان مرا وسؤال میکنم از تو مرتبهای بلند

مِنَ الْجَنَّةِ اٰمِينَ اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَسْاَلُكَ صَلٰوةً بِالْاَسْحَارِ
از بهشت را خداوندا مستجاب کن خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو نماز کذاردن را در سحرها
وَصِيَامًا بِالنَّهَارِ وَمُجَانَبَةَ الْاَشْرَارِ وَعَمَلًا تُدْخِلُ بِهِ
وروزه داشتن را در روز ودوری کردن از بدان را وعملی را که داخل کنی مرا با
الْجَنَّةَ وَتُبْعِدُ مِنَ النَّارِ وَاَسْاَلُكَ الدَّرَجَاتِ الْعُلٰى
در بهشت ودور کردانی مرا از آتش وسؤال میکنم از تو مرتبهای بلند
مِنَ الْجَنَّةِ اٰمِينَ اَللّٰهُمَّ اَسْتَخْرِجْ حَقِّى وَوَسِّعْ رِزْقِى
از بهشت را خداوندا مستجاب کن خداوندا ظاهر کردان حق ومال مرا ووسیع کردان روزی مرا
وَصَحِّحْ خَلْقِى وَحَسِّنْ خُلُقِى وَصَحِّحْ نُطْقِى وَاَسْاَلُكَ الدَّرَجَاتِ
وصحیح کردان بدن مرا ونیکو کردان خلق مرا وصحیح کردان کفتار مرا وسؤال میکنم از تو مرتبهای
الْعُلٰى مِنَ الْجَنَّةِ اٰمِينَ اَللّٰهُمَّ ارْفَعْ ذِكْرِى وَاشْرَحْ
بلند از بهشت را خداوندا مستجاب کن خداوندا بلند کردان ذکر مرا وبشکاف
صَدْرِى وَيَسِّرْ لِى اَمْرِى وَاحْطُطْ وِزْرِى وَوَسِّعْ
سینه مرا وآسان کردان برای من کار مرا وبرطرف کن کناه مرا ووسیع کردان
قَبْرِى وَاَسْاَلُكَ الدَّرَجَاتِ الْعُلٰى مِنَ الْجَنَّةِ اٰمِينَ
قبر مرا وسؤال میکنم از تو مرتبهای بلند از بهشت را خداوندا مستجاب کن
اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَسْاَلُكَ خَيْرَ مَا عَمِلَ وَخَيْرَ مَا قِيلَ وَ
خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو بهترین آنچه کرده شده وبهترین آنچه کفته شده و

خَيْرَ مَا حُمِلَ وَخَيْرَ مَا نُقِلَ وَخَيْرَ مَا سُئِلَ وَاَسْاَلُكَ
بهترین آنچه برداشته شده وبهترین آنچه نقل شده وبهترین آنچه سؤال کرده شده وسؤال میکنم از تو
الدَّرَجَاتِ الْعُلٰى مِنَ الْجَنَّةِ اٰمِينَ اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَسْاَلُكَ
مرتبهای بلند از بهشت را خداوندا مستجاب کن خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو
خَيْرَ الْمَسْئَلَةِ وَالدُّعَآءِ وَخَيْرَ الْقَدَرِ وَالْقَضَآءِ
بهترین سؤال کردن ودعا کردن را وخیر تقدیر وحکم تو را
وَخَيْرَ الْاٰخِرَةِ وَالدُّنْيَا وَخَيْرَ الْمَمَاتِ وَالْمَحْيَا وَخَيْرَ
وخیر آخرت ودنیا را وخیر مردن وزیستن را وخیر
الْمُسْتَقَرِّ وَالْمَاْوٰى وَاَسْاَلُكَ الدَّرَجَاتِ الْعُلٰى مِنَ
جای قرار وآرامکاه را وسؤال میکنم از تو مرتبهای بلند از
الْجَنَّةِ اٰمِينَ اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَعُوذُ بِكَ مِنَ الشِّرْكِ وَ
بهشت را خداوندا مستجاب کن خداوندا بدرستی که من پناه میبرم بتو از شرک ورزیدن و
النِّفَاقِ وَالشَّكِّ وَالشِّقَاقِ وَمَسَاوِى الْاَخْلَاقِ وَ
نفاق وشک وشقاق وخلقهای بد و
مَضَائِقِ الْاَرْزَاقِ وَالنَّارِ يَوْمَ التَّلَاقِ وَاَسْاَلُكَ
روزیهای تنک واز آتش در روز ملاقات وسؤال میکنم از تو
الدَّرَجَاتِ الْعُلٰى مِنَ الْجَنَّةِ اٰمِينَ اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَسْاَلُكَ
مرتبهای بلند از بهشت را خداوندا مستجاب کن خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو

دعا بجهت توسعه رزق

صِدْقاً وَصَبْراً وَتَوَاضُعاً وَذِكْراً وَصَلٰوةً وَشُكْراً

راستی وصبری و فروتنی و ذکری و نمازی وشکرگذاری

وَعَافِيَةً وَعُمْراً وَجَاهاً وَقَدْراً وَاَسْاَلُكَ الدَّرَجَاتِ

و عافیت وعمری و منزلت وقدری را وسؤال میکنم از تو مرتبهای

الْعُلٰى مِنَ الْجَنَّةِ اٰمِينَ اَللّٰهُمَّ اِنِّىٓ اَسْاَلُكَ الْجِدَّ

بلند از بهشت خداوندا مستجاب کن خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو سعی کردن

الْاِجْتِهَادِ وَوَرَعَ الْاِقْتِصَادِ وَحُسْنَ الْاِسْتِعْدَادِ

در اهتمام داشتن در کارها و پرهیزکاری در میانه روی را و خوبی مهیا شدن را

وَالْاَخْذَ بِالسَّدَادِ وَتَرْكَ الْفَسَادِ وَاَسْاَلُكَ الدَّرَجَاتِ

و فرا گرفتن براستی و درستی را و ترک کردن فساد را وسؤال میکنم از تو مرتبهای

الْعُلٰى مِنَ الْجَنَّةِ اٰمِينَ از جملهٔ دعاهای

بلند از بهشت خداوندا مستجاب کن که از حضرات ائمه معصومین

علیهم السلام روایت شده است و بجهت طلب

رزق و توسعهٔ معاش خوانده میشود اینست

اَللّٰهُمَّ اِنِّىٓ اَسْئَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ الْفَاضِلِ

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا از فضل تو که با وسعت خوب

الْمُفَضِّلِ رِزْقاً وَاسِعاً حَلَالاً طَيِّباً بَلَاغاً لِلْاٰخِرَةِ

احسان کننده است روزی وسیع حلال پاکیزه را که فقد کفایت باشد از برای آخرت

والدنیا

دعا بجهت رفع اندوه و بلا

وَالدُّنْيَا هَنِيْئاً مَرِيْئاً صَبّاً صَبّاً مِنْ غَيْرِ مَنٍّ مِنْ اَحَدٍ اِلَّا

و دنیا و گوارای گوارا باشد که فرو ریزنده فرو ریزنده باشد از غیر منت از کسی مگر

سَعَةً مِنْ فَضْلِكَ وَطَيِّباً مِنْ رِزْقِكَ وَحَلَالاً مِنْ وَاسِعِكَ

توسعه از فضل تو و پاکیزه از رزق تو وحلالی از در روزی وسیع تو

تُغْنِيْنِىْ بِهٖ مِنْ فَضْلِكَ اَسْئَلُ مِنْ عَطِيَّتِكَ اَسْاَلُ وَ

که بی نیاز کردانی مرا با آن از فضل تو سؤال میکنم و از عطای تو سؤال میکنم و

مِنْ يَدِكَ الْمَلْاٰىٓ اَسْئَلُ وَمِنْ خَيْرِكَ اَسْاَلُ يَا

از دست تو که پر است سؤال میکنم و از خیر تو سؤال میکنم ای

مَنْ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ مرویست که حضرت

آنکسی که در دست او ست خیر و او بر همه چیز بغایت توانا امام جعفر صادق

عَلَيْهِ الصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ فرموده اند که حزنها و اندوهها بیماری

دلهاست همچنانکه آزارها و المها بیماری بدنهاست پس هر که برسد باو حزن و اندوه

یا بلائی پس بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّىٓ اَسْئَلُكَ يَا مُفَجِّرَ الْاَنْهَارِ وَ

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا ای شکافنده نهرها و

مُطْعِمَ الثِّمَارِ وَيَا مَنْ سَبَّحَ لَهٗ ظُلْمَةُ اللَّيْلِ وَضَوْءُ

اطعام کننده میوها وای کسی که تسبیح کرده برای او تاریکی شب و روشنائی

النَّهَارِ وَمَا عَلٰى ظَهْرِ الْاَرْضِ وَمَا فِىْ قَعْرِ الْبِحَارِ اِفْتَحْ

روز و آنچه بر روی زمین است و آنچه در قعر دریاهاست بگشای

لی باب

لنا فی هذه الساعة الباب وسهل لنا صالح الاسباب

برای ما در این ساعت در را و آسان گردان برای ما وسیلهای خوب را

ویسر لنا التوبة یا تواب وصل علی محمد و آله

ومیسر کن برای ما توبه را ای بسیار قبول توبه کننده و رحمت فرست بر محمد و آل او

یا سمیع یا وهاب مرویست که حضرت رسول خدا صلی الله

ای شنوا ای بسیار بخشنده علیه و آله بحضرت امیر المؤمنین علیه

الصلوة والسلام خطاب نمود و فرمود که یا علی هرگاه

چیزی ترا بهول اندازد و از آن چیز خوف نمائی پس بگو

اللهم انی اسئلک بحق محمد و آل محمد واسئلک

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا بحق محمد و آل محمد و سؤال میکنم ترا

بالکلمات التی تلقاها آدم من ربه پس حضرت

بکلماتی که دانستهارا آدم از پروردگار خود امیر المؤمنین

علیه الصلوة والسلام از آنحضرت سؤال نمود و فرمود که یا رسول

الله کدام است آن کلماتی که حضرت آدم علیه السلام از پروردگار

خود آموخت و خواند و توبه او قبول شد پس حضرت رسالت

پناه صلی الله علیه و آله فرمود که یا علی بدرستی که حق تعالی

فرود آورد آدم را بزمین هند و حوا را بزمین جده و مار را

بزمین اصفهان و ابلیس لعین را بزمین ملتان و در بهشت طاووس

توبه در لغت بمعنی رجوع و بازگشت است و هرگاه صفت بنده باشد بمعنی بازگشتن بنده است که از معصیت بطاعت و هرگاه صفت حق تعالی باشد بمعنی رجوع حق تعالی است بسوی بنده بقبول توبه او ... بوده که بمعنی بازگشتن از عذاب کردن بنده بعنایت و رحمت ... از گناهان که بعد از ... میشود

هیچ حیوانی نیکوتر از صورت مار و طاووس نبود و مار را چهار

دست و پا بود مانند چهار دست و پای شتر و ابلیس بجوف مار

رفت و داخل بهشت گردید و آدم را فریب داد پس حق تعالی

مار را غضب کرد و چهار دست و پای او بیفتاد و باو فرمود که

گردانیدم روزی ترا از خاک و ترا چنین کردم که بر شکم خود

راه روی پس حق تعالی طاووس را غضب کرد و از او را و

پاهای او را از و گرفت بجهت آنکه راهنمائی کرده بود ابلیس را بر

درختی که حق تعالی نهی از خوردن آن نموده بود و آدم در زمین

هند صد ... گث نمود و سر خود را در آن مدت بجانب آسمان

بلند نکرد و پیوسته دست خود را بر سر خود گذارده بود و بر خطیه

و گناه خود میگریست و با حزن و اندوه نشسته بود تا آنکه حق تعالی

جبرئیل علیه السلام را بجانب او فرستاد پس جبرئیل آمد و گفت ای

آدم بدرستی که پروردگار تو سلام میرساند بتو و میفرماید که ای

آدم آیا من خلق نکردم ترا بدست خود و ندمیدم در تو روح

خود را و برای تو سجده نفرمودم فرشتگان خود را و سکنی ندادم

ترا در بهشت خود پس این گریه برای چیست حضرت آدم جواب

داد که ای جبرئیل چرا نگریم و حال آنکه اخراج کرده شدم

از جوار و همسایگی پروردگار خود پس جبرئیل گفت که این

دخم نکند بر کسی که بر تو رحم کند و حق تعالی

کلمات که حضرت آدم خواند و توبه او قبول شد

کلماترا بخوان پس بدرستی که حق تعالی توبهٔ تورا قبول میکند
پس حضرت آدم این کلمات را خواند و کلمات اینست
سُبْحَانَكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ عَمِلْتُ سُوٓءًا وَظَلَمْتُ
تسبیح میکنم تورا نیست خدائی مگر تو کرده ام بدرا و ستم کرده ام
نَفْسِی فَاغْفِرْ لِی وَارْحَمْنِی وَاَنْتَ خَیْرُ الْغَافِرِیْنَ
بر نفس خود پس بیامرز مرا و رحم کن مرا و تو بهترین آمرزندگانی
سُبْحَانَكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ عَمِلْتُ سُوٓءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِی
تسبیح میکنم تورا نیست خدائی مگر تو کرده ام بدرا و ستم کرده ام بر نفس خود
فَارْحَمْنِی وَاَنْتَ خَیْرُ الرَّاحِمِیْنَ روایت شده است
پس رحم کن مرا و تو بهترین آمرزندگانی که حضرت امیر المؤمنین
عَلَیْهِ الصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ فرمود که جماعتی در مکهٔ معظمه روزی
نشسته بودند که مردی آمد و بایشان گفت که آیا ضیافت یکشب
نزد شما هست یعنی آیا مرا یکشب ضیافت میکنید پس همگی ساکت
شدند پس آن مرد این سخن را بار دیگر گفت باز ایشان ساکت
شدند پس آن مرد مرتبهٔ سیم این سخن را گفت پس مردی که از هر
دو چشم نابینا بود از میان ایشان برخواست و گفت که نزد من
ضیافت یکشب هست و ضیافت یکشب دیگر نیز هست پس آن مرد
گفت که ضیافت یکشب مرا کافیست پس دست نابینا را گرفت و

دعا و حکایت عجیبه

رفت تا بخانه او رسید پس نابینا بجهت او طعامی مهیا نمود و
آن مرد از آن طعام تناول کرد پس رخت خواب افکند و آب وضو
بجهت او مهیا نمود و نزدیک او گذارد و نابینا بجای خود رفت
و بعد از آنکه ساعتی از شب بگذشت مهمان برخواست و وضوی
کامل بساخت و بعد از آن بنماز مشغول گردید و نماز بسیار
گذارد و بعد از نماز بنشست و در حال نشستن این دعا را خواند
اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْاَرْوَاحِ الْفَانِیَةِ وَرَبَّ الْاَجْسَادِ الْبَالِیَةِ
خداوندا ای پروردگار روحها برطرف شده وای پروردگار بدنهای کهنه کشته
اَسْاَلُكَ بِطَاعَةِ الْاَرْوَاحِ الرَّاجِعَةِ اِلٰی اَجْسَادِهَا
سؤال میکنم تورا بحق فرمانبرداری روحهای رجوع کننده بسوی بدنهای خود
وَبِطَاعَةِ الْاَجْسَادِ الْمُلْتَئِمَةِ اِلٰی عُرُوقِهَا وَبِطَاعَةِ
و بحق فرمانبرداری بدنهای جمع گردانیده شده بسوی اصلهای خود و بحق فرمانبرداری
الْقُبُوْرِ الْمُنْشَقَّةِ عَنْ اَهْلِهَا وَبِدَعْوَتِكَ الصَّادِقَةِ
قبرهای شکافته شده از اهل آنها و بحق دعوت صادق تو
فِیْهِمْ وَاَخْذِكَ الْحَقَّ بَیْنَهُمْ وَتَبَدُّدِ الْخَلْقِ كُلِّهِمْ
در ایشان و گرفتن و قرار دادن حق را در میان ایشان و بحق پراکنده شدن خلق همهٔ ایشان
مِنْ مَخَافَتِكَ وَشِدَّةِ سُلْطَانِكَ یَنْتَظِرُوْنَ قَضَاۤءَكَ
از ترس تو و سختی سلطنت تو در حالیکه انتظار میکشند حکم تورا

وَيَخافُونَ عَذابَكَ وَيَرجُونَ رَحمَتَكَ اَن تَجعَلَ النُّورَ
ومیترسند از عذاب تو وامید دارند رحمت تورا اینکه بگردانی نوررا
فِي بَصَرِي وَالاِخلاصَ فِي عَمَلِي وَالشُّكرَ فِي قَلبِي
در دیده من واخلاص را در عمل من وشکررا در دل من
وَذِكرَكَ بِاللَّيلِ وَالنَّهارِ عَلى لِسانِي اَبَداً ما
وذکر تورا در شب وروز بر زبان من همیشه مادام
اَبقَيتَنِي پس نابینا این دعارا شنید وحفظ نمود ومهمان
کرنابی بلاریعرا بر تخت خواب خود باز کردید پس نابینا برخاست
ووضوی کامل ساخت ورو بقبله نمود ونماز بسیار کذارد
وبعد از نماز بنشست ودر حال نشستن این دعارا خواند وچون
بفقرهٔ اِجعَلِ النُّورَ فِي بَصَرِي وَالاِخلاصَ فِي عَمَلِي
برسید چشمهای او باذن حق تعالی بینا کردید دعائی که در
وقت خوردن تربت مبارک قبر مطهر حضرت امام حسین
علیه الصلوة والسلام باید خواند این است
اَللّهُمَّ اِنّي اَسئَلُكَ بِحَقِّ المَلَكِ الَّذي قَبَضَها وَبِحَقِّ
خداوندا بدرستی که من سوال میکنم تورا بحق آن فرشته که فرا کرفته است این تربت را وبحق
النَّبِيِّ الَّذي خَزَنَها وَبِحَقِّ الوَصِيِّ الَّذي حَلَّ
آن پیغمبری که پنهان وضبط کرده است این تربت را وبحق آن وصی وامامی که فرود آمده است

دعا در وقت خوردن تربت مبارک

فيها اَن تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَن تَجعَلَها شِفاءً
درین تربت اینکه رحمت فرستی بر محمد وآل محمد واینکه بگردانی این تربت را شفا دهنده
مِن كُلِّ داءٍ وَاَماناً مِن كُلِّ خَوفٍ وَحِفظاً مِن
از هر دردی وایمن کننده از هر خوفی وحفظ کننده از
كُلِّ سُوءٍ بِرَحمَتِكَ يا اَرحَمَ الرّاحِمِينَ
هر بدی برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان
حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله در شان حضرت امام حسین
علیه السلام فرموده است که امامان از اولاد او پند وشفا
در تربت اوست ودعا در زیر قبه او مستجاب است حضرت پیغمبر
صلی الله علیه وآله فرموده است که هر که چیزی از او کم شود
سوره والضحی را چهار مرتبه بخواند وهرگاه چنین کند البته
آنرا می یابد هر چند که در زیر هفت طبقهٔ زمین باشد وسزاوار
است که در وقت خواندن والضحی با وضو باشد ودر محراب عبادت
نشسته باشد دعائی که در وقت داخل شدن بمجلس پادشاه خوانده میشود اینست
اَللّهُ اَكبَرُ مِنكَ اَللّهُ اَجَلُّ مِنكَ اِن نَشَأ نُنَزِّل
خدا بزرگتر است از تو خدا بزرگوارتر است از تو اگر خواهیم ما میفرستیم
عَلَيهِم مِنَ السَّماءِ آيَةً فَظَلَّت اَعناقُهُم لَها خاضِعِينَ
برکافران از آسمان علامت وعذابی را پس میگردد گردنهای ایشان برای آن علامت پست شوندگان

لطف تقی بینا کردن کمشده

دعائی که در وقت داخل شدن بپادشاه خوانده میشود

وخشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا وقال
وپست شده است آوازها برای رحمن پس نمیشنوی در آن روز مگر آوازی آهسته و گفت
الملك ائتونی به استخلصه لنفسی فلما کلمه قال
پادشاه مصر که بیاورید برای من یوسف را تا خالص کردانم او را برای نفس خود پس چون سخن گفت با او گفت عزیز مصر
انك الیوم لدینا مکین امین اولئك الذین طبع الله
که بدرستی که تو امروز نزد ما مقرب و امانت داری اینجماعت اند که مهر کرده است خدا
علی قلوبهم وسمعهم وابصارهم واولئك هم الغافلون
بر دلهای ایشان و گوش ایشان و چشم ایشان و اینجماعت ایشانند غافلان
وجعلنا علی قلوبهم اکنة ان یفقهوه وفی اذانهم
و گردانیدیم ما بر دلهای ایشان پوششها از برای اینکه بفهمند قرآن را و گردانیدیم در گوشهای ایشان
وقرا وان تدعهم الی الهدی فلن یهتدوا اذا ابدا
سنگینی را و اگر بخوانی ایشان را بسوی هدایت پس هدایت نمییابند در این صورت هرگز
حرز دیگر بجهت حفظ از ضرر پادشاه
تعززت بالحی القیوم وتحصنت بلا اله الا الله العلی
حرز برشدم بزنده بخود بر پا و پناه آوردم باین کلمه که نیست خدائی مگر الله که بلند مرتبه
العظیم بعد از آن میشماری بانگشتان دست راست خود کلهیعص
بزرگ مرتبه است و بانگشتان دست چپ حم عسق را و هرگاه چنین کنی از پادشاه
بتو ضرری نمیرسد دعای دیگر بجهت حفظ از ضرر پادشاه

حرز دیگر بجهت حفظ از ضرر پادشاه

حرز دیگر بجهت دفع ضرر پادشاه

اللهم رب جبرئیل ومیکائیل واسرافیل واله ابرهیم
خداوندا ای پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و خدای ابرهیم
واسحق ویعقوب ومنزل التوریة والانجیل والفرقان
و اسحق و یعقوب و نازل کننده توریة و انجیل و قرآن
اکفنی شر فلان بن فلان اللهم انی اسألك بخیرك
کفایت کن از من شر فلان پسر فلان را خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم تو را بخیر تو
من خیره واعوذ بعزتك من شره وهر کسی که اراده
از خیر او و پناه میبرم بعزت تو از شر او کند داخل شدن
بر پادشاهی یا بر صاحب سطوت و شوکتی را که از او و از سطوت
او بترسد یا بترسد از بدگوئی صاحب شرارتی که در پیش روی
او باشد پس سزاوار است که چون برود داخل شود یا در پیش روی او
باید بگوید که اللهم اکفنیه بما شئت بالعافیة وهرگاه
خداوندا کفایت کن از من شر او را بانچه خواهی بعافیت
این را بگوید پس اگر پادشاه آتش سوزان باشد که فرو می نشیند و
باو ضرر نمیرساند نقل کرده اند که چون هرون الرشید حضرت امام
موسی کاظم علیه السلام را حبس نمود و شب در رسید آنحضرت خوف
نمود که هرون الرشید ملعون او را بقتل رساند پس آنحضرت وضو
تازه کرد و رو بقبله نمود و چهار رکعت نماز گذارد و بعد از آن این دعا را خواند

بجای فلان بن فلان نام پادشاه و نام پدر او را بگوید

دعای دیگر جهت دفع ضرر پادشاه و دفع ضرر بدگویان

سَیِّدِی یُنَجِّینِی مِنْ حَبْسِ فُلاَنٍ وَخَلِّصْنِی مِنْ یَدَیْهِ یَا مُخَلِّصَ
ای آقای من نجات دهٔ مرا از حبس فلان وخلاص کردان مرا از دستها او ای خلاص کننده
الشَّجَرِ مِنْ بَیْنِ رَمْلٍ وَطِینٍ وَمَآءٍ وَیَا مُخَلِّصَ اللَّبَنِ مِنْ
درخت از میان ریک زاران و کِل و آب و ای خلاص کننده شیر از
بَیْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ وَیَا مُخَلِّصَ الْوَلَدِ مِنْ بَیْنِ مَشِیمَةٍ وَرَحِمٍ
میان سرکین وخون و ای خلاص کننده فرزند از میان بچه دان و رحم
وَیَا مُخَلِّصَ النَّارِ مِنْ بَیْنِ الْحَدِیدِ وَالْحَجَرِ وَیَا مُخَلِّصَ الرُّوحِ
و ای خلاص کننده آتش از میان آهن و سنك و ای خلاص کننده روح
مِنْ بَیْنِ الْاَحْشَاءِ وَالْاَمْعَاءِ خَلِّصْنِی مِنْ یَدِ فُلاَنِ بْنِ
از میان اعضای اندرونی و رودها خلاص کردان مرا از دست فلان پسر
فُلاَنٍ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَجْمَعِینَ حضرت امام زین العابدین
فلان بحق محمد و آل او همکی علیه الصلوة والسلم
روزی داخل شد بر ابن مروان که از خلفاء بنی امیه بود و فرمود
که حاکمی که تو در مدینه طیبه تعیین نموده آزار میرساند بمن پس
ابن مروان ملعون کفت که دیر نیست که بپدر تو و جد تو آزار میرساند
پس آنحضرت فرمود که بلی اینست جزای کسی که شکوه مخلوقی را بسوی
مخلوقی برد و آنحضرت بمسجد حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله
باز کردید و در ما بین قبر و منبر دو رکعت نماز کذارد و در رکعت

اول سوره حمد و سوره انا انزلناه را یکمرتبه و در رکعت دویم سوره حمد را
یکمرتبه و سوره قل هو الله احد را ده مرتبه خواند و سلام نماز داد
و بسجده رفت و در حال سجود این دعا را خواند که
اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ یَا مَنْ یَمْلِكُ حَوَائِجَ السَّآئِلِینَ
خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا ای آنکسی که مالك است حاجتهای سؤال کنندکان را
وَیَعْلَمُ ضَمِیرَ الصَّامِتِینَ وَیُجِیبُ دَعْوَةَ الْمُضْطَرِّینَ
و میداند آنچه را که در دل خاموشان است و اجابت میکند دعای مضطران را
فَاِنَّ لِکُلِّ مَسْئَلَةٍ مِنْكَ سَمْعًا حَاضِرًا وَلِکُلِّ صَامِتٍ
پس بدرستی که برای هر سؤالی از تو هست شنیدن حاضر و برای هر خاموشی
مِنْكَ عِلْمًا مُحِیطًا اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
از تو هست علم احاطه کننده سؤال میکنم از تو اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد
وَاَنْ تَکْفِیَنِی کَیْفَ شِئْتَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ
و اینکه کفایت کنی مرا بهر نحو که خواهی ای رحم کننده ترین رحم کنندکان
و چون از نماز فارغ کردید بغلام خود فرمود که ای غلام نظر
کن و متوجه باش که چه چیز می بینی پس آنحضرت نماز و دعاء مذکور
را نوبت دویم و نوبت سیم نیز بجای آورد و چون فارغ کردید حاکم
مدینه بخدمت آنحضرت آمد و سر مبارك آنحضرت را بوسید
و کفت ای فرزند رسول خدا امان میخواهم از تو از تقصیر من در کذر

حضرت بجای فلان نام ظالم را فرموده است و هرگاه دیگری این
دعا را بجهة الغیر بجای فلان نام آن
شخصی را بگوید که از او خوف دارد

بجای فلان بن فلان نام آن شخص و نام پدر او را
که از او خوف دارد
باید گفت

تا حق تعالی از تو درگذرد پس آنحضرت از جای نماز خود برخاست
و بحاکم مدینه خطاب نمود و فرمود که چه باعث شد که تو آمدی
حاکم جواب گفت که من در میان خواب و بیداری حضرت رسول
خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که فرمود که باز ایست از آزار
دادن فرزند من و اگر باز نایستی شکوه تو را بپروردگار تعالی
شانه خواهم نمود پس بیدار شدم و بخدمت تو آمدم ای فرزند رسول
خدا صلی الله علیه و آله پس حضرت امام زین العابدین علیه السلام
از تقصیرات حاکم درگذشت و فرمود که یا رب ما خاب من رجاك
وما خسر من دعاك یعنی ای پروردگار من نومید نشد هر که
امیدوار شد بتو و زیان نکرد هر که ترا خواند و مطلب خود را از
تو مسئلت نمود روایت کرده است ابو احمد بن عبد السلام بن
حسین شجری کاتب که معروف است بقطان مقری و گفته است که احمد
بن عبد الرحمن بن حسن بن طاهر علوی حسینی را که حاکم مدینه
طیبه بود دیدم که تضرع و زاری و دعاء بسیار میکرد بعد از آن
بسفر رفتم و مدتی مدید او را ندیدم و چون باز گشتم او را دیدم
که تضرع و دعا را قدری کم کرده است پس سبب کم کردن دعا و
تضرع را از او پرسیدم جواب گفت که شبی در مسجد مدینه طیبه
در روضه یعنی ما بین قبر مطهر حضرت سید المرسلین صلی الله

علیه

علیه و آله و منبر مبارک آنحضرت بودم و دو رکعت نافله صبح را
گذارده و فریضه صبح را هنوز نگذارده بودم که خواب بر من غلبه
نمود و عادت من آن بود که هر شب در آن وقت دعا و تضرع بسیار
مینمودم پس حضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها را در خواب وسلامه
دیدم که میفرمود ای فرزند من ای پسر عبد الرحمن بسیاری تضرع
و زاری تو دل مرا مجروح کرده است پس بآنحضرت عرض کردم که ما را
شما بتضرع و زاری امر فرموده اید پس آنحضرت فرمود که راست گفتی و لیکن تو
کجائی از دعای جامع و چرا آن دعا را نمیخوانی پس گفتم ای سیده من دعا کدام است تعلیم
فرموده که بگو اللهم قنعنی بما رزقتنی واسترنی وعافنی

دعای مشهور بدعای جامع

خداوندا قانع گردان مرا بانچه روزی کرده بمن و بپوشان مرا و عافیت ده مرا
ابدا ما ابقیتنی واغفر لی وارحمنی اذا توفیتنی
همیشه مادام که باقی گذاری مرا و بیامرز مرا و رحم کن مرا هرگاه بمیرانی مرا
اللهم لا تعننی فی طلب ما لم تقدره لی وما
خداوندا بتعب مینداز مرا در طلب کردن انچه تقدیر نکرده انرا برای من و آنچه را
قدرت لی فاجعله سهلا یسیرا اللهم کاف
که مقدر کرده برای من پس بگردان انرا آسان میسر خداوندا جزا ده
عنی والدی وکل ذی نعمة علی اللهم فرغنی
از من بوالدینم را و هر صاحب نعمتی را بر من خداوندا فارغ گردان مرا

لِمَا خَلَقْتَنِي لَهُ وَلَا تَشْغَلْنِي بِمَا تَكَفَّلْتَ لِي بِهِ

برای انچه خلق کرده مرا برای ان و مشغول مکردان مرا بانچه متکفل شده برای من بان

وَلَا تُعَذِّبْنِي وَأَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَلَا تَحْرِمْنِي وَأَنَا

و عذاب مکن مرا و حال انکه من طلب امرزش میکنم از تو و محروم مکردان مرا و حال انکه من

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ ذَلِّلْ نَفْسِي لِي فِي نَفْسِي وَعَظِّمْ

سؤال میکنم ترا خداوندا ذلیل کردان نفس مرا برای من در پیش خودم و عظیم کردان

شَأْنَكَ فِي قَلْبِي وَأَلْهِمْنِي طَاعَتَكَ وَالْعَمَلَ بِمَا

مرتبهٔ خود را در دل من و الهام کن بمن طاعت تو و عمل کردن بانچه

يُرْضِيكَ وَالتَّجَنُّبَ لِمَا يُسْخِطُكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ دعائی که حضرت

خوشنود میکرداند ترا و دور کردن را برای انچه بخشم میاورد ترا ای رحم کننده ترین رحم کنندگان پیغمبر صلی الله علیه

واله میخواندند اللَّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي مِنَ النِّفَاقِ وَعَمَلِي مِنَ

خداوندا پاک کردان دل مرا از نفاق و عمل مرا از

الرِّيَاءِ وَلِسَانِي مِنَ الْكَذِبِ وَعَيْنِي مِنَ الْخِيَانَةِ

ریاء و زبان مرا از دروغ و چشم مرا از خیانت

إِنَّكَ تَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ

بدرستی که تو میدانی خیانت چشمها را و انچه را که پنهان میکنند سینهها

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي

تسبیح میکنم خدا را و ستایش مر خدا راست که بزرگست و حال انکه مشغولم بحمد او خداوندا بیامرز مرا

ذُنُوبِي وَوَسِّعْ عَلَيَّ رِزْقِي وَأَحْسِنْ خُلُقِي وَطَيِّبْ

کناهان مرا و توسعه ده بر من روزی مرا و نیکو کردان خلق مرا و مرغوب کردان

إِلَيَّ كَسْبِي وَأَقْنِعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَلَا تُذْهِبْ نَفْسِي

بسوی من کسب مرا و قانع کردان مرا بانچه روزی کرده بمن و مایل مکردان نفس مرا

إِلَى شَيْءٍ صَرَفْتَهُ عَنِّي وَلَا تُخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى

بسوی چیزی که باز کردانیده از من و بیرون مبر مرا از دنیا تا وقتی

تَرْضَى عَنِّي إِلَهِي سَجَدَ لَكَ سَوَادِي وَجَنَانِي وَآمَنَ

راضی شوی از من ای خدای من سجده کرده است برای تو بدن من و دل من و ایمان اورده است

بِكَ فُؤَادِي وَهَذِهِ يَدِي الَّتِي جَنَيْتُ بِهَا عَلَى نَفْسِي

بتو دل من و اینست دست من که جنایت کرده ام بان بر نفس خود

يَا عَظِيمًا يُرْجَى لِكُلِّ عَظِيمٍ فَاغْفِرِ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ

ای بزرگی که امید داشته میشود برای هر امر بزرگی پس بیامرز کناه بزرگ را

إِلَّا الْعَظِيمُ وَأَنْتَ الرَّبُّ الْكَرِيمُ دعائی که حضرت صاحب الزمان

مگر بزرگ و توئی پروردگار صاحب کرم صلوات الله وسلامه علیه

انرا تعلیم نموده است در خواب بابی الحسن محمد بن احمد بن ابی اللیث رحمه الله

تعالی در شهر بغداد در مقابر قریش و ابی الحسن مذکور از ترس کشته شدن بمقابر

قریش کریخته و پناه برده بوده است پس ببرکت خواندن این دعا از کشته شدن

نجات یافته است و ابو الحسن مزبور کفته است که انحضرت بمن تعلیم نمود که بکو

بانه لا يغفر الذنب العظيم

دعا بجهت دفع ضرر دشمن وخلاصی از کشته شدن

اَللّٰهُمَّ عَظُمَ الْبَلاۤءُ وَبَرِحَ الْخَفاۤءُ وَانْقَطَعَ الرَّجاۤءُ وَ

خداوندا عظیم شده است بلا وواضح شده است امر وبریده شده است امید و

انْکَشَفَ الْغِطاۤءُ وَضاقَتِ الْاَرْضُ وَمُنِعَتِ السَّماۤءُ

برداشته شده است پرده وتنگی کرده است زمین ومنع کرده است آسمان

وَاِلَیْکَ یارَبِّ الْمُشْتَکیٰ وَعَلَیْکَ الْمُعَوَّلُ فِی الشِّدَّةِ

وبسوی تست ای پروردگار من شکایت وبر تست اعتماد در حال سختی

وَالرَّخاۤءِ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اُولِی الْاَمْرِ

وخوشی خداوندا پس رحمت بفرست بر محمد وآل محمد صاحبان فرمان

اَلَّذینَ فَرَضْتَ عَلَیْنا طاعَتَهُمْ فَعَرَّفْتَنا بِذٰلِکَ مَنْزِلَتَهُمْ

که واجب کرده بر ما فرمانبرداری ایشانرا پس شناسانیده بما باین مرتبه ایشانرا

فَفَرِّجْ عَنّا بِحَقِّهِمْ فَرَجاً عاجِلاً قَریباً کَلَمْحِ الْبَصَرِ

پس کشایش ده از ما بحق ایشان کشایش معجل نزدیک مانند نظر کردن بچشم

اَوْ هُوَ اَقْرَبُ یا مُحَمَّدُ یا عَلِیُّ اکْفِیانی فَاِنَّکُما

یا نزدیکتر از آن ای محمد ای علی کفایت کنید مرا پس بدرستی که شما

کافِیایَ وَانْصُرانی فَاِنَّکُما ناصِرایَ یا

کفایت کنندگان منید ونصرت کنید مرا پس بدرستی که شما نصرت کنندگان منید ای

مَوْلایَ یا صاحِبَ الزَّمانِ اَلْغَوْثَ اَدْرِکْنی

آقای من ای صاحب الزمان فریادرس مرا فریادرس مرا دریاب مرا

ادرکنی

ظاهر اینست که مراد حضرت از این اشاره باین باشد که در وقت گفتن یا صاحب الزمان مرا امداد باید نمود

اَدْرِکْنی اَدْرِکْنی وراوی گفته است که در وقت گفتن یا صاحب الزمان حضرت اشاره بسینه

دریاب مرا دریاب مرا

مبارک خود نمود دعائیست که فضل وامتیاز آن بسیار است

یا شَفیقُ یا رَفیقُ یا جارِیَ اللَّزیقَ یا رُکْنِیَ الْوَثیقَ

ای مهربان ای رفیق ای همسایه چسپیده بمن ای جانب محکم من

یا مَوْلایَ بِالتَّحْقیقِ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَفَرِّجْ

ای آقای من براستی رحمت فرست بر محمد وآل محمد وبگشای

عَنِّی الْمَضیقَ وَلا تُحَمِّلْنی ما لا اُطیقُ اِنَّکَ اِلٰهِیَ الْحَقُّ

از من تنگی را وبار مکن بر من آنچه را که طاقت نداشته باشم بدرستی که تو خدای منی که حقی

الْمُبینُ یا مُنْقِذَ الْغَرْقیٰ یا مُنْجِیَ الْهَلْکیٰ یا جَلیسَ کُلِّ

وهویدائی ای خلاص کننده غرق شدگان ای نجات دهنده هلاک شدگان ای همنشین هر

غَریبٍ وَاَنیسَ کُلِّ وَحیدٍ فَرِّجْ عَنِّی السّاعَةَ فَلا

غریبی ومونس هر تنهائی کشایش ده از من درین ساعت پس نیست

صَبْرَ لی عَلیٰ حِلْمِکَ یا لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ لَیْسَ کَمِثْلِکَ

صبری برای من بر حلم تو ای آنکسی که نیست خدائی مگر تو نیست مثل مانند تو

شَیْءٌ وَاَنْتَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ دعائیست مستجاب

چیزی وتو بر هر چیزی بغایت توانائی وبجهت برآمدن حاجات

ودفع حوادث وبلیات مجربست هرگاه امری تو را بحزن و

دعای مجرب بجهت برآمدن حاجات و دفع بلیات

اندوه آورد پس غسل کن و وضو بساز و دو رکعت نماز بگذار و بر
حضرت پیغمبر و اهل بیتش صلوات الله علیهم صلوات بفرست و این دعا را بخوان
اَیْنَ فَارُوقُ الْعِلْمِ اَیْنَ اِلٰهُ بَنِی اِسْرَائِیلَ اَیْنَ مُغْرِقُ
کجاست جدا کننده علم کجاست خدای بنی اسرائیل کجاست غرق کننده
فِرْعَوْنَ وَ جُنُودِهِ اَیْنَ مَنْ اِذَا دُعِیَ اَجَابَ اَیْنَ مَنْ اِذَا
فرعون و لشکرهای او کجاست کسی که هرگاه خوانده شود اجابت کند کجاست کسی که هرگاه
ابْتُغِیَ وُجِدَ اَیْنَ الَّذِی کَانَ وَ لَمْ یَکُنْ شَیْءٌ اَیْنَ
طلب کرده شود یافته شود کجاست آنکسی که بود و حال آنکه نبود چیزی کجاست
الَّذِی یَبْقَی وَ یَفْنَی کُلُّ شَیْءٍ اَیْنَ مَنْ لَا یُخْلِفُ اَیْنَ
آنکسی که باقی بماند و فانی میشود هر چیزی کجاست کسی که خلف نمیکند کجاست
مَنْ زَجَرَ الْبَحْرَ بِصَوْتِهِ اَیْنَ مَنْ اَرْسَی الْجِبَالَ بِقُدْرَتِهِ
کسی که برشده است دریا بصدای او کجاست کسی که ثابت کرده است کوهها بقدرت خود
اَیْنَ الرَّحْمٰنُ الْقَرِیبُ اَیْنَ مُجِیبُ الدَّعَوَاتِ اَیْنَ الْکَاشِفُ
کجاست بخشاینده نزدیک کجاست اجابت کننده دعاها کجاست برطرف کننده
الْکُرُبَاتِ اَیْنَ مُفَرِّجُ الْهُمُومِ اَیْنَ رَبُّ الْاَرْبَابِ
اندوهها کجاست گشاینده غمها کجاست پروردگار پروردگاران
اَیْنَ سَیِّدُ السَّادَاتِ اَیْنَ خَالِقُ الْخَلَائِقِ اَیْنَ عَظِیمُ الرَّجَاءِ
کجاست بزرگ بزرگان کجاست آفریننده مخلوقات کجاست کسی که عظیم است امید باو

انت

اَنْتَ هُوَ اَنْتَ هُوَ اَنْتَ هُوَ بعد از آن سجده شکر بکن و در حال سجده بگو
یَا رَبِّ یَا رَبِّ یَا رَبِّ تو آنی تو آنی تو آنی
تا نفس منقطع شود بعد از آن ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من
حاجت را سؤال کن پس بدرستی که بر آورده میشود انشاء الله تعالی

دعائی که منسوبست بحضرت ابی عبدالله جعفر بن محمد الصادق علیهما الصلوة والسلام

اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَتَوَجَّهُ اِلَیْکَ بِنَبِیِّکَ نَبِیِّ الرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ
خداوندا بدرستی که من روی می آورم بسوی تو بپیغمبر تو پیغمبر رحمت که محمد است
وَ آلِهِ الطَّاهِرِینَ الَّذِینَ اخْتَرْتَهُمْ عَلَی الْعَالَمِینَ وَ
و بآل او که پاکانند که برگزیده ایشان را بر همه عالمیان و
جَعَلْتَهُمْ اَمَامِی وَ اَمَامَ طَلِبَتِی وَ بِهِمْ اَسْتَتِرُ مِنْ
گردانیده ایشان را پیش روی من و پیش روی مطلبهای من و بایشان پنهان میشوم از
شَرِّ اَعْدَائِی وَ مِنْ شَرِّ کُلِّ ذِی شَرٍّ اَللّٰهُمَّ بِکَ
شر دشمنان خودم و از شر هر صاحب شری خداوندا بتو
اُسَاوِرُ وَ بِکَ اُحَاوِلُ وَ بِکَ اَصُولُ وَ بِکَ اَنْتَصِرُ اَسْلَمْتُ
غلبه میکنم و بتو قصد میکنم و بتو حمله میکنم و بتو انتقام میکشم و اگذاشتم
نَفْسِی اِلَیْکَ وَ وَجَّهْتُ وَجْهِی اِلَیْکَ وَ فَوَّضْتُ اَمْرِی
نفس خود را بسوی تو و متوجه ساختم روی خود را بسوی تو و تفویض نموده ام کار خود را
اِلَیْکَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِکَ اَللّٰهُمَّ رُدَّ کَیْدَ اَعْدَائِی
بسوی تو نیست گردش و نه توانائی مگر بتو خداوندا رد کن حیله دشمنان مرا

مراد از ایشان در بحق ایشان حضرت پیغمبر وائمه طاهرین علیهم الصلوة والسلام است

فی نحورهم بحقهم وبحقک العظیم اللهم فذلل
در کوی کردنها ایشان بحق ایشان وبحق تو که عظیم است خداوندا پس آسان وهموار کردان
لی صعوبتها وحزونتها واکفنی شرها فانک
برای من دشواری جماعت وناهمواری جماعت را وکفایت کن از من شر جماعت را پس بدرستی که تو
الکافی المعافی الغالب القاهر دعائیست مستجاب
کفایت کننده عافیت دهنده غلبه کننده قهر نماینده بجهت طلب رزق

دعا بجهت طلب رزق

اللهم ان کان رزقی فی السماء فانزله وان کان
خداوندا اگر بوده باشد روزی من در آسمان پس فرو فرست آن را واگر بوده باشد
فی الارض فاخرجه وان کان بعیدا فقربه و
در زمین پس بیرون آور آن را واگر بوده باشد دور پس نزدیک کن آن را و
ان کان قریبا فیسره وان کان قلیلا فکثره
اگر بوده باشد نزدیک پس آسان کن آن را واگر بوده باشد کم پس بسیار گردان آن را
وان کان کثیرا فبارک لی فیه وارسله علی
واگر بوده باشد بسیار پس برکت ده برای من در آن وبفرست آن را بر
ایدی خیار خلقک ولا تحوجنی الی شرار خلقک
دستهای بهترین خلق خود ومحتاج مگردان مرا بسوی بدان از خلق خود
وان لم یکن فکونه بکینونیتک ووحدانیتک
واگر موجود نباشد پس موجود کن آن را بحق هستی خود وبیگانگی خود

اللهم

دعای دیگر بجهت طلب رزق

اللهم انقله الی حیث اکون ولا تنقلنی الیه حیث
خداوندا نقل کن آن را بسوی من هرجا که باشم ونقل مکن مرا بسوی آن در هرجا
یکون انک علی کل شیء قدیر دعای دیگر بجهت
که بوده باشد بدرستی که تو بر همه چیز بغایت توانائی طلب رزق
یا قدیم الاحسان یا من احسانه فوق کل احسان
ای آنکسی که قدیم است احسان او ای آنکسی که احسان او بالای هر احسانی است
یا ملیکا یملک الدنیا والآخرة فبالعرش وما علا
ای صاحب ملکی که مالک است دنیا وآخرت را پس بحق عرش وآنچه بلند است
وبالکرسی وما حوی وباللوح وما وعی وبالقلم
وبحق کرسی وآنچه فرو گرفته است وبحق لوح وآنچه ضبط کرده است وبحق قلم
وما جری وبالبیت وما بنی وبالقرآن ومن تلا
وآنچه جاری شده است وبحق خانه وآنچه بنا کرده است وبحق قرآن وکسی که تلاوت کرده است
وابرهیم ومن اصطفی ومحمد صلی الله علیه وآله
وبحق ابرهیم وکسی که برگزیده است وبحق محمد صلی الله علیه وآله
ومن اجتبی اسألک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان
وکسی که انتخاب کرده است سؤال میکنم تو را اینکه رحمت فرستی بر محمد وآل محمد واینکه
تصرف عنی شدة ما انا فیه من جهة الرزق وترزقنی
بازداری از من سختی آنچه را که هستم من در آن از جهت روزی وروزی کنی مرا

مِنْ اَطْيَبِهَا وَاَوْسَعِهَا فَاِنَّكَ قَادِرٌ مُقْتَدِرٌ دعائیست منسوب بحضرت سید الساجدین زین العابدین صلوات الله وسلامه علیه

از پاکیزه ترین روزیها و وسیع ترین آنها پس بدرستیکه تو قادر صاحب اقتداری

اِلٰهِي كَيْفَ اَدْعُوكَ وَقَدْ عَصَيْتُكَ وَكَيْفَ لَا اَدْعُوكَ

ای خدای من چگونه بخوانم ترا و بتحقیق که عصیان کرده ام ترا و چگونه نخوانم ترا

وَقَدْ عَرَفْتُ حُبَّكَ فِي قَلْبِي وَاِنْ كُنْتُ خَاطِئًا

و بتحقیق که شناخته ام ترا محبت تو در دل من است و اگر هستم خطا کننده

مَدَدْتُ اِلَيْكَ يَدًا بِالذُّنُوبِ مَمْلُوَّةً وَعَيْنًا بِالرَّجَاءِ

بلند کرده ام بسوی تو دستی را که بگناهان مملو است و چشمی را که بامیدواری

مَمْدُودَةً اِلٰهِي اَنْتَ اِلٰهٌ عَظِيمُ الْعُظَمَاءِ وَاَنَا اَسِيرُ

بلند شده است ای خدای من تو خدائی که بزرگ بزرگانی و من اسیر

الْاُسَرَاءِ مُرْتَهَنٌ بِعَمَلِي اِلٰهِي اِنْ طَالَبْتَنِي بِذَنْبِي

اسیرانم و هستم در گرو عمل خود ای خدای من اگر مطالبه کنی مرا بگناه من

فَلَاُطَالِبَنَّكَ بِعَفْوِكَ وَاِنْ طَالَبْتَنِي بِجُرْمِي فَلَاُطَالِبَنَّكَ

پس هر آینه مطالبه میکنم ترا بعفو تو و اگر مطالبه کنی مرا بمعصیت من پس هر آینه مطالبه میکنم

بِكَرَمِكَ وَلَئِنْ اَمَرْتَ بِي بِالنَّارِ فَلَاُخْبِرَنَّ اَهْلَهَا

بکرم تو و هر آینه اگر امر کنی مرا بآتش پس هر آینه خبر میدهم البته اهل آتش را

اَنِّي كُنْتُ اَقُولُ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ اِلٰهِي

باینکه من بودم که چنین میگفتم اشهد ان لا اله الا الله محمد رسول الله ای خدای من

الطاعة

مناجات حضرت امام زین العابدین علیه الصلوة والسلام

الطَّاعَةُ لَا تَسُرُّكَ وَالْمَعْصِيَةُ لَا تَضُرُّكَ فَهَبْ لِي مَا لَا

طاعت خوشنود نمیکند ترا و معصیت ضرر نمیرساند ترا پس ببخش بمن آنچه

يَسُرُّكَ وَاغْفِرْ لِي مَا لَا يَضُرُّكَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ

خوشنود نمیکند ترا و بیامرز برای من آنچه را که ضرر نمیرساند بتو برحمت خود ای رحم کننده ترین

الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ قَلْبِي خِزَانَةً لِلتَّوْحِيدِ

رحم کنندگان خداوندا بگردان دل مرا خزانه برای یگانه دانستن تو

وَلِسَانِي مِفْتَاحًا لِلتَّمْجِيدِ فَاِنِّي لَا اَعِزُّ اِلَّا بِالذُّلِّ

و زبان مرا کلیدی برای اظهار بزرگواری تو پس بدرستیکه من عزیز نمیشوم مگر با فتادگی کردن

لَكَ وَلَا اٰمَنُ اِلَّا بِالْخَوْفِ مِنْكَ دعائیست که حضرت امام زین العابدین علیه السلام

برای تو و ایمن نمیشوم مگر بخوف داشتن از تو در مناجات با پروردگار جل شانه میخوانده

يَا مَنْ لَا تَسُرُّكَ طَاعَتُنَا وَلَا تَضُرُّكَ مَعْصِيَتُنَا هَبْ

ای آنکسی که خوشحال نمیکند ترا طاعت ما و ضرر نمیرساند بتو معصیت ما ببخش

لَنَا مَا لَا يَسُرُّكَ وَاغْفِرْ لَنَا مَا لَا يَضُرُّكَ يَا مَنْ

برای ما آنچه را که خوشحال نمیکند ترا و بیامرز برای ما آنچه را که ضرر نمیرساند بتو ای آنکسی که

اِذَا وَعَدَ وَفٰى وَاِذَا تَوَعَّدَ عَفَا اَغْنِنَا بِغِنَاكَ

هرگاه وعده کرد وفا نمود و هرگاه تهدید کرد عفو نمود غنی گردان ما را بغنای خود

عَمَّنْ سِوَاكَ وَارْزُقْنَا مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ رِزْقًا حَلَالًا

از هر که غیر تست و روزی کن ما را از فضل تو که واسع است روزی حلال

دعای حضرت سید الشهداء علیه الصلوة و السلام

وَلَا تُحْوِجْنَا اِلَى اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ از جملهٔ دعاهای حضرت امام
و محتاج مکردان ما را بسوی کسی از خلق خود بحق محمد و آل او حسین علیه الصلوة و السلام است
اِلٰهِي اَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَمْ تَجِدْنِي شَاكِرًا وَابْتَلَيْتَنِي
ای خدا من انعام کردی بر من پس نیافتی مرا شکر کننده و مبتلا ساختی مرا
فَلَمْ تَجِدْنِي صَابِرًا فَلَا اَنْتَ اَدَمْتَ الْبَلِيَّةَ بِتَرْكِ
پس نیافتی مرا صبر کننده پس نه تو دایمی کردانیدی بلا را بترک کردن من
الصَّبْرِ وَلَا اَنْتَ سَلَبْتَ النِّعْمَةَ بِتَرْكِ الشُّكْرِ اِلٰهِي
صبر را و نه تو سلب کردی از من نعمت را بترک کردن من شکر را ای خدای من
مَا يَكُونُ مِنَ الْكَرِيمِ اِلَّا الْكَرَمُ وَلَا مِنَ الْجَافِي
نمی باشد از صاحب کرم مگر کرم و نه از جفا کننده

دعای حضرت امیر المؤمنین علیه الصلوة و السلام

اِلَّا الْجَفَاءُ دعائیست که از حضرت امیر المؤمنین علیه
مگر جفا کردن الصلوة و السلام روایت شده است
اِلٰهِي لَوْ سَاَلْتَنِي حَسَنَاتِي لَوَهَبْتُهَا لَكَ مَعَ فَقْرِي اِلَيْهَا
ای خدای من اگر سؤال کنی تو از من اعمال حسنهٔ مرا هر آینه میبخشم آنها را برای تو با وجود احتیاج من بآنها
وَاَنَا عَبْدٌ فَكَيْفَ لَا تَهَبُ لِي سَيِّئَاتِي مَعَ غِنَاكَ
و حال آنکه من بنده ام پس چگونه نمی بخشی تو برای من گناهان مرا با وجود بی نیازی تو
عَنْهَا وَاَنْتَ رَبٌّ دعای سجدهٔ شکر که از معصومین
از آنها و حال آنکه تو پروردگاری علیهم السلام منقول است

دعای سجدهٔ شکر

كَيْفَ لَا اَفْرَحُ يَا رَبِّ وَاَنْتَ لِي رَبٌّ وَكَيْفَ لَا اَفْرَحُ
چگونه شادمان نباشم ای پروردگار من و حال آنکه توئی از برای من پروردگار و چگونه شادمان نباشم
يَا رَبِّ وَاَنَا لَكَ عَبْدٌ اَللّٰهُمَّ فَكَمَا كُنْتَ اَنْتَ الدَّلِيلَ
ای پروردگار من و حال آنکه من هستم برای تو بنده خداوندا پس چنانکه بودی تو دلالت کننده
عَلَيْكَ فَكُنْ اَنْتَ الشَّفِيعَ اِلَيْكَ يَا عَالِمًا بِالْجُمْلَةِ
بر خودت پس باش تو شفاعت کننده من بسوی خودت ای دانا بهمه
غَنِيًّا عَنِ التَّفْصِيلِ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ دعائیست
بی نیاز از تفصیل دادن ای خدا ای خدا ای خدا که حضرت

دعائی که حضرت امیر المؤمنین علیه الصلوة و السلام در سجدهٔ شکر میخوانده

امیر المؤمنین علیه السلام از برای بنیاد در سجدهٔ شکر میخوانده
اُنَاجِيكَ يَا سَيِّدِي كَمَا يُنَاجِي الْعَبْدُ الذَّلِيلُ رَبَّهُ الْعَزِيزَ وَاَطْلُبُ
مناجات میکنم با نوای فانی من چنانکه مناجات میکند بندهٔ ذلیل با پروردگار عزیز خود و طلب میکنم
اِلَيْكَ طَلَبَ مَنْ يَعْلَمُ اَنَّكَ تُعْطِي وَلَا يَنْقُصُ مِمَّا عِنْدَكَ شَيْءٌ وَ
بسوی تو مثل طلب کردن کسی که میداند اینکه تو عطا میکنی و کم نمیشود از آنچه نزد تست چیزی و
اَسْتَغْفِرُكَ اِسْتِغْفَارَ مَنْ يُؤْمِنُ اَنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا اَنْتَ وَ
طلب آمرزش میکنم از تو مانند طلب آمرزش کردن کسی که اعتقاد دارد اینکه نمی آمرزد گناهان را مگر تو و
اَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ تَوَكُّلَ مَنْ يَعْلَمُ اَنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
توکل میکنم بر تو مانند توکل کردن کسی که میداند اینکه تو بر هر چیز قادری
مقاتل کفته است که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله را

وادر خواب دیدم که فرمود ای مقاتل ابن دعارا
بطلا بنویس پس گفتم یا رسول الله من طلا از کجا
آورده ام پس آن حضرت بمن داد ظرفی را که طلا در آن
بود و فرمود که بنویس پس نوشتم این دعا را که
إلهي كيف أدعوك وأنا أنا وكيف أقطع
ای خدای من چگونه بخوانم ترا وحال آنکه من منم وچگونه قطع کنم
رجائي عنك من فضلك وأنت أنت إلهي إذا لم
امید خود را از تو از فضل تو وحال آنکه تو توئی ای خدای من هرگاه
أسألك فتعطيني فمن الذي أسأله فيعطيني إلهي
سؤال نکنم ترا تا اینکه عطا کنی بمن پس کیست آنکسی که سؤال کنم او را تا اینکه عطا کند بمن ای خدا
إذا لم أتضرع إليك فترحمني فمن الذي أتضرع
هرگاه زاری نکنم بسوی تو تا اینکه رحم کنی مرا پس کیست آنکسی که زاری کنم
إليه فيرحمني إلهي إذا لم أدعك فتستجيب لي فمن
بسوی او تا اینکه رحم کند مرا ای خدای من هرگاه نخوانم ترا تا اینکه مستجاب کردانی برای من پس کیست
الذي أدعوه فيستجيب لي إلهي كما فلقت البحر
آنکسی که بخوانم او را تا اینکه مستجاب کند برای من ای خدای من چنانکه شکافتی دریا را
لموسى ونجيته من فرعون فأسألك أن تصلي على محمد
برای موسی ونجات دادی او را از فرعون پس سؤال میکنم از تو اینکه رحمت فرستی بر محمد

وآل محمد وأن تجعل لي من أمري فرجا ومخرجا دعائیست
وآل محمد واینکه بگردانی برای من از کار من گشایشی وبیرون شدی عجیب
إلهي رأى الناس كثرة مقامي ببابك وتطوافي بمرابع
ای خدای من دیده اند مردمان بسیاری ایستادن مرا بدرگاه تو وگردیدن مرا در جراگاه
جنابك فظنوا أن لي مدخلا وبقربك حالا ومنزلا
آستانه تو پس گمان کردند اینکه برای من راه داخل شدنی هست وبقرب تو حالتی ومرتبه هست
وأنا أعلم بحالي منهم وأنت أعلم بحالي مني فعاملني
وحال آنکه من داناترم بحال خودم از ایشان وتو داناتری بحال من از من پس معامله کن با من
يا إلهي على حسب ظنونهم وقابل بالقبول فعاية عملي
ای خدای من بر روش گمانهای ایشان ومقابله کن بقبول کردن بدی از عمل مرا
فالغبن معتبر إلا في شأنك ولا جزر في مد
پس مغبون شدن حاصل است مگر در باره تو ونیست کوتاهی در مد
بحار إحسانك — دعائیست بجهت دفع هر
دریاهای احسان تو — شدتی و سختی
تحصنت بالملك الحي الذي لا يموت أبدا واعتصمت
پناه برده ام بپادشاه زنده که نمیمیرد هرگز وچنگ زده ام
بذي القدرة والعظمة والجود والجبروت واستغثت
بصاحب قدرت وعظمت وبخشش وجبروت واستغاثه جسته ام

وان تنجيني من كل
واینکه نجات دهی مرا از هر
غمٍّ وهمٍّ
غم واندوهی
دعای عجیب

دعا بجهت دفع شدت و
سختی

بِذِی الْعِزَّةِ وَالْعَدْلِ وَالْمَلَکُوتِ وَرَمَیْتُ وَجْهَ مَنْ
بصاحب عزت وعدالت وپادشاهی بزرگ وانداختم روی کسی را
بُودِ بِی بِلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ دعای
که آزار میکند مرا بکلمهٔ لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم دیگر
اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْأَلُكَ نَفْسًا بِلا بَلاءٍ وَدِینًا بِلا هَوآءٍ
خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو نفس بی بلائی را و دین بی خواهشی را
وَعَمَلًا بِلا رِیَاءٍ وَرِزْقًا بِلا عَنَاءٍ وَعَفْوًا بِلا حِسَابٍ
و عمل بی ریائی را و روزی بی تعبی را و بخشش بی حسابی را
وَجَنَّةً بِلا عَذَابٍ وَرُؤْیَةً بِلا حِجَابٍ بِرَحْمَتِكَ یا اَرْحَمَ
و بهشت بی عذابی را و دیداری بی پرده را برحمت تو ای رحم کننده ترین
الرّاحِمِینَ مرویست که حضرت امام جعفر صادق علیه الصلوة و
رحم کنندگان والسلام فرموده است که چهار کلمه در کتاب خداست
که هر که آنها را بخواند عطا کرده میشود آنچه بعد از آنها مذکور
است و دعای او مستجاب میگردد اول از کلمات اینست
حَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ الْوَکِیلُ حق تعالی بعد ازین کلام
بس است ما را خدا وخوب وکیلی است میفرماید که فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ
مِنَ اللهِ وَفَضْلٍ لَمْ یَمْسَسْهُمْ سُوءٌ یعنی پس باز گشتند

حَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ الْوَکِیلُ را ذکر دیدند بنعمتی از جانب پروردگار
تعالی شانه و بفضلی که نرسید بایشان بدی پس کسی که از دیگری
بترسد یا از چیزی خوف داشته باشد و حسبنا الله و نعم
الوکیل را بخواند حق تعالی پناه دهد او را از آن ضرر و نعمت
باو رساند دویم اینست مَا شَاءَ اللهُ لا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ
حق تعالی بعد ازین کلام آنچه خواست خداست نیست توانائی مگر بخدا
میفرماید که فَعَسَی رَبِّی اَنْ یُؤْتِیَنِ خَیْرًا مِنْ جَنَّتِكَ یعنی پس
نزدیک است که پروردگار من عطا کند بمن بهتر از باغ تو را پس
کسی که خواهش بمال و فرزند و زینت دنیا داشته باشد و ما شاء
الله لا قوة الا بالله را بخواند حق تعالی عطا کند باو آنچه را
که خواهش نموده است سیم اینست لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ
سُبْحَانَكَ اِنِّی کُنْتُ مِنَ الظّالِمِینَ نیست خدائی مگر تو
تسبیح میکنم تو را بدرستی که من هستم از ظالمان حق تعالی بعد از آن
میفرماید که فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّیْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَکَذٰلِكَ نُنْجِی الْمُؤْمِنِینَ
یعنی حضرت یونس چون گفت لا اله الا انت سبحانک انی
کنت من الظالمین پس مستجاب کردانیدیم از برای او و نجات
دادیم او را از غم و همچنین نجات میدهیم مؤمنان را پس هر که غمگین
باشد و این را بخواند حق تعالی او را از غم نجات دهد چهارم

اینست فستذکرون ما اقول لکم وافوض امری الی
پس زود باشد که یاد کنید انچه را که میگویم برای شما و تفویض میکنم کار خود را بسوی
الله ان الله بصیر بالعباد حق تعالی بعد از ان میفرماید
خدا بدرستیکه خدا بیناست به بندگان که فوقه الله سیئات ما
مکروا وحاق بال فرعون سوء العذاب یعنی مؤمن ال فرعون
چون این را کفت حق تعالی نکاه داشت اورا از بدیهای
انچه مکر کرده بودند و نازل شد بال فرعون بدی عذاب
پس هر که از مکر وحیلهٔ کسی بترسد و این کلام را بخواند حق تعالی
اورا از بدی ان مکر نکاهداری کند از حضرت امام موسی
کاظم علیه الصلوة والسلم روایت شده است که چهار چیز است که
هر که در انها و موصوف بانها باشد حق تعالی اورا از اهل بهشت
مینویسد اول کیست که عصمت و پناه او کواهی دادن و کفتن
لا اله الا الله باشد دویم کیست که هرکاه حق تعالی نعمتی
نعمت خدائی مکر الله باو عطا کند بکوید الحمد لله سیم
کیست که هرکاه مصیبتی باو برسد ستایش از برای خدا بکوید
انا لله وانا الیه راجعون چهارم کیست که هرکاه
بدرستیکه ما برای خدا و بدرستیکه ما بسوی او رجوع کنندگانیم کناهی کند بکوید
استغفر الله منقولست که ابو ذر غفاری رضی الله تعالی عنه کفته است
طلب امرزش میکنم از خدا

کلام مع

نسخه: فستذکرون ما اقول لکم وافوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد

که حضرت

که حضرت رسول خدا صلی الله علیه واله مرا بهفت چیز وصیت
نمود و من ان هفت چیز را ترک نکرده ام و بعد از این نیز ترک
نخواهم کرد وصیت کرد مرا بدوست داشتن مساکین و بیچارکان
و نزدیک نمودن خود بایشان و وصیت کرد مرا که صلهٔ رحم
بجا اورم و رعایت خویشی نمایم هرچند که خویشان از من
رو بکردانند و وصیت کرد مرا که حق را بکویم هرچند تلخ باشد
و مردم را ناخوش اید و وصیت کرد مرا که در راه خدا از ملامت
و سرزنش ملامت کنندکان اندیشه نکنم و وصیت کرد مرا که
از خلق چیزی سؤال نکنم و وصیت کرد مرا که لا حول ولا قوة
نیست کردیدنی و نه قوتی
الا بالله بسیار بکویم و فرمود که این از جملهٔ کنجهای بهشت است
مکر بخدا حضرت امیر المؤمنین علیه الصلوة والسلم فرموده است که حق تعالی
چنان نیست که در شکر را بکشاید و در زیاد کردن نعمت را
ببندد بجهت انکه میفرماید که لئن شکرتم لازیدنکم
یعنی اکر شکر کنید هر اینه نعمت را بر شما زیاد میکردانم و حق تعالی
چنان نیست که بکشاید در دعا را و ببندد در اجابت را بجهت
انکه میفرماید که ادعونی استجب لکم یعنی دعا کنید مرا تا
مستجاب کردانم دعا را برای شما و چنان نیست که بکشاید در
توبه را و به بندد در امرزش را بجهت انکه میفرماید که و من

و وصیت کرد مرا که نظر کنم بکسی که از من پست تر باشد و نظر نکنم بکسی که از من بالاتر باشد

یَعْمَلْ سُوْءً اَوْ یَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ یَسْتَغْفِرِ اللهَ یَجِدِ اللهَ تَوّاباً رَحِیماً
یعنی هر که بکند کار بدی را یا ظلم و ستم کند بر نفس خود بعد از آن
طلب آمرزش کند از خدا مییابد خدا را بغایت قبول کننده توبه
و بسیار رحم کننده مرویست که یحیی بن معاذ رازی گفته است
که چون بنده دعا کند و بسبب دعا کردن خوشدل گردد پس بدانکه
حق تعالی اراده دارد که او را بیامرزد و چون بنده توفیق
یابد که شکر کند پس بدان که حق تعالی اراده دارد که نعمت را
برو زیاد گرداند و چون بنده بر دیگری رحم کند پس بدان که
حق تعالی اراده دارد که او را رحم کند و چون بنده نماز را نیکو
گذارد پس بدان که حق تعالی اراده دارد که روزی دهد او را
و مبارک گرداند برای او آنچه را باو عطا کرده است و چون به
بیند بنده را که بخویشان خود رعایت میکند و صله رحم بجا می
آورد پس بدان که حق تعالی اراده دارد که عمر او را زیاد گرداند
و چون به بینی بنده را که با مردمان مدارای نیکو میکند پس بدان
که حق تعالی اراده دارد که بپوشاند باو جامه سلامت را و چون
به بینی که مردی گریزانست از مردمان پس بدان که بوی بهشت
بمشام او رسیده است محمد بن علی بن محبوب گفته است که بحضرت امام
علی نقی هادی عسکری علیه الصلوة و السلام نوشتم و شکوه

کردم با نحضرت که قرضی دارم که سنگین شده و بر من کوتاه سواد
گردیده و عیال بسیار دارم و مال من کم است و برادران
بر من جفا میکنند پس بخط مبارک آنحضرت جواب رسید
که بعد از هر نماز فریضه اَسْتَغْفِرُ اللهَ را هزار مرتبه
وَلاٰ حَوْلَ وَلاٰ قُوَّةَ اِلاّٰ بِاللهِ طلب آمرزش میکنم از خدا الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ را
نیست گردیدنی و نه توانائی مگر بخدای صد مرتبه و بلند بزرگ مرتبه
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ را صد مرتبه بگو راوی گوید که
سپاس مر خدا را که پروردگار عالمیانست چنین کردم پس زمانی نگذشت که
قرض من ادا شد و احوال من نیکو گردید و از خلق بی نیاز
شدم بحول و قوت پروردگار تعالی شانه مرویست که حضرت
امام جعفر صادق علیه الصلوة و السلام فرمودند که حضرت
امام زین العابدین علیه الصلوة و السلام چون قرضی بهم
میرسانید این دعا را میخواندند پس بسیار نمیگذشت که حق تعالی قرض او را ادا مینمود
و دعا اینست یَا مَاجِدُ یَا وَاجِدُ یَا حَلِیمُ یَا حَنَّانُ یَا
ای بزرگوار ای توانگر ای بردبار ای بسیار مهربان ای
مَنَّانُ یَا کَرِیمُ اَسْأَلُکَ تُحْفَةً مِنْ تُحَفَاتِکَ تَلُمُّ
بسیار نعمت دهنده ای صاحب کرم سوال میکنم از تو تحفه از تحفهای تو که جمع کنی
بِهَا شَعَثِی وَ تَقْضِی بِهَا دَیْنِی وَ تُصْلِحُ بِهَا
بآن پراکندگی مرا و ادا کنی بآن قرض مرا و اصلاح کنی بآن

دعا بجهت ادای دین و توسعه روزی

یا جواد ای بخشنده

دعا بجهت ادای دین

تعقیب نماز صبح وشام بجهت دفع بلاها

شَافِی بِرَحْمَتِكَ یَا سَیِّدِی از حضرت امام جعفر صادق
حال مرا برحمت خود ای آقای من علیه الصلوة والسلم
روایت شده است که چون نماز شام و نماز صبح را بگذاری هفت مرتبه
بگو بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ
بنام خدای بخشاینده مهربان نیست گردش و نه توانائی مگر بخدای
الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ پس بدرستی که هر که چنین کند نمیرسد باو
بلند مرتبه بزرگ مرتبه جذام و پیسی و دیوانگی و حق تعالی دفع
میکند از او هفتاد نوع از انواع بلا را و در روایتی دیگر
وارد شده است که اگر شقی و بدبخت باشد نام او را از میان
بدبختان محو و برطرف میکند و از جمله نیک بختان مینویسند
و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم منقولست که حضرت

تعقیب نماز صبح بجهت دفع بلاها

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده اند که هر که بعد از نماز فریضه صبح
ده مرتبه بگوید سُبْحَانَ اللهِ الْعَظِیْمِ وَبِحَمْدِهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا
قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ بپاکی یاد میکنم خدای بزرگوار را و مشغولم بحمد او و نیست گردیدن و نه
توانائی مگر بخدای الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ حق تعالی نگاه میدارد او را از
دیوانگی و جذام بلند مرتبه بزرگ مرتبه و پیسی و کوری و از اینکه خانه بر
سر او فرود آید و از بی چیز شدن و از مردن بد و از بلیه
که حق تعالی بر و نقدیر نموده باشد و از آنحضرت مرویست که هر که

ثواب گفتن الحمد لله کما هو اهله

بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ کَمَا هُوَ اَهْلُهُ نویسند کاتبان اعمال از
سپاس مر خدا راست چنانکه او سزاوار است نوشتن ثواب آن دست
میکشند بجهت بسیاری آن و میگویند خداوندا ما غیب را
نمیدانیم پس حق تعالی میفرماید که بنویسید آنرا چنانکه بنده

ثواب گفتن تسبیحات اربع

من گفته است و بر من است که ثواب آنرا باو دهانم و از آنحضرت
روایت شده است که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله
روزی باصحاب خود متوجه شد و فرمود که سپری بجهت خود
فرا گیرید پس ایشان گفتند که یا رسول الله آیا سپر از برای
دفع ضرر دشمن باشد که بما نزدیک شده است پس آنحضرت
فرمود که نه ولیکن سپری که آتش را از شما دفع کند بگوئید
سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ
تنزیه میکنم خدا را و سپاس مر خدا راست و نیست خدائی مگر الله و خدا
اَکْبَرُ مرویست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند
بزرگتر است که چون من داخل بهشت شدم فضائی دیدم بغایت
وسیع و مسطح و هموار و دیدم که جمعی از فرشتگان در آن فضا
عمارت بنا میکنند خشتی از طلا و خشتی از نقره و گاهی
دست میکشند و بیکار میمانند پس گفتم بایشان که چه شده است
شما را که گاهی به بنا کردن مشغول میشوید و گاهی دست میکشید

جواب کفتند که هرکاه نفقهٔ ما بما میرسد مشغول بنا کردن
میشویم کفتم نفقهٔ شما چیست کفتند نفقهٔ ما انست که مؤمن
در دنیا بکوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله
اکبر صفوان بن مهران جمال کفته است که از حضرت امام
جعفر صادق علیه الصلوة والسلام شنیدم که فرمود که حق تعالی
انعام نکرده است بر بنده نعمتی خواه کوچك باشد ان نعمت و خواه
بزرك پس ان بنده کفته باشد الحمد لله مکر انکه شکر ان نعمت را
ادا کرده است دعائی که خوانند از بعد از هر نماز سنت است
الهی قل شکری فلم تحرمنی وعظمت خطیئتی فلم
ای خدا من قلیل بود شکر من پس محروم نساختی مرا و بزرك شد کناه من پس
تفضحنی ورأیتنی علی المعاصی فلم تجبهنی خلقتنی
رسوا نکردی مرا دیدی مرا بر معاصی پس رد نکردی مرا خلق کردی مرا
للطاعة فعصیتک فیما به امرتنی فنعم الرب
برای فرمانبرداری پس عصیان کردم ترا در چیزی که بان امر کردی مرا پس خوب پروردکاری
سیدی وبئس العبد وجدتنی فها انا بین یدیک
ای اقای من و بد بنده یافتی مرا پس اینك من در پیش روی توام
معترفا بذنوبی ظالما لنفسی مقرا بالاساءة و
اعتراف کننده بکناهان خود غضبناك بر نفس خود اقرار کننده به بد کردن و

تعقیب عصر نماز

اللهم

الظلم علی نفسی من انا یا رب فیقصد عزاتی و
ستم کردن بر نفس خود کیستم من ای پروردکار من تا اینکه قصد کرده شود ازار کردن بمن قسم
عزتك ما تزین سلطانك معصیتی فهب لی ما لا
بعزت تو که چرکن نمیکند پادشاهت ترا معصیت من پس ببخش برای من چیزی را که
ینقصك واغفر لی ما لا یضرك واصنع بی ما
نقصان نمیرساند بتو و بیامرز برای من انچه را که ضرر نمیرساند بتو و بکن بمن انچه را
انت اهله ولا تصنع بی ما انا اهله یا ارحم الراحمین
که تو سزاوار ان و مکن بمن انچه را که من سزاوارم ای رحم کننده ترین رحم کنندکان
دعائی که بجهت شفا یافتن از درد چشم باید خواند
یا مدعوا بالاحد وموصوفا بالصمد یا من جل عن
ای خوانده شده بیکانکی و ای وصف کرده شده بمقصود بودن در حاجتها ای انکه بزرک است از
الوالد والولد والکفو والعدد اشف عینی من
پدر و فرزند و مانند و تعدد شفا ده چشم مرا از
الرمد وقلبی من النسیان والکمد بحق محمد وال
درد و دل مرا از فراموشی و کرفتکی بحق محمد و ال
محمد ابد الابد وحسبنا الله وحده غوثا غوثا
محمد همیشه همیشه و بس است ما را خدا بتنهائی فریاد رس مرا فریاد رس مرا
دعائی که بجهت شفا یافتن از همهٔ ازارها و بیماریها باید خواند

دعا بجهت دفع درد چشم

دعا بجهت رفع آزارها و بیمارها

قل ادعوا الذین زعمتم من دونه فلا یملکون کشف
بگو که بخوانید کسانی را که گمان کرده اید از غیر خدا پس مالک نیستند بر طرف کردن
الضر عنکم و لا تحویلا یا من لا یکشف احد سواه
بدحالی را از شما و نه گردانیدن را ای آنکسی که بر طرف نمیکند کسی غیر او
اکشف عنی ضری و حوله الی من یجعل معک الها
بر طرف کن از من بدحالی مرا و بگردان از او بسوی کسی که قرار میدهد با تو خدای
آخر لا اله الا انت تعالیت عما یقول الظالمون
دیگر نیست خدائی مگر تو برتری از آنچه میگویند ظالمان
علوا کبیرا تمام شد ترجمهٔ کتاب کنوز النجاح و مسؤل
برتری بزرگ
از درگاه فالق الاصباح و خالق الاشباح
و الارواح آنست که پذیرای رتبهٔ قبول آن شاهنشاه عادل
باذل و کافهٔ انام را از آن حظی کامل و بهرهٔ شامل حاصل کرده
و اتمام ترجمهٔ کتاب عدة السفر و عمدة فی الحضر را که الحال
شروع در آن میشود توفیق یابد مؤلف از کتاب بعد از حمد
خدای واهب الالباب و صلوات بر پیغمبر عالیجناب و آل ابرار
آن هادی طریق صواب و ذکر اوصاف آن کتاب گفته است که
از جمله دعاهای مخصوصه بصبح و شام دعای
شریفیست که وارد شده است در اخبار که

ادعیه صباح و مسا

دعائی که در صبح خوانده میشود

هرکه آنرا هر صبح بخواند برآورده شود از برای او
هفتاد حاجت از حاجتهای دنیا و آخرت و دعا اینست
یا کبیر کل کبیر یا من لا شریک له و لا وزیر
ای بزرگ هر بزرگی ای کسی که نیست شریکی برای او و نه وزیری
یا خالق الشمس و القمر المنیر یا عصمة الخائف
ای آفریننده آفتاب و ماه روشن کننده ای نگاهدارنده ترسنده
المستجیر یا مطلق المکبل الاسیر یا رازق الطفل
پناه جوینده ای رها کننده محبوس بند کرده شده ای روزی دهنده طفل
الصغیر یا جابر العظم الکسیر یا راحم الشیخ
کوچک ای باصلاح آورنده استخوان شکسته ای رحم کننده پیر
الکبیر یا نور النور یا مدبر الامور یا باعث
سالخورده ای روشن کننده روشنی ای تدبیر کننده امور ای برانگیزاننده
من فی القبور یا شافی الصدور یا جاعل الظل و
کسانیکه هستند در قبرها ای شفا دهنده سینهها ای آفریننده سایه و
الحرور یا عالما بذات الصدور یا منزل الکتاب و
گرما ای دانا بحال [illegible] سینهها ای نازل کننده کتاب و
النور و الفرقان و الزبور یا من تسبح له الملئکة
نور و قرآن و زبور ای کسی که تسبیح میکنند برای او فرشتگان

هرکه

بالابكار والظهور يا دائم الثبات يا مخرج النبات
در صبحها و پيشينها اى هميشه ثابت اى بيرون آورنده گياه
بالغدو والآصال يا محيي الاموات يا منشئ العظام
در صبحگاه و پسينها اى زنده كننده مردگان اى از نو آفريننده استخوانهاى
الدارسات يا سامع الصوت يا سابق الفوت يا كاسي
پوسيده اى شنونده آواز اى سبقت گيرنده بر فوت اى پوشاننده
العظام البالية بعد الموت يا من لا يشغله شغل
استخوانهاى كهنه شده بعد از مردن اى كسى كه مشغول نميسازد او را شغلى
عن شغل يا من لا يتغير من حال الى حال يا من لا
از شغلى اى كسى كه متغير نميشود از حالى بسوى حالى اى كسى كه
يحتاج الى تجشم حركة ولا انتقال يا من لا
محتاج نميشود بسوى رنج حركتى و نه منتقل شدنى اى كسى كه
يشغله شان عن شان يا من يرد بالطف الصدقة
مشغول نميسازد او را كارى از كارى اى كسى كه باز ميگرداند بوسيلهٔ كمترين تصدق
والدعاء عن اعنان السماء ما حتم وابرم من
و دعا از اطراف آسمان آنچه را كه جزم و محكم كرده شده است از
سوء القضاء يا من لا يحيط به موضع ومكان يا من
قضاى بد اى كسى كه احاطه نميكند با او موضعى و مكانى اى كسى كه

يعنى اى كسى كه پيشى گرفته است بر
برطرف شدن چيزها يعنى كه
هرگاه چيزى در كار برطرف شدن
باشد و متعلق قدرت و جود و بقاى
آن باشد لطف و قدرت حق تعالى
بر آن سبقت ميكند و مانع ميشود از فوت
شدن آن و ميتواند بود كه مراد از فوت
امور متعلقه باشد يعنى اى سابق بر موجودات
معدومه كه پيش از همه بوده و بر همه پيشى
گرفته يا ايجاد آنها بعد از انعدام آنها
و تا ابد باقى خواهد بود بعد از فناى آنها
يعنى اى سابق بر اعدام اشيا والله تعالى اعلم

يجعل

يجعل الشفاء فيما يشاء من الاشياء يا من يمسك
قرار ميدهد شفا را در آنچه ميخواهد از چيزها اى كسى كه نگاه ميدارد
الرمق من المدنف العليل بما قل من الغذاء يا من
جان را از بيمار نزديك بمرگ بآنچه كم است از غذا اى كسى كه
يزيل بادنى الدواء ما غلظ من الداء يا من اذا وعد
زايل ميگرداند به پست ترين دوا آنچه را كه عظيم باشد از درد اى كسى كه هرگاه وعده كرد
وفى واذا توعد عفا يا من يملك حوائج السائلين
وفا نمود و هرگاه وعدهٔ عذاب كرد عفو نمود اى كسى كه مالك است حاجتهاى سؤال كنندگان را
يا من يعلم ما في الضمير يا عظيم الخطر يا كريم
اى كسى كه ميداند آنچه را كه در دل است اى بزرگ منزلت اى كريم
الظفر يا من له وجه لا يبلى يا من له ملك لا يفنى
ظفر اى كسى كه براى او است ذاتى كه كهنه نميشود اى كسى كه براى او است پادشاهى كه برطرف نميشود
يا من له نور لا يطفأ يا من فوق كل شيء امره يا
اى كسى كه براى او است روشنى كه خاموش نميشود اى كسى كه برتر است از هر چيزى فرمان او اى
من في البر والبحر سلطانه يا من في جهنم سخطه يا
كسى كه در صحرا و دريا است سلطنت او اى كسى كه در جهنم است غضب او اى
من في الجنة رحمته يا من مواعيده صادقة يا من
كسى كه در بهشت است رحمت او اى كسى كه وعدهاى او راست است اى كسى

مراد آنست كه حق تعالى در حال
ظفر يافتن بر كسى تفضلا كرم و
بزرگى با او سلوك مينمايد

آياديه فاضلة يا من رحمته واسعة يا غياث المستغيثين
كه نعمتهاء او زياده است اى كسى كه رحمت او وسيع است اى فرياد رس طلب فرياد رسى كنندگان
يا مجيب دعوة المضطرين يا من هو بالمنظر الاعلى وخلقه
اى اجابت كننده دعاى مضطران اى كسى كه او در منظر اعلى است و مخلوقات او
بالمنزل الادنى يا رب الارواح الفانية يا رب
در منزل پست تراند اى پروردگار جانهاى فنا شونده اى پروردگار
الاجساد البالية يا ابصر الناظرين يا اسمع السامعين
بدنهاى كهنه شونده اى بيناترين نظر كنندگان اى شنونده ترين شنوندگان
يا اسرع الحاسبين يا احكم الحاكمين يا واهب
اى زود ترين حساب كنندگان اى حكم كننده ترين حكم كنندگان اى بخشنده
العطايا يا مطلق الاسارى يا رب العزة يا اهل
عطاها اى رها كننده اسيران اى پروردگار عزت اى سزاوار
التقوى والمغفرة يا من لا يدرك امده يا من لا يحصى
پرهيزكارى و آمرزش اى كسى كه ادراك كرده نميشود نهايت او اى كسى كه شمرده نميشود
عدده يا من لا ينقطع مدده اشهد والشهادة لي
عدد او اى كسى كه منقطع نميشود مدد او گواهى ميدهم و حال آنكه گواهى براى من
رفعة وعدة وهي مني سمع وطاعة وبها ارجو
بلندى و ذخيره ايست و آن از من شنيدنى و اطاعت كردنى است و بسبب آن اميد وارم

المفازة يوم الحسرة والندامة انك انت الله لا اله
بمقصد رسيدن را در روز حسرت و پشيمانى بدرستى كه تو توئى خداى كه نيست خدائى
الا انت وحدك لا شريك لك وان محمدا عبدك
مگر تو يگانه نيست شريكى براى تو و اينكه محمد بنده تو
ورسولك صلواتك عليه وآله وانه قد بلغ
و رسول تست رحمتهاى تو بر او و آل او باد و اينكه او بتحقيق كه رسانيد
عنك وادى ما كان واجبا عليه لك وانك
از جانب تو و ادا كرد آنچه بود واجب بر او براى تو و اينكه تو
تعطي دائما وترزق وتعطي وتمنع وترفع وتضع
عطا ميكنى هميشه و روزى ميدهى و عطا ميكنى و منع ميكنى و بلند ميكنى و پست ميكنى
وتغني وتفقر وتخذل وتنصر وتعفو و
و غنى ميكردانى و فقير ميسازى و وا ميگذارى و يارى ميكنى و عفو ميكنى و
ترحم وتصفح وتجاوز عما تعلم ولا تجور
رحم ميكنى و در ميگذرى و تجاوز ميكنى از آنچه ميدانى و جور نميكنى
ولا تظلم وانك تقبض وتبسط وتمحو وتثبت و
و ستم نميكنى و اينكه تو ميستانى و پهن ميكنى و محو ميكنى و ابتدا ميكنى و
تبدئ وتعيد وتحيي وتميت وانت حي لا تموت فصل
عود ميفرمائى و زنده ميگردانى و ميميرانى و تو زنده كه نميميرى پس رحمت بفرست

علی محمد و آله و اهدنی من عندک و افض علیّ
بر محمد و آل او و هدایت کن مرا از نزد خودت و فرو ریز بر من
من فضلک و انشر علیّ من رحمتک و انزل علیّ من
از فضل خودت و پهن کن بر من از رحمت خودت و نازل گردان بر من از
برکاتک فطال ما عوّدتنی الحسن الجمیل و اعطیتنی
برکتهای خودت پس دیری است که عادت فرموده مرا به نیکی نیکو و عطا کرده بمن
الکثیر الجزیل و سترت علیّ القبیح اللهمّ فصلّ
بسیار بزرگ را و پوشانیده بر من عمل زشت را خداوندا پس رحمت فرست
علی محمد و آله و عجّل فرجی و اقلنی عثرتی و
بر محمد و آل او و تعجیل کن در گشایش کار من و درگذر از لغزش من و
ارحم عبرتی و اردُدنی الی افضل عادتک
رحم کن اشک مرا و بازگردان مرا بسوی بهترین عادت خودت
عندی و استقبل بی صحّة من سقمی و سعة من
نزد من و استقبال فرمای بمن تندرستی مرا از بیماری من و توسعه را از
عدمی و سلامة شاملة فی بدنی و بصیرة نافذة
بیچیزی من و سلامتی فروگیرنده را در بدن من و بینائی رسائی را
فی دینی و مهّدنی و اعنّی علی استغفارک و
در دین من و اصلاح کن مرا و اعانت کن مرا بر طلب آمرزش کردن از تو و

استقالتک

استقالتک قبل ان یفنی الاجل و ینقطع العمل
طلب کردن درگذشتن تو پیش از آنکه آخر شود عمر و منقطع شود عمل
و اعنّی علی الموت و کربته و علی القبر و وحشته
و یاری کن مرا بر مردن و اندوه آن و بر قبر و وحشت آن
و علی المیزان و خفّته و علی الصراط و زلّته و علی
و بر ترازوی عمل و سبک بودن آن و بر پل صراط و لغزیدن از آن و بر
یوم القیمة و روعته و اسألک نجاح العمل قبل
روز قیامت و ترس از آن روز و سؤال میکنم از تو فایز شدن بعمل نیکو را پیش از آن
انقطاع الاجل و قوّة فی سمعی و بصری و استعمالا
بریده شدن عمر و قوت را در گوش من و چشم من و کار فرمودنی
لصالح ما علّمتنی و فهّمتنی انّک انت الربّ الجلیل
برای شایسته آنچه یاد داده بمن و فهمانیده بمن بدرستی که تو توئی پروردگار بزرگوار
و انا العبد الذلیل و شتّان ما بیننا یا حنّان
و منم بنده خوار و بسیار دوری و تفاوت است میان من و تو ای بسیار مهربان
یا منّان یا ذا الجلال و الاکرام و صلّ علی من به
ای بسیار نعمت دهنده ای صاحب بزرگی و گرامی داشتن و رحمت بفرست بر کسی که بسبب او
فهّمتنا و هو اقرب وسائلنا الیک ربّنا محمّد
فهمانیده بما و او نزدیک ترین وسیلهای ماست بسوی تو ای پروردگار ما یعنی محمد

وَآلِهِ وَعِتْرَتِهِ الطّاهِرِينَ وَاز جملهٔ دعاهائی که
وَآلِ او وَاَولادِ او که پاکانند جلالت و فضيلت آنها بسيار است
وشرايط كمال وخوبی را بغايت جمع نموده اند
وخواندن آنها اختصاص بصبح وشام دارد دعائی
است که مشهور است بدعاء جريق واز حضرت امام
زين العابدين عليه الصلوة والسلم روايت شده است ودعا اينست
اَللّٰهُمَّ اِنّی اَصْبَحْتُ اُشْهِدُكَ وَكَفیٰ بِكَ شَهِيدًا
خداوندا بدرستی که من صبح کرده ام درحالیکه گواه میگیرم تورا وبس تو برای گواه بودن
وَاُشْهِدُ مَلٰئِكَتَكَ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ وَسُكّانَ
وگواه میگیرم فرشتگان تورا وبردارندگان عرش تورا وساکنان
سَبْعِ سَمٰواتِكَ وَاَرَضِيكَ وَاَنْبِيٰاءَكَ وَرُسُلَكَ
آسمانهای هفتگانهٔ تو وزمینهای هفتگانهٔ تورا وپیغمبران تو ورسولان تو
وَوَرَثَةَ اَنْبِيٰائِكَ وَالْخٰالِصِينَ مِنْ عِبٰادِكَ وَجَمِيعَ
ووارثان پیغمبران تورا ومخلصان از بندگان تو وهمه
خَلْقِكَ فَاشْهَدْ لِی وَكَفیٰ بِكَ شَهِيدًا اَنّی اَشْهَدُ
آفریدگان تورا پس گواه شو برای من وبس تو برای گواه بودن اینکه من گواهی میدهم
اَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ الْمَعْبُودُ وَحْدَكَ لا
اینکه تو توئی خدائی که نیست خدا مگر تو عبادت کرده شدهٔ تنهائی نیست

وثنای مشهور بدعای جریق

شریک

شَرِيكَ لَكَ وَاَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَاَنَّ كُلَّ
شریکی برای تو واینکه محمد بندهٔ تو ورسول تست واینکه هر
مَعْبُودٍ مِنْ دُونِ عَرْشِكَ اِلیٰ قَرارِ اَرَضِيكَ السّابِعَةِ
عبادت کرده شدهٔ از پایین عرش تو تا قرارگاه زمین هفتمین
السُّفْلیٰ باطِلٌ مُضْمَحِلٌّ ما خَلا وَجْهَكَ الْكَرِيمَ
پایین تر تو باطل وبرطرف شونده است غیر ذات کریم تو
فَاِنَّهُ اَعَزُّ وَاَكْرَمُ وَاَجَلُّ وَاَعْظَمُ مِنْ اَنْ يَصِفَ
پس بدرستی که او عزیزتر وگرامی تر وجلیل تر وعظیم تر است از اینکه وصف کنند
الْواصِفُونَ كُنْهَ جَلالِهِ اَوْ تَهْتَدِیَ الْقُلُوبُ اِلیٰ
وصف کنندگان نهایت بزرگی اورا یا اینکه راه بیابند دلها بسوی
كُنْهِ عَظَمَتِهِ يا مَنْ فاقَ مَدْحَ الْمادِحِينَ فَخْرُ مَدْحِهِ
کنه عظمت او ای کسی که برتر است از مدح مدح کنندگان فخر مدح او
وَعَدَا وَصْفَ الْواصِفِينَ مَآثِرُ حَمْدِهِ وَجَلَّ عَنْ
وتجاوز کرده است از وصف وصف کنندگان صفتهای نیکوی حمد او وبلند است از
مَقالِ النّاطِقِينَ تَعْظِيمُ شَأْنِهِ بعد از آن سه مرتبه نیکوئی صَلِّ
گفتن گویندگان تعظیم شان او رحمت بفرست
عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بی ما اَنْتَ اَهْلُهُ يا
بر محمد وآل محمد وبکن بمن آنچه تو سزاوار آنی ای

اهل التقوى واهل المغفرة بعد از آن یازده مرتبه بگوید لا اله
سزاوار پرهیزکاری و سزاوار آمرزش نیست خدایی
الا الله وحده لا شریک له سبحان الله وبحمده
مگر الله یگانه است نیست شریکی برای او بپاکی یاد میکنم خدا را و ملتبسم بحمد او
استغفر الله واتوب الیه ما شاء الله لا قوة
طلب آمرزش میکنم از خدا و بازگشت میکنم بسوی او آنچه خواسته است خدا شده است نیست توانایی
الا بالله هو الاول والآخر والظاهر والباطن
مگر بخدا اوست اول و آخر و ظاهر و باطن
له الملک وله الحمد یحیی ویمیت ویمیت ویحیی
برای اوست پادشاهی و برای اوست ستایش زنده میکند و میمیراند و میمیراند و زنده میکند
وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر
و او زنده است که نمی میرد بدست اوست خیر و او بر همه چیز قادر است
بعد از آن یازده مرتبه بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا
تسبیح میکنم خدا را و ستایش مر خدا راست و نیست خدایی مگر
الله والله اکبر استغفر الله واتوب الیه ما
الله و خدا بزرگتر است طلب آمرزش میکنم از خدا و بازگشت میکنم بسوی او آنچه
شاء الله لا قوة الا بالله لا حول ولا قوة الا بالله
خواسته است خدا شده است نیست توانایی مگر بخدا نیست گردیدنی و نه توانایی مگر بخدا

الحلیم الکریم العلی العظیم الرحمن الرحیم الملک
بردبار صاحب کرم بلند رتبه بزرگ مرتبه بخشاینده مهربان پادشاه
القدوس الحق المبین عدد خلقه وزنة عرشه و
بسیار پاکیزه حق هویدا میکنم این را بعدد مخلوقات او و هم وزن عرش او و
ملء سمواته وارضیه وعدد ما جری به قلمه و
بقدر پری آسمانهای او و زمینهای او و بعدد آنچه جاری شده است بآن قلم او و
احصاه کتابه ومداد کلماته ورضاه لنفسه
شمرده است آنرا کتاب او و بقدر مداد کلمات او و بقدر خوشنودی او برای ذات خود
بعد از آن بگوید اللهم صل علی محمد وآل محمد المبارکین
خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد که صاحبان برکتند
وصل علی جبرئیل ومیکائیل واسرافیل وحملة
و رحمت بفرست بر جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و بردارندگان
عرشک اجمعین والملائکة المقربین اللهم صل
عرش تو همه و فرشتگان مقرب خداوندا رحمت بفرست
علیهم جمیعا حتی تبلغهم الرضا وتزیدهم بعد
بر ایشان همه تا اینکه برسانی بایشان خوشنودی را و زیاده کنی برای ایشان بعد از
الرضا مما انت اهله یا ارحم الراحمین اللهم
خوشنودی از آنچه تو سزاوار آنی ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا

صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَىٰ مَلَكِ الْمَوْتِ وَأَعْوَانِهِ
رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و رحمت بفرست بر ملک الموت و یاوران او
وَصَلِّ عَلَىٰ رِضْوَانَ وَخَزَنَةِ الْجِنَانِ وَصَلِّ عَلَىٰ مَالِكٍ
و رحمت بفرست بر رضوان و خازنان بهشت و رحمت بفرست بر مالک
وَالْخَزَنَةِ النِّيرَانِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ حَتّٰى تُبَلِّغَهُمُ
و خازنان آتشها خداوندا رحمت بفرست بر ایشان تا اینکه برسانی ایشان را
الرِّضَا وَتَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ
خوشنودی را و زیاده کنی برای ایشان بعد از خوشنودی از آنچه تو سزاوار آنی ای رحم کننده‌ترین
الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ وَالسَّفَرَةِ
رحم کنندگان خداوندا رحمت بفرست بر کرام الکاتبین و نویسندگان
الْكِرَامِ الْبَرَرَةِ وَالْحَفَظَةِ لِبَنِي آدَمَ وَصَلِّ عَلَىٰ مَلٰئِكَةِ
گرامی نیکوکاران و نگاه دارندگان بنی آدم و رحمت بفرست بر فرشتگان
الْهَوَاءِ وَمَلٰئِكَةِ الْأَرَضِينَ السُّفْلٰى وَمَلٰئِكَةِ اللَّيْلِ وَ
هواء و فرشتگان زمینهای پست‌تر و فرشتگان شب و
النَّهَارِ وَالْأَرْضِ وَالْأَقْطَارِ وَالْبِحَارِ وَالْأَنْهَارِ وَ
روز و زمین و اطراف و دریاها و نهرها و
الْبَرَارِي وَالْفَلَوَاتِ وَالْقِفَارِ وَصَلِّ عَلَىٰ مَلٰئِكَتِكَ
صحراها و بیابانها و چولها و رحمت بفرست بر فرشتگان خود

رضوان فرشته ایست که موکل بر بهشت است
مالک فرشته ایست که موکل بر جهنم است

الَّذِينَ أَغْنَيْتَهُمْ عَنِ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ بِتَسْبِيحِكَ وَ
که بی نیاز کرده ایشان را از خوردنی و آشامیدنی به تسبیح کردن ایشان و
عِبَادَتِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ حَتّٰى تُبَلِّغَهُمُ الرِّضَا
عبادت کردن ایشان تو را خداوندا رحمت بفرست بر ایشان تا اینکه برسانی با ایشان خوشنودی را
وَتَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ
و زیاده کنی برای ایشان بعد از خوشنودی از آنچه تو سزاوار آنی ای رحم کننده‌ترین
الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَىٰ
رحم کنندگان خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و رحمت بفرست بر
أَبِينَا آدَمَ وَأُمِّنَا حَوَّاءَ وَمَنْ وَلَدَا مِنَ النَّبِيِّينَ وَ
پدر ما آدم و مادر ما حوا و هر که زاییده‌اند او را از پیغمبران و
الصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
صدیقان و شهیدان و صالحان خداوندا رحمت بفرست
عَلَيْهِمْ حَتّٰى تُبَلِّغَهُمُ الرِّضَا وَتَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا
بر ایشان تا اینکه برسانی با ایشان خوشنودی را و زیاده کنی برای ایشان بعد از خوشنودی
مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
از آنچه تو سزاوار آنی ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان خداوندا رحمت بفرست
عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ وَعَلَىٰ أَصْحَابِهِ الْمُنْتَجَبِينَ
بر محمد و اهل بیت او که پاکیزگانند و بر اصحاب او که برگزیدگانند

یعنی تسبیح و عبادت کردن غذای ایشان
است و ایشان را غذای طعام و شراب است
و دیگر احتیاج به طعام و شراب
ندارند

وعلى ازواجه المطهرات وعلى ذريّة محمّد وعلى كلّ

و بر زنان او كه پاك باشند و بر اولاد محمد و بر هر

نبيّ بشّر بمحمّد وعلى كلّ نبيّ ولد محمّدا وعلى

پيغمبرى كه بشارت داده است بمحمد و بر هر پيغمبرى كه محمد از و بوجود امده و بر

كلّ امرأة كفلت محمّدا وعلى كلّ ملك هبط على

هر زنى كه پرستارى نموده است محمد را و بر هر فرشته كه فرود امده است بر

محمّد وعلى كلّ من في صلاتك عليه رضا لك

محمد و بر هر كسى كه در رحمت فرستادن تو برو خوشنودى باشد براى تو

ورضا لنبيّك محمّد عليه واله السّلام اللّهمّ

و خوشنودى باشد براى پيغمبر تو محمد كه برو و بر ال او باد سلام خداوندا

صلّ عليهم حتّى تبلّغهم الرّضا وتزيدهم بعد

رحمت بفرست بر ايشان تا اينكه برسانى بايشان خوشنودى را و زياد كنى براى ايشان بعد از

الرّضا ممّا انت اهله يا ارحم الرّاحمين اللّهمّ

خوشنودى از انچه تو سزاوارى اى رحم كننده ترين رحم كنندگان خداوندا

صلّ على محمّد وال محمّد وبارك على محمّد وال محمّد

رحمت بفرست بر محمد و ال محمد و بركت فرست بر محمد و ال محمد

وارحم محمّدا وال محمّد كافضل ما صلّيت وباركت

و رحم كن محمد و ال محمد را مانند بهترين انچه رحمت فرستاده و بركت داده

وترحمت

وترحّمت على ابرهيم وال ابرهيم انّك حميد مجيد

و رحم كرده بر ابرهيم و ال ابرهيم بدرستى كه تو ستوده شده بزرگى

اللّهمّ اعط محمّدا الوسيلة والفضل والفضيلة

خداوندا عطا كن بمحمد وسيله را و زيادتى و فضيلت

والدّرجة الرّفيعة واعطه حتّى يرضى وزده

و مرتبه بلند را و عطا كن باو تا انكه خوشنود شود و زياد كن براى او

بعد الرّضا ممّا انت اهله اللّهمّ صلّ على محمّد

بعد از خوشنودى از انچه تو سزاوارى خداوندا رحمت بفرست بر محمد

وال محمّد بعدد من صلّى عليه اللّهمّ صلّ على محمّد

و ال محمد بعدد هر كه صلوات فرستاده است براو خداوندا رحمت بفرست بر محمد

وال محمّد كما ينبغي لنا ان نصلّي عليه ممّا انت

و ال محمد چنانكه سزاوار است براى ما باينكه صلوات فرستيم برو از انچه تو

اهله يا ارحم الرّاحمين اللّهمّ صلّ على محمّد وال

سزاوارى اى رحم كننده ترين رحم كنندگان خداوندا رحمت بفرست بر محمد و ال

محمّد كما امرتنا ان نصلّي عليه اللّهمّ صلّ على

محمد چنانكه امر كردى ما را باينكه صلوات فرستيم براو خداوندا رحمت بفرست

محمّد وال محمّد بعدد من لم يصلّ عليه اللّهمّ صلّ

محمد و ال محمد بعدد هر كه صلوات نفرستاده است برو خداوندا رحمت بفرست

عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ كُلِّ حَرْفٍ فِي صَلَوٰةٍ صُلِّيَتْ
بر محمد و آل محمد بعدد هر حرفی در صلواتی که صلوات فرستاده شد
عَلَيْهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِكُلِّ شَعْرَةٍ
براو خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد بعدد هر موئی
وَلَفْظَةٍ وَلَحْظَةٍ وَنَفَسٍ وَصِفَةٍ وَسُكُونٍ وَحَرَكَةٍ
و تلفظ کردنی و ملاحظه نمودنی و جانی و صفتی و سکونی و حرکتی
مِمَّنْ صَلّٰى عَلَيْهِ وَمِمَّنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ وَبِعَدَدِ
از کسانی که صلوات فرستاده باشد براو و از کسانی که صلوات نفرستاده باشد براو و بعدد
سَاعَاتِهِمْ وَدَقَائِقِهِمْ وَسُكُونِهِمْ وَحَرَكَاتِهِمْ
ساعتهای ایشان و دقیقهای ایشان و سکون ایشان و حرکتهای ایشان
وَحَقَائِقِهِمْ وَمِيقَاتِهِمْ وَصِفَاتِهِمْ وَأَيَّامِهِمْ
و حقیقتهای ایشان و وقتهای ایشان و صفتهای ایشان و روزهای ایشان
وَشُهُورِهِمْ وَسِنِيهِمْ وَأَشْعَارِهِمْ وَأَبْشَارِهِمْ
و ماههای ایشان و سالهای ایشان و موهای ایشان و پوستهای ایشان
وَبِعَدَدِ زِنَةِ ذَرِّ مَا عَمِلُوا أَوْ يَعْمَلُونَ أَوْ كَانَ
و بعدد هم وزن ذره آنچه عمل کرده اند یا عمل میکنند یا صادر شده است
مِنْهُمْ أَوْ يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ وَكَأَضْعَافِ ذٰلِكَ
از ایشان یا میشود تا روز قیامت و مانند دوچندانها آن

اضعافا

أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً إِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
دوچندانهای زیاده کرده شده تا روز قیامت ای رحم کننده ترین رحم کنندگان
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ مَا خَلَقْتَ وَمَا
خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد بعدد آنچه خلق کرده و آنچه
أَنْتَ خَالِقُهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ صَلَوٰةً تُرْضِيهِ اَللّٰهُمَّ
تو خلق کننده آنی تا روز قیامت رحمتی که راضی گردانی او را خداوندا
فَلَكَ الْحَمْدُ وَالثَّنَاءُ وَالشُّكْرُ وَالْفَضْلُ وَالْمَنُّ
پس برای تست حمد و ستایش و شکر و فضل و نعمت
وَالطَّوْلُ وَالْخَيْرُ وَالْحُسْنٰى وَالنِّعْمَةُ وَالْعَظَمَةُ وَ
و احسان و خیر و نیکی و نعمت و عظمت و
الْجَبَرُوتُ وَالْمُلْكُ وَالْمَلَكُوتُ وَالْقَهْرُ وَالسُّلْطَانُ
بزرگواری و پادشاهی و پادشاهی بزرگ و غلبه و تسلط
وَالْفَخْرُ وَالسُّودَدُ وَالْاِمْتِنَانُ وَالْكَرَمُ وَالْجَلَالُ وَ
و فخر و بزرگی و نعمت و کرم و عظمت و
الْاِكْرَامُ وَالْخَيْرُ وَالتَّوْحِيدُ وَالتَّمْجِيدُ وَالتَّحْمِيدُ
گرامی داشتن و خوبی و حکم بیگانگی و بزرگی و حمد کردن
وَالتَّهْلِيلُ وَالتَّكْبِيرُ وَالتَّقْدِيسُ وَالرَّحْمَةُ وَالْمَغْفِرَةُ
و تهلیل و تکبیر و حکم بپاک بودن و رحمت و آمرزش

وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْعَظَمَةُ وَلَكَ مَا زَكَى وَطَابَ وَطَهُرَ مِنَ
وبزرگواری و بزرگی وبرای تست انچه پاکیزه وخوش وپاک باشد از
الثَّنَاءِ الطَّيِّبِ وَالْمَدِيحِ الْفَاخِرِ وَالْقَوْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ
ستایش پاکیزه ومدیح فخرکننده وگفتار خوب نیکوئی
الَّذِي تَرْضَى بِهِ عَنْ قَائِلِهِ وَتُرْضِي بِهِ قَائِلَهُ وَ
که خوشنود کردی بآن از گوینده آن وراضی کردانی بسبب آن گوینده انرا و
هُوَ رِضًا لَكَ يَتَّصِلُ حَمْدِي بِحَمْدِ أَوَّلِ الْحَامِدِينَ
ان رضا است باشد برای تو پیوسته کردد حمد من بحمد اول حمد کنندگان
وَثَنَائِي بِثَنَاءِ أَوَّلِ الْمُثْنِينَ عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ مُتَّصِلًا
وستایش من بستایش اول ستایش کنندگان بر پروردگار عالمیان درحالیکه متصل باشد
ذَلِكَ بِذَلِكَ وَتَهْلِيلِي بِتَهْلِيلِ أَوَّلِ الْمُهَلِّلِينَ وَتَكْبِيرِي
آن بآن وپیوسته باشد تهلیل من بتهلیل اول تهلیل کنندگان وتکبیر من
بِتَكْبِيرِ أَوَّلِ الْمُكَبِّرِينَ وَقَوْلِيَ الْحَسَنُ الْجَمِيلُ بِقَوْلِ
بتکبیر اول تکبیر کنندگان وگفتار خوب نیکوی من بگفتار
أَوَّلِ الْقَائِلِينَ الْمُجْمِلِينَ الْمُثْنِينَ عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ
اول گویندگان نیکوگفتار ثناگویان بر پروردگار عالمیان
مُتَّصِلًا ذَلِكَ بِذَلِكَ وَتَهْلِيلِي بِتَهْلِيلِ أَوَّلِ الْمُجْمِلِينَ
درحالیکه متصل باشد آن بآن وپیوسته باشد تهلیل من بتهلیل اول نیکوگفتاران

الْمُثْنِينَ عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ مُتَّصِلًا ذَلِكَ بِذَلِكَ مِنْ أَوَّلِ
ثناگویان بر پروردگار عالمیان درحالیکه متصل باشد آن بآن از ابتداء
الدَّهْرِ إِلَى آخِرِهِ وَبِعَدَدِ ذَرَّاتِ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرَضِينَ
روزگار تا آخر آن و بعدد ذره آسمانها و زمینها
وَالرِّمَالِ وَالتِّلَالِ وَالْجِبَالِ وَعَدَدِ جُرَعِ مَاءِ الْبِحَارِ
و ریگها و تلها وکوهها وعدد جرعهای آب دریاها
وَعَدَدِ قَطْرِ الْأَمْطَارِ وَوَرَقِ الْأَشْجَارِ وَعَدَدِ النُّجُومِ
وعدد قطرهای بارانها و برگ درختان و عدد ستارها
وَعَدَدِ الثَّرَى وَالْحَصَى وَالنَّوَى وَالْمَدَرِ وَعَدَدِ زِنَةِ
و عدد خاک وسنگ ریزها وهسته خرما وکلوخها وعدد هم وزن
ذَلِكَ وَعَدَدِ زِنَةِ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرَضِينَ وَمَا فِيهِنَّ
آن وعدد هم وزن آسمانها و زمینها و انچه در آنهاست
وَمَا بَيْنَهُنَّ وَمَا تَحْتَهُنَّ وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ وَمَا فَوْقَ ذَلِكَ
وانچه میان آنها وانچه زیر آنهاست وانچه میان آن وانچه بالای آنست
إِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ مِنْ لَدُنِ الْعَرْشِ إِلَى قَرَارِ أَرْضِكَ
تا روز قیامت از نزد عرش تو تا قرارگاه زمین
السَّابِعَةِ السُّفْلَى وَبِعَدَدِ حُرُوفِ أَلْفَاظِ أَهْلِهِنَّ
هفتمین پایین تو وبعدد حرفهای لفظهای اهل آنها

وَعَدَدِ اَزْمانِهِمْ وَدَقائِقِهِمْ وَشَعائِرِهِمْ وَساعاتِهِمْ
وعدد زمانهای ایشان ودقیقهای ایشان وعلامتهای ایشان وساعتهای ایشان
وَاَیّامِهِمْ وَشُهُورِهِمْ وَسِنِیهِمْ وَسُکُونِهِمْ وَحَرَکاتِهِمْ
وروزهای ایشان وماههای ایشان وسالهای ایشان وسکون ایشان وحرکتهای ایشان
وَاَشْعارِهِمْ وَاَبْشارِهِمْ وَعَدَدِ زِنَةِ ما عَمِلُوا اَوْ یَعْمَلُونَ
وموها ایشان وپوستها ایشان وعدد هم وزن انچه کرده اند یا میکنند
اَوْ بَلَغَهُمْ اَوْ رَاَوْا اَوْ ظَنُّوا اَوْ فَطِنُوا اَوْ کانَ مِنْهُمْ
یا رسیده است بایشان یا دانسته اند یا گمان کرده اند یا منفطن شده اند یا صادر شده از ایشان
اَوْ یَکُونُ مِنْهُمْ اِلی یَوْمِ الْقِیمَةِ وَعَدَدِ زِنَةِ ذَرِّ ذٰلِکَ
یا صادر میشود از ایشان تا روز قیامت وعدد هم وزن ذره آن
وَاَضْعافِ ذٰلِکَ وَکَاَضْعافِ ذٰلِکَ اَضْعافاً
و چندانهای آن ومانند دو چندانهای آن دو چندانهای
مُضاعَفَةً لا یَعْلَمُها وَلا یُحْصِیها غَیْرُکَ یا ذَا الْجَلالِ
زیاد کرده شده که نداند آنها را وشمارد آنها را غیر تو ای صاحب بزرگی
وَالْاِکْرامِ وَاَهْلُ ذٰلِکَ اَنْتَ وَمُسْتَحِقُّهُ وَمُسْتَوْجِبُهُ
وگرامی داشتن وسزاوار این توئی ومستحق آن ومستوجب آنی
مِنّی وَمِنْ جَمِیعِ خَلْقِکَ یا بَدِیعَ السَّمٰواتِ وَالْاَرْضِ
از من واز همه خلق خودت ای از نو آفریننده آسمانها وزمین

اللهم

اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ لَسْتَ بِرَبٍّ اِسْتَحْدَثْناکَ وَلا مَعَکَ اِلٰهٌ
خداوندا بدرستی که تو نیستی پروردگاری که ما احداث کرده باشیم تو را ونیست با تو معبودی
فَیَشْرَکُکَ فی رُبُوبِیَّتِکَ وَلا مَعَکَ اِلٰهٌ اَعانَکَ
پس شریک شود با تو در پروردگاری تو ونیست با تو خدائی که یاری کرده باشد تو را
عَلیٰ خَلْقِنا اَنْتَ رَبُّنا کَما تَقُولُ وَفَوْقَ ما یَقُولُ
بر آفریدن ما تو پروردگار مائی چنانکه میگوئی وبالاتر از انچه میگویند
الْقائِلُونَ اَسْاَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ
گویندگان سؤال میکنم تو را اینکه رحمت فرستی بر محمد وآل محمد واینکه
تُعْطِیَ مُحَمَّداً اَفْضَلَ ما سَاَلَکَ وَاَفْضَلَ ما سُئِلْتَ لَهُ
عطا کنی بمحمد بهترین انچه سؤال کرده است از تو وبهترین انچه سؤال کرده شده تو را برای او
وَاَفْضَلَ ما اَنْتَ مَسْئُولٌ لَهُ اِلیٰ یَوْمِ الْقِیمَةِ اُعِیذُ
وبهترین انچه تو سؤال کرده میشوی برای او تا روز قیامت پناه میدهم
اَهْلَ بَیْتِ نَبِیِّ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَنَفْسی وَ
اهل بیت پیغمبر من محمد صلی الله علیه وآله را ونفس خود را
دِینی وَمالی وَوَلَدی وَاَهْلی وَقَراباتی وَاَهْلَ بَیْتی
ودین خود ومال خود واولاد خود واهل خود ونزدیکان خود واهل بیت خود
وَکُلَّ ذی رَحِمٍ لی دَخَلَ فِی الْاِسْلامِ اَوْ یَدْخُلُ
وهر صاحب خویشی را برای من که داخل شده است در دین اسلام یا داخل شود

إلى يوم القيمة وخزائني وخاصتي ومن قلدني

تا روز قيامت وخزانه خودرا ومخصوصان خودرا وهركرا كه بر كردن من احسان است

دعاء او اسدى إلي يدا او رد عني غيبة او

دعائی یا احسان کرده است بسوی من نعمتی را یا باز کردانیده است از من غیبتی را یا

قال في خيرا او اتخذت عنده يدا او صنيعة

كفته است در باره من خیری را یا فرا کرفته ام نزد او نعمتی یا احسانی را

وجيراني واخواني من المؤمنين والمؤمنات بالله

وهمسایکان خود وبرادران خودرا از مردان مؤمن و زنان مؤمنه بخدا

وباسمائه التامة العامة الشاملة الكاملة

وبنامهای او که تمام و عام و شامل و کامل

الطاهرة الفاضلة المباركة المتعالية الزكية

و پاك وصاحب فضیلت وصاحب برکت و بلند و پاکیزه

الشريفة المنيعة الكريمة العظيمة المخزونة

و شریف وقوی غالب و کرامی و بزرك وخزانه کرده شده

المكنونة التي لا يجاوزهن بر ولا فاجر وبام

وپنهان کرده شده اند که تجاوز نمیکند از انها نیکوکاری و نه بدکرداری وبام

الكتاب وخاتمته وما بينهما من سورة شريفة و

الكتاب واخر كتاب وانچه در میان ام الكتاب واخر كتاب است از سوره شریفه و

ايه

اية محكمة وشفاء ورحمة وعوذة وبركة و

ایه محکمه وشفائی ورحمتی و تعویذی و برکتی و

بالتورية والانجيل والزبور والفرقان وصحف ابرهيم

بتورات و انجیل و زبور و قران وصحف ابرهیم

وموسى وبكل كتاب انزله الله وبكل رسول ارسله

و موسی و بهر کتابی که نازل کردانیده است انرا خدا وبهر پیغمبر مرسلی که فرستاده است او را

الله وبكل حجة اقامها الله وبكل برهان اظهره

خدا و بهر حجتی که بر پای داشته است انرا خدا وبهر دلیلی که ظاهر کرده است انرا

الله وبكل نور اناره الله وبكل الاء الله وعظمته

خدا و بهر نوری که روشن کرده است انرا خدا و بهمه نعمتهای خدا و بزرکی او

اعيذ نفسي واستعيذ من شر كل ذي شر ومن شر ما

پناه میدهم نفس خودرا وپناه میجویم از شر هر صاحب شری واز شر انچه

اخاف واحذر ومن شر ما ربي منه اكبر ومن

میترسم وحذر میکنم واز شر انچه پروردکار من از ان بزرکتر است واز

شر فسقة العرب والعجم ومن شر فسقة الجن و

شر فاسقان عرب و عجم و از شر فاسقان جنیان و

الانس والشياطين والسلاطين وابليس وجنوده

ادمیان و شیاطین و پادشاهان و ابلیس و لشکرهای او

وَأَشْيَاعِهِ وَأَتْبَاعِهِ وَمِنْ شَرِّ مَا فِي النُّورِ وَالظُّلْمَةِ وَ
و پیروان او و تابعان او و از شرّ آنچه در روشنی و تاریکی است و
مِنْ شَرِّ مَا دَهَمَ أَوْ هَجَمَ أَوْ أَلَمَّ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ غَمٍّ وَهَمٍّ
از شرّ آنچه فرو گیرد یا هجوم کند یا نازل شود و از شرّ هر غمی و اندوهی
وَآفَةٍ وَنَدَمٍ وَنَازِلَةٍ وَسَقَمٍ وَمِنْ شَرِّ مَا يَحْدُثُ
و آفتی و پشیمانی و بلائی و بیماری و از شرّ آنچه حادث می‌شود
فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَتَأْتِي بِهِ الْأَقْدَارُ وَمِنْ شَرِّ مَا
در شب و روز و می‌آورد آنرا تقدیرات و از شرّ آنچه
فِي النَّارِ وَشَرِّ مَا فِي الْأَرَضِينَ وَالْأَقْطَارِ وَالْفَلَوَاتِ
در آتش است و شرّ آنچه در زمینها و اطراف زمین و صحراها
وَالْبِحَارِ وَالْأَنْهَارِ وَمِنْ شَرِّ الْفُسَّاقِ وَالْفُجَّارِ وَ
و دریاها و نهرهاست و از شرّ همه فاسقان و فاجران و
الْكُهَّانِ وَالسُّحَّارِ وَالْحُسَّادِ وَالذُّعَّارِ وَالْأَشْرَارِ
کاهنان و ساحران و حسدبرندگان و افساکنندگان و بدان
وَمِنْ شَرِّ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ
و از شرّ آنچه فرو می‌رود در زمین و آنچه بیرون می‌آید از آن و آنچه نازل می‌شود
مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ إِلَيْهَا وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ وَمِنْ
از آسمان و آنچه بالا می‌رود بسوی آسمان و از شرّ هر صاحب شرّی و از

شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ
شرّ هر جنبنده که پروردگار من گرفته است ناصیهٔ آنرا بدرستی که پروردگار من بر راه
مُسْتَقِيمٍ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ
راست است پس اگر رو بگردانند پس بگو بس است مرا خدا نیست خدائی مگر او بر او
تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَأَعُوذُ بِكَ اللّٰهُمَّ
توکل کرده‌ام و او پروردگار عرش بزرگست و پناه می‌برم بتو خداوندا
مِنَ الْهَمِّ وَالْحُزْنِ وَالْعَجْزِ وَالْكَسَلِ وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ
از غم و اندوه و عاجز شدن و کسالت و بی‌جرأتی و بخل ورزیدن
وَمِنْ ضَلَعِ الدَّيْنِ وَغَلَبَةِ الرِّجَالِ وَمِنْ عَمَلٍ لَا يَنْفَعُ
و از سنگینی قرض و غلبهٔ مردان و از عملی که نفع نرساند
وَمِنْ عَيْنٍ لَا تَدْمَعُ وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ
و از چشمی که اشک نریزد و از دلی که فروتنی نکند و از دعائی که مستجاب نشود
وَمِنْ نَصِيحَةٍ لَا تَنْجَعُ وَمِنْ صَحَابَةٍ لَا تَرْدَعُ وَمِنْ إِجْمَاعٍ
و از نصیحتی که نفع نرساند و از مصاحبانی که منع ننمایند و از عزم نمودن
عَلَى نُكْرٍ وَتَوَدُّدٍ عَلَى خُسْرٍ أَوْ تَأَخُّذٍ عَلَى خُبْثٍ وَ
بر کار قبیح و دوستی کردن بر زیان کاری یا دادو ستد نمودن بر ناخوشی و
مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ مُحَمَّدٌ وَالْمَلٰئِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَالْأَنْبِيَاءُ
از آنچه پناه جستند از آن محمد و فرشتگان مقرّب و پیغمبران

الْمُرْسَلُونَ وَالْأَئِمَّةُ الْمُطَهَّرُونَ وَالشُّهَدَآءُ وَالصَّالِحُونَ

مرسل وامامان پاك شدگان ازگناه وشهیدان وصالحان

وَعِبَادُكَ الْمُتَّقُونَ وَاسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

وبندگان متقی تو وسؤال میکنم ترا اینکه رحمت فرستی بر محمد وآل محمد

وَاَنْ تُعْطِيَنِي مِنَ الْخَيْرِ مَا سَأَلُوا وَاَنْ تُعِيذَنِي مِنَ الشَّرِّ

واینکه عطا کنی بمن از خیر آنچه را که سؤال کرده اند واینکه پناه دهی مرا از شر

مَا اسْتَعَاذُوا وَاسْأَلُكَ اللّٰهُمَّ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ عَاجِلِهِ وَ

آنچه پناه جسته اند وسؤال میکنم ترا خداوندا از خیر همه آن دنیوی آن و

آجِلِهِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ اَعْلَمْ وَاَعُوذُ بِكَ رَبِّ

اخروی آن از آنچه دانسته ام از آن واز آنچه ندانسته ام وپناه میبرم بتو ای پروردگار من

مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَاَعُوذُ بِكَ رَبِّ اَنْ يَحْضُرُونِ

از همزات شیاطین وپناه میبرم بتو ای پروردگار من از اینکه حاضر کرده شوند نزد من

بِسْمِ اللّٰهِ عَلَى اَهْلِ بَيْتِ النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

بنام خدا بر اهل بیت پیغمبر یعنی محمد صلی الله علیه

وَآلِهِ بِسْمِ اللّٰهِ عَلَى نَفْسِي وَدِينِي بِسْمِ اللّٰهِ عَلَى اَهْلِي

وآله بنام خدا بر نفس من ودین من بنام خدا بر اهل من

وَمَالِي بِسْمِ اللّٰهِ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ اَعْطَانِي رَبِّي بِسْمِ اللّٰهِ

ومال من بنام خدا بر هر چیزی که عطا کرده است بمن پروردگار من بنام خدا

علی

عَلَى اَحِبَّتِي وَوَلَدِي وَقَرَابَاتِي بِسْمِ اللّٰهِ عَلَى جِيرَانِي

بر دوستان من وفرزندان من وخویشان من بنام خدا بر همسایگان

الْمُؤْمِنِينَ وَاِخْوَانِي وَمَنْ قَلَّدَنِي دُعَآءً اَوِ اتَّخَذَ

مؤمن من وبرادران من وهر کسی که انداخته است برگردن من دعا را یا فرا گرفته است

عِنْدِي صَنِيعَةً اَوْ اَسْدَى اِلَيَّ يَدًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

نزد من احسانی را یا احسان کرده است بسوی من نعمتی را از مردان مؤمن

وَالْمُؤْمِنَاتِ بِسْمِ اللّٰهِ عَلَى مَا رَزَقَنِي رَبِّي وَيَرْزُقُنِي

وزنان مؤمنه بنام خدا بر آنچه روزی کرده است مرا پروردگار من وروزی میکند مرا

بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْاَرْضِ وَ

بنام خدائی که ضرر نمیرساند با نام او چیزی در زمین و

لَا فِي السَّمَآءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

نه در آسمان واوست شنوای دانا خداوندا رحمت فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصِلْنِي بِجَمِيعِ مَا سَأَلَكَ عِبَادُكَ

بر محمد وآل محمد ورعایت کن مرا بهمه آنچه سؤال کرده اند از تو بندگان

الْمُؤْمِنُونَ وَاَنْ تَصِلَهُمْ بِهِ مِنَ الْخَيْرِ وَاصْرِفْ عَنِّي

مؤمن تو واینکه رعایت کنی ایشان را بان از خیر وباز گردان از من

جَمِيعَ مَا سَأَلَكَ عِبَادُكَ الْمُؤْمِنُونَ اَنْ تَصْرِفَهُ عَنْهُمْ

همه آنچه را که سؤال کرده اند از تو بندگان مؤمن تو اینکه باز گردانی آن را از ایشان

مِنَ السُّوءِ وَالرَّدیٰ وَزِدْنِی مِنْ فَضْلِكَ مَا اَنْتَ اَهْلُهُ
از بدی وهلاک وزیاده کردان مرا از فضل خود آنچه تو سزاواران
وَوَلِیُّهُ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ
ومولای آنی ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا رحمت فرست بر محمد و
اَهْلِ بَیْتِهِ الطَّیِّبِینَ وَعَجِّلِ اللّٰهُمَّ فَرَجَهُمْ وَفَرَجِیْ
اهل بیت او که پاکیزه کانند و تعجیل کن خداوندا کشایش ایشان را وکشایش مرا
وَفَرِّجْ عَنْ کُلِّ مَهْمُومٍ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِنَاتِ اَللّٰهُمَّ
وکشایش ده از هر غمگینی از مردان مؤمن وزنان مؤمنه خداوندا
صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِی نَصْرَهُمْ وَاَشْهِدْنِی
رحمت فرست بر محمد وآل محمد وروزی کن بمن نصرت کردن ایشانرا وحاضر ساز مرا
اَیَّامَهُمْ وَاجْمَعْ بَیْنِی وَبَیْنَهُمْ فِی الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ
در روزکار ایشان وجمع کن میان من ومیان ایشان در دنیا وآخرت
وَاجْعَلْ مِنْكَ عَلَیْهِمْ وَاقِیَةً حَتّٰی لَا یَخْلُصَ اِلَیْهِمْ اِلَّا
وبکردان از جانب خود بر ایشان نکاهدارنده تا آنکه رسیده نشود بسوی ایشان مکر
بِسَبِیلِ خَیْرٍ وَعَلٰی تَبَعِهِمْ وَعَلٰی شِیعَتِهِمْ وَمُحِبِّیهِمْ وَ
از راه خیری و بر تابعان ایشان و بر پیروان ایشان و بر محبان ایشان و
عَلٰی اَوْلِیَائِهِمْ وَعَلٰی جَمِیعِ الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فَاِنَّكَ
بر دوستان ایشان و بر همه مردان مؤمن وزنان مؤمنه پس بدرستی که تو

یعنی کسی از دشمنان ایشان نباشد
تا به ایشان بدی کند یا آنکه دشمنی او زایل
گردد و از راه خیر رجوع بایشان
نماید

عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَمِنَ اللّٰهِ وَاِلَی اللّٰهِ
بر همه چیز بغایت توانائی بنام خدا وبیاری خدا واز جانب خدا وبسوی خدا
وَلَا غَالِبَ اِلَّا اللّٰهُ مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ حَسْبِیَ
ونیست غلبه کننده مکر خدا آنچه خواست خدا شده است نیست توانائی مکر بخدا بس است مرا
اللّٰهُ تَوَکَّلْتُ عَلَی اللّٰهِ وَاُفَوِّضُ اَمْرِی اِلَی اللّٰهِ وَ
خدا توکل کردم بر خدا وتفویض میکنم کار خود را بسوی خدا و
اَلْتَجِئُ اِلَی اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اُحَاوِلُ وَاُصَاوِلُ وَاُکَاثِرُ
التجا می آورم بسوی خدا وبخدا قصد میکنم وحمله می آورم وزیادتی میکنم
وَاُفَاخِرُ وَاَعْتَزُّ وَاَعْتَصِمُ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَاِلَیْهِ
وفخر می نمایم وعزیز میکردم وچنک می زنم بر او توکل کردم وبسوی اوست
مَتَابِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْحَیُّ الْقَیُّومُ عَدَدَ الثَّرٰی وَالنُّجُومِ
بازکشت من میکویم که نیست خدائی مکر الله که زنده بخود برپاست بعدد خاک وستارها
وَالْمَلٰئِکَةِ الصُّفُوفِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیكَ لَهُ
وفرشتگان صف زننده نیست خدائی مکر الله یکانه است نیست شریکی برای او
الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ سُبْحَانَكَ اِنِّی کُنْتُ مِنَ الظَّالِمِینَ
بلند قدر بزرک مرتبه است نیست خدائی مکر الله بپاکی یاد میکنم ترا بدرستی که من هستم از جمله ستمکاران
وَاز جمله توقیعاتی که از جانب حضرت صاحب
الزمان صلوات الله وسلامه علیه بیرون آمده است

بسوی محمد بن صلت قمی علیه الرحمة اینست که ابن دعا را
زیادتی و تتمه هست و از تتمه اینست
اَللّٰهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ
خداوندا ای پروردگار نور عظیم و پروردگار کرسی بلند
وَرَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ وَمُنْزِلَ التَّوْرٰيةِ وَالْاِنْجِيلِ وَ
و پروردگار دریای پر از آب و نازل کنندهٔ توریة و انجیل و
رَبَّ الظِّلِّ وَالْحَرُورِ وَمُنْزِلَ الزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ الْعَظِيمِ
پروردگار سایه و گرما و نازل کنندهٔ زبور و قرآن بزرگ مرتبه
وَرَبَّ الْمَلٰٓئِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالْاَنْبِيَآءِ وَالْمُرْسَلِينَ
و پروردگار فرشتگان مقرب و پیغمبران و رسولان
اَنْتَ اِلٰهُ مَنْ فِي السَّمَآءِ وَاِلٰهُ مَنْ فِي الْاَرْضِ لَا
توئی خدای هرکه در آسمانست و خدای هرکه در زمین است نیست
اِلٰهَ فِيهِمَا غَيْرُكَ وَاَنْتَ جَبَّارُ مَنْ فِي السَّمَآءِ وَجَبَّا
خدا در آسمان و زمین غیر تو و توئی جبر کنندهٔ هرکه در آسمان است و جبر کنندهٔ
مَنْ فِي الْاَرْضِ لَا جَبَّارَ فِيهِمَا غَيْرُكَ وَاَنْتَ حَكَمُ
هرکه در زمین است نیست جبر کنندهٔ در آسمان و زمین غیر تو و توئی حکم کنندهٔ
مَنْ فِي السَّمَآءِ وَحَكَمُ مَنْ فِي الْاَرْضِ لَا حَكَمَ فِيهِمَا
هرکه در آسمان است و حکم کنندهٔ هرکه در زمین است نیست حکم کنندهٔ در آسمان و زمین

غَيْرُكَ وَاَنْتَ خَالِقُ مَنْ فِي السَّمَآءِ وَخَالِقُ مَنْ فِي الْاَرْضِ
غیر تو و توئی آفرینندهٔ هرکه در آسمان است و آفرینندهٔ هرکه در زمین است
لَا خَالِقَ فِيهِمَا غَيْرُكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِوَجْهِكَ
نیست آفرینندهٔ در آسمان و زمین غیر تو خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا بحق ذات
الْكَرِيمِ وَبِنُورِ وَجْهِكَ الْمُشْرِقِ وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ يَا
کریم تو و بحق نور ذات روشن تو و پادشاهی قدیم تو ای
حَيُّ يَا قَيُّومُ اَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي اَشْرَقَتْ بِهِ
زنده ای بخود برپای سؤال میکنم ترا بنام تو که درخشنده است بان
السَّمٰوٰاتُ وَالْاَرَضُونَ وَبِاسْمِكَ الَّذِي عَلَيْهِ يَصْلَحُ
آسمانها و زمینها و بنام تو که بسبب آن باصلاح آمدند
الْاَوَّلُونَ وَالْاٰخِرُونَ يَا حَيًّا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ وَيَا حَيًّا
پیشینیان و پسینیان ای زنده پیش از هر زنده و ای زنده
بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ يَا حَيًّا حِينَ لَا حَيَّ وَيَا مُحْيِيَ الْمَوْتٰى وَيَا
بعد از هر زنده ای زنده در هنگامی که نیست هیچ زنده و ای زنده کنندهٔ مردها و ای
حَيُّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ اَسْاَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ
زنده نیست خدائی مگر تو ای زنده ای بخود برپای سؤال میکنم ترا اینکه رحمت فرستی
عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ اَحْتَسِبُ وَمِنْ
بر محمد و آل محمد و روزی دهی مرا از جائی که گمان دارم و از

مراد از نور ذات حق تعالی صفات
کمال حق تعالی است و روشن بودن
ذات حق تعالی عبارت است از ظهور کردن
ذات حق تعالی از جمیع ... مخلوقات و مکنات
... بالغیر ... والله تعالی اعلم

لا احتسب رزقاً واسعاً حلالاً طیباً وان تفرج عنی
که گمان ندارم روزی فراخی حلالی پاکیزه و اینکه برطرف کنی از من
کل غم وکل هم وان تعطینی ما ارجوه واملُه انك
هر غمی و هر اندوهی و اینکه عطا کنی بمن آنچه را امید دارم از او و آرزو میکنم از او بدرستی که تو
علی کل شیء قدیر وخواندن دعای عشرات ده هر
بر همه چیز قادری
صبح وشام سنت است ودعا اینست
بسم الله الرحمن الرحیم سبحان الله والحمد لله
بنام خدای بخشاینده مهربان بپاکی یاد میکنم خدا را و ستایش مر خدا راست
ولا اله الا الله والله اکبر ولا حول ولا قوة
و نیست خدا مگر الله و خدا بزرگ تر است و نیست توانائی و نه قوتی
الا بالله العلی العظیم سبحان الله اناء اللیل و
مگر بخدای بلند رتبه بزرگ مرتبه بپاکی یاد میکنم خدا را در ساعتهای شب و
اطراف النهار سبحان الله بالغدو والاصال سبحان
طرفهای روز بپاکی یاد میکنم خدا را در وقتهای صبح و وقتهای شام بپاکی یاد میکنم
الله بالعشی والابکار سبحان الله حین تمسون وحین
خدا را در وقت خفتن و بامداد بپاکی یاد میکنم خدا را هنگامی که شام میکنید و هنگامی
تصبحون وله الحمد فی السموات والارض وعشیا
که صبح میکنید و برای اوست ستایش در آسمانها و زمین و در وقت خفتن

وحین تظهرون یخرج الحی من المیت ویخرج المیت من
و هنگامی که داخل در وقت ظهر میشوید بیرون می آورد زنده را از مرده و بیرون می آورد مرده را از
الحی ویحیی الارض بعد موتها وکذلك تخرجون سبحان
زنده و زنده میکرداند زمین را بعد از مردن آن و اینچنین بیرون آورده خواهید شد منزه است
ربك رب العزة عما یصفون وسلام علی المرسلین
پروردگار تو پروردگار عزت از آنچه وصف میکنند کافران و درود بر پیغمبران مرسل باد
والحمد لله رب العالمین سبحان ذی الملك والملکوت
و سپاس مر خدا را که پروردگار عالمیان است پاکست خداوندی که صاحب ملك و پادشاهی است
سبحان ذی العزة والجبروت سبحان ذی الکبریاء
پاکست خداوندی که صاحب غلبه و قهر است پاکست خداوندی که صاحب بزرگواری
والعظمة الملك الحق المبین القدوس سبحان الملك
و عظمت است پادشاه حق هویدای بنیاد پاکیزه پاکست پادشاه
الحی الذی لا یموت سبحان الملك الحی القدوس سبحان
زنده که نمی میرد پاکست پادشاه زنده بنیاد پاکیزه پاکست
القائم الدائم سبحان العلی الاعلی سبحان الدائم
خداوند برپای همیشه پاکست خداوند بلند مرتبه برتر پاکست خداوند همیشه
القائم سبحان ربی العظیم سبحان ربی الاعلی
برپا پاکست پروردگار من که بزرگ رتبه است پاکست پروردگار من که بلند مرتبه است

سبحان الحي القيوم سبحانه وتعالى سبّوح قدّوس

پاک زنده بخود برپای پاکست او و بلند است بسیار پاکیزه بسیار منزه است

ربنا ورب الملائكة والروح سبحان الدائم

پروردگار ما و پروردگار فرشتگان و روح است پاکست خداوندی که همیشه است

غير الغافل سبحان العالم بغير تعليم سبحان خالق

و غافل نمیگردد پاکست خداوندی که داناست بدون تعلیمی پاکست خداوند آفریننده

ما يرى وما لا يرى سبحان الذي يدرك الأبصار

آنچه دیده میشود و آنچه دیده نمیشود پاکست خداوندی که می بیند چشمها را

ولا تدركه الأبصار وهو اللطيف الخبير اللهم

و نمی بیند او را چشمها و اوست دانای آگاه خداوندا

إني أصبحت منك في نعمة وخير وبركة وعافية

بدرستیکه من صبح کرده ام از جانب تو در نعمتی و خوبی و برکتی و تندرستی

فصل على محمد وآل محمد وأتمم علي نعمتك وخيرك

پس رحمت فرست بر محمد و آل محمد و تمام گردان بر من نعمت خود و خوبی خود

وبركاتك وعافيتك وفضلك وكرامتك أبدا

و برکتهای خود و تندرستی از جانب خود را و فضل تو و گرامی داشتن تو مرا همیشه

ما أبقيتني اللهم بنورك اهتديت وبفضلك

مادام که باقی داری مرا خداوندا بسبب نور تو هدایت یافتم و بسبب فضل تو

استغنيت وبنعمتك أصبحت وأمسيت اللهم إني

بی نیاز شدم و در نعمت تو صبح کردم و شام کردم خداوندا بدرستیکه من

أشهدك وكفى بك شهيدا وأشهد ملائكتك و

گواه میگیرم ترا و بس است تو برای گواه بودن و گواه میگیرم فرشتگان ترا و

أنبياءك ورسلك وحملة عرشك وسكان سماواتك

پیغمبران ترا و رسولان ترا و بردارندگان عرش ترا و ساکنان آسمانهای تو

وأرضيك وجميع خلقك بأنك أنت الله لا إله إلا

و زمینهای تو و همه مخلوقات ترا باینکه تو توئی خدائی که نیست خدائی مگر

أنت وحدك لا شريك لك وأن محمدا عبدك و

تو یگانه نیست شریکی برای تو و اینکه محمد بنده تو و

رسولك وأنك على كل شيء قدير تحيي وتميت و

رسول تست و اینکه تو بر هر چیز بسیار توانائی زنده میگردانی و می میرانی

أشهد أن الجنة حق وأن النار حق والنشور حق

گواهی میدهم اینکه بهشت حق است و اینکه آتش حق است و حشر حق است

والساعة آتية لا ريب فيها وأن الله يبعث من في

و قیامت آینده است نیست شکی در آن و اینکه خدا برمی انگیزاند هر که را که در

القبور وأشهد أن علي بن أبي طالب أمير المؤمنين

قبرهاست و گواهی میدهم اینکه علی بن ابی طالب فرمانفرمای مؤمنانست

حَقًّا حَقًّا وَاَنَّ الْاَئِمَّةَ مِنْ وَلَدِهٖ هُمُ الْاَئِمَّةُ الْهُدَاةُ

براستی و درستی و اینکه امامان از اولاد او ایشانند امامان راهنماینده کان

الْمَهْدِيُّوْنَ غَيْرُ الضَّآلِّيْنَ وَلَا الْمُضِلِّيْنَ وَاَنَّهُمْ

راه یافتگان نه گمراهان و نه گمراه کنندگان و اینکه ایشان

اَوْلِيَآؤُكَ الْمُصْطَفَوْنَ وَحِزْبُكَ الْغَالِبُوْنَ وَصِفْوَتُكَ

دوستان برگزیدگانِ تو اند و گروه غلبه کنندگان تو اند و برگزیدگان تو

وَخِيَرَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ وَاصْطَفَيْتَهُمْ عَلٰى عِبَادِكَ

و اختیار کرده شدگان تو اند از خلق تو و برگزیدهٔ ایشان را بر همه بندگان خود

وَجَعَلْتَهُمْ حُجَّةً عَلَى الْعَالَمِيْنَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ وَ

و گردانیدهٔ ایشان را حجت بر همه عالمیان رحمتهای تو بر ایشان باد و

السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهٗ اَللّٰهُمَّ اكْتُبْ لِيْ

درود و رحمت خدا و برکتهای او خداوندا بنویس برای من

هٰذِهِ الشَّهَادَةَ عِنْدَكَ حَتّٰى تُلَقِّيَنِيْهَا وَاَنْتَ عَنِّيْ رَاضٍ

این گواهی را نزد خودت تا اینکه برسانی آنرا بمن و حال آنکه تو از من راضی باشی

اِنَّكَ عَلٰى مَا تَشَآءُ قَدِيْرٌ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا

بدرستیکه تو بر آنچه خواهی قادری خداوندا برای تست سپاس سپاسی

يَصْعَدُ اَوَّلُهٗ وَلَا يَنْفَدُ اٰخِرُهٗ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ

که بالا رود اول آن و آخر نشود آخر آن خداوندا برای تست سپاس

وتجعلنا من الذین اخترتهم لدینک واختصصتهم من خلقک

حَمْدًا تَضَعُ لَكَ السَّمَآءُ كَنَفَيْهَا وَتُسَبِّحُ لَكَ الْاَرْضُ

سپاسی که پست کند از برای تو آسمان دو بال خود را و تسبیح کند برای تو زمین

وَمَنْ عَلَيْهَا اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا سَرْمَدًا اَبَدًا لَا

و هر که بر روی آنست خداوندا برای تست سپاس سپاسی دائمی ابدی که نباشد

انْقِطَاعَ لَهٗ وَلَا نَفَادَ وَلَكَ يَنْبَغِيْ وَاِلَيْكَ يَنْتَهِيْ فِيَّ

انقطاعی برای آن و نه آخر شدنی و برای تو سزاوار باشد و بسوی تو منتهی شود در من

وَعَلَيَّ وَلَدَيَّ وَمَعِيْ وَقَبْلِيْ وَبَعْدِيْ وَاَمَامِيْ وَخَلْفِيْ

و بر من و نزد من و با من و پیش از من و بعد از من و پیش روی من و عقب من

وَفَوْقِيْ وَتَحْتِيْ وَاِذَا مِتُّ وَبَقِيْتُ فَرْدًا وَحِيْدًا ثُمَّ

و بالای سر من و در زیر من و هرگاه بمیرم و باقی بمانم تنهای غریب بعد از آن

فَنِيْتُ وَلَكَ الْحَمْدُ اِذَا نُشِرْتُ وَبُعِثْتُ يَا مَوْلَايَ

فانی شوم و برای تست سپاس هرگاه محشور کردم و برانگیخته شوم ای آقای من

اَللّٰهُمَّ وَلَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ بِجَمِيْعِ مَحَامِدِكَ كُلِّهَا عَلٰى جَمِيْعِ

خداوندا و برای تست حمد و شکر بهمه حمدهای تو همه آنها بر همه

نَعْمَآئِكَ كُلِّهَا حَتّٰى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ اِلٰى مَا تُحِبُّ رَبَّنَا

نعمتهای تو همه آنها تا اینکه منتهی شود حمد بسوی آنچه دوست میداری ای پروردگار ما

وَتَرْضَاهُ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلٰى كُلِّ اَكْلَةٍ وَشَرْبَةٍ

و خوشنود میگردی از آن خداوندا برای تست سپاس بر هر خوردنی و آشامیدنی

وَبَطْشَةٍ وَقَبْضَةٍ وَبَسْطَةٍ وَفِي كُلِّ مَوْضِعِ شَعْرَةٍ اَللّٰهُمَّ
وسخت گیری وگرفتنی وداد نی ودر هر جای موی خداوندا
لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا مَعَ خُلُودِكَ وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا
برای تست حمد حمدی که دایمی باشد با دایمی بودن تو وبرای تست حمد حمدی
لَا مُنْتَهٰى لَهُ دُونَ عِلْمِكَ وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا اَمَدَ
که نباشد منتهای او از غیر علم تو وبرای تست حمد حمدی که نباشد آخری
لَهُ دُونَ مَشِيَّتِكَ وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا اَجْرَ لِقَائِلِهِ
برای او غیر خواستن تو وبرای تست حمد حمدی که نباشد مزدی برای گوینده آن
اِلَّا رِضَاكَ وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا عَلٰى حِلْمِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ
مگر خوشنودی تو وبرای تست حمد حمدی بر حلم کردن تو بعد از دانستن تو
وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا عَلٰى عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ وَلَكَ
وبرای تست حمد حمدی بر عفو کردن تو بعد از قدرت تو وبرای تست
الْحَمْدُ بَاعِثَ الْحَمْدِ وَلَكَ الْحَمْدُ وَارِثَ الْحَمْدِ وَلَكَ الْحَمْدُ
حمد ای سبب حمد وبرای تست حمد ای میراث برنده حمد وبرای تست حمد
بَدِيعَ الْحَمْدِ وَلَكَ الْحَمْدُ مُنْتَهَى الْحَمْدِ وَلَكَ الْحَمْدُ مُبْتَدِعَ
ای نو پیدا آورنده حمد وبرای تست حمد ای منتهای حمد وبرای تست حمد ای نو آفریننده
الْحَمْدِ وَلَكَ الْحَمْدُ مُشْتَرِيَ الْحَمْدِ وَلَكَ الْحَمْدُ وَلِيَّ
حمد وبرای تست حمد ای خریدار حمد وبرای تست حمد ای متولی

الْحَمْدِ وَلَكَ الْحَمْدُ قَدِيمَ الْحَمْدِ وَلَكَ الْحَمْدُ صَادِقَ الْوَعْدِ
حمد وبرای تست حمد ای کسی که قدیم است حمد او وبرای تست حمد ای راست وعده
وَفِيَّ الْعَهْدِ عَزِيزَ الْجُنْدِ قَائِمَ الْمَجْدِ وَلَكَ الْحَمْدُ
ای وفا کننده بعهد ای کسی که غالب است سپاه او ای کسی که بر پاست بزرگی او وبرای تست حمد
رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ مُنْزِلَ الْاٰيَاتِ
ای کسی که بلند است مرتبهای او ای اجابت کننده دعاها ای نازل کننده آیتها
مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمٰوَاتٍ عَظِيمَ الْبَرَكَاتِ مُخْرِجَ النُّورِ
از بالای هفت آسمان ای کسی که بزرگست برکتهای او ای بیرون آورنده روشنی
مِنَ الظُّلُمَاتِ وَمُخْرِجَ مَنْ فِي الظُّلُمَاتِ اِلَى النُّورِ
از تاریکیها وبیرون آورنده کسی که در تاریکیهاست بسوی روشنی
مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ حَسَنَاتٍ وَجَاعِلَ الْحَسَنَاتِ دَرَجَاتٍ
ای بدل کننده بدیها به نیکیها و گرداننده نیکیها مرتبهها
اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ غَافِرَ الذَّنْبِ وَقَابِلَ التَّوْبِ شَدِيدَ
خداوندا برای تست حمد ای آمرزنده گناه وقبول کننده توبه سخت
الْعِقَابِ ذَا الطَّوْلِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اِلَيْكَ الْمَصِيرُ
عذاب صاحب انعام نیست خدای مگر تو بسوی تست بازگشت
اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ فِي اللَّيْلِ اِذَا يَغْشٰى وَلَكَ الْحَمْدُ فِي
خداوندا برای تست حمد در شب هرگاه بپوشاند وبرای تست حمد در

النهار اذا تجلى ولك الحمد في الآخرة والاولى
روز هرگاه ظاهر شود وبرای تست حمد در آخرت و دنیا
ولك الحمد عدد كل نجم وملك في السماء ولك
وبرای تست حمد بعدد هر ستاره و فرشته که در آسمان است وبرای تست
الحمد عدد الثرى والحصى والنوى ولك الحمد
حمد بعدد خاك وسنگ ریزها وهسته‌های خرما وبرای تست حمد
عدد ما في جوف الارض ولك الحمد عدد اوزان
بعدد آنچه در میان زمین است وبرای تست حمد بعدد وزنهای
مياه البحار ولك الحمد عدد اوراق الاشجار ولك
آبهای دریاها وبرای تست حمد بعدد برگهای درختان وبرای تست
الحمد عدد ما على وجه الارض ولك الحمد عدد
حمد بعدد آنچه بر روی زمین است وبرای تست حمد بعدد
ما احصى كتابك ولك الحمد عدد ما احاط به
آنچه شمرده است کتاب تو وبرای تست حمد بعدد آنچه احاطه کرده است آن
علمك ولك الحمد عدد الانس والجن والهوام و
علم تو وبرای تست حمد بعدد آدمیان وجنیان وجانوران گزنده و
الطير والبهائم والسباع حمدا كثيرا طيبا مباركا
مرغان وچهارپایان ودرندگان حمدی بسیار پاکیزه برکت داده شده

فيه كما تحبه ربنا وترضى وكما ينبغي لكرم وجهك
در آن چنانکه دوست میداری ای پروردگار ما وخوشنود میگردی وچنانکه سزاوار باشد بزرگی ذات تو کریم بودن
وعز جلالك پس ده مرتبه میگوئی لا اله الا الله وحده
وعزیز بودن بزرگواری تو نیست خدائی مگر الله یکی است او
لا شريك له له الملك وله الحمد وهو اللطيف الخبير
نیست شریکی برای او برای اوست پادشاهی وبرای اوست ستایش واوست دانای آگاه
بعد از ده مرتبه میگوئی لا اله الا الله وحده لا شريك
نیست خدائی مگر الله یکی است او نیست شریکی
له له الملك وله الحمد يحيي ويميت ويميت ويحيي
برای او برای اوست پادشاهی وبرای اوست حمد زنده میکند ومیمیراند ومیمیراند وزنده میکند
وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير
واوست زنده که نمیمیرد بدست اوست خیر واو بر هر چیز بغایت توانا
بعد از ده مرتبه میگوئی استغفر الله الذي لا اله الا هو
طلب آمرزش میکنم از خدائی که نیست خدائی مگر او
الحي القيوم واتوب اليه بعد از ده مرتبه میگوئی يا الله
زنده بخود بر پا است وباز گشت میکنم بسوی او ای خدا
يا الله ده مرتبه يا رحمن يا رحمن ده مرتبه يا رحيم يا رحيم
ای خدا ای بخشاینده ای بخشاینده ای مهربان ای مهربان

وده مرتبه یا بدیع السموات والارض وده مرتبه یا ذا الجلال
ای صاحب بزرگی   ای نو پیدا آورنده آسمانها و زمین
والاکرام وده مرتبه یا حنان یا منان وده مرتبه یا حی یا
و گرامی داشتن   ای بسیار مهربان ای بسیار نعمت دهنده   ای زنده ای
قیوم وده مرتبه یا حی لا اله الا انت وده مرتبه یا الله
بجود برپا   ای زنده نیست خدائی مگر تو   ای خدا
لا اله الا انت وده مرتبه بسم الله الرحمن الرحیم وده
نیست خدائی مگر تو   بنام خدای بخشاینده مهربان
مرتبه اللهم صل علی محمد وآل محمد وده مرتبه اللهم افعل
خداوندا بکن   خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد
بی ما انت اهله وده مرتبه امین امین وده مرتبه
بمن آنچه تو سزاواری   خداوندا مستجاب کن خداوندا مستجاب کن
بسم الله الرحمن الرحیم قل هو الله احد الله الصمد
بنام خدای بخشاینده مهربان بگو اوست خدای یگانه خداست مقصود در حاجتها
لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد بعد از آن
نزاییده است و زاییده نشده است و نیست برای او همتا کسی
میگوئی اللهم اصنع بی ما انت اهله ولا تصنع بی ما
خداوندا بکن با من آنچه تو سزاواری و مکن با من آنچه

انا اهله فانك اهل التقوی واهل المغفرة وانا
من سزاوارم پس بدرستی که تو هستی سزاوار پرهیزکاری و سزاوار آمرزش و من هستم
اهل الذنوب والخطایا فارحمنی یا مولای وانت
اهل گناهان و خطاها پس رحم کن مرا ای آقای من و تو
ارحم الراحمین بعد از آن ده مرتبه میگوئی لا حول ولا قوة
رحم کننده ترین رحم کنندگانی   نیست گردیدن و نیست توانائی
الا بالله توکلت علی الحی الذی لا یموت والحمد
مگر بخدا توکل کردم بر زنده که نمی میرد و سپاس
لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریك
مر خدا راست که فرا نگرفته است فرزندی و نیست برای او شریکی
فی الملك ولم یکن له ولی من الذل وکبره
در پادشاهی و نیست برای او دوستی از جهت خواری و تعظیم کن او را
تکبیرا دعای دیگر که هر شام خوانده میشود و مرویست که
تعظیم کردنی   حضرت امیر المؤمنین علیه الصلوة والسلام
در شبی که بجای حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله خوابیده و آن
حضرت از مکه معظمه هجرت نموده این دعا را خوانده است و دعا اینست
امسیت اللهم معتصما بذمامك المنیع الذی لا یطاول
شام کردم خداوندا دست زننده بحرمت قوی غالب تو که نزاع کرده نمیشود

دعائی که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در شبی که بجای حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله خوابید این دعا را خواند

یعنی تو سزاواری که مهربانان ... و تو سزاواری که ... گناهان مرا ...

وَلَا يُحَاوِلُ مِنْ شَرِّ كُلِّ غَاشِمٍ وَطَارِقٍ وَمِنْ سَائِرِ مَنْ

وقصد كرده نميشود از شر هر ستم كننده و وارد شونده در شب و از جميع هر كه

خَلَقْتَ وَمَا خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ الصَّامِتِ وَالنَّاطِقِ

آفريدۀ و آنچه آفريدۀ تو از مخلوقات خودت كه خاموش و گويا باشد

مِنْ كُلِّ مَخُوفٍ بِلِبَاسٍ سَابِغَةٍ وَلَاءِ أَهْلِ بَيْتِ

از هر ترسيده شده برزره فراخ كه آن دوستی اهل بيت

نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مُحْتَجِباً مِنْ كُلِّ قَاصِدٍ لِي

پيغمبر تست محمد بر ايشان باد سلام پوشيده شده از هر قصد كننده مرا

إِلَى أَذِيَّةٍ بِجِدَارٍ حَصِينٍ الْإِخْلَاصِ فِي الْاعْتِرَافِ

بازار رسانيدن بديوار محكم اخلاص ورزيدن در اعتراف كردن

بِحَقِّهِمْ وَالتَّمَسُّكِ بِحَبْلِهِمْ مُوقِناً أَنَّ الْحَقَّ لَهُمْ وَ

بحق ايشان و دست زدن به پيمان ايشان يقين دارنده باينكه حق از براى ايشانست و

مَعَهُمْ وَفِيهِمْ وَبِهِمْ أُوَالِي مَنْ وَالَوْا وَأُجَانِبُ

با ايشان و در ايشان و بسبب ايشانست دوستى ميكنم با هر كه ايشان دوستى كرده اند و دورى ميكنم

مَنْ جَانَبُوا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَعِذْنِي اللَّهُمَّ

از هر كه ايشان دورى كرده اند پس رحمت بفرست بر محمد و آل او و پناه ده مرا خداوندا

بِهِمْ مِنْ شَرِّ كُلِّ مَا أَتَّقِيهِ يَا عَظِيمُ حَجَزْتُ الْأَعَادِي

بايشان از شر هر چه ميترسم از آن اى بزرگ مرتبه منع كردم دشمنان را

عَنِّي بِبَدِيعِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّا جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ

از خود بنو آفريننده آسمانها و زمين بدرستى كه ما كرده ايم از پيش روى ايشان

سَدّاً وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدّاً فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ

سدى و از پشت سر ايشان سدى پس پوشانيديم ايشان را پس ايشان نميديدند

دعائى كه در صبح خوانده ميشود الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ نِعْمَةٍ وَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ

سپاس براى خداست بر هر نعمتى و طلب آمرزش ميكنم خدا را

مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ مِنْ كُلِّ هَوْلٍ

از هر گناهى و نيست گرديدن و نه توانائى مگر بخدا از هر ترسى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَأَسْلَمْتُ نَفْسِي

بنام خداى بخشاينده مهربان بنام خدا و بيارى خدا و واگذاشتم نفس خود را

إِلَى اللَّهِ وَوَجَّهْتُ وَجْهِي لِلَّهِ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ

بسوى خدا و متوجه ساختم روى خود را براى خدا و نيست توفيق يافتن من مگر بخدا

وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ وَأَنَّ الْهُدَى هُدَى اللَّهِ وَأَنَّ

و ميدانم اينكه احسان بدست خداست و اينكه هدايت هدايت خداست و اينكه

الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ وَأَنَّ مَرَدَّنَا إِلَى اللَّهِ وَمَا الْحُكْمُ إِلَّا

كار همه آن براى خداست و اينكه بازگشت ما بسوى خداست و نيست حكم مگر

لِلَّهِ وَمَا بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَلَا يَأْتِي بِالْخَيْرِ إِلَّا اللَّهُ

از براى خدا و آنچه هست در ما از نعمتى پس از جانب خداست و نمى آورد خير را مگر خدا

دعائى كه بعد از دعاى صبح خوانده ميشود

وَلا یَصْرِفُ السَّیِّئاتِ اِلَّا اللهُ وَلَیْسَ بِضارِّهِمْ شَیْئاً اِلَّا
وباز نمیکرداند بدیها را مکر خدا ونیست ضرر رساننده ایشان چیزی را مکر
بِاِذْنِ اللهِ وَلا عاصِمَ الْیَوْمَ مِنْ اَمْرِ اللهِ وَنِعْمَ الْقادِرُ
برخصت خدا ونیست نکاهدارنده امروز از فرمان خدا وخوب قادری است
اَللهُ وَنِعْمَ الْمَوْلَی اللهُ وَنِعْمَ النَّصِیرُ اللهُ وَلا یَغْفِرُ
خدا وخوب اقائی است خدا وخوب یاری کننده ایست خدا ونمی امرزد
الذُّنُوبَ اِلَّا اللهُ اَعْدَدْتُ لِکُلِّ حَرَکَةٍ بِسْمِ اللهِ
کناهانرا مکر خدا مهیا کرده ام برای هر حرکتی که بکویم بنام خدا
وَلِکُلِّ نِعْمَةٍ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلِکُلِّ حَسَنَةٍ اَلْمِنَّةُ لِلّٰهِ
وبرای هر نعمتی که حمد مر خدا یراست وبرای هر خوبی که منت خدا راست
وَلِکُلِّ سَیِّئَةٍ اَسْتَغْفِرُ اللهَ وَلِکُلِّ شِدَّةٍ اِسْتَعَنْتُ
وبرای هر کناهی که طلب امرزش میکنم از خدا وبرای هر سختی که استعانت میجویم
بِاللهِ وَلِکُلِّ مُصِیبَةٍ اِنَّا لِلّٰهِ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلَّا
از خدا وبرای هر مصیبتی که بدرستی که ما بر آن خدائیم ونیست کردشی ونه توانائی مکر
بِاللهِ وَاَسْتَهْدِی اللهَ وَاَسْتَکْفِی اللهَ وَاَسْتَعِینُ
بخدا وطلب هدایت میکنم از خدا وطلب کفایت میکنم از خدا واستعانت میجویم
بِاللهِ وَاَسْتَغْفِرُ اللهَ وَالْاِسْتِظْهارُ بِاللهِ وَاَعْتَصِمُ
بخدا وطلب امرزش میکنم از خدا واستظهار من بخداست وچنک میزنم

بِحَبْلِ اللهِ وَاُومِنُ بِاللهِ وَاَتَوَکَّلُ عَلَی اللهِ بِسْمِ اللهِ
بریسمان خدا وایمان می اورم بخدا وتوکل میکنم بر خدا بنام خدا
اِعْتَصَمْتُ وَبِاللهِ تَحَصَّنْتُ وَعَلَی اللهِ الْحَیِّ الَّذِی لا
چنک زده ام وبخدا پناه اورده ام وبر خدای زنده که نه
یَمُوتُ تَوَکَّلْتُ وَرَمَیْتُ مَنْ یُؤْذِینِی وَیُؤْذِی الْمُؤْمِنِینَ
می میرد توکل کرده ام وانداخته ام کسی را که ازار میکند مرا وازار میکند مؤمنانرا
بِلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ
باین کلمه که نیست کردشی ونه توانائی مکر بخدای بلند رتبه بزرک مرتبه

دعای دیکر که در صبح وشام خوانده میشود واز حضرت امام جعفر صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده است

اَصْبَحْنا وَالْمُلْکُ وَالْحَمْدُ وَالْعَظَمَةُ وَالْکِبْرِیاءُ
صبح کرده ایم وحال انکه پادشاهی وحمد وبزرکی وبزرکواری
وَالْجَبَرُوتُ وَالْعِلْمُ وَالْحِلْمُ وَالْجَلالُ وَالْجَمالُ وَ
وقهر وغلبه وعلم وبردباری وجلالت وخوبی و
الْکَمالُ وَالْبَهاءُ وَالتَّقْدِیسُ وَالتَّعْظِیمُ وَالتَّسْبِیحُ
صفات کمال وحسن وحکم بپاکی وعظمت وتسبیح
وَالتَّکْبِیرُ وَالتَّهْلِیلُ وَالتَّحْمِیدُ وَالتَّمْجِیدُ وَالسَّماحُ
وتکبیر وتهلیل وحمد کردن وبزرکوار دانستن وبخشش

دعای دیکر که در صبح وشام خوانده میشود

وَالْجُودُ وَالْكَرَمُ وَالْمَجْدُ وَالْمَنُّ وَالْخَيْرُ وَالْفَضْلُ وَ
و عطا و کرم و شرافت و منت و خیر و احسان و
السَّعَةُ وَالْحَوْلُ وَالسُّلْطَانُ وَالْقُوَّةُ وَالْعِزَّةُ وَ
توسعه و قدرت و سلطنت و قوت و عزت و
الْقُدْرَةُ وَالْخَزَائِنُ وَالْفَتْقُ وَالرَّتْقُ وَاللَّيْلُ
توانائی و خزانها و گشادن و بستن و شب
وَالنَّهَارُ وَالظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ وَالدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ
و روز و تاریکیها و نور و دنیا و آخرت
وَالْخَلْقُ جَمِيعاً وَالْأَمْرُ كُلُّهُ وَمَا سَمَّيْتُ وَمَا لَمْ
و مخلوقات همگی و امر همه آن و آنچه نام بردم و آنچه
أُسَمِّ وَمَا عَلِمْتُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ وَمَا كَانَ وَمَا هُوَ كَائِنٌ
نام نبردم و آنچه دانستم و آنچه ندانستم و آنچه موجود شده است و آنچه موجود خواهد شد
لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي ذَهَبَ
همه اینها برای خداست که پروردگار عالمیان است سپاس مرخدا راست که برده است
بِاللَّيْلِ وَجَاءَ بِالنَّهَارِ وَأَنَا فِي نِعْمَةٍ مِنْهُ وَ
شب را و آورده است روز را و حال آنکه من هستم در نعمتی از او و
عَافِيَةٍ وَفَضْلٍ عَظِيمٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا سَكَنَ
عافیتی و تفضل عظیمی سپاس مرخدا راست که برای اوست آنچه ساکن گردیده است

فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
در شب و روز و اوست شنوای دانا سپاس مرخدا راست که
يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَ
داخل میکند شب را در روز و داخل میکند روز را در شب و
يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَهُوَ
بیرون می آورد زنده را از مرده و بیرون می آورد مرده را از زنده و او
عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ اللَّهُمَّ لَكَ نُمْسِي وَلَكَ نُصْبِحُ
داناست بآنچه در سینهاست خداوندا برای تو شام و برای تو صبح میکنیم
وَبِكَ نَحْيَا وَبِكَ نَمُوتُ وَإِلَيْكَ نَصِيرُ أَعُوذُ بِكَ أَنْ
و بتو زنده میشویم و بتو می میریم و بسوی تو بازگشت میکنیم پناه میبرم بتو از اینکه
أَضِلَّ أَوْ أُضَلَّ أَوْ أَظْلِمَ أَوْ أُظْلَمَ أَوْ أَجْهَلَ أَوْ
گمراه شوم یا گمراه کرده شوم یا ظلم کنم یا ظلم کرده شوم یا جاهل باشم یا
يُجْهَلَ عَلَيَّ أَوْ أَجُورَ أَوْ يُجَارَ عَلَيَّ يَا مُصَرِّفَ الْقُلُوبِ
مجهول کرده شود بر من یا ستم کنم یا ستم کرده شود بر من ای گرداننده دلها
ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ اللَّهُمَّ
ثابت گردان دل مرا بر طاعت تو و طاعت پیغمبر تو خداوندا
لَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ
میل مفرما دل مرا بعد از آنکه هدایت کرده باشی مرا و ببخش برای من از نزد خود

رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ اَللّٰهُمَّ اِنَّ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ
رحمتی بدرستی که تو توئی بسیار بخشنده خداوندا بدرستی که شب و روز
خَلْقَانِ مِنْ خَلْقِكَ فَلَا تَبْتَلِنِي فِيهِمَا بِجُرْأَةٍ عَلٰى
دو مخلوقند از مخلوقات تو پس مبتلا مساز مرا در آنها بجرأت کردن بر
مَعَاصِيكَ وَلَا رُكُوبٍ لِمَحَارِمِكَ وَارْزُقْنِي فِيهِمَا
معصیتهای تو و نه مرتکب شدن برای محرمات تو و روزی کن مرا در آنها
عَمَلًا مُتَقَبَّلًا وَسَعْيًا مَشْكُورًا وَتِجَارَةً لَنْ تَبُورَ
عملی قبول کرده شده و سعیی مزد داده شده و تجارتی که هرگز زیان نکند

دعای دیگر که در صبح خوانده میشود

دعای دیگر که در صبح خوانده میشود و از حضرت امام
محمد باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده است

يَا مَنْ هُوَ اَقْرَبُ اِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ
ای کسی که او نزدیکتر است بسوی من از رگ گردن ای کسی که مانع میشود میان
الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ يَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلٰى يَا مَنْ لَيْسَ
مرد و دل او ای کسی که او در منظر اعلی است ای کسی که نیست
كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ يَا اَجْوَدَ مَنْ سُئِلَ
مثل مانند او چیزی و اوست شنوای بینا ای بخشنده تر کسی که سؤال کرده شده است
وَيَا اَوْسَعَ مَنْ اَعْطٰى يَا خَيْرَ مَدْعُوٍّ وَيَا اَفْضَلَ مُرْتَجًى
وای توانگرتر کسی که عطا کرده است وای خوبتر کسی که خوانده شده است وای بهتر کسی امید داشته شده است

وَيَا اَسْمَعَ السَّامِعِينَ وَيَا اَبْصَرَ النَّاظِرِينَ وَيَا
وای شنونده ترین شنوندگان وای بیناترین نظرکنندگان وای
اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَيَا اَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ صَلِّ عَلٰى
رحم کننده ترین رحم کنندگان وای حکم کننده ترین حکم کنندگان رحمت بفرست بر
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي وَامْدُدْ لِي
محمد و آل محمد و وسیع گردان بر من در روزی من و دراز کن برای من
فِي عُمْرِي وَانْشُرْ عَلَيَّ رَحْمَتَكَ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ تَنْتَصِرُ
در عمر من و پهن کن بر من رحمت خود را و بگردان مرا از کسانی که انتقام کشی
بِهِ لِدِينِكَ وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِي غَيْرِي اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ
باو برای دین خود و بدل مکن مرا بغیر من خداوندا بدرستی که تو
تَكَفَّلْتَ بِرِزْقِي وَرِزْقِ كُلِّ دَابَّةٍ فَاَوْسِعْ عَلَيَّ
متکفل شده روزی مرا و روزی هر جنبنده را پس وسیع گردان بر من
وَعَلٰى عِيَالِي مِنْ رِزْقِكَ الْوَاسِعِ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ وَ
و بر عیال من از روزی تو که فراخ حلال پاکیزه است و
اَكْفِنَا مِنَ الْفَقْرِ مَرْحَبًا بِالْحَافِظِينَ وَحَيَّاكُمَا اللّٰهُ
کفایت کن ما را از چیزی مرحبا بدو فرشته حفظ کننده و تحیت فرستد بر شما خدا
مِنْ كَاتِبَيْنِ رَحِمَكُمَا اللّٰهُ اِنِّي اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا
از دو نویسنده رحمت کند شما را خدا بدانید اینکه من گواهی میدهم اینکه نیست خدا

وَيَا خَيْرَ النَّاصِرِينَ
وای بهترین نصرت کنندگان
وَيَا اَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ
وای زودترین حساب کنندگان

اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ

الله یگانه است نیست شریکی برای او و گواهی میدهم اینکه محمد بنده او

وَرَسُولُهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ الدِّينَ كَمَا شَرَعَ وَاَنَّ

و رسول اوست و گواهی میدهم اینکه دین چنانست که قرار داده است و اینکه

اَلْقَوْلَ كَمَا حَدَّثَ وَاَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ

گفتار چنانست که حکایت کرده است و اینکه خدا اوست حق هویدا

اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ اَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَاَفْضَلَ

خداوندا برسان بمحمد و آل محمد بهترین تحیت و بهترین

السَّلَامِ اَصْبَحْتُ وَرَبِّي مَحْمُودٌ اَصْبَحْتُ لَا اُشْرِكُ

سلام را صبح کردم و حال آنکه پروردگار من ستوده شده است صبح کرده ام در حالتی که شریک نمیکنم

بِهِ شَيْئًا وَلَا اَدْعُو مَعَ اللّٰهِ اَحَدًا وَلَا اَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ

با او چیزی را و نمیخوانم با خدا کسی را و فرا نمیگیرم از غیر او

وَلِيًّا اَصْبَحْتُ عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا اَمْلِكُ اِلَّا مَا

دوستی را صبح کرده ام در حالتی که هستم بنده مملوک که مالک نیستم مگر آنچه را

مَلَّكَنِي رَبِّي اَصْبَحْتُ لَا اَسْتَطِيعُ اَنْ اَسُوقَ اِلَى

که مالک کرده باشد مرا پروردگار من صبح کرده ام در حالتی که قادر نیستم اینکه بکشانم بسوی

نَفْسِي خَيْرَ مَا اَرْجُو وَلَا اَصْرِفُ عَنْهَا شَرَّ مَا اَحْذَرُ

نفس خود خیر آنچه را که امید دارم و باز نمیتوانم گردانید از نفس خود شر آنچه را که حذر دارم

اَصْبَحْتُ مُرْتَهِنًا بِعَمَلِي اَصْبَحْتُ فَقِيرًا لَا اَجِدُ اَفْقَرَ

صبح کرده ام در حالی که در گرو عمل خود هستم صبح کرده ام در حالیکه محتاجم نمی یابم محتاجتر

مِنِّي بِاللّٰهِ اُصْبِحُ وَبِاللّٰهِ اُمْسِي وَبِاللّٰهِ اَحْيَا وَبِاللّٰهِ

از خود را بخدا صبح میکنم و بخدا شام میکنم و بخدا زنده میشوم و بخدا

اَمُوتُ وَاِلَى اللّٰهِ النُّشُورُ دعاهای ایام هفته که از حضرت امام موسی کاظم

میمیرم و بسوی خداست محشور شدن علیه الصلوة والسلام روایت شده است

ادعیهٔ ایام هفته

دعای روز جمعه

دعاء روز جمعه مَرْحَبًا بِخَلْقِ اللّٰهِ الْجَدِيدِ وَبِكُمَا مِنْ كَاتِبَيْنِ

مرحبا بآفریده شده خدا که تازه است و مرحبا بشما از دو نویسنده

وَشَاهِدَيْنِ اُكْتُبَا بِسْمِ اللّٰهِ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا

و دو گواه بنویسید بنام خدا گواهی میدهم اینکه نیست خدائی مگر

اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ

الله تنهاست نیست شریکی برای او و گواهی میدهم اینکه محمد بنده او

وَرَسُولُهُ وَاَنَّ الْاِسْلَامَ كَمَا وَصَفَ وَالدِّينَ كَمَا

و رسول اوست و اینکه اسلام چنانست که وصف کرده و دین چنانست

شَرَعَ وَاَنَّ الْكِتَابَ كَمَا اَنْزَلَ وَالْقَوْلَ كَمَا حَدَّثَ

که قرار داده و اینکه قرآن چنانست که نازل ساخته و گفتار چنانست که حکایت کرده

وَاَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ وَصَلَوَاتُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ

و اینکه خدا اوست حق هویدا و رحمتهای خدا و برکتهای او

وشرائف تحیاته وسلامه علی محمد وآله اصبحت فی
وتحیتهای شریفه او ودرود او بر محمد وآل او باد صبح کردم در
امان الله الذی لا یستباح وفی ذمة الله التی لا
امان خدا انچنان امانی که مباح شمرده نمیشود ودر پیمان خدا که
تخفر وفی جوار الله الذی لا یضام وکنف الله الذی
شکسته نمیشود ودر پناه خدا که ستم کرده نمیشود وحرز او که
لا یرام وجار الله امن محفوظ ما شاء الله کل
قصد کرده نمیشود وکسی که در پناه خدا ایمن ومحفوظ است انچه خواسته است خدا شده است هر
نعمة فمن الله لا یاتی بالخیر الا الله ما شاء الله
نعمتی پس از خدا است نمی اورد خیر را مگر خدا انچه خواسته است خدا شده است
نعم القادر الله ما شاء الله توکلت علی الله
خوب قادریست خدا انچه خواسته است خدا شده است توکل کردم بر خدا
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له له
گواهی میدهم اینکه نیست خدائی مگر الله تنها است نیست شریکی برای او برای او است
الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده
پادشاهی وبرای او است ستایش زنده میکرداند ومیمیراند واو زنده ایست که نمیمیرد بدست او است
الخیر وهو علی کل شیء قدیر اللهم اغفر لی کل ذنب
خیر واو بر همه چیز بغایت توانا است خداوندا بیامرز برای من هر گناهی را

یحبس رزقی ویحجب مسئلتی او یقصر بی عن بلوغ
حبس میکند روزی مرا ومانع میشود مطلب مرا یا کوتاهی میفرماید مرا از رسیدن
مسئلتی او یصد بوجهک الکریم عنی اللهم اغفر لی
بمطلب خود یا باز میدارد ذات کریم تو را از من خداوندا بیامرز برای من
وارزقنی وارحمنی واجبرنی وعافنی واعف عنی
وروزی ده مرا ورحم کن مرا وتدارک کن شکستگی مرا وعافیت ده مرا وعفو کن از من
وارفعنی واهدنی وانصرنی والق فی قلبی الصبر
وبلند گردان مرا وهدایت کن مرا ویاری کن مرا وبینداز در دل من صبر
والنصر یا مالک الملک فانه لا یملک ذلک غیرک
ونصرت را ای صاحب پادشاهی پس بدرستیکه مالک نیست این را کسی غیر تو
اللهم وما کتبت علی من خیر فوفقنی واهدنی
خداوندا وانچه نوشته تو بر من از خیر پس توفیق ده مرا وراهنمائی کن مرا
له ومن علی به کله واعنی وثبتنی علیه و
بان ومنت گذار بر من بان همه ان واعانت کن مرا وثابت بدار مرا بران و
اجعله احب الی من غیره واثر عندی مما سواه
بگردان انرا محبوب تر بسوی من از غیران وبرگزیده تر نزد من از انچه غیران باشد
وزدنی من فضلک اللهم انی اسألک رضوانک
وزیاد کن مرا از فضل خودت خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو خوشنودی ترا

وَالْجَنَّةَ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ سَخَطِكَ وَالنَّارِ وَاَسْاَلُكَ
وبهشت را وپناه میبرم بتو از خشم تو و آتش وسؤال میکنم از تو
النَّصِيبَ الْاَوْفى فى جَنَّاتِ النَّعِيمِ اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ لِسانى
بهره تمام تر را در بهشتهای نعیم خداوندا پاك كردان زبان مرا
مِنَ الْكَذِبِ وَقَلْبى مِنَ النِّفاقِ وَعَمَلى مِنَ الرِّياءِ وَ
از دروغ كفتن ودل مرا از نفاق داشتن وعمل مرا از ریا و
بَصَرى مِنَ الْخِيانَةِ فَاِنَّكَ تَعْلَمُ خائِنَةَ الْاَعْيُنِ وَما
چشم مرا از خیانت كردن پس بدرستیكه تو میدانی خیانت چشمها را وانچه را
تُخْفِى الصُّدُورُ اَللّٰهُمَّ اِنْ كُنْتُ عِنْدَكَ مَحْرُوماً مُقْتَراً
كه پنهان میدارند سینها خداوندا اكر بوده باشم نزد تو محروم تنك كرده شده
عَلَىَّ رِزْقى فَامْحُ حِرْمانى وَتَقْتيرَ رِزْقى وَاكْتُبْنى
بر من روزی من پس محو كن محروم بودن من وتنك بودن روزی مرا وبنویس مرا
عِنْدَكَ مَرْزُوقاً مُوَفَّقاً لِلْخَيْراتِ فَاِنَّكَ قُلْتَ تَبارَكْتَ
نزد خودت روزی داده شده توفیق داده برای كارهای خیر پس بدرستیكه تو كفته مبارکی تو
وَتَعالَيْتَ يَمْحُوا اللّٰهُ ما يَشاءُ وَيُثْبِتُ وَعِنْدَهُ اُمُّ الْكِتابِ
وبرتری تو كه محو میكند خدا انچه را میخواهد وثبت میكند ونزد اوست اصل كتاب
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ اِنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ
خداوندا رحمت بفرست بر محمد وآل محمد بدرستیكه تو ستوده شده بزركی

تفسیر خائنة الاعین اشاره نمودن
بچشم ونكاه حرام كردن در زنان
تا بعد آنها كذشتن

دعاء روز شنبه

دُعاءِ روزِ شَنْبه مَرْحَباً بِخَلْقِ اللّٰهِ الْجَدِيدِ وَبِكُما مِنْ كاتِبَيْنِ
مرحبا بافریده شده خدا كه تازه است ومرحبا بشما از دو نویسنده
وَشاهِدَيْنِ اُكْتُبا بِسْمِ اللّٰهِ اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
ودو كواه بنویسید بنام خدا كواهی میدهم اینكه نیست خدائی مكر الله
وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ
تنهاست نیست شریكی برای او وكواهی میدهم اینكه محمد بنده او ورسول اوست
وَاَشْهَدُ اَنَّ الْاِسْلامَ كَما وَصَفَ وَالدِّينَ كَما
وكواهی میدهم اینكه اسلام چنانست كه وصف كرده ودین چنانست
شَرَعَ وَاَنَّ الْكِتابَ كَما اَنْزَلَ وَاَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ
كه قرار داده واینكه قرآن چنانست كه نازل ساخته واینكه خدا اوست حق
الْمُبِينُ وَصَلَواتُ اللّٰهِ وَسَلامُهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ اَصْبَحْتُ
هویدا ورحمتهای خدا وسلام او بر محمد وآل او باد صبح كردم
اَللّٰهُمَّ فى اَمانِكَ اَسْلَمْتُ اِلَيْكَ نَفْسى وَوَجَّهْتُ
خداوندا در امان تو تسلیم كردم بسوی تو نفس خود را ومتوجه ساختم
اِلَيْكَ وَجْهى وَفَوَّضْتُ اِلَيْكَ اَمْرى وَاَلْجَاْتُ اِلَيْكَ
بسوی تو روی خود را وتفویض نمودم بسوی تو كار خود را وتكیه دادم بسوی تو
ظَهْرى رَهْبَةً وَرَغْبَةً اِلَيْكَ لا مَلْجَاَ وَلا مَنْجا مِنْكَ
پشت خود را از جهت ترس از تو ورغبت كردن بسوی تو نیست پناه ونه جای خلاص از تو

وَالْقَوْلُ كَما حَدَّثَ
وكفتار چنانست كه حكایت كرده

الا إليك آمنت بكتابك الذي أنزلت وبرسولك الذي
مگر بسوی تو ایمان آوردم بکتاب تو که نازل ساختهٔ وبرسول تو که
أرسلت اللهم إني فقير إليك فارزقني بغير
فرستادهٔ خداوندا بدرستی که من محتاجم بسوی تو پس روزی ده مرا بی
حساب إنك ترزق من تشاء بغير حساب اللهم إني
حساب بدرستی که تو روزی میدهی هرکرا که میخواهی بی حساب خداوندا بدرستی که من
أسألك الطيبات من الرزق وترك المنكرات وحب
سؤال میکنم از تو پاکیزهای از روزی را وترک کردن عملهای بد را ودوست داشتن
المساكين وأن تتوب علي اللهم إني أسألك
بیچارگان را واینکه قبول کنی توبه را برمن خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم تو را
بكرامتك التي أنت أهلها أن تجاوز عن سوء ما
بکرامت تو که تو سزاوار آنی اینکه درگذری از بدی آنچه
عندي بحسن ما عندك وأن تعطيني من جزيل عطائك
نزد من است بنیکی آنچه نزد تست واینکه عطا کنی بمن از بزرگ عطای خود
أفضل ما أعطيته أحدا من عبادك اللهم إني أعوذ
بهترین آنچه عطا کردهٔ آنرا بیکی از بندگان خود خداوندا بدرستی که من پناه میبرم
بك من مال يكون علي فتنة ومن ولد يكون لي عدوا
بتو از مالی که بوده باشد برمن فتنه واز فرزندی که بوده باشد برای من دشمن

اللهم قد ترى مكاني وتسمع دعائي وكلامي وتعلم
خداوندا بتحقیق که می بینی جای مرا ومیشنوی دعای مرا وسخن مرا ومیدانی
حاجتي أسألك بجميع أسمائك أن تقضي لي كل حاجة
حاجت مرا سؤال میکنم ترا بحق همه نامهای تو اینکه برآوری برای من هر حاجتی
من حوائج الدنيا والآخرة اللهم إني أدعوك
از حاجتهای دنیا وآخرت را خداوندا بدرستی که من میخوانم ترا
دعاء عبد ضعيف ضعفت قوته واشتدت فاقته
خواندن بندهٔ ناتوانی که ضعیف شده باشد قوت او وسخت شده باشد احتیاج او
وعظم جرمه وقل عدده وضعف عمله دعاء
وعظیم باشد گناه او وکم باشد عدد او وضعیف باشد عمل او خواندن
من لا يجد لفاقته سادا غيرك ولا لضعفه عونا
کسی که نیابد برای احتیاج خود سد کننده غیر تو ونه برای ناتوانی خود معینی
سواك أسألك جوامع الخير وخواتمه وسوابقه
غیر تو سؤال میکنم از تو جمع کنندهای خیر را وخاتمهای خیر را وپیشی گیرندهای خیر را
وفوائده وجميع ذلك بدوام فضلك وإحسانك
وفایدههای خیر را وهمه آنرا بحق دائمی بودن فضل تو واحسان تو
وبمنك ورحمتك فارحمني وأعتقني من النار يا
وبحق نعمت تو ومهربانی تو پس رحم کن مرا وآزاد کردان مرا از آتش ای

شدت فاقه یعنی سختی احتیاج او
سد فقر و فاقه یعنی برطرف کردن احتیاج

مَنْ كَبَسَ الْاَرْضَ عَلَى الْمَآءِ وَيَا مَنْ سَمَكَ الْهَوَآءَ
انکسی که جمع کرده است زمین را بر روی اب وای انکسی که بلند کردانیده است هوا را
بِالسَّمَآءِ وَيَا وَاحِدًا قَبْلَ كُلِّ اَحَدٍ وَيَا وَاحِدًا بَعْدَ
باسمان وای یگانه پیش از هر کسی وای یگانه بعد از
كُلِّ شَيْءٍ وَيَا مَنْ لَا يَعْلَمُ وَلَا يَدْرِي كَيْفَ هُوَ اِلَّا هُوَ
هر چیزی وای انکسی که نمیداند و نمیفهمد کسی که چکونه است او مگر او
وَيَا مَنْ لَا يَقْدِرُ قُدْرَتَهُ اِلَّا هُوَ وَيَا مَنْ هُوَ كُلَّ
وای انکسی که قادر نیست قدرت او را مگر او وای انکسی که او هر
يَوْمٍ فِي شَاْنٍ يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ شَاْنٌ عَنْ شَاْنٍ وَيَا
روزی در کاری است ای انکسی که مشغول نمیسازد او را کاری از کاری وای
غَوْثَ الْمُسْتَغِيثِينَ وَيَا صَرِيخَ الْمَكْرُوبِينَ وَيَا مُجِيبَ
فریادرس طلب فریادرسی کنندگان وای فریادرس اندوهناکان وای اجابت کننده
دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ وَيَا رَحْمٰنَ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَ
دعای درماندگان وای بخشاینده در دنیا و اخرت و
رَحِيمَهُمَا رَبِّ ارْحَمْنِي رَحْمَةً لَا تُضِلَّنِي وَلَا تُشْقِنِي
مهربان در دنیا و اخرت ای پروردگار من رحم کن مرا رحمتی که کمراه نسازی مرا و بدبخت نکردانی مرا
بَعْدَهَا اَبَدًا اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى نَبِيِّهِ
بعد از ان هرکز بدرستی که تو ستوده شده بزرکی و رحمت فرستد خدا بر پیغمبر او

مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ الصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ دعاء روز یکشنبه
محمد که بر او و ال او باد رحمت و درود
مَرْحَبًا بِخَلْقِ اللّٰهِ الْجَدِيدِ وَبِكُمَا مِنْ كَاتِبَيْنِ وَشَاهِدَيْنِ
مرحبا با فریده شده خدا که تازه است و مرحبا بشما ای دو نویسنده و دو کواه
اُكْتُبَا بِسْمِ اللّٰهِ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ
بنویسید بنام خدا کواهی میدهم اینکه نیست خدا مکر الله تنها است
لَا شَرِيكَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَ
نیست شریکی برای او و کواهی میدهم اینکه محمد بنده او و رسول اوست و
اَشْهَدُ اَنَّ الْاِسْلَامَ كَمَا وَصَفَ وَالدِّينَ كَمَا شَرَعَ
کواهی میدهم اینکه اسلام چنان است که وصف کرده و دین چنانست که قرار داد
وَاَنَّ الْكِتَابَ كَمَا اَنْزَلَ وَالْقَوْلَ كَمَا حَدَّثَ وَاَنَّ
و اینکه قران چنانست که نازل ساخته و کفتار چنانست که حکایت کرده و اینکه
اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ حَيَّا اللّٰهُ مُحَمَّدًا بِالسَّلَامِ وَصَلَّى
خدا اوست حق هویدا تحیت فرستد خدا محمد را بسلام و رحمت فرستد
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ كَمَا هُوَ اَهْلُهُ اَصْبَحْتُ وَاَصْبَحَ الْمُلْكُ
خدا بر او و ال او چنانکه او سزاوار انست صبح کردم و صبح کرد پادشاهی
وَالْكِبْرِيَآءُ وَالْعَظَمَةُ وَالْخَلْقُ وَالْاَمْرُ وَاللَّيْلُ وَ
و بزرگواری و عظمت و خلق و امر و شب و

دعاء روز یکشنبه

النهار وما يكون فيهما لله وحده لا شريك له اللهم

روز و انچه میباشد در شب و روز برای خدا که یکی است نیست شریکی برای او خداوندا

اجعل اول هذا النهار صلاحا واوسطه نجاحا

بگردان اول این روز را صلاحی و میان او را فیروزی

وآخره فلاحا واسالك خير الدنيا والآخرة اللهم

و آخر آن را رستگاری و سؤال میکنم از تو خیر دنیا و آخرت خداوندا

لا تدع لي ذنبا الا غفرته ولا هما الا فرجته

وا مگذار برای من گناهی را مگر آنکه بیامرزی آن را و نه اندوهی را مگر آنکه برطرف کنی آن را

ولا دينا الا قضيته ولا غائبا الا حفظته

و نه قرضی را مگر آنکه ادا کنی آن را و نه غایبی را مگر آنکه حفظ کنی آن را

وأديته ولا مريضا الا شفيته وعافيته ولا

و برسانی آن را و نه بیماری را مگر آنکه شفا دهی او را و عافیت بخشی او را و نه

حاجة من حوائج الدنيا والآخرة لك فيها رضا

حاجتی را از حاجتهای دنیا و آخرت که تو را باشد از آن خوشنودی

ولي فيها صلاح الا قضيتها اللهم تم نورك

و مرا باشد در آن مصلحت مگر آنکه برآوری آن را خداوندا تمام است نور تو

فهديت وعظم حلمك فعفوت وبسطت يدك

پس هدایت کردی و بزرگ است بردباری تو پس عفو کردی و گشاده دست خود را

فاعطيت

فاعطيت فلك الحمد وجهك خير الوجوه وعطيتك

پس عطا کرده پس برای تست ستایش ذات تو بهترین ذاتهاست و عطای تو

انفع العطية فلك الحمد تطاع ربنا فتشكر

نافع تر عطائی است پس برای تست حمد اطاعت کرده میشوی ای پروردگار ما پس جزا داده میشوی

وتعصى ربنا فتغفر تجيب المضطر وتكشف الضر

و عصیان کرده میشوی ای پروردگار ما پس امرزی اجابت میکنی درمانده را و برطرف میکنی بدحالی را

وتشفي السقم وتنجي من الكرب العظيم لا تجزى

و شفا میدهی بیماری را و نجات میدهی از سختی عظیم عوض داده نمیشود

بآلائك ولا يحصي نعماءك احد رحمتك وسعت

بنعمتهای خود و نمی شمارد نعمتهای تو را احدی رحمت تو گنجایش دارد

كل شيء وانا شيء فارحمني ومن الخيرات فارزقني

هر چیزی را و من هستم چیزی پس رحم کن مرا و از خوبیها پس روزی کن مرا

تقبل صلوتي واسمع دعائي ولا تعرض عني

قبول کن نماز مرا و بشنو دعای مرا و رو مگردان از من

يا مولاي حين ادعوك ولا تحرمني الهي حين

ای آقای من هنگامی که دعا میکنم تو را و محروم مگردان مرا ای خدای من هنگامی

اسالك من اجل خطاياي ولا تحرمني لقاءك و

که سؤال میکنم تو را از جهت خطاهای من و محروم مگردان مرا از ملاقات خود و

اجعل محبتي وارادتي محبتك وارادتك واكفني
بگردان دوستی مرا وخواهش مرا دوستی تو وخواهش تو وکفایت کن از من
هول المطلع اللهم اني اسألك ايمانا لا يرتد
هول مطلع خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو ایمانی را که باز نگردد
ونعيما لا ينفد ومرافقة محمد صلى الله عليه و
ونعمتی را که آخر نشود ورفاقت کردن با محمد صلی الله علیه و
آله في اعلى جنة الخلد اللهم واسألك العفاف
آله را در بلندترین مراتب بهشت دایمی خداوندا وسؤال میکنم از تو عفت
والتقى والعمل بما تحب وترضى والرضا
وپرهیزکاری وعمل کردن را بآنچه دوست میداری وخوشنود میگردی وراضی بودن
بالقضاء والنظر الى وجهك الكريم اللهم لقني
بقضا را ونظر کردن را بسوی ذات کریم تو خداوندا بفهمان بمن
حجتي عند الممات ولا ترني اعمالي حسرات
حجت مرا نزد مردن ومنما بمن عملهای مرا حسرتها
اللهم اكفني طلب ما لم تقدر لي من رزق وما
خداوندا کفایت کن از من طلب کردن آنچه را که تقدیر نکرده برای من از روزی وآنچه
قسمت لي فاتني به في يسر منك وعافية اللهم
قسمت کرده برای من بیاور بمن آنرا در آسانی از تو وتندرستی خداوندا

اني اسألك توبة نصوحا تقبلها مني تبقي علي
بدرستی که من سؤال میکنم از تو توبه نصوحی که قبول کنی آنرا از من که باقی داری بر من
بركتها وتغفر بها ما مضى من ذنوبي وتعصمني
برکت آنرا وبیامرزی بسبب آن آنچه گذشته است از گناهان من ونگاه داری مرا
بها فيما بقي من عمري يا اهل التقوى واهل
بسبب آن توبه در آنچه باقی مانده است از عمر من ای سزاوار پرهیزکاری وسزاوار
المغفرة وصل على محمد وآل محمد انك حميد مجيد
آمرزش ورحمت فرست بر محمد وآل محمد بدرستی که تو ستوده شده بزرگی
دعاء روز دوشنبه مرحبا بخلق الله الجديد وبكما من
مرحبا باو آفریده شده خدا که تازه است ومرحبا بشما از
كاتبين وشاهدين اكتبا بسم الله اشهد ان لا
دو نویسنده ودو گواه بنویسید بنام خدا گواهی میدهم اینکه نیست
اله الا الله وحده لا شريك له واشهد ان محمدا
خدای مگر الله تنهاست نیست شریکی برای او وگواهی میدهم اینکه محمد
عبده ورسوله واشهد ان الاسلام كما وصف
بنده او ورسول اوست وگواهی میدهم اینکه اسلام چنان است که وصف کرده
وان الدين كما شرع وان القول كما حدث
واینکه دین چنانست که قرار داده واینکه گفتار چنانست که حکایت کرده

دعاء روز دوشنبه

گاه از عفت نگاه داشتن آدمی است خود را از افعال قبیحه وناشایسته وعفت فرج عبارت از عفت بطن وعفت فرج است عفت بطن نگاه داشتن خود را از خوردن چیز حرام وعفت فرج نگاه داشتن خود است از زنا کردن وامثال آن

۱۶۱

وَاَنَّ الْكِتَابَ كَمَا اَنْزَلَ وَاَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ حَيَّا

وَاینکه قران چنانست که نازل ساخته واینکه خدا اوست حق هویدا تحیت فرستد

اللّٰهُ مُحَمَّدًا بِالسَّلَامِ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ اَللّٰهُمَّ

خدا محمدرا بسلام ورحمت فرستد خدا براو وبر ال او خداوندا

مَا اَصْبَحْتُ فِيهِ مِنْ عَافِيَةٍ فِي دِينِي وَدُنْيَايَ فَاَنْتَ

انچه صبح کرده ام در ان از عافیتی در دین من ودنیای من پس توئی

الَّذِي اَعْطَيْتَنِي وَرَزَقْتَنِي وَوَفَّقْتَنِي لَهُ وَسَتَرْتَنِي

انکسی که عطا کرده ان را بمن وروزی کرده مرا وتوفیق داده مرا برای ان وپوشانیده مرا

فَلَا حَمْدَ لِي اِلٰهِي فِيمَا كَانَ مِنِّي مِنْ خَيْرٍ وَلَا

پس نیست ستایشی برای من ای خدای من درانچه صادر شده است از من از خیری ونیست

عُذْرَ لِي فِيمَا كَانَ مِنِّي مِنْ شَرٍّ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ

عذری برای من درانچه صادر شده است از من از بدی خداوندا بدرستی که من پناه میبرم

بِكَ اَنْ اَتَّكِلَ عَلَى مَا لَا حَمْدَ لِي فِيهِ اَوْ مَا لَا

بتو از اینکه اعتماد کنم بر انچه نیست ستایشی برای من در ان یا انچه نیست

عُذْرَ لِي مِنْهُ اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ لِي

عذری برای من از ان خداوندا بدرستی که نیست گردشی ونه توانائی برای من

عَلَى جَمِيعِ ذٰلِكَ اِلَّا بِكَ يَا مَنْ بَلَّغَ اَهْلَ الْخَيْرِ الْخَيْرَ

بر همه اینها مگر بتو ای انکسی که رسانیده است باهل خوبی خوبی را

یعنی خداوندا پناه میبرم بتو
از اینکه اعتماد کنم بر عمل خودم
چه اگر ان عمل خوب است از توفیق
تو ناشی شده و منادر کردن ان از عطای
تو ناشی ست و اگر ان عمل بداست
ستایشی نیست و عذری
از تقصیر من ناشی شده و در کردن ان
برای من عذر نیست پس خوبی ان
مجموع نیست لطف
کن که اعتماد من بر لطف
و شفقت و فضل
تو باشد

وَاَعَانَهُمْ عَلَيْهِ وَبَلِّغْنِي الْخَيْرَ وَاَعِنِّي عَلَيْهِ اَللّٰهُمَّ اَحْسِنْ

واعانت کرده است ایشان را بران برسان بمن خیر را واعانت کن مرا بران خداوندا نیکو کردان

عَافِيَتِي فِي الْاُمُورِ كُلِّهَا وَاَجِرْنِي مِنْ مَوَاقِفِ الْخِزْيِ

عافیت مرا در کارها همه انها وپناه ده مرا از مواضع خواری

فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ

در دنیا واخرت بدرستی که تو بر هر چیز بغایت توانائی خداوندا

اِنِّي اَسْاَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ وَعَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ

بدرستی که من سؤال میکنم از تو واجب کرداننده های رحمت تورا وجزم کرداننده های امرزش تورا

وَاَسْاَلُكَ الْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ وَالسَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ

وسؤال میکنم از تو فایده بردن را از هر نیکی وسالم بودن را از هر

اِثْمٍ وَاَسْاَلُكَ الْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّارِ اَللّٰهُمَّ

کناهی وسؤال میکنم از تو فایز شدن ببهشت را ونجات یافتن از اتش را خداوندا

رَضِّنِي بِقَضَائِكَ حَتَّى لَا اُحِبَّ تَعْجِيلَ مَا اَخَّرْتَ وَ

راضی کردان مرا بقضای خودت تا اینکه دوست ندارم زود شدن انچه را که تاخیر کرده

لَا تَاْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ عَلَيَّ اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِي مَا اَحْبَبْتُ

نه تاخیر انچه را که تعجیل کرده برمن خداوندا عطا کن بمن انچه را دوست داشتم

وَاجْعَلْهُ خَيْرًا لِي اَللّٰهُمَّ مَا اَنْسَيْتَنِي فَلَا تُنْسِنِي

وبکردان انرا خیر برای من خداوندا هرچه را فراموش کردانی از من پس فراموش مکردان از من

ذِكْرَكَ وَمَا اَحْبَبْتُ فَلَا اُحِبُّ مَعْصِيَتَكَ اَللّٰهُمَّ
یاد ترا وهرچه را دوست دارم پس دوست ندارم معصیت تورا خداوندا
اُمْكُرْ بِي وَلَا تَمْكُرْ عَلَيَّ وَاَعِنِّي وَلَا تُعِنْ عَلَيَّ
مکر کن برای من و مکر مکن بر ضرر من و اعانت کن مرا و اعانت مکن بر ضرر من
وَانْصُرْنِي وَلَا تَنْصُرْ عَلَيَّ وَاهْدِنِي وَيَسِّرْ لِيَ
و نصرت ده مرا و نصرت مده بر ضرر من و هدایت کن مرا و آسان کردان برای من
الْهُدٰى وَاَعِنِّي عَلٰى مَنْ ظَلَمَنِي حَتّٰى اَبْلُغَ فِيهِ ثَارِي
هدایت را و اعانت کن مرا بر کسی که ظلم کرده است بر من تا اینکه برسم در آن بخون خواهی خود
اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي لَكَ شَاكِرًا ذَاكِرًا مُحِبًّا لَكَ
خداوندا بگردان مرا برای تو شکر کننده ذکر کننده دوست دارنده برای تو
رَاهِبًا وَاخْتِمْ لِي مِنْكَ بِخَيْرٍ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ
خوف دارنده و ختم کن برای من از جانب خودت بخوبی خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا
بِعِلْمِكَ الْغَيْبَ وَقُدْرَتِكَ عَلَى الْخَلْقِ اَنْ تُحْيِيَنِي
بحق دانستن تو غیب را و قدرت تو بر مخلوقات اینکه زنده بداری مرا
مَا كَانَتِ الْحَيٰوةُ خَيْرًا لِي وَاَنْ تَتَوَفَّانِي اِذَا كَانَتِ
مادام که بوده باشد زندگی خیر از برای من و اینکه بمیرانی مرا هرگاه بوده باشد
الْوَفَاةُ خَيْرًا لِي وَاَسْاَلُكَ خَشْيَتَكَ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ
مردن خیر از برای من و سؤال میکنم از تو خوف داشتن از تو را در پنهان و آشکار

اُستاد دیگر گفت هر که این دعا را بخواند ... که کاری چند که کرده باشد ... کند و ... کاری که ... خداوند ... و الله تعالی اعلم

وَالْعَدْلَ فِي الرِّضَا وَالْغَضَبِ وَالْقَصْدَ فِي الْغِنٰى
و عدالت کردن را در حال خوشنودی و خشم و میانه روی را در حال توانگری
وَالْفَقْرِ وَاَنْ تُحَبِّبَ اِلَيَّ لِقَاءَكَ فِي غَيْرِ ضَرَّاءَ مُضِرَّةٍ
و بی چیزی و اینکه دوست گردانی بسوی من ملاقات ترا در غیر سختی ضرر رساننده
وَلَا فِتْنَةٍ مُضِلَّةٍ وَاخْتِمْ لِي بِمَا خَتَمْتَ بِهِ لِعِبَادِكَ
و نه فتنه گمراه کننده و ختم کن برای من با آنچه ختم کرده بآن از برای بندگان
الصَّالِحِينَ اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ
صالح خود بدرستی که تو ستوده شده بزرگی و رحمت فرستد خدا بر محمد و
اٰلِهِ وَسَلَّمَ دعاء روز سه شنبه مَرْحَبًا بِخَلْقِ اللّٰهِ الْجَدِيدِ وَ
آل او و سلام فرستد مرحبا بآفریده شده خدا که تازه است و
بِكُمَا مِنْ كَاتِبَيْنِ وَشَاهِدَيْنِ اُكْتُبَا بِسْمِ اللّٰهِ
مرحبا بشما از دو نویسنده و دو گواه بنویسید که بنام خدا
اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ
گواهی میدهم اینکه نیست خدائی مگر الله تنهاست نیست شریکی برای او و
اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ الْاِسْلَامَ
گواهی میدهم اینکه محمد بنده او و رسول اوست و گواهی میدهم اینکه اسلام
كَمَا وَصَفَ وَاَنَّ الدِّينَ كَمَا شَرَعَ وَاَنَّ الْكِتَابَ كَمَا
چنانست که وصف کرده و دین چنان است که قرار داده و اینکه قرآن چنانست

دعاء روز سه شنبه

اَنْزَلَ وَالْقَوْلَ كَمَا حَدَّثَ وَاَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ
كه نازل ساخته و گفتار چنان است كه حكايت كرده و اينكه خدا اوست حق هويدا
حَيَّا اللّٰهُ مُحَمَّدًا بِالسَّلَامِ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ اَصْبَحْتُ
تحيت فرستد خدا محمد را بسلام و رحمت فرستد خدا بر او و آل او صبح كردم
اَسْاَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَ
در حالى كه سؤال ميكنم از تو آمرزش و عافيت را در دين خود و دنياى خود و
اٰخِرَتِي وَاَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي اَللّٰهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَاتِي
آخرت خود و اهل خود و مال خود و اولاد خود خداوندا بپوشان عيبهاى مرا
وَاَجِبْ دَعْوَاتِي وَاحْفَظْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَمِنْ خَلْفِي
و مستجاب گردان دعاهاى مرا و حفظ كن مرا از پيش روى من و از پس سر من
وَعَنْ يَمِينِي وَعَنْ شِمَالِي اَللّٰهُمَّ اِنْ رَفَعْتَنِي فَمَنْ ذَا
و از جانب راست من و از جانب چپ من خداوندا اگر بلند گردانى مرا پس كيست
الَّذِي يَضَعُنِي وَاِنْ تَضَعْنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْفَعُنِي
آنكسى كه پست گرداند مرا و اگر پست گردانى مرا پس كيست آنكسى كه بلند گرداند مرا
اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي لِلْبَلَاۤءِ غَرَضًا وَلَا لِلْفِتْنَةِ نَصَبًا
خداوندا مگردان مرا براى بلا نشانه و نه براى فتنه برپاى داشته شده
وَلَا تُتْبِعْنِي بِبَلَاۤءٍ فِي اِثْرِ بَلَاۤءٍ فَقَدْ تَرٰى ضَعْفِي وَ
و از پى مگردان بمن بلائى را در عقب بلائى پس بتحقيق كه مى بينى ناتوانى مرا و

تَضَرُّعِي اَعُوذُ بِكَ مِنْ جَمِيعِ غَضَبِكَ فَاَعِذْنِي وَاَسْتَجِيرُ
زارى مرا پناه ميبرم بتو از همه غضب تو پس پناه ده مرا و پناه ميجويم
بِكَ مِنْ جَمِيعِ عَذَابِكَ فَاَجِرْنِي وَاَسْتَنْصِرُكَ عَلٰى
بتو از همه عذاب تو پس پناه ده مرا و طلب نصرت ميكنم از تو بر دفع
عَدُوِّكَ فَانْصُرْنِي وَاَسْتَعِينُ بِكَ فَاَعِنِّي وَاَتَوَكَّلُ
دشمن تو پس نصرت ده مرا و استعانت ميجويم بتو پس اعانت كن مرا و توكل ميكنم
عَلَيْكَ فَاكْفِنِي وَاَسْتَهْدِيكَ فَاهْدِنِي وَاَسْتَعْصِمُكَ
بر تو پس كفايت كن مرا و طلب هدايت ميكنم از تو پس هدايت كن مرا و طلب نگاهدارى ميكنم از تو
فَاعْصِمْنِي وَاَسْتَغْفِرُكَ فَاغْفِرْ لِي وَاَسْتَرْحِمُكَ فَارْحَمْنِي
پس نگاه دار مرا و طلب آمرزش ميكنم از تو پس بيامرز مرا و طلب رحم ميكنم از تو پس رحم كن مرا
وَاَسْتَرْزِقُكَ فَارْزُقْنِي سُبْحَانَكَ مَنْ ذَا يَعْلَمُ مَا اَنْتَ
و طلب روزى ميكنم از تو پس روزى ده مرا بپاكى ياد ميكنم ترا كيست آنكس كه ميداند كه چه چيزى تو
وَلَا يَخَافُكَ وَمَنْ يَعْرِفُكَ وَقُدْرَتَكَ وَلَا يَهَابُكَ
و نمى ترسد از تو و كيست كه بشناسد ترا و قدرت تو را و هيبت نبرد از تو
سُبْحَانَكَ رَبَّنَا اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ اِيمَانًا دَاۤئِمًا
بپاكى ياد ميكنم تو را اى پروردگار ما خداوندا بدرستى كه من سؤال ميكنم از تو ايمان دائمى را
وَقَلْبًا خَاشِعًا وَعِلْمًا نَافِعًا وَيَقِينًا صَادِقًا وَاَسْاَلُكَ
و دل فروتنى كننده را و علم نفع رساننده را و يقين راستى را و سؤال ميكنم از تو

دِيناً قَيِّماً وَاَسْاَلُكَ رِزْقاً وَاسِعاً اَللّٰهُمَّ لاٰ تَقْطَعْ

دینی راست درستی را وسؤال میکنم از تو روزی واسعی را خداوندا قطع مکن

رَجٰاءَنٰا وَلاٰ تُخَيِّبْ دُعٰاءَنٰا وَلاٰ تُجْهِدْ بَلاٰءَنٰا وَاَسْاَلُكَ

امید ما را و نا امید مکن دعای ما را و سخت مگردان بلای ما را و سؤال میکنم از تو

اَلْعٰافِيَةَ وَالشُّكْرَ عَلَى الْعٰافِيَةِ وَاَسْاَلُكَ الْغِنٰاءَ

عافیت و شکر بر عافیت را و سؤال میکنم از تو بی نیازی را

عَنِ النّٰاسِ اَجْمَعِينَ يٰا اَرْحَمَ الرّٰاحِمِينَ وَيٰا مُنْتَهىٰ

از مردمان همه ای رحم کننده ترین رحم کنندگان وای منتهای

هِمَّةِ الرّٰاغِبِينَ وَالْمُفَرِّجَ عَنِ الْمَهْمُومِينَ وَيٰا مَنْ اِذٰا

همت رغبت کنندگان و گشایش دهنده از اندوهناکان وای آنکسی که هرگاه

اَرٰادَ شَيْئاً فَحَسْبُهُ اَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ اَللّٰهُمَّ

اراده کند چیزی را پس بس است او را اینکه بگوید بآن که بشو پس میشود خداوندا

اِنَّ كُلَّ شَيْءٍ لَكَ وَكُلَّ شَيْءٍ بِيَدِكَ وَكُلَّ شَيْءٍ اِلَيْكَ

بدرستی که هر چیزی برای تست و هر چیزی بدست تست و هر چیزی بسوی تو

يَصِيرُ وَاَنْتَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ لاٰ مٰانِعَ لِمٰا اَعْطَيْتَ

بازگشت میکند و تو بر هر چیزی بغایت توانائی نیست منع کننده برای آنچه عطا کرده

وَلاٰ مُعْطِيَ لِمٰا مَنَعْتَ وَلاٰ مُيَسِّرَ لِمٰا عَسَّرْتَ وَلاٰ

و نیست عطا کننده برای آنچه منع کرده و نیست آسان کننده برای آنچه دشوار کرده باشی و نیست

مُعَسِّرَ لِمٰا يَسَّرْتَ وَلاٰ مُعَقِّبَ لِمٰا حَكَمْتَ وَلاٰ يَنْفَعُ

دشوار کننده برای آنچه آسان کرده باشی و نیست پس اندازنده برای آنچه حکم کرده باشی و نفع نمیدهد

ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ وَلاٰ قُوَّةَ اِلاّٰ بِكَ مٰا شِئْتَ كٰانَ

صاحب غنا را نزد تو غنای او و نیست توانائی مگر بتو آنچه خواسته شده است

وَمٰا لَمْ تَشَاْ لَمْ يَكُنْ اَللّٰهُمَّ فَمٰا قَصُرَ عَنْهُ عَمَلِي وَ

و آنچه نخواسته نشده است خداوندا پس آنچه کوتاهی نموده است از آن عمل من و

رَأْيِي وَلَمْ تَبْلُغْهُ مَسْئَلَتِي مِنْ خَيْرٍ وَعَدْتَهُ اَحَداً

فهم من و نرسیده است بآن سؤال من از خوبی که وعده کرده او را بیکی

مِنْ خَلْقِكَ وَخَيْرٍ اَنْتَ مُعْطِيهِ اَحَداً مِنْ خَلْقِكَ

از خلق خودت و خوبی که تو عطا کننده او را بیکی از خلق خودت

فَاِنِّي اَسْئَلُكَ وَاَرْغَبُ اِلَيْكَ فِيهِ يٰا اَرْحَمَ الرّٰاحِمِينَ

پس بدرستی که من سؤال میکنم ترا و رغبت میکنم بسوی تو در آن ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل او بدرستی که تو ستوده شده بزرگواری

دعای روز چهارشنبه مَرْحَباً بِخَلْقِ اللّٰهِ الْجَدِيدِ وَبِكُمٰا

مرحبا بآفریده شده خدا که تازه است و مرحبا بشما

مِنْ كٰاتِبَيْنِ وَشٰاهِدَيْنِ اُكْتُبٰا بِسْمِ اللّٰهِ اَشْهَدُ اَنْ

از دو نویسنده و دو گواه بنویسید بنام خدا گواهی میدهم اینکه

یعنی غنای ما اهل الدنیا نفعی عاید او
نمیرساند نزد تو بلکه آنچه نزد تو فایده
او نافع است و نفع عمل کردن بطاعات
و عبادات است

لا اله الا الله وحده لا شريك له و اشهد ان محمدا
نیست خدائی مگر الله تنهاست نیست شریکی برای او وگواهی میدهم اینکه محمد
عبده ورسوله واشهد ان الاسلام كما وصف
بنده او ورسول اوست وگواهی میدهم اینکه اسلام چنانست که وصف کرده
والدين كما شرع وان الكتاب كما انزل والقول
و دین چنانست که قرار داده واینکه قرآن چنانست که نازل ساخته وگفتار
كما حدث وان الله هو الحق المبين حيا الله محمدا
چنانست که حکایت کرده واینکه خدا اوست حق هویدا تحیت فرستد خدا محمد را
بالسلام وصلى الله عليه واله اللهم اجعلني من
بسلام ورحمت فرستد خدا براو وآل او خداوندا بگردان مرا از
افضل عبادك نصيبا في كل خير تقسمه في هذا اليوم
جمله بهترین بندگان خود از راه بهره در هر خیری که قسمت میکنی آنرا در این روز
من نور تهدي به ورزق تبسطه وضر تكشفه او
از نوری که هدایت میکنی بآن وروزی که پهن میکنی آنرا وبدحالی که برطرف میکنی آنرا یا
بلاء تصرفه او شر تدفعه او رحمة تنشرها
بلائی که باز میگردانی آنرا یا شری که دفع میکنی آنرا یا رحمتی که پراکنده میکنی آنرا
او معصية تصرفها اللهم اغفر لي ما قد سلف
یا معصیتی که باز میگردانی آنرا خداوندا بیامرز برای من آنچه را که گذشته است

من ذنوبی

من ذنوبي واعصمني فيما بقي من عمري وارزقني
از گناهان من ونگاه دار مرا در آنچه باقی مانده است از عمر من وروزی کردان مرا
عملا ترضى به عني اللهم اني اسألك بكل اسم
عملی که خوشنود کردی بسبب آن از من خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بحق هر نامی
هو لك سميت به نفسك او انزلته في شيء من
که آن برای تست ونامیده بآن نفس خود را ونازل کرده آنرا در چیزی از
كتبك او استأثرت به في علم الغيب عندك
کتابهای خود یا اختیار کرده آنرا در علم غیب نزد خودت
او علمته احدا من خلقك ان تجعل القران ربيع
یا تعلیم کرده آنرا بیکی از خلق خودت اینکه بگردانی قرآن را بهار
قلبي وشفاء صدري ونور بصري وذهاب همي
دل من وشفای سینه من ونور دیده من وبرطرف شدن غم
وحزني فانك لا حول ولا قوة الا بك اللهم
واندوه من پس بدرستیکه تو نیست گردش وتوانائی مگر بتو خداوندا
رب الارواح الفانية ورب الاجساد البالية
ای پروردگار روحهای فانی شده وای پروردگار بدنهای کهنه گشته
اسألك بطاعة الارواح البالغة الى عروقها
سوال میکنم ترا بحق اطاعت کردن جانهائی که رسیده اند بسوی اصلهای خود

وَبِطَاعَةِ الْقُبُورِ الْمُنْشَقَّةِ عَنْ اَهْلِهَا وَبِدَعْوَتِكَ

وبحق اطاعت کردن قبرهائی که شکافته شده اند از اهل انها وبحق دعوت تو

الصَّادِقَةِ فِيهِمْ وَاَخْذِكَ الْحَقَّ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْخَلَائِقِ

که راست است درباره ایشان وفراگرفتن تو حق را درمیان ایشان ومیان خلایق

فَلَا يَنْطِقُونَ مِنْ مَخَافَتِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَكَ وَيَخَافُونَ

پس گویا نمیشوند از ترس تو امید دارند رحمت ترا ومیترسند

عَذَابَكَ اَسْاَلُكَ النُّورَ فِي بَصَرِي وَالْيَقِينَ فِي

از عذاب تو سؤال میکنم از تو روشنی را در دیده من ویقین را در

قَلْبِي وَالْاِخْلَاصَ فِي عَمَلِي وَذِكْرَكَ عَلَى لِسَانِي اَبَدًا

دل من واخلاص را در عمل من ویاد ترا بر زبان من همیشه

مَا اَبْقَيْتَنِي اَللّٰهُمَّ مَا فَتَحْتَ لِي مِنْ بَابِ طَاعَةٍ

مادام که باقی گذاری مرا خداوندا انچه کشوده برای من از در اطاعت

فَلَا تُغْلِقْهُ عَنِّي اَبَدًا وَمَا اَغْلَقْتَ عَنِّي مِنْ بَابِ

پس مبند انرا از من هرگز وانچه بسته از من از در

مَعْصِيَةٍ فَلَا تَفْتَحْهُ عَلَيَّ اَبَدًا اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي حَلَاوَةَ

معصیت پس مگشای انرا برمن هرگز خداوندا روزی کن بمن شیرینی

الْاِيمَانِ وَطَعْمَ الْمَغْفِرَةِ وَلَذَّةَ الْاِسْلَامِ وَبَرْدَ الْعَيْشِ

ایمان را ومزه امرزش را ولذت اسلام را وخنکی زندگانی را

خنکی زندگانی کنایه است از
شادی وخوشحالی در زندگانی
که بعد از مردن است

بعد

بَعْدَ الْمَوْتِ اِنَّهُ لَا يَمْلِكُ ذٰلِكَ غَيْرُكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي

بعد از مردن بدرستی که مالک نیست این را کسی غیر تو خداوندا بدرستی که من

اَعُوذُ بِكَ اَنْ اَضِلَّ اَوْ اَذِلَّ اَوْ اَظْلِمَ اَوْ اُظْلَمَ

پناه میبرم بتو از اینکه گمراه شوم یا خوار شوم یا ظلم کنم یا ظلم کرده شوم

اَوْ اَجْهَلَ اَوْ يُجْهَلَ عَلَيَّ اَوْ اَجُورَ اَوْ يُجَارَ عَلَيَّ

یا جاهل باشم یا مجهول کرده شود برمن یا ستم کنم یا ستم کرده شود برمن

اَخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا مَغْفُورًا لِي ذَنْبِي مَقْبُولًا لِي

بیرون بر مرا از دنیا امرزیده شده برای من گناه من قبول کرده شده برای من

عَمَلِي وَاَعْطِنِي كِتَابِي بِيَمِينِي وَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَةِ

عمل من وبده بمن کتاب مرا بدست راست من وحشر کن مرا در گروه

النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَسَلَّمَ دعاء روز پنجشنبه

پیغمبر یعنی محمد که رحمت فرستد خدا برو وال او ودرود فرستد

مَرْحَبًا بِخَلْقِ اللّٰهِ الْجَدِيدِ وَبِكُمَا مِنْ كَاتِبَيْنِ وَشَاهِدَيْنِ

مرحبا بافریده شده خدا که تازه است ومرحبا بشما از دو نویسنده ودو گواه

اُكْتُبَا بِسْمِ اللّٰهِ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ

بنویسید که بنام خدا گواهی میدهم اینکه نیست خدائی مگر الله تنها است

لَا شَرِيكَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَ

نیست شریکی برای او وگواهی میدهم اینکه محمد بنده او ورسول او است و

اَشْهَدُ اَنَّ الْاِسْلَامَ كَمَا وَصَفَ وَالدِّيْنَ كَمَا شَرَعَ
گواهی میدهم اینکه اسلام چنان است که وصف کرده و دین چنانست که قرار داده
وَ الْقَوْلَ كَمَا حَدَّثَ وَ الْكِتَابَ كَمَا اَنْزَلَ وَ اَنَّ
و گفتار چنانست که حکایت کرده و قرآن چنانست که نازل ساخته و اینکه
اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِيْنُ حَيَّا اللّٰهُ مُحَمَّدًا بِالسَّلَامِ وَ
خدا اوست حق هویدا تحیت فرستد خدا محمد را بسلام و
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهٖ اَصْبَحْتُ اَعُوْذُ بِوَجْهِ اللّٰهِ
رحمت فرستد خدا بر او و آل او صبح کردم در حالتی که پناه میبرم بذات خدا
الْكَرِيْمِ وَ اسْمِ اللّٰهِ الْعَظِيْمِ وَ كَلِمَتِهِ التَّامَّةِ مِنْ
که کریم است و نام خدا که عظیم است و کلمهٔ خدا که تمام است از
شَرِّ السَّامَّةِ وَ الْهَامَّةِ وَ الْعَيْنِ اللَّامَّةِ وَ مِنْ شَرِّ
شر جوان زهردارنده و جوان گزنده و چشم لامه و از شر
مَا خَلَقَ وَ ذَرَأَ وَ بَرَأَ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّيْ
آنچه خلق کرده و آفریده و جان داده و از شر هر جنبنده که پروردگار من
اٰخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا اِنَّ رَبِّيْ عَلٰى صِرَاطٍ مُسْتَقِيْمٍ
گرفته است پیش سر او را بدرستی که پروردگار من بر راه راست است
اَللّٰهُمَّ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ جَمِيْعِ خَلْقِكَ وَ اَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ
خداوندا پناه میبرم بتو از همه خلق تو و توکل میکنم بر تو

عین لامه یعنی چشم بدی که آسیب رساننده آدمی را چشم زند چنانکه مشهور است

فِيْ جَمِيْعِ اُمُوْرِيْ فَاحْفَظْنِيْ مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَ مِنْ خَلْفِيْ وَ مِنْ
در همه کارهای خود پس حفظ کن مرا از پیش روی من و از پشت سر من و از
فَوْقِيْ وَ مِنْ تَحْتِيْ وَ لَا تَكِلْنِيْ فِيْ حَوَائِجِيْ اِلٰى عَبْدٍ
بالای سر من و از زیر پای من و وامگذار مرا در حاجتهای من بسوی بنده
مِنْ عِبَادِكَ فَتَخْذُلَنِيْ اَنْتَ مَوْلَايَ وَ سَيِّدِيْ فَلَا تُخَيِّبْنِيْ
از بندگان خود تا فرو گذاشت نماید مرا توئی آقای من و بزرگ من پس نومید مکن مرا
مِنْ رَحْمَتِكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ
از رحمت خود خداوندا بدرستی که من پناه میبرم بتو از زوال نعمت تو
وَ تَحَوُّلِ عَافِيَتِكَ وَ اسْتَعَنْتُ بِحَوْلِ اللّٰهِ وَ قُوَّتِهٖ
و منتقل شدن عافیت تو و استعانت میجویم بتوانائی خدا و قوت او
مِنْ حَوْلِ خَلْقِهٖ وَ قُوَّتِهِمْ وَ اَعُوْذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ
از توانائی خلق او و قوت ایشان و پناه میبرم بپروردگار صبح از
شَرِّ مَا خَلَقَ حَسْبِيَ اللّٰهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيْلُ اَللّٰهُمَّ اَعِزَّنِيْ
شر آنچه آفریده است بس است مرا خدا و خوب وکیل است خداوندا عزیز گردان مرا
بِطَاعَتِكَ وَ اَذِلَّ اَعْدَائِيْ بِمَعْصِيَتِكَ وَ اقْصِمْهُمْ يَا
بفرمان برداری تو و خوار گردان دشمنان مرا بمعصیت کردن تو و در هم شکن ایشان را ای
قَاصِمَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيْدٍ يَا مَنْ لَا يُخَيِّبُ مَنْ دَعَاهُ وَ
شکننده هر تکبر کننده عناد ورزنده ای آنکسی که نا امید نمیکرداند کسی را که دعا کند او را

يا مَنْ اِذا تَوَكَّلَ الْعَبْدُ عَلَيْهِ كَفاهُ اِكْفِنى كُلَّ
اى آنكسى كه هرگاه توكل كند بنده برا او كفايت ميكند اورا كفايت كن براى من هر
مُهِمٍّ مِنْ اَمْرِ الدُّنْيا وَالْاٰخِرَةِ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْاَلُكَ عَمَلَ
كارِ مهمى از كار دنيا و آخرت را خداوندا بدرستى كه من سوال ميكنم از تو عمل
الْخائِفينَ وَخَوْفَ الْعامِلينَ وَخُشُوعَ الْعابِدينَ وَ
خوف دارندگان را و خوفِ عمل كنندگان را و فروتنى عبادت كنندگان را و
عِبادَةَ الْمُتَّقينَ وَاِخْباتَ الْمُؤْمِنينَ وَاِنابَةَ الْمُخْبِتينَ
عبادتِ پرهيزكاران را و اطمينانِ مومنان را و بازگشتِ مطمئنان را
وَتَوَكُّلَ الْمُؤْمِنينَ وَيُسْرَ الْمُتَوَكِّلينَ وَاَلْحِقْنا
و توكلِ مومنان را و آسانى توكل كنندگان را و ملحق ساز مارا
بِالْاَحْياءِ الْمَرْزُوقينَ وَاَدْخِلْنَا الْجَنَّةَ وَاَعْتِقْنا
بزندگان روزى داده شدگان و داخل كردان مارا در بهشت و آزاد كردان مارا
مِنَ النّارِ وَاَصْلِحْ لَنا شَاْنَنا كُلَّهُ اَللّٰهُمَّ اِنّى
از آتش و اصلاح كن براى ما كارِ ما را همه آن خداوندا بدرستى كه من
اَسْاَلُكَ اِيماناً صادِقاً يا مَنْ يَمْلِكُ حَوائِجَ السّائِلينَ
سوال ميكنم از تو ايمانى صادق را اى آنكسى كه مالك است حاجتهاى سوال كنندگان را
وَيَعْلَمُ ضَميرَ الصّامِتينَ اِنَّكَ بِكُلِّ خَيْرٍ عَليمٌ
و ميداند آنچه را كه در دلِ خاموشان است بدرستى كه تو بهر خيرى بسيار دانائى

غَيْرَ مُعَلَّمٍ اَسْاَلُكَ اَنْ تَقْضِىَ لى حَوائِجى وَاَنْ تَغْفِرَ
تعليم نا كرده شده سوال ميكنم از تو اينكه برآورى براى من حاجتهاى مرا و اينكه بيامرزى
لى وَلِوالِدَىَّ وَلِجَميعِ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ وَالْمُسْلِمينَ
براى من و براى والدين من و براى همه مردانِ مومن و زنانِ مومنه و مردانِ مسلمان
وَالْمُسْلِماتِ الْاَحْياءِ مِنْهُمْ وَالْاَمْواتِ وَصَلَّى اللّٰهُ
و زنانِ مسلمان زندگانِ از ايشان و مردگان و رحمت فرستد خدا
عَلٰى سَيِّدِنا نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ دعائيكه از حضرت امام زين
بر بزرگِ ما كه پيغمبر اوست يعنى محمد و آل او العابدين عليه الصلوة
والسلام روايت شده است حسن بن بليل ابو كهمل رازى معرة النعمان
گفته است كه خبر داد ما را حسن بن عباس و گفت حديث كرد
ما را يحيى بن يزيد بن عبد الملك نوفلى و او روايت كرد
از پدر خود و پدرِ او از جد او كه از جمله دعاهاى حضرت
امام زين العابدين عليه الصلوة والسلام كه بعد از آنكه از
نماز فريضه يا از نماز نافله فارغ ميشده ميخوانده اينست
اَللّٰهُمَّ لا تَجْعَلْنا فى هٰذَا الْوَقْتِ مِنْ رَحْمَتِكَ
خداوندا مگردان ما را در اين وقت از رحمت خود
مَحْرُومينَ وَلا لِفَضْلِ ما نُؤَمِّلُهُ مِنْ عَطائِكَ قانِطينَ
محروم شدگان و نه براى تفضل كردن آنچه را كه اميد داريم آن را از بخشش تو نا اميد شدگان

دعاء منقول از حضرت امام زين العابدين عليه السلام كه بعد از نماز فريضه و نافله ميخواندند

اللّٰهمّ خصّنا بعظيم الأجر وكريم الذخر وحسن
خداوندا مخصوص گردان مارا باجر عظیم و ذخیرهٔ گرامی و شکرگذاری
الشكر ودوام اليسر اللّٰهمّ اقبلنا وتقبّل منّا
نیکو و آسانی دایمی خداوندا قبول کن مارا و قبول کن از ما
واقلبنا منجحين واغفر لنا ذنوبنا اجمعين ولا
و برگردان مارا رستگاران و بیامرز برای ما گناهان مارا همه و
تهلكنا مع الهالكين ولا تصرف عنّا رحمتك
هلاک مکن مارا با هلاک شوندگان و باز مدار از ما رحمت خودرا
يا ارحم الراحمين اللّٰهمّ اجعلنا في هذا الوقت
ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا بگردان مارا در این وقت
ممّن سألك فاعطيته وشكرك فزدته و
از جملهٔ کسانی که سؤال کرده باشند ترا پس عطا کرده باشی ایشان را و شکر کرده باشند ترا پس زیاد کرده باشی برای ایشان و
تاب اليك فقبلته وتوسّل اليك من ذنوبه
توبه کرده باشند بسوی تو پس قبول کرده باشی توبهٔ ایشان را و متوسّل شده باشند بسوی تو از گناهان خود
كلّها فغفرتها له يا ذا الجلال والإكرام
همهٔ آنها پس آمرزیده باشی گناهان را برای ایشان ای صاحب جلال و گرامی داشتن
اللّٰهمّ وفّقنا وسدّدنا واعصمنا واقبل تضرّعنا
خداوندا توفیق ده مارا و براه راست بدار مارا و نگاه دار مارا و قبول کن زاری مارا

یا خیر

يا خير من سئل ويا ارحم من استرحم يا من لا يخفى
ای بهترین کسی که سؤال کرده شده است و ای رحم کننده ترین کسی که طلب رحم کرده شده است ای آنکسی که مخفی نیست
عليه اغماض الجفون ولا لحظات العيون ولا
بر او پوشانیدن پلکها و نه ملاحظه کردنهای چشمها و نه
ما استقرّ في المكنون ولا ما انطوت عليه مضمون
آنچه پنهان است در سینه و نه آنچه مشتمل است بر آن مضمون
القلوب بل كلّ قد احصاه علمك ووسعه حلمك
دلها بلکه همهٔ آنها را شمرده است علم تو و گنجایش داده آنها را حلم تو
بلا مؤونة وكلفة ولا اختلاف ادك سبحانك
بی مشقّتی و تکلیف کردنی بی آنکه اختلافی بهم رساند اندازهٔ ترا منزّهی تو
عمّا يقول الظالمون علوًّا كبيرا تسبّح لك السماوات
از آنچه میگویند ظالمان بلندی بزرگی تسبیح میکند برای تو آسمانها
باقطارها والارضون باكنافها وجميع ما ذرأت
با اطراف آنها و زمینها با جوانب آنها و همهٔ آنچه آفریده
وبرأت فيهنّ وان من شيء الّا يسبّح بحمدك
و جان داده در آنها و نیست از چیزی مگر آنکه تسبیح میکند متلبّس بحمد تو
فلك الحمد والمجد وعلوّ الجدّ يا ذا الجلال والإكرام
پس برای تست ستایش و بزرگواری و بلندی عظمت ای صاحب جلال و گرامی داشتن

وَالطَّوْلِ وَالْاِنْعَامِ وَالْاَيَادِي الْجِسَامِ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ
وَاحسان وانعام ونعمتهای بزرك رحمت فرست بر محمد
وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي مَا اَنْتَ اَهْلُهُ لَا مَا اَنَا اَهْلُهُ
و آل محمد و بکن با من آنچه تو سزاواری نه آنچه من سزاوارم
فَاَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ الرَّؤُفُ الرَّحِيمُ وَاَنَا اَسِيرُ
پس توئی بخشنده صاحب کرم مهربان رحم کننده و منم اسیر
خَطِيئَاتِي وَذُنُوبِي يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ
خطاهای خود و گناهان خود ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من
و آنحضرت یاربّاه را بقدری که بیک نفس وفا کند تکرار مینموده دعا
دیگر که از حضرت پیغمبر صلّی الله علیه و آله و آله روایت
شده است و در روایت وارد شده است که هر که این دعا را
بعد از نماز فریضه بخواند حفظ کرده میشود نفس او و خانه او و مال او و فرزند او
و دعا اینست اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا اَخَّرْتُ
خداوندا بیامرز برای من گناهانی را که پیش کرده ام و گناهانی را که اخر کرده ام
وَمَا اَسْرَرْتُ وَمَا اَعْلَنْتُ وَاِسْرَافِي عَلٰى نَفْسِي
و آنچه را پنهان کرده ام و آنچه را آشکار کرده ام و اسراف و زیاده رویی که بر نفس خود کرده ام
وَمَا اَنْتَ اَعْلَمُ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَالْمُؤَخِّرُ
و آنچه را که تو دانا تری خداوندا توئی پیش اندازنده و پس اندازنده

و دعائی که خوانند آن بعد از
هر نماز فریضه سبب حفظ
جان و خانه و مال و فرزند است

لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ بِعِلْمِكَ الْغَيْبَ وَبِقُدْرَتِكَ عَلَى الْخَلْقِ
نیست خدائی مگر تو بحق دانستن تو غیب را و قدرت داشتن تو بر خلق
اَجْمَعِينَ مَا عَلِمْتَ الْحَيٰوةَ خَيْرًا لِي فَاَحْيِنِي وَتَوَفَّنِي
همگی مادام که بدانی زندگی را بهتر برای من پس زنده بدار مرا و بمیران مرا
اِذَا عَلِمْتَ الْوَفَاةَ خَيْرًا لِي اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ
هرگاه بدانی مردن را بهتر برای من خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو
خَشْيَتَكَ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ وَكَلِمَةَ الْحَقِّ فِي الْغَضَبِ
ترسیدن از تو را در پنهان و آشکار و کلمهٔ حق را در حال غضب
وَالرِّضَا وَالْقَصْدَ فِي الْفَقْرِ وَالْغِنٰى وَاَسْاَلُكَ
و خوشنودی و میانه روی را در حال بی چیزی و توانگری و سوال میکنم از تو
نَعِيمًا لَا يَنْفَدُ وَقُرَّةَ عَيْنٍ لَا تَنْقَطِعُ وَاَسْئَلُكَ
نعمتی را که آخر نشود و خنکی چشمی را که منقطع نگردد و سوال میکنم از تو
الرِّضَا بِالْقَضَاءِ وَبَرْدَ الْعَيْشِ بَعْدَ الْمَوْتِ وَلَذَّةَ
راضی بودن را بقضا و سردی زندگانی را بعد از مردن و لذت
النَّظَرِ اِلٰى وَجْهِكَ وَشَوْقًا اِلٰى لِقَائِكَ مِنْ غَيْرِ ضَرَّاءَ
نظر کردن را بسوی وجه تو و مشتاق بودن را بسوی ملاقات کردن تو بی ضرری که
مُضِرَّةٍ وَلَا فِتْنَةٍ مُضِلَّةٍ اَللّٰهُمَّ زَيِّنَّا بِزِينَةِ الْاِيمَانِ
ضرر رساننده باشد و بی فتنه که گمراه کننده باشد خداوندا زینت ده ما را بزینت ایمان

وَاجْعَلْنَا هُدَاةً مُهْتَدِينَ اَللّٰهُمَّ اهْدِنَا فِيمَنْ هَدَيْتَ

وبگردان مارا راه نمایندگان راه یافتگان خداوندا هدایت کن مارا در میان جماعتی که هدایت کرده

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ عَزِيمَةَ الرَّشَادِ وَالثَّبَاتَ فِي

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو جزم رسیدن براه حق را وثابت بودن را در

الْاَمْرِ وَالرُّشْدَ وَاَسْئَلُكَ شُكْرَ نِعْمَتِكَ وَحُسْنَ

کار ورسیدن براه حق را وسؤال میکنم از تو شکر گذاری نعمت تورا و خوبی

عَافِيَتِكَ وَاَدَاءَ حَقِّكَ وَاَسْاَلُكَ يَا رَبِّ قَلْبًا

از عافیت تورا واداکردن حق تورا وسؤال میکنم از تو ای پروردگار من دل

سَلِيمًا وَلِسَانًا صَادِقًا وَاَسْتَغْفِرُكَ لِمَا نَعْلَمُ وَ

سالمی وزبان صادقی را وطلب آمرزش میکنم از تو برای آنچه میدانی و

اَسْاَلُكَ خَيْرَ مَا نَعْلَمُ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا نَعْلَمُ

سؤال میکنم از تو خیر آنچه را که میدانی وپناه میبرم بتو از شر آنچه میدانی

فَاِنَّكَ تَعْلَمُ وَلَا نَعْلَمُ وَاَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ

پس بدرستی که تو میدانی وما نمیدانیم و تو بسیار دانائی بغیبها

دُعَاءِ دِيگَر كِه اَز حَضْرَتِ اِمَام مُوسَىٰ كَاظِمْ عَلَيْهِ الصَّلٰوةُ وَالسَّلَمْ رِوَايَتْ شُدَه اَسْت

اَللّٰهُمَّ بِبِرِّكَ الْقَدِيمِ وَرَاْفَتِكَ بِبَرِيَّتِكَ اللَّطِيفِ

خداوندا بحق نیکوئی قدیم تو و مهربانی تو بحق مخلوقات لطیف تو

دعائی که خواندن آن بعد از نماز فریضه مستحب و درازی عمر است

وَشَفَقَتِكَ بِصَنْعَتِكَ الْمُحْكَمَةِ وَقُدْرَتِكَ بِسِتْرِكَ

وشفقت تو بحق کارهای محکم تو وقدرت تو بحق پوشایندگی

الْجَمِيلِ وَعِلْمِكَ فَصَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَحْيِ قُلُوبَنَا

نیکوی تو ودانائی تو پس رحمت فرست بر محمد وآل محمد وزنده گردان دلهای مارا

بِذِكْرِكَ وَاجْعَلْ ذُنُوبَنَا مَغْفُورَةً وَعُيُوبَنَا

بیاد خودت وبگردان گناهان مارا آمرزیده شده و عیبهای مارا

مَسْتُورَةً وَفَرَائِضَنَا مَشْكُورَةً وَنَوَافِلَنَا مَبْرُورَةً

پوشانیده شده وواجبهای مارا شکر کرده شده وسنتهای مارا پسندیده شده

وَقُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً وَنُفُوسَنَا بِطَاعَتِكَ

ودلهای مارا بیاد تو آباد کرده شده ونفسهای مارا بفرمان برداری تو

مَسْرُورَةً وَعُقُولَنَا عَلَىٰ تَوْحِيدِكَ مَجْبُورَةً وَاَرْوَاحَنَا

خوشنود شده وعقلهای مارا بر یگانه شناسی تو جبر کرده شده وروحهای مارا

عَلَىٰ دِينِكَ مَفْطُورَةً وَجَوَارِحَنَا عَلَىٰ خِدْمَتِكَ مَقْهُورَةً

بر دین تو خلق کرده شده واعضای مارا بر خدمت تو غلبه کرده شده

وَاَسْمَاءَنَا فِي خَوَاصِّكَ مَشْهُورَةً وَحَوَائِجَنَا لَدَيْكَ

ونامهای مارا درمیان مخصوصان تو شهرت یافته شده وحاجتهای مارا نزد خودت

مَيْسُورَةً وَاَرْزَاقَنَا مِنْ خَزَائِنِكَ مَدْرُورَةً اَنْتَ

آسان کرده شده وروزیهای مارا از خزانهای خودت ریزان شده توئی

اللّٰه الّذي لا اله الّا انت لقد فاز من والاك
خدائی که نیست خدائی مگر تو هر اینه بتحقیق که بمقصد رسید هرکه دوست داشت ترا
وسعد من ناجاك وعزّ من ناداك وظفر
ونیکبخت شد هرکه مناجات کرد باتو وعزیز شد هرکه طلبید ترا وظفر یافت
من رجاك وغنم من قصدك وربح من تاجرك
هرکه امید داشت بتو وغنیمت برد هرکه قصد کرد ترا وسود یافت هرکه سودا کرد باتو
دعاء دیگر مرویست که هرکه این دعا را بعد از هر نماز فریضه بخواند و
بران مداومت نماید انقدر عمر او دراز شود که از حیات ملول گردد
و دعا اینست اللّٰهمّ صلّ علی محمّد وآل محمّد اللّٰهمّ
خداوندا رحمت بفرست بر محمد وآل محمّد خداوندا
انّ رسولك الصادق المصدّق صلواتك علیه و
بدرستیکه رسول تو که راست گو و تصدیق کرده شده است که رحمتهای تو برو باد و
آله قال انّك قلت ما تردّدت في شيء انا فاعله
آل او گفته است اینکه تو گفتهٔ که تردد نکرده ام در چیزی که من کننده آن باشم
كتردّدي في قبض روح عبدي المؤمن يكره
مانند تردد من در قبض روح بندهٔ مؤمن خود که ناخوش میدارد
الموت واكره مساءته فصلّ علی محمّد وآل محمّد
مرگ را و من ناخوش میدارم ناخوشی او را پس رحمت بفرست بر محمد وآل محمد

وعجّل لاولیائك الفرج والعافیة والنصر
و تعجیل کن برای دوستان خودت گشایش و عافیت و نصرت را
ولا تسؤني في نفسي ولا في فلان وفلان وبجای
و ناخوش مگردان مرا در نفس من و نه در فلان و فلان فلان و
فلان نام دوستان خود را که درازی عمر ایشان را میخواهد بگوید
دعای دیگر لحیهٔ خود را بدست راست خود میگیرد و دست
چپ را بدعا بر میدارد باین طریق که کف گشوده
و بجانب آسمان باشد و سه مرتبه میگوید
یا ذا الجلال والاکرام صلّ علی محمّد وآل
ای صاحب جلالت و گرامی داشتن رحمت بفرست بر محمد وآل
محمّد واجرني من النار بعد از آن دست راست
محمد و پناه ده مرا از آتش خود را بلند میکند و کف
آن را بجانب آسمان میگشاید و سه مرتبه میگوید
یا عزیز یا کریم یا غفور یا رحیم بعد از آن
ای عزیز ای صاحب کرم ای آمرزنده ای مهربان هر دو دست
را بر میگرداند و پشت دستها را بجانب آسمان میکند و سه مرتبه میگوید
صلّ علی محمّد وآل محمّد واجرني من العذاب الالیم
رحمت فرست بر محمد وآل محمد و پناه ده مرا از عذاب دردناک

بعد از آن هر دو دست را بزیر می آورد و میگوید
اللّهمّ صلّ علی محمّد وآل محمّد وفقّهنی فی الدّین
خداوندا رحمت فرست بر محمّد و آل محمّد و دانا گردان مرا در دین
وحبّبنی الی المسلمین واجعل لی لسان صدق
و دوست گردان مرا بسوی مسلمانان و بگردان برای من زبان راستی
فی الآخرین وارزقنی هیبة المتّقین یا الله یا الله
در میان پسینیان و روزی کن مرا هیبتی که برای متّقیان می باشد ای خدا ای خدا
یا الله اسألک بحقّ من حقّه علیک عظیم ان تصلّی
ای خدا سؤال میکنم ترا بحقّ کسی که حقّ او بر تو عظیم است اینکه رحمت فرستی
علی محمّد وآل محمّد وان تستعملنی بما عرّفتنی من
بر محمّد و آل محمّد و اینکه بکار داری مرا بآنچه شناسانیده بمن از
حقّک وان تبسط علیّ من حلال رزقک دعای دیگر
حقّ خودت و اینکه پهن کنی برای من از روزی حلال خودت مروی است که کسی
چیزی از دعا که مجرّبست بعد از نماز واجب اینست که بگوید
اللّهمّ صلّ علی محمّد وآل محمّد اللّهمّ انّا نسئلک
خداوندا رحمت فرست بر محمّد و آل محمّد خداوندا بدرستی که ما سؤال میکنیم ترا
من کلّ خیر احاط به علمک ونعوذ بک من کلّ شرّ
از هر خیری که احاطه کرده است آن را علم تو و پناه میبریم بتو از هر شرّی

احاط به علمک اللّهمّ انّا نسئلک عافیتک فی امورنا
که احاطه کرده است آن را علم تو خداوندا بدرستی که ما سؤال میکنیم از تو عافیت ترا در کارهای ما
کلّها ونعوذ بک من خزی الدّنیا وعذاب الآخرة
همه آنها و پناه میبریم بتو از خواری دنیا و عذاب آخرت
دعائی که از تعقیبات مخصوصه بظهر است و نقل کرده است
از معویة بن عمّار از حضرت امام جعفر صادق علیه الصّلوة والسّلام
یا اسمع السّامعین ویا ابصر النّاظرین ویا اسرع
ای شنونده ترین شنوندگان و ای بیناترین بینندگان و ای زودتر حساب کننده ترین
الحاسبین ویا اجود الاجودین ویا اکرم الاکرمین
حساب کنندگان و ای بخشنده ترین بخشنده تران و ای کرامی تر کرامی تران
صلّ علی محمّد وآل محمّد کافضل واجزل واوفی و
رحمت فرست بر محمّد و آل محمّد مثل بهتر و بیشتر و درستتر و
احسن واجمل واکرم واطهر وازکی و
نیکوتر و آراسته تر و گرامی تر و پاکیزه تر و زیاد شونده تر و
انور واعلی وابهی واسنی وانمی وادوم
روشن تر و نیکوتر و درخشان تر و بلندتر و نموکننده تر و دائمی تر
واعمّ وابقی ما صلّیت وبارکت ومننت و
و شامل تر و پاینده تر از آنچه رحمت فرستاده و برکت داده و انعام کرده و

تعقیب مخصوص نماز ظهر

تَرَحَّمْتَ عَلٰى اِبْرٰهِيمَ وَاٰلِ اِبْرٰهِيمَ اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ
ترحم كرده بر ابرهيم وال ابرهيم بدرستى كه تو ستوده شده بزرگوارى
اَللّٰهُمَّ امْنُنْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مَنَنْتَ عَلٰى
خداوندا انعام كن بر محمد وال محمد چنانكه انعام كردهٔ بر
مُوسٰى وَهٰرُونَ وَسَلِّمْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا سَلَّمْتَ
موسى وهرون وسلام فرست بر محمد وال محمد چنانكه سلام فرستادهٔ
عَلٰى نُوحٍ فِى الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ وَاَوْرِدْ عَلَيْهِ مِنْ
بر نوح درميان عالميان خداوندا ووارد ساز برو از
ذُرِّيَّتِهِ وَاَزْوَاجِهِ وَاَهْلِ بَيْتِهِ وَاَصْحَابِهِ وَاَتْبَاعِهِ
فرزندان او وزنان او واهل بيت او واصحاب او وپيروان او
مَنْ تَقَرُّ بِهِمْ عَيْنُهُ وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ وَمِمَّنْ يَسْقِيهِ
كسانى كه خنك كنى بايشان چشم او را وبگردان ما را از جملهٔ ايشان واز كسانى كه آب ميدهد ايشان را
بِكَاْسِهِ وَتُورِدُهُ حَوْضَهُ وَاحْشُرْنَا فِى زُمْرَتِهِ
بجام خود ووارد ميسازى ايشان را بر حوض او وحشر كن ما را درميان گروه او
وَاجْعَلْنَا تَحْتَ لِوَائِهِ وَاَدْخِلْنَا فِى كُلِّ خَيْرٍ اَدْخَلْتَ
وبگردان ما را در زير علم او وداخل گردان ما را در هر چيزى كه داخل كردهٔ
فِيهِ مُحَمَّدًا وَاٰلَ مُحَمَّدٍ وَاَخْرِجْنَا مِنْ كُلِّ سُوءٍ اَخْرَجْتَ
در آن محمد وال محمد را وبيرون بر ما را از هر بدى كه بيرون بردهٔ

منه

مِنْهُ مُحَمَّدًا وَاٰلَ مُحَمَّدٍ وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ مُحَمَّدٍ وَ
از آن محمد وال محمد را وجدائى ميندار ميان ما وميان محمد و
اٰلِ مُحَمَّدٍ طَرْفَةَ عَيْنٍ اَبَدًا وَلَا اَقَلَّ مِنْ ذٰلِكَ وَلَا
ال محمد بقدر برهم زدن چشم هرگز ونه كمتر از آن ونه
اَكْثَرَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِى
بيشتر خداوندا رحمت فرست بر محمد وال محمد وبگردان مرا
مَعَهُمْ فِى كُلِّ شِدَّةٍ وَرَخَاءٍ وَاجْعَلْنِى مَعَهُمْ فِى كُلِّ
با ايشان در هر سختى ورفاهيتى وبگردان مرا با ايشان در هر
اَمْنٍ وَخَوْفٍ وَاجْعَلْنِى مَعَهُمْ فِى كُلِّ عَافِيَةٍ وَبَلَاءٍ
امنيتى وخوفى وبگردان مرا با ايشان در هر عافيتى وبلائى
وَاجْعَلْنِى مَعَهُمْ فِى كُلِّ مَثْوًى وَمُنْقَلَبٍ اَللّٰهُمَّ
وبگردان مرا با ايشان در هر قرارگاهى وجاى بازگشتى خداوندا
اَحْيِنِى مَحْيَاهُمْ وَاَمِتْنِى مَمَاتَهُمْ وَاجْعَلْنِى مَعَهُمْ
زنده دار مرا مثل زندگى ايشان وبميران مرا مثل مردن ايشان وبگردان مرا با ايشان
فِى الْمَوَاقِفِ كُلِّهَا وَاجْعَلْنِى بِهِمْ عِنْدَكَ وَجِيهًا
در موقفها همهٔ آنها وبگردان مرا بوسيلهٔ ايشان نزد خودت روشنا
فِى الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى
در دنيا وآخرت واز جملهٔ مقربان خداوندا رحمت فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاكْشِفْ عَنِّي بِهِمْ كُلَّ كَرْبٍ وَنَفِّسْ
محمد و آل محمد و برطرف کن از من بسبب ایشان هر مشقتی را و زایل کن
عَنِّي بِهِمْ كُلَّ هَمٍّ وَفَرِّجْ عَنِّي بِهِمْ كُلَّ غَمٍّ وَ
از من بسبب ایشان هر غمی را و بکشای از من بسبب ایشان هر اندوهی را و
اكْفِنِي بِهِمْ كُلَّ خَوْفٍ وَاصْرِفْ عَنِّي بِهِمْ مَقَادِيرَ
کفایت کن از من بسبب ایشان هر ترسی را و باز کردان از من بسبب ایشان اندازهای
كُلِّ بَلَاءٍ وَسُوءَ الْقَضَاءِ وَدَرَكَ الشَّقَاءِ وَشَمَاتَةَ
هر بلائی را و بدی قضا را و دریافتن بدبختی را و شماتت کردن
الْأَعْدَاءِ اللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاغْفِرْ لِي
دشمنان را خداوندا و رحمت فرست بر محمد و آل او و بیامرز برای من
ذَنْبِي وَطَيِّبْ لِي كَسْبِي وَقَنِّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَبَارِكْ
گناه مرا و پاکیزه کردان برای من کسب مرا و قانع ساز مرا بانچه روزی داده بمن و برکت ده
لِي فِيهِ وَلَا تَذْهَبْ بِنَفْسِي إِلَى شَيْءٍ صَرَفْتَهُ عَنِّي
برای من در آن و مبر نفس مرا بسوی چیزی که باز کرد انیده آنرا از من
اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ دُنْيَا تَمْنَعُ خَيْرَ الْآخِرَةِ
خداوندا بدرستی که من پناه میبرم بتو از دنیائی که منع کند خیر آخرت را
وَمِنْ عَاجِلٍ يَمْنَعُ خَيْرَ الْآجِلِ وَحَيٰوةٍ تَمْنَعُ خَيْرَ الْمَمَاتِ
و از حاضری که منع کند خیر آینده را و زندکی که منع کند خیر مردن را

وَأَمَلٍ يَمْنَعُ خَيْرَ الْعَمَلِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الصَّبْرَ عَلَى
و آرزوئی که منع کند خیر عمل را خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو صبر کردن بر
طَاعَتِكَ وَالصَّبْرَ عَلَى طَاعَتِكَ وَالصَّبْرَ عَنْ مَعْصِيَتِكَ
طاعت تو را و صبر کردن و باز ایستادن از معصیت تو را
وَالْقِيَامَ بِحَقِّكَ وَأَسْأَلُكَ حَقَائِقَ الْإِيمَانِ وَصِدْقَ
و ایستادکی کردن بحق تو را و سؤال میکنم از تو حقیقتهای ایمان را و راستی
الْيَقِينِ فِي الْمَوَاطِنِ كُلِّهَا وَأَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ
یقین را در موطنها همه آنها و سؤال میکنم از تو در کذشتن و عافیت
وَالْمُعَافَاةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ عَافِيَةَ الدُّنْيَا مِنَ
و معافات را در دنیا و آخرت عافیت دنیا را از
الْبَلَاءِ وَعَافِيَةَ الْآخِرَةِ مِنَ الشَّقَاءِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي
بلا و عافیت آخرت را از بدبختی خداوندا بدرستی که من
أَسْأَلُكَ الظَّفَرَ وَالسَّلَامَةَ وَحُلُولَ دَارِ الْكَرَامَةِ
سؤال میکنم از تو ظفر و سلامتی و فرود آمدن در خانه کرامت را
اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ وَتَمَامَ الْعَافِيَةِ وَ
خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو عافیت را و تمام بودن عافیت را و
الشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ اَللّٰهُمَّ
شکر بر عافیت را ای بخشنده عافیت خداوندا

اجعل لی فی صلاتی ودعائی رهبةً منک ورغبةً
بگردان برای من در نماز من و دعای من ترسی از تو و رغبتی
الیک وراحةً تمن بها علیّ اللهم لا تحرمنی
بسوی تو و راحتی که انعام کنی تا ان بر من خداوندا محروم مگردان مرا
سعة رحمتک وسبوغ نعمتک وشمول عافیتک
از وسعت رحمت خود و کامل بودن نعمت خود و شامل بودن عافیت خود
وجزیل عطایاک ومنح مواهبک لسوء ما عندی
و عظیم از عطاهای خود و دهشهای بخششهای خود برای بدی آنچه نزد من است
ولا تجازنی بقبیح عملی ولا تصرف بوجهک الکریم
و جزا مده مرا بسبب عمل قبیح من و باز مگردان روی رحمت کریم خود را
عنّی اللهم لا تحرمنی وانا ادعوک ولا تخیبنی
از من خداوندا محروم مگردان مرا و حال آنکه من میخوانم ترا و نا امید مگردان مرا
وانا ارجوک ولا تکلنی الی نفسی طرفة عین
و حال آنکه من امیدوارم بتو و وا مگذار مرا بسوی نفس من بقدر برهم زدن چشمی
ابداً ولا الی احد من خلقک فیحرمنی ویستأثر
هرگز و نه بسوی کسی از خلق تو پس محروم گرداند مرا و اختیار کند
علیّ اللهم انک تمحو ما تشاء وتثبت وعندک
بر من خداوندا بدرستی که تو محو میکنی آنچه را میخواهی و ثبت میکنی و نزد تست

ام الکتاب اسألک بآل یاسین خیرتک من خلقک
اصل کتاب سؤال میکنم تو را بحق آل پیغمبر که برگزیدگان تواند از خلق تو
وصفوتک من بریتک وافدهم بین یدی حاجتی
و پسندیدگان تواند از آفریدگان تو و پیش میدارم ایشان را در پیش روی حاجت خود
ورغبتی الیک اللهم ان کنت کتبتنی عندک
و رغبت من بسوی تو خداوندا اگر بوده باشی تو چنین که نوشته باشی مرا نزد خود
فی ام الکتاب شقیاً محروماً مقتراً علیّ فی الرزق
در اصل کتاب بدبخت محروم تنگ کرفته شده بر من در روزی
فامح من ام الکتاب شقائی وحرمانی واثبتنی
پس محو کن از اصل کتاب بدبختی مرا و محرومی مرا و ثبت کن مرا
عندک سعیداً مرزوقاً فانک تمحو ما تشاء وتثبت
نزد خود نیکبخت روزی داده شده پس بدرستی که تو محو میکنی آنچه را میخواهی و ثبت میکنی
وعندک ام الکتاب اللهم انی لما انزلت الیّ
و نزد تست اصل کتاب خداوندا بدرستی که من برای آنچه فرو فرستادی بسوی من
من خیر فقیر وانا منک خائف وبک مستجیر وانا
از خیر محتاجم و من از تو ترسانم و بتو پناه آورنده ام و من
حقیر مسکین ادعوک کما امرتنی فاستجب لی کما
حقیر مسکینم که میخوانم ترا چنانکه امر کرده مرا پس مستجاب کن برای من چنانکه

وعدتني انك لا تخلف الميعاد يا من قال ادعوني

وعده کرده بمن بدرستی که تو خلف نمیکنی وعده را ای انکه که گفته است بخوانید مرا

استجب لكم نعم المجيب انت يا سيدي و مولاي

تا اجابت کنم برای شما خوب اجابت کننده تو ای بزرگ من و آقای من

و نعم الوكيل و نعم الرب و نعم الولي و بئس العبد

و خوب وکیلی تو و خوب پروردگاری تو و خوب صاحبی تو و بد بنده هستم

انا و هذا مقام العائذ بك من النار يا فارج

من و اینست جای پناه برنده بتو از آتش ای گشاینده

الهم و يا كاشف الغم يا مجيب دعوة المضطرين

اندوه و ای برطرف کننده غم ای اجابت کننده دعای درماندگان

و رحمن الدنيا و الآخرة و رحيمهما ارحمني

و ای بخشاینده در دنیا و آخرت و مهربان در دنیا و آخرت رحم کن مرا

رحمة تغنيني بها عن رحمة من سواك و ادخلني

رحمتی که بی نیاز کردانی مرا بسبب آن از رحمت کسی که غیر تست و داخل کردان مرا

برحمتك في عبادك الصالحين الحمد لله الذي

برحمت خود در میان بندگان صالح خود سپاس مر خدا راست که

قضى عني صلوتي فان الصلوة كانت على المؤمنين

ادا کرد از من نماز مرا پس بدرستی که نماز بوده است بر مؤمنان

كتابا موقوتا بعد از آن دو سجده شکر را بجای آورد

فرض معین و کیفیت دو سجده شکر آنست که سینه و شکم

خود را بزمین بچسبانی و دستهای خود را بر زمین فرش نمائی

و پهن کنی و در سجود نماز چنین نباید کرد بلکه پیشانی و کف

دستها و زانوها و انگشت بزرگ پاها را بر زمین باید گذارد

و باقی اعضا را از زمین جدا و از یکدیگر نیز جدا باید نمود

و در سجده شکر صد مرتبه شکرا شکرا و اگر سه مرتبه

شکرا لله بگوئی مجزیست شکر میکنم خدا را شکر کردنی

شکر میکنم شکر کردنی برای خدا و حضرت امام موسی کاظم علیه

الصلوة و السلام در سجده شکر میگفت که

رب عصيتك بلساني و لو شئت و عزتك

ای پروردگار من عصیان کردم ترا بزبان خودم و اگر میخواستی بعزت تو قسم

لاخرستني و عصيتك ببصري و لو شئت و عزتك

هر آینه لال میکردی مرا و معصیت کردم ترا بچشم خودم و اگر میخواستی بعزت تو قسم

لاكمهتني و عصيتك بسمعي و لو شئت و عزتك

هر آینه نابینا خلق میکردی مرا و معصیت کردم ترا بگوش خودم و اگر میخواستی بعزت تو قسم

لاصممتني و عصيتك بيدي و لو شئت و عزتك

هر آینه کر میکردی مرا و معصیت کردم ترا بدست خودم و اگر میخواستی بعزت تو قسم

لَكَنَعْتَنِي وَعَصَيْتُكَ بِفَرْجِي وَلَوْشِئْتَ وَعِزَّتِكَ
هرآینه شل میکردی مرا و معصیت کردم ترا بفرج خودم و اگر میخواستی بعزت تو قسم
لَعَقَمْتَنِي وَعَصَيْتُكَ بِرِجْلِي وَلَوْشِئْتَ وَعِزَّتِكَ
هرآینه عقیم میکردی مرا و معصیت کردم ترا بپای خودم و اگر میخواستی بعزت تو قسم
لَجَذَمْتَنِي وَعَصَيْتُكَ بِجَمِيعِ جَوَارِحِيَ الَّتِي اَنْعَمْتَ بِهَا
هرآینه قطع میکردی پای مرا و معصیت کردم ترا بهمه اعضاء خودم که انعام کرده بآنها
عَلَيَّ وَلَمْ يَكُنْ هٰذَا جَزَآءَكَ مِنِّي بعد از ان هزار
بر من و حال آنکه نبود این جزای تو از من مرتبه میگفت
اَلْعَفْوَ اَلْعَفْوَ بعد از ان طرف راست روی خود را
طلب میکنم عفو ترا طلب میکنم عفو ترا بر زمین بچسبانید و باواز حزین سه مرتبه میگفت
بُؤْتُ اِلَيْكَ بِذَنْبِي عَمِلْتُ سُوْءً اوَ ظَلَمْتُ نَفْسِي
بازگشتم بسوی تو بگناه خودم کردم بدی را و ظلم کردم بر نفس خود
فَاغْفِرْ لِي فَاِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ غَيْرُكَ يَا مَوْلَايَ
پس بیامرز برای من پس بدرستیکه نمی آمرزد گناهان را کسی غیر تو ای آقای من
بعد از ان طرف چپ روی خود را بر زمین بچسبانید و سه مرتبه میگفت
اِرْحَمْ مَنْ اَسَاءَ وَاقْتَرَفَ وَاسْتَكَانَ وَاعْتَرَفَ
رحم کن کسی را که بد کرده است و کسب گناه کرده است و فروتنی نموده است و اعتراف بگناه نموده است
دعائی که روایت کرده است از معصوم بن عمار که بعد از نماز عصر باید خواند

تعقیب نماز عصر

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ
سپاس مر خدای راست که پروردگار عالمیان است و رحمت فرستد خدا بر محمد که خاتم
النَّبِيِّينَ وَعَلَى اٰلِهِ الطَّاهِرِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
پیغمبران است و بر آل او که پاکانند از گناه خداوندا رحمت فرست بر محمد
وَاٰلِ مُحَمَّدٍ فِي اللَّيْلِ اِذَا يَغْشٰى وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ
و آل محمد در شب هرگاه بپوشاند و رحمت فرست بر محمد و آل
مُحَمَّدٍ فِي النَّهَارِ اِذَا تَجَلّٰى وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ
محمد در روز هرگاه روشن شود و رحمت فرست بر محمد و آل محمد
فِي الْمَلَاِ الْاَعْلٰى وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ فِي الْاٰخِرَةِ
در جماعت بلند مرتبه تر و رحمت فرست بر محمد و آل محمد در آخرت
وَالْاُولٰى وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ مَا لَاحَ الْجَدِيدَانِ
و دنیا و رحمت فرست بر محمد و آل او مادام که ظاهر شوند آن دو چیز تازه
وَمَا اطَّرَدَ الْخَافِقَانِ وَمَا حَدَا الْحَادِيَانِ وَمَا
و مادام که دایم باشد مشرق و مغرب و مادام که برانند آن دو راننده و مادام
عَسْعَسَ لَيْلٌ وَمَا ادْلَهَمَّ ظَلَامٌ وَمَا تَنَفَّسَ صُبْحٌ
که بیاید شب و مادام که بنهایت رسد تاریکی و مادام که نفس کشد صبح
وَمَا اَضَاءَ فَجْرٌ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ مُحَمَّدًا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
و مادام که روشن شود فجر خداوندا بگردان محمد را که رحمت فرستد خدا بر او

وقد كرده‌اند انبیا كه بنده كردد وند بیرون بادشاه
برای عطا یتیند سطالبان از او خطیب انداز
چون كه رب كرده ایشان از ایشان كه بیداری كارن
بادشاه بخش بیكو بید سطالبان ایشان اندنا
از تا بادشاه دروغ از ایشان بیكند بیدرد
قبول می‌نماند

یعنی پوشانیده شده باشد بآنحضرت
جامهای امان نداد از آنکه حق ورا
از آتش جهنم و بیرون آمده بوده
پوشانیده‌اند بآنحضرت پوشانیده باشد که
آنحضرت باشد و یعنی بآنحضرت
پوشانیده شده باشد آنحضرت
جامهای امان یا یمن از آتش جهنم را

وَآلِهِ خَطِيبِ وَفْدِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَيْكَ وَالْمَكْسُوِّ حُلَلَ
وَآلِ او خطيب گروه مؤمنان بسوى تو و پوشانيده شده جامهاى
الْأَمَانِ إِذَا وَقَفَ بَيْنَ يَدَيْكَ وَالنَّاطِقِ إِذَا خَرِسَتِ
امان هرگاه بايستد پيش روى تو و گويا هرگاه گنگ شود
الْأَلْسُنُ بِالثَّنَاءِ عَلَيْكَ اللَّهُمَّ أَعْلِ دَرَجَتَهُ وَ
زبانها بستايش كردن بر تو خداوندا بلند گردان مرتبه اورا و
ارْفَعْ مَنْزِلَتَهُ وَأَظْهِرْ حُجَّتَهُ وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ
بالا بر منزلت اورا و ظاهر گردان حجت اورا و قبول كن شفاعت اورا
وَابْعَثْهُ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ الَّذِي وَعَدْتَهُ وَاغْفِرْ
و برانگيز اورا در مقام پسنديده شده كه وعده كرده اورا و بيامرز
مَا أَحْدَثَ الْمُحْدِثُونَ مِنْ أُمَّتِهِ بَعْدَهُ اللَّهُمَّ بَلِّغْ
آنچه را كه احداث كرده‌اند احداث كنندگان از امت او بعد از او خداوندا برسان
رُوحَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ مِنِّي التَّحِيَّةَ وَالسَّلَامَ وَ
بروح محمد و آل محمد از جانب من درود و سلام را و
ارْدُدْ عَلَيَّ مِنْهُمُ التَّحِيَّةَ وَالسَّلَامَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ
باز گردان بر من از جانب ايشان درود و سلام را اى صاحب بزرگى و
الْإِكْرَامِ وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ
گرامى داشتن و تفضل و انعام خداوندا بدرستى كه من پناه

بِكَ مِنْ مُضِلَّاتِ الْفِتَنِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالْإِثْمِ
بتو از گمراه كنندهاى فتنها آنچه ظاهر است از آنها و آنچه پنهان است و از گناه
وَالْبَغْيِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ أُشْرِكَ بِكَ مَا لَمْ تُنَزِّلْ بِهِ
و ستم بغير حق و از اينكه شريك كنم با تو چيزى را كه نفرستاده باشى
سُلْطَانًا وَأَنْ أَقُولَ عَلَيْكَ مَا لَا أَعْلَمُ اللَّهُمَّ
حجتى و دليلى و از اينكه بگويم بر تو چيزى را كه ندانم خداوندا
إِنِّي أَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ وَعَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ
بدرستى كه من سؤال ميكنم از تو واجب كنندهاى رحمت تو و لازم كنندهاى آمرزش تورا
وَالْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ وَالسَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ
و نفع بردن را از هر نيكوئى و سلامتى را از هر گناهى
وَأَسْأَلُكَ الْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّارِ اللَّهُمَّ
و سؤال ميكنم از تو فايز شدن بهشت را و نجات يافتن از آتش را خداوندا
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ لِي فِي صَلَاتِي وَ
رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بگردان براى من در نماز من و
دُعَائِي بَرَكَةً تُطَهِّرُ بِهَا قَلْبِي وَتُؤْمِنُ بِهَا رَوْعِي
دعاى من بركتى كه پاك گردانى بآن دل مرا و ايمن سازى بآن ترس مرا
وَتَكْشِفُ بِهَا كَرْبِي وَتَغْفِرُ بِهَا ذَنْبِي وَتُصْلِحُ
و برطرف كنى بآن اندوه مرا و بيامرزى بآن گناه مرا و اصلاح كنى

بِهٰا اَمْرِي وَ تُغْنِيْ بِهٰا فَقْرِي وَ تُذْهِبُ بِهٰا ضُرِّي وَ
بان کارِ مرا وتوانگر کردانی بان پریشانی مرا و ببری بان بدحالی مرا و
تُفَرِّجُ بِهٰا غَمِّيْ وَ تُسَلِّيْ بِهٰا هَمِّيْ وَ تَشْفِيْ بِهٰا سُقْمِيْ
زایل کنی بان غم مرا و تسلی دهی بان اندوه مرا و شفا دهی بان بیماری مرا
وَ تُؤْمِنُ بِهٰا خَوْفِيْ وَ تَجْلُوْ بِهٰا حُزْنِيْ وَ تَقْضِيْ
وایمن سازی بان خوف مرا و برطرف کنی بان اندوه مرا و ادا کنی
بِهٰا دَيْنِيْ وَ تَجْمَعُ بِهٰا شَمْلِيْ وَ تُبَيِّضُ بِهٰا وَجْهِيْ
بان قرض مرا و جمع کنی بان پراکندگی مرا و سفید کردانی بان روی مرا
وَاجْعَلْ مٰا عِنْدَكَ خَيْرًا لِيْ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ
و بکردان انچه را که نزد تست خیر برای من خداوندا رحمت فرست بر محمد
وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَ لَا تَدَعْ لِيْ ذَنْبًا اِلَّا غَفَرْتَهُ وَ لَا
و آل محمد و وامکذار برای من کناهی را مکر اینکه بیامرزی انرا و نه
كَرْبًا اِلَّا كَشَفْتَهُ وَ لَا خَوْفًا اِلَّا اٰمَنْتَهُ وَ لَا سُقْمًا
اندوهی را مکر انکه زایل کنی انرا و نه ترسی را مکر انکه ایمن سازی انرا و نه بیماری را
اِلَّا شَفَيْتَهُ وَ لَا هَمًّا اِلَّا فَرَّجْتَهُ وَ لَا غَمًّا
مکر انکه شفا دهی انرا و نه غمی را مکر انکه برطرف کنی انرا و نه اندوهی را
اِلَّا اَذْهَبْتَهُ وَ لَا حُزْنًا اِلَّا سَلَّيْتَهُ وَ لَا دَيْنًا
مکر انکه ببری انرا و نه غمکینی را مکر انکه تسلی دهی انرا و نه قرضی را

اِلَّا قَضَيْتَهُ وَ لَا عَدُوًّا اِلَّا كَفَيْتَهُ وَ لَا حَاجَةً
مکر انکه اداکنی انرا و نه دشمنی را مکر انکه دفع کنی اورا و نه حاجتی را
اِلَّا قَضَيْتَهَا وَ لَا دَعْوَةً اِلَّا اَجَبْتَهَا وَ لَا مَسْاَلَةً
مکر انکه رواکنی انرا و نه دعائی را مکر انکه اجابت کنی انرا و نه سؤالی را
اِلَّا اَعْطَيْتَهَا وَ لَا اَمَانَةً اِلَّا اَدَّيْتَهَا وَ لَا فِتْنَةً
مکر انکه عطا کنی انرا و نه امانتی را مکر انکه برسانی انرا و نه فتنه را
اِلَّا صَرَفْتَهَا اَللّٰهُمَّ اصْرِفْ عَنِّيْ مِنَ الْعَاهَاتِ وَ
مکر انکه بکردانی انرا خداوندا بکردان از من از عیبها و
الْاٰفَاتِ وَالْبَلِيَّاتِ مَا اُطِيْقُ وَ مَا لَا اُطِيْقُ صَرْفَهُ
آفتها و بلاها انچه را که طاقت دارم و انچه را که طاقت ندارم کردانیدن انرا
اِلَّا بِكَ اَللّٰهُمَّ اَصْبَحَ ظُلْمِيْ مُسْتَجِيْرًا بِعَفْوِكَ وَ
مکر بسبب تو خداوندا صبح کرده است ظلم من پناه جوینده بعفو تو و
اَصْبَحَتْ ذُنُوْبِيْ مُسْتَجِيْرَةً بِمَغْفِرَتِكَ وَ اَصْبَحَ خَوْفِيْ
صبح کرده است کناهان من پناه جوینده بامرزش تو و صبح کرده است ترس من
مُسْتَجِيْرًا بِاَمَانِكَ وَ اَصْبَحَ فَقْرِيْ مُسْتَجِيْرًا بِغِنَاكَ وَ
پناه جوینده بامان تو و صبح کرده است پریشانی من پناه جوینده بتوانکری تو و
اَصْبَحَ ذُلِّيْ مُسْتَجِيْرًا بِعِزِّكَ وَ اَصْبَحَ ضَعْفِيْ مُسْتَجِيْرًا
صبح کرده است خواری من پناه جوینده بعزت تو و صبح کرده است ناتوانی من پناه جوینده

يقوّتك واصبح وجهي البالي الفاني مستجيرا بوجهك
بتوانائی تو وصبح کرده است روی کهنهٔ فانی شونده من پناه جوینده بذات
الدّايم الباقي يا كائنا قبل كلّ شيء ويا مكوّن
باقی دایمی تو ای موجود پیش از هر چیز وای موجود کنندهٔ
كلّ شيء صلّ على محمّد وال محمّد واصرف عنّي وعن
هر چیز رحمت بفرست بر محمد وآل محمد وباز گردان از من واز
اهلي ومالي وولدي واهل خزانتي واخواني منك
اهل من ومال من واولاد من واهل خزانهٔ من وبرادران من دور دار تو
شرّ كلّ ذي شرّ وشرّ كلّ جبّار عنيد وشيطان مريد
شر هر صاحب شری را وشر هر جبر کنندهٔ عناد ورزنده وشیطان سرکشی را
وسلطان جائر وعدوّ قاهر وحاسد معاند و
و پادشاه ظلم کننده ودشمن غلبه کننده را وحسد برنده عناد کننده و
باغ مراصد ومن شرّ السّامّة والهامّة وما
ستم کنندهٔ کمین کننده را واز شر حیوانات صاحب زهر وجانوران کزنده وانچه
دبّ في اللّيل والنّهار وشرّ فسّاق العرب والعجم
حرکت کند در شب وروز وشر فاسقان عرب وعجم
وفسقة الجنّ والانس واعوذ بدرعك الحصينة
و فاسقان جن و انس و پناه میبرم بزره محکم تو

التي لا ترام ان تميتني غمّا او همّا او مترديا او
که قصد کرده نمیشود از اینکه بمیرانی تو ابسبب غم یا اندوه یا افتادن از بلندی یا
هدما او ردما او غرقا او حرقا او عطشا او
فرود آمدن خانه یا رسیدن کلوخی یا غرق شدن یا سوختن یا تشنگی یا
شرقا او صبرا او تردّيا او اكيل سبع او في
چیزی در گلو ماندن یا بطریق صبر یا افتادن یا خورده شده درنده یا در
ارض غربة او ميتة سوء وامتني على فراشي في عافية
زمین غربت یا مردن بد وبمیران مرا بر فراش من در عافیت
او في الصّفّ الّذي نعتّ اهله في كتابك فقلت
یا در صفی که وصف کرده اهل آنرا در کتاب خودت پس گفته
كانّهم بنيان مرصوص على طاعتك وطاعة رسولك
که گویا ایشان هستند بنای محکم بر طاعت تو و طاعت رسول تو
مقبلا على عدوّك غير مدبر عنه قائما بحقّك
در حالی که رو کننده باشم بر دشمن تو پشت کننده نباشم از آن ایستاده کننده باشم بحق تو
غير جاحد لالائك ولا معاند لاوليائك ولا
انکار کننده نباشم مر نعمتهای ترا وعناد ورزنده نباشم مر دوستان ترا و
موالیا لاعدائك يا كريم اللّهمّ اجعل دعائي
دوست دارنده نباشم مر دشمنان ترا ای صاحب کرم خداوندا بگردان دعای مرا

[illegible]

تعقیب نماز مغرب

في المرفوع المستجاب واجعلني عندك وجيها في
در میان دعاها بالا برده شده مستجاب شده وبگردان مرا نزد خودت روشناس در
الدنيا والآخرة ومن المقربين الذين لا خوف
دنیا و آخرت و از جملهٔ مقربانی که نیست خوف
عليهم ولا هم يحزنون واغفر لي ولوالدي وما
بر ایشان و نه ایشان اندوهناک میشوند و بیامرز برای من و برای پدر و مادر من و آنچه
ولدا ومن ولدت وما توالدوا من المؤمنين و
زائیده اند و هر که از من بوجود آمده و آنچه از ایشان بوجود آمده است از مردان مومن و
المؤمنات يا خير الغافرين الحمد لله الذي قضى
زنان مومنه ای بهترین آمرزندگان سپاس مر خدا راست که ادا کرد
عني صلوة كانت على المؤمنين كتابا موقوتا دعائی که روایت کرده است از
از من نمازی را که بود بر مؤمنان فرضی معین معصوم علیه السلام که بعد از نماز مغرب باید خواند
بسم الله الرحمن الرحيم اللهم صل على محمد البشير
بنام خدای بخشاینده مهربان خداوندا رحمت بفرست بر محمد بشارت دهنده
النذير السراج المنير الطهر الطاهر الخير الفاضل
ترساننده چراغ روشن پاکیزه پاک صاحب خیر بسیار افزون مرتبه
خاتم انبيائك وسيد اصفيائك وخالص اخلائك
خاتم پیغمبران تو و بزرگ برگزیدگان تو و خالص دوستان تو

ذي الوجه الجميل والشرف الاصيل والمنبر النبيل
صاحب روی نیکو و بزرگواری اصل مند و صاحب منبر عظیم
والمقام المحمود والحوض المورود اللهم صل
و جایگاه پسندیده شده و حوض ورود خداوندا رحمت فرست
على محمد كما بلغ رسالاتك وجاهد في سبيلك
بر محمد چنانکه رسانید پیغامهای تو را و جهاد کرد در راه تو
ونصح لامته وعبدك حتى اتاه اليقين وصل
و نصیحت کرد برای امت خود و عبادت کرد تو را تا اینکه آمد او را یقین و رحمت فرست
على محمد وآله الطاهرين الاخيار الاتقياء الابرار
بر محمد و آل او که پاکان برگزیدگان پرهیزکاران نیکوکاران اند
الذين انتجبتهم لنفسك واصطفيتهم من خلقك
که برگزیده ایشان را برای نفس خود و اختیار کرده ایشان را از میان خلق خود
وامنتهم على وحيك وجعلتهم خزان علمك و
و امین کرده ایشان را بر وحی خود و گردانیده ایشان را خزانه داران علم خود و
تراجمة وحيك واعلام نورك وحفظة سرك
بیان کنندگان وحی خود و نشانهای نور خود و نگاهداران سر خود
واذهبت عنهم الرجس وطهرتهم تطهيرا اللهم
و برطرف کرده از ایشان گناه را و پاک گردانیده ایشان را پاک گردانیدنی خداوندا

والمنهل المشهود
و منهل مشهود

انفعنا بحبهم واحشرنا في زمرتهم وتحت لوائهم
نفع ده مارا بسبب دوستی ایشان و محشور ساز مارا در گروه ایشان و زیر علم ایشان
ولا تفرق بيننا وبينهم واجعلني بهم عندك
و جدائی مینداز میان ما و میان ایشان و بگردان مرا بسبب ایشان نزد خود
وجيها في الدنيا والآخرة ومن المقربين الذين
روشناس در دنیا و آخرت و از مقربان که
لا خوف عليهم ولا هم يحزنون الحمد لله الذي
نیست خوفی بر ایشان و نه ایشان اندوهناک میشوند سپاس مر خدا راست که
اذهب النهار بقدرته وجاء بالليل برحمته
برده است روز را بقدرت خود و آورده است شب را برحمت خود
خلقا جديدا وجعله لباسا ومسكنا وجعل الليل
خلقی تازه و گردانیده است آنرا لباس و آرامگاهی و گردانیده است شب
والنهار آيتين ليعلم بها عدد السنين والحساب
و روز را دو علامت تا اینکه دانسته شود بآنها شماره سالها و حساب
الحمد لله على اقبال الليل وادبار النهار اللهم
سپاس مر خدا راست بر روآوردن شب و پشت کردن روز خداوندا
صل على محمد وآله واصلح لي ديني الذي هو عصمة
رحمت فرست بر محمد و آل او و اصلاح کن برای من دین مرا که آن نگاهدارنده

امري واصلح لي دنياي التي فيها معيشتي واصلح
امر من است و اصلاح کن برای من دنیای مرا که در آنست زندگانی من و اصلاح کن
لي آخرتي التي اليها منقلبي واجعل الحيوة زيادة
برای من آخرت مرا که بسوی آنست بازگشتن من و بگردان زندگی را زیاد کننده
لي من كل خير واجعل الموت راحة لي من كل
برای من از هر خیری و بگردان مردن را راحتی برای من از هر
سوء واكفني امر دنياي وآخرتي بما كفيت
بدی و کفایت کن برای من کار دنیای مرا و آخرت مرا بآنچه کفایت کرده
به اولياءك وخيرتك من عبادك الصالحين
بآن دوستان خود را و برگزیدگان خود از بندگان شایسته خود را
واصرف عني شرهما ووفقني لما يرضيك عني
و باز گردان از من شر دنیا و آخرت را و توفیق ده مرا برای آنچه خوشنود میسازد ترا از من
يا كريم امسينا والملك لله الواحد القهار
ای صاحب کرم شام کردیم و حال آنکه پادشاهی برای خدای یکتای قهار است
وما في الليل والنهار انى وهذا الليل والنهار
و آنچه در شب و روز است بدرستی که من و این شب و روز
خلقان من خلقك فاعصمني فيهما بقوتك ولا ترهما
دو مخلوقیم از مخلوقات تو پس نگاه دار مرا در آنها بقوت خود و منما آنها را

مراد بودن شب و روز است دو علامت
بر کمال قدرت حق تعالی یا بودن
آنها است دو علامت برای دانستن
شماره سالها و حساب آن والله تعالی
اعلم

جُرْأَةً مِنِّي عَلَى مَعَاصِيكَ وَلَا رُكُوبًا مِنِّي لِمَحَارِمِكَ

جرأتی ازمن بر نافرمانیهای تو و نه ارتکابی ازمن برای محرمات تو

وَاجْعَلْ عَمَلِي فِيهِمَا مَقْبُولًا وَسَعْيِي مَشْكُورًا وَسَهِّلْ

و بگردان عمل مرا درانها قبول کرده شده و سعی مرا جزاداده شده و اسان کن

لِي مَا أَخَافُ عُسْرَهُ وَسَهِّلْ لِي مَا صَعُبَ عَلَيَّ

برای من انچه را که می ترسم از دشواری ان و اسان کردان برای من انچه را که دشوار است بر من

أَمْرُهُ وَاقْضِ لِي فِيهِ بِالْحُسْنَى وَآمِنِّي مَكْرَكَ

امر ان و حکم کن برای من در ان بر نیکوئی و ایمن ساز مرا از مکر خود

وَلَا تَهْتِكْ عَنِّي سِتْرَكَ وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَلَا

و پاره مکن از من پرده خود را و فراموش مساز ازمن یاد کردن ترا و

تَحُلْ بَيْنِي وَبَيْنَ حَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ وَلَا تُلْجِئْنِي إِلَى

حایل قرار مده میان من و میان قدرت تو و قوت خود و ناچار مگردان مرا بسوی

نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا وَلَا إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ

نفس خودم بقدر برهم زدن چشمی هرگز و نه بسوی یکی از مخلوقات خود

يَا كَرِيمُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَافْتَحْ مَسَامِعَ

ای صاحب کرم خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل او و بگشای گوشهای

قَلْبِي لِذِكْرِكَ حَتَّى أَعِيَ وَحْيَكَ وَأَتَّبِعَ كِتَابَكَ

دل مرا برای یاد تو تا اینکه حفظ نمایم وحی ترا و پیروی کنم کتاب ترا

واصدق

وَأُصَدِّقَ رُسُلَكَ وَلِأُومِنَ بِوَعْدِكَ وَأَخَافَ

و تصدیق نمایم رسولان ترا و تا اینکه ایمان اورم بوعده تو و بترسم

وَعِيدَكَ وَأُوفِيَ بِعَهْدِكَ وَأَتَّبِعَ أَمْرَكَ وَأَجْتَنِبَ

از وعده عذاب تو و وفا کنم بعهد تو و پیروی کنم فرمان ترا و دوری نمایم

نَهْيَكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا تَصْرِفْ عَنِّي

از نافرمانی تو خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل او و باز مگردان از من

وَجْهَكَ وَلَا تَمْنَعْنِي فَضْلَكَ وَلَا تُحَرِّمْنِي عَفْوَكَ

روی رحمت خود را و منع مکن ازمن فضل خود را و محروم مساز مرا از عفو خود

وَاجْعَلْنِي أُوَالِي أَوْلِيَاءَكَ وَأُعَادِي أَعْدَاءَكَ وَ

و بگردان مرا که دوست دارم دوستان ترا و دشمن دارم دشمنان ترا و

ارْزُقْنِي الرَّهْبَةَ مِنْكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْخُشُوعَ

روزی کن مرا ترس از تو و رغبت داشتن بسوی تو و فروتنی

وَالْوَقَارَ وَالتَّسْلِيمَ لِأَمْرِكَ وَالتَّصْدِيقَ بِكِتَابِكَ

و سنجیدگی و انقیاد کردن برای امر تو و تصدیق کردن بکتاب تو

وَاتِّبَاعَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

و پیروی کردن طریقه پیغمبر ترا که رحمت فرستد خدا براو و آل او و درود فرستد

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَقْنَعُ وَبَطْنٍ لَا يَشْبَعُ

خداوندا بدرستیکه من پناه میبرم بتو از نفسی که قناعت نکند و از شکمی که سیر نگردد

سیر نشدن شکم کنایه است از
راضی نبودن ان با نصیب حق تعالی
روزی کرده یا بمعنی حرص
است که هر قدر بخورد سیر نشود

وَعَيْنٍ لَا تَدْمَعُ وَقَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَصَلٰوةٍ لَا تُرْفَعُ وَ
وَاز چشمی که اشك نريزد واز دلی که فروتنی نکند واز نمازی که بالا برده نشود و
عَمَلٍ لَا يَنْفَعُ وَدُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ
از عملی که نفع نرساند واز دعائی که مستجاب نشود وپناه میبرم بتو از
سُوءِ الْقَضَاءِ وَدَرَكِ الشَّقَاءِ وَشَمَاتَةِ الْاَعْدَاءِ
بدی قضا ودریافتن بدبختی وشماتت کردن دشمنان
وَجَهْدِ الْبَلَاءِ وَعَمَلٍ لَا يُرْضٰى وَاَعُوذُ بِكَ مِنَ
ومشقت بلا وعملی که پسندیده نشود وپناه میبرم بتو از
الْفَقْرِ وَالْقَهْرِ وَالْكُفْرِ وَالْوَقْرِ وَالْغَدْرِ
پریشانی وقهر وکفر وسنگینی وحیله
وَضِيقِ الصَّدْرِ وَسُوءِ الْاَمْرِ وَمِنْ بَلَاءٍ لَيْسَ لِي عَلَيْهِ
وتنگی سینه وبدی کار واز بلائی که نیست برای من بران
صَبْرٌ وَمِنَ الدَّاءِ الْعُضَالِ وَغَلَبَةِ الرِّجَالِ وَخَيْبَةِ
صبری واز درد عضال وغلبه مردان ونومیدی
الْمُنْقَلَبِ وَسُوءِ الْمَنْظَرِ فِي النَّفْسِ وَالْاَهْلِ وَالْمَالِ
بازگشت وبدی نگریستن در نفس واهل ومال
وَالدِّينِ وَالْوَلَدِ وَعِنْدَ مُعَايَنَةِ مَلَكِ الْمَوْتِ وَاَعُوذُ
ودین واولاد ونزد معاینهٔ ملك الموت وپناه میبرم

بِاللّٰهِ مِنْ اِنْسَانِ سَوْءٍ وَجَارِ سَوْءٍ وَقَرِينِ سَوْءٍ وَيَوْمِ
بخدا از آدم بد وهمسایهٔ بد ومصاحب بد وروز
سَوْءٍ وَسَاعَةِ سَوْءٍ وَمِنْ شَرِّ مَا يَلِجُ فِي الْاَرْضِ وَ
بد وساعت بد واز شر آنچه فرو میرود در زمین و
مَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ
آنچه بیرون می آید از زمین وآنچه نازل میشود از آسمان وآنچه بالا میرود
فِيهَا وَمِنْ شَرِّ طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ اِلَّا طَارِقًا
دران واز شر وارد شوندهای در شب وروز مگر وارد شونده
يَطْرُقُ بِخَيْرٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي اٰخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا
که وارد شود بخیر واز شر هر جنبنده که پروردگار من گرفته است موی پیش سرش را
اِنَّ رَبِّي عَلٰى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللّٰهُ
بدرستیکه پروردگار من بر راه راست است پس بزودی کفایت میکند ترا از شر ایشان خدا
وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي قَضٰى عَنِّي صَلٰوةً كَانَتْ
واو شنوای داناست سپاس مر خدا راکه ادا کرد از من نمازی را که بود
عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا دعا که روایت کرده است انرا معویة بن عمار که
بر مؤمنان فرضی قرار داده شده بعد از نماز خفتن باید خواند
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ
بنام خدای بخشایندهٔ مهربان خداوندا رحمت فرست بر محمد وآل محمد

صَلوٰةً تُبَلِّغُنَا بِهَا رِضْوَانَكَ وَ الْجَنَّةَ وَ تُنَجِّيْنَا بِهَا

رحمتی که برسانی مارا بسبب آن بخشنودی خود و بهشت و نجات دهی مارا بسبب آن

مِنْ سَخَطِكَ وَ النَّارِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهٖ وَ

از غضب خود و آتش خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل او و

اَرِنِي الْحَقَّ حَقًّا حَتّٰى اَتَّبِعَهُ وَ اَرِنِي الْبَاطِلَ

بنما بمن حق را حق تا اینکه پیروی کنم اورا و بنما بمن باطل را

بَاطِلًا حَتّٰى اَجْتَنِبَهُ وَ لَا تَجْعَلْهُ عَلَيَّ مُتَشَابِهًا فَاَتَّبِعَ

باطل تا اینکه دوری کنم از آن و مگردان اورا بر من مشتبه پس پیروی کنم

هَوَايَ بِغَيْرِ هُدًى مِنْكَ وَ اجْعَلْ هَوَايَ تَبَعًا

خواهش خودرا بی هدایتی از تو و بگردان خواهش مرا تابع

لِرِضَاكَ وَ طَاعَتِكَ وَ خُذْ لِنَفْسِكَ رِضَاهَا مِنْ

برای خوشنودی تو و فرمانبرداری تو و بگیر برای خودت خوشنودی اورا از

نَفْسِي وَ اهْدِنِي لِمَا اخْتُلِفَ فِيْهِ مِنَ الْحَقِّ بِاِذْنِكَ

نفس من و هدایت کن مرا برای آنچه اختلاف شده است در آن از حق برخصت تو

اِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَآءُ اِلٰى صِرَاطٍ مُسْتَقِيْمٍ اَللّٰهُمَّ

بدرستی که تو هدایت میکنی هرکرا میخواهی بسوی راه راست خداوندا

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهٖ وَ اهْدِنِي فِيْمَنْ هَدَيْتَ وَ عَافِنِي

رحمت فرست بر محمد و آل او و هدایت کن مرا در میان کسانی که هدایت کرده و عافیت ده مرا

فِيْمَنْ عَافَيْتَ وَ تَوَلَّنِي فِيْمَنْ تَوَلَّيْتَ وَ بَارِكْ لِي

در میان کسانی که عافیت داده و متولی شو برای در میان کسانی که متولی شده و برکت ده برای من

فِيْمَا اَعْطَيْتَ وَ قِنِي شَرَّ مَا قَضَيْتَ اِنَّكَ تَقْضِي وَ

در آنچه عطا کرده و نگاه دار مرا از شر آنچه تقدیر کرده بدرستی که تو تقدیر میکنی و

لَا يُقْضٰى عَلَيْكَ وَ تُجِيْرُ وَ لَا يُجَارُ عَلَيْكَ تَمَّ نُوْرُكَ

تقدیر کرده نمیشود بر تو و پناه میدهی و پناه داده نمیشود بر تو تمام است نور تو

اَللّٰهُمَّ فَهَدَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ عَظُمَ حِلْمُكَ

خداوندا پس هدایت کرده پس برای تست حمد و عظیم است حلم تو

فَعَفَوْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ بَسَطْتَ يَدَكَ فَاَعْطَيْتَ فَلَكَ

پس عفو کرده پس برای تست حمد و گشاده دست خودرا پس عطا کرده پس برای تست

الْحَمْدُ تُطَاعُ رَبَّنَا فَتَشْكُرُ وَ تُعْصٰى رَبَّنَا فَتَغْفِرُ

حمد اطاعت کرده میشوی ای پروردگار ما پس جزا میدهی و عصیان کرده میشوی ای پروردگار ما پس می آمرزی

وَ تَسْتُرُ اَنْتَ كَمَا اَثْنَيْتَ عَلٰى نَفْسِكَ بِالْكَرَمِ وَ

و می پوشانی تو چنانی که ثنا کرده بر ذات خود بکرم و

الْجُوْدِ لَبَّيْكَ وَ سَعْدَيْكَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ

جود ایستاده ام بخدمت تو و یاری میجویم از تو مکرر مبارکی تو و بلندی تو

لَا مَلْجَا وَ لَا مَنْجَا مِنْكَ اِلَّا اِلَيْكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ

نیست پناهی و نه محل خلاصی از تو مگر بسوی تو نیست خدائی مگر تو

سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ عَمِلْتُ سُوْءًا وَظَلَمْتُ
تسبیح میکنم ترا خداوندا و مشغولم بحمد تو کرده ام بدی را و ستم کرده ام
نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ
بر نفس خود پس بیامرز برای من و رحم کن مرا و تو رحم کننده ترین رحم کنندگانی
لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ عَمِلْتُ
نیست خدائی مگر تو تسبیح میکنم ترا خداوندا و مشغولم بحمد تو کرده ام
سُوْءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ لَا
بدی را و ستم کرده ام بر نفس خود پس بیامرز برای من ای بهترین آمرزندگان نیست
إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ عَمِلْتُ
خدائی مگر تو تسبیح میکنم ترا خداوندا و مشغولم بحمد تو کرده ام
سُوْءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ
بدی را و ستم کرده ام بر نفس خود پس قبول توبه کن بر من بدرستی که تو توئی بسیار قبول توبه کننده
الرَّحِيمُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ
مهربان نیست خدائی مگر تو تسبیح میکنم ترا بدرستی که من هستم از ستمکاران
سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى
پاک است پروردگار تو پروردگار عزت از آنچه وصف میکنند کافران و درود باد بر
الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللّٰهُمَّ صَلِّ
رسولان خدا و سپاس مر خدا را که پروردگار عالمیان است خداوندا رحمت فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَيِّتْنِي مِنْكَ فِي عَافِيَةٍ وَصَبِّحْنِي
بر محمد و آل محمد و بروز آور و شب آر مرا از جانب خود در عافیت و داخل در صبح کن مرا
مِنْكَ فِي عَافِيَةٍ وَاسْتُرْنِي مِنْكَ بِالْعَافِيَةِ وَارْزُقْنِي
از جانب خود در عافیت و بپوشان مرا از جانب خود بعافیت و روزی کن مرا
تَمَامَ الْعَافِيَةِ وَدَوَامَ الْعَافِيَةِ وَالشُّكْرَ عَلَى
تمام بودن عافیت و دائمی بودن عافیت و شکر گذاری بر
الْعَافِيَةِ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ نَفْسِي وَذُرِّيَّتِي
عافیت را خداوندا بدرستی که من می سپارم بتو نفس خود و ذریه خود
وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَأَهْلَ خَزَانَتِي وَكُلَّ نِعْمَةٍ
و اهل خود و مال خود و اولاد خود و اهل خزانه خود را و هر نعمتی را
أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ أَوْ تُنْعِمُ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ
که انعام کرده ای بر من یا انعام میکنی پس رحمت فرست بر محمد و آل او و
اجْعَلْنِي فِي كَنَفِكَ وَأَمْنِكَ وَكِلَائَتِكَ وَ
بگردان مرا در سایه خود و امان خود و نگاهبانی خود و
حِفْظِكَ وَحِيَاطَتِكَ وَكِفَايَتِكَ وَسِتْرِكَ وَذِمَّتِكَ
نگاهداری خود و محافظت خود و کارگذاری خود و پرده خود و زینهار خود
وَجِوَارِكَ وَوَدَائِعِكَ يَا مَنْ لَا تَضِيعُ وَدَائِعُهُ وَلَا
و همسایگی خود و امانتهای خود ای کسی که ضایع نمیشود امانتهای او و

يُجيبُ سائِلَهُ وَلا يَنفَدُ ما عِندَهُ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَدْرَاُ

نوميد نميكردد سؤال كننده او و آخر نميشود آنچه نزد اوست خداوندا بدرستى كه من دفع ميكنم

بِكَ في نُحورِ اَعدائي وَكَيدِ مَن كادَني وَبَغى

بيارى تو در كوها كردنهاى دشمنان خودم و مكر كسى كه مكر كند با من و زيادتى كند

عَلَيَّ اَللّٰهُمَّ مَن اَرادَنا فَاَرِدهُ وَمَن كادَنا

بر من خداوندا هر كه اراده كند ما را پس اراده كن او را و كسى كه مكر كند با ما

فَكِدهُ وَمَن نَصَبَ لَنا فَخُذهُ يا رَبِّ اَخذَ عَزيزٍ

پس مكر كن با او و كسى كه برپا كند براى ما پس بگير او را اى پروردگار من گرفتن غالب

مُقتَدِرٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاصرِف

صاحب اقتدارى خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بازگردان

عَنّي مِنَ البَلِيّاتِ وَالآفاتِ وَالعاهاتِ وَالنِّقَمِ

از من از بلاها و آفتها و عيبها و عقابها

وَلُزومِ السَّقَمِ وَزَوالِ النِّعَمِ وَعَواقِبِ التَّلَفِ ما

و لازم بودن بيمارى و برطرف شدن نعمتها و عاقبتهاى تلف آنچه

طَغى بِهِ الماءُ لِغَضَبِكَ وَما عَتَت بِهِ الرّيحُ عَن

طغيان كند بسبب آن آب براى غضب تو و آنچه سركشى كند بسبب آن باد به

اَمرِكَ وَما اَعلَمُ وَما لا اَعلَمُ وَما اَخافُ وَما لا

فرمان تو و آنچه را ميدانم و آنچه را نميدانم و آنچه را مى ترسم و آنچه را كه نه

اخاف

اَخافُ وَما اَحذَرُ وَما لا اَحذَرُ وَما اَنتَ اَعلَمُ بِهِ

مى ترسم و آنچه را حذر ميكنم و آنچه را كه حذر نميكنم و آنچه را كه تو دانا ترى بآن

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَفَرِّج هَمّي وَنَفِّس

خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بگشاى اندوه مرا و برطرف كن

غَمّي وَسَلِّ حُزني وَاكفِني ما ضاقَ بِهِ صَدري

غم مرا و تسلى ده اندوه مرا و كفايت كن از من آنچه را كه تنگ شده است بسبب آن سينه من

وَعيلَ بِهِ صَبري وَقَلَّت فيهِ حيلَتي وَضَعُفَت

و مغلوب شده است بسبب آن صبر من و كم است در آن چاره من و ضعيف است

عَنهُ قُوَّتي وَعَجَزَت عَنهُ طاقَتي وَرَدَّتني فيهِ

از آن قوت من و عاجز است از آن طاقت من و برگردانيده است مرا در آن

الضَّرورَةُ عِندَ انقِطاعِ الآمالِ وَخَيبَةِ الرَّجاءِ

ضرورت نزد منقطع شدن آرزوها و نوميدى اميد

مِنَ المَخلوقينَ اِلَيكَ فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ

از مخلوقات بسوى تو پس رحمت فرست بر محمد و آل محمد و

اكفِنيهِ يا كافِيًا مِن كُلِّ شَيءٍ وَلا يَكفي مِنهُ شَيءٌ

كفايت كن از من آن را اى كفايت كننده از هر چيزى و كفايت نميكند از او چيزى

اِكفِني كُلَّ شَيءٍ حَتّى لا يَبقى شَيءٌ يا كَريمُ اَللّٰهُمَّ

كفايت كن از من هر چيزى را تا اينكه باقى نماند چيزى اى كريم خداوندا

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَ
رحمت فرست بر محمد و آل محمد و روزی کن مرا حج بیت حرام تو و
زِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ مَعَ التَّوْبَةِ وَ
زیارتِ قبر پیغمبر تو که بر او و بر آل او باد سلام با توبه و
النَّدَمِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْتَوْدِعُكَ نَفْسِي وَدِينِي وَاَهْلِي
پشیمانی خداوندا بدرستی که من می سپارم بتو نفس خود را و دین خود و اهل خود
وَوَلَدِي وَاِخْوَانِي وَاَسْتَكْفِيكَ مَا اَهَمَّنِي وَمَا
و اولاد خود و برادران خود را و طلب کفایت میکنم ترا از آنچه قصد کرده مرا و آنچه
لَمْ يُهِمَّنِي وَاَسْاَلُكَ بِخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ الَّذِي
قصد نکرده مرا و سؤال میکنم ترا بحق خوبانِ تو از خلقِ تو که
لَا يَمُنُّ بِهِ سِوَاكَ يَا كَرِيمُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي قَضٰى
انعام نمیکند بآن غیرِ تو ای صاحب کرم سپاس مر خدا ایراست که ادا کرد
عَنِّي صَلٰوةً كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا
از من نمازی را که بود بر مؤمنان فرضی معیّن

دعائی که مخصوص است باینکه بعد از نمازِ صبح بابد خواند و روایت کرده است از معویة بن عمّان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ
بنام خدای بخشاینده مهربان و رحمت فرستد خدا بر محمد و اهل

یا معنا اینست که آنچه اندوهگین نکرده
است آنچه اندوهگین نکرده است
والله اعلم تمام

بیته

بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ الْاَخْيَارِ الْاَتْقِيَاءِ الْاَبْرَارِ الَّذِينَ
بیت او که پاکان برگزیدگان پرهیزکاران نیکوکاران اند که
اَذْهَبَ اللّٰهُ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا وَاُفَوِّضُ
برده است خدا از ایشان گناه را و پاکیزه کرده است ایشانرا پاکیزه کردنی و واگذاشتم
اَمْرِي اِلَى اللّٰهِ وَمَا تَوْفِيقِي اِلَّا بِاللّٰهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ
کار خود را بسوی خدا و نیست توفیق من مگر بخدا بر او توکل کردم
وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ فَهُوَ حَسْبُهُ اِنَّ اللّٰهَ بَالِغُ
و کسی که توکل میکند بر خدا پس خدا بس است او را بدرستی که خدا رساننده
اَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللّٰهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا مَا شَاءَ اللّٰهُ كَانَ
امر خود است بتحقیق که گردانیده است خدا برای هر چیز اندازه آنچه را خواسته است خدا شده است
حَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَاَعُوذُ بِاللّٰهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ
بس است ما را خدا و خوب وکیل و کارگذاریست و پناه میبرم بخدای شنوای دانا
مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَاَعُوذُ
از شر شیطان رانده شده و از وسوسهای شیطانها و پناه میبرم
بِكَ رَبِّ اَنْ يَحْضُرُونِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ
بتو ای پروردگار من از اینکه حاضر شوند نزد من و نیست گردشی و نه توانائی مگر بخدا
الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَثِيرًا
بلند مرتبه بزرگ رتبه سپاس مر خدا ایراست که پروردگار عالمیان است سپاس بسیار

كما هو اهله ومستحقه وكما ينبغي لكرم
چنانچه او سزاوار آنست و مستحق آنست و چنانچه شایسته است برای کریم بودن
وجهه وعز جلاله على ادبار الليل واقبال النهار
ذات او و غلبهٔ بزرگی او بر پشت کردن شب و روآوردن روز
الحمد لله الذي ذهب بالليل مظلما بقدرته و
سپاس مر خدا راست که برد شب را در حالتی که تیره و ظلمانی بود بقدرت خود و
جاء بالنهار مبصرا برحمته خلقا جديدا ونحن
آورد روز را در حالتی که روشن و نورانی بود برحمت خود مخلوقی تازه و حال آنکه ما هستیم
في عافيته وسلامته وستره وكفايته وجميل
در عافیت او و سلامت او و پردهٔ او و کفایت کردن او و خوبی
صنعه مرحبا بخلق الله الجديد واليوم العتيد و
احسان او مرحبا بآفریدهٔ خدا که تازه است و روزی که حاضر است و
الملك الشهيد مرحبا بكما من ملكين كريمين
فرشته که گواه است مرحبا بشما از دو فرشتهٔ کریم
وحياكما الله من كاتبين حافظين اشهدكما
و درود فرستد بر شما خدا از دو نویسندهٔ حفظ کننده گواه میگیرم شما را
فاشهدا لي واكتبا شهادتي هذه معكما حتى
پس گواهی دهید برای من و بنویسید گواهی مرا این گواهی را نزد خودتان تا اینکه

الفى بها ربي اني اشهد ان لا اله الا الله وحده
ملاقات کنم با آن پروردگار خود را اینکه من گواهی میدهم اینکه نیست خدائی مگر الله یگانه است
لا شريك له واشهد ان محمدا صلى الله عليه واله
نیست شریکی برای او و گواهی میدهم اینکه محمد که رحمت فرستد خدا بر او و آل او
وسلم عبده ورسوله ارسله بالهدى ودين
و درود فرستد بندهٔ او و رسول اوست فرستاده است او را با هدایت و دین
الحق ليظهره على الدين كله ولو كره المشركون
حق برای اینکه غالب کرداند او را بر دین همهٔ آن و هرچند که ناخوش داشته باشند مشرکان
وان الدين كما شرع والاسلام كما وصف والقول
و اینکه دین چنانست که قرار داده و اسلام چنانست که بیان کرده و قول
كما حدث وان الله هو الحق والرسول حق والامام
چنانست که خبر داده و اینکه خدا او مستحق و بر و رسول حق است و امام
حق والقران حق والموت حق ومسائلة منكر
حق است و قرآن حق است و مردن حق است و سؤال کردن منکر
ونكير في القبر حق والبعث حق والصراط حق و
و نکیر در قبر حق است و مبعوث شدن حق است و پل صراط حق است و
الميزان حق والجنة حق والنار حق والساعة
ترازوی اعمال حق است و بهشت حق است و آتش حق است و قیامت

آتية لا ريب فيها وأن الله باعث من في القبور فصل
آينده است نيست شكى در آن و اينكه خدا برانگيزاننده است هر كه در قبرها پس رحمت فرست
على محمد وآل محمد واكتب اللهم شهادتي عندك
بر محمد و آل محمد و بنويس خداوندا گواهى مرا نزد خود
مع شهادة أولي العلم بك يا رب ومن أبى أن يشهد
با گواهى صاحبان علم بتو اى پروردگار من و هر كه ابا كند از اينكه گواهى دهد
لك بهذه الشهادة وزعم أن لك ندا أو لك
براى تو باين شهادت و گمان برد كه از براى تو مانندى هست يا از براى تو
ولدا أو لك صاحبة أو لك شريكا أو معك خالقا
فرزندى يا از براى تو زنى يا از براى تو شريكى هست يا با تو خلق كننده
أو رازقا فأنا بريء منهم لا إله إلا أنت تعاليت
يا روزى دهنده هست پس من بيزارم از ايشان و ميگويم كه نيست خدائى بجز تو برترى
عما يقول الظالمون علوا كبيرا فاكتب اللهم
از آنچه ميگويند ستمكاران برترى بزرگ پس بنويس خداوندا
شهادتي مكان شهادتهم وأحيني على ذلك وأمتني
گواهى مرا بجاى گواهى ايشان و زنده بدار مرا بر اين شهادت و بميران مرا
عليه وابعثني عليه وأدخلني برحمتك في عبادك
بر آن و مبعوث كن مرا بر آن و داخل كن مرا برحمت خود در ميان بندگان خود

الصالحين

الصالحين اللهم صل على محمد وآله وصبحني منك
كه صالحانند خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل او و داخل صباح كن مرا از جانب خود
منك صباحا صالحا مباركا ميمونا لا خازيا ولا
صباحى شايسته بابركت صاحب يمنت نه باخوارى و نه
فاضحا اللهم صل على محمد وآله واجعل أول يومي
با رسوائى خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل او و بگردان اول روز مرا
هذا صلاحا وأوسطه فلاحا وآخره نجاحا
اين روز شايستگى و ميان آنرا رستگارى و آخر آنرا بمطلب رسيدن
وأعوذ بك من يوم أوله فزع وأوسطه جزع
و پناه ميبرم بتو از روزى كه اولش ترسناكى و ميانش بى تابى
وآخره وجع اللهم صل على محمد وآله وارزقني
و آخرش دردناكى است خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل او و روزى كن
خير يومي هذا وخير ما فيه وخير ما قبله وخير
خير روز مرا اين روز و خير آنچه در آنست و خير آنچه پيش از آنست و خير
ما بعده وأعوذ بك من شره وشر ما فيه وشر
آنچه بعد از آنست و پناه ميبرم بتو از شر اين روز و شر آنچه در آنست و شر
ما قبله وشر ما بعده اللهم صل على محمد وآل محمد
آنچه پيش از آنست و شر آنچه بعد از آنست خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد

وَافْتَحْ لِي بَابَ كُلِّ خَيْرٍ فَتَحْتَهُ عَلَى اَحَدٍ مِنْ اَهْلِ الْخَيْرِ وَ
و بگشای برای من درِ هر خیری را که گشوده ای آن را بر روی کسی از اهل خیر و
لَا تُغْلِقْهُ عَنِّي اَبَدًا وَاَغْلِقْ عَنِّي بَابَ كُلِّ شَرٍّ فَتَحْتَهُ
مبند آن را از من هرگز و ببند از من درِ هر شرّی را که گشوده ای آن را
عَلَى اَحَدٍ مِنْ اَهْلِ الشَّرِّ وَلَا تَفْتَحْهُ عَلَيَّ اَبَدًا اَللّٰهُمَّ
بر کسی از اهلِ شر و مگشای آن را بر من هرگز خداوندا
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنِي مَعَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
رحمت فرست بر محمد و آلِ او و بگردان مرا با محمد و آل محمد
فِي كُلِّ مَوْطِنٍ وَمَشْهَدٍ وَمَقَامٍ وَمَحَلٍّ وَمُرْتَحَلٍ وَفِي
در هر جایگاهی و هر محلِ حضوری و هر مقامی و هر جا فرود آمدنی و جا کوچ کردنی و در
كُلِّ شِدَّةٍ وَرَخَاءٍ وَعَافِيَةٍ وَبَلَاءٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى
هر سختی و آسانی و عافیتی و بلائی خداوندا رحمت فرست بر
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاغْفِرْ لِي مَغْفِرَةً عَزْمًا جَزْمًا لَا تُغَادِرُ
محمد و آل او و بیامرز برای من آمرزیدنی لازم محتم که باقی نگذاری
لِي ذَنْبًا وَلَا خَطِيئَةً وَلَا اِثْمًا اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْتَغْفِرُكَ
از برای من ذنبی و نه خطائی و نه گناهی را خداوندا بدرستی که من طلب آمرزش میکنم از تو
مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ تُبْتُ اِلَيْكَ مِنْهُ ثُمَّ عُدْتُ فِيهِ وَ
از هر گناهی که توبه کردم بسوی تو از آن بعد از آن عود کردم در آن و

اَسْتَغْفِرُكَ لِمَا اَعْطَيْتُكَ مِنْ نَفْسِي ثُمَّ لَمْ اَفِ لَكَ بِهِ
طلب آمرزش میکنم از تو از برای آنچه دادم به تو از نفس خود بعد از آن وفا نکردم از برای تو آن
وَاَسْتَغْفِرُكَ لِمَا اَرَدْتُ بِهِ وَجْهَكَ فَخَالَطَهُ مَا
و طلب آمرزش میکنم از تو از برای آنچه اراده کردم بوده م به آن ذاتِ تو را پس مخلوط شد با آن آنچه
لَيْسَ لَكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاغْفِرْ لِي يَا رَبِّ
نبود از برای تو پس رحمت فرست بر محمد و آل او و بیامرز از برای من ای پروردگار من
وَلِوَالِدَيَّ وَمَا وَلَدَا وَمَا وَلَدْتُ وَمَا تَوَالَدُوا
و از برای پدر و مادر من و اولاد ایشان و اولاد من و آنچه توالد و تناسل نموده اند
مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ الْاَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْاَمْوَاتِ
از مردان مؤمن و زنان مؤمنه زندگان از ایشان و مردگان ایشان
وَلِاِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْاِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي
و از برای برادران ما آنانکه سبقت کرده اند ما را با ایمان داشتن و مگردان در
قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا اِنَّكَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ
دلهای ما کینه از برای کسانی که ایمان آورده اند ای پروردگار ما بدرستی که تو مهربان صاحب رحمتی
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي قَضَى عَنِّي صَلٰوةً اِنَّ الصَّلٰوةَ كَانَتْ
سپاس مر خدا را که ادا کرد از من نماز را بدرستی که نماز هست
عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا دعاهای مخصوصه بشب جمعه
بر مؤمنان فرضی قرار داده شده از جمله دعاهای شب جمعه

دعائیست که از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله وسلامه
روایت شده است و انحضرت فرموده است که حضرت رسول
خدا صلی الله علیه و آله فرمودند که قسم بانکسی که مرا به پیغمبری
و دین حق مبعوث کردانیده است که نیست بنده مؤمنی که بخواند
این دعا را از روی اخلاص و یقین مگر انکه حق تعالی دعای او را
مستجاب میکرداند بجدی که اگر دعا کند بر کلیدهای اهن هر اینه
کداخته میشود و اگر دعا کند که بر روی اب روان راه رود هر اینه بر
روی ان راه خواهد رفت و نیست بنده که این دعا را چهل شب جمعه بخواند
مگر انکه حق تعالی از و عفو میکند و می امرزد برای او هر گناهی را که در
میان او و حق تعالی باشد و حدیث طول دارد و ما این قدر را نقل کردیم

دعای شب جمعه

و دعا اینست اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْاَوَّلُ فَلَا شَیْءَ قَبْلَكَ وَاَنْتَ
خداوندا توئی اول پس نیست چیزی پیش از تو و توئی
الْاٰخِرُ لَا تَهْلِكُ وَاَنْتَ الْحَیُّ لَا تَمُوتُ وَالْخَالِقُ لَا
اخر برطرف نمیشوی و توئی زنده نمیمیری و توئی افریننده
تَعْجِزُ وَاَنْتَ الْبَصِیرُ لَا تَرْتَابُ وَالصَّادِقُ لَا تَكْذِبُ
عاجز نمیشوی و توئی بینا شك نمیکنی و توئی راست کو دروغ نمیکوئی
وَالْقَاهِرُ لَا تُغْلَبُ الْاَبَدِیُّ لَا تَنْفَدُ الْقَرِیبُ لَا
و توئی غلبه کننده مغلوب نمیشوی توئی همیشه اخر نمیشوی توئی نزدیك

تبعد

تَبْعُدُ الْقَادِرُ لَا تُضَامُ الْغَافِرُ لَا تَظْلِمُ الصَّمَدُ لَا
دور نمیکردی توئی قادر ستم رسانیده نمیشوی توئی امرزنده ظلم نمیکنی توئی میان پر
تُطْعَمُ الْقَیُّومُ لَا تَنَامُ الْمُجِیبُ لَا تَسْاَمُ الْجَبَّارُ لَا
اطعام کرده نمیشوی توئی بخود بر پا نمیخوابی توئی اجابت کننده دلتنك نمیشوی توئی جبار
تُرَامُ الْعَالِمُ لَا تُعَلَّمُ الْقَوِیُّ لَا تَضْعُفُ الْعَظِیمُ
قصد کرده نمیشوی توئی دانا تعلیم کرده نمیشوی توئی توانا سست نمیشوی توئی عظیم
لَا تُوصَفُ الْوَفِیُّ لَا تُخْلِفُ الْعَدْلُ لَا تَحِیفُ
وصف کرده نمیشوی توئی وفا کننده خلف نمیکنی توئی عادل میل نمیکنی
الْغَنِیُّ لَا تَفْتَقِرُ الْكَبِیرُ لَا تَصْغُرُ الْمَنِیعُ لَا تُقْهَرُ
توئی بی نیاز محتاج نمیشوی توئی بزرك خوار نمیشوی توئی قوی مقهور نمیشوی
الْمَعْرُوفُ لَا تُنْكَرُ الْغَالِبُ لَا تُغْلَبُ الْوِتْرُ لَا
توئی معروف انکار کرده نمیشوی توئی غالب مغلوب نمیشوی توئی یکتا
تَسْتَاْنِسُ الْفَرْدُ لَا تَسْتَشِیرُ الْوَهَّابُ لَا تَمَلُّ
طلب مونس نمیکنی توئی یکانه مشورت نمیکنی توئی بسیار بخشنده دلکیر نمیشوی
الْجَوَادُ لَا تَبْخَلُ الْعَزِیزُ لَا تُذَلُّ الْحَافِظُ لَا تَغْفُلُ
توئی صاحب جود بخل نمیکنی توئی عزیز ذلیل کردانیده نمیشوی توئی نکاه دارنده غافل کرده نمیشوی
الْقَائِمُ لَا تَنَامُ الْمُحْتَجِبُ لَا تُرٰی الدَّائِمُ لَا تَفْنٰی الْبَاقِی
توئی قائم نمیخوابی توئی پنهان دیده نمیشوی توئی دایم فانی نمیشوی توئی باقی

لا تُبْلَى المُقتَدِرُ لا تُنازَعُ الواحِدُ لا تُشَبَّهُ وَلا
کهنه نمیشوی توئی صاحب اقتدار نزاع کرده نمیشوی توئی واحد تشبیه کرده نمیشوی نیست
اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ الحَقُّ الَّذی لا تُغَیِّرُکَ الاَزْمِنَةُ وَلا
خدائی مگر تو آنحق که تغییر نمیدهند ترا زمانها و
تُحیطُ بِکَ الاَمْکِنَةُ وَلا تَاْخُذُکَ نَوْمٌ وَلا سِنَةٌ
احاطه نمیکنند بتو مکانها و فرو نمیگیرد ترا خوابی و نه پینکی
وَلا یُشْبِهُکَ شَیْءٌ وَکَیْفَ لا تَکُونُ کَذٰلِکَ وَاَنْتَ خالِقُ
و شبیه نیست بتو چیزی و چگونه نبوده باشی چنین و حال آنکه توئی آفریننده
کُلِّ شَیْءٍ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ هالِکٌ کُلُّ شَیْءٍ اِلّا وَجْهَکَ
هر چیزی نیست خدائی مگر تو هلاک شونده است هر چیزی مگر ذات تو
الکَریمَ اَکْرَمَ الوُجُوهِ یا اَمانَ الخائِفینَ وَجارَ
کریم تو که کریمترین ذاتهاست ای امان دهنده ترسندگان و پناه
المُسْتَجیرینَ اَسْاَلُکَ وَلا اَسْاَلُ غَیْرَکَ وَاَرْغَبُ
پناه جویندگان سؤال میکنم ترا و سؤال نمیکنم غیر ترا و رغبت میکنم
اِلَیْکَ وَلا اَرْغَبُ اِلیٰ غَیْرِکَ اَسْاَلُکَ بِاَفْضَلِ
بسوی تو و رغبت نمیکنم بسوی غیر تو سؤال میکنم ترا به نیکوترین
المَسائِلِ کُلِّها وَاَنْجَحِهَا الَّتی لا یَنْبَغی لِلْعِبادِ
مسئلتها همه آنها و برآمده ترین آنها که سزاوار نیست برای بندگان

اَنْ یَسْاَلُوکَ اِلّا بِها اَنْتَ الفَتّاحُ النَفّاحُ ذُو الخَیْراتِ
اینکه سؤال کنند ترا مگر بآنها توئی گشاینده بسیار نفع رساننده صاحب خیرها
مُقیلُ العَثَراتِ کاتِبُ الحَسَناتِ ماحِی السَّیِّئاتِ
درگذرنده لغزشها نویسنده اعمال حسنه محو کننده گناهان
رافِعُ الدَّرَجاتِ اَسْاَلُکَ یا اَللهُ یا رَحْمٰنُ بِاَسْمائِکَ
بلند کننده مرتبها سؤال میکنم ترا ای خدا ای بخشاینده بحق نامهای
الحُسْنیٰ کُلِّها وَکَلِماتِکَ العُلْیا وَنِعَمِکَ الَّتی
نیکوی تو همه آنها و کلمهای بلند تو و نعمتهای تو که
لا تُحْصیٰ وَاَسْاَلُکَ بِاَکْرَمِ اَسْمائِکَ عَلَیْکَ وَاَحَبِّها
شمرده نمیشود و سؤال میکنم ترا بحق گرامی ترین نامهای تو بر تو و دوست ترین آنها
اِلَیْکَ وَاَشْرَفِها عِنْدَکَ مَنْزِلَةً وَاَقْرَبِها مِنْکَ
بسوی تو و شریفترین آنها نزد تو از جهت منزلت و نزدیکترین آنها از تو
وَسیلَةً وَاَسْرَعِها مِنْکَ اِجابَةً وَبِاسْمِکَ المَکْنُونِ
برای وسیله بودن و زودترین آنها از تو برای اجابت کردن و بحق نام تو که پنهان
المَخْزُونِ الجَلیلِ الاَجَلِّ الَّذی تُحِبُّهُ وَتَرْضیٰ عَمَّنْ
خزانه سپرده شده بزرگ بزرگترینست که دوست میداری آنرا و راضی میشوی از کسی
دَعاکَ بِهِ وَتَسْتَجیبُ لَهُ دُعاءَهُ حَقٌّ عَلَیْکَ اَنْ لا
که بخواند ترا بآن و مستجاب کنی برای او دعای او را لازم است بر تو اینکه

تحرم سائلك ولا تردّه وبكلّ اسم هو لك في التورية

محروم نسازی سؤال کننده خود را و رد نکنی او را و بحق هر نامی که آن نام برای تست در تورية

والانجيل والزبور والفرقان العظيم وبكلّ اسم هو

و انجیل و زبور و قرآن عظیم و بحق هر نامی که آن نام

لك علّمته احدا من خلقك او تعلّمه احدا او

برای تست خود تعلیم کرده باشی او را بیکی از خلق خود یا تعلیم بکنی او را بکسی یا

استأثرت به في علم الغيب عندك واسألك

انتخاب کرده باشی بآن نام در علم غیب نزد خودت و سؤال میکنم تو را

بكلّ اسم دعاك به حملة عرشك وملائكتك

بحق هر نامی که خوانده باشد ترا بآن نام بردارندگان عرش تو و فرشتگان تو

واصفياؤك من خلقك وبحقّ السائلين لك و

و برگزیدگان تو از خلق تو و بحق سؤال کنندگان برای تو و

الراغبين اليك والمتعوّذين بك والمتضرّعين اليك

رغبت کنندگان بسوی تو و پناه آورندگان بتو و زاری کنندگان بسوی تو

ادعوك يا الله دعاء من اشتدّت فاقته وعظم

میخوانم ترا ای خدا خواندن کسی که سخت شده باشد احتیاج او و بزرگ باشد

جرمه واشرف على الهلكة وضعفت قوّته ومن

گناه او و مشرف شده باشد بر هلاکت و ضعیف شده باشد قوت او و خواندن کسی که

لم يثق بشيء من عمله ولا يجد لفاقته سادّا

که اعتماد نداشته باشد بچیزی از کردار خود و نیابد برای احتیاج خود رفع کننده

غيرك ولا لضعفه مقوّيا غيرك ولا لذنبه غافرا

غیر تو و نه برای سستی خود تقویت کننده غیر تو و نه برای گناه خود آمرزنده

غيرك فقد هربت منها اليك غير مستنكف و

غیر تو پس بتحقیق که گریخته ام از آنها بسوی تو در حالی که نیستم استنکاف کننده و

لا مستكبر عن عبادتك يا انس كلّ مستجير ويا سند

نه استکبار کننده از عبادت تو ای مونس هر پناه جوینده و ای معتمد

كلّ فقير اسألك بانّك انت الله الحنّان المنّان

هر فقیری سؤال میکنم تو را باینکه تو توئی خدای بسیار مهربان بسیار نعمت دهنده

لا اله الّا انت بديع السموات والارض ذو الجلال

نیست خدائی مگر تو نو پدید آورنده آسمانها و زمین صاحب بزرگی

والاكرام عالم الغيب والشهادة الرحمن الرحيم انت

و گرامی داشتن دانای پنهان و حاضر بخشاینده مهربان توئی

الربّ وانا العبد وانت الملك وانا المملوك

پروردگار و منم بنده و توئی پادشاه و منم مملوک

وانت العزيز وانا الذليل وانت الغنيّ وانا الفقير

و توئی عزیز و منم ذلیل و توئی بی نیاز و منم فقیر

وَاَنْتَ الْحَیُّ وَاَنَا الْمَیِّتُ وَاَنْتَ الْبَاقِیْ وَاَنَا الْفَانِیْ وَ
وتوئی زنده ومنم مرده وتوئی باقی ومنم فانی و
اَنْتَ الْمُحْسِنُ وَاَنَا الْمُسِیْئُ وَاَنْتَ الْغَفُوْرُ وَاَنَا الْمُذْنِبُ
توئی احسان کننده ومنم بدکننده وتوئی آمرزنده ومنم گناه کننده
وَاَنْتَ الرَّحِیْمُ وَاَنَا الْخَاطِیُٔ وَاَنْتَ الْخَالِقُ وَاَنَا
وتوئی مهربان ومنم خطاکننده وتوئی خالق ومنم
الْمَخْلُوْقُ وَاَنْتَ الْقَوِیُّ وَاَنَا الضَّعِیْفُ وَاَنْتَ الْمُعْطِیْ
مخلوق وتوئی توانا ومنم ناتوان وتوئی عطاکننده
وَاَنَا السَّائِلُ وَاَنْتَ الرَّازِقُ وَاَنَا الْمَرْزُوْقُ وَاَنْتَ
ومنم سؤال کننده وتوئی روزی دهنده ومنم روزی داده شده وتوئی
اَحَقُّ مَنْ شَکَوْتُ اِلَیْهِ وَاسْتَغَثْتُ بِهٖ وَرَجَوْتُهُ
سزاوارتر کسانی که شکایت کنم بسوی او واستغاثت جویم با او وامید داشته باشم او را
اِلٰهِیْ کَمْ مِنْ مُذْنِبٍ قَدْ غَفَرْتَ لَهُ وَکَمْ مِنْ مُسِیْئٍ
ای خدای من بسا از گناهکاری که بخشیدی گناه او را برای او وبسا از بدکننده
قَدْ تَجَاوَزْتَ عَنْهُ فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِهٖ وَاغْفِرْ لِیْ
که بخشیدی که درگذشته از او پس رحمت بفرست بر محمد وآل او وبیامرز برای من
وَارْحَمْنِیْ وَاعْفُ عَنِّیْ وَافْتَحْ لِیْ بَابَ فَضْلِکَ سُبُّوْحٌ
ورحم کن مرا ودرگذر از من وبگشای برای من در فضل خود را بسیار پاک

ذِکْرُکَ قُدُّوْسٌ اَمْرُکَ نَافِذٌ قَضَآؤُکَ یَسِّرْ لِیْ
ذکر تو بسیار پاکیزه است امر تو جاریست حکم تو آسان کردان برای من
مِنْ اَمْرِیْ مَا اَخَافُ عُسْرَهٗ وَفَرِّجْ عَنِّیْ وَعَنْ وَالِدَیَّ
از کار من آنچه را که می‌ترسم دشواری آن را وگشایش ده از من واز والدین من
وَعَنْ کُلِّ مُؤْمِنٍ وَّمُؤْمِنَةٍ وَاکْفِنِیْ مَا اَخَافُ ضَرُوْرَتَهٗ
واز هر مؤمن ومؤمنه وکفایت کن از من شر آنچه را که میترسم ضرر آن را
وَادْرَأْ عَنِّیْ مَا اَخَافُ حُزُوْنَتَهٗ وَسَهِّلْ لِیْ وَلِکُلِّ
ودفع کن از من آنچه را که میترسم دشواری آن را وآسان کن برای من وبرای هر
مُؤْمِنٍ مَا اَرْجُوْهُ وَاٰمُلُهٗ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَکَ
مؤمنی آنچه را که امید دارم آن را وآرزو میکنم آن را نیست خدائی مگر تو تسبیح میکنم تو را
اِنِّیْ کُنْتُ مِنَ الظَّالِمِیْنَ دعای دیگر بجهت شب جمعه که از آسمان وشیعیان
بدرستی که من هستم از ظالمان از حضرت امیر المؤمنین علیه الصلوٰة والسلام روایت کرده اند
اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْاَلُکَ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِکَ تَهْدِیْ بِهَا
خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو رحمتی را از نزد خودت که هدایت کنی بآن
قَلْبِیْ وَتَجْمَعُ بِهَا شَمْلِیْ وَتَلُمُّ بِهَا شَعَثِیْ وَتَحْفَظُ
دل مرا وجمع کنی بآن پراکندگی مرا وفراهم آوری بآن ژولیدگی مرا وحفظ کنی
بِهَا غَآئِبِیْ وَتُصْلِحُ بِهَا شَاهِدِیْ وَتُزَکِّیْ بِهَا عَمَلِیْ
بآن غایب مرا واصلاح کنی بآن حاضر مرا وپاکیزه کردانی بآن عمل مرا

وتلهمني بها رشدي وتعصمني بها من كل سوء اللهم

والهام كني مرا بان رشاد مرا ونكاهداري مرا بان از هر بدي خداوندا

اعطني ايمانا صادقا ويقينا خالصا ورحمة اَنال

عطا كن بمن ايمان صادق ويقين خالص ورحمتي كه در يابم

بها شرف كرامتك في الدنيا والآخرة اللهم

بان شرافت كرامي داشتن ترا در دنيا وآخرت خداوندا

اني اسألك الفوز في القضاء ومنازل العلماء

بدرستي كه من سؤال ميكنم از تو رستكاري را در حكم ومنزلهاي علما را

وعيش السعداء والنصر على الاعداء اللهم اني

وزندكاني نيكبختانرا ونصرت يافتن بر دشمنانرا خداوندا بدرستي كه من

انزلت بك حاجتي وان ضعف عملي فقد افتقرت

فرود آورده ام بتو حاجت خودرا واكرچه ضعيفست عمل من پس بتحقيق كه محتاج شده ام

الى رحمتك فاسألك يا قاضي الامور ويا شافي

بسوي رحمت تو پس سؤال ميكنم از تو اي قضا كننده امرها واي شفا دهنده

الصدور كما تجير بين البحور ان تجيرني من عذاب

سينها چنانكه مانع ميشوي ميان درياها اينكه پناه دهي مرا از عذاب

السعير ومن دعوة الثبور ومن فتنة القبور اللهم

جهنم واز خواندن ثبور واز آزمايش در قبرها خداوندا

دعا

وما قصرت عنه مسئلتي ولم تبلغه منيتي ولم

وآنچه نارساست از آن سؤال من ونرسيده است بان آرزوي من و

تحط به مسئلتي من خير وعدته احدا من خلقك

احاطه نكرده است انرا طلب كردن من از خيري كه وعده كرده انرا بيكي از خلق خودت

فاني ارغب اليك فيه اللهم يا ذا الحبل الشديد

پس بدرستي كه من رغبت دارم بسوي تو در ان خداوندا اي صاحب ريسمان محكم

والامر الرشيد اسألك الامن يوم الوعيد و

وفرمان درست سؤال ميكنم از تو ايمن بودن را در روز تهديد و

الجنة يوم الخلود مع المقربين الشهود والركع

بهشت را در روز مخلد بودن با مقربان حاضران وركوع كنندكان

السجود الموفين بالعهود انك رحيم ودود وانك

سجده كنندكان ووفا كنندكان بعهدها بدرستي كه تو مهربان بسيار دوست دارنده بدرستي كه تو

تفعل ما تريد اللهم اجعلنا هادين مهديين

ميكني آنچه را كه اراده كني خداوندا بكردان مارا هدايت كنندكان هدايت يافتكان

غير ضالين ولا مضلين سلما لاوليائك وحربا

نه كمراهان ونه كمراه كنندكان در حالي كه در صلح باشيم با دوستان تو ودر جنگ باشيم

لاعدائك نحب بحبك الناس ونعادي بعداوتك

با دشمنان تو دوست داريم بسبب دوستي تو توبه كنندكانرا ودشمني كنيم بسبب عداوت با تو

خالقك اللهم هذا الدعاء وعليك الاستجابة

که خالقت تو کرده خداوندا اینست دعا و بر تو لازم است مستجاب کردن

وهذا الجهد وعليك التكلان اللهم اجعل

و اینست سعی و بر تست توکل خداوندا بگردان

لي نورا في قلبي ونورا في قبري ونورا بين يدي

برای من نوری در دل من و نوری در قبر من و نوری پیش روی من

ونورا تحتي ونورا فوقي ونورا في سمعي ونورا

و نوری زیر پای من و نوری بالای سر من و نوری در گوش من و نوری

في بصري ونورا في شعري ونورا في بشري و

در چشم من و نوری در موی من و نوری در پوست من و

نورا في لحمي ونورا في دمي ونورا في عظامي

نوری در گوشت من و نوری در خون من و نوری در استخوانهای من

اللهم اعظم لي النور سبحان الذي ارتدى بالعز

خداوندا عظیم گردان برای من نور را تسبیح میکنم آنکسی را که رداء خود کرده عزت

وبان به سبحان الذي لبس المجد وتكرم به

و ظاهر شده است بسبب آن تسبیح میکنم آنکسی را که پوشیده است بزرگی را و گرامی شده است

سبحان من لا ينبغي التسبيح الا له سبحان ذي الفضل

تسبیح میکنم آنکسی را که سزاوار نیست تسبیح کردن مگر برای او تسبیح میکنم صاحب احسان

والنعم سبحان ذي المجد والكرم سبحان ذي الجلال

و نعمتها را تسبیح میکنم صاحب بزرگی و کرم را تسبیح میکنم صاحب جلالت

والاكرام **اعمال ماه رجب** روایت کرده است ابان بن

و گرامی داشتن را

عثمان از کثیر نوا که حضرت امام جعفر صادق

علیه الصلوة والسلام فرمودند که حضرت نوح علی نبینا و

آله وعلیه السلام در روز اول ماه رجب بکشتی سوار گردید

و امر فرمود بهر که با او بود که آنروز را روزه بدارند و آنحضرت

فرمود که هر که آنروز را روزه بدارد آتش جهنم از و دور میگردد

بقدر یکساله راه و هر که هفت روز از این ماه را روزه بدارد

هفت در دوزخ بر روی او بسته میگردد و هر که هشت روز

این ماه را روزه بدارد گشوده میشود از برای او هشت در بهشت

و هر که پانزده روز این ماه را روزه بدارد عطا کرده میشود

باو هرچه سؤال کند و هر که زیاده بر این روزه بدارد حق تعالی

ثواب او را زیاده میکرداند **اعمال شب اول ماه رجب** مرویست که

حضرت امیر المؤمنین علیه الصلوة والسلام را خوش می آمد که

آدمی در سالی چهار شب خود را از استراحت و کارهای دنیا فارغ سازد

و مشغول عبادت گردد و آن چهار شب شب اول ماه رجب و شب نیمه ماه

شعبان و شب عید فطر و شب عید اضحی است **دعای شب اول ماه رجب**

اعمال ماه رجب

دعای شب اول ماه رجب

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْاَلُكَ بِاَنَّكَ مَلیكٌ وَ اَنَّكَ عَلیٰ كُلِّ
خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا باینکه تو پادشاهی و اینکه تو بر هر
شَیْءٍ مُقْتَدِرٌ وَ اَنَّكَ مٰا تَشٰاءُ مِنْ اَمْرٍ یَكُنْ اَللّٰهُمَّ
چیز بغایت توانائی و اینکه تو چنانی که آنچه خواهی از کاری میشود خداوندا
اِنّی اَتَوَجَّهُ اِلَیْكَ بِنَبِیِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ
بدرستی که من روی میآورم بسوی تو بوسیلهٔ پیغمبر تو محمد رحمت فرستد خدا بر او
وَ اٰلِهِ نَبِیِّ الرَّحْمَةِ یٰا مُحَمَّدُ یٰا رَسُولَ اللّٰهِ اِنّی اَتَوَجَّهُ
و آل او که پیغمبر رحمت است ای محمد ای رسول خدا بدرستی که من روی میآورم
بِكَ اِلَی اللّٰهِ رَبِّكَ وَ رَبّی لِیُنْجِحَ لی بِكَ طَلِبَتی
بوسیلهٔ تو بسوی خدا که پروردگار تو و پروردگار من است تا برآورد برای من بوسیلهٔ تو مطلب مرا
وَ یَقْضِیَ بِكَ حٰاجَتی اَللّٰهُمَّ بِنَبِیِّكَ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ اَنْجِحْ
و قضا کند بوسیلهٔ تو حاجت مرا خداوندا بحق پیغمبر تو محمد و بحق آل او برآور
طَلِبَتی بعد از آن سؤال کند حاجت خود را و از حضرت امام
مطلب مرا جعفر صادق علیه الصلوة والسلام مرویست که هر که
حضرت امام حسین علیه السلام را در روز اول ماه رجب
زیارت کند حق تعالی او را می‌آمرزد البته و در این روز حضرت
امام محمد باقر علیه السلام متولد شده است نماز ماه رجب
سلمان فارسی رضی الله تعالی عنه نماز این ماه را روایت نموده

نماز ماه رجب

وفضل

وفضل بسیار و ثواب عظیم بجهت آن نقل کرده و گفته است که کیفیت این
نماز اینست که در اول این ماه ده رکعت و در وسط این ماه یعنی روز
پانزدهم ده رکعت و در آخر آن ده رکعت نماز بگذارد هر دو رکعت بیک
سلام و در هر رکعتی سورهٔ حمد را یکمرتبه و سورهٔ قل هو الله احد را سه مرتبه
و سورهٔ قل یا ایها الکافرون را سه مرتبه بخواند و چون در اول ماه ده رکعت
را بگذارد بعد از هر دو رکعت که سلام دهد دستها را بدعا بردارد و بگوید
لٰا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لٰا شَریكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ
نیست خدائی مگر الله یگانه است نیست شریکی برای او از برای اوست پادشاهی و از برای اوست
اَلْحَمْدُ یُحْیی وَ یُمیتُ وَ هُوَ حَیٌّ لٰا یَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ
سپاس زنده میکرداند و میمیراند و اوست زنده که نمی‌میرد بدست اوست خیر
وَ هُوَ عَلیٰ كُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ اَللّٰهُمَّ لٰا مٰانِعَ لِمٰا اَعْطَیْتَ
و او بر هر چیز بغایت توانا است خداوندا نیست مانعی برای آنچه تو عطا کرده
وَ لٰا مُعْطِیَ لِمٰا مَنَعْتَ وَ لٰا یَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ
و نیست عطا کننده برای آنچه تو منع کرده و نفع نمیرساند صاحب غنا را نزد تو غنای او
بعد از آن دستها را بروی خود بمالد و پائین آورد و چون در وسط ماه ده رکعت
دیگر را بگذارد بعد از هر دو رکعت که سلام دهد دستهای خود را بدعا بردارد و بگوید
لٰا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لٰا شَریكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ
نیست خدائی مگر الله یگانه است نیست شریکی برای او از برای اوست پادشاهی و از برای اوست

یعنی غنای صاحب المال از تنفع حال او
نمیرساند نزد تو بلکه آنچه نزد تو نفع دارد
اوامر و نواهی است عمل کردن بطاعات
و عبادات است

اَلْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ

سپاس زنده میکرداند و میمیراند و اوست زنده که نمیمیرد بدست اوست خیر و

هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اِلٰهًا وَاحِدًا اَحَدًا صَمَدًا

او بر هر چیز بغایت تواناست خدای یکانه یکتائی که مقصود است در حاجتها

فَرْدًا وِتْرًا لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا بعد از ان

بی همتای طاق که فرا نکرفته است زنی و نه فرزندی دستها را بروی

خود بمالد و پائین آورد و چون در آخر ماه ده رکعت دیکر را بکذارد و بعد

از هر دو رکعت که سلام دهد دستها را بدعا بر دارد و بکوید

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ

نیست خدائی مکر الله یکانه است نیست شریکی برای او از برای اوست پادشاهی و از برای اوست

اَلْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ

سپاس زنده میکرداند و میمیراند و اوست زنده که نمیمیرد بدست اوست خیر

وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

و او بر هر چیز بغایت تواناست و رحمت فرستد خدا بر محمد و آل او

الطَّاهِرِينَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

که پاکانند و نیست کردیدنی از معصیت و نه قوتی بر طاعت مکر بخدای بلند مرتبه بزرک رتبه

بعد از ان دستها را بروی خود بمالد و پائین آورد و حاجت

خود را از حق تعالی سؤال نماید پس بدرستی که دعای او مستجاب

میکردد

میکردد ان شاء الله تعالی تسبیح ماه رجب ابو سعید خدری

روایت کرده است که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله

فرمود که آکاه باشید که ماه رجب ماه خداست و آنحضرت

فضیلت روزه داشتن درین ماه و ثواب روزه داران این ماه

را ذکر نمود تا آنکه جمعی از اصحاب کفتند یا رسول الله هر که

قادر بر روزه داشتن این ماه نباشد چکار کند که این ثواب و

فضل را دریابد آنحضرت فرمود که از اول ماه رجب تا روز سی ام

آن هر روز این تسبیح را صد مرتبه بکوید و تسبیح اینست

سُبْحَانَ الْاِلٰهِ الْجَلِيلِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ

تسبیح میکنم خدای صاحب جلال را تسبیح میکنم کسی را که سزاوار نیست تسبیح کردن

اِلَّا لَهُ سُبْحَانَ الْاَعَزِّ الْاَكْرَمِ سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ

مکر از برای او تسبیح میکنم خداوند عزیزتر کریم تر تسبیح میکنم کسی را که پوشیده است

الْعِزَّ وَهُوَ لَهُ اَهْلٌ دعائی که در ماه

عزت را و او برآن لایق است رجب باید خواند

اَللّٰهُمَّ يَا ذَا الْمِنَنِ السَّابِغَةِ وَالْآلَاءِ الْوَازِعَةِ

خداوندا ای صاحب نعمتهای کامل و نعمتهای و ازعه

وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ وَالْقُدْرَةِ الْجَامِعَةِ وَالنِّعَمِ

و رحمت وسیع و توانائی جمع کننده و نعمتهای

دعای ماه رجب

وازع در لغت بمعنی منع کننده و نکاه دارنده است و مراد از نعمتهای وازعه نعمتهائی است که مانع میشود کردن دیکران را از بدی و نکاه میدارد از کناه

کرباعث عزت دنیوی یا اخروی کردد

الجسيمة والمواهب العظيمة والأيادي الجميلة و
بزرك وبخشهاى عظيم ونعمهاى نيكو و
العطايا الجزيلة يا من لا ينعت بتمثيل ولا يمثل
عطاهاى بسيار اى انكه وصف كرده نميشود بتشبيه كردن وتشبيه كرده نميشود
بنظير ولا يغلب بظهير يا من خلق فرزق
بنظيرى ومغلوب نميشود بسبب معاونى اى انكه افريد پس روزى داد
وألهم فأنطق وابتدع فشرع وعلا فارتفع
والهام كرد پس كويا كردانيد واز نو افريد پس شروع نمود وبلند شد پس بغايت بلند كرديد
وقدر فأحسن وصور فأتقن واحتج فأبلغ
وتقدير كرد پس نيكو كردانيد وصورت بخشيد پس محكم ساخت وحجت اراده داد پس رسانيد
وأنعم فأسبغ وأعطى فأجزل ومنح
وانعام كرد پس كامل كردانيد وعطا كرد پس بسيار داد وعطيه داد
فأفضل يا من سما في العز ففات نواظر الأبصار
پس تفضل نمود اى انكه بلند شده است در عزت پس ناياب شده است از مردمكهاى چشمها
ودنا في اللطف فجاز هواجس الأفكار يا من
ونزديك شده است در مهربانى پس كذشته است از بخاطر رسيدهاى فكرها اى انكه
توحد بالملك فلا ند له في ملكوت سلطانه
كه يكانه كرديد بپادشاهى پس نيست مانندى براى او در پادشاهى سلطنت او

وتفرد بالآلاء والكبرياء فلا ضد له في جبروت
ومنفرد شد بنعمتها وبزركوارى پس نيست ضدى براى او در عظمت
شأنه يا من حارت في كبرياء هيبته دقائق لطائف
شان او اى انكه حيران شده اند در بزركوارى مهابت او دقيقهاى نازكهاى
الأوهام وانحسرت دون إدراك عظمته خطائف
عقلها وبازمانده شده اند نرسيده بادراك بزركى او ربايندكان
أبصار الأنام يا من عنت الوجوه لهيبته وخضعت
چشمهاى مردمان اى انكه خوار شده اند روها براى هيبت او وفروتنى نموده اند
الرقاب لعظمته ووجلت القلوب من خيفته
كردنها براى بزركى او وترسيده اند دلها از ترس او
أسألك بهذه المدحة التي لا تنبغي إلا لك وبما
سؤال ميكنم ترا بحق اين ستايش كه سزاوار نيست مكر از براى تو وبانچه
وأيت به على نفسك لداعيك من المؤمنين وبما
وعده داده ان بر نفس خود از براى دعا كننده تو از مومنان وبانچه
ضمنت الإجابة فيه على نفسك للداعين يا أسمع
ضامن شده اجابت را دران بر نفس خود از براى دعا كنندكان اى شنونده ترين
السامعين وأبصر الناظرين وأسرع الحاسبين
شنوندكان وبيناترين نظر كنندكان وزود حساب كننده ترين حساب كنندكان

يا ذا القوة المتين صل على محمد خاتم النبيين وآله الطيبين
اى صاحب توانائى قوى رحمت فرست بر محمد آخر پيغمبران وبر آل او كه پاكيزگانند
واقسم لى فى شهرنا هذا خير ما قسمت واحتم لى
وقسمت كن از براى من در ماه ما اين ماه خير آنچه قسمت كرده ولازم گردان براى من
فى قضائك خير ما حتمت واختم لى بالسعادة فيمن ختمت واحينى ما احييتنى
در حكم خود براى من خير آنچه لازم گردانيده وزنده بدار مرا مادام كه زنده دارى مرا
موفورا وامتنى مسرورا ومغفورا وتول انت
وافر گردانيده شده وبميران مرا شادمان وآمرزيده شده ومتولى شو تو
نجاتى من مسائلة البرزخ وادرأ عنى منكرا
نجات مرا دادن از سؤال كردن در برزخ ودفع كن از من منكر
ونكيرا وار عينى مبشرا وبشيرا واجعل لى الى
ونكير را وبنما بچشم من مبشر وبشير را وبگردان از براى من بسوى
رضوانك وجنانك مصيرا وعيشا قريرا وملكا
رضوان خود وبهشتهاى خود بازگشتنى وعيشى قرار داده شده وپادشاهى
كبيرا وصل على محمد وآله دعاء ديگر كه در
بزرگى ورحمت فرست بر محمد وآل او ماه رجب بايد خواند
يا من يملك حوائج السائلين ويعلم ضمير الصامتين
اى آنكه مالك است حاجتهاى سؤال كنندگانرا وميداند آنچه در دل خاموشانست

لكل

لكل مسئلة منك سمع حاضر وجواب عتيد اللهم
براى هر سؤالى از تو گوش حاضر است وجوابى آماده خداوندا
ومواعيدك الصادقة وأياديك الفاضلة ورحمتك
وقسم بوعدهاى تو كه راست است ونعمتهاى تو كه زيادتى دهنده است ورحمت تو
الواسعة فأسألك ان تصلى على محمد وآله وان
كه فراخ است پس سؤال ميكنم از تو اينكه رحمت فرستى بر محمد وآل او واينكه
تقضى لى حوائجى للدنيا والآخرة دعاى ديگر كه در ماه
برآورى براى من حاجتهاى مرا براى دنيا وآخرت رجب بايد خواند
اللهم انى اسألك صبر الشاكرين لك وعمل
خداوندا بدرستيكه من سؤال ميكنم از تو صبر شكر كنندگان براى تو را وعمل
الخائفين منك ويقين العابدين لك اللهم انت
ترسندگان از تو را ويقين عبادت كنندگان براى تو را خداوندا تو
العلى العظيم وانا عبدك البائس الفقير انت
بلندمرتبه بزرگ رتبه ومنم بنده تو سختى رسيده بى چيز توئى
الغنى الحميد وانا العبد الذليل اللهم صل على
بى نياز ستوده شده ومنم بنده خوار خداوندا رحمت فرست بر
محمد وآله وامنن بغناك على فقرى وبحلمك على
محمد وآل او ومنت گذار بسبب بى نيازى خودت بر بى چيزى من وبسبب حلم خودت بر

جَهلی وَبِقُوَّتِکَ عَلیٰ ضَعفی یا قَوِیُّ یا عَزیزُ اَللّٰهُمَّ
نادانی من وبسبب توانائی خود بر ناتوانی من ای بغایت توانا ای غالب خداوندا
صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الاَوصِیاءِ المَرضِیّینَ وَاکفِنی
رحمت فرست بر محمد وآل محمد که وصیهای پسندیده اند وکفایت کن برای من
ما اَهَمَّنی مِن اَمرِ الدُّنیا وَالآخِرَةِ اِنَّکَ عَلیٰ
آنچه غمگین سازد مرا از کار دنیا و آخرت بدرستی که تو بر
کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ دعائی که خواندن از در هر روز ماه رجب سنت است
هر چیز بغایت توانائی روزهای ماه رجب سنت است
بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحیمِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ بِمَعانی
بنام خدای بخشاینده مهربان خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا بمعنیهای
جَمیعِ ما یَدعوکَ بِهِ وُلاةُ اَمرِکَ المَأمونونَ عَلیٰ
همه آنچه دعا میکنند ترا بآن صاحبان اختیار کار تو که امین کرده شده اند بر
سِرِّکَ المُستَبشِرونَ بِاَمرِکَ الواصِفونَ لِقُدرَتِکَ
راز تو بشارت یافتگانند بامر تو وصف کنندگانند از برای قدرت تو
المُعلِنونَ لِعَظَمَتِکَ اَسئَلُکَ بِما نَطَقَ فیهِم مِن مَشِیَّتِکَ
آشکارا کنندگانند از برای بزرگواری تو سؤال میکنم ترا بآنچه گویا شده است در ایشان از خواهش تو
فَجَعَلتَهُم مَعادِنَ لِکَلِماتِکَ وَاَرکاناً لِتَوحیدِکَ وَ
پس گردانیده ایشان را معدنها برای سخنان خود ورکنها از برای اعتقاد بیگانگی تو
آیاتِکَ وَمَقاماتِکَ الَّتی لا تَعطیلَ لَها فی کُلِّ مَکانٍ
آیتها ومقامهای تو که نیست معطل شدنی از برای آنها در هر مکانی
یَعرِفُکَ بِها مَن عَرَفَکَ لا فَرقَ بَینَکَ وَبَینَها اِلّا
میشناسند ترا بآنها هر کسی که شناخته است ترا نیست فرقی میان تو ومیان آنها مگر اینکه
اَنَّهُم عِبادُکَ وَخَلقُکَ فَتقُها وَرَتقُها بِیَدِکَ بَدؤُها
ایشان بندگان تو وآفریده شده تواند کشودن آنها وبستن آنها بدست تست ابتدای آنها
مِنکَ وَعَودُها اِلَیکَ اَعضادٌ وَاَشهادٌ وَمُناةٌ
از تو وبازگشت آنها بسوی تست اعانت کنندگانند وگواهانند وحکم کنندگانند در میان خلایق
وَاَذوادٌ وَحَفَظَةٌ وَرُوّادٌ فَبِهِم مَلَأتَ سَماءَکَ
ودفع کنندگانند ومحافظت کنندگانند وپیش روندگانند پس بایشان پر کردی آسمان خود را
وَاَرضَکَ حَتّیٰ ظَهَرَ اَن لا اِلٰهَ اِلّا اَنتَ فَبِذٰلِکَ
و زمین خود را تا آنکه ظاهر شد اینکه نیست خدائی مگر تو پس بآین
اَسئَلُکَ وَبِمَواقِعِ العِزِّ مِن رَحمَتِکَ وَبِمَقاماتِکَ
سؤال میکنم ترا وبجایگاههای عزت از رحمت تو وبمقامهای تو
وَعَلاماتِکَ اَن تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَن تَزیدَنی
وعلامتهای تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد وآل محمد واینکه زیاد گردانی مرا
ایماناً وَتَثبیتاً یا باطِناً فی ظُهورِهِ وَظاهِراً
از جهت ایمان وثابت گردانیدن بر دین حق ای پنهان در حال هویدائی خود وای هویدا

دعاء هر روز ماه رجب

فِي بُطُونِهِ وَمَكْنُونِهِ يَا مُفَرِّقاً بَيْنَ النُّورِ وَالدَّيْجُورِ
درحال پنهانی خود ومستوری خود ای جدا اندازنده میان روشنی وتاریکی
يَا مَوْصُوفاً بِغَيْرِ كُنْهٍ وَمَعْرُوفاً بِغَيْرِ شِبْهٍ حَادَّ كُلِّ
ای وصف کرده شده بغیر کنهی وشناخته شده بدون شبهی اندازه کننده هر
مَحْدُودٍ وَشَاهِدَ كُلِّ مَشْهُودٍ وَمُوجِدَ كُلِّ مَوْجُودٍ
اندازه کرده شده وگواه بهر گواهی داده شده وایجاد کننده هر موجودی
وَمُحْصِيَ كُلِّ مَعْدُودٍ وَفَاقِدَ كُلِّ مَفْقُودٍ لَيْسَ دُونَكَ
وشمارنده هر شمرده شده ونایابنده هر نایاب شده نیست غیر تو
مِنْ مَعْبُودٍ أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْجُودِ يَا مَنْ لَا يُكَيَّفُ
هیچ عبادت کرده شده ای اهل بزرگواری وبخشش ای آنکسی که چگونگی او سؤال کرده نمیشود
بِكَيْفٍ وَلَا يُؤَيَّنُ بِأَيْنٍ يَا مُحْتَجِباً عَنْ كُلِّ عَيْنٍ يَا
بکیف ومکان او سؤال کرده نمیشود باین ای پنهان شده از هر چشمی ای
دَيْمُومُ يَا قَيُّومُ وَعَالِمَ كُلِّ مَعْلُومٍ صَلِّ عَلَى عِبَادِكَ
دایم ای بخود برپا ودانای هر دانسته شده رحمت فرست بر بندگان خودت
الْمُنْتَجَبِينَ وَبَشَرِكَ الْمُحْتَجَبِينَ وَمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ
که برگزیده‌اند ومردمان خودت که در پرده شده‌اند وفرشتگان خودت که مقربان
الصَّافِّينَ وَالْحَافِّينَ وَبَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا
صف زده‌اند ودور گیرنده‌اند ومبارک گردان از برای ما در ماه ما این ماهی

الرجب

قوله يكنون بستوري از رجب
... مراتب ... كه يكنون مقصود
... ماننده بطون كه مقصود است
... كلام بجوري كه زبان بيان
خالي از اشكال نيست والله تعالى
اعلم

الْمُكَرَّمِ وَمَا بَعْدَهُ مِنْ أَشْهُرِ الْحُرُمِ وَأَسْبِغْ عَلَيْنَا فِيهِ
گرامی داشته شده است وما بعد آن از ماههای حرام وکامل گردان برما درین ماه
النِّعَمَ وَأَجْزِلْ لَنَا فِيهِ الْقِسَمَ وَأَبْرِرْ لَنَا فِيهِ
نعمتها را وبسیار کن از برای ما درینما قسمتها را وراست گردان از برای ما درینما
الْقَسَمَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ
سوگند را بحق نام تو که بزرگ تر بزرگوار تر بزرگترین تر گرامی تر است
الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَى النَّهَارِ فَأَضَاءَ وَعَلَى اللَّيْلِ
آنچنان نامی که گذاردی آنرا بر روز پس روشن گردید وبر شب
فَأَظْلَمَ وَاغْفِرْ لَنَا مَا تَعْلَمُ مِنَّا وَمَا لَا نَعْلَمُ وَاعْصِمْنَا
پس تیره شد وبیامرز از برای ما آنچه را که میدانی از ما وآنچه را که ما نمیدانیم ونگاه دار ما را
مِنَ الذُّنُوبِ خَيْرَ الْعِصَمِ وَاكْفِنَا مَا فِي قَدَرِكَ
از گناهان بهترین نگاه داشتنها وکفایت کن از ما شر آنچه را که در تقدیر تست
وَامْنُنْ عَلَيْنَا بِحُسْنِ نَظَرِكَ وَلَا تَكِلْنَا إِلَى غَيْرِكَ
وانعام کن بر ما به نیکی نظر کردن خود ووامگذار ما را بسوی غیر خود
وَلَا تَمْنَعْنَا مِنْ خَيْرِكَ وَبَارِكْ لَنَا فِيمَا كَتَبْتَهُ لَنَا
ومنع مکن ما را از خیر خود ومبارک گردان از برای ما در آنچه نوشته آنرا برای ما
مِنْ أَعْمَارِنَا وَأَصْلِحْ لَنَا خَبِيئَةَ أَسْرَارِنَا وَأَعْطِنَا
از عمرهای ما واصلاح کن برای ما پنهان شده رازهای ما را وعطا کن بما

الْمُرَجَّبِ
که تعظیم کرده شده

مِنكَ الأَمانَ وَاستَعمِلنا بِحُسنِ الإِيمانِ وَبَلِّغنا
ازجانب خودت امان را وبکار دار ما را به نیکی ایمان وبرسان ما را
شَهرَ الصِّيامِ وَما بَعدَهُ مِنَ الأَيّامِ وَالأَعوامِ يا
بماه روزه وما بعد آن از روزها وسالها ای
ذَا الجَلالِ وَالإِكرامِ دعای دیگر که در هر روز از روزهای
صاحب بزرگی وگرامی داشتن ماه رجب خواندن از سنت است
اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسأَلُكَ بِالمَولودَينِ في رَجَبٍ مُحَمَّدِ
خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا بحق دو زائیده شده در رجب محمد
بنِ عَلِيٍّ الثّاني وَابنِهِ عَلِيِّ بنِ مُحَمَّدٍ المُنتَجَبِ عَلَيهِمَا السَّلامُ
پسر علی دویم وپسر او علی پسر محمد برگزیده شده که بر ایشان باد درود
وَأَتَقَرَّبُ بِهِما إِلَيكَ خَيرَ القُرَبِ يا مَن إِلَيهِ
ونقرب میجویم بوسیله ایشان بسوی تو به بهترین قربها ای آنکسی که بسوی او
المَعروفُ طُلِبَ وَفيما لَدَيهِ رُغِبَ أَسأَلُكَ سُؤالَ
احسان طلب کرده شده است ودر آنچه نزد اوست رغبت کرده شده است سؤال میکنم ترا سؤال کردن
مُقتَرِفٍ مُذنِبٍ قَد أَوبَقَتهُ ذُنوبُهُ وَأَوثَقَتهُ
گناه کرده گناه کاری که بتحقیق که حبس کرده باشد او را گناهان او ومحکم بسته باشد او را
عُيوبُهُ فَطالَ عَلَى الخَطايا دُؤوبُهُ وَمِنَ الرَّزايا
عیبهای او پس بطول انجامیده باشد بر خطاها تعب کشیدن او واز مصیبتها

دعای دیگر هر روز ماه رجب

یا نفس ایست که هلاک کرده باشد او را گناهان او

خُطوبُهُ يَسأَلُكَ التَّوبَةَ وَحُسنَ الأَوبَةِ وَالنُّزوعَ
کارهای او سؤال میکند از تو توبه کردن ونیکی بازگشت وبازایستادن
عَنِ الحَوبَةِ وَمِنَ النّارِ فَكاكَ رَقَبَتِهِ وَالعَفوَ عَمّا
از گناه را واز آتش خلاص نمودن گردن خود را ودر گذشتن از آنچه
في رِبقَتِهِ فَأَنتَ يا مَولايَ أَعظَمُ أَمَلِهِ وَثِقَتِهِ
او در بند است پس تو ای آقای من بزرگترین امیدها او ومعتمدهای اوئی
اَللّٰهُمَّ وَأَسأَلُكَ بِمَسائِلِكَ الشَّريفَةِ وَوَسائِلِكَ
خداوندا وسؤال میکنم ترا بسؤالهای تو که شریفند ووسیلهای تو
المُنيفَةِ أَن تَتَغَمَّدَني في هٰذَا الشَّهرِ بِرَحمَةٍ مِنكَ
که بلندند اینکه بپوشانی مرا در این ماه برحمتی از جانب خودت
واسِعَةٍ وَنِعمَةٍ وازِعَةٍ وَنَفسٍ بِما رَزَقتَها قانِعَةٍ
که فراخ باشد ونعمتی که دفع کننده ضررها باشد ونفسی که بآنچه روزی کرده او را قناعت کننده باشد
إِلىٰ نُزولِ الحافِرَةِ وَمَحَلِّ الآخِرَةِ وَما هِيَ إِلَيهِ صائِرَةٌ
تا هنگام فرود آمدن بقبر ورسیدن بخانه آخرت وآنچه آن نفس بسوی آن بازگشت کننده است
يا أَرحَمَ الرّاحِمينَ دعای استفتاح ونجاح که مشهور است
ای رحم کننده ترین رحم کنندگان بدعاء ام داود وچون کسی اراده عمل
استفتاح کند ایام بیض این ماه را که روز سیزدهم وچهاردهم
وپانزدهم است روزه بدارد ودر روز پانزدهم چون آفتاب

عمل استفتاح

زوال کند نماز ظهر و عصر را بگذارد و در رکوع و سجود انها را
نیکو بجای اورد و در موضع خالی باشد که او را شغلی مشغول
نسازد و کسی با او سخن نگوید و بعد از انکه از نماز ظهر و عصر
فارغ گردد دو رکعت نماز گذارد و در هر رکعتی سوره حمد را
یکمرتبه و بیست و پنج مرتبه ایه شهد الله را که اینست
شَهِدَ اللهُ اَنَّهُ لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ وَالْمَلٰئِکَةُ وَاُولُوا
گواهی داده است خدا که نیست خدائی مگر او و فرشتگان و صاحبان
الْعِلْمِ قَآئِمًا بِالْقِسْطِ لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ
علم در حالی که برپای دارنده است عدل را نیست خدائی مگر او که غالب درست کردار است
اِنَّ الدِّینَ عِنْدَ اللهِ الْاِسْلامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِینَ
بدرستی که دین حق نزد خدا اسلام است و اختلاف نکرده اند جماعتی که
اُوتُوا الْکِتَابَ اِلّا مِنْ بَعْدِ مَا جَآءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْیًا
داده شده اند کتاب را مگر بعد از انکه امده است ایشان را علم از روی سرکشی
بَیْنَهُمْ وَمَنْ یَکْفُرْ بِاٰیَاتِ اللهِ فَاِنَّ اللهَ سَرِیعُ الْحِسَابِ
در میان ایشان و هر که کافر شود بایتهای خدا پس بدرستی که خدا زود حساب است
و صد مرتبه یا قاضی حوایج السائلین را بخواند و چون از
نماز فارغ ای براورنده حاجتهای سوال کنندگان گردد رو بقبله کند و
سوره حمد را صد مرتبه و سوره قل هو الله احد را صد مرتبه

دعای استفتاح

وآیة الکرسی را ده مرتبه بخواند بعد از ان بخواند سوره
انعام و سوره بنی اسرائیل و سوره کهف و سوره لقمن و سوره الم
تنزیل و سوره یس و سوره والصافات و سوره حم سجده و سوره حم
عسق و سوره حم دخان و سوره فتح و سوره واقعه و سوره ملک و سوره
نون و سوره اذا السماء انشقت و ما بعد انرا تا اخر قران مجید و بعد
از انکه از خواندن این سورها فارغ گردد رو بقبله بخواند این دعا را که
بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ صَدَقَ اللهُ الْعَظِیمُ الَّذِی لا
بنام خدای بخشاینده مهربان راست گفته است خدای بزرگ مرتبه که نیست
اِلٰهَ اِلّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ ذُو الْجَلالِ وَالْاِکْرَامِ
خدائی مگر او زنده بخود برپا صاحب جلالت و گرامی داشتن
الرَّحْمٰنُ الرَّحِیمُ الْحَلِیمُ الْکَرِیمُ الَّذِی لَیْسَ کَمِثْلِهِ
بخشاینده مهربان بردبار صاحب کرم که نیست مانند مثل او
شَیْءٌ وَهُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ الْبَصِیرُ الْخَبِیرُ شَهِدَ اللهُ اَنَّهُ
چیزی و اوست شنوای دانای بینای اگاه گواهی داده است خدا که
لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ وَالْمَلٰئِکَةُ وَاُولُوا الْعِلْمِ قَآئِمًا بِالْقِسْطِ
نیست خدائی مگر او و فرشتگان و صاحبان علم در حالی که برپای دارنده است عدل را
لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ وَبَلَّغَتْ رُسُلُهُ الْکِرَامُ
نیست خدائی مگر او که غالب درست کردار است و رسانیده اند رسولان او که بزرگوارانند

وَ اَنَا عَلٰى ذٰلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ
و من بر این از جمله گواهانم خداوندا برای تست ستایش و برای تست
الْمَجْدُ وَلَكَ الْعِزُّ وَلَكَ الْقَهْرُ وَلَكَ النِّعْمَةُ وَ
بزرگی و برای تست عزت و برای تست غلبه و برای تست نعمت و
لَكَ الْعَظَمَةُ وَلَكَ الرَّحْمَةُ وَلَكَ الْمَهَابَةُ وَلَكَ
برای تست عظمت و برای تست رحمت و برای تست هیبت و برای تست
السُّلْطَانُ وَلَكَ الْبَهَاءُ وَلَكَ الْاِمْتِنَانُ وَلَكَ
سلطنت و برای تست حسن و برای تست نعمت دادن و برای تست
التَّسْبِيحُ وَلَكَ التَّقْدِيسُ وَلَكَ التَّهْلِيلُ وَلَكَ
تسبیح کردن و برای تست اعتقاد بپاکی داشتن و برای تست تهلیل و برای تست
التَّكْبِيرُ وَلَكَ مَا يُرٰى وَلَكَ مَا لَا يُرٰى وَلَكَ
تکبیر و برای تست آنچه دیده میشود و برای تست آنچه دیده نمیشود و برای تست
مَا فَوْقَ السَّمٰوَاتِ الْعُلٰى وَلَكَ مَا تَحْتَ الثَّرٰى وَلَكَ
آنچه بالای آسمانهای بلندست و برای تست آنچه در زیر ثری است و برای تست
الْاَرَضُونَ السُّفْلٰى وَلَكَ الْاٰخِرَةُ وَالْاُولٰى وَ
زمینهای پست و برای تست آخرت و دنیا و
لَكَ مَا تَرْضٰى بِهِ مِنَ الثَّنَاءِ وَالْحَمْدِ وَالشُّكْرِ وَالنَّعْمَاءِ
برای تست آنچه خوشنود گردی بآن از ستایش و سپاس و شکر و نعمتها

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى جَبْرَئِيلَ اَمِينِكَ عَلٰى وَحْيِكَ وَالْقَوِيِّ
خداوندا رحمت بفرست بر جبرئیل که امانت دار تست بر وحی تو و توانا است
عَلٰى اَمْرِكَ وَالْمُطَاعِ فِي سَمٰوَاتِكَ وَمَحَالِّ كَرَامَاتِكَ
بر فرمان تو و اطاعت کرده شده است در آسمانهای تو و مواضع کرامتهای تو
الْمُتَحَمِّلِ لِكَلِمَاتِكَ النَّاصِرِ لِاَنْبِيَائِكَ الْمُدَمِّرِ
بردارنده است برای سخنان تو و یاری کننده است پیغمبران ترا و هلاک کننده است
لِاَعْدَائِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مِيكَائِيلَ مَلَكِ رَحْمَتِكَ
دشمنان ترا خداوندا رحمت بفرست بر میکائیل فرشته رحمت تو
وَالْمَخْلُوقِ لِرَاْفَتِكَ وَالْمُسْتَغْفِرِ الْمُعِينِ لِاَهْلِ طَاعَتِكَ
و آفریده شده برای مهربانی تو و طلب آمرزش کننده یاری کننده برای اهل طاعت تو
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى اِسْرَافِيلَ حَامِلِ عَرْشِكَ وَصَاحِبِ
خداوندا رحمت بفرست بر اسرافیل بردارنده عرش تو و صاحب
الصُّورِ الْمُنْتَظِرِ لِاَمْرِكَ الْوَجِلِ الْمُشْفِقِ مِنْ خِيفَتِكَ
صور که منتظر است برای فرمان تو و ترسان و هراسان است از خوف تو
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى حَمَلَةِ الْعَرْشِ الطَّاهِرِينَ وَعَلٰى
خداوندا رحمت بفرست بر بردارندگان عرش که پاکانند و بر
السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَرَةِ الطَّيِّبِينَ وَعَلٰى مَلٰئِكَتِكَ
نویسندگان گرامی نیکوکاران پاکیزگان و بر فرشتگان تو

تهلیل یعنی گفتن لا اله الا الله است و تکبیر یعنی گفتن الله اکبر یعنی تو را میرسد که در شأن تو بتوان گفت که نیست خدائی مگر الله و بتوان گفت که خدا بزرگتر است و در شأن غیر تو این نوع سخنان نمیتوان گفت

ثری خاکی است که آنرا رطوبت باشد و میتواند بود که مراد از زمین در این مقام مطلق خاک باشد خواه رطوبت داشته باشد یا نه والله تعالی اعلم

الكرام الكاتبين وعلى ملائكة الجنان وخزنة النيران

كه گرامی و نویسندگانند و بر فرشتگان بهشتها و خازنان آتشها

وملك الموت والأعوان يا ذا الجلال والإكرام

و ملك موت و مددکاران او ای صاحب بزرگی و گرامی داشتن

اللهم صل على أبينا آدم بديع فطرتك الذي

خداوندا رحمت بفرست بر پدر ما آدم نو پدید آمده شده آفرینش تو که

كرمته بسجود ملائكتك وأبحته جنتك اللهم

گرامی داشتی او را بسجده کردن فرشتگان تو و حلال کردانیدی بر او بهشت خود را خداوندا

صل على أمنا حواء المطهرة من الرجس المصفاة من

رحمت بفرست بر مادر ما حوا پاك کرده شده از گناه پاکیزه کردانیده شده از

الدنس المفضلة من الإنس المترددة بين محال

چرکینی زیادتی داده شده از میان آدمیان تردد کننده میان جاهای

القدس اللهم صل على هابيل وشيث وإدريس

پاکیزگی خداوندا رحمت بفرست بر هابیل و شیث و ادریس

ونوح وهود وإبراهيم وإسماعيل وإسحق ويعقوب (وصالح)

و نوح و هود و ابرهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب (و صالح)

ويوسف والأسباط ولوط وشعيب وأيوب وموسى

و یوسف و اسباط و لوط و شعیب و ایوب و موسی

وهرون ويوشع وميشا والخضر وذي القرنين ويونس

و هرون و یوشع و میشا و خضر و ذی القرنین و یونس

وإلياس واليسع وذي الكفل وطالوت وداود

و الیاس و الیسع و ذی الکفل و طالوت و داود

وسليمان وآصف وزكريا وشعيا ويحيى وتورخ

و سلیمان و آصف و زکریا و شعیا و یحیی و تورخ

ومتى وإرميا وحيقوق ودانيال وعزير وعيسى و

و متی و ارمیا و حیقوق و دانیال و عزیر و عیسی و

شمعون وجرجيس والحواريين والأتباع وخالد

شمعون و جرجیس و حواریان و تابعان و خالد

وحنظلة اللهم صل على محمد وآل محمد وارحم

و حنظله خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و رحم کن

محمدا وآل محمد وبارك على محمد وآل محمد كما

محمد را و آل محمد را و برکت فرست بر محمد و آل محمد مانند آنچه

صليت ورحمت وباركت على إبراهيم وآل إبراهيم

رحمت فرستاده و رحم نموده و برکت فرستاده بر ابرهیم و آل ابرهیم

إنك حميد مجيد اللهم صل على الأوصياء والسعداء

بدرستی که تو ستوده شده بزرگی خداوندا رحمت بفرست بر وصیها و نیکبختان

وَالشُّهَدَآءِ وَاَئِمَّةِ الْهُدٰى اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْاَبْدَالِ
وشهیدان وپیشوایان هدایت خداوندا رحمت بفرست بر ابدال
وَالْاَوْتَادِ وَالسُّیَّاحِ وَالْعُبَّادِ وَالْمُخْلِصِینَ وَالزُّهَّادِ
و اوتاد وسیاحت کنندگان وعبادت کنندگان واخلاص ارندگان وزاهدان
وَاَهْلِ الْجِدِّ وَالْاِجْتِهَادِ وَاخْصُصْ مُحَمَّدًا وَاَهْلَ بَیْتِهٖ
و اهل جد و سعی و مخصوص کردان محمد و اهل بیت اورا
بِاَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَاَجْزَلِ كَرَامَاتِكَ وَبَلِّغْ رُوحَهٗ
بهترین رحمتهای خود وواقرترین کرامی داشتهای خودت و برسان بروح او
وَجَسَدَهٗ مِنِّی تَحِیَّةً وَسَلَامًا وَزِدْهُ فَضْلًا وَشَرَفًا
و بدن او از جانب من تحیت و سلام را وزیاد کردان اورا از جهت زیادتی و شرف
وَاِكْرَامًا حَتّٰی تُبَلِّغَهٗ اَعْلٰی دَرَجَاتِ اَهْلِ الشَّرَفِ
و اکرام کردن تا انکه برسانی اورا به بلندترین مرتبهای اهل شرافت
مِنَ النَّبِیِّینَ وَالْمُرْسَلِینَ وَالْاَفَاضِلِ الْمُقَرَّبِینَ اَللّٰهُمَّ
از پیغمبران ورسولان وفاضلتران مقربان خداوندا
وَصَلِّ عَلٰی مَنْ سَمَّیْتُ وَمَنْ لَمْ اُسَمِّ مِنْ مَلٰٓئِكَتِكَ
ورحمت بفرست بر هرکه نام بردم وهرکه نام نبردم از فرشتگان تو
وَاَنْبِیَآئِكَ وَرُسُلِكَ وَاَهْلِ طَاعَتِكَ وَاَوْصِلْ
و پیغمبران تو ورسولان تو واهل طاعت تو و برسان

صَلَوَاتِیْ اِلَیْهِمْ وَاِلٰی اَرْوَاحِهِمْ وَاجْعَلْهُمْ اِخْوَانِیْ
صلوات مرا بسوی ایشان و بسوی روحهای ایشان وبکردان ایشانرا برادران من
فِیكَ وَاَعْوَانِیْ عَلٰی دُعَآئِكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَشْفِعُ
درراه تو واعانت کنندگان من بر دعا کردن تو خداوندا بدرستی که من طلب شفاعت میکنم
بِكَ اِلَیْكَ وَبِكَرَمِكَ اِلٰی كَرَمِكَ وَبِجُودِكَ اِلٰی
بتو بسوی تو و بکرم تو بسوی کرم تو وبجشش تو بسوی
جُودِكَ وَبِرَحْمَتِكَ اِلٰی رَحْمَتِكَ وَبِاَهْلِ طَاعَتِكَ
بخشش تو وبرحمت تو بسوی رحمت تو وباهل طاعت تو
اِلَیْكَ وَاَسْاَلُكَ اللّٰهُمَّ بِكُلِّ مَا سَاَلَكَ بِهٖ اَحَدٌ
بسوی تو وسؤال میکنم تورا خداوندا بهمه انچه سؤال کرده اند ترا بان یکی
مِنْهُمْ مِنْ مَسْئَلَةٍ شَرِیفَةٍ غَیْرِ مَرْدُودَةٍ وَبِمَا دَعَوْكَ
از ایشان از سؤال کردن شریفی که رد کرده نشده باشد وبانچه خوانده اندترا
بِهٖ مِنْ دَعْوَةٍ مُجَابَةٍ غَیْرِ مُخَیَّبَةٍ یَا اَللّٰهُ یَا رَحْمٰنُ یَا
بان از خواندنی براورده شده که نومید کرده نشده باشد ای الله ای بخشاینده ای
رَحِیمُ یَا كَرِیمُ یَا عَظِیمُ یَا جَلِیلُ یَا مُنِیلُ یَا جَمِیلُ
مهربان ای صاحب کرم ای بزرگ ای بزرگ مرتبه ای دهنده ای نیکو
یَا كَفِیلُ یَا وَكِیلُ یَا مُقِیلُ یَا مُجِیرُ یَا خَبِیرُ یَا مُنِیرُ یَا
ای کفیل ای وکیل ای درگذرنده ای پناه دهنده ای اگاه ای روشن کننده ای

مبیرُ یا مَنیعُ یا مُدیلُ یا مُجیلُ یا کبیرُ یا قدیرُ یا

هلاک کننده ای قوی ای غلبه دهنده ای مجیل ای بزرگ ای بغایت توانا ای

بَصیرُ یا شکورُ یا برُّ یا طُهرُ یا طاهرُ یا قاهرُ یا ظاهرُ

بینا ای جزای شکر دهنده ای بسیار احسان کننده ای بغایت پاک ای پاک ای غالب ای ظاهر

یا باطنُ یا ساترُ یا مُحیطُ یا مُقتدرُ یا حفیظُ یا مُجیرُ

ای باطن ای پوشاننده ای فرو گیرنده ای بغایت توانا ای حفظ کننده ای پناه دهنده

یا قریبُ یا وَدودُ یا حمیدُ یا مجیدُ یا مُبدئُ یا

ای نزدیک ای بغایت دوست ای ستوده شده ای صاحب شرف ای ابتدا کننده ای

مُعیدُ یا شهیدُ یا مُحسنُ یا مُجمِلُ یا مُنعِمُ یا مُفضِلُ

عود فرماینده ای گواه ای احسان کننده ای نیکوئی کننده ای انعام دهنده ای تفضل کننده

یا قابضُ یا باسطُ یا هادی یا مُرسِلُ یا مُرشِدُ یا مُسدِّدُ

ای فرا گیرنده ای پهن کننده ای راه نماینده ای رسول فرستنده ای ارشاد کننده ای براه حق آرنده

یا مُعطی یا مانعُ یا دافعُ یا رافعُ یا باقی یا واقی

ای عطا کننده ای منع کننده ای دفع کننده ای رفع کننده ای پاینده ای نگاه دارنده

یا خلّاقُ یا وهّابُ یا توّابُ یا فتّاحُ یا نفّاحُ

ای بسیار آفریننده ای بسیار بخشنده ای بسیار قبول توبه کننده ای کشاینده ای بسیار انعام دهنده

یا مُرتاحُ یا مَن بیده کلُّ مفتاحٍ یا نفّاعُ یا رؤفُ

ای مرتاح ای آنکسی که بدست اوست هر کلیدی ای بغایت نفع رساننده ای بغایت مهربان

ودود یعنی بغایت دوست دارنده و دوست داشته شده
یا بغایت دوست و مطلوب بندگان خاص خود

مرتاح جواد را گویند که ببخشد
و بنشاط آید
شود

یا عطوف

یا عطوفُ یا کافی یا شافی یا مُعافی یا مُکافی

ای مهربانی کننده ای کفایت کننده ای شفا دهنده ای عافیت بخشنده ای مکافات دهنده

یا وفیُّ یا مُهیمنُ یا عزیزُ یا جبّارُ یا متکبّرُ یا

ای وفا کننده ای حفظ کننده ای غالب ای جبار ای متکبر ای

سلامُ یا مؤمنُ یا احدُ یا صمدُ یا نورُ یا مدبّرُ

سلام ای امان دهنده ای یگانه ای مقصود در حوائج ای نور ای تدبیر کننده

یا فردُ یا وِترُ یا قدّوسُ یا ناصرُ یا مونسُ یا

ای یکتا ای طاق ای بسیار منزه ای نصرت دهنده ای انس دهنده ای

باعثُ یا وارثُ یا عالمُ یا حاکمُ یا بادیُ یا

بر انگیزاننده ای میراث برنده ای دانا ای حکم کننده ای ابتدا کننده ای

متعالی یا مصوّرُ یا مُسلِّمُ یا مُتحبّبُ یا قائمُ یا دائمُ

بلند مرتبه ای صورت بخشنده ای سلامتی دهنده ای دوستی اظهار کننده ای بر پا ای همیشه

یا علیمُ یا حکیمُ یا جوادُ یا باریُ یا بارُّ یا سارُّ

ای بغایت دانا ای درست کردار ای بخشنده ای آفریننده ای نیکوکار ای شادی دهنده

یا عدلُ یا فاضلُ یا دیّانُ یا حنّانُ یا منّانُ

ای بغایت عادل ای صاحب فضل ای جزا دهنده ای مهربان ای نعمت دهنده

یا سمیعُ یا بدیعُ یا خبیرُ یا مُغیرُ یا مُعینُ یا ناشرُ

ای شنوا ای نو پدید آورنده ای پناه دهنده ای تغییر دهنده ای یاری کننده ای حشر کننده

يا غافِرُ يا قَديمُ يا مُسَهِّلُ يا مُيَسِّرُ يا مُميتُ يا مُحيي

اى آمرزنده اى قديم اى آسان كننده اى ميسّر كرداننده اى ميراننده اى زنده كرداننده

يا نافِعُ يا رازِقُ يا مُقْتَدِرُ يا مُسَبِّبُ يا مُغيثُ

اى نفع رساننده اى روزى دهنده اى بغايت توانا اى سبب ساننده سببها اى فريادرسنده

يا مُغْني يا مُقْني يا خالِقُ يا راصِدُ يا واحِدُ

اى بى نياز كننده اى سرمايه دهنده اى آفريننده اى حفظ نماينده اى تنها

يا حاضِرُ يا جابِرُ يا حافِظُ يا شَديدُ يا غِياثُ يا

اى حاضر اى جبر كننده اى حفظ نماينده اى صاحب شدت اى فريادرس اى

عائِدُ يا قابِضُ يا مَنْ عَلا فَاسْتَعْلى فَكانَ

احسان كننده اى ستاننده اى آنكسى كه بلند شده پس بغايت بلند كرديده پس بوده است

بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلى يا مَنْ قَرُبَ فَدَنا وَبَعُدَ فَنَأى

در غرفهٔ بلندتر اى آنكسى كه نزديك شده پس نزديك كرديده ودور شده پس دور كرديده

وَعَلِمَ السِّرَّ وَأَخْفى يا مَنْ إِلَيْهِ التَّدْبيرُ وَلَهُ الْمَقاديرُ

ودانسته است رازرا و پنهان ترا اى آنكسى كه بسوى اوست تدبير و براى اوست اندازها

يا مَنِ الْعَسيرُ عَلَيْهِ سَهْلٌ يَسيرٌ يا مَنْ هُوَ عَلى ما يَشاءُ

اى آنكسى كه دشوار براو سهل آسان است اى آنكسى كه او بر آنچه ميخواهد

قَديرٌ يا مُرْسِلَ الرِّياحِ يا فالِقَ الْإِصْباحِ يا باعِثَ

بغايت توانا اى فرستنده بادها اى شكافنده صبح اى برانگيزاننده

كتبا الفرد عنى در لفظ مشتمل بر شده است از بنا الفرد فقه چنانكه كفته اند

ناصد يعنى كسيكه دركمين نشيند وملاحظه احوال وافعال ديگرى نمايد بنابر اعتماد است وان نيز مناسب است يعنى اى كسيكه ملاحظه احوال وافعال بندكان ميكنى و اثنا از اعمال ايشان ميدانى

الْأَرْواحِ يا ذَا الْجُودِ وَالسَّماحِ يا رادَّ ما قَدْ فاتَ

روحها اى صاحب جود و بخشش اى بازكرداننده آنچه بتحقيق فوت شده

يا ناشِرَ الْأَمْواتِ يا جامِعَ الشَّتاتِ يا رازِقَ مَنْ يَشاءُ

اى حشر كننده مردكان اى جمع كننده پراكندكى اى روزى دهنده هر كه ميخواهد

وَفاعِلَ ما يَشاءُ يا ذَا الْجَلالِ وَالْإِكْرامِ يا حَيُّ يا

وكننده آنچه ميخواهد اى صاحب بزركى وكرامى داشتن اى زنده اى

قَيُّومُ يا حَيُّ حينَ لا حَيَّ يا حَيُّ يا مُحْيِيَ الْمَوْتى يا

بخود برپا اى زنده هنكامى كه زنده نبود اى زنده اى زنده كرداننده مردكان اى

حَيُّ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ بَديعُ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ يا

زنده نيست خدائى مكر تو نو پديد آورنده آسمانها و زمين اى

إِلٰهي صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ

خداى من رحمت بفرست بر محمد و آل محمد ورحم كن محمد و آل محمدرا

وَبارِكْ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما صَلَّيْتَ وَبارَكْتَ

وبركت فرست بر محمد و آل محمد چنانكه رحمت كرده و بركت فرستاده

وَرَحِمْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلى إِبْراهيمَ وَآلِ إِبْراهيمَ إِنَّكَ

ورحم كرده و ترحم نموده بر ابرهيم و آل ابرهيم بدرستيكه تو

حَميدٌ مَجيدٌ وَارْحَمْ ذُلّي وَفاقَتي وَفَقْري وَ

ستوده شده بزركى ورحم كن خوارى مرا وبى چيزى مرا واحتياج مرا و

انفرادي ووحدتي وخضوعي بين يديك واعتمادي

تنهائی مرا و یکتائی مرا و فروتنی کردن مرا پیش روی تو و اعتماد کردن مرا

عليك وتضرعي اليك ادعوك دعاء الخاضع الذليل

بر تو و زاری مرا بسوی تو دعا میکنم ترا مثل دعای فروتنی کننده خوار

الخاشع الخائف المشفق البائس المهين الحقير الجائع

خشوع کننده خوف کننده بیم دارنده سختی رسیده خوار حقیر گرسنه

الفقير العائذ المستجير المقر بذنبه المستغفر

فقیر پناه آورنده پناه جوینده اقرار کننده بگناه خود طلب آمرزش کننده

منه المستكين لربه دعاء من اسلمته ثقته و

از آن افتادگی کننده از برای پروردگار خود مثل دعای کسی که ترک کرده باشد او را اعتماد او

رفضته احبته وعظمت فجيعته دعاء حرق

و اگذاشته باشند او را دوستان او و عظیم شده باشد دردناکی او دعای دل سوخته

حزين ضعيف مهين بائس مستكين بك مستجير اللهم

اندوهناک ناتوان حقیر سختی رسیده بیچاره بتو پناه جوینده خداوندا

واسالك بانك مليك وانك ما تشاء من امر يكون

وسؤال میکنم ترا باینکه تو پادشاهی و اینکه تو آنچه را خواهی از امری میشود

وانك على ما تشاء قدير واسالك بحرمة هذا الشهر

و اینکه تو بر آنچه خواسته باشی بسیار توانائی و سؤال میکنم ترا بحرمت این ماه

الحرام

الحرام والبيت الحرام والبلد الحرام والركن والمقام

حرام و خانه حرام و شهر حرام و رکن و مقام

والمشاعر العظام وبحق نبيك محمد عليه وآله السلام

و مکانهای عبادت که عظیمند و بحق پیغمبر تو محمد بر او و آل او باد سلام

يا من وهب لآدم شيثا ولابراهيم اسمعيل واسحق ويا

ای آنکسی که بخشیده است بآدم شیث را و بابراهیم اسمعیل و اسحق را وای

من رد يوسف على يعقوب ويا من كشف بعد البلاء

آنکسی که باز کردانید یوسف را بر یعقوب وای آنکسی که زایل کردانید بعد از رسیدن بلا

ضر ايوب يا راد موسى على امه وزائد الخضر في

بلای ایوب را ای باز کرداننده موسی بر مادر او و زیاد کرداننده خضر در

علمه ويا من وهب لداود سليمن ولزكريا يحيى

علم او وای آنکسی که بخشیده است بداود سلیمان را و بزکریا یحیی را

ولمريم عيسى يا حافظ بنت شعيب ويا كافل ولد موسى

و بمریم عیسی را ای حفظ کننده دختر شعیب وای ضامن فرزند موسی

اسالك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تغفر لي

سؤال میکنم ترا اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بیامرزی از برای من

ذنوبي كلها وتجيرني من عذابك وتوجب لي

گناهان مرا همه آنها را و پناه دهی مرا از عذاب خود و واجب کردانی برای من

رِضوانَكَ وَ اَمانَكَ وَ اِحسانَكَ وَ غُفرانَكَ وَ جِنانَكَ
خوشنودی خودرا و امان دادن خودرا و احسان خودرا و امرزش خودرا و بهشتهای خودرا
وَ اَسئَلُكَ اَن تَفُكَّ عَنّی كُلَّ حَلقَةٍ بَینی وَ بَینَ مَن
و سؤال میکنم ترا اینکه جدا سازی از من هر حلقه را که باشد میان من و میان کسی
یُؤذینی وَ تَفتَحَ لی كُلَّ بابٍ وَ تُلَیِّنَ لی كُلَّ صَعبٍ
که ازار میکند مرا و بکشائی از برای من هر دری را و نرم کنی از برای من هر دشواری را
وَ تُسَهِّلَ لی كُلَّ عَسیرٍ وَ تُخرِسَ عَنّی كُلَّ ناطِقٍ بِشَرٍّ وَ
و اسان کردانی برای من هر دشواری را و لال کردانی از من هر کوینده بشر را و
تَكُفَّ عَنّی كُلَّ باغٍ وَ تَكبِتَ كُلَّ عَدُوٍّ لی وَ حاسِدٍ وَ تَمنَعَ
باز داری از من هر طغیان کننده و ببرو در انداری هر دشمنی را و حسد برنده را و منع کنی
مِنّی كُلَّ ظالِمٍ وَ تَكفِیَنی كُلَّ عائِقٍ یَحُولُ بَینی وَ بَینَ
از من هر ظالمی را و باز داری از من هر مانعی را که حایل شود میان من و میان
وَلَدی وَ یُحاوِلُ اَن یُفَرِّقَ بَینی وَ بَینَ طاعَتِكَ وَ یُثَبِّطَنی
فرزند من و قصد کند که جدائی بیندازد میان من و میان طاعت تو و باز دارد مرا
عَن عِبادَتِكَ یا مَن اَلجَمَ الجِنَّ المُتَمَرِّدینَ وَ قَهَرَ عُتاةَ
از عبادت تو ای انکسی که لجام کرده است جنیان تمرد کننده را و غلبه کرده است بر سرکشان
الشَّیاطینِ وَ اَذَلَّ رِقابَ المُتَجَبِّرینَ وَ رَدَّ كَیدَ
شیطانها و خوار کرده است کردنهای متکبران را و باز کردانیده است مکر

یعنی سؤال میکنم از تو اینکه هر حلقه و ربطی که میان من و میان احبا باشد از احبا ازاد کنی تا اینکه میان من و او اصلا ربطی نباشد و بوسیله از ازار او خلاص شوم

اَلمُتَسَلِّطینَ عَنِ المُستَضعَفینَ اَسئَلُكَ بِقُدرَتِكَ عَلی
تسلط دارندکان را از نا توانان سؤال میکنم ترا بتوانائی تو بر
ما تَشاءُ وَ تَسهیلِكَ لِما تَشاءُ كَیفَ تَشاءُ اَن تَجعَلَ
انچه میخواهی و اسان کردانیدن تو برای انچه میخواهی بنحوی که میخواهی اینکه بکردانی
قَضاءَ حاجَتی فیما تَشاءُ بعد از ان سجده کند و کونهای خودرا
براوردن حاجت مرا در میان انچه میخواهی بر خاک بمالد و در حال سجود بکوید
اَللّٰهُمَّ لَكَ سَجَدتُ وَ بِكَ اٰمَنتُ فَارحَم ذُلّی وَ
خداوندا برای تو سجده کردم و بتو ایمان اوردم پس رحم کن خواری مرا و
فاقَتی وَ اجتِهادی وَ تَضَرُّعی وَ مَسكَنَتی وَ فَقری
احتیاج مرا و سعی کردن مرا و زاری مرا و افتادگی مرا و بی چیزی مرا
اِلَیكَ یا رَبِّ و سعی کند که اشک از چشمهای او بیاید
بسوی تو ای پروردگار من هرچند بقدر سر سوزن باشد پس بدرستیکه
که این علامت اجابت دعاست اعمال ماه شعبان حسن بن محبوب
گفته است که عبد الله بن حزم ازدی گفت که از حضرت امام
جعفر صادق علیه الصلوة و السلام شنیدم که میفرمود که هر که
روز اول ماه شعبان را روزه بدارد بهشت برای او واجب
میشود البته و هر که دو روز از این ماه را روزه بدارد حق تعالی
از روی لطف و مرحمت باو نظر میکند در هر روز و هر شب ماه

اعمال ماه شعبان

که در سرای دنیا باشد و در بهشت نظر لطف خود را از وی برنمیدارد
و هر که سه روز از این ماه را روزه بدارد هر روز در بهشت حق
تعالی را در عرش او زیارت میکند و ابو حمزه ثمالی روایت
کرده است که حضرت امام محمد باقر علیه الصلوة والسلم فرمود
که هر که ماه شعبان را روزه بدارد پاک میگردد از هر لغزشی
و وصمه و بادره راوی گوید که بخدمت آنحضرت عرض نمودم
که وصمه چیست جواب فرمود که وصمه قسمیست که در معصیت خدا
یاد کرده باشد و نذریست که در معصیت خدا کرده باشد پس گفتم
که بادره چیست جواب فرمود که بادره قسمیست که در حال غضب
یاد کرده باشد و توبه از آن اینست که پشیمان شود از آن و صفوان
بن مهران جمال روایت کرده است که حضرت امام جعفر صادق
علیه الصلوة والسلام بمن فرمود که رغبت بفرمای جماعتی را
که در ولایت تو میباشند بروزه ماه شعبان پس گفتم فدای تو شوم
آیا در روزه شعبان فضلی و زیادتی میدانی جواب فرمود که
آری بدرستی که چون هلال شعبان دیده میشد حضرت رسول
خدا صلی الله علیه و آله امر میفرمود تا در مدینه طیبه منادی
ندا مینمود که ای اهل یثرب بدرستی که حق تعالی مرا رسول و پیغمبر
شما کرده است آگاه باشید که شعبان ماه من است پس حق

تعالی

تعالی رحم کند کسی را که اعانت و یاری کند مرا بر ماه من بعد از آن
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام میفرمود که از وقتی که این ندا را شنیده‌ام
روزه ماه شعبان از من فوت نشده است و بعد از این نیز تا حیات
دارم روزه این ماه از من فوت نخواهد شد انشاء الله تعالی
و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام میفرمود که روزه دو ماه
پی در پی توبه ایست از جانب حق تعالی دعائی که در هر روز از
روزهای ماه شعبان خوانده میشود محمد بن یحیی عطار روایت
کرده است از احمد بن محمد سیاری و او از عباس و او از مجاهد
و او از پدر خود روایت کرده است که حضرت امام زین العابدین علیه الصلوة
والسلم در وقت زوال آفتاب در هر روز از روزهای ماه شعبان و در شب
نیمه ماه شعبان صلوات بر حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله میفرستاد باین طریق که
میگفت اللهم صل علی محمد و آل محمد شجرة النبوة و
خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد که درخت نبوت و
موضع الرسالة و مختلف الملائكة و معدن العلم
جایگاه رسالت و محل تردد فرشتگان و معدن علم
و اهل بیت الوحی اللهم صل علی محمد و آل محمد الفلك
و اهل بیت وحیند خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد که کشتی

دعاء هر روز ماه شعبان

اَلْجَارِيَةِ فِي اللُّجَجِ الْغَامِرَةِ يَأْمَنُ مَنْ رَكِبَهَا وَيَغْرَقُ

روانند در دریاهای پرآب عمیق ایمن میشود کسی که سوار شود آنرا و هلاک میشود

مَنْ تَرَكَهَا الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارِقٌ وَالْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ

کسی که واگذارد پیش افتاده از ایشان بیرون رونده است از دین و پس افتاده از ایشان

زَاهِقٌ وَاللَّازِمُ لَهُمْ لَاحِقٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

هلاک شونده است و ملازمت کننده برای ایشان ملحق شونده است بایشان خداوندا رحمت بفرست بر محمد

وَاٰلِ مُحَمَّدٍ الْكَهْفِ الْحَصِينِ وَغِيَاثِ الْمُضْطَرِّ الْمُسْتَكِينِ

و آل محمد که پناه محکم و فریادرس مضطر بیچاره

وَمَلْجَإِ الْهَارِبِينَ وَعِصْمَةِ الْمُعْتَصِمِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

و پناه گریزندگانند و نگاهدارنده چنگ زنندگانند خداوندا رحمت بفرست

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ صَلٰوةً كَثِيرَةً تَكُونُ لَهُمْ رِضًى

بر محمد و آل محمد رحمتی بسیار که بوده باشد از برای ایشان خوشنودی

وَلِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ اَدَاءً وَقَضَاءً بِحَوْلٍ مِنْكَ وَقُوَّةٍ

و از برای حق محمد و آل محمد اداکردنی و بجا آوردنی بتوانائی از تو و قوتی

يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ

ای پروردگار عالمها خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

الطَّيِّبِينَ الْاَبْرَارِ الْاَخْيَارِ الَّذِينَ اَوْجَبْتَ حُقُوقَهُمْ

که پاکیزگان نیکوکاران پسندیدگانند آنچنانکه واجب گردانیده حقوق ایشانرا

مراد اینست که هر که دنیا ملازم
ایشانرا اختیار کند و مطیع ایشان
باشد پس در آخرت نیز با ایشان
خواهد بود و کسانیکه بر دین
و شیعه ایشان نباشند و از ایشان تخلف
این باشد که هر که ملازم ایشان
ملحق شده است با ایشان است

وفرضت

وَفَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَوِلَايَتَهُمْ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ

و فرض کردانیده فرمانبرداری ایشان و دوستی ایشانرا خداوندا رحمت بفرست بر محمد و

اٰلِ مُحَمَّدٍ وَاعْمُرْ قَلْبِي بِطَاعَتِكَ وَلَا تُخْزِنِي بِمَعْصِيَتِكَ

آل محمد و معمور کردان دل مرا بطاعت خودت و رسوا مکن مرا بمعصیت خودت

وَارْزُقْنِي مُوَاسَاةَ مَنْ قَتَّرْتَ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ بِمَا

و روزی کردان مرا مواسات کردن با کسی که تنگ کرده باشی بر او از روزی خودت بآنچه

وَسَّعْتَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَنَشَرْتَ عَلَيَّ مِنْ عَدْلِكَ وَ

وسعت داده بر من از فضل خودت و پهن کرده بر من از عدالت خودت و

اَحْيَيْتَنِي تَحْتَ ظِلِّكَ وَهٰذَا شَهْرُ نَبِيِّكَ سَيِّدِ رُسُلِكَ

زنده داشته مرا در زیر سایه خودت و اینماه ماه پیغمبر تو بزرگ رسولان تست

شَعْبَانُ الَّذِي حَفَفْتَهُ مِنْكَ بِالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ الَّذِي

یعنی شعبان که فرو گرفته آنرا از جانب خود برحمت و خوشنودی آنچنان ماهی

كَانَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ يَدْأَبُ فِي صِيَامِهِ

که بود رسول خدا رحمت فرستد خدا بر او و آل او که اهتمام می نمود در روزه داشتن آن

وَقِيَامِهِ فِي لَيَالِيهِ وَاَيَّامِهِ بُخُوعًا لَكَ فِي اِكْرَامِهِ

و قیام بعبادت در شبهای آن و روزهای آن از برای طلب کردن احسان از تو بسبب گرامی داشتن آنماه

وَاِعْظَامِهِ اِلٰى مَحَلِّ حِمَامِهِ اَللّٰهُمَّ فَاَعِنَّا عَلَى الْاِسْتِنَانِ

و تعظیم نمودن آن تا وقت رسیدن وفات او خداوندا پس اعانت کن ما را بر عمل کردن

مواسات کردن با کسی آنست که آدمی
آنکس را در مال خود مانند خود داند
و او را با خود در آن مال سهیم و شریک
کند و اگر با مثل یا معادل بیشتر از خود
دهد ایثار گویند و روزی کردن مراکه
توفیق ده که روزی کنم از آنچه روزی
داده باخود و مرا شریک گردانم
و روزی او را با خود دایم
و روزی او را از روزی خود دایم

بِسُنَّتِهِ فِيهِ وَنَيْلِ الشَّفَاعَةِ لَدَيْهِ اَللّٰهُمَّ وَاجْعَلْهُ
بسنت او در این ماه و دریافتن شفاعت نزد او خداوندا و بگردان او را
لِي شَفِيعًا وَطَرِيقًا اِلَيْكَ مَهْيَعًا وَاجْعَلْنِي لَهُ مُتَّبِعًا
برای من شفاعت کننده و راهی بسوی تو که وسیع باشد و بگردان مرا از برای او پیروی کننده
حَتّٰى اَلْقَاكَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ عَنِّي رَاضِيًا وَعَنْ ذُنُوبِي
تا آنکه ملاقات کنم ترا در روز قیامت در حالتی که از من راضی باشی و از گناهان من
غَاضِيًا قَدْ اَوْجَبْتَ لِي مِنْكَ الرَّحْمَةَ وَالرِّضْوَانَ وَ
چشم پوشنده باشی بحقیقتی که لازم کرده باشی از برای من از جانب خود رحمت و خوشنودی را و
اَنْزَلْتَنِي دَارَ الْقَرَارِ وَمَحَلَّ الْاَخْيَارِ وَمحمد بن ابی حمزه
فرود آورده باشی مرا در سرای قرار و جایگاه خوبان روایت کرده است
که حضرت امام جعفر صادق عليه الصلوٰة والسلام فرمود
که هر که در هر روز از ماه شعبان هفتاد مرتبه این استغفار
را بخواند حق تعالی روح او را در افق مبین جای دهد راوی
گوید که از آنحضرت سؤال کردم که افق مبین چیست جواب فرمود که
صحرائیست در پیش روی عرش و در آن صحرا نهرها جاریست و قدحها
در کنار آن نهرها هست بعدد ستارگان و استغفار اینست
اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ
طلب آمرزش میکنم از خدائی که نیست خدائی مگر او که بخشاینده مهربان

الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَاَتُوبُ اِلَيْهِ اعمال و ادعیه ماه مبارک
زنده بخود بر پاست و باز گشت میکنم بسوی او رمضان چون هلال ماه
مبارک رمضان را دیدی بخوان دعائی را که منقولست که
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله آنرا میخوانده است و دعا اینست
اَللّٰهُمَّ اَهِلَّهُ عَلَيْنَا بِالْاَمْنِ وَالْاِيمَانِ وَالسَّلَامَةِ
خداوندا نو گردان این ماه را بر ما مقرون بامنیت و ایمان و سلامتی
وَالْاِسْلَامِ وَالْعَافِيَةِ الْمُجَلِّلَةِ وَالرِّزْقِ الْوَاسِعِ
و اسلام و عافیتی فرو گیرنده و روزی فراخ
وَدَفْعِ الْاَسْقَامِ اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنَا صِيَامَهُ وَقِيَامَهُ
و دفع کردن بیماریها خداوندا روزی کن بما روزه گرفتن این ماه را و قیام بعبادت را در این ماه
وَتِلَاوَةَ الْقُرْآنِ فِيهِ اَللّٰهُمَّ سَلِّمْهُ لَنَا وَتَسَلَّمْهُ
و تلاوت کردن قرآن را در این ماه خداوندا سلامت بدار این ماه را از برای ما و بگیر و قبول کن این ماه را
مِنَّا وَسَلِّمْنَا فِيهِ دعاء دیگر حضرت امیر المؤمنین
از ما و سلامت بدار ما را در این ماه علیه الصلوٰة والسلام چون
هلال رمضان را میدیده رو بجانب قبله
میکرده و این دعا را میخوانده است که
اَللّٰهُمَّ اَهِلَّهُ عَلَيْنَا بِالْاَمْنِ وَالْاِيمَانِ وَالسَّلَامَةِ
خداوندا نو گردان این ماه را بر ما مقرون بامنیت و ایمان و سلامتی

اعمال و ادعیهٔ ماه مبارک رمضان

ادعیه دیدن هلال ماه مبارک رمضان

والاسلام والعافية المجللة اللهم ارزقنا

و اسلام و عافيت فرو گيرنده خداوندا روزی كن بما

صيامه وقيامه وتلاوة القران فيه اللهم

روزه كردن اين ماه را و قيام نمودن در اين ماه را و تلاوت كردن قرآن را در اين ماه خداوندا

سلمه لنا وتسلمه منا وسلمنا فيه وهر وقت

سلامت بدار اين ماه را برای ما و قبول كن اين ماه را از ما و سلامت بدار ما را در اين ماه كه انحضرت

ميفرموده است كه چون هلال را ببينی پس از جای خود حركت مكن

وبگو اللهم اني اسالك خير هذا الشهر ونوره

خداوندا بدرستی كه من سوال ميكنم از تو خير اين ماه را و نور اين ماه را

ونصره وبركته وطهوره ورزقه واسالك

و نصرت اين ماه را و بركت اين ماه را و پاكی اين ماه را و روزی اين ماه را و سوال ميكنم از تو

خير ما فيه وخير ما بعده واعوذ بك من شر ما

خير آنچه در اين ماه هست و خير آنچه بعد از اين ماه است و پناه ميبرم بتو از شر آنچه

فيه وشر ما بعده اللهم ادخلنا عليه بالامن و

در اين ماه است و شر آنچه بعد از اين ماه است خداوندا داخل گردان ما را بر اين ماه مقرون با ايمنی

الايمان والسلامة والاسلام والبركة والتقوى والتوفيق

ايمان و سلامتی و اسلام و نفع و پرهيزكاری و توفيق يافتن

لما تحب وترضى ودر هر شب در وقت افطار بگو

برای آنچه دوست ميداری و خوشنود ميشوی

در بعضی از نسخ اين دعا طهوره بجای نقطه و آن از قسطاس بمعنی كيل استكم از تو خداوند اينست ... از دين نام

الحمد

دعاء وقت افطار روزه ماه مبارك رمضان

بهتر اينست كه اين دعا پيش از افطار و بعد از افطار خوانده شود

الحمد لله الذي اعاننا فصمنا ورزقنا فافطرنا

سپاس مر خدا راست كه اعانت كرد ما را پس روزه داشتيم و روزی داد ما را پس روزه گشوديم

اللهم لك صمنا وعلى رزقك افطرنا وعليك

خداوندا برای تو روزه داشتيم و بر روزی تو روزه گشوديم و بر تو

توكلنا اللهم تقبل منا واعنا عليه وسلمنا

توكل كرديم خداوندا قبول كن اين را از ما و اعانت كن ما را بر اين و سلامت دار ما را

فيه وتسلمه منا في يسر منك وعافية الحمد

در اين و بگير و قبول كن اين را از ما در آسانی از جانب خود و تندرستی سپاس

دعاء شب اول ماه مبارك رمضان

لله الذي قضى عنا يوما من شهر رمضان دعائی كه در شب اول ماه مبارك

مر خدا راست كه ادا كرد از ما روزی از ماه رمضان را رمضان خوانده ميشود

اللهم اني اسئلك باسمك الذي دان له كل

خداوندا بدرستی كه من سوال ميكنم از تو بنام تو آنچنان نامی كه ذليل شده برای آن هر

شيء وبرحمتك التي وسعت كل شيء وبعظمتك

چيزی و برحمت تو آنچنان رحمتی كه گنجايش دارد هر چيزی را و بعظمت تو

يا بمعنی است كه اطاعت كرده يا بندگی ... نموده است برای او هر چيزی

التي تواضع لها كل شيء وبجبروتك التي غلبت

آنچنان عظمتی كه افتادگی كرده است برای آن هر چيزی و بتسلط تو آنچنان تسلطی كه غالب

كل شيء وبعلمك الذي احاط بكل شيء يا نور

هر چيزی را و بعلم تو چنان علمی كه احاطه كرده است بهر چيزی ای نور

قدوس يا اول قبل كل شيء ويا باقي بعد كل شيء

بسيار پاك از عيب اى اول پيش از هر چيزى واى باقى بعد از هر چيزى

يا الله يا رحمن صل على محمد وآل محمد واغفر لي

اى الله اى بخشاينده رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بيامرز براى من

الذنوب التي تغير النعم واغفر لي الذنوب

گناهان را كه تغيير ميدهند نعمتها را و بيامرز براى من گناهانى را

التي تنزل النقم واغفر لي الذنوب التي تقطع

كه نازل ميسازند عقوبتها را و بيامرز براى من گناهانى را كه قطع ميكنند

الرجاء واغفر لي الذنوب التي تديل الاعداء

اميد را و بيامرز براى من گناهانى را كه غالب ميگردانند دشمنان را

واغفر لي الذنوب التي ترد الدعاء واغفر

و بيامرز براى من گناهانى را كه رد ميكنند دعا را و بيامرز

لي الذنوب التي يستحق بها نزول البلاء واغفر

براى من گناهانى را كه استحقاق داشته ميشود بسبب آنها فرود آمدن بلا و بيامرز

لي الذنوب التي تحبس غيث السماء واغفر لي

براى من گناهانى را كه حبس ميكنند باران آسمان را و بيامرز براى من

الذنوب التي تكشف الغطاء واغفر لي الذنوب

گناهانى را كه برميدارند پرده را و بيامرز براى من گناهانى را

التي تعجل الفناء واغفر لي الذنوب التي تورث

كه تعجيل ميكنند فنا را و بيامرز براى من گناهانى را كه موروث ميشوند

الندم واغفر لي الذنوب التي تهتك العصم و

پشيمانى را و بيامرز براى من گناهانى را كه پاره ميكنند بندها را و

البسني درعك الحصينة التي لا ترام وعافني

بپوشان بمن زره محكم خودت را كه قصد كرده نميشود و عافيت ده مرا

من شر ما اخاف واحذر واحاذر بالليل و

از شر آنچه خوف دارم و حذر ميكنم و از شر آنچه حذر ميكنم در شب و

النهار في مستقبل سنتي هذه اللهم رب السموات

روز در سال آينده من اين سال خداوندا اى پروردگار آسمانهاى

السبع ورب الارضين السبع وما فيهن وما بينهن

هفتگانه و پروردگار زمينهاى هفتگانه و آنچه در آنهاست و آنچه ميان آنهاست

ورب العرش العظيم ورب السبع المثاني والقرآن

و پروردگار عرش بزرگ و پروردگار سبع المثانى و قرآن

العظيم ورب اسرافيل وميكائيل وجبرئيل ورب

بزرگ مرتبه و پروردگار اسرافيل و ميكائيل و جبرئيل و پروردگار

محمد صلى الله عليه وآله وسلم سيد المرسلين

محمد رحمت فرستد خدا بر او و آل او و سلام فرستد بر او كه بزرگ رسولان است

وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ اَسْاَلُكَ بِكَ وَبِمَا سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ

وآخر پیغمبران است سؤال میکنم ترا بحق خودت وبحق آنچه نامیده ای بآن ذات خودرا

يَا عَظِيمُ اَنْتَ الَّذِي تَمُنُّ بِالْعَظِيمِ وَتَدْفَعُ كُلَّ مَحْذُورٍ

ای بزرگ مرتبه تو آنکسی که نعمت میدهی نعمت بزرگ ودفع میکنی هر حذر کرده شده را

وَتُعْطِي كُلَّ جَزِيلٍ وَتُضَاعِفُ مِنَ الْحَسَنَاتِ بِالْقَلِيلِ

وعطا میکنی هر نعمت وافری را ومضاعف میکردانی از نیکیها باندك

وَبِالْكَثِيرِ وَتَفْعَلُ مَا تَشَاءُ يَا قَدِيرُ يَا اَللهُ يَا رَحْمٰنُ

وبه بسیار ومیکنی آنچه میخواهی ای بغایت توانا ای الله ای بخشاینده

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ وَاَلْبِسْنِي فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي

رحمت بفرست بر محمد واهل بیت او وبپوشان بمن در سال آینده من

هٰذِهِ سِتْرَكَ وَنَضِّرْ وَجْهِي بِنُورِكَ وَاَحِبَّنِي بِمَحَبَّتِكَ

این سال پرده خودرا وتازه کردان روی مرا بنور خودت ودوست دار مرا بدوستی خودت

وَبَلِّغْنِي رِضْوَانَكَ وَشَرِيفَ كَرَامَتِكَ وَجَسِيمَ

وبرسان مرا برضوان خودت وبزرك کرامت خودت وانعام

عَطِيَّتِكَ وَاَعْطِنِي مِنْ خَيْرِ مَا عِنْدَكَ وَمِنْ خَيْرِ مَا

بزرك خودت وعطا کن بمن از خیر آنچه نزد تست واز خیر آنچه

اَنْتَ مُعْطِيهِ اَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ وَاَلْبِسْنِي مَعَ ذٰلِكَ

تو عطا کننده ای بیکی از خلق خودت وبپوشان بمن با وجود آن

عَافِيَتَكَ يَا مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوٰى وَيَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوٰى

عافیت خودرا ای جایگاه هر شکایتی وای گواه هر رازی

وَعَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ وَيَا دَافِعَ مَا تَشَاءُ مِنْ بَلِيَّةٍ يَا

ودانای هر پنهانی وای دفع کننده آنچه میخواهی از بلائی ای

كَرِيمَ الْعَفْوِ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ تَوَفَّنِي عَلٰى مِلَّةِ اِبْرٰهِيمَ وَ

کرامی عفو ای نیکو تجاوز بمیران مرا بر ملت ابرهیم و

فِطْرَتِهِ وَعَلٰى دِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ

فطرت او وبر دین محمد که رحمت فرستد خدا براو وآل او وسلام فرستد

سُنَّتِهِ وَعَلٰى خَيْرِ الْوَفَاةِ فَتَوَفَّنِي مُوَالِيًا لِاَوْلِيَائِكَ

برطریقه او وبر بهترین مردنی پس بمیران مرا در حالتی که دوستدار باشم دوستان ترا

مُعَادِيًا لِاَعْدَائِكَ اَللّٰهُمَّ وَجَنِّبْنِي فِي هٰذِهِ السَّنَةِ

ودشمن باشم دشمنان ترا خداوندا ودور کردان مرا در این سال

كُلَّ عَمَلٍ اَوْ قَوْلٍ اَوْ فِعْلٍ يُبَاعِدُنِي مِنْكَ وَاجْلِبْنِي

از هر عملی یا گفتاری یا کرداری که دور کرداند مرا از تو وبکشان مرا

اِلٰى كُلِّ عَمَلٍ اَوْ قَوْلٍ اَوْ فِعْلٍ يُقَرِّبُنِي مِنْكَ فِي هٰذِهِ

بجانب هر عملی یا گفتاری یا کرداری که نزدیك کرداند مرا از تو در این

السَّنَةِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَامْنَعْنِي مِنْ كُلِّ عَمَلٍ اَوْ

سال ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ومنع کن مرا از هر عملی یا

قَوْلٍ اَوْ فِعْلٍ يَكُونُ مِنِّي اَخَافُ ضَرَرَ عَاقِبَتِهِ وَاَخَافُ
كفتارى يا كردارى كه صادر شود از من كه ميترسم از ضرر عاقبت آن و ميترسم
مَقْتَكَ اِيَّايَ عَلَيْهِ حِذَارَ اَنْ تَصْرِفَ وَجْهَكَ الْكَرِيمَ
از غضب كردن تو مرا بر آن از ترس اينكه بكردانى روى كريم خود را
عَنِّي فَاَسْتَوْجِبَ بِهِ نَقْصًا مِنْ حَظٍّ لِي عِنْدَكَ يَا رَؤُوفُ
از من پس مستحق شوم بسبب آن نقص را از بهره كه از براى من است نزد تو اى مهربان
يَا رَحِيمُ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي هٰذِهِ
اى رحم كننده خداوندا بكردان مرا در سال آينده من اين سال
فِي حِفْظِكَ وَفِي جِوَارِكَ وَفِي كَنَفِكَ وَجَلِّلْنِي سِتْرَ
در حفظ خودت و در همسايكى خودت و در پناه خودت و بپوشان بمن پرده
عَافِيَتِكَ وَهَبْ لِي كَرَامَتَكَ عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ
عافيت خود را و ببخش بمن كرامت خود را عزيز است همسايه تو و بزرك است ثناى تو
وَلَا اِلٰهَ غَيْرُكَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي تَابِعًا لِصَالِحِ مَنْ
و نيست خداى غير تو خداوندا بكردان مرا پيروى كننده از براى شايسته كسانى
مَضَى مِنْ اَوْلِيَائِكَ وَاَلْحِقْنِي بِهِمْ وَاجْعَلْنِي مُسَلِّمًا
كه رفته اند از دوستان تو و ملحق كردان مرا بايشان و بكردان مرا تصديق كننده
لِمَنْ قَالَ بِالصِّدْقِ عَلَيْكَ مِنْهُمْ وَاَعُوذُ بِكَ اَللّٰهُمَّ
براى جماعتى كه كفته اند راست را بر تو از ايشان و پناه ميبرم بتو خداوندا

يعنى احاطه كند بمن در اين سال كناه من
و اينجا اينها نيست اما مانند دوره
دور كس را دو دوره كردن را ديجا است و
دور و در بعضى از نسخ چنين است كه
يحيط به خطيئتى يعنى احاطه كند بمن كناه
منو بنابر اين اينجا دو در كلام عطف اعداد بود

اَنْ تُحِيطَ بِهِ خَطِيئَتِي وَظُلْمِي وَاِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي وَ
از اينكه احاطه كند باين سال كناه من و ستمكارى من و زياده روى من بر نفس خودم و
اتِّبَاعِي لِهَوَايَ وَاشْتِغَالِي بِشَهَوَاتِي فَيَحُولَ ذٰلِكَ
پيروى كردن من خواهش خود را و مشغول شدن من بهوسهاى خودم پس حايل شود اين
بَيْنِي وَبَيْنَ رَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ فَاَكُونَ مَنْسِيًّا عِنْدَكَ
ميان من و ميان رحمت تو و خوشنودى تو پس بوده باشم فراموش شده نزد تو
مُتَعَرِّضًا لِسَخَطِكَ وَنَقِمَتِكَ اَللّٰهُمَّ وَفِّقْنِي لِكُلِّ
متعرض شده براى غضب تو و عذاب تو خداوندا توفيق ده مرا براى هر
عَمَلٍ صَالِحٍ تَرْضَى بِهِ عَنِّي وَقَرِّبْنِي اِلَيْكَ زُلْفَى
عمل صالحى كه خوشنود كردى بآن از من و نزديك كردان مرا بسوى خودت نزديك كردنى
اَللّٰهُمَّ كَمَا كَفَيْتَ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
خداوندا چنانكه كفايت كردى از پيغمبر خودت محمد رحمت فرستد خدا بر او
وَآلِهِ هَوْلَ عَدُوِّهِ وَفَرَّجْتَ هَمَّهُ وَكَشَفْتَ غَمَّهُ
و آل او خوف دشمن او را و برطرف كردى دلكيرى او را و زايل كردانيدى غم او را
وَصَدَقْتَهُ وَعْدَكَ وَاَنْجَزْتَ لَهُ عَهْدَكَ اَللّٰهُمَّ
و راست كردانيدى براى او وعده خود را و وفا كردى براى او به پيمان خود خداوندا
فَبِذٰلِكَ فَاكْفِنِي هَوْلَ هٰذِهِ السَّنَةِ وَآفَاتِهَا وَ
پس بهمان نحو كفايت كن از من خوف اين سال را و آفتهاى اين را

اَسْقَامِهَا وَ فِتَنِهَا وَ شُرُورِهَا وَ اَحْزَانِهَا وَضِيقِ الْمَعَاشِ

بیماریهای این را و فتنهای این را و بدیهای این را و اندوههای این را و تنگی معاش را

فِیهَا وَ بَلِّغْنِی بِرَحْمَتِکَ کَمَالَ الْعَافِیَةِ بِتَمَامِ دَوَامِ

درین سال و برسان مرا بسبب رحمت خودت بکمال تندرستی با تمام بودن دایمی بودن

النِّعْمَةِ عِنْدِی اِلَی مُنْتَهَی اَجَلِی اَسْئَلُکَ سُؤَالَ مَنْ

نعمت نزد من تا منتهای عمر من سؤال میکنم ترا سوال کردن کسی

اَسَاءَ وَظَلَمَ وَاسْتَکَانَ وَاعْتَرَفَ وَاَسْئَلُکَ اَنْ

که بد کرده و ظلم کرده و فروتنی نموده و اقرار کرده باشد و سؤال میکنم از تو اینکه

تَغْفِرَ لِی مَا مَضَی مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِی حَصَرَهَا حَفَظَتُکَ

بیامرزی برای من انچه گذشته است از گناهانی که ضبط کرده اند انها را حافظان تو

وَاَحْصَتْهَا کِرَامُ مَلَئِکَتِکَ عَلَیَّ وَاَنْ تَعْصِمَنِی اِلٰهِی

و شمرده اند انها را فرشتگان مکرم تو بر من و اینکه نگاهداری مرا ای خدای من

مِنَ الذُّنُوبِ فِیمَا بَقِیَ مِنْ عُمْرِی اِلَی مُنْتَهَی اَجَلِی یَا اَللّٰهُ

از گناهان در انچه باقی مانده است از عمر من تا منتهای عمر من ای الله

یَا رَحْمٰنُ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهِ وَاٰتِنِی کُلَّ مَا

ای بسیار بخشنده رحمت بفرست بر محمد و اهل بیت او و عطا کن بمن هر چه

سَئَلْتُکَ وَرَغِبْتُ اِلَیْکَ فِیهِ فَاِنَّکَ اَمَرْتَنِی بِالدُّعَاءِ

سؤال کرده ام از تو و رغبت کرده ام بسوی تو در ان پس بدرستی که تو امر کرده مرا بدعا کردن

دعاء هر روز ماه مبارک رمضان

[illegible]

وَتَکَفَّلْتَ بِالْاِجَابَةِ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ است که در هر روز از روزهای

و ضامن شده اجابت کردن را ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ماه مبارک رمضان اینده بخواند

اَللّٰهُمَّ هٰذَا شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِی اَنْزَلْتَ فِیهِ الْقُرْاٰنَ

خداوندا اینماه ماه رمضان است که فرو فرستاده در ان قران را

هُدًی لِلنَّاسِ وَبَیِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَی وَالْفُرْقَانِ وَهٰذَا

در حالتی که هدایت کننده است برای مردمان و دلیلهای واضح است از راه نمای و جدا کردن حق و باطل و اینماه

شَهْرُ الصِّیَامِ وَهٰذَا شَهْرُ الْقِیَامِ وَهٰذَا شَهْرُ التَّوْبَةِ

ماه روزه داشتن است و این ماه ماه ایستادن است و این ماه ماه توبه کردن است

وَهٰذَا شَهْرُ الْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ وَهٰذَا شَهْرُ الْعِتْقِ مِنَ

و این ماه ماه امرزش و رحمت است و این ماه ماه ازاد کردن از

النَّارِ وَالْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ وَهٰذَا شَهْرٌ فِیهِ لَیْلَةُ الْقَدْرِ

اتش و رستگاری بهشت است و این ماه ماهیست که در ان است شب قدر

الَّتِی هِیَ خَیْرٌ مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ

که ان شب بهتر است از هزار ماه خداوندا پس رحمت بفرست بر محمد و

اٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَعِنِّی عَلَی صِیَامِهِ وَقِیَامِهِ وَسَلِّمْهُ لِی

ال محمد و اعانت کن مرا بر روزه داشتن و قیام بعبادت در ان و سلامت دار ان را برای من

وَسَلِّمْنِی فِیهِ وَاَعِنِّی عَلَیْهِ بِاَفْضَلِ عَوْنِکَ وَوَفِّقْنِی

و سلامت دار مرا در این ماه و اعانت کن مرا بر ان به بهترین اعانت خود و توفیق ده مرا

فیه لطاعتك وطاعة رسولك واولیائك صلی الله
در اینجا از برای فرمانبرداری تو و فرمانبرداری رسول تو و اولیای تو که رحمت فرستد خدا
علیهم وفرغنی فیه لعبادتك ودعائك وتلاوة
بر ایشان و فارغ کردان مرا درینجا برای عبادت تو و دعای تو و تلاوت نمودن
کتابك واعظم لی فیه البرکة واحسن لی فیه
کتاب تو و بزرک کردان برای من درینماه برکت را و نیکو کردان برای من درینماه
العافیة واصحح فیه بدنی واوسع فیه رزقی و
عافیت را و صحیح کردان درینماه بدن مرا و وسیع کردان درینماه روزی مرا و
اکفنی ما اهمنی واستجب فیه دعائی وبلغنی
کفایت کن از من آنچه غمکین ساخته مرا و مستجاب کردان درینماه دعای مرا و برسان مرا
فیه رجائی اللهم صل علی محمد وآل محمد واذهب
درینماه بامید من خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و ببر
عنی فیه النعاس والکسل والسامة والفترة
از من درینماه پینکی و کاهلی و دلتنکی و سستی
والقسوة والغفلة والغرة وجنبنی فیه العلل
و سنک دلی و غافل شدن و فریب خوردن را و دور کن از من درینماه از دردها
والاسقام والهموم والاحزان والاعراض و
و بیماریها و غمها و اندوهها و عارضها و

الامراض والخطایا والذنوب واصرف عنی فیه
مرضها و خطاها و کناهان را و باز کردان از من درینماه
السوء والفحشاء والجهد والبلاء والتعب والعناء
بدحالی و کار بسیار قبیح و مشقت و بلا و تعب و زحمت را
انك سمیع الدعاء اللهم صل علی محمد وآل محمد و
بدرستی که تو شنونده دعائی خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و
اعذنی فیه من الشیطان الرجیم وهمزه ولمزه و
پناه ده مرا درینماه از شیطان رانده شده و همز او و لمز او و
نفثه ونفخه ووسوسته وتثبیطه وکیده و
نفث او و نفخ او و وسوسه او و مانع کشتن او و حیله او و
مکره وحبائله وخدعه وامانیه وغروره و
مکر او و دامهای او و فریبهای او و آرزوهای دروغ او و فریبتنهای او و
فتنته وشرکه واحزابه واتباعه واشیاعه
فتنه او و دام او و کروههای او و تابعان و پیروان او
واولیائه وشرکائه وجمیع مکائده اللهم صل
و دوستان او و شریکان او و همه مکرهای او خداوندا رحمت بفرست
علی محمد وآل محمد وارزقنا قیامه وصیامه وبلوغ
بر محمد و آل محمد و روزی کن بما قیام اینماه را و روزه داشتن اینماه را و رسید

الْأَمَلِ فِيهِ وَفِي قِيَامِهِ وَاسْتِكْمَالَ مَا يُرْضِيكَ عَنِّي
بآرزو را در بيماه ودر قيام اين ماه وكامل كردانيدن آنچه خوشنود كند ترا از من
صَبْرًا وَاحْتِسَابًا وَإِيمَانًا وَيَقِينًا ثُمَّ تَقَبَّلْ ذَلِكَ مِنِّي
از روى صبر وطلب اجر وايمان ويقين بعد از آن قبول كن آنرا از من
بِالْأَضْعَافِ الْكَثِيرَةِ وَالْأَجْرِ الْعَظِيمِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ
باضعاف بسيار ومزد بزرگ اى پروردگار عالميان
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِي الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ
خداوندا رحمت بفرست بر محمد وآل محمد وروزى كن مرا حج وعمره
وَالِاجْتِهَادَ وَالْقُوَّةَ وَالنَّشَاطَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ
وسعى كردن وتوانائى وخوشدلى وبازگشت وتوبه
وَالْقُرْبَةَ وَالْخَيْرَ الْمَقْبُولَ وَالرَّهْبَةَ وَالرَّغْبَةَ وَ
ونزديكى جستن وخير قبول كرده شده وترس ورغبت و
التَّضَرُّعَ وَالْخُشُوعَ وَالرِّقَّةَ وَالنِّيَّةَ الصَّادِقَةَ وَ
زارى وفروتنى ونازك دلى ونيت راست و
صِدْقَ اللِّسَانِ وَالْوَجَلَ مِنْكَ وَالرَّجَاءَ لَكَ وَالتَّوَكُّلَ
راستى زبان وترسيدن از تو واميدوارى براى تو وتوكل كردن
عَلَيْكَ وَالثِّقَةَ بِكَ وَالْوَرَعَ مِنْ مَحَارِمِكَ مَعَ صَالِحِ
بر تو واعتماد داشتن بتو وپرهيزكارى از محرمات تو با كفتار

القول

الْقَوْلِ وَمَقْبُولِ السَّعْيِ وَمَرْفُوعِ الْعَمَلِ وَمُسْتَجَابِ الدَّعْوَةِ
شايسته وسعى قبول كرده شده وعمل بلند كرده شده ودعاى مستجاب
وَلَا تَحُلْ بَيْنِي وَبَيْنَ شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ بِعَرَضٍ وَلَا مَرَضٍ وَ
وحايل مشو ميان من وميان چيزى از اينها بسبب عارضه ونه مرضى و
لَا هَمٍّ وَلَا غَمٍّ وَلَا سُقْمٍ وَلَا غَفْلَةٍ وَلَا نِسْيَانٍ
نه اندوهى ونه غمى ونه بيمارى ونه غافل شدنى ونه فراموشى
بَلْ بِالتَّعَاهُدِ وَالتَّحَفُّظِ لَكَ وَفِيكَ وَالرِّعَايَةِ لِحَقِّكَ
بلكه بنگاهدارى ومحافظت كردن از براى تو ودر راه تو ورعايت كردن از براى حق تو
وَالْوَفَاءِ بِعَهْدِكَ وَوَعْدِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
ووفا كردن بر پيمان تو ووعدهٔ تو برحمت تو اى رحم كننده ترين
الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْسِمْ لِي
رحم كنندگان خداوندا رحمت بفرست بر محمد وآل محمد وقسمت كن براى من
فِيهِ أَفْضَلَ مَا تَقْسِمُهُ لِعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَأَعْطِنِي
در اينماه بهترين آنچه قسمت ميكنى آنرا براى بندگان صالح خود وعطا كن بمن
فِيهِ أَفْضَلَ مَا تُعْطِي أَوْلِيَاءَكَ الْمُقَرَّبِينَ مِنَ الرَّحْمَةِ
در اينماه بهترين آنچه عطا ميكنى دوستان مقرب خود را از رحمت
وَالْمَغْفِرَةِ وَالتَّحَنُّنِ وَالْإِجَابَةِ وَالْعَفْوِ وَالْمَغْفِرَةِ
وآمرزش ومهربانى واجابت ودر گذشتن وآمرزش

تا در محافظت كردن حق تعالى است
اينكه با محافظت كردن اينكه
او را حق تعالى را براى او ودر راه او

الدَّآئِمَةِ وَالْعَافِيَةِ وَالْمُعَافَاةِ وَالْعِتْقِ مِنَ النَّارِ وَ
دائمی وعافیت ومعافات وآزادی از آتش و
الْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ وَخَيْرِ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
فایز شدن بهشت وخیر دنیا وآخرت خداوندا رحمت بفرست
عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ دُعَآئِي فِيهِ اِلَيْكَ وَاصِلًا
بر محمد و آل محمد وبگردان دعای مرا درینماه بسوی تو رسیده
وَرَحْمَتَكَ وَخَيْرَكَ اِلَيَّ فِيهِ نَازِلًا وَعَمَلِي فِيهِ مَقْبُولًا
ورحمت خود وخیر خود را بسوی من درینما فرود آینده وعمل مرا درینماه قبول کرده شده
وَسَعْيِي فِيهِ مَشْكُورًا وَذَنْبِي فِيهِ مَغْفُورًا حَتّٰى
وسعی مرا درینماه جزای خیر داده شده وگناه مرا درینماه آمرزیده شده تا
يَكُونَ نَصِيبِي فِيهِ الْاَكْثَرَ وَحَظِّي فِيهِ الْاَوْفَرَ
بوده باشد بخش من درینماه بیشتر وبهره من درینماه وافرتر
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَوَفِّقْنِي فِيهِ لِلَيْلَةِ
خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد وتوفیق ده مرا درینماه برای شب
الْقَدْرِ عَلٰى اَفْضَلِ حَالٍ تُحِبُّ اَنْ يَكُونَ عَلَيْهَا اَحَدٌ
قدر بر بهترین حالتی که دوست میداری که بوده باشد بران حالت کسی
مِنْ اَوْلِيَآئِكَ وَاَرْضَاهَا لَكَ ثُمَّ اجْعَلْهَا لِي خَيْرًا
از دوستان تو وخوشنود کننده ترین حالها برای تو پس بگردان آنرا برای من بهتر

بعضی از علما گفته اند که عافیت
یعنی دفع کردن حق تعالی است المها
و بلاها را از آدمی و معافاة یعنی
دفع نمودن حق تعالی است اذیت آنکس را
از دیگران و دیگران را از آنکس
و دفع کردن اذیت خلایق است از او
و اذیت اینها از خلایق

مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ وَارْزُقْنِي فِيهَا اَفْضَلَ مَا رَزَقْتَ اَحَدًا
از هزار ماه وروزی کن مرا دران شب بهترین آنچه روزی کرده کسی را
مِمَّنْ بَلَّغْتَهُ اِيَّاهَا وَاَكْرَمْتَهُ بِهَا وَاجْعَلْنِي فِيهَا
از کسانی که رسانیده او را بان شب وگرامی داشته او را بان شب وبگردان مرا دران شب
مِنْ عُتَقَآئِكَ مِنْ جَهَنَّمَ وَطُلَقَآئِكَ مِنَ النَّارِ وَسُعَدَآءِ
از جمله آزاد شدگان خود از جهنم وخلاص کرده شدگان خود از آتش ونیکبختان
خَلْقِكَ بِمَغْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
خلق تو بسبب آمرزش تو وخوشنودی تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنَا فِي شَهْرِنَا هٰذَا
خداوندا رحمت بفرست بر محمد وآل محمد وروزی کن مارا در ماه ما این ما
الْجِدَّ وَالْاِجْتِهَادَ وَالْقُوَّةَ وَالنَّشَاطَ وَمَا تُحِبُّ وَ
سعی وکوشش و توانائی وخوشدلی را وآنچه را دوست میداری و
تَرْضٰى اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْفَجْرِ وَلَيَالٍ عَشْرٍ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ
خوشنود میگردی خداوندا ای پروردگار صبح وشبهای ده گانه وشفع و وتر
وَرَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ وَمَا اَنْزَلْتَ فِيهِ مِنَ الْقُرْاٰنِ وَ
وپروردگار ماه رمضان و آنچه نازل ساخته درینماه از قرآن و
رَبَّ جَبْرَئِيلَ وَمِيكَآئِيلَ وَاِسْرَافِيلَ وَجَمِيعِ الْمَلٰٓئِكَةِ
پروردگار جبرئیل ومیکائیل و اسرافیل وهمه فرشتگان

الْمُقَرَّبِينَ وَرَبَّ اِبْرٰهِيمَ وَاِسْمٰعِيلَ وَاِسْحٰقَ وَيَعْقُوبَ
مقرب ویروردکار ابرهیم واسمعیل و اسحق و یعقوب
وَرَبَّ مُوسٰى وَعِيسٰى وَجَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَ
ویروردکار موسی و عیسی و همه پیغمبران و رسولان و
رَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ وَ
پروردکار محمد آخر پیغمبران رحمتهای تو برایشان همگی باد و
اَسْاَلُكَ بِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ وَبِحَقِّكَ الْعَظِيمِ لَمَّا صَلَّيْتَ
سؤال میکنم ترا بحقی که ایشانراست برتو و بحق عظیم تو مگر اینکه رحمت بفرستی
عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَعَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ وَنَظَرْتَ اِلَيَّ نَظْرَةً
براو وآل او وبرایشان همه ونظر کنی بسوی من نظر کردنی
رَحِيمَةً تَرْضٰى بِهَا عَنِّي رِضًا لَا سَخَطَ عَلَيَّ بَعْدَهُ اَبَدًا
مهربان که خوشنود کردی مان از من خوشنودیکه خشمی نباشد برمن بعد از آن هرگز
وَاَعْطَيْتَنِي جَمِيعَ سُؤْلِي وَرَغْبَتِي وَاُمْنِيَّتِي وَاِرَادَتِي
وعطا کنی بمن همه سؤال کرده شدها مرا ورغبت داشته شدها مرا وآرزو کرده شدها مرا واراده کرده شدها
وَصَرَفْتَ عَنِّي مَا اَكْرَهُ وَاَحْذَرُ وَاَخَافُ عَلٰى
وباز کردانی از من آنچه را ناخوش دارم وحذر میکنم و میترسم بر
نَفْسِي وَمَا لَا اَخَافُ وَعَنْ اَهْلِي وَمَالِي وَاِخْوَانِي وَ
نفس خودم وآنچه را که نمی ترسم وازاهل من ومال من وبرادران من و

ذُرِّيَّتِي اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ فَرَرْنَا مِنْ ذُنُوبِنَا فَاٰوِنَا تَائِبِينَ
فرزندان من خداوندا بسوی تو کریخته ایم ما از کناهان خود پس جای بده ما را درحالیکه توبه کننده ایم
تَائِبِينَ وَتُبْ عَلَيْنَا مُسْتَغْفِرِينَ وَاغْفِرْ لَنَا
وقبول توبه کن بر ما درحالی که استغفار کننده ایم وبیامرز برای ما
مُتَعَوِّذِينَ وَاَعِذْنَا مُسْتَجِيرِينَ وَاَجِرْنَا
درحالی که پناه آورنده ایم وپناه ده مارا درحالیکه پناه جوینده ایم وپناه ده مارا
مُسْتَسْلِمِينَ وَلَا تَخْذُلْنَا رَاهِبِينَ وَاٰمِنَّا
درحالیکه اطاعت کننده ایم وفرو مکذار ما را درحالیکه ترسنده ایم وایمن کردان مارا
رَاغِبِينَ وَشَفِّعْنَا سَائِلِينَ وَاَعْطِنَا اِنَّكَ
درحالیکه رغبت کننده ایم وشفیع کردان ما را درحالی که سؤال کننده ایم وعطا کن بما بدرستیکه تو
سَمِيعُ الدُّعَاءِ قَرِيبٌ مُجِيبٌ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ رَبِّي وَاَنَا
شنونده دعائی ونزدیکی واجابت کننده خداوندا تو پروردکار منی ومن
عَبْدُكَ وَاَحَقُّ مَنْ سَاَلَ الْعَبْدُ رَبَّهُ وَلَمْ يَسْاَلِ
بنده توهستم وسزاوارترین کسی که سؤال کند او بنده پروردکار اوست وسؤال نکرده اند
الْعِبَادُ مِثْلَكَ كَرَمًا وَجُودًا يَا مَوْضِعَ شَكْوَى
بندکان از کسی که مانند تو باشد از راه کرم وبخشش ای جای شکوه
السَّائِلِينَ وَيَا مُنْتَهٰى حَاجَةِ الرَّاغِبِينَ وَيَا غِيَاثَ
سؤال کنندکان وای منتهای حاجت رغبت کنندکان وای فریاد رس

الْمُسْتَغِيثِينَ وَيَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ وَيَا مَلْجَأَ الْهَارِبِينَ

طلب فریادرسی کنندگان وای اجابت کننده دعای درماندگان وای پناه گریزندگان

وَيَا صَرِيخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ وَيَا رَبَّ الْمُسْتَضْعَفِينَ

وای فریادرس طلب فریادرسی کنندگان وای پروردگار ضعیف شمرده شدگان

وَيَا كَاشِفَ كَرْبِ الْمَكْرُوبِينَ وَيَا فَارِجَ هَمِّ

وای برطرف کننده اندوه اندوه رسیدگان وای گشایش دهنده غم

الْمَهْمُومِينَ وَيَا كَاشِفَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ يَا اللهُ يَا رَحْمٰنُ

غمگینان وای برطرف کننده اندوه بزرگ ای الله ای بخشاینده

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ

ای رحم کننده ترین رحم کنندگان رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بیامرز

لِي ذُنُوبِي وَعُيُوبِي وَإِسَاءَتِي وَظُلْمِي وَجُرْمِي وَ

از برای من گناهان مرا و عیبهای مرا و بدکرداری مرا و ستمکاری مرا و گناه مرا و

إِسْرَافِي عَلَىٰ نَفْسِي وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ

زیاده روی مرا بر نفس خودم و روزی گردان مرا از فضل خودت و رحمت خودت

فَإِنَّهُ لَا يَمْلِكُهَا غَيْرُكَ وَاعْفُ عَنِّي وَاغْفِرْ لِي كُلَّ مَا

پس بدرستی که مالک نیست آن رحمت غیر تو و درگذر از من و بیامرز برای من همه آنچه

سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي وَاعْصِمْنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي وَاسْتُرْ

گذشته است از گناهان من و نگاهدار مرا در آنچه باقی مانده است از عمر من و بپوشان

على

عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَوَلَدِي وَقَرَابَتِي وَأَهْلِ حُزَانَتِي

بر من و بر پدر و مادر من و فرزندان من و خویشان من و اهل حزانه من

وَمَنْ كَانَ مِنِّي بِسَبِيلٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي الدُّنْيَا

و هر کسی که بوده باشد از من براهی از مردان مؤمن و زنان مؤمنه در دنیا

وَالْآخِرَةِ فَإِنَّ ذٰلِكَ كُلَّهُ بِيَدِكَ وَأَنْتَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ

و آخرت پس بدرستی که اینها همه بدست تست و توئی واسع المغفرة

فَلَا تُخَيِّبْنِي يَا سَيِّدِي وَلَا تَرُدَّ دُعَائِي وَلَا تَرُدَّ يَدَيَّ

پس نومید مگردان مرا ای آقای من و رد مکن دعای مرا و باز مگردان دستهای مرا

إِلَىٰ نَحْرِي حَتَّىٰ تَفْعَلَ ذٰلِكَ بِي وَتَسْتَجِيبَ لِي جَمِيعَ مَا

بسوی گردن من تا آنکه بکنی آن را بمن و مستجاب کنی برای من همه آنچه

سَأَلْتُكَ وَتَزِيدَنِي مِنْ فَضْلِكَ فَإِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ

سؤال کرده ام از تو و زیاد کردانی مرا از فضل خودت پس بدرستی که تو بر هر چیز

قَدِيرٌ وَنَحْنُ إِلَيْكَ رَاغِبُونَ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْأَسْمَاءُ

بغایت توانائی و ما بسوی تو رغبت کننده ایم خداوندا از برای تست نامهای

الْحُسْنَىٰ وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْآلَاءُ

نیکوتر و مثلهای بلندتر و بزرگواری و نعمتها

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ إِنْ كُنْتَ

و سؤال میکنم ترا بنام تو بنام خدای بسیار رحم کننده مهربان که اگر بوده باشی

خزانه کسی که عیال او را کفایت کند و غم ایشان بخورد و بکار ایشان مشغول میبوده

مراد از حسنه
دنیا زن صالحه است و باقی نعمتهای
دنیوی است و مراد از حسنه آخرت بهشت
و نعمتهای آنست و در حدیث وارد شده
است که حسنه دنیا زن عفیفه صالحه است
که مرد از دیدن او محظوظ باشد و مراد
از حسنه آخرت حور زنان بهشت است

قَضَيْتَ فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ تَنَزَّلُ الْمَلٰٓئِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا
که حکم کرده باشی در این شب فرود آمدن فرشتگان و روح را در آن
اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي
اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا در زمره
السُّعَدَآءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَآءِ وَاِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ
نیکبختان و روح مرا با شهیدان و نیکی مرا در علیین
وَاِسَآءَتِي مَغْفُورَةً وَاَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ
و بدکرداری مرا آمرزیده شده و اینکه ببخشی بمن یقینی که مباشر شوی بان
قَلْبِي وَاِيمَانًا لَا يَشُوبُهُ شَكٌّ وَرِضًا بِمَا قَسَمْتَ لِي وَ
دل مرا و ایمانی که مخلوط نباشد بان شکی و خوشنودی بانچه قسمت کرده برای من و
اٰتِنِي فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنِي
بده بمن در دنیا حسنه و در آخرت حسنه و نگاه دار مرا
عَذَابَ النَّارِ وَاِنْ لَمْ تَكُنْ قَضَيْتَ فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ
از عذاب آتش و اگر نبوده که حکم کرده باشی در این شب
تَنَزُّلَ الْمَلٰٓئِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا فَاَخِّرْنِي اِلٰى ذٰلِكَ
فرود آمدن فرشتگان و روح را در آن پس تاخیر کن مرا بسوی آن
وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَطَاعَتَكَ وَحُسْنَ
و روزی گردان مرا در آن شب یاد کردن تو و شکر گذاری تو و فرمانبرداری تو و نیکو کردن

عبادتک

عِبَادَتِكَ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ بِاَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ
عبادت ترا پس رحمت بفرست بر محمد و آل محمد بهترین رحمتهای تو
يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا اَحَدُ يَا صَمَدُ يَا رَبَّ مُحَمَّدٍ
ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ای یکتا ای مقصود در حوائج ای پروردگار محمد
اِغْضَبِ الْيَوْمَ لِمُحَمَّدٍ وَلِاَبْرَارِ عِتْرَتِهِ وَاقْتُلْ اَعْدَآءَهُمْ
غضب کن امروز برای خاطر محمد و برای خاطر نیکان اولاد او و بقتل رسان دشمنان ایشان را
بَدَدًا وَاَحْصِهِمْ عَدَدًا وَلَا تَدَعْ عَلٰى ظَهْرِ الْاَرْضِ
جدا جدا و بشمار عدد ایشان را و وامگذار بر پشت زمین
مِنْهُمْ اَحَدًا وَلَا تَغْفِرْ لَهُمْ اَبَدًا يَا حَسَنَ الصُّحْبَةِ
از ایشان کسی را و نیامرز برای ایشان هرگز ای نیکو صحبت
يَا خَلِيفَةَ النَّبِيِّينَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ الْبَدِيٓءُ
ای جانشین پیغمبران توئی رحم کننده ترین رحم کنندگان ابتدا کننده
الرَّفِيعُ الْبَدِيعُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ وَالدَّآئِمُ
رفیع الشان از نو پدید آورنده که نیست مانند مثل تو چیزی و دائمی
غَيْرُ الْغَافِلِ وَالْحَيُّ الَّذِي لَا يَمُوتُ اَنْتَ كُلَّ يَوْمٍ فِي
که غافل نمیشوی و توئی آن زنده که نمیمیرد تو در هر روزی در کار
شَاْنٍ اَنْتَ خَلِيفَةُ مُحَمَّدٍ وَنَاصِرُ مُحَمَّدٍ وَمُفَضِّلُ مُحَمَّدٍ
کاری توئی جانشین محمد و نصرت کننده محمد و زیادتی دهنده محمد

یعنی ای جانشین پیغمبران که دشمنان
کردن از دشمنان ایشان ظلما
که بر ایشان کرده اند

اسألك ان تنصر وصی محمد وخلیفة محمد والقائم

سؤال میکنم از تو اینکه نصرت دهی وصی محمد و جانشین محمد را برپا دارندهٔ

بالقسط من اوصیاء محمد صلواتك علیه وعلیهم

عدالت را از اوصیاء محمد رحمتهای تو براو و برایشان باد

اعطف علیهم نصرك یا لا اله الا انت بحق لا اله

مایل کردان برایشان نصرت تو را ای خداوندی که نیست خدائی مگر تو بحق کلمهٔ طیبهٔ لا اله

الا انت صل علی محمد وال محمد واجعلنی معهم فی

الا انت رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بگردان مرا با ایشان در

الدنیا والآخرة واجعل عاقبة امری الی غفرانك

دنیا و آخرت و بگردان عاقبت امر مرا بآمرزش خودت

ورحمتك یا ارحم الراحمین وكذلك نسبت نفسك

و رحمت خودت ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان و چنین نسبت داده ذات خود را

یا سیدی باللطف بلی انك لطیف فصل علی محمد و

ای آقای من بلطیف آری بدرستی که تو مهربانی پس رحمت بفرست بر محمد و

آل محمد والطف لما تشاء اللهم صل علی محمد وآله

آل محمد و مهربانی کن برای آنچه میخواهی خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل او

وارزقنی الحج والعمرة فی عامنا هذا وتطول علی

و روزی کن بمن حج و عمره را در سال ما این سال و احسان کن بر من

لطیف یعنی مهربان و مشفق است و بعضی گفته‌اند که حق تعالی ذات خود را بالطف ایشان که لطیف و از جمله اوصاف خود و اسماء حسنی شمرده است

بجمیع

بجمیع حوائجی للآخرة والدنیا استغفر الله ربی و

بهمهٔ حاجتهای من برای آخرت و دنیا طلب آمرزش میکنم خدا را که پروردگار من است و

اتوب الیه ان ربی قریب مجیب استغفر الله

توبه میکنم بسوی او بدرستی که پروردگار من نزدیک اجابت کننده است طلب آمرزش میکنم خدا را

ربی واتوب الیه ان ربی رحیم ودود استغفر

که پروردگار من است و توبه میکنم بسوی او بدرستی که پروردگار من مهربان بسیار دوست دارنده است طلب آمرزش میکنم

الله ربی واتوب الیه انه كان غفارا اللهم

خدا را که پروردگار من است و توبه میکنم بسوی او بدرستی که او هست بسیار آمرزنده خداوندا

اغفر لی انك ارحم الراحمین رب انی عملت

بیامرز برای من بدرستی که تو رحم کننده‌ترین رحم کنندگانی ای پروردگار من بدرستی که من کرده‌ام

سوءا او ظلمت نفسی فاغفر لی ذنوبی انه لا یغفر الذنوب

بدی را و ستم کرده‌ام بر نفس خود پس بیامرز برای من گناهان مرا بدرستی که نمی‌آمرزد گناهان را

الا انت استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی

مگر تو طلب آمرزش میکنم خدا را که نیست خدائی مگر او زنده

القیوم الحلیم العظیم الكریم غفارا للذنب العظیم

بخود برپای بردبار بزرگ صاحب کرم در حالتی که بسیار آمرزنده است گناه بزرگ را

واتوب الیه بعد از سه مرتبه بگوید استغفر الله ان الله

و توبه میکنم بسوی او طلب آمرزش میکنم خدا را بدرستی که خدا

كانَ غَفُوراً رَحيماً پس بگويد اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ اَنْ
هست آمرزنده مهربان خداوندا بدرستى كه من سؤال ميكنم از تو اينكه
تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ فيما تُقَدِّرُ مِنَ
رحمت فرستى بر محمد و آل محمد و اينكه بگردانى در آنچه تقدير ميكنى از
الْاَمْرِ الْعَظيمِ الْمَحْتُومِ في لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضآءِ
امر بزرگ محتوم در شب قدر از حكمى
الَّذي لا يُرَدُّ وَلا يُبَدَّلُ اَنْ تَكْتُبَني مِنْ حُجّاجِ بَيْتِكَ
كه رد كرده نميشود و تبديل كرده نميشود اينكه بنويسى مرا از جمله حج كنندگان خانه
الْحَرامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمُ الْمَغْفُورِ
حرام تو كه نيكو كرده شده باشد حج ايشان و جزاى خير داده شده باشد سعى ايشان و آمرزيده شده باشد
ذُنُوبُهُمُ الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئاتُهُمْ وَاَنْ تَجْعَلَ لي
گناهان ايشان و پوشانيده شده باشد از ايشان گناهان ايشان و اينكه بگردانى براى من
فيما تَقْضي وَتُقَدِّرُ اَنْ تُطيلَ عُمْري وَتُوَسِّعَ رِزْقي
در آنچه حكم ميكنى و تقدير ميكنى اينكه دراز كردانى عمر مرا و وسيع كردانى روزى مرا
وَتُؤَدِّيَ عَنّي اَمانَتي وَدَيْني آمينَ رَبَّ الْعالَمينَ
و ادا كنى از من امانت مرا و قرض مرا مستجاب كن اى پروردگار عالميان
اَللّهُمَّ اجْعَلْ لي فَرَجاً وَمَخْرَجاً وَارْزُقْني مِنْ حَيْثُ
خداوندا بگردان براى من گشايشى و بيرون شدنى و روزى ده مرا از جائى

مراد از امر عظيم محتوم امورات ... يعنى ... ال ... از ... تعالى ... آن ... راه ... نيابد

مراد از خانه حرام كعبه معظمه است

اَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لا اَحْتَسِبُ وَاحْرُسْني مِنْ حَيْثُ
گمان دارم و از جائى كه گمان ندارم و محافظت كن مرا از راهى كه
اَحْتَرِسُ وَمِنْ حَيْثُ لا اَحْتَرِسُ وَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ
محافظت خود ميكنم و از راهى كه محافظت خود نميكنم و رحمت بفرست بر محمد و آل
مُحَمَّدٍ وَسَلِّمْ كَثيراً دعائى كه از اول ماه مبارك رمضان تا
محمد و سلام فرست سلام بسيار آخر از هر شب خواندن آن سنت است
اَللّهُمَّ اِنّي اَفْتَتِحُ الثَّنآءَ بِحَمْدِكَ وَاَنْتَ مُسَدِّدٌ
خداوندا بدرستى كه من ابتدا ميكنم ستايش را بحمد تو و تو توفيق دهنده
لِلصَّوابِ بِمَنِّكَ وَاَيْقَنْتُ بِاَنَّكَ اَرْحَمُ الرّاحِمينَ
براى راستى و درستى بمنت خود يقين كرده ام باينكه تو رحم كننده ترين رحم كنندگانى
في مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَاَشَدُّ الْمُعاقِبينَ في
در محل در گذشتن و رحمت و سخت ترين عذاب كنندگانى در
مَوْضِعِ النَّكالِ وَالنَّقِمَةِ وَاَعْظَمُ الْمُتَجَبِّرينَ في
محل عذاب كردن و غضب و بزرگترين متجبرانى در
مَوْضِعِ الْكِبْرِيآءِ وَالْعَظَمَةِ اَللّهُمَّ اَذِنْتَ لي
محل بزرگوارى و عظمت خداوندا رخصت داده براى من
في دُعآئِكَ وَمَسْئَلَتِكَ فَاسْمَعْ يا سَميعُ مِدْحَتي وَ
در دعا كردن تو و سؤال كردن از تو پس بشنو اى شنوا ستايش مرا و

دعاى هر شب ماه مبارك رمضان

أَجِبْ يَا رَحِيمُ دَعْوَتِي وَأَقِلْ يَا غَفُورُ عَثْرَتِي فَكَمْ
اجابت كن اى مهربان دعاى مرا و دركذر اى بخشاينده لغزش مرا پس بسا
يَا إِلٰهِي مِنْ كُرْبَةٍ قَدْ فَرَّجْتَهَا وَهُمُومٍ قَدْ كَشَفْتَهَا
اى خداى من از اندوهى كه بتحقيق كه كشاده آنرا و غمهائى كه بتحقيق كه برطرف كرده ايشانرا
وَعَثْرَةٍ قَدْ أَقَلْتَهَا وَرَحْمَةٍ قَدْ نَشَرْتَهَا وَحَلْقَةِ
و لغزشى كه بتحقيق دركذشته ازان و رحمتى كه بتحقيق كه پهن كرده آنرا و حلقه
بَلَاءٍ قَدْ فَكَكْتَهَا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ
بلائى كه بتحقيق كه جدا كرده آنرا سپاس مر خدايراست كه فرا نكرفته است
صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ
زنى و نه فرزندى و نبوده است براى او شريكى در پادشاهى
وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
و نبوده است براى او دوستى از خوارى و تكبير بكو او را تكبير كفتنى سپاس مر خدايرا
بِجَمِيعِ مَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ نِعَمِهِ كُلِّهَا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
بهمه سپاسهاى او همه آنها بر همه نعمتهاى او همه آنها سپاس مر خدايراست
الَّذِي لَا مُضَادَّ لَهُ فِي مُلْكِهِ وَلَا مُنَازِعَ لَهُ فِي أَمْرِهِ
كه نيست مخالفت كننده براى او در پادشاهى او و نيست نزاع كننده براى او در كار او
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَا شَرِيكَ لَهُ فِي خَلْقِهِ وَلَا شِبْهَ لَهُ
سپاس مر خدايرا كه نيست شريكى براى او در خلق او و نه شبيهى براى او

مراد از حلقه بلا بلاهائى است كه مانند حلقه آدمى را فرو كرفته باشد و را اينكش كردن يا باشد

تكبير يعنى كفتن الله اكبر است و ممكن است كه معنى آن باشد كه بزركوارى او بكن تعظيم تا اظهار بزركوارى او بكن تعظيم كردنى يعنى تعظيمى كه هيچ تعظيمى بان برابرى نكند و تعظيم نزديك باشد كفته اند چنانكه عشق باشد

فِي عَظَمَتِهِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الْفَاشِي فِي الْخَلْقِ أَمْرُهُ وَحَمْدُهُ
در بزركى او سپاس مر خدايراست كه پهن است درميان خلايق فرمان او و سپاس او
الظَّاهِرِ بِالْكَرَمِ مَجْدُهُ الْبَاسِطِ بِالْجُودِ يَدَهُ الَّذِي
ظاهر است بسبب كرم بزركوارى او كشاده است بجشش دست خود را آنخداوندى كه
لَا تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ وَلَا تَزِيدُهُ كَثْرَةُ الْعَطَاءِ إِلَّا
كم نميشود خزانهاى او و زياد نميكرداند او را بسيارى عطا مكر
كَرَمًا وَجُودًا إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْوَهَّابُ اَللّٰهُمَّ إِنِّي
كرم و بخشش بدرستى كه او اوست عزيز بسيار بخشنده خداوندا بدرستى كه من
أَسْأَلُكَ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ مَعَ حَاجَةٍ بِي إِلَيْهِ عَظِيمَةٍ
سؤال ميكنم از تو اندكى را از بسيار با آنكه احتياج من بسوى آن عظيم است
وَغِنَاكَ عَنْهُ قَدِيمٌ وَهُوَ عِنْدِي كَثِيرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ
و بى نيازى تو ازان قديم است و حال آنكه آن نزد من بسيار است و آن بر تو
سَهْلٌ يَسِيرٌ اَللّٰهُمَّ إِنَّ عَفْوَكَ عَنْ ذَنْبِي وَتَجَاوُزَكَ
سهل آسان است خداوندا بدرستى كه عفو كردن تو از كناه من و تجاوز كردن تو
عَنْ خَطِيئَتِي وَصَفْحَكَ عَنْ ظُلْمِي وَسَتْرَكَ عَلَى قَبِيحِ عَمَلِي
از خطاى من و دركذشتن تو از ظلم كردن من و پوشانيدن تو بر عمل قبيح من
وَحِلْمَكَ عَنْ كَبِيرِ جُرْمِي عِنْدَ مَا كَانَ مِنْ خَطَائِي وَعَمْدِي
و بردبارى تو از كناه بزرك من نزد آنچه بوده است از خطاى من و تعمد كردن من

اطمعني في ان اسألك ما لا استوجبه منك الذي

بطمع انداخت مرا دلیری که سؤال کنم از تو چیزی را که مستحق نیستم آنرا از تو که

رزقتني من رحمتك وأريتني من قدرتك وعرفتني

روزی کردی مرا از رحمت خودت و نمودی بمن از قدرت خودت و شناسانیدی بمن

من اجابتك فصرت ادعوك آمنا واسألك مستأنسا

از اجابت کردن خودت پس گردیده ام بحالی که دعا میکنم ترا در حالتی که ایمن بوده و سؤال میکنم ترا در حالتی که انس گرفته

لا خائفا ولا وجلا مدلا عليك فيما قصدت فيه

نه خوف دارنده ام و نه ترسان نازکننده ام بر تو در آنچه قصد کرده ام در آن

اليك فان ابطأ عني عتبت بجهلي عليك ولعل

بسوی تو پس اگر دیر شود بر من عتاب میکنم بسبب نادانی خودم بر تو و شاید

الذي ابطأ عني هو خير لي لعلمك بعاقبة الامور

که آنچه دیر شده است از من آن بهتر باشد برای من بسبب علم تو بعاقبت کارها

فلم ار مولى كريما اصبر على عبد لئيم منك علي

پس ندیده ام آقای صاحب کرمی را صبر کننده تر بر بنده دنی از تو بر من

يا رب انك تدعوني فاولي عنك وتتحبب الي

ای پروردگار من بدرستی که تو میخوانی مرا پس رو میگردانم از تو و دوستی میکنی تو بسوی من

فاتبغض اليك وتتودد الي فلا اقبل منك كأن لي التطول عليك ثم

پس دشمنی میکنم بسوی تو و بجا مهربانی میکنی بسوی من پس قبول نمیکنم از تو گویا که احسان برای من بر تو هست پس

لم يمنعك ذلك من الرحمة لي والاحسان الي و

مانع نشده است تو را این از رحمت کردن برای من و احسان نمودن بسوی من و

التفضل علي بجودك وكرمك فارحم عبدك

تفضل کردن بر من بسبب بخشش تو و کرم تو پس رحم کن بنده

الجاهل وجد عليه بفضل احسانك انك جواد

نادان خود را و بخشش کن براو بزیادتی احسان خودت بدرستی که تو بخشنده

كريم الحمد لله مالك الملك مجري الفلك مسخر

صاحب کرمی سپاس مر خدا راست که صاحب پادشاهی است جاری کننده کشتیها تسخیر کننده

الرياح فالق الاصباح ديان الدين رب العالمين

بادهاست شکافنده صبح است جزا دهنده روز جزاست پروردگار عالمیان است

الحمد لله على حلمه بعد علمه والحمد لله على عفوه

سپاس مر خدا راست بر بردباری او بعد از دانائی او و سپاس مر خدا راست بر عفو او

بعد قدرته والحمد لله على طول اناته في غضبه

بعد از قدرت او و سپاس مر خدا راست بر درازی زمان حلم او در حال غضب او

وهو القادر على ما يريد الحمد لله خالق الخلق

و اوست قادر بر آنچه اراده میکند سپاس مر خدا راست که آفریننده خلایق است

وباسط الرزق ذي الجلال والاكرام والفضل

و پهن کننده روزی است صاحب بزرگی و گرامی داشتن و تفضل

والاحسان الذي بعد فلا يرى وقرب فشهد

واحسان است آن خداوندی که دور است پس دیده نمیشود و نزدیک است پس حاضر است

النجوى تبارك وتعالى الحمد لله الذي ليس له

سرگوشی را مبارک است و بلند مرتبه است سپاس مر خدا را است که نیست برای او

منازع يعادله ولا شبيه يشاركه ولا ظهير

نزاع کننده که برابری کند با او و نه مانندی که شرکت کند با او و نه معاونی

يعاضده قهر بعزته الاعزاء وتواضع لعظمته

که اعانت کند او را غلبه کرده است بعزت خود بر عزیزان و فروتنی کرده اند برای عظمت او

العظماء فبلغ بقدرته ما يشاء الحمد لله الذي

صاحبان عظمت پس رسیده است بسبب قدرت خود بانچه میخواهد سپاس مر خدا را است که

يجيبني حين اناديه ويستر علي كل عورة وانا اعصيه

اجابت میکند مرا هنگامی که ندا میکنم او را و میپوشاند بر من هر عیبی را و حال آنکه من معصیت او میکنم

ويعظم النعمة علي فلا اجازيه فكم من موهبة هنيئة

و عظیم میکرداند نعمت را بر من پس تدارک نمیکنم او را پس بسا از بخشش گوارائی

قد اعطاني وعظيمة مخوفة قد كفاني وبهجة

که بتحقیق که عطا کرده است بمن و بلیه عظیم ترسیده شده که بتحقیق که کفایت کرده است از آن و خوشحالی

مونقة قد اراني فاثني عليه حامدا و

خوش آینده که بتحقیق که نموده است بمن پس ستایش میکنم برو در حالی که حمد کننده ام و

اذکره

اذكره مسبحا الحمد لله الذي لا يهتك حجابه و

یاد میکنم او را در حالی که تسبیح کننده ام سپاس مر خدا را است که دریده نمیشود پرده او و

لا يغلق بابه ولا يرد سائله ولا يخيب

بسته نمیشود در او و رد کرده نمیشود سؤال کننده او و نومید کرده نمیشود

امله الحمد لله الذي يؤمن الخائفين وينجي

امیدوارنده او سپاس مر خدا را است که ایمن میکرداند خوف کنندگان را و نجات میدهد

الصالحين ويرفع المستضعفين ويضع المستكبرين

صالحان را و بلند میکرداند ضعیف شمرده شدگان را و پست میکند تکبر ورزندگان را

ويهلك ملوكا ويستخلف آخرين الحمد لله قاصم

و هلاک میکند پادشاهان را و جانشین ایشان میکرداند دیگران را سپاس از برای خدا است شکننده

الجبارين مبير الظلمة مدرك الهاربين نكال

جباران است هلاک کننده ظالمان است دریابنده گریختگان است عذاب کننده

الظالمين صريخ المستصرخين موضع حاجات الطالبين

ستمکاران است فریادرس طلب فریادرسی کنندگان است جایگاه حاجتهای طلب کنندگان است

ومعتمد المؤمنين الحمد لله الذي من خشيته ترعد

و محل اعتماد مومنان است سپاس مر خدا را است که از هراس او بلرزه در آورده میشود

السماء وسكانها وترجف الارض وعمارها وتموج

آسمان و ساکنان آن و بلرزه زمین و ساکنان آن و موج میزنند

الْبِحَارُ وَمَنْ يَسْبَحُ فِي غَمَرَاتِهَا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يَخْلُقُ وَلَمْ
دریاها و کسی که شناوری میکند در گردابهای آنها سپاس از برای خدا که خلق میکند و
يُخْلَقْ وَيَرْزُقُ وَلَا يُرْزَقُ وَيُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ
خلق کرده نشده است و روزی میدهد و روزی داده نمیشود و اطعام میکند و اطعام کرده نمیشود
وَيُمِيتُ الْاَحْيَاءَ وَيُحْيِي الْمَوْتٰى وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ
و میمیراند زندگان را و زنده میکرداند مردگان را و او زنده ایست که نمیمیرد
بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
بدست اوست خوبی و او بر هر چیزی بغایت توانا است خداوندا رحمت بفرست
عَلٰى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَاَمِينِكَ وَصَفِيِّكَ وَ
بر محمد که بنده تو و رسول تو و امانت دار تست و بر گزیده تو و
حَبِيبِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَحَافِظِ سِرِّكَ وَمُبَلِّغِ
دوست تو و انتخاب کرده شده تواست از میان مخلوقات تو و نگاه دارنده راز تو و رساننده
رِسَالَاتِكَ اَفْضَلَ وَاَحْسَنَ وَاَكْمَلَ وَاَجْمَلَ وَ
پیغامهای تست رحمتی که فاضلتر و بهتر و کاملتر و نیکوتر و
اَزْكٰى وَاَنْمٰى وَاَطْيَبَ وَاَطْهَرَ وَاَسْنٰى وَاَكْثَرَ
پاکیزه تر و زیاد شونده تر و خوشتر و پاکتر و روشنتر و بزرگتر باشد
مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ وَسَلَّمْتَ
از آنچه رحمت فرستاده و برکت فرستاده و ترحم کرده و مهربانی نموده و سلام فرستاده

عَلٰى اَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ وَاَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَصِفْوَتِكَ
بر یکی از بندگان خودت و پیغمبران خودت و رسولان خودت و برگزیدگان خودت
مِنْ خَلْقِكَ وَاَهْلِ الْكَرَامَةِ عَلَيْكَ اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلٰى
از خلق خودت و اهل کرامت بر تو خداوندا و رحمت بفرست بر
اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلٰى
سرکرده مؤمنان و وصی رسول پروردگار عالمیان و رحمت بفرست بر
الصِّدِّيقَةِ الطَّاهِرَةِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ
صدیقه پاک از گناهان یعنی فاطمه زهرا بزرگ زنان
الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلٰى سِبْطَيْ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَاِمَامَيِ الْهُدٰى
عالمیان و رحمت بفرست بر دو نواده پیغمبر رحمت و دو پیشوای هدایت
الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيْ شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ وَصَلِّ
یعنی حسن و حسین دو بزرگ جوانان اهل بهشت و رحمت بفرست
عَلٰى اَئِمَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَحُجَجِكَ عَلٰى عِبَادِكَ وَاُمَنَائِكَ
بر پیشوایان مسلمانان و حجتهای تو بر بندگان تو و امانت داران تو
فِي بِلَادِكَ صَلٰوةً كَثِيرَةً دَائِمَةً اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلٰى
در شهرهای تو رحمتی که بسیار و همیشه باشد خداوندا و رحمت بفرست
وَلِيِّ اَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ
صاحب اختیار کار تو که برپا است و امید داشته شده است و بسیار عادل انتظار کشیده شده است

عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ
علی پسر حسین و محمد
بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ
پسر علی و جعفر پسر محمد
وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ
و موسی پسر جعفر
وَعَلِيِّ بْنِ مُوسٰى وَ
و علی پسر موسی و
مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ
محمد پسر علی و علی پسر محمد
وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَالْخَلَفِ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ
و حسن پسر علی و فرزند مهدی

اَلْحَمْدُ
سپاس
لِلّٰهِ الَّذِي هَدَانَا لِهٰذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا اَنْ هَدَانَا اللّٰهُ

أُحْفُفْهُ بِمَلٰئِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَأَيِّدْهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ يَا
فرو گیر اورا بفرشتگان مقرب خود وتقویت کن اورا بروح القدس ای
رَبَّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ الدَّاعِيَ إِلَى كِتَابِكَ
پروردگار عالمیان خداوندا بگردان اورا دعوت کننده مردم بسوی کتاب تو
وَالْقَائِمَ بِدِينِكَ اسْتَخْلِفْهُ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْتَ
و برپای دارنده دین تو خلیفه گردان اورا در زمین چنانکه خلیفه کردایده
الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ مَكِّنْ لَهُ دِينَهُ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ لَهُ
جماعتی راکه پیش از او بوده اند متمکن گردان برای او دین او را آنچنان دینی که پسندیده از برای او
أَبْدِلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا يَعْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ
بدل کن اورا از بعد خوف او ایمنی که عبادت کند تورا و شریک نسازد با تو
شَيْئًا اَللّٰهُمَّ أَعِزَّهُ وَأَعْزِزْ بِهِ وَانْصُرْهُ وَانْتَصِرْ
چیزی را خداوندا عزیز گردان اورا وعزیز گردان بسبب او و نصرت ده اورا و انتقام بکش
بِهِ انْصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا اَللّٰهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَ
با او نصرت ده اورا نصرتی که غلبه کننده باشد خداوندا ظاهر ساز بسبب او دین خودرا و
سُنَّةَ نَبِيِّكَ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ
سنت پیغمبر خودرا تا آنکه مخفی نگرداند چیزی از حق را بجهت ترسیدن
أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ اَللّٰهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ
از کسی از خلق خداوندا بدرستی که ما رغبت میکنیم بسوی تو در دولت گرامی

من لدنك سلطانا نصيرا

تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَتُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ
عزیز گردانی بسبب آن دولت اسلام را واهل اسلام را وخوار گردانی بسبب آن نفاق را و
أَهْلَهُ وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ
اهل نفاق را وبگردانی مارا در آن دولت از دعوت کنندگان بسوی فرمانبرداری تو و
الْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا
کشانندگان بسوی راه حق تو وروزی ما گردانی بسبب آن دولت گرامی بودن دنیا
وَالْآخِرَةِ اَللّٰهُمَّ مَا عَرَّفْتَنَا مِنَ الْحَقِّ فَحَمِّلْنَاهُ
وآخرت را خداوندا آنچه شناسانیده بما از حق پس متحمل آن گردان ما را
وَمَا قَصُرْنَا عَنْهُ فَبَلِّغْنَاهُ اَللّٰهُمَّ الْمُمْ بِهِ شَعَثَنَا
وآنچه ما کوتاهی کرده ایم از آن پس برسان ما را بآن خداوندا جمع کن بسبب او پراکندگی ما را
وَاشْعَبْ بِهِ صَدْعَنَا وَارْتُقْ بِهِ فَتْقَنَا وَكَثِّرْ
و فراهم آور بسبب او شکافتگی ازما را و پیوسته گردان بسبب او جدا گشتگی ما را و بسیار کن
بِهِ قِلَّتَنَا وَأَعْزِزْ بِهِ ذِلَّتَنَا وَأَغْنِ بِهِ عَائِلَنَا
بسبب او کمی ما را و عزیز گردان بسبب او خواری ما را و بی نیاز گردان بسبب او عیال مند ما را
وَاقْضِ بِهِ عَنْ مَغْرَمِنَا وَاجْبُرْ بِهِ فَقْرَنَا وَسُدَّ
و اداکن بسبب او از قرض ما و تدارک کن بسبب او بیچیزی ما را و مسدود گردان
بِهِ خَلَّتَنَا وَيَسِّرْ بِهِ عُسْرَنَا وَبَيِّضْ بِهِ وُجُوهَنَا وَ
بسبب او احتیاج ما را و آسان گردان بسبب او دشواری ما را و سفید کردان بسبب او روهای ما را و

فك به اسرنا وانجح به طلبتنا وانجز به

خلاص کردن بسبب او گرفتاری ما و بر آور بسبب او مطلب ما را و بعمل آور بسبب او

مواعيدنا واستجب به دعوتنا واعطنا به

وعدهای ما را و مستجاب گردان بسبب او دعای ما را و عطا کن بما بسبب او

فوق رغبتنا يا خير المسئولين واوسع المعطين

بالاتر از خواهش ما ای بهترین سؤال کرده شدگان و وسعت دارترین عطا کنندگان

اشف به صدورنا واذهب به غيظ قلوبنا

شفا ده بسبب او سینهای ما را و بر طرف کن بسبب او کینهٔ دلهای ما را

واهدنا به لما اختلف فيه من الحق باذنك

و هدایت کن ما را بسبب او برای آنچه اختلاف کرده شده است در آن از حق برخصت خودت

انك تهدي من تشاء الى صراط مستقيم وانصرنا

بدرستی که تو هدایت میکنی هر کسی را که میخواهی بسوی راه راست و نصرت ده ما را

على عدوك وعدونا اله الخلق امين اللهم

بر دشمن تو و دشمن ما ای خداوند خلق مستجاب کن خداوندا

انا نشكوا اليك فقد نبينا وغيبة امامنا

بدرستی که ما شکوه میکنیم بسوی تو از نبودن پیغمبر ما و غایب بودن امام ما

وكثرة عدونا وشدة الفتن وتظاهر الزمان

و بسیاری دشمن ما و سخت بودن فتنها و تظاهر زمانه

واعطنا به سؤلنا وبلغنا به من الدنيا والاخرة امالنا

و عطا کن ما را بسبب او سؤال ما را و برسان ما را بسبب او از دنیا و آخرت آرزوهای ما را

وقلة عددنا

و کمی شمار ما

علينا فصل على محمد وال محمد واعنا على ذلك بفتح

بر ما پس رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و اعانت کن ما را بر آن بگشایشی

تعجله وضر تكشفه ونصر تعزه وسلطان

که تعجیل کنی آن را و بضرری که برطرف کنی آن را و نصرتی که غالب کنی آن را و پادشاه

حق تظهره ورحمة منك تجللناها وعافية

حق که ظاهر کردانی آن را و رحمتی از جانب خودت که فرو گیری ما را بآن و عافیتی

منك تلبسناها برحمتك يا ارحم الراحمين دعائی که در سحر هر شب ماه مبارک رمضان خوانده میشود

از جانب خودت که بپوشانی آن را بما برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

يا عدتي في كربتي ويا صاحبي في شدتي و

ای تهیهٔ من در حال مشقت من و ای رفیق من در حال سختی من و

يا وليي في نعمتي ويا غياثي في رغبتي انت

ای صاحب من در نعمت من و ای فریادرس من در رغبت من توئی

الساتر عورتي والمؤمن روعتي والمقيل عثرتي

پوشاننده عیب من و امان دهنده ترس من و در گذرنده لغزش من

فاغفر لي خطيئتي اللهم اني اسالك خشوع

پس بیامرز برای من گناه مرا خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو فروتنی

الايمان قبل خشوع الذل في النار يا واحد

ایمان را پیش از فروتنی خواری در آتش ای یگانه

دعای سحر ماه مبارک رمضان

يَا اَحَدُ يَا صَمَدُ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ
ای یکتا ای مقصود در حاجتها ای کسی که نزاییده است و زاییده نشده است و نیست
لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ سَاَلَهُ تَحَنُّنًا مِنْهُ وَ
برای او همتا کسی ای آنکسی که عطا میکند بهر کسی که سوال کرده است او را از روی مهربانی از او و
رَحْمَةً وَيَبْتَدِئُ بِالْخَيْرِ مَنْ لَمْ يَسْاَلْهُ تَفَضُّلًا مِنْهُ
رحمت و ابتدا میکند بخیر نیکی کسی را که سوال نکرده باشد او را از روی تفضل از او
وَكَرَمًا بِكَرَمِكَ الدَّآئِمِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ
و از روی کرم بسبب کرم دایمی خودت رحمت فرست بر محمد و اهل
بَيْتِهِ وَهَبْ لِي رَحْمَةً وَاسِعَةً جَامِعَةً اَبْلُغُ بِهَا
بیت او و بخش بمن رحمتی وسیع جمع کننده که برسم بسبب آن در خیر
خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْتَغْفِرُكَ لِمَا
بخیر دنیا و آخرت خداوندا بدرستی که من طلب آمرزش میکنم تو را برای آنچه
تُبْتُ اِلَيْكَ مِنْهُ ثُمَّ عُدْتُ فِيهِ وَاَسْتَغْفِرُكَ
توبه کرده ام بسوی تو از آن بعد از آن عود کرده ام در آن و طلب آمرزش میکنم تو را
لِكُلِّ خَيْرٍ اَرَدْتُ بِهِ وَجْهَكَ فَخَالَطَنِي فِيهِ مَا لَيْسَ
برای هر چیزی که اراده کرده ام بان ذات تو را پس مخلوط شده است مرا در آن چیزی که نبوده است
لَكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاعْفُ عَنْ ظُلْمِي
برای تو خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و در گذر از ستمکاری من

صمد بمعنی مطاع و بزرگ که بلند مرتبه
که از همه بزرگان باشد و بمعنی کسی
بود برپا و دینار از غیر باشد و بمعنی
کسی که هرچه اراده کند بعمل آورد
او غیر موجود شود و بمعنی بیان دیر
پیدا آمده است و همه در بمعنام ثابت
و نابر بمعنی آخیر کام بخواهد بود از لکه
وجود حق تعالی مستحکم و ثابت است و
از آن بمعنی و سبحان مبرا و منزه است

وَجُرْمِي بِحِلْمِكَ وَجُودِكَ يَا كَرِيمُ يَا مَنْ لَا يُخَيِّبُ
و گناه من بسبب بردباری خودت و بخشش خودت ای صاحب کرم ای کسی که نومید نمیشود
سَآئِلُهُ وَلَا يَنْفَدُ نَآئِلُهُ يَا مَنْ عَلَا فَلَا شَيْءَ فَوْقَهُ
سوال کننده او و آخر نمیشود عطای او ای کسی که بلند است پس نیست چیزی بالاتر از او
وَدَنَا فَلَا شَيْءَ دُونَهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ
و نزدیک است پس نیست چیزی نزدیک تر از او رحمت بفرست بر محمد و آل محمد
وَارْحَمْنِي يَا فَالِقَ الْبَحْرِ لِمُوسَى اَللَّيْلَةَ اَللَّيْلَةَ اَللَّيْلَةَ
و رحم کن مرا ای شکافنده دریا برای موسی در این شب در این شب در این شب
اَلسَّاعَةَ اَلسَّاعَةَ اَلسَّاعَةَ اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي
در این ساعت در این ساعت در این ساعت خداوندا پاک گردان دل مرا
مِنَ النِّفَاقِ وَعَمَلِي مِنَ الرِّيَآءِ وَلِسَانِي مِنَ الْكَذِبِ
از نفاق و عمل مرا از ریا و زبان مرا از دروغ
وَعَيْنِي مِنَ الْخِيَانَةِ فَاِنَّكَ تَعْلَمُ خَآئِنَةَ الْاَعْيُنِ وَمَا
و چشم مرا از خیانت پس بدرستی که تو میدانی خیانت چشمها را و آنچه را
تُخْفِي الصُّدُورُ يَا رَبِّ هٰذَا مَقَامُ الْعَآئِذِ بِكَ
پنهان میکند سینها ای پروردگار من اینجاست جای پناه آورنده بتو
مِنَ النَّارِ هٰذَا مَقَامُ الْمُسْتَجِيرِ بِكَ مِنَ النَّارِ هٰذَا
از آتش اینجاست جای پناه جوینده بتو از آتش اینجاست

مَقامُ المُستَغيثِ بِكَ مِنَ النّارِ هذا مَقامُ الهارِبِ
جای طلب فریادرسی کننده بتو از آتش اینست جای گریزنده
اِلَيكَ مِنَ النّارِ هذا مَقامُ مَن يَبوءُ لَكَ بِخَطيئَتِهِ وَ
بسوی تو از آتش اینجاست جای کسی که اقرار کرده برای تو بخطای خود و
يَعتَرِفُ بِذَنبِهِ وَيَتوبُ اِلى رَبِّهِ هذا مَقامُ البائِسِ
اعتراف نماید بگناه خود و توبه کند بسوی پروردگار خود اینجاست جای بیچاره محتاج
الفَقيرِ هذا مَقامُ الخائِفِ المُستَجيرِ هذا مَقامُ المَحزونِ
بی چیز اینجاست جای خوف دارنده پناه جوینده اینجاست جای اندوهناک
المَكروبِ هذا مَقامُ المَحزونِ المَغمومِ هذا مَقامُ
مشقت رسیده شده اینجاست جای اندوهناک غمگین اینجاست جای
الغَريبِ الغَريقِ هذا مَقامُ المُستَوحِشِ الفَرِقِ هذا
غریب غرق شده اینجاست جای وحشت دارنده ترسان اینجاست
مَقامُ مَن لا يَجِدُ لِذَنبِهِ غافِرًا غَيرَكَ وَلا لِهَمِّهِ مُفَرِّجًا
جای کسی که نمی یابد برای گناه خود آمرزنده غیر تو و نه برای اندوه خود کشاینده
سِواكَ يا اَللهُ يا كَريمُ لا تُحرِق وَجهي بِالنّارِ
غیر تو ای الله ای صاحب کرم مسوزان روی مرا با آتش
بَعدَ سُجودي لَكَ وَتَعفيري بِغَيرِ مَنٍّ مِنّي عَلَيكَ
بعد از سجده کردن من برای تو و بخاک مالیدن من روی خود را بدون منت از من بر تو

بل

بَل لَكَ الحَمدُ وَالمَنُّ وَالتَّفَضُّلُ عَلَيَّ اِرحَم
بلکه برای تست سپاس و منت و تفضل بر من رحم کن
اَي رَبِّ اَي رَبِّ اَي رَبِّ وَانقَدَّ اَي رَبِّ ابكوبه
ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من که نفس منقطع شود بعد از آن بگوید
ضَعفي وَقِلَّةَ حيلَتي وَرِقَّةَ جِلدي وَتَبَدُّدَ
ناتوانی مرا و کمی چاره مرا و نازک بودن پوست مرا و متفرق بودن
اَوصالي وَتَناثُرَ لَحمي وَجِسمي وَجَسَدي وَوَحدَتي
پیوندهای مرا و پراکندگی گوشت من و جسم من و بدن مرا و تنهائی مرا
وَوَحشَتي في قَبري وَجَزَعي مِن صَغيرِ البَلاءِ
و وحشت مرا در قبر من و بی تابی مرا از بلای خورد
اَسأَلُكَ يا رَبِّ قُرَّةَ العَينِ وَالاِغتِباطَ يَومَ
سؤال میکنم از تو ای پروردگار من سردی چشم و خوشحالی را در روز
الحَسرَةِ وَالنَّدامَةِ بَيِّض وَجهي يا رَبِّ يَومَ تَسوَدُّ
حسرت و پشیمانی سفید گردان روی مرا ای پروردگار من در روزی که سیاه میشود
الوُجوهُ آمِنّي مِنَ الفَزَعِ الاَكبَرِ اَسأَلُكَ البُشرى
روها ایمن گردان مرا از ترس بزرگتر سؤال میکنم از تو خبر شادی
يَومَ تَقَلَّبُ فيهِ القُلوبُ وَالاَبصارُ وَالبُشرى عِندَ
روزی که مضطرب میشوند در آن روز دلها و چشمها و خبر شادی را نزد

فراق الدنيا الحمد لله الذي ارجوه عونا في
مفارقت کردن از دنیا سپاس مر خدا راست که امید دارم از و یاری کردن زاد در
حبوتي واعده ذخرا ليوم فاقتي الحمد لله
زندگی من و مهیا میدارم او را ذخیره برای روز احتیاج خودم سپاس مر خدا راست
الذي ادعوه ولا ادعو غيره ولو دعوت غيره
که میخوانم او را و نمیخوانم غیر او را و اگر خوانده بودم غیر او را
لخيب دعائي الحمد لله الذي ارجوه ولا ارجو
هر اینه نومید کرده بود دعا مرا سپاس مر خدا راست که امید میدارم از و و امید نمیدارم
غيره ولو رجوت غيره لاخلف رجائي الحمد
از غیر او و اگر امید داشتم از غیر او هر اینه بعمل نیاورده بود امید مرا سپاس
لله المنعم المحسن المجمل المفضل ذي الجلال و
مر خدا راست که نعمت دهنده احسان کننده نیکی کننده انعام کننده صاحب بزرگی و
الاكرام ولي كل نعمة وصاحب كل حسنة و
گرامی داشتن است صاحب اختیار هر نعمتی و صاحب هر نیکی و
منتهى كل رغبة وقاضي كل حاجة اللهم صل
منتهای هر رغبتی و بر آورنده هر حاجتی است خداوندا رحمت بفرست
على محمد وال محمد وارزقني اليقين وحسن الظن
بر محمد و آل محمد و روزی کن بمن یقین و نیکی گمان

بك

بك واثبت رجاءك في قلبي واقطع رجائي عمن
بتو را و ثابت گردان امید داشتن از تو را در دل من و قطع کن امید مرا از کسی
سواك حتى لا ارجو غيرك ولا اثق الا بك يا
که غیر تست تا آنکه امید نداشته باشم از غیر تو و اعتماد نداشته باشم مگر بتو ای
لطيف لما تشاء الطف بي في جميع احوالي بما
مهربان بآنچه میخواهی مهربانی کن برای من در همه احوال من بآنچه
تحب وترضى يا رب اني ضعيف على النار فلا
دوست میداری و خوشنود میگردی ای پروردگار من بدرستیکه من ناتوانم بر آتش پس
تعذبني بالنار يا رب ارحم دعائي وتضرعي
عذاب مکن مرا با آتش ای پروردگار من رحم کن دعای مرا و زاری مرا
وخوفي وذلي ومسكنتي وتعويذي وتلويذي
و ترسیدن مرا و خواری مرا و افتادگی مرا و پناه آوردن مرا و عجز کردن مرا
يا رب اني ضعيف عن طلب الدنيا وانت واسع
ای پروردگار من بدرستیکه من ناتوانم از طلب کردن دنیا و تو هستی صاحب توسعه
كريم اسالك يا رب بقوتك على ذلك وقدرتك
و کرم سؤال میکنم ترا ای پروردگار من بتوانائی تو بر آن و قدرت تو
عليه وغناك عنه وحاجتي اليه ان ترزقني
بر آن و بی نیازی تو از آن و محتاج بودن من بسوی آن اینکه روزی کنی مرا

فی عامی هذا و شهری و یومی و ساعتی هذه رزقا
در سال من این سال و ماه من و روز من و ساعت من این ساعت روزی
تغنینی به عن تکلف ما فی ایدی الناس من
که غنی سازی مرا بسبب آن از مشقت آنچه در دستهای مردمان است از
رزقک الحلال الطیب ای رب منک اطلب و الیک
روزی تو که حلال پاکیزه است ای پروردگار من از تو طلب میکنم و بسوی تو
ارغب و ایاک ارجو و انت اهل ذلک لا ارجو
رغبت مینمایم و تو را امید دارم و تو سزاوار این هستی امیدوار نیستم
غیرک و لا اثق الا بک یا ارحم الراحمین ای
از غیر تو و اعتماد ندارم مگر بتو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ای
رب ظلمت نفسی فاغفر لی و ارحمنی و عافنی
پروردگار من ستم کرده ام بر نفس خود پس بیامرز از برای من و رحم کن مرا و عافیت ده مرا
یا سامع کل صوت و یا جامع کل فوت و یا باری
ای شنونده هر صدائی و ای جمع کننده هر فوت شده و ای آفریننده
النفوس بعد الموت یا من لا تغشاه الظلمات و
نفسها بعد از مردن ای آنکسی که فرو نمیگیرد او را تاریکیها و
لا تشتبه علیه الاصوات یا من لا یشغله شیء
مشتبه نمیشود بر او صداها ای آنکسی که مشغول نمیسازد او را چیزی

عن شیء اعط محمدا صلی الله علیه و آله افضل
از چیزی عطا کن محمد را که رحمت فرستد خدا برو و آل او بهترین
ما سألک و افضل ما سئلت له و افضل ما انت
آنچه سؤال کرده است تو را و بهترین آنچه سؤال کرده شده برای او و بهترین آنچه تو
مسئول له الی یوم القیمة و هب لی العافیة
سؤال کرده خواهی شد برای او تا روز قیامت و ببخش برای من عافیت را
حتی تهنئنی المعیشة و اختم لی بخیر حتی لا تضرنی
تا آنکه گوارا گردانی بمن زندگانی را و ختم کن برای من بخیر تا آنکه ضرر نرساند بمن
الذنوب اللهم رضنی بما قسمت لی حتی لا اسأل
گناهان خداوندا راضی گردان مرا بآنچه قسمت کرده برای من تا آنکه سؤال نکنم
احدا شیئا اللهم صل علی محمد و آل محمد و افتح
از کسی چیزی را خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بگشای
لی خزائن رحمتک ارحمنی رحمة لا تعذبنی
از برای من خزانهای رحمت خود را رحم کن مرا رحمتی که عذاب نکنی مرا
بعدها ابدا فی الدنیا و الآخرة و ارزقنی من
بعد از آن رحمت هرگز در دنیا و آخرت و روزی کن مرا از
فضلک الواسع رزقا حلالا طیبا لا تفقرنی الی
فضل وسیع خود روزی حلال پاکیزه که محتاج نسازی مرا بسوی

احد سواک تزیدنی بذلک شکرا والیک فاقة و
کسی بعد از ان عبر خودت در حالی که زیاد کردانی مرا بسبب ان از جهت شکرکاری و بسوی خودت از جهت فقر و
فقرا وبک عمن سواک غنا و تعففا یا محسن یا
احتیاج و بسبب تو از کسی که غیر تست از جهت بی نیازی و تعفف ای احسان کننده ای
مجمل یا منعم یا مفضل یا ملیک یا مقتدر صل
نیکی کننده ای نعمت دهنده ای تفضل کننده ای پادشاه ای بغایت توانا رحمت بفرست
علی محمد وال محمد واکفنی المهم کله واقض
بر محمد و ال محمد و کفایت کن برای من انچه مهم است همه انرا و حکم کن
لی بالحسنی وبارک لی فی جمیع اموری واقض لی
برای من به نیکوئی و مبارک گردان برای من در همه کارهای من و براور برای من
جمیع حوائجی اللهم یسر لی ما اخاف تعسیره فان
همه حاجتهای مرا خداوندا اسان گردان برای من انچه را که میترسم دشوار کردن انرا پس بدرستی
تیسیر ما اخاف تعسیره علیک یسیر وسهل لی ما
که اسان کردانیدن انچه میترسم دشوار کردن انرا بر تو اسان است و هموار گردان برای من انچه را
اخاف حزونته ونفس عنی ما اخاف ضیقه وکف
که میترسم ناهمواری انرا و برطرف کن از من انچه را که میترسم تنگی انرا و کفایت کن
عنی ما اخاف غمه واصرف عنی ما اخاف
از من انچه را که میترسم غم انرا و باز گردان از من انچه را که میترسم

بلیته

بلیته یا ارحم الراحمین اللهم املا قلبی حبا
بلیه انرا ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا پر کن دل مرا از دوستی
لک وخشیة منک وتصدیقا بکتابک وایمانا بک
برای تو و ترس از تو و تصدیق کردن بکتاب تو و ایمان داشتن بتو
وفرقا منک وشوقا الیک یا ذا الجلال والاکرام
و ترسیدن از تو و شوق داشتن بسوی تو ای صاحب بزرگی و گرامی داشتن
اللهم ان لک قبلی حقوقا فتصدق بها علی وللناس
خداوندا بدرستی که از برای تو نزد من حقی چند هست پس تصدق کن بانها بر من و از برای مردمان
قبلی تبعات فتحملها عنی وقد اوجبت لکل ضیف
نزد من مظلمها هست پس بردار انها را از من و بتحقیق که واجب کردانیدی از برای هر مهمانی
قری وانا ضیفک فاجعل قرای اللیلة الجنة
ضیافتی و من مهمان توام پس بگردان ضیافت مرا درین شب بهشت
یا وهاب الجنة یا وهاب المغفرة ولا حول و
ای بسیار بخشنده بهشت ای بسیار بخشنده امرزش نیست توانائی و
لا قوة الا بک ادعیه شبهای دهه اخر ماه مبارک رمضان
نه قوتی مگر بتو دعای شب اول از دهه اخر
یا مولج اللیل فی النهار ویا مولج النهار فی اللیل
ای داخل کننده شب در روز و ای داخل کننده روز در شب

ادعیه شبهای دهه اخر ماه مبارک رمضان

دعای شب بیست و یکم

مُخْرِجَ الْحَيِّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجَ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ يَا رَازِقَ

بیرون آورنده زنده از مرده وبیرون آورنده مرده از زنده ای روزی دهنده

مَنْ يَشَآءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ يَا

هر کسی را که میخواهد بی حساب ای الله ای بخشاینده ای مهربان ای

اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ لَكَ الْاَسْمَآءُ الْحُسْنٰى وَالْاَمْثَالُ

الله ای الله ای الله برای تست نامهای نیکوتر و مثلهای

الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَآءُ وَالْاٰلَآءُ اَسْاَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ

بلندتر و بزرگواری و نعمتها سؤال میکنم از تو اینکه رحمت فرستی

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَعَلٰى اَهْلِ بَيْتِهِ وَاَنْ تَجْعَلَ اسْمِي

بر محمد وآل محمد وبر اهل بیت او واینکه بگردانی نام مرا

فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ مِنَ السُّعَدَآءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَآءِ

در این شب از جمله نیکبختان وروح مرا با شهیدان

وَاِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَاِسَآءَتِي مَغْفُورَةً وَاَنْ تَهَبَ

ونیکی مرا در علیین وبدکرداری مرا آمرزیده شده واینکه ببخشی

لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَاِيمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي

بمن یقینی که مباشر شوی بآن دل مرا وایمانی که ببرد شک را از من

وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَاٰتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ

وراضی کردانی مرا بآنچه قسمت کرده برای من وبده بما در دنیا حسنه و

فِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ذَاتِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي

در آخرت حسنه ونگاه دار ما را از عذاب آتش سوزاننده وروزی کن بمن

فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ وَالْاِنَابَةَ

در این شب یاد کردن تو وشکرگذاری تو را ورغبت کردن بسوی تو وبازگشت

وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَاٰلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ

وتوفیق دادن را برای آنچه توفیق داده برای آن محمد وآل محمد را که براو

وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ دعای شب بیست وسیم یَا سَالِخَ النَّهَارِ مِنَ

وبر ایشان باد سلام ای کننده روز از

دعای شب بیست ودوم

اللَّيْلِ فَاِذَا نَحْنُ مُظْلِمُونَ وَمُجْرِيَ الشَّمْسِ لِمُسْتَقَرِّهَا

روی شب پس ناگاه ما درآینده ایم در تاریکی وجاری کننده آفتاب برای قرارگاه آن

بِتَقْدِيرِكَ يَا عَزِيزُ يَا عَلِيمُ وَمُقَدِّرَ الْقَمَرِ مَنَازِلَ

بسبب تقدیر خودت ای عزیز ای دانا وای تقدیر کننده ماه در منزلها

حَتّٰى عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ يَا نُورَ كُلِّ نُورٍ وَ

تا وقتی که گردید مانند شاخ خرمای کج شده شش ماهه ای روشنی دهنده هر روشنی و

مُنْتَهٰى كُلِّ رَغْبَةٍ وَوَلِيَّ كُلِّ نِعْمَةٍ يَا رَحْمٰنُ يَا اَللّٰهُ

منتهای هر رغبتی وصاحب هر نعمتی ای بخشاینده ای الله

يَا قُدُّوسُ يَا اَحَدُ يَا وَاحِدُ يَا فَرْدُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا

ای بسیار پاک ای یکتا ای یگانه ای تنها ای خدا ای خدا ای

اَللّٰهُ لَكَ الْاَسْمَآءُ الْحُسْنٰى وَالْاَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَآءُ
خدا برای تست نامهای نیکوتر ومثلهای بلندتر وبزرگواری
وَالْاٰلَآءُ اَسْاَلُكَ اَنْ تُصَلِّىَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَعَلٰى اَهْلِ
ونعمتها سؤال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد وآل محمد وبر اهل
بَيْتِهِ وَاَنْ تَجْعَلَ اسْمِى فِى هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِى السُّعَدَآءِ
بیتاو واینکه بگردانی نام مرا در این شب در زمرهٔ نیکبختان
وَرُوحِى مَعَ الشُّهَدَآءِ وَاِحْسَانِى فِى عِلِّيِّينَ وَاِسَآئَتِى
وروح مرا با شهیدان ونیکی مرا در علیین وبدکرداری مرا
مَغْفُورَةً وَاَنْ تَهَبَ لِى يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِى وَاِيمَانًا
آمرزیده شده واینکه ببخشی بمن یقینی که مباشر شوی بان دل مرا وایمانی
يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّى وَتُرْضِيَنِى بِمَا قَسَمْتَ لِى وَاٰتِنَا
که ببرد شک را از من وراضی گردانی مرا بانچه قسمت کرده برای من وبده ما را
فِى الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِى الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ
در دنیا حسنه ودر آخرت حسنه ونگاهدار ما را از عذاب
النَّارِ ذَاتِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِى فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ
آتش سوزانند وروزی کن بمن در این شب یاد کردن تو وشکر گذاری تو
وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ وَالْاِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ
ورغبت کردن بسوی تو وبازگشت نمودن وتوبه کردن وتوفیق یافتن

دعاء شب بیست و سیم

لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَاٰلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ
برای آنچه توفیق داده برای آن محمد وآل محمد را که بر او وبر ایشان باد سلام
دعاء شب بیست و سیم از ماه يَا رَبَّ لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَجَاعِلَهَا خَيْرًا مِنْ
ای پروردگار شب قدر وگرداننده آن بهتر از
اَلْفِ شَهْرٍ وَرَبَّ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْجِبَالِ وَالْبِحَارِ وَ
هزار ماه وپروردگار شب وروز وکوهها ودریاها و
الظُّلَمِ وَالْاَنْوَارِ وَالْاَرْضِ وَالسَّمَآءِ يَا بَارِئُ يَا
تاریکیها وروشنیها وزمین وآسمان ای آفریننده ای
مُصَوِّرُ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا قَيُّومُ يَا
صورت بخشنده ای بسیار مهربان ای بسیار نعمت دهنده ای خدا ای بخشاینده ای بخود برپا ای
اَللّٰهُ يَا بَدِيعُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ لَكَ الْاَسْمَآءُ الْحُسْنٰى
خدا ای نو پدید آورنده ای خدا ای خدا ای خدا برای تست نامهای نیکوتر
وَالْاَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَآءُ وَالْاٰلَآءُ اَسْاَلُكَ
ومثلهای بلندتر وبزرگواری ونعمتها سؤال میکنم از تو
اَنْ تُصَلِّىَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ اسْمِى فِى هٰذِهِ
اینکه رحمت بفرستی بر محمد وآل محمد واینکه بگردانی نام مرا در این
اللَّيْلَةِ فِى السُّعَدَآءِ وَرُوحِى مَعَ الشُّهَدَآءِ وَاِحْسَانِى
شب در زمرهٔ نیکبختان وروح مرا با شهیدان ونیکی مرا

فِي عِلِّيِّينَ وَاِسَاءَ تِي مَغْفُورَةً وَاَنْ تَهَبَ لِي يَقِيناً تُبَاشِرُ
در علیین و بدکرداری مرا آمرزیده شده و اینکه بخشی بمن یقینی که مباشر شوی

بِهِ قَلْبِي وَاِيمَاناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِمَا
بان دل مرا و ایمانی که ببرد شک را از من و راضی کردانی مرا باچه

قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً
قسمت کرده برای من و بده بما در دنیا حسنه و در آخرت حسنه

وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ذَاتِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا شُكْرَكَ
ونگاه دار ما را از عذاب آتش سوزاننده و روزی کن بمن در این شب شکرگذاری تو

وَذِكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ وَالْاِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ
و یاد کردن تو را و رغبت کردن بسوی تو و بازگشت نمودن و توبه کردن

وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ
و توفیق یافتن را برای آنچه توفیق داده برای آن محمد و آل محمد را که بر او و بر ایشان باد سلام

محمد بن عیسی باسناد خود از حضرات ائمه معصومین صلوات الله علیهم
روایت کرده است که در شب بیست و سیم ماه مبارک رمضان این دعا
را مکرر بخوان خواه در سجده باشی و خواه ایستاده و خواه نشسته
و بر هر حال که باشی و در همه اوقات ماه مبارک رمضان و در هر
وقت دیگر نیز که بیاد تو آید و ترا ممکن شود این دعا را مکرر بخوان

و دعا اینست که اول حمد الهی بکن و صلوة بر حضرت رسول
خدا و آل او صلوات الله علیهم بفرست بعد از آن بگو
اَللّٰهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ حُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ فِي هٰذِهِ السَّاعَةِ
خداوندا بوده باش از برای دوست خودت حجت پسر حسن در این ساعت

وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيّاً وَحَافِظاً وَقَائِداً وَنَاصِراً وَ
و در هر ساعتی دوست و نگاه دارنده و کشاننده و نصرت کننده و

دَلِيلاً وَعَيْناً حَتّٰى تُسْكِنَهُ اَرْضَكَ طَوْعاً وَتُمَتِّعَهُ
راه نماینده و چشم تا آنکه جای دهی او را در زمین خودت از روی خواهش و بهره مند کردانی او را

فِيهَا طَوِيلاً دعای شب بیست و چهارم از دعای یا فَالِقَ الْاِصْبَاحِ وَجَاعِلَ
در آن زمانی دراز ای شکافنده صبح و کرداننده

اللَّيْلِ سَكَناً وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَاناً يَا عَزِيزُ يَا عَلِيمُ
شب را چیزی که بآن آرام گیرند و آفتاب و ماه را حسابی ای غالب ای دانا

يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ وَالْقُوَّةِ وَالْحَوْلِ وَالْفَضْلِ وَالْاِنْعَامِ
ای صاحب نعمت و احسان و قوت و توانائی و تفضل و انعام

ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا اَللّٰهُ يَا فَرْدُ يَا
صاحب بزرگی و گرامی داشتن ای الله ای بخشاینده ای الله ای یگانه ای

وِتْرُ يَا اَللّٰهُ يَا ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ يَا حَيُّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ
یکتا ای خدا ای ظاهر ای باطن ای زنده نیست خدائی مگر تو

دعای شب بیست و چهارم

لَكَ الْاَسْمَآءُ الْحُسْنٰى وَالْاَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَآءُ

برای تست نامهای نیکوتر و مثلهای بلندتر و بزرگواری

وَالْاٰلَآءُ اَسْاَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ

و نعمتها سؤال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه

تَجْعَلَ اسْمِيْ فِيْ هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَآءِ وَرُوْحِيْ

بگردانی نام مرا در این شب در زمرهٔ نیکبختان و روح مرا

مَعَ الشُّهَدَآءِ وَاِحْسَانِيْ فِيْ عِلِّيِّيْنَ وَاِسَآءَتِيْ مَغْفُوْرَةً

با شهیدان و نیکی مرا در علیین و بدکرداری مرا آمرزیده شده

وَاَنْ تَهَبَ لِيْ يَقِيْنًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِيْ وَاِيْمَانًا يُذْهِبُ

و اینکه ببخشی بمن یقینی که مباشر شوی بان دل مرا و ایمانی که ببرد

الشَّكَّ عَنِّيْ وَرِضًا بِمَا قَسَمْتَ لِيْ وَاٰتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً

شک را از من ورضا مندی با نچه قسمت کرده برای من و بده بما در دنیا حسنه

وَفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ذَاتِ الْحَرِيْقِ

و در آخرت حسنه ونگاه دار ما را از عذاب آتش سوزان شده

وَارْزُقْنِيْ فِيْهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ

وروزی کن بمن در این شب یاد کردن تو وشکر گذاری تو را ورغبت کردن بسوی تو

وَالْاِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيْقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهٗ مُحَمَّدًا وَ

و باز گشت نمودن و توبه کردن و توفیق یافتن برای آنچه توفیق داده برای آن محمد و

آل

دعای شب بیست و پنجم

اٰلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ دعای شب پنجم از دهه آخر يَا جَاعِلَ

آل محمد را که بر او و بر ایشان باد سلام ای گرداننده

اللَّيْلِ لِبَاسًا وَالنَّهَارِ مَعَاشًا وَالْاَرْضِ مِهَادًا وَالْجِبَالِ

شب را پوشش و روز را وقت زیستن و زمین را فراش و کوهها را

اَوْتَادًا يَا اَللهُ يَا قَاهِرُ يَا اَللهُ يَا جَبَّارُ يَا اَللهُ يَا سَمِيْعُ

میخها ای الله ای قهر نماینده ای الله ای جبار ای الله ای شنوا

يَا اَللهُ يَا قَرِيْبُ يَا مُجِيْبُ يَا اَللهُ يَا اَللهُ يَا اَللهُ لَكَ الْاَسْمَآءُ

ای خدا ای نزدیک ای اجابت کننده ای الله ای الله ای الله برای تست نامهای

الْحُسْنٰى وَالْاَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَآءُ وَالْاٰلَآءُ

نیکوتر و مثلهای بلندتر و بزرگواری و نعمتها

اَسْاَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهٖ وَ

سؤال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اهل بیت او و

اَنْ تَجْعَلَ اسْمِيْ فِيْ هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَآءِ وَرُوْحِيْ

اینکه بگردانی نام مرا در این شب در زمرهٔ نیکبختان و روح مرا

مَعَ الشُّهَدَآءِ وَاِحْسَانِيْ فِيْ عِلِّيِّيْنَ وَاِسَآءَتِيْ مَغْفُوْرَةً

با شهیدان و نیکی مرا در علیین و بدکرداری مرا آمرزیده شده

وَاَنْ تَهَبَ لِيْ يَقِيْنًا تُبَاشِرُ بِهٖ قَلْبِيْ وَاِيْمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ

و اینکه ببخشی بمن یقینی که مباشر شوی بان دل مرا و ایمانی که ببرد شک را

عَنّی وَرِضًا بِما قَسَمْتَ لی وَآتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَةً وَفِی
از من ورضا مندی را بانچه قسمت کرده برای من وبده بما در دنیا حسنه ودر
الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النّارِ ذاتِ الْحَریقِ وَارْزُقْنی
آخرت حسنه ونگاهدار ما را از عذاب آتش سوزاننده وروزی کن بمن
فیها ذِکْرَکَ وَشُکْرَکَ وَالرَّغْبَةَ اِلَیْکَ وَالْاِنابَةَ
درین شب یاد کردن تو وشکر گذاری تو را ورغبت کردن بسوی تو وباز گشت نمودن
وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفیقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ
وتوبه کردن وتوفیق یافتن را برای آنچه توفیق داده برای آن محمد وآل محمد را
عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمُ السَّلامُ **دعای شب بیست وششم** یا جاعِلَ اللَّیْلِ
که بر او وبر ایشان باد سلام ای گرداننده شب
وَالنَّهارِ آیَتَیْنِ یا مَنْ مَحا آیَةَ اللَّیْلِ وَجَعَلَ آیَةَ النَّهارِ
و روز دو علامت ای آنکسی که محو کرده است علامت شب را وگردانیده است علامت روز را
مُبْصِرَةً لِیَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْهُ وَرِضْوانًا یا مُفَصِّلَ کُلِّ شَیْءٍ
روشن تا اینکه طلب کنند مردمان احسان را ازو وخوشنودی را ای تفصیل کننده هر چیز
تَفْصیلًا یا ماجِدُ یا وَهّابُ یا اَللّٰهُ یا جَوادُ یا اَللّٰهُ یا
تفصیل کردنی ای بزرگ ای بسیار بخشنده ای خدا ای بخشنده ای خدا ای
اَللّٰهُ یا اَللّٰهُ لَکَ الْاَسْماءُ الْحُسْنی وَالْاَمْثالُ الْعُلْیا
خدا ای خدا برای تست نامهای نیکوتر ومثلهای بلندتر

دعای شب بیست وششم

وَالْکِبْرِیاءُ وَالْآلاءُ اَسْاَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ
وبزرگواری ونعمتها سؤال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد وآل
مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ اسْمی فی هذِهِ اللَّیْلَةِ فِی السُّعَداءِ
محمد واینکه بگردانی نام مرا در این شب در زمره نیکبختان
وَرُوحی مَعَ الشُّهَداءِ وَاِحْسانی فی عِلِّیّینَ وَاِساءَتی
وروح مرا با شهیدان ونیکی مرا در علیین وبد کرداری مرا
مَغْفُورَةً وَاَنْ تَهَبَ لی یَقینًا تُباشِرُ بِهِ قَلْبی وَایمانًا
آمرزیده شده واینکه ببخشی بمن یقینی که مباشر شوی بآن دل مرا وایمانی
یُذْهِبُ الشَّکَّ عَنّی وَتُرْضِیَنی بِما قَسَمْتَ لی وَآتِنا
که ببرد شک را از من وراضی گردانی مرا بانچه قسمت کرده برای من وبده بما
فِی الدُّنْیا حَسَنَةً وَفِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ
در دنیا حسنه ودر آخرت حسنه ونگاهدار ما را از عذاب
النّارِ ذاتِ الْحَریقِ وَارْزُقْنی فیها ذِکْرَکَ وَشُکْرَکَ
آتش سوزاننده وروزی کن بمن درین شب یاد کردن تو وشکر گذاری تو را
وَالرَّغْبَةَ اِلَیْکَ وَالْاِنابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفیقَ لِما
ورغبت کردن بسوی تو وباز گشت نمودن وتوبه کردن وتوفیق یافتن را برای آنچه
وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
توفیق داده برای آن محمد وآل محمد را که رحمت فرستد خدا بر او وآل او وسلام فرستد

دعای شب بیست و هفتم

دعای شب هفتم از دهم یا مادّ الظّلّ ولو شئت لجعلته ساکنا
ای کشاننده سایه واگر خواسته بودی هر آینه کرده بودی آنرا ساکن
وجعلت الشّمس علیه دلیلا ثمّ قبضته الیک
وگردانیدی آفتاب را بر آن سایه دلیلی پس فرا گرفتی آن سایه را بسوی خودت
قبضا یسیرا یا ذا الجود والطّول والکبریاء والآلاء
فرا گرفتنی آسانی ای صاحب بخشش و انعام و بزرگواری و نعمتها
لا اله الّا انت عالم الغیب والشّهادة الرّحمن
نیست خدائی مگر تو دانای غیب و شهادت بخشاینده
الرّحیم لا اله الّا انت یا قدّوس یا سلام یا مؤمن
مهربان نیست خدائی مگر تو ای بسیار پاک ای سلام ای امان دهنده
یا مهیمن یا عزیز یا جبّار یا متکبّر یا الله یا
ای حفظ کننده ای غالب ای جبّار ای متکبّر ای خدا ای
خالق یا باریٔ یا مصوّر یا الله یا الله یا الله لک
خلق کننده ای آفریننده ای صورت بخشنده ای خدا ای خدا ای خدا برای تست
الاسماء الحسنی والامثال العلیا والکبریاء و
نامهای نیکوتر و مثلهای بلندتر و بزرگواری و
الآلاء اسألک ان تصلّی علی محمّد وعلی اهل بیته
نعمتها سؤال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمّد و بر اهل بیتش

وان

دعای شب بیست و هشتم

وان تجعل اسمی فی هذه اللّیلة فی السّعداء وروحی
و اینکه بگردانی نام مرا در این شب در زمره نیکبختان و روح مرا
مع الشّهداء واحسانی فی علّیّین واسائتی مغفورة
با شهیدان و نیکی مرا در علّیّین و بدکرداری مرا آمرزیده شده
وان تهب لی یقینا تباشر به قلبی وایمانا یذهب
و اینکه بخشی بمن یقینی که مباشر شوی بآن دل مرا و ایمانی که ببرد
الشّکّ عنّی وترضینی بما قسمت لی وآتنا فی
شک را از من و راضی کردانی مرا بآنچه قسمت کرده برای من و بده بما در
الدّنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب
دنیا حسنه و در آخرت حسنه و نگاه دار ما را از عذاب
النّار ذات الحریق وارزقنی فیها ذکرک وشکرک
آتش سوزاننده و روزی کن بمن در این شب یاد کردن تو و شکرگذاری تورا
والرّغبة الیک والانابة والتّوبة والتّوفیق
و رغبت کردن بسوی تو و بازگشت نمودن و توبه کردن و توفیق یافتن را
لما وفّقت له محمّدا وآل محمّد صلّی الله علیه وآله
برای آنچه توفیق داده برای آن محمّد و آل محمّد را که رحمت فرستد خدا برو و آل او
وسلّم دعای شب هشتم از دهه آخر یا خازن اللّیل فی الهواء
و سلام فرستد ای ضبط کننده شب در هوا

وَخازِنَ النُّورِ فِي السَّماءِ وَمانِعَ السَّماءِ اَنْ تَقَعَ عَلَى

وضبط کننده روشنی در آسمان ومنع کننده آسمان از اینکه بیفتد بر

الْاَرْضِ اِلّا بِاِذْنِهِ وَحابِسَهُما اَنْ تَزُولا يا عَلِيمُ

زمین مگر برخصت او ونگاه دارنده آسمان وزمین اینکه برطرف شوند ای دانا

يا غَفُورُ يا حَلِيمُ يا دائِمُ يا اَللهُ يا وارِثُ يا باعِثَ

ای بسیار آمرزنده ای بردبار ای همیشه ای خدا ای میراث برنده ای برانگیزاننده

مَنْ فِي الْقُبُورِ يا اَللهُ يا اَللهُ لَكَ الْاَسْماءُ

هرکه در قبرهاست ای خدا ای خدا ای خدا برای تست نامهای

الْحُسْنى وَالْاَمْثالُ الْعُلْيا وَالْكِبْرِياءُ وَالْآلاءُ

نیکوتر و مثلهای بلندتر و بزرگواری و نعمتها

اَسْاَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ

سؤال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی

اسْمِي فِي هذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَداءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَداءِ

نام مرا در این شب در زمره نیکبختان و روح مرا با شهیدان

وَاِحْسانِي فِي عِلِّيِّينَ وَاِسائَتِي مَغْفُورَةً وَاَنْ

و نیکی مرا در علیین و بدکرداری مرا آمرزیده شده و اینکه

تَهَبَ لِي يَقِيناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبِي وَاِيماناً يُذْهِبُ الشَّكَّ

ببخشی بمن یقینی که مباشر شوی بآن دل مرا و ایمانی که ببرد شک را

عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِما قَسَمْتَ لِي وَآتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً

از من و راضی کردانی مرا بآنچه قسمت کرده برای من و بده بما در دنیا حسنه

وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النّارِ ذاتِ الْحَرِيقِ

و در آخرت حسنه و نگاه دار ما را از عذاب آتش سوزاننده

وَارْزُقْنِي فِيها ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ

و روزی کن بمن در این شب یاد کردن تو و شکر کذاری تو را و رغبت کردن بسوی تو

وَالْاِنابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً

و بازکشت نمودن و توبه کردن و توفیق یافتن را برای آنچه توفیق داده برای آن محمد

وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ دعاء شب نهم از دهه آخر

و آل محمد را که رحمت فرستد خدا برو و آل او و سلام فرستد

يا مُكَوِّرَ اللَّيْلِ عَلَى النَّهارِ وَمُكَوِّرَ النَّهارِ عَلَى اللَّيْلِ

ای پوشاننده شب بر روز و پوشاننده روز بر شب

يا عَلِيمُ يا حَكِيمُ يا رَبَّ الْاَرْبابِ وَسَيِّدَ السّادَةِ

ای دانا ای درست کردار ای پرورده کار همه پرورندگان و بزرگ همه بزرگان

لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ يا اَقْرَبَ اِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ يا

نیست خدائی مگر تو ای نزدیکتر بسوی من از رگ گردن ای

اَللهُ يا اَللهُ يا اَللهُ لَكَ الْاَسْماءُ الْحُسْنى وَالْاَمْثالُ

خدا ای خدا ای خدا برای تست نامهای نیکوتر و مثلهای

دعای شب بیست و نهم

العليا والكبرياء والالاء اسالك ان تصلي على
بلندتر وبزرگواری و نعمتها سؤال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر
محمد وال محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة في
محمد وآل محمد و اینکه بگردانی نام مرا در این شب در
السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين
زمره نیکبختان وروح مرا با شهیدان و نیکی مرا در علیین
واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به
وبدکرداری مرا آمرزیده شده و اینکه ببخشی بمن یقینی که مباشر شوی بآن
قلبي وايمانا يذهب الشك عني وترضيني بما قسمت
دل مرا و ایمانی که ببرد شک را ازمن وراضی گردانی مرا بانچه قسمت کرده
لي وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة و
برای من وبده بما در دنیا حسنه ودر آخرت حسنه و
قنا عذاب النار ذات الحريق وارزقني فيها ذكرك و
نگاه دار ما را از عذاب آتش سوزاننده وروزی کن بمن درین شب یاد کردن تو و
شكرك والرغبة اليك والانابة والتوبة و
شکرگذاری تورا ورغبت کردن بسوی تو وبازگشت نمودن وتوبه کردن و
التوفيق لما وفقت له محمدا وآل محمد صلى الله عليه و
توفیق یافتن را برای آنچه توفیق داده برای آن محمد وآل محمد را که رحمت کند خدا برو و

ال

دعای شب چهارم

اله وسلم **دعاء شب چهارم از دهه آخر** الحمد لله لا شريك له
آل او وسلام فرستد سپاس مر خدا راست که نیست شریکی برای او
الحمد لله كما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله وكما
سپاس مر خدا راست چنانکه سزاوار است برای کریم بودن ذات او وعزت بزرگواری او وچنانکه
هو اهله يا قدوس يا نور يا نور يا قدوس يا
او لایق است ای بغایت پاک ای نور ای نور ای بسیار پاک ای
سبوح يا منتهى التسبيح يا رحمن يا فاعل الرحمة يا
بسیار تسبیح کرده شده ای منتهای تسبیح ای بخشاینده ای کننده رحمت ای
الله يا عليم يا كبير يا الله يا لطيف يا جليل يا سميع
خدا ای دانا ای بزرگ ای خدا ای مهربان ای بزرگ ای شنونده
يا بصير يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى و
ای بیننده ای خدا ای خدا ای خدا برای تست نامهای نیکوتر و
الامثال العليا والكبرياء والالاء اسالك ان
مثلهای بلندتر و بزرگواری و نعمتها سؤال میکنم از تو اینکه
تصلي على محمد وال محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة
رحمت بفرستی بر محمد وآل محمد و اینکه بگردانی نام مرا در این شب
في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين
در زمره نیکبختان وروح مرا با شهیدان و نیکی مرا در علیین

دعای وداع ماه مبارک رمضان

وَاِساءَتی مَغفُورَةً وَاَن تَهَبَ لی یَقیناً تُباشِرُ بِهِ

و بد کرداری مرا آمرزیده شده و اینکه ببخشی بمن یقینی که مباشر شوی باین

قَلبی وَاِیماناً یُذهِبُ الشَّکَّ عَنّی وَتُرضِیَنی بِما قَسَمتَ

دل مرا و ایمانی که ببرد شک را از من و راضی گردانی مرا بآنچه قسمت کرده

لی وَآتِنا فِی الدُّنیا حَسَنَةً وَفِی الآخِرَةِ حَسَنَةً

برای من و بده بما در دنیا حسنه و در آخرت حسنه

وَقِنا عَذابَ النّارِ ذاتِ الحَریقِ وَارزُقنی فیهِما ذِکرَکَ

و نگاه دار مرا از عذاب آتش سوزانند و روزی کن بمن در این شب یاد کردن تو

وَشُکرَکَ وَالرَّغبَةَ اِلَیکَ وَالاِنابَةَ وَالتَّوبَةَ وَ

و شکر گذاری ترا و رغبت کردن بسوی تو و بازگشت نمودن و توبه کردن و

التَّوفیقَ لِما وَفَّقتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُ اللهِ

توفیق یافتن را برای آنچه توفیق داده برای آن محمد و آل محمد را که رحمتهای خدا

عَلَیهِ وَعَلَیهِم وَسَلامُهُ **وداع ماه مبارک رمضان شب آخر**

برو و بر ایشان باد و سلام او این ماه این دعاء وداع را بخوان

اَللّهُمَّ اِنَّکَ قُلتَ فی کِتابِکَ المُنزَلِ عَلی لِسانِ

خداوندا بدرستیکه تو گفته در کتاب فرو فرستاده خودت بر زبان

نَبِیِّکَ المُرسَلِ عَلَیهِ السَّلامُ وَقَولُکَ حَقٌّ شَهرُ رَمَضانَ

پیغمبر مرسل خودت برو باد سلام و فرموده تو حق است ماه رمضان

الَّذی اُنزِلَ فیهِ القُرآنُ هُدًی لِلنّاسِ وَبَیِّناتٍ

که فرو فرستاده شده در آن قرآن درحالتی که هدایت است برای مردمان و دلیلهای واضح

مِنَ الهُدی وَالفُرقانِ وَهذا شَهرُ رَمَضانَ فَقَد تَصَرَّمَ

از هدایت و جدا کردن حق از باطل و این ماه رمضان بتحقیق که باخر رسید

فَاَسأَلُکَ بِوَجهِکَ الکَریمِ وَکَلِماتِکَ التّامَّةِ اِن

پس سؤال میکنم ترا بحق ذات تو که کریم است و کلمهای تو که تمام است که اگر

کانَ بَقِیَ عَلَیَّ ذَنبٌ لَم تَغفِرهُ لی اَو تُریدُ اَن تُعَذِّبَنی

باقیمانده بوده چنین که باقیمانده باشد بر من گناهی که نیامرزیده باشی آنرا برای من یا اراده داشته باشی که عذاب کنی مرا

عَلَیهِ اَو تُقایِسَنی بِهِ اَن یَطلُعَ فَجرُ هذِهِ اللَّیلَةِ اَو

بر آن گناه یا مقایسه کنی مرا بآن اینکه طلوع کند صبح این شب یا

یَتَصَرَّمَ هذَا الشَّهرُ اِلّا وَقَد غَفَرتَهُ لی یا

باخر رسد این ماه مگر و بتحقیق که آمرزیده باشی آنرا برای من ای

اَرحَمَ الرّاحِمینَ اَللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ بِمَحامِدِکَ کُلِّها

رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا برای تست ستایش بستایشهای تو همه آنها

اَوَّلِها وَآخِرِها ما قُلتَ لِنَفسِکَ مِنها وَما قالَ

اول آنها و آخر آنها آنچه تو گفته برای ذات خودت از آنها و آنچه گفته اند

لَکَ الخَلائِقُ الحامِدُونَ المُجتَهِدُونَ المُعَدِّدُونَ

برای تو خلایق ستایش کنندگان سعی کنندگان شمارندگان

الْمُؤْثِرُونَ فِي ذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ الَّذِينَ أَعَنْتَهُمْ
اختیار کنندگان در ذکر تو و شکر کردن برای تو آنجماعتی که اعانت کردی ایشانرا

عَلَى أَدَاءِ حَقِّكَ مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِكَ مِنَ الْمَلٰٓئِكَةِ
بر اداکردن حق تو از اقسام خلق تو از فرشتگان

الْمُقَرَّبِينَ وَالنَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَأَصْنَافِ النَّاطِقِينَ
مقرب و پیغمبران و رسولان و اقسام سخن گویندگان

الْمُسَبِّحِينَ لَكَ مِنْ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ عَلَى أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَنَا
تسبیح کنندگان برای تو از همه عالمیان بر اینکه تو بتحقیق رسانیدی مارا

شَهْرَ رَمَضَانَ وَعَلَيْنَا مِنْ نِعَمِكَ وَعِنْدَنَا مِنْ جَزِيلِ
بماه رمضان وحال آنکه بود برما از نعمهای تو و بود نزد ما از قسمهای

قِسَمِكَ وَإِحْسَانِكَ وَتَظَاهُرِ امْتِنَانِكَ فَبِذٰلِكَ لَكَ
بسیار تو و احسان تو و پی درپی بودن انعام تو پس بسبب این برای تست

مُنْتَهَى الْحَمْدِ الْخَالِدِ الدَّآئِمِ الرَّاكِدِ الْمُخَلَّدِ السَّرْمَدِ
منتهای ستایش همیشه دایمی ثابت پیوسته ابدی

الَّذِي لَا يَنْفَدُ طُولَ الْأَبَدِ جَلَّ ثَنَآؤُكَ أَعَنْتَنَا
که آخر نشود در درازی روزگار بزرگ است ستایش تو اعانت کردی مارا

عَلَيْهِ حَتَّى قَضَيْنَا عَنَّا صِيَامَهُ وَقِيَامَهُ مِنْ صَلٰوةٍ
بران تا آنکه اداکردی ازما روزه آنرا و ایستادن درانرا از نماز

وَمَا كَانَ مِنَّا فِيهِ مِنْ بِرٍّ أَوْ شُكْرٍ أَوْ ذِكْرٍ اَللّٰهُمَّ فَتَقَبَّلْهُ
وآنچه صادر شد ازما در آن ماه از نیکی یا شکری یا ذکری خداوندا پس قبول کن آنرا

مِنَّا بِأَحْسَنِ قَبُولِكَ وَتَجَاوُزِكَ وَعَفْوِكَ وَصَفْحِكَ
ازما به نیکوترین قبول خود و تجاوز خود و عفو خود و درگذشتن خود

وَغُفْرَانِكَ وَحَقِيقَةِ رِضْوَانِكَ حَتَّى تُظْفِرَنَا فِيهِ
و آمرزیدن خود و اصل خوشنودی خود تا آنکه فیروزی دهی مارا در آن

بِكُلِّ خَيْرٍ مَطْلُوبٍ وَجَزِيلِ عَطَآءٍ مَوْهُوبٍ وَتُؤْمِنَنَا
بهر خیر طلب کرده شده و بسیار از عطای بخشیده شده و ایمن کردانی مارا

فِيهِ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ مَرْهُوبٍ وَذَنْبٍ مَكْسُوبٍ اَللّٰهُمَّ إِنِّي
در آن از هر چیز ترسیده شده وگناه کسب کرده شده خداوندا بدرستی که من

أَسْأَلُكَ بِعَظِيمِ مَا سَأَلَكَ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ مِنْ كَرِيمِ
سؤال میکنم ترا بحق عظیم آنچه سؤال کرده است ترا کسی از خلق تو از شریف

أَسْمَآئِكَ وَجَزِيلِ ثَنَآئِكَ وَخَاصَّةِ دُعَآئِكَ أَنْ تُصَلِّيَ
نامهای تو و ستایش بسیار تو و دعای مخصوص بتو اینکه رحمت بفرستی

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ شَهْرَنَا هٰذَا أَعْظَمَ شَهْرِ
بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی ماه مارا اینماه بزرگترین ماه

رَمَضَانَ مَرَّ عَلَيْنَا مُذْ أَنْزَلْتَنَا إِلَى الدُّنْيَا بَرَكَةً فِي
رمضانی که گذشته است برما از آن زمانی که فرستاده مارا بسوی دنیا از راه برکت در

عصمة ديني وخلاص نفسي وقضاء حاجتي وتشفيعي في

نگاه داشتن دين من وخلاص کردن نفس من وبرآوردن حاجت من وقبول کردن شفاعت من در

مسائلي وتمام النعمة علي وصرف السوء عني ولباس

مطالب من وتمام کردن نعمت بر من وباز گردانیدن بدی از من ولباس

العافية لي وان تجعلني برحمتك ممن حزت له

تندرستی برای من واینکه بگردانی مرا برحمت خودت از کسانی که جمع کرده با برای ایشان شب

ليلة القدر وجعلتها له خيرا من الف شهر في

فضیلت شب قدر را وگردانیده باشی آن شب را برای ایشان بهتر از هزار ماه در

اعظم الاجر وكرائم الذخر وطول العمر وحسن

مزد بزرگتر واندوختهای نفیس وعمر دراز وشکر

الشكر ودوام اليسر اللهم واسألك برحمتك

نیکو ودائمی آسانی خداوندا وسؤال میکنم ترا برحمت تو

وطولك وعفوك ونعمائك وجلالك وقديم احسانك

واحسان تو وعفو تو ونعمتهای تو وبزرگواری تو واحسان قدیم تو

وامتنانك ان لا تجعله آخر العهد منا لشهر رمضان

ونعمت دادن تو اینکه نگردانی این ماه را آخرین برخوردنی از ما بماه رمضان

حتى تبلغناه من قابل على احسن حال وتعرفني هلاله

تا اینکه برسانی ما را آن از سال آینده بر نیکوترین حالی وبشناسانی بمن هلال آنرا

مع الناظرين اليه والمعترفين له في اعفى عافيتك و

با نظر کنندگان بسوی آن وجویندگان برای آن در کاملترین عافیت تو و

انعم نعمتك واوسع رحمتك واجزل قسمك اللهم يا

تمامترین نعمت تو ووسیعترین رحمت تو وبیشترین قسمتهای تو خداوندا ای

ربي الذي ليس لي رب غيره لا يكون هذا الوداع

پروردگار من که نیست برای من پروردگاری غیر او نبوده باشد این وداع

مني وداع فناء ولا آخر العهد من اللقاء حتى

از من وداع فانی شدنی ونه آخرین برخوردنی از ملاقات ماه رمضان تا اینکه

ترينيه من قابل في اسبغ النعم وافضل الرجاء

بنمائی آنماه را بمن از سال آینده در کاملترین نعمتها وبهترین امید

وانا لك على احسن الوفاء انك سميع الدعاء

وحال آنکه من بوده باشم برای تو بر نیکوترین وفا کردنی بدرستیکه تو شنونده دعائی

اللهم اسمع دعائي وارحم تضرعي وتذللي لك

خداوندا بشنو دعای مرا ورحم کن زاری مرا وفروتنی کردن مرا برای تو

واستكانتي وتوكلي عليك وانا لك مسلم لا ارجو

وافتادگی مرا وتوکل کردن مرا بر تو ومن از برای تو اطاعت کننده ام امید ندارم

نجاحا ولا معافاة ولا تشريفا ولا تبليغا الا بك

رستگاری را ونه عافیتی را ونه مشرف گردانیدنی را ونه رسانیدنی را مگر بسبب تو

ومنك فامنن علي جل ثناؤك وتقدست اسماؤك
و از جانب تو پس منت گذار بر من بزرگست ستایش تو و پاکست نامهای تو
بتبليغي شهر رمضان وانا معافى من كل سوء ومكروه
برسانیدن من بماه رمضان وحال آنکه من معاف باشم از هر بدی و ناخوشی
ومحذور من جميع البوائق الحمد لله الذي اعاننا
و حذر کرده شده از همه هلاک کنندها سپاس مر خدا راست که اعانت کرد ما را
على صيام هذا الشهر وقيامه حتى بلغنا آخر ليلة
بر روزه داشتن این ماه و ایستادن در این ماه تا رسانید ما را بآخر شبی
منه اللهم اني اسألك باحب ما دعيت وارضى
از آن خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا بدوسترین آنچه دعا کرده شده و پسندیده ترین
ما رضيت به عن محمد صلى الله عليه وآله وسلم
چیزی که خوشنود گشته بسبب آن از محمد رحمت فرستد خدا بر او و آل او و سلام فرستد
ان تصلي على محمد وآل محمد ولا تجعل وداعي شهر
اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و نگردانی وداع کردن من ماه
رمضان وداع خروجي من الدنيا ولا وداع آخر
رمضان را وداع بیرون رفتن من از دنیا و نه وداع آخرین
عبادتي فيه ولا آخر صومي لك وارزقني العود
عبادت کردن من در این ماه و نه آخرین روزه داشتن من برای تو و روزی کن مرا عود کردن

فيه

يا ارحم الراحمين
ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

فيه ثم العود فيه برحمتك يا ولي المؤمنين ووفقني
در این ماه پس عود کردن در این ماه برحمت خودت ای دوست دارنده مؤمنان و توفیق ده مرا
فيه لليلة القدر واجعلها لي خيرا من الف شهر
در این ماه از برای شب قدر و بگردان آن را برای من بهتر از هزار ماه
يا رب العالمين يا رب ليلة القدر وجاعلها
ای پروردگار عالمیان ای پروردگار شب قدر و گرداننده آن
خيرا من الف شهر رب الليل والنهار والجبال و
بهتر از هزار ماه ای پروردگار شب و روز و کوهها و
البحار والظلم والانوار والارض والسماء يا بارئ
دریاها و تاریکیها و روشنیها و زمین و آسمان ای آفریننده
يا مصور يا حنان يا منان يا الله يا رحمن يا رحيم
ای صورت بخشنده ای بسیار مهربان ای بسیار نعمت دهنده ای خدا ای بخشاینده ای مهربان
يا قيوم يا بديع لك الاسماء الحسنى والامثال العليا
ای بخود برپا ای نو پدید آورنده برای تست نامهای نیکوتر و مثلهای بلندتر
والكبرياء والآلاء اسألك باسمك بسم الله
و بزرگواری و نعمتها سؤال میکنم ترا بنام تو بنام خدای
الرحمن الرحيم ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل
بخشاینده مهربان اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی

اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء وروحی مع الشهداء
نام مرا در این شب در زمرهٔ نیکبختان و روح مرا با شهیدان
واحسانی فی علیین واسائتی مغفورة وان تهب لی
و نیکی مرا در علیین و بدکرداری مرا آمرزیده شده و اینکه بخشی بمن
یقینا تباشر به قلبی وایمانا لا یشوبه شک ورضا
یقینی که مباشر شوی بآن دل مرا و ایمانی که مخلوط نشود بآن شکی و خوشنودی
بما قسمت لی وان تؤتینی فی الدنیا حسنة وفی الآخرة
بآنچه قسمت کرده برای من و اینکه عطا کنی بمن در دنیا حسنه و در آخرت
حسنة وان تقینی عذاب النار اللهم اجعل فیما
حسنه و اینکه نگاهداری مرا از عذاب آتش خداوندا بگردان در میان آنچه
تقضی وتقدر من الامر المحتوم وفیما تفرق من الامر
حکم میکنی و تقدیر میکنی از امر محتوم و در میان آنچه جدا میکنی از امر
الحکیم فی لیلة القدر فی القضاء الذی لا یرد و
محکم در شب قدر در میان حکمی که باز گردانیده نمیشود
لا یبدل ولا یغیر ان تکتبنی من حجاج بیتک
تبدیل کرده نمیشود و تغییر داده نمیشود اینکه بنویسی مرا از جمله حج کنندگان خانه
الحرام المبرور حجهم المشکور سعیهم المغفور
حرام تو که نیکو کرداشته باشد حج ایشان جزای خیر داده شده باشد سعی ایشان آمرزیده شده باشد

ذنبهم المکفر عنهم سیئاتهم واجعل فیما تقضی و
گناه ایشان کفاره داده شده باشد از ایشان بدیهای ایشان و بگردان در میان آنچه حکم میکنی و
تقدر ان تعتق رقبتی من النار یا ارحم الراحمین
تقدیر میکنی اینکه آزاد کردانی گردن مرا از آتش ای رحم کننده ترین رحم کنندگان
اللهم انی اسألک ولم یسئل العباد مثلک جودا و
خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا و سؤال نکرده اند بندگان کسی را مثل تو از راه بخشش و
کرما وارغب الیک ولم یرغب الی مثلک انت
کرم و رغبت میکنم بسوی تو و رغبت کرده نشده است بسوی کسی که مثل تو باشد تو
موضع مسألة السائلین ومنتهی رغبة الراغبین
هستی موضع سؤال سؤال کنندگان و منتهای رغبت رغبت کنندگان
اسألک باعظم المسائل کلها وافضلها وانجحها
سؤال میکنم ترا ببزرگترین سؤالها همه آنها و بهترین آنها و برآمده ترین آنها
التی ینبغی للعباد ان یسألوک بها یا الله یا رحمن
آنچنان سؤالها که سزاوار است برای بندگان اینکه سؤال کنند ترا بآنها ای الله ای بخشاینده
وباسمائک ما علمت منها وما لم اعلم وباسمائک
و بنامهای تو آنچه را دانسته ام از آنها و آنچه ندانسته ام و بنامهای
الحسنی وامثالک العلیا ونعمک التی لا تحصی و
نیکوتر تو و مثلهای بلندتر تو و بنعمتهای تو که شمرده نمیتواند شد و

بِأَكْرَمِ أَسْمَائِكَ عَلَيْكَ وَأَحَبِّهَا إِلَيْكَ وَأَشْرَفِهَا

بگرامی‌ترین نامهای تو بر تو و دوست‌ترین آنها بسوی تو و شریف‌ترین آنها

عِنْدَكَ مَنْزِلَةً وَأَقْرَبِهَا مِنْكَ وَسِيلَةً وَأَجْزَلِهَا

نزد تو از جهت منزلت و نزدیکترین آنها از تو بجهت سبب و وافرترین آنها

مِنْكَ ثَوَابًا وَأَسْرَعِهَا لَدَيْكَ إِجَابَةً وَبِاسْمِكَ

از جانب تو بجهت ثواب و زودترین آنها نزد تو از راه اجابت و بنام تو

الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ الْأَكْبَرِ الْأَجَلِّ

که پنهان کرده شده خزانه گذاشته شده زنده بخود برپای بزرگتر بزرگوارتری است

الَّذِي تُحِبُّهُ وَتَهْوَاهُ وَتَرْضَى بِهِ عَمَّنْ دَعَاكَ بِهِ

که دوست میداری آن را و میخواهی آن را و خوشنود میگردی بسبب آن از کسی که بخواند ترا بآن

وَتَسْتَجِيبُ لَهُ دُعَاءَهُ وَحَقٌّ عَلَيْكَ أَلَّا تُخَيِّبَ سَائِلَكَ

و مستجاب میکنی برای او دعای او را و لازم است بر تو اینکه نومید نگردانی سؤال کننده خود را

وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ فِي التَّوْرَاةِ وَالْإِنْجِيلِ

و سؤال میکنم ترا بهر نامی که آن از برای تست در توریة و انجیل

وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ وَبِكُلِّ اسْمٍ دَعَاكَ بِهِ حَمَلَةُ

و زبور و فرقان و بهر نامی که خوانده‌اند ترا بآن بردارندگان

عَرْشِكَ وَمَلَائِكَةُ سَمَاوَاتِكَ وَجَمِيعُ الْأَصْنَافِ مِنْ

عرش تو و فرشتگان آسمانهای تو و همه اقسام از

خلقك

خَلْقِكَ مِنْ نَبِيٍّ أَوْ صِدِّيقٍ أَوْ شَهِيدٍ وَبِحَقِّ الرَّاغِبِينَ

مخلوقات تو از پیغمبری یا صدیقی یا شهیدی و بحق رغبت کنندگان

إِلَيْكَ الْفَرِقِينَ مِنْكَ الْمُتَعَوِّذِينَ بِكَ وَبِحَقِّ مُجَاوِرِي

بسوی تو که ترسندگانند از تو پناه آورندگانند بتو و بحق مجاوران

بَيْتِكَ الْحَرَامِ حُجَّاجًا وَمُعْتَمِرِينَ وَمُقَدِّسِينَ

خانهٔ حرام تو که حج کنندگان و عمره بجای آورندگان و نزدیکان و مقدسان اند

وَالْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِكَ وَبِحَقِّ كُلِّ عَبْدٍ مُتَعَبِّدٍ لَكَ

و بحق جهاد کنندگان در راه تو و بحق هر بندهٔ عبادت کننده برای تو

فِي بَرٍّ أَوْ بَحْرٍ أَوْ سَهْلٍ أَوْ جَبَلٍ أَدْعُوكَ دُعَاءَ مَنْ

در صحرا یا دریا یا بیابان یا کوه دعا میکنم ترا دعای کسی

قَدِ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ وَكَثُرَتْ ذُنُوبُهُ وَعَظُمَ

که بتحقیق که شدید باشد احتیاج او و بسیار باشد گناهان او و عظیم باشد

جُرْمُهُ وَضَعُفَ كَدْحُهُ دُعَاءَ مَنْ لَا يَجِدُ لِنَفْسِهِ

تقصیر او و ضعیف باشد سعی او دعای کسی که نیابد برای نفس خود

سَادًّا وَلَا لِضَعْفِهِ مُعَوِّلًا وَلَا لِذَنْبِهِ غَافِرًا غَيْرَكَ

سد کننده و نه از برای ناتوانی خود معتمدی و نه از برای گناه خود آمرزنده غیر تو

هَارِبًا إِلَيْكَ مُتَعَوِّذًا بِكَ مُتَعَبِّدًا لَكَ غَيْرَ مُسْتَنْكِفٍ

در حالتی که گریزنده‌ام بسوی تو پناه آورنده‌ام بتو عبادت کننده‌ام برای تو سرباز زننده‌ام

وَلا مُسْتَكْبِرٍ خائِفًا بائِسًا فَقيرًا مُسْتَجيرًا بِكَ اَسْأَلُكَ

ونه تكبر كننده ام بلكه ترسانم بى‌نوا محتاج پناه جوينده ام بتو سؤال ميكنم ترا

بِعِزَّتِكَ وَعَظَمَتِكَ وَجَبَرُوتِكَ وَسُلْطانِكَ وَبِمُلْكِكَ

بعزت تو وعظمت وقهر تو وسلطنت تو وبپادشاهى تو

وَبَهائِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَبِآلائِكَ وَحُسْنِكَ

وبحسن تو وبخشش تو وكرم تو وبنعمتهاى تو وحسن تو

وَجَمالِكَ وَبِقُوَّتِكَ عَلى ما اَرَدْتَ مِنْ خَلْقِكَ اَدْعُوكَ

وجمال تو وبتوانائى تو بر انچه اراده داشته از خلق خودت دعا ميكنم ترا

يا رَبِّ خَوْفًا وَطَمَعًا وَرَهْبَةً وَرَغْبَةً وَتَخَشُّعًا وَ

اى پروردكار من از روى خوف وطمع وترس ورغبت وفروتنى و

تَمَلُّقًا وَتَضَرُّعًا وَاِلْحافًا وَاِلْحاحًا خاضِعًا لَكَ لا

تملق وزارى ومبالغه والحاح درحالى كه فروتنى كننده ام از براى تو نيست

اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ وَحْدَكَ لا شَرِيكَ لَكَ يا قُدُّوسُ يا

خدائى مكر تو يكانه تو نيست شريكى براى تو اى بسيار پاك اى

قُدُّوسُ يا قُدُّوسُ يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ يا رَحْمٰنُ يا

بسيار پاك اى بسيار پاك اى خدا اى خدا اى خدا اى بخشاينده اى

رَحْمٰنُ يا رَحْمٰنُ يا رَحِيمُ يا رَحِيمُ يا رَحِيمُ يا رَبُّ يا رَبُّ

بخشاينده اى بخشاينده اى مهربان اى مهربان اى مهربان اى پروردكار اى پروردكار

يا رب

يا رَبُّ اَعُوذُ بِكَ يا اَللّٰهُ اَلْواحِدُ الْاَحَدُ الصَّمَدُ

اى پروردكار پناه ميبرم بتو اى خداى يكتاى يكانه مقصود در حاجتها

اَلْوِتْرُ الْمُتَكَبِّرُ الْمُتَعالِ وَاَسْأَلُكَ بِجَمِيعِ ما دَعَوْتُكَ

طاق بزركوار بلند مرتبه وسؤال ميكنم ترا بهمه انچه خوانده ام ترا

بِهِ وَبِاَسْمائِكَ الَّتِى تَمْلَأُ اَرْكانَكَ كُلَّها اَنْ تُصَلِّىَ

بان وبنامهاى تو كه پر ميكند اطراف ترا همه انهارا اينكه رحمت بفرستى

عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لى وَارْحَمْنى وَاَوْسِعْ

بر محمد وآل محمد وبيامرز براى من ورحم كن مرا ووسعت ده

عَلَىَّ مِنْ فَضْلِكَ الْعَظِيمِ وَتَقَبَّلْ مِنّى شَهْرَ رَمَضانَ وَ

بر من از انعام بزرك خودت وقبول كن از من ماه رمضان را و

صِيامَهُ وَقِيامَهُ وَفَرْضَهُ وَنَوافِلَهُ وَاغْفِرْ لى وَ

روزه انرا وايستادن در انرا وواجبات انرا وسنتهاى انرا وبيامرز براى من و

ارْحَمْنى وَاعْفُ عَنّى وَلا تَجْعَلْهُ آخِرَ شَهْرِ رَمَضانَ

رحم كن مرا ودركذر از من ومكردان اينماه را اخرين ماه رمضانى

صُمْتُهُ لَكَ وَعَبَدْتُكَ فِيهِ وَلا تَجْعَلْ وَداعى اِيّاهُ

كه روزه داشته باشم انرا از براى تو وعبادت كرده باشم ترا در ان ومكردان وداع كردن من اينماه را

وَداعَ خُرُوجى مِنَ الدُّنْيا اَللّٰهُمَّ اَوْجِبْ لى مِنْ رَحْمَتِكَ

وداع بيرون رفتن من از دنيا خدا وندا واجب كردان از براى من از رحمت خود

وَمَغْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ وَخَشْيَتِكَ اَفْضَلَ مَا اَعْطَيْتَ
وآمرزش خودت وخوشنودی خودت وهراس از خودت بهترین آنچه عطا کرده
اَحَدًا مِمَّنْ عَبَدَكَ فِيهِ اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي اَخْسَرَ
بکسی از کسانی که عبادت کرده اند ترا در اینماه خداوندا مگردان مرا زیان کارترین
مَنْ سَاَلَكَ فِيهِ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ اَعْتَقْتَهُ فِي هٰذَا
کسی که سؤال کرده باشد ترا در اینماه وبگردان مرا از کسانی که آزاد کرده باشی ایشانرا در این
الشَّهْرِ مِنَ النَّارِ وَغَفَرْتَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ
ماه از آتش وآمرزیده باشی برای ایشان آنچه پیش بوده است از گناه ایشان
وَمَا تَاَخَّرَ وَاَوْجَبْتَ لَهُ اَفْضَلَ مَا رَجَاكَ وَ
وآنچه آخر بوده است وواجب کردانیده باشی برای ایشان بهترین آنچه امید وار بوده اند از تو
اَمَّلَهُ مِنْكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي الْعَوْدَ
آرزو نموده اند از تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا روزی کن مرا عود کردن
فِي صِيَامِهِ لَكَ وَعِبَادَتِكَ فِيهِ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ كَتَبْتَهُ
در روزه اینماه برای تو وعبادت کردن تو در اینماه وبگردان مرا از کسانی که نوشته باشی ایشانرا
فِي هٰذَا الشَّهْرِ مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمْ
در این ماه از حج کنندگان خانه حرام تو که نیکو کردانیده شده باشد حج ایشان
الْمَغْفُورِ لَهُمْ ذَنْبُهُمْ الْمُتَقَبَّلِ عَمَلُهُمْ اٰمِينَ اٰمِينَ
آمرزیده شده است برای ایشان گناه ایشان قبول کرده شده است عمل ایشان خداوندا مستجاب کن خداوندا مستجاب کن

امین

اٰمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ لَا تَدَعْ لِي فِيهِ
خداوندا مستجاب کن ای پروردگار عالمیان خداوندا وامگذار برای من در اینماه
ذَنْبًا اِلَّا غَفَرْتَهُ وَلَا خَطِيئَةً اِلَّا مَحَوْتَهَا وَلَا
گناهی را مگر آنکه آمرزیده باشی آنرا ونه خطائی را مگر آنکه برطرف کرده باشی آنرا ونه
عَثْرَةً اِلَّا اَقَلْتَهَا وَلَا دَيْنًا اِلَّا قَضَيْتَهُ وَلَا عَيْلَةً
لغزشی را مگر آنکه درگذشته باشی از آن ونه قرضی را مگر آنکه ادا کرده باشی آنرا ونه بیچیزی را
اِلَّا اَغْنَيْتَهَا وَلَا هَمًّا اِلَّا فَرَّجْتَهُ وَلَا فَاقَةً اِلَّا
مگر آنکه بی نیاز کرده باشی آنرا ونه غمی را مگر آنکه برطرف کرده باشی آنرا ونه احتیاجی را مگر که
سَدَدْتَهَا وَلَا عُرْيًا اِلَّا كَسَوْتَهُ وَلَا مَرَضًا اِلَّا
سد کرده باشی آنرا ونه برهنگی را مگر که پوشانیده باشی آنرا ونه بیماری را مگر که
شَفَيْتَهُ وَلَا دَاءً اِلَّا اَذْهَبْتَهُ وَلَا حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ
شفا داده باشی او را ونه دردی را مگر که برده باشی آنرا ونه حاجتی را از حاجتهای
الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ اِلَّا قَضَيْتَهَا عَلٰى اَفْضَلِ اَمَلِي وَرَجَائِي
دنیا وآخرت مگر که برآورده باشی آنرا بر بهترین آرزوهای من وامیدهای من
فِيكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ
در باب تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا میل مفرمای دلهای ما را بعد از آنکه
اِذْ هَدَيْتَنَا وَلَا تُذِلَّنَا بَعْدَ اِذْ اَعْزَزْتَنَا وَلَا تَضَعْنَا
هدایت کرده باشی ما را وذلیل مگردان ما را بعد از آنکه عزیز کردانیده باشی ما را وپست مکن ما را

یعنی محتاج نباشد از آن احتیاج را
ونداردِ آن را من بعدی کرده باشی
که دیگر مرا احتیاج بغیر تو نباشد

بَعْدَ اِذْ رَفَعْتَنَا وَلَا تُهِنَّا بَعْدَ اِذْ اَكْرَمْتَنَا وَلَا تُفْقِرْنَا

بعد از انکه بلند کرده باشی ما را و خوار مکن ما را بعد از انکه گرامی داشته باشی ما را و فقیر مکن ما را

بَعْدَ اِذْ اَغْنَيْتَنَا وَلَا تَمْنَعْنَا بَعْدَ اِذْ اَعْطَيْتَنَا

بعد از انکه غنی گردانیده ما را و منع مکن ما را بعد از انکه عطا کرده باشی بما

وَلَا تَحْرِمْنَا بَعْدَ اِذْ رَزَقْتَنَا وَلَا تُغَيِّرْ شَيْئًا مِنْ

و محروم مگردان ما را بعد از انکه روزی داده ما را و تغییر مده چیزیرا از

نِعَمِكَ عَلَيْنَا وَاِحْسَانِكَ اِلَيْنَا لِشَيْءٍ كَانَ مِنْ ذُنُوبِنَا

نعمتهای خودت بر ما و احسان خودت بسوی ما برای چیزی که واقع شده است از گناهان ما

وَلَا لِمَا هُوَ كَائِنٌ مِنَّا فَاِنَّ فِي كَرَمِكَ وَعَفْوِكَ

و نه برای انچه واقع خواهد شد از ما پس بدرستیکه در کرم تو و عفو تو

وَفَضْلِكَ سَعَةً لِمَغْفِرَةِ ذُنُوبِنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَتَجَاوَزْ

و فضل تو وسعتی هست برای امرزیدن گناهان ما پس بیامرز برای ما و درگذر

عَنَّا وَلَا تُعَاقِبْنَا عَلَيْهَا بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

از ما و عذاب مکن ما را برانها برحمت خودت ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

اَللّٰهُمَّ اَكْرِمْنِي فِي مَجْلِسِي هٰذَا كَرَامَةً لَا تُهِينُنِي

خداوندا گرامی دار مرا در این مجلس من گرامی داشتنی که خوار نسازی مرا

بَعْدَهَا اَبَدًا وَارْفَعْنِي رِفْعَةً لَا تَضَعُنِي بَعْدَهَا

بعد از ان هرگز و بلند گردان مرا بلند گردانیدنی که پست نکنی مرا بعد از ان

اَبَدًا وَاَعِزَّنِي عِزًّا لَا تُذِلُّنِي بَعْدَهُ اَبَدًا وَعَافِنِي

هرگز و عزیز گردان مرا بعزتی که ذلیل نگردانی مرا بعد از ان هرگز و عافیت ده مرا

عَافِيَةً لَا تَبْتَلِيْنِي بَعْدَهَا اَبَدًا وَاصْرِفْ عَنِّي

عافیتی که مبتلا نسازی مرا بعد از ان هرگز و باز گردان از من

شَرَّ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ وَشَرَّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَشَرَّ

شر هر شیطان سرکشی را و شر هر جبار عناد ورزنده را و شر

كُلِّ قَرِيبٍ اَوْ بَعِيدٍ وَشَرَّ كُلِّ صَغِيرٍ اَوْ كَبِيرٍ وَشَرَّ كُلِّ

هر نزدیکی یا دوری را و شر هر خوردی یا بزرگی را و شر هر

دَابَّةٍ اَنْتَ اٰخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا اِنَّ رَبِّي عَلٰى صِرَاطٍ

جنبنده را که تو گیرنده موی پیش سر ازرا بدرستیکه پروردگار من بر راه

مُسْتَقِيمٍ اَللّٰهُمَّ مَا كَانَ فِي قَلْبِي مِنْ شَكٍّ اَوْ رِيبَةٍ

راست است خداوندا انچه بوده باشد در دل من از شکی یا ریبی

اَوْ جُحُودٍ اَوْ قُنُوطٍ اَوْ فَرَحٍ اَوْ مَرَحٍ اَوْ بَطَرٍ اَوْ بَذَخٍ

یا انکاری یا نومیدی از رحمت یا خوشحالی یا ازنادانی نشاطی یا طغیانی یا تفاخری

اَوْ خُيَلَاءَ اَوْ رِيَاءٍ اَوْ سُمْعَةٍ اَوْ شِقَاقٍ اَوْ نِفَاقٍ

یا تکبری یا ریائی یا سمعه یا شقاقی یا نفاقی

اَوْ كُفْرٍ اَوْ فُسُوقٍ اَوْ مَعْصِيَةٍ اَوْ شَيْءٍ لَا تُحِبُّ

یا کفری یا دروغ گفتنی یا معصیتی یا چیزی که دوست نداری

عَلَيْهِ وَلِيًّا لَكَ فَاسْئَلُكَ اَنْ تَمْحُوَهُ مِنْ قَلْبِي وَتُبَدِّلَنِي
بر آن حال دوستی برای خود پس سؤال میکنم ترا اینکه محو کنی آنرا از دل من و تبدیل کنی مرا
مَكَانَهُ اِيمَانًا بِكَ وَرِضًا بِقَضَائِكَ وَوَفَاءً بِعَهْدِكَ
بجای آن ایمانی بتو و خوشنودی بحکم تو و وفا کردن به پیمان تو
وَوَجَلًا مِنْكَ وَزُهْدًا فِي الدُّنْيَا وَرَغْبَةً فِيمَا
و ترس از تو و بی رغبتی در دنیا و رغبت کردن در آنچه
عِنْدَكَ وَثِقَةً بِكَ وَطُمَأْنِينَةً اِلَيْكَ وَتَوْبَةً
نزد تست و اعتماد کردن بتو و آرام گرفتن بسوی تو و توبه
نَصُوحًا اِلَيْكَ اَللّٰهُمَّ اِنْ كُنْتَ بَلَّغْتَنَاهُ وَاِلَّا فَاَخِّرْ
نصوحی بسوی تو خداوندا اگر بوده باشی که برسانی ما را بآن و اگر نه پس تأخیر کن
اٰجَالَنَا اِلٰى قَابِلٍ حَتّٰى تُبَلِّغَنَاهُ فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَ
اجلهای ما را بسال آینده تا آنکه برسانی ما را بآن در آسانی از جانب تو و
عَافِيَةٍ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ
عافیتی ای رحم کننده ترین رحم کنندگان و رحمت فرستد خدا بر محمد
وَاٰلِهِ كَثِيرًا وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ
و آل او بسیار و رحمت خدا و برکتهای او

تهلیلی که در دهه اول ماه ذی الحجه خوانده میشود مرویست که حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله وسلامه علیه در هر روز از روزهای
دهه اول ماه ذی الحجه این تهلیل را در آن ده روز بخواند بعدد هر مرتبه
که لا اله الا الله را گفته است حق تعالی عطا میکند باو در بهشت درجه
از مروارید و یاقوت و ما بین هر درجه صد ساله راه است برای سواری که
تند رود و در هر درجه شهریست و در آن قصریست از جوهر و تهلیل اینست

میخواند و میفرمود که هر که این تهلیل را

تهلیل دهه اول ماه ذی الحجه

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ اللَّيَالِي وَالدُّهُورِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
نیست خدائی مگر الله بعدد شبها و روزگارها نیست خدائی مگر الله
عَدَدَ اَمْوَاجِ الْبُحُورِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَرَحْمَتُهُ خَيْرٌ مِمَّا
بعدد موجهای دریاها نیست خدائی مگر الله و رحمت او بهتر است از آنچه
يَجْمَعُونَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ الشَّوْكِ وَالشَّجَرِ لَا اِلٰهَ
جمع میکنند نیست خدائی مگر الله بعدد خارها و درختان نیست خدائی
اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ الشَّعْرِ وَالْوَبَرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ
مگر الله بعدد موها و کرکها نیست خدائی مگر الله بعدد
الْحَجَرِ وَالْمَدَرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ قَطْرِ الْمَطَرِ لَا اِلٰهَ
سنگها و کلوخها نیست خدائی مگر الله بعدد قطرهای باران نیست خدائی
اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ لَمْحِ الْعُيُونِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ فِي اللَّيْلِ
مگر الله بعدد نظر کردن چشمها نیست خدائی مگر الله در شب
اِذَا عَسْعَسَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ فِي الصُّبْحِ اِذَا تَنَفَّسَ لَا
هرگاه تاریک شود نیست خدائی مگر الله در صبح هرگاه نفس کشد نیست

إِلٰهَ إِلَّا اللهُ عَدَدَ الرِّيَاحِ فِي الْبَرَارِي وَالصُّخُورِ لَا
خدائی مگر الله بعدد بادها در صحراها و سنگها نیست
إِلٰهَ إِلَّا اللهُ مِنَ الْيَوْمِ إِلَىٰ يَوْمِ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ
خدائی مگر الله از این روز تا روزی که دمیده شود در صور

دعاء روز اول ماه ذی الحجه

دعاء روز اول ماه ذی الحجة این دعا را از اول ماه ذی الحجه
تا شام روز عرفه هر روز بعد از نماز صبح و بعد از نماز شام باید خواند
اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ الْأَيَّامُ الَّتِي فَضَّلْتَهَا عَلَى الْأَيَّامِ وَشَرَّفْتَهَا
خداوندا این روزها است که زیادتی داده آنها را بر همه روزها و تشریف کرده آنها را
وَقَدْ بَلَّغْتَنِيهَا بِمَنِّكَ وَرَحْمَتِكَ فَأَنْزِلْ عَلَيْنَا فِيهَا
و بتحقیق که رسانیدی مرا بآنها بنعمت خود و رحمت خود پس فرود آور بر ما در آنها
مِنْ بَرَكَاتِكَ وَأَوْسِعْ عَلَيْنَا فِيهَا مِنْ نَعْمَائِكَ اَللّٰهُمَّ
از برکتهای خودت و وسیع کردان بر ما در آنها از نعمتهای خودت خداوندا
إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَهْدِيَنَا
بدرستی که من سؤال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه هدایت کنی ما را
فِيهَا لِسَبِيلِ الْهُدَىٰ وَتَرْزُقَنَا فِيهَا التَّقْوَىٰ وَالْعَفَافَ
در آنها از برای راه هدایت و روزی کنی بما در آنها پرهیزکاری و عفت و دنید
وَالْغِنَىٰ وَالْعَمَلَ فِيهَا بِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَىٰ اَللّٰهُمَّ إِنِّي
و توانگری را و عمل کردن را در آنها بآنچه دوست میداری و خوشنود میشوی خداوندا بدرستی که من

أَسْأَلُكَ يَا مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوَىٰ وَيَا سَامِعَ كُلِّ نَجْوَىٰ وَيَا
سؤال میکنم ترا ای محل هر شکایت وای شنونده هر رازی و ای
شَاهِدَ كُلِّ مَلَاءٍ وَيَا عَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَىٰ
حاضر در نزد هر جمعیتی وای دانای هر پنهانی اینکه رحمت بفرستی بر
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَكْشِفَ عَنَّا فِيهَا الْبَلَاءَ وَ
محمد و آل محمد و اینکه برطرف کنی از ما در آنها بلا را و
تَسْتَجِيبَ لَنَا فِيهَا الدُّعَاءَ وَتُقَوِّيَنَا وَتُعِينَنَا وَتُوَفِّقَنَا
مستجاب کردانی برای ما در آنها دعا را و قوت دهی ما را و اعانت کنی ما را و توفیق دهی ما را
فِيهَا لِمَا تُحِبُّ رَبَّنَا وَتَرْضَىٰ وَعَلَىٰ مَا افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا
در آنها برای آنچه دوست میداری ای پروردکار ما و خوشنود میکردی و بر آنچه واجب کرده بر ما
مِنْ طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ وَأَهْلِ وِلَايَتِكَ
از اطاعت تو و اطاعت رسول تو و آنهائی که اهلیت صاحب اختیاری را دارند از جانب تو
اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا ای بسیار رحم کننده ای مهربان ای رحم کننده ترین رحم کنندگان
أَنْ تُصَلِّيَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَهَبَ لَنَا فِيهَا الرِّضَا
اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه ببخشی برای ما در آنها خوشنودی را
إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ وَلَا تَحْرِمْنَا خَيْرَ مَا تُنْزِلُ فِيهَا
بدرستی که تو شنونده دعائی و محروم مکردان ما را از خیر آنچه فرود می آید در آنها

مِنَ السَّمَاءِ وَطَهِّرْنَا فِيهَا مِنَ الذُّنُوبِ يَا عَلَّامَ الْغُيُوبِ
از آسمان و پاک گردان ما را در اینها از گناهان ای بسیار دانای غیبها
وَاَوْجِبْ لَنَا فِيهَا دَارَ الْخُلُودِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
و واجب گردان از برای ما در اینها خانه دایمی را خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل
مُحَمَّدٍ وَلَا تَتْرُكْ لَنَا فِيهَا ذَنْبًا اِلَّا غَفَرْتَهُ وَلَا هَمًّا
محمد و وامگذار از برای ما در این روزها گناهی را مگر آنکه آمرزیده باشی آن را و نه اندوهی را
اِلَّا فَرَّجْتَهُ وَلَا دَيْنًا اِلَّا قَضَيْتَهُ وَلَا غَائِبًا اِلَّا
مگر آنکه برطرف کرده باشی آن را و نه قرضی را مگر آنکه ادا کرده باشی آن را و نه غایبی را مگر آنکه
اَدَّيْتَهُ وَلَا حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ اِلَّا
نزدیک گردانیده باشی آن را و نه حاجتی را از حاجتهای دنیا و آخرت مگر آنکه
سَهَّلْتَهَا وَيَسَّرْتَهَا اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ
سهل کرده باشی آن را و آسان کرده باشی آن را بدرستی که تو بر هر چیز بغایت توانائی خداوندا
يَا عَالِمَ الْخَفِيَّاتِ يَا رَاحِمَ الْعَبَرَاتِ يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ
ای دانای چیزهای مخفی ای رحم کننده اشکها ای اجابت کننده دعاها
يَا رَبَّ الْاَرَضِينَ وَالسَّمٰوَاتِ يَا مَنْ لَا تَتَشَابَهُ عَلَيْهِ
ای پروردگار زمینها و آسمانها ای آنکسی که مشتبه نمیشود بر او
الْاَصْوَاتُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنَا فِيهَا
آوازها رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بگردان ما را در این روزها

مِنْ عُتَقَائِكَ وَطُلَقَائِكَ مِنَ النَّارِ وَالْفَائِزِينَ بِجَنَّتِكَ
آزاد کرده شدگان خود و خلاص کرده شدگان از آتش و رسیدگان بهشت تو
النَّاجِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ
که نجات یافتگانند برحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان و رحمت فرستد خدا بر محمد
وَآلِهِ اَجْمَعِينَ ذکر نمازهائی که در شریعت مقدسه ترغیب
و آل او همگی
و تحریض بانها شده از آنجمله است نماز حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و این نماز دو رکعت است در هر رکعتی
سوره حمد را یکمرتبه و سوره انا انزلناه را پانزده مرتبه بخوان و
حال آنکه ایستاده باشی پس رکوع کن و در رکوع نیز سوره انا انزلنا
را پانزده مرتبه بخوان بعد از آن سر از رکوع بردار و راست بایست
و سوره انا انزلناه را پانزده مرتبه بخوان پس سجده کن و در سجود نیز
پانزده مرتبه بخوان پس سر بردار از سجود و بنشین و در حال نشستن
نیز پانزده مرتبه بخوان پس سجده دویم را بجای آور و در این سجده
نیز پانزده مرتبه بخوان پس سر از سجده بردار و بنشین و در حال
نشستن نیز سوره مذکوره را پانزده مرتبه بخوان بعد از آن برخیز
و رکعت دویم را نیز بدستور رکعت اول بجای آور و تشهد بخوان و
سلام نماز بگو بعد از آن هر تعقیب و دعائی که خواهی بخوان و چون
این نماز را گذاردی و فارغ گردیدی در میان تو و حق تعالی گناه

نماز حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله

نماز جعفر طیار

باقی نماند مگر آنکه حق تعالی آنرا آمرزیده است برای تو نماز تسبیح
این نماز چهار رکعتست بدو سلام در رکعت اول سورهٔ حمد و (تشهد و دو)
سورهٔ اذا زلزلت را هر یك یکمرتبه و در رکعت دویم سورهٔ حمد و
سورهٔ والعادیات را هر یك یکمرتبه و در رکعت سیم سورهٔ حمد
و سورهٔ اذا جاء نصر الله را یکمرتبه بخوان و در هر رکعتی چون از قرائت
فارغ شوی سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ
اَکْبَرُ پاکست خدا و سپاس از برای خداست و نیست خدائی مگر الله و خدا
بزرگترست را پانزده مرتبه پیش از رکوع و ده مرتبه در حال رکوع
و ده مرتبه در وقتی که سر از رکوع بردارد و راست بایستد و ده مرتبه
در حال سجدهٔ اول و ده مرتبه در ما بین دو سجده و ده مرتبه در
حال سجدهٔ دویم و ده مرتبه در وقتی که سر از سجدهٔ دویم بردارد
و درست بنشیند چهار رکعت نماز را بدو تشهد و دو سلام بترتیب
مذکور بجای آورد و در سجدهٔ دویم رکعت چهارم که از خواندن ده مرتبه تسبیح
فارغ میگردد بگوید سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ
پاکست خداوندی که لباس خود کرده عزت
وَالْوَقَارَ سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ
و بزرگی را پاکست خداوندی که مهربانی کرده است بسبب بزرگی خود و کرامی شده است
بِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ اِلَّا لَهُ سُبْحَانَ مَنْ
بدان پاکست خداوندی که سزاوار نیست تسبیح کردن مگر از برای او پاکست خداوندی

(در دو رکعت چهارم سورهٔ جحد / سورهٔ قل هو الله احد [illegible])

اَحْصٰی کُلَّ شَیْءٍ عِلْمُهُ سُبْحَانَ ذِی الْمَنِّ وَالنِّعَمِ سُبْحَانَ
که شمرده است هر چیزی را علم او پاکست صاحب منت و نعمتها پاکست
ذِی الْقُدْرَةِ وَالْکَرَمِ سُبْحَانَ ذِی الْعِزَّةِ وَالْفَضْلِ
صاحب توانائی و کرم پاکست صاحب غلبه و تفضل
سُبْحَانَ ذِی الْقُوَّةِ وَالطَّوْلِ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْاَلُكَ بِمَعَاقِدِ
پاکست صاحب قوت و احسان خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا بمواضع بستن
الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَی الرَّحْمَةِ مِنْ کِتَابِكَ وَبِاسْمِكَ
عزت از عرش تو و بمنتهای رحمت از کتاب تو و باسم
الْاَعْظَمِ وَکَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ الَّتِی تَمَّتْ صِدْقًا اَنْ
اعظم تو و کلمهای تمام تو که تمام شده است از روی راستی اینکه
تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهِ وَاَنْ تَفْعَلَ بِی کَذَا وَکَذَا
رحمت فرستی بر محمد و اهل بیت او و اینکه بکنی بمن چنین و چنین

(بجای کذا و کذا حاجت خود را بگوید)

مفضل بن عمر روایت کرده است که حضرت امام جعفر صادق
علیه الصلوة والسلام را دیدم در حالی که مشغول گذاردن
این نماز بود پس دستهای خود را بدعا بلند کردانید و این دعا را
خواند باین طریق که یا رب یا رب را مکرر نمود بحدی که نفس
قطع شد پس یا رباه یا رباه را مکرر نمود تا نفس قطع شد پس
رب رب را مکرر نمود تا نفس قطع شد پس یا الله یا الله را مکرر

نمود تا نفس قطع شد پس یا رحیم یا رحیم را مکرر نمود تا نفس قطع
شد پس گفت یا رحمن یا رحمن را هفت مرتبه و یا ارحم
الراحمین را ای بخشاینده ای بخشاینده هفت مرتبه بعد از آن وای رحم کننده ترین رحم کنندگان
گفت اللهم انی افتتح القول بحمدک و انطق
خداوندا ابتدا میکنم سخن را بستایش تو و گویا میشوم
بالثناء علیک و امجدک و لا غایة لمدحک و اثنی
به ستایش بر تو و به بزرگواری یاد میکنم ترا و حال آنکه نیست نهایت برای ستایش تو و ثنا میکنم
علیک و من یبلغ غایة ثنائک و امد مجدک و انی
بر تو و کیست که تواند رسید به نهایت ثنای تو و باخر بزرگواری تو و کجاست
لخلیقتک کنه معرفة مجدک و ای زمن لم تکن
برای مخلوقات تو اصل شناسائی بزرگواری تو و کدام زمان است که نبوده تو
ممدوحا بفضلک موصوفا بمجدک عوادا علی المذنبین
ستایش کرده شده باحسان خود موصوف به بزرگواری خود بسیار بخشاینده بر گناهکاران
بحلمک تخلف سکان ارضک عن طاعتک فکنت
بحلم خود مخالفت کردند ساکنان زمین تو از فرمان برداری تو پس بودی
علیهم عطوفا بجودک جوادا بفضلک عوادا بکرمک
بر ایشان مهربان ببخشش خود بخشاینده بفضل خود بسیار نفع رساننده بکرم خود
یا لا اله الا انت المنان ذو الجلال و الاکرام
ای آنکه نیست خدائی مگر تو که بسیار نعمت دهنده صاحب بزرگی و گرامی داشتنی

یا تعالی نیست که ... رجوع کننده بر گناهکاران بحلم خود یعنی ... رجوع ... بحلم تو

والحضرت

وآنحضرت فرمود که ای مفضل هرگاه ترا حاجتی باشد که در فکر
آن باشی پس این نماز را بکذار و این دعا را بخوان و حاجت خود را
طلب کن تا حق تعالی حاجت ترا بر آورد ان شاء الله تعالی

نماز حضرت امیر المؤمنین صلوات الله و سلامه علیه مرویست که حضرت
امام جعفر صادق علیه الصلوة و السلام فرموده است که هر کسی از شما
شیعیان که چهار رکعت نماز کذارد و در هر رکعت سوره حمد را یکمرتبه
و سوره قل هو الله احد را پنجاه مرتبه بخواند و چون از نماز
فارغ گردد این دعا را که تسبیح منسوب بحضرت امیر المؤمنین
علیه السلام است بخواند بیرون میرود از گناهان خود مانند روزی که
از مادر زائیده شده است و بر آورده میشود همه حاجات او و تسبیح اینست
سبحان من لا تبید معالمه سبحان من لا تنقص خزائنه
تسبیح میکنم خداوندی را که آخر نمیشود علامتهای او تسبیح میکنم خداوندی را که کم نمیشود خزانهای او
سبحان من لا اضمحلال لفخره سبحان من لا ینفد ما
تسبیح میکنم خداوندی را که نیست بر طرف شدنی برای فخر او تسبیح میکنم خداوندی را که آخر نمیشود آنچه
عنده سبحان من لا انقطاع لمدته سبحان من لا
نزد اوست تسبیح میکنم خداوندی را که نیست بر طرف شدنی از برای مدت او تسبیح میکنم خداوندی که
یشارک احدا فی امره سبحان من لا اله غیره
شریک نمیکند کسی را در کار خود تسبیح میکنم خداوندی را که نیست خدا غیر او

نماز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

وبعد از خواندن این یا من عفی عن السیئات و لم یجاز
تسبیح بخواند این دعا را که ای آنکسی که درگذشت از بدیها و جزا نداده است
بها ارحم عبدک یا الله نفسی نفسی ارحم عبدک
بآنها رحم کن بنده خودت را ای خدا دریاب مرا دریاب مرا رحم کن بنده خودت را
ای سیداه عبدک عبدک بین یدیک ایا ربّاه
ای آقای من بنده تو بنده تو پیش روی تست ای پروردگار من
ای الهی بکینونتک ای املاه ای رجاباه ای
ای خدای من بحق هستی خودت ای آرزوی من ای امید من ای
غایتاه ای منتهی رغبتاه ای مجری الدم فی
نهایت امید من ای منتهای رغبت من ای جاری کننده خون در
عروقی عبدک عبدک بین یدیک ای سیدی
رگهای من بنده تو بنده تو پیش روی تست ای آقای من
ای مالک عبده هذا عبدک ای سیداه ای سیدنا
ای مالک بنده خود اینست بنده تو ای آقای من ای آقای من
یا املاه یا مالکاه ایا هوا یا هو یا ربّاه عبدک
ای آرزوی من ای مالک من ای او ای او ای پروردگار من بنده توام
لا حیلة لی و لا غنی بی علی نفسی لا استطیع لها
نیست چاره برای من و نیست بی نیازی مرا بر نفس خودم استطاعت ندارم برای نفس خود

ضرا و لا نفعا و لا اجد من اصانعه انقطعت
ضرری و نه نفعی را و نمی یابم کسی را که کارسازی کنم با او منقطع شده است
اسباب الخدائع عنی و اضمحل عنی کل باطل و افردنی
اسباب حیلها از من و برطرف شده است از من هر باطلی و تنها گذاشت مرا
الدهر الیک فقمت هذا المقام الهی تعلم هذا
روزگار بسوی تو برپا ایستاده ام در این مقام ای خدای من میدانی این را
کله فکیف انت صانع بی لیت شعری و لا اشعر
همه آنرا پس چگونه تو سلوک خواهی کرد با من کاش میدانستم و نمیدانستم
کیف تقول لدعائی اتقول نعم او تقول لا فان قلت
که چگونه میگوئی برای دعای من آیا میگوئی آری یا میگوئی نه پس اگر بگوئی
لا فیا ویلی یا ویلی یا عولی یا عولی
نه پس ای وای برمن ای وای برمن ای زاری من ای زاری من ای زاری من
یا شقوتی یا شقوتی یا ذلی یا ذلی
ای بدبختی من ای بدبختی من ای خواری من ای خواری من ای خواری من
لای من او عند من او کیف او لماذا الی
بسوی کی رو کنم یا نزد کی اظهار حال خود کنم یا چگونه صبر کنم یا برای چه بسوی
ای شیء الجاء و من ارجو و من یعود علی حیث ترفضنی
چه چیز پناه برم و کی را امید داشته باشم و کی نفع میرساند بر من در جائی که تو ترک کنی مرا

يا واسع المغفرة و ان قلت نعم كما اظنّ فطوبى لى
اى كسى كه وسيع است آمرزش او و اگر بگوئى اى رب چنانكه من گمان ميبرم پس خوشا حال
انا السعيد طوبى لى انا التقىّ طوبى بى انا المرحوم
منم نيكبخت خوشا حال من منم پرهيزكار خوشا حال من منم رحم كرده شده
اى مترحّم اى مترئّف اى متعطّف اى متملّك
اى بسيار رحم كننده اى بسيار مهربان اى بسيار شفقت كننده اى بسيار مالك شونده
اى متجبّر اى متسلّط لا عمل لى ابلغ به نجاح
اى بسيار بزرگ اى بسيار تسلط دارنده نيست عملى براى من كه برسم بآن به برآمدن
حاجتى فانا اسئلك باسمك الذى انشأته من كلّك
حاجت خود پس من سؤال ميكنم تورا بنام تو كه ظاهر ساختهٔ آنرا از همه نامهاى خود
فاستقرّ فى غيبك فلا يخرج منك الى شئ سواك
پس قرار گرفته است در علم غيب تو پس بيرون نميرود از تو بسوى چيزى غير تو
اسألك يا هو لم يلفظ به و لا يلفظ ابدا ابدء به
سؤال ميكنم ترا اى آنكه تلفظ كرده نشده است بآن و تلفظ كرده نميشود هرگز ابتدا ميكنم بآن
و بك لا شئ غير هذا و لا اجد احدا انفع لى منك
و بتو نيست چيزى غير اين و نمى يابم كسى را كه نفع رساننده تر باشد براى من از تو
اى كبير اى علىّ اى من عرّفنى نفسه اى من
اى بزرگ مرتبه اى بلند رتبه اى كسى كه شناسانيده است بمن خود را اى كسى كه

امرنى بطاعته اى من انهانى عن معصيته اى من
امر كرده است مرا بطاعت خود اى كسى كه نهى كرده است مرا از معصيت خود اى كسى كه
اعطانى مسئلتى اى مطلوبا اليه الهى رفضت وصيّتك
عطا كرده است بمن مطلب مرا اى طلب كرده شده بسوى او اى خداى من ترك كردم سفارش تورا
و لم اطعك و لو اطعتك لكفيتنى ما قمت اليك
و اطاعت نكردم تورا و اگر اطاعت كرده بودم ترا هر آينه كفايت كرده بودى براى من آنچيزيرا كه ايستاده ام بسوى تو
فيه قبل ان اقوم و انا مع معصيتى لك راج فلا تحل
در آن پيش از آنكه بايستم و من با وجود معصيت كردنم براى تو اميدوارم پس مانع مشو
بينى و بين ما رجوت و اردد يدى على ملاء من خيرك
ميان من و ميان آنچه اميد دارم و برگردان دست مرا بر من مملو از خير تو
و فضلك و برّك و عافيتك و مغفرتك و رضوانك
و فضل تو و احسان تو و عافيت تو و آمرزش تو و خوشنودى تو
بحقك يا سيدى و حضرت امير المؤمنين عليه السلام بعد از خواندن دعاى
بحق خود اى آقاى من كه مذكور شد اين كلمات شريفه را ميخوانده اند
يا عدّتى عند كربتى يا غياثى عند شدّتى يا ولىّ نعمتى
اى تهيهٔ من نزد اندوه من اى فريادرس من نزد سختى من اى صاحب نعمتهاى من
يا منجحى فى حاجتى يا مفزعى فى ورطتى يا منقذى من
اى رستگار كننده من در حاجت من اى پناه من در ورطهٔ من اى خلاص كننده من از

هلکنی یا کالئی فی وحدتی صل علی محمد و آله و
هلاک کن من ای حفظ کننده من در تنهائی من رحمت بفرست بر محمد و آل او و
اغفر لی خطیئتی و یسر لی امری و اجمع لی شملی و
بیامرز برای من گناه مرا و آسان کردن برای من کار مرا و جمع کن برای من پراکندگی مرا و
انجح لی طلبتی و اصلح لی شانی و اکفنی و اجعل
بر آور برای من مطلبهای مرا و اصلاح کن برای من حال مرا و کفایت کن مرا و بگردان
لی من امری فرجا و مخرجا و لا تفرق بینی و بین العافیة
برای من از کار من گشایش و بیرون شدن و تفریق مکن میان من و میان عافیت
ابدا ما ابقیتنی عند وفاتی و اذا توفیتنی یا ارحم
هرگز مادام که باقی بداری مرا نزد مردن من و هرگاه بمیرانی مرا ای رحم کننده ترین
الراحمین نماز حضرت فاطمه صلوات الله و سلامه علیها
رحم کنندگان این نماز دو رکعت است و در رکعت اول سوره حمد را یکمرتبه
و سوره انا انزلناه را صد مرتبه و در رکعت دوم سوره حمد را یکمرتبه و سوره
قل هو الله احد را صد مرتبه بخواند و بعد از آنکه سلام نماز دهد تسبیح
که بحضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها منسوبست بخواند و تسبیح اینست
سبحان ذی العز الشامخ المنیف سبحان ذی الجلال
پاکست خداوندی که صاحب عزت بلند شریف است پاک است خداوندی که صاحب بزرگی
الباذخ العظیم سبحان ذی الملک الفاخر القدیم
بلند بزرگست پاکست خداوندی که صاحب پادشاهی فاخر قدیمی است

نماز حضرت فاطمه علیها السلام

سبحان من لبس البهجة و الجمال سبحان من تردی
پاکست خداوندی که پوشیده است نیکوئی و جمال را پاکست خداوندی که ردا خود کرده است
بالنور و الوقار سبحان من یری اثر النمل فی الصفا
نور و سنجیدگی را پاکست خداوندی که می بیند جای پای مور را در سنگ صاف
سبحان من یری وقع الطیر فی الهواء سبحان من
پاکست خداوندی که می بیند موقع مرغ پرنده را در هوا پاکست خداوندی
هو هکذا و لا هکذا غیره و چون از خواندن
که او چنین است و نیست چنین غیر او تسبیح مذکور فارغ شود
دستهای خود را تا مرفق برهنه سازد و بر زمین سجده کند
بنحوی که همه اعضای سجود او بر زمین رسد و حایلی در میان اعضای
سجود او و خاک نباشد و در حال سجود حاجت خود را از جناب
مقدس الهی مسئلت نماید و نیز در حال سجود این دعا را بخواند
یا من لیس غیره رب یدعی یا من لیس فوقه اله یخشی
ای آنکسی که نیست غیر او پروردگاری که خوانده شود ای آنکسی که نیست بالاتر از او خدائی که ترسیده شود
یا من لیس دونه ملک یتقی یا من لیس له وزیر یؤتی
ای آنکسی که نیست غیر او پادشاهی که ترسیده شود ای آنکسی که نیست برای او وزیری که آیا کرده شود
یا من لیس له حاجب یرشی یا من لیس له بواب
ای آنکسی که نیست برای او دربانی که رشوه داده شود ای آنکسی که نیست برای او دربانی که بنزد او روند

یعنی همه نماز نزد او ورند و باو نیاز نمایند

بجانی

بعنی یا من لا یزداد علی کثرة السؤال الا کرما

بزرگوارا و خداوندا ای انکسی که زیاد نمیشود با بسیاری سؤال کردن از و مگر کرم

وجودا و علی کثرة الذنوب الا عفوا و صفحا صل

و بخشش و با بسیاری گناهان بندگان مگر عفو و درگذشتن رحمت بفرست

علی محمد و آل محمد وافعل بی کذا و کذا

بر محمد و آل محمد و بکن بمن چنین و چنین

بجای کذا و کذا حاجت خود را بگوید

نماز کامله که در روز جمعه گذارده میشود

نماز کامله که در روز جمعه گذارده میشود مرویست که حضرت

امام جعفر صادق علیه الصلوة و السلام از پدر بزرگوار خود

و او از جد بزرگوار خود و او از حضرت امیر المؤمنین علیهم السلم

روایت کرده است که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله

فرموده است که هر که در روز جمعه چهار رکعت نماز گذارد هر دو

رکعت بیک سلام و بخواند در هر رکعت سوره فاتحة الکتاب را

ده مرتبه و سوره قل اعوذ برب الناس را ده مرتبه و سوره قل

اعوذ برب الفلق را ده مرتبه و سوره قل هو الله احد را ده

مرتبه و سوره قل یا ایها الکافرون را ده مرتبه و سوره انا

انزلناه را ده مرتبه و آیة الکرسی را ده مرتبه و آیه شهد الله

را ده مرتبه و چون از نماز فارغ کردد استغفر

الله را صد مرتبه بگوید و بعد از ان سبحان الله

تا گفت خدا

و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و لا حول

و سپاس مر خدا راست و نیست خدائی مگر الله و خدا بزرگتر است و نیست گردیدن از طاعت بمعصیت

و لا قوة الا بالله العلی العظیم را صد مرتبه بگوید

و نه قوت بر طاعت مگر بخدای بلند رتبه بزرگ مرتبه و صد مرتبه

اللهم صل علی محمد و آل محمد را بگوید حق تعالی

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد دفع میکند از و شر

نماز حاجت

اهل آسمان و شر اهل زمین را نماز حاجت عبد الرحیم قصیر

روایت کرده و گفته است که بخدمت حضرت امام جعفر صادق

علیه الصلوة و السلام رفتم و گفتم فدای تو شوم من دعائی

اختراع کرده ام پس آنحضرت فرمود که بگذار مرا از اختراع خود

هر گاه امری بر تو نازل شود پس پناه بر بسوی حضرت رسول خدا

صلی الله علیه و آله و دو رکعت نماز بگذار و چنانکه افتتاح میکنی

و تکبیر احرام نماز فریضه را میگوئی افتتاح و احرام آن دو رکعت

را نیز چنین کن و چون از تشهد و سلام نماز فارغ شدی بگو

اللهم انت السلام و منک السلام و الیک السلام

خداوندا توئی سلام و از تست سلام و بسوی تو باز میگردد سلام

اللهم صل علی محمد و آل محمد و بلغ روح محمد و

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و برسان بروح محمد و

الله

آلِ مُحَمَّدٍ عَنِّی السَّلامُ وَ السَّلامُ عَلَیْهِمْ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ
آل محمد از جانب من سلام را و سلام برایشان باد و رحمت خدا و
بَرَکاتُهُ اَللّٰهُمَّ اِنَّ هاتَیْنِ الرَّکْعَتَیْنِ هَدِیَّةٌ مِنِّی
برکتهای او خداوندا بدرستی که این دو رکعت هدیه است از من
اِلیٰ رَسُولِکَ فَاَثِبْنی عَلَیْهِما ما اَمَّلْتُ وَ رَجَوْتُهُ
بسوی پیغمبر تو پس ثواب ده مرا برین دو رکعت آنقدر که آرزو دارم و امید دارم آنرا
فیکَ وَ فی رَسُولِکَ یا وَلِیَّ الْمُؤْمِنینَ بعد از آن سجده کن و در
در تو و در پیغمبر تو ای دوست مؤمنان حال سجده چهل مرتبه بگو
یا حَیُّ یا قَیُّومُ یا حَیّاً لا یَمُوتُ یا حَیُّ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ
ای زنده ای بخود برپا ای زنده که نمیمیرد ای زنده نیست خدائی مگر تو
یا ذَا الْجَلالِ وَ الْاِکْرامِ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ
ای صاحب بزرگی و گرامی داشتن ای رحم کننده ترین رحم کنندگان
بعد از آن گونهٔ راست خود را بر زمین بگذار و آنرا که در سجده
گفتی چهل مرتبه دیگر بگو بعد از آن گونهٔ چپ خود را بر زمین
بگذار و باز همان را چهل مرتبه بگو بعد از آن سر خود را
بردار و دستها را بدعا بلند کن و لوذه کن یعنی دو انگشت شهادت
را حرکت بده و درین حال نیز همان را چهل مرتبه بگو بعد از آن لحیه
خود را بدست چپ خود بگیر و گریه کن یا خود را بر گریه بدار و بگو

یا مُحَمَّدُ یا رَسُولَ اللّٰهِ اَشْکُو اِلَی اللّٰهِ وَ اِلَیْکَ حاجَتی
ای محمد ای رسول خدا شکوه میکنم بسوی خدا و بسوی تو در باب حاجت خود
وَ اَشْکُو اِلیٰ اَهْلِ بَیْتِکَ الرّاشِدینَ وَ بِکَ اَتَوَجَّهُ
و شکوه میکنم بسوی اهل بیت تو که صاحبان رشدند و بتو متوجه میشوم
اِلَی اللّٰهِ فی حاجَتی بعد از آن سجده کن و در حال سجده بگو
بسوی خدا در باب حاجت خودم یا اَللّٰهُ یا اَللّٰهُ تا نفس منقطع شود بعد از آن
بگو صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ ای خدا ای خدا مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بی کَذا وَ کَذا
رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بکن بمن چنین و چنین

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که هر که این نماز را
بگذارد و ادعیهٔ مذکوره را بخواند پس من ضامنم بر خدای عز و
جل که از جای خود حرکت نکند تا حاجت او برآورده شود نماز
دیگر بجهت برآمدن حاجت مرویست که حضرت امام رضا صلوات
الله و سلامه علیه فرموده است که هر که او را حاجتی باشد و بدان
جهت دلتنگ شده باشد و دست او بجائی نرسد پس از الله تعالی
فرود آورد و باو عرض نماید پس با آنحضرت عرض نمودند که چگونه عرض
نماید آنحضرت جواب فرمود که روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را
روزه بدارد و در روز جمعه سر خود را بخطمی بشوید و پاکیزه ترین
جامهای خود را بپوشد و بهترین بوهای خوش را بکار برد و تصدق

بجای کذا و کذا حاجت خود را بگوید

نماز دیگر بجهت برآمدن حاجت

دهد بمسلمانی هرچه او را میسر شود بعد از آن بیرون رود بجایی
که سقفی نداشته باشد و بی حایل در زیر آسمان باشد و رو بقبله
بایستد و دو رکعت نماز کذارد و بخواند در رکعت اول سوره حمد
را یکمرتبه و سوره قل هو الله احد را پانزده مرتبه بعد از آن رکوع
کند و سوره قل هو الله احد را در حال رکوع نیز پانزده مرتبه
بخواند بعد از آن سر از رکوع بردارد و در حال ایستادن سوره
قل هو الله احد را پانزده مرتبه بخواند و بسجود رود و در سجود نیز
سوره قل هو الله احد را پانزده مرتبه بخواند پس سر از سجده
بردارد و در حال نشستن نیز سوره قل هو الله احد را پانزده
مرتبه بخواند پس بسجده دویم رود و در این سجده نیز آن سوره را
پانزده مرتبه بخواند و سر از سجده بردارد و برخیزد و رکعت دویم
را بهمین ترتیب بجای آورد و چون بجهت تشهد بنشیند سوره
قل هو الله احد را پانزده مرتبه بخواند و سلام نماز دهد و بعد
از سلام نیز آن سوره را پانزده مرتبه بخواند و سجده کند و
در حال سجود نیز آن سوره را پانزده مرتبه بخواند پس کونه راست
خود را بر زمین کذارد و آن سوره را پانزده مرتبه بخواند پس کونه
چپ خود را بر زمین کذارد و آن سوره را پانزده مرتبه بخواند بعد از آن
سجده کند و پیشانی خود را بر زمین کذارد و کریه کند و بکوید

یَا جَوَادُ یَا مَاجِدُ یَا وَاحِدُ یَا اَحَدُ یَا صَمَدُ یَا مَنْ لَمْ
ای بخشنده ای بزرگ ای یگانه ای یکتا ای مقصود در حوایج ای آنکسی که
یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً اَحَدٌ یَا مَنْ هُوَ
نزاییده و زاییده نشده و نیست برای او همتا کسی ای کسی که او
هٰکَذَا لَا هٰکَذَا غَیْرُهُ اَشْهَدُ اَنَّ کُلَّ مَعْبُودٍ مِنْ لَدُنْ
چنین است نیست چنین غیر او کواهی میدهم اینکه هر عبادت کرده شده از نزد
عَرْشِکَ اِلَی قَرَارِ اَرْضِکَ بَاطِلٌ اِلَّا وَجْهَکَ جَلَّ
عرش تو تا محل قرار زمین تو باطل است مکر ذات تو بزرکست
جَلَالُکَ یَا مُعِزَّ کُلِّ ذَلِیلٍ وَ یَا مُذِلَّ کُلِّ عَزِیزٍ تَعْلَمُ
بزرکواری تو ای عزیز کننده هر خواری و ای خوار کننده هر عزیزی میدانی
کُرْبَتِی فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ فَرِّجْ عَنِّی
اندوه مرا پس رحمت بفرست بر محمد و آل او و کشایش ده از من
بعد از آن کونه راست خود را بر زمین کذارد و سه مرتبه دعای
مذکور را بخواند بعد از آن کونه چپ خود را بر زمین کذارد
و دعای مذکور را سه مرتبه بخواند و آنحضرت فرمود که هرکاه
بنده خدا چنین کند حق تعالی حاجت او را بر می آورد و باید
در حاجت خود متوسل باشد بخدای عز و جل و بمحمد مصطفی و
اهل بیت او صلوات الله علیهم نماز و دعای کذا از حضرات ائمه

نماز و دعا بجهت دفع دشمنان و خصماء

معصومین علیهم السلام بجهت دفع دشمنان و خصماء و معاندان نقل
شده آن چهار رکعت نماز میگذاری بدو تشهد و دو سلام و
میخوانی در رکعت اول سوره حمد را یکمرتبه و سوره اذا جاء
نصر الله را ده مرتبه و در رکعت دوم سوره حمد را یکمرتبه
و سوره قل هو الله احد را ده مرتبه و در رکعت سیم سوره
حمد را یکمرتبه و سوره قل اعوذ برب الفلق را ده مرتبه و در
رکعت چهارم سوره حمد را یکمرتبه و سوره قل اعوذ برب الناس
را ده مرتبه و بعد از فارغ شدن از نماز صلوات بر حضرت پیغمبر صلی
الله علیه و آله و بر آل اطهار او میفرستی هر قدر که توانی بعد از ان ده مرتبه میگوئی
یا فارج الهم و یا کاشف الغم و یا مجیب دعوة المضطرین
ای گشایش دهنده غم و ای برطرف کننده اندوه و ای اجابت کننده دعای درماندگان
خلصنا من اعدائك پس ده مرتبه میگوئی یا قاضی الحاجات
خلاصی ده ما را از دشمنان خودت ای برآورنده حاجتها
بعد از ان ده مرتبه میگوئی یا مجیب الدعوات خلصنا من
اعدائك بعد از ان ده ای اجابت کننده دعاها خلاصی ده ما را از
دشمنان خودت مرتبه میگوئی یا جلیل بعد از ان ده مرتبه میگوئی
یا دلیل المتحیرین و یا غیاث المستغیثین خلصنا
ای بزرگوار
ای دلیل متحیران و ای فریادرس طلب فریادرسی کنندگان خلاصی ده ما را

دعا بجهت دفع ظالم

من اعدائك یا کریم بعد از ان ده حسبنا الله و نعم
از دشمنان خودت ای صاحب کرم مرتبه میگوئی بس است ما را خدا و خوب
الوکیل نعم المولی و نعم النصیر خلصنا من اعدائك
وکیل است خوب آقائی و خوب یاری کننده ایست خلاصی ده ما را از دشمنان خودت
یا لطیف بعد از ان ده و من یتوکل علی الله فهو حسبه
ای مهربان مرتبه میگوئی و کسی که توکل کند بر خدا پس خدا بس است او را
خلصنا من اعدائك یا حلیم بعد از ان صد مرتبه میگوئی
خلاصی ده ما را از دشمنان خودت ای صاحب حلم یا رب یا رب
و حاجت خود را سؤال میکنی که ای پروردگار من ای پروردگار من
مستجاب میشود ان شاء الله تعالی بجهت دفع ظالم سوره الحاقة
در چهل شب هر شب چهل مرتبه میخوانی و در هر مرتبه که
سوره مذکوره را تمام کردی میگوئی الهی انت
اعدای من و
حلیم ذو اناة لا طاقة لی مع اناتك اضر
بردباری صاحب مهلت دادنی نیست طاقتی از برای من با مهلت دادن تو ضرر رساننده است
بالمظلومین حلمك انا ائم انت حوشیت حوشیت
بمظلومان بردباری تو آیا خوابی تو حاشا که تو چنین باشی حاشا که تو چنین باشی
و هر شب چون از چهل مرتبه خواندن سوره
مذکوره فارغ گردیدی میگوئی

أَمْتَنِعُ بِحَوْلِ اللهِ وَقُوَّتِهِ مِنْ حَوْلِ خَلْقِهِمْ وَقُوَّتِهِمْ
سرکشی میکنم بیاری قوت خدا و توانائی او از قوت خلق ایشان و توانائی ایشان
وَاَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَاَقُولُ مَا شَاءَ
و پناه میبرم بپروردگار صبح از شر آنچه آفریده است و میگویم که آنچه خواسته است
اللهُ كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ وَاَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا
خدا شده است و آنچه نخواسته است نشده است و گواهی میدهم اینکه نیست خدائی مگر
اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَاَنَّ اللهَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ
الله یگانه است نیست شریکی برای او و اینکه خدا بر هر چیز
قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ اِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمًى وَاَنَا فِي حِمَاكَ
بغایت توانا است خداوندا بدرستی که از برای هر پادشاهی قورقی است و من در قورق توام
فَاحْمِنِي مِنْهُمْ وَقِنِي شَرَّهُمْ بعد از آن باواز
پس حمایت کن مرا از ایشان و نگاهدار مرا از شر ایشان حزین میگوئی
اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ بِعِزَّتِكَ الْقَوِيَّةِ وَبِمِحَالِكَ
خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا بعزت تو که قوی است و بمکر تو
الشَّدِيدِ وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي خَلْقُكَ لَهَا ذَلِيلٌ اَنْ تُصَلِّيَ
که سخت است و بغلبه تو که مخلوقات تو از برای آن خوارند اینکه رحمت فرستی
عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَاْخُذَهُمُ السَّاعَةَ السَّاعَةَ
بر محمد و آل محمد و اینکه بگیری ایشان را درین ساعت درین ساعت

اللهم

اَللّٰهُمَّ ارْمِهِمْ بِسَهْمٍ مِنْ سِهَامِكَ تُعَلِّقُ بِهَا قُلُوبَهُمْ
خداوندا بینداز ایشان را بتیری از تیرهای خودت که بیاویزی بآن تیرها دلهای ایشان را
بعد از آن سجده میکنی و در حال سجود سه مرتبه میگوئی
شُكْرًا لِلْعَزِيزِ شُكْرًا لِلْكَرِيمِ شُكْرًا لِلدَّائِمِ
شکر میکنم برای عزیز شکر میکنم برای صاحب کرم شکر میکنم برای همیشه
الْقَائِمِ الَّذِي يُجِيبُ دَعْوَةَ الْمُضْطَرِّ اِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ
برپائی که اجابت میکند دعای درمانده را هرگاه دعا کند او را و برطرف میکند
السُّوءَ بعد از آن حاجت خود را سؤال میکنی تا برآورده
بدی را شود ان شاء الله تعالی نماز شکر نماز فریضه را
چون بجا آوری و فارغ کردی پس نماز شکر بکذار باین طریق
که دو رکعت نماز بکذار و در رکعت اول سوره حمد و سوره
قل هو الله احد را یکمرتبه و در رکعت دویم سوره حمد و سوره
قل یا ایها الکافرون را یکمرتبه و در رکوع و هر یک از دو سجده
رکعت اول بکو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ شُكْرًا شُكْرًا لِلّٰهِ وَحَمْدًا
سپاس مر خدا راست شکر میکنم شکر میکنم برای خدا و حمد میکنم
و در رکوع و هر یک از دو سجده رکعت دویم بکو
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي قَضىٰ لِي حَاجَتِي وَاسْتَجَابَ دُعَائِي
سپاس مر خدا راست که برآورده است برای من حاجت مرا و مستجاب کرده است دعای مرا

نماز شکر

نماز استخاره

وَاعطانی مَسْئَلَتی نماز استخاره مرویست که حضرت امام
زین العابدین علیه الصلوة والسلام وعطا کرده است بمن مطلب مرا
هرگاه قصد کردن کاری مانند حج یا عمره یا خریدن چیزی یا
فروختن چیزی مینمود وضو میساخت بعد از آن دو رکعت نماز
میگذارد بجهت استخاره یعنی بجهت آنکه از حق تعالی طلب کند
و مسئلت نماید که آنچه خیر و صلاح آنحضرت در آنست حق تعالی
از ابیش آورد مثل آنکه اگر خیر او در خریدن این متاع است حق
تعالی چنان کند که آنرا بخرد و اگر خیر او در نخریدن است حق
تعالی چنان کند که ترک خریدن آن کند و خریدن دست بهم
ندهد و آن حضرت میخواند در این دو رکعت سوره حشر و سوره
الرحمن را بعد از آن میخواند سوره قل اعوذ برب الفلق و سوره قل
اعوذ برب الناس را و چون سلام نماز میداد میخواند این دعا را که
اَللّٰهُمَّ اِنْ کَانَ کَذَا وَکَذَا خَیْراً لی فی دینی وَدُنْیایَ
خداوندا اگر بوده باشد چنین و چنین خیر برای من در دین من و دنیای من
وَعاجِلِ اَمْری وَآجِلِهِ فَیَسِّرْهُ لی عَلی اَحْسَنِ الْوُجُوهِ
و اول کار من و آخر آن پس آسان گردان آنرا برای من بر نیکوترین راهها
وَاَجْمَلِها اَللّٰهُمَّ وَاِنْ کانَ کَذا وَکَذا شَرّاً لی فی دینی
و بهترین راهها خداوندا و اگر بوده باشد چنین و چنین شر برای من در دین من

بجای کذا و کذا آن قصد و موضع آن دو کاری که اراده دارد نموده میگوید

وَدُنْیایَ وَآخِرَتی وَعاجِلِ اَمْری وَآجِلِهِ فَاصْرِفْهُ
و دنیای من و آخرت من و اول کار من و آخر آن پس باز گردان آنرا
عَنّی عَلی اَحْسَنِ الْوُجُوهِ وَاَجْمَلِها رَبِّ اَعْزِمْ لی
از من بر بهترین راهها و نیکوترین راهها ای پروردگار من جزم کن برای من
عَلی رُشْدی وَاِنْ کَرِهْتُ ذلِکَ اَوْ اَبَتْهُ نَفْسی
بر رشد من و اگرچه ناخوش داشته باشم آنرا یا اِبا کند آنرا نفس من

نماز دیگر بجهت استخاره

نماز دیگر بجهت استخاره مرویست که جابر بن عبد الله انصاری
گفته است که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله استخاره را
بما تعلیم مینمود چنانکه سوره قرآن را بما تعلیم مینمود و میفرمود که
هرگاه یکی از شما قصد کاری بکند پس بگذارد نمازی را که غیر
نماز فریضه باشد یعنی دو رکعت نماز سنت بگذارد بجهت طلب کردن
خیر از حق تعالی و بعد از آنکه سلام نماز دهد بخواند این دعا را که
اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْتَخیرُکَ بِعِلْمِکَ وَاَسْتَقْدِرُکَ
خداوندا بدرستی که من طلب خیر میکنم از تو بعلم تو و طلب قدرت میکنم از تو
بِقُدْرَتِکَ وَاَسْئَلُکَ مِنْ فَضْلِکَ الْعَظیمِ فَاِنَّکَ
بقدرت تو و سؤال میکنم ترا از فضل عظیم تو پس بدرستی که تو
تَقْدِرُ وَلا اَقْدِرُ وَتَعْلَمُ وَلا اَعْلَمُ وَاَنْتَ عَلّامُ
قدرت داری و قدرت ندارم من و میدانی و نمیدانم من و تو بسیار دانائی

ظاهر آنست که در رکعت اول بعد از حمد سوره حمد و سوره الرحمن را و در رکعت دوم بعد از حمد سوره قل اعوذ برب الفلق و سوره قل اعوذ برب الناس را بخواند و احتمال دارد که مراد این باشد که در رکعت اول سوره حشر و در رکعت دوم سوره الرحمن را بخواند و بعد از نماز معوذتین را و دعا را بخواند والله تعالی علیم

یعنی
هذا الامر
کاری که اراده کردن
آن دارد نام ببرد

الغیوب اللهم ان کنت تعلم ان هذا الامر خیر لی
بغیبها خداوندا اگر هستی تو که میدانی اینکه این کار خیر است برای من
فی دینی ومعاشی وعاقبة امری فاقدره لی ویسره
در دین من و زندگانی من و عاقبت کار من پس مقدر و آسان ساز او را برای من و میسر کردان
لی وبارک لی فیه وان کنت تعلم انه شر لی
برای من و مبارک کردان برای من در آن و اگر هستی تو که میدانی اینکه آن شر است برای من
فی دینی ومعاشی وعاقبة امری فاصرفه عنی و
در دین من و زندگانی من و عاقبت کار من پس باز کردان او را از من و
اصرفنی عنه وقدر لی الخیر حیث ما کان ورضنی به
باز کردان مرا از آن و تقدیر کن برای من خیر را هر جائی که بوده باشد و راضی کردان مرا به آن

نماز دیگر بجهت استخاره

نماز دیگر بجهت استخاره در روایتی دیگر هست که دو رکعت
نماز بکذارد بعد از آن صد مرتبه بگوید استخیر الله برحمته
خیرة فی عافیة بعد از آن طلب خیر میکنم از خدا برحمت او
خیری در عافیت بفهم خود رجوع کن که کردن آن
کار را بهتر میفهمی یا نکردن آن را و هر یک را که بهتر دانی
آن را بکن که خیر تو در آنست ان شاء الله تعالی
حرزی که از دو امام شهید حضرت امام حسن و
حضرت امام حسین صلوات الله علیهما روایت شده است

اللهم

حرزی که از حسنین صلوات الله علیهما روایت شده

اللهم احفظنا من جمیع اعدائنا من بین ایدینا ومن
خداوندا حفظ کن ما را از همه دشمنان ما از پیش روی ما و از
خلفنا وعن ایماننا وشمائلنا ابدا ما ابقیتنا
پشت سر ما و از طرفهای راست ما و از طرفهای چپ ما همیشه مادام که باقی کذاری ما را
واحفظ دیننا وولدنا ومالنا بما حفظت به کتابک
و حفظ کن دین ما و فرزندان ما و مال ما را بآنچه حفظ کرده بآن کتاب

یا یعنی اینک کرد و آنچه برای ما هست

العزیز الذی لا یاتیه الباطل من بین یدیه ولا من
عزیز خودت را آنچنان کتابی که نمی آید آن را باطل از پیش روی آن و نه از
خلفه تنزیل من حکیم حمید اللهم احفظنا من
پس سر آن که فرو فرستاده شده است از جانب حکیم ستوده شده خداوندا حفظ کن ما را از
جمیع اعدائنا من بین ایدینا ومن خلفنا وعن ایماننا
همه دشمنان ما از پیش روی ما و از پشت سر ما و از طرفهای راست ما
وعن شمائلنا ابدا ما ابقیتنا واحفظنا واحفظ
و از طرفهای چپ ما همیشه مادام که باقی کذاری ما را و حفظ کن ما را و حفظ کن
دیننا وولدنا ومالنا بما حفظت به عبدک الذی
دین ما و فرزندان ما و مال ما را بآنچه حفظ کرده بآن بنده خودت را آنچنان بنده
فهمته وسخرت له الشیاطین ثم قلت وکنا لهم
که فهمانیده او را و مسخر کردانیده برای او شیاطین را بعد از آن کفته و بودیم ما از برای ایشان

حافظين اللهم احفظنا كما حفظت عبدك ونبيك

حفظ كننده خداوندا حفظ كن ما را چنانكه حفظ كرده بندهٔ خودت و پيغمبر خودت

يعقوب حيث قلت فالله خير حافظا وهو ارحم

يعقوب را در جائى كه گفته كه پس خدا بهتر است از راه حافظ بودن و او رحم كننده ترين

الراحمين اللهم احفظنا من جميع اعدائنا من بين

رحم كنندگان است خداوندا حفظ كن ما را از همهٔ دشمنان ما از پيش

ايدينا ومن خلفنا وعن ايماننا وشمائلنا ابدا ما

روى ما و از پشت سر ما و از طرفهاى راست ما و از طرفهاى چپ ما هميشه مادام

ابقيتنا واحفظ ديننا ونفسنا وولدنا ومالنا بما

كه باقى گذارى ما را وحفظ كن دين ما و نفس ما و فرزندان ما و مال ما را بانچه

حفظت به السقف المحفوظ حيث قلت وجعلنا السماء

حفظ كرده بان سقف حفظ كرده شده را در جائى كه گفته و كردانيديم آسمان را

سقفا محفوظا اللهم احفظنا من جميع اعدائنا من

سقفى حفظ كرده شده خداوندا حفظ كن ما را از همهٔ دشمنان ما از

بين ايدينا ومن خلفنا وعن ايماننا وعن شمائلنا

پيش روى ما و از پشت سر ما و از طرفهاى راست ما و از طرفهاى چپ ما

ابدا ما ابقيتنا واحفظ ديننا ومالنا وولدنا بما

هميشه مادام كه باقى گذارى ما را وحفظ كن دين ما و مال ما و فرزندان ما را بانچه

حفظت به عبادك المحفوظين الذين قلت فى شانهم و

حفظ كرده بان بندگان حفظ كرده شدگان خودت را كه گفته در شان ايشان كه

هو القاهر فوق عباده ويرسل عليكم حفظة اللهم

اوست قهر كننده در بالاى بندگان خود و ميفرستد بر شما حفظ كنندگان خداوندا

احفظنا من جميع اعدائنا من بين ايدينا ومن خلفنا

حفظ كن ما را از همهٔ دشمنان ما از پيش روى ما و از پشت سر ما

وعن ايماننا وعن شمائلنا ابدا ما ابقيتنا واحفظ

و از طرفهاى راست ما و از طرفهاى چپ ما هميشه مادام كه باقى گذارى ما را وحفظ كن

ديننا ونفسنا وولدنا ومالنا بما حفظت به اللوح

دين ما و نفس ما و فرزندان ما و مال ما را بانچه حفظ كرده بان لوح

المحفوظ حيث قلت بل هو قرآن مجيد فى لوح محفوظ

محفوظ را در جائى كه گفته كه بلكه آن قرآنى است شريف در لوحى حفظ كرده شده

اللهم احفظنا من جميع اعدائنا من بين ايدينا ومن

خداوندا حفظ كن ما را از همهٔ دشمنان ما از پيش روى ما و از

خلفنا وعن ايماننا وشمائلنا ابدا ما ابقيتنا و

پشت سر ما و از طرفهاى راست ما و از طرفهاى چپ ما هميشه مادام كه باقى گذارى ما را

احفظ ديننا ونفسنا ومالنا وولدنا بما حفظت به

حفظ كن دين ما و نفس ما و مال ما و فرزندان ما را بانچه حفظ كرده بان

عِبادِكَ الصّالِحين حَيثُ قُلتَ لَهُ مُعَقِّباتٌ مِن بَينِ يَدَيهِ

بندگانِ صالح خود را در جائی که گفته که از برای او هست فرشتگان از پیش روی او

وَمِن خَلفِهِ يَحفَظُونَهُ مِن اَمرِ اللهِ وَقِنا مِن سَيِّئاتِ ما

و از پشت سر او که حفظ میکنند او را از امر خدا و نگاه دار ما را از بدیهای آنچه

يَكيدُونَ وَما يَمكُرُونَ اَللّٰهُمَّ احفَظنا مِن جَميعِ اَعدائِنا

مکر میکنند و آنچه حیله میکنند خداوندا حفظ کن ما را از همه دشمنان ما

مِن بَينِ اَيدِينا وَمِن خَلفِنا وَعَن اَيمانِنا وَعَن شَمائِلِنا

از پیش روی ما و از پشت سر ما و از طرفهای راست ما و از طرفهای چپ ما

اَبَدًا ما اَبقَيتَنا وَاحفَظ دِينَنا وَنَفسَنا وَوَلَدَنا وَ

همیشه مادام که باقی گذاری ما را و حفظ کن دین ما و نفس ما و فرزندان ما را و

مالَنا بِما حَفِظتَ بِهِ عَبدَكَ الَّذي قالَ وَاُفَوِّضُ اَمري

مال ما را با آنچه حفظ کرده بآن بنده خود را که گفته است و وا میگذارم کار خود را

اِلَى اللهِ اِنَّ اللهَ بَصيرٌ بِالعِبادِ اَللّٰهُمَّ احرُسنا بِعَينِكَ

بسوی خدا بدرستی که خدا بیناست به بندگان خداوندا پاسبانی کن ما را بچشم خودت

وَاحفَظنا بِحِفظِكَ اَللّٰهُمَّ احفَظنا بِحِياطَتِكَ اَللّٰهُمَّ

و حفظ کن ما را بحفظ خودت خداوندا حفظ کن ما را بفرو گرفتن خودت خداوندا

احفَظنا بِخاصِّ عِنايَتِكَ اَللّٰهُمَّ احفَظنا بِجَميلِ عِنايَتِكَ

حفظ کن ما را بعنایت مخصوص خودت خداوندا حفظ کن ما را بعنایت نیکوی خودت

اللهم

اَللّٰهُمَّ احفَظنا بِحُسنِ كَلائَتِكَ مِمَّن يُريدُ بِنا سُوءً اَو

خداوندا حفظ کن ما را بمحافظت نیک خودت از کسی که اراده دارد نسبت بما بدی یا

شَرًّا اَو يَكائِدُ لَنا اِساءَةً اِنّي اَعُوذُ بِالرَّحمٰنِ مِنكَ اِن

شری را یا مکر میکند برای ما از راه رسانیدن بدی بدرستی که من پناه میبرم برحمن از تو اگر

كُنتَ تَقِيًّا اِنّي عُذتُ بِرَبّي وَرَبِّكُم اَن تَرجُمُونِ اخسَؤُا

هستی پرهیزکار بدرستی که من پناه بردم بپروردگار خود و پروردگار شما از اینکه سنگسار کنید مرا دور شوید

فيها وَلا تُكَلِّمُونِ اَخَذتُ اَسماعَهُم وَاَبصارَهُم

و خوار باشید در جهنم و سخن مگوئید با من گرفتم گوشهای ایشان و چشمهای ایشان را

بِسَمعِ اللهِ وَبَصَرِهِ وَاَخَذتُ قُوَّتَهُم بِقُوَّةِ اللهِ وَاستَتَرتُ

بشنوائی خدا و بینائی خدا و گرفتم قوت ایشان را بقوت خدا و پوشانیدم خود را

مِنكُم بِسِترِ النُّبُوَّةِ وَالاِيمانِ الَّتي كانَت الاَنبِياءُ

از شما به پرده نبوت و ایمانی که بوده اند پیغمبران

يَستَتِرُونَ بِها مِن سَطَواتِ الفَراعِنَةِ فَستَرَهُمُ اللهُ

که می پوشانیده اند خود را بآن از سطوتهای سرکشان پس می پوشانید ایشان را خدا

بِستِرِهِ جَبرَئيلُ عَن اَيمانِنا وَميكائيلُ عَن شَمائِلِنا وَمُحَمَّدٌ

به پرده خود جبرئیل از طرفهای راست ما است و میکائیل از طرفهای چپ ما و محمد

اَمامَنا وَاللهُ العَظيمُ يَحجُزُ عَنّا شَرَّكُم وَيَمنَعُنا

از پیش روی ما است و خدای عظیم مانع میشود از ما شر شما را و منع میکند ما را

مِنكُمْ عِلْمَ اللّٰهِ بِنا وَبِكُمْ عَيْنُ اللّٰهِ تَرْعانا وَتَرْعاكُمْ
از شما عالم است خدا بما و بشما چشم خدا می پایدمان را و می پاید شما را

اَللّٰهُمَّ مَنْ اَرادَ بِنا مَكْراً اَوْ عَيْباً اَوْ شَرّاً اَوْ مَساءَةً
خداوندا کسی که اراده داشته باشد بما مکری یا عیبی یا شری یا بدیی را

مِنْ جِنٍّ وَاِنْسٍ فَاِنّا نَسْاَلُكَ اَنْ تُخْرِجَ ذٰلِكَ مِنْ صَدْرِهِ
از جن و آدمی پس بدرستی که ما سؤال میکنیم از تو اینکه بیرون بری آن را از سینهٔ او

وَتَخْتِمَ عَلىٰ قَلْبِهِ وَبَصَرِهِ وَاُذُنِهِ غِشاوَةً وَتَبْكُمَ
و مهر کنی بر دل او و بگردان بر چشم او و گوش او پوششی و گنگ کنی

لِسانَهُ وَتَشُلَّ يَدَهُ وَتُمِيتَهُ بِغَيْظِهِ وَتَرُدَّ كَيْدَهُ فِي
زبان او را و شل کنی دست او را و بمیرانی او را بخشم خودش و باز گردانی مکر او را در

نَحْرِهِ وَتُحِيطَ ذٰلِكَ السُّوءَ بِهِ وَتَخْنُقَ بِهِ مَكْرَهُ
گوی گردن او و احاطه فرمائی آن بدی را بخودش و گلوگیر کنی با او مکر او را

كَاِحاطَةِ الْقَلائِدِ عَلَى التَّرائِبِ وَكَرُسُوخِ السِّجِّيلِ
مانند احاطه کردن قلادها بر پیش سینها و مانند فرو رفتن سنگ گل

عَلىٰ اَصْحابِ الْفِيلِ يا خَيْرَ النّاصِرِينَ وَيا اَكْرَمَ
بر اصحاب فیل ای بهترین نصرت کنندگان و ای گرامی ترین

الْقادِرِينَ يا خَيْرَ مَنْ دُعِيَ وَيا اَجْوَدَ مَنْ اَعْطىٰ يا خَيْرَ
قادران ای بهترین کسی که خوانده شده و ای بخشنده‌ترین کسی که عطا کرده ای بهتر

مَنْ تَجاوَزَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمِينَ رَمَيْتُ كُلَّ مَنْ يُرِيدُنا بِسُوءٍ
کسی که در گذشته ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان انداختم هر کسی را که اراده میکند ما را به بدی

تَوَكَّلْنا عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لا يَمُوتُ وَكَفىٰ بِاللّٰهِ وَكِيلاً
توکل کردیم بر زنده که نمی میرد و بس است خدا برای وکیل بودن

رَمَيْتُ كُلَّ مَنْ يُرِيدُنا بِسُوءٍ بِالسَّبْعِ الْمَثانِي وَالْقُرْآنِ
انداختم هر کسی را که اراده میکند ما را به بدی بسبع المثانی و قرآن

الْعَظِيمِ اِنْ اَرادَنِيَ اللّٰهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كاشِفاتُ ضُرِّهِ
عظیم اگر اراده داشته باشد خدا مرا بضرری آیا ایشان بر طرف کننده اند ضرر او را

اَوْ اَرادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكاتُ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ
یا اگر اراده داشته باشد مرا برحمتی آیا ایشان نگاه دارنده اند رحمت او را بگو بس است مرا

اللّٰهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ حَسْبِيَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلّا
خدا بر او توکل میکنند توکل کنندگان بس است مرا خدا نیست خدائی مگر

هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ فَسَيَكْفِيكَهُمُ
او بر او توکل کردم و او پروردگار عرش عظیم است پس زود باشد که کفایت کند تو را از شر ایشان

اللّٰهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرِينَ
خدا و اوست شنوای دانا و رحمت فرستد خدا بر محمد و آل او که پاکانند

دعائی که از حضرت امام همام ابی الحسن علی بن موسی
الرضا علیه التحیة والثناء روایت شده است

مراد از توکل کنندگان توکل کنندگان
کاملانند چه ایشانند در عجز و تعالی
و توکل و اعتماد میکنند و متمکن اند
اعتنا باشد که باید او توکل کنند و نه
کنندگان نه بر غیر او

اللهم اني اسألك ببدو الامر بمكنون السر بحياطة

خداوندا بدرستی كه من سؤال ايكم تورا بحق ابتدای امر بر پوشيده شده پنهان باحاطه كردن

قاف بموقف يوم المخاف بعلم الحروف بصحف الانجيل

كوه قاف بمحل ايستادن در روز ترس بر علم ظاهر از حروف بصحيفها انجيل

بقراءة الزبور بزخرف الطور بكتاب مسطور في

بخواندن زبور به زينت كوه طور بر كتاب نوشته شده در

رق منشور والبيت المعمور والسقف المرفوع و

پوستی پهن كرده شده و به خانه معمور و سقف بلند كرده شده و

البحر المسجور ان عذاب ربك لواقع ما له من دافع

دريای ممتلو ساكن بدرستی كه عذاب پروردگار تو هر آينه واقع شدنی است نيست برا آن دفع كننده

باية الكرسي بحجاب العرش بحملة العرش بحفيف

بحق آية الكرسی به حجاب عرش به بردارندگان عرش به صدای

الشجر بدوي الماء بساحة الارض بحجر الاسود بركن

درختان به صدای آب به فضای زمين به حجر الاسود بركن

العراق بركن الحجاز بركن اليمان بركن الشام

عراقی بركن حجازی بركن يمانی به ركن شامی

ببئر زمزم بمقام ابرهيم ببكاء يونس بدمع داود

به چاه زمزم به مقام ابرهيم بگريه يونس به اشك داود

بحيتان البحر
بماهيان دريا

بملك

بملك سليمن بحكمة لقمان برجعة ذي القرنين بكبب

به پادشاهی سليمن بحكمت لقمان به بازگشت ذی القرنين بكجا بهای

الياس بقوة دانيال بامانة شعيب بنجاة لوط بقميص

الياس به قوت دانيال به امانت داری شعيب به نجات يافتن لوط به پيراهن

يوسف بحزن يعقوب بضر ايوب بعصا موسى بورد

يوسف به اندوه يعقوب به بدحالی ايوب به عصای موسی به ورد

هارون بولادة مريم بعلم الخضر بعدد الملائكة

هارون به زاييدن مريم به علم خضر به عدد فرشتگان

بهداية الفقه بهوانة الفقر بليلة القدر بالسماء

به راهنمائی علم به خواری فقر به شب قدر به آسمان

وما فوقها والارض وما تحتها بكرامة الايمان بنون

و آنچه بالای آنست و زمين و آنچه زير آنست بكرامت ايمان به نون

والقلم بقوة الجبال بعدل الميزان بالصفا والمروة

والقلم به قوت كوهها به عدالت ميزان به كوه صفا و مروه

بموضع عرفات بجبل منى بمسجد الخيف بالمشعر الحرام

به موضع عرفات به كوه منى به مسجد خيف به مشعر الحرام

بصفاء ادم بصفوة حواء بعلم شيث بكرامات هود

به صافی آدم به صفای حوا به علم شيث به كرامتهای هود

بسفينة نوح بناقة صالح بخلة ابرهيم بقربان اسمعيل

بر کشتی نوح به ناقه صالح بر خلیل بودن ابرهیم بر قربانی کردن اسمعیل

وذبحه بذرية اسحق برأفة زكرياء بعفة يحيى

وکشتن او بر اولاد اسحق بر مهربانی زکریا بر عفت داشتن یحیی

بمستقر الامواج بمستقر الارواح بقطر المطر

بر محل قرار موجها بر محل قرار روحها بر قطرات باران

بنظر المنظر بليلة الخميس بليلة الجمعة بالساعات

بنظر کردن چشم بر شب پنجشنبه بر شب جمعه بر ساعتها

والايام بقراءة كتابك بفضل موسى بكرامات عيسى

وروزها بر خواندن کتاب تو بر فضیلت موسی بر کرامتهای عیسی

بمحمد خاتم النبيين وآله المعصومين المنتجبين من آل

بر حق محمد که آخر پیغمبران است وآل او که معصوم وبرگزیده گانند از آل

طه وآل يس يا بارئ الانام بعد الموت يا محيي العظام

طه وآل یس ای جان دهنده خلایق بعد از مردن ای زنده کننده استخوانها

يا من هو بالمنظر الاعلى بحقك على خلقك وبحق النبي

ای کسی که او در منظر اعلی است بحق تو بر خلق تو و بحق پیغمبر

الامي والكتاب العربي المهدي وبحق الصبيان

ناخوانده ونانوشته و کتاب عربی راهنمائی کرده شده بیان و بحق طفلان

الرضع والبهائم الرتع والجبال الخشع والسوآم و

شیرخواره وچهارپایان چرنده وکوههای فروتنی کننده وجانوران زهردارنده

الهوآم والمسبحين بالليل والنهار والمستغفرين بالاسحار

گزنده وتسبیح کنندگان در شب و روز واستغفار کنندگان در سحرها

صل على محمد وآل محمد واغفر ذنوبنا وارزقنا الجنة

رحمت بفرست بر محمد وآل محمد وبیامرز گناهان مارا وروزی کن بما بهشت را

واقض حوآئجنا من امور ديننا ودنيانا وآخرتنا و

وبرآور حاجتهای مارا از کارهای دین ما ودنیای ما و آخرت ما و

اعف عنا واغفر لنا ولآبائنا وارحمنا واجرنا

عفو کن از ما وبیامرز برای ما وبرای پدران ما ورحم کن مارا وپناه ده مارا

من خزي الدنيا وعذاب الآخرة واصرف عنا جميع

از خواری دنیا و عذاب آخرت وبازگردان از ما جمیع

انواع البلايا ولا تؤاخذنا بخطايانا واغفر لنا ولجميع

انواع بلاها را ومؤاخذه مکن مارا بگناهان ما وبیامرز برای ما وبرای همه

المؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات برحمتك

مردان مؤمن وزنان مؤمنه ومردان مسلمان وزنان مسلمان برحمت خودت

يا ارحم الراحمين حرز ابي دجانه انصاري مرويست كه

ای رحم کننده ترین رحم کنندگان حضرت امیر المؤمنین عليه الصلوة و

السلام فرموده است که ابو دجانه انصاری آمد بخدمت حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و گفت یا رسول الله پدرم و مادرم
فدای تو باد من در شبی بیرون آمدم ناگاه کسی را دیدم که از
در در آمد پس نزدیک او رفتم و دست من ببدن او رسید ناگاه
دیدم که پوست او مانند پوست خارپشت است پس حضرت رسول
صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المؤمنین علیه الصلوة و السلم
فرمود که یا ابا الحسن بنویس حرزی برای ابی دجانه و برای هر کس
از امت من که برسد باو از جن و از جون و از عارضها و بلاها
پس حضرت امیر المؤمنین علیه السلام دوات و کاغذ سفید
طلبید و سؤال کرد که یا رسول الله چه چیز بنویسم جواب فرمود
که بنویس این حرز را و بعد از آنکه حضرت امیر المؤمنین علیه السلم
این حرز را نوشت ابو دجانه آنرا گرفت و بمنزل خود رفت و حرز را در
پارچه پیچید و نگاه داشت و چون شب شد و خوابید دید که جنیانی
که در آن خانه اند میگویند که ای ابی دجانه سوزانیدی ما را و هلاک
کردانیدی ما را بعد از این کاری نخواهیم کرد که ترا ناخوش آید و بفضل
حق تعالی جنیان دیگر آزاری باو نرسانیدند و حرز اینست
بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الذی خلق السموات
بنام خدای بخشاینده مهربان سپاس مخدا راست که آفریده است آسمانها

حرز کتبی ابی دجانه انصاری

والارض

والارض وجعل الظلمات والنور ثم الذین کفروا
و زمین را و گردانیده است تاریکیها و روشنی را بعد از آن جماعتی که کافر شدند
بربهم یعدلون هذا کتاب من محمد رسول الله صلوات
بپروردگار خود عدول میکنند این نوشته است از جانب محمد رسول خدا رحمتهای
الله علیه و آله النبی الامی القرشی المکی التهامی
خدا بر او و بر آل او باد که پیغمبر ناخوانده و نانوشته قرشی مکی تهامی
الابطحی الهاشمی صاحب القضیب و الناقة و الحوض
ابطحی هاشمی است که صاحب شمشیر و شتر است و صاحب حوض کوثر
و الشفاعة و التاج و الهراوة صاحب قول لا اله الا
و شفاعت و تاج و عصا است صاحب قول لا اله الا
الله الی من طرق الدار من العمار و السکان و الدعار
الله است بسوی کسانی که وارد شوند خانه را از عامران و ساکنان و ترسانندگان
الا طارقا یطرق بخیر اما بعد فان لنا و لکم فی الحق
مکر وارد شونده که وارد شود بخیر اما بعد پس بدرستی که برای ما و برای شما در حق
سعة فان یکن طارقا مولعا او داعیا مبطلا او مودیا
وسعت هست پس اگر بوده باشد دیگر شما وارد شونده حریص یا خواننده بسیار باطل یا آزار رساننده
مقتحما فاترکوا حملة القرآن و انطلقوا الی عبدة
هجوم کننده پس واگذارید بردارندگان قرآن را و بروید بجانب عبادت کنندگان

الأوثان هذا كتاب ينطق عليكم بالحق انا كنا نستنسخ
بتها این نوشته است که گویا میشود بر شما بحق بدرستی که ما هستیم که باطل میکنیم
ما كنتم تعملون ان رسلنا يكتبون ما تمكرون يرسل
آنچه بودید شما که میکردید بدرستی که رسولان ما می نویسند آنچه را که مکر میکنید شما فرستاده میشود
عليكما شواظ من نار ونحاس فلا تنتصران بسم الله
بر شما قطعه از آتش و مس پس انتقام نمیکشید بنام خدا
وبالله ومن الله والى الله ولا غالب الا الله ولا
و بیاری خدا و از جانب خدا و بسوی خدا و نیست غالبی مگر خدا و نیست
احد سوى الله ولا احد مثل الله الرحمن الرحيم لا اله
کسی غیر خدا و نیست کسی مثل خدای بخشاینده مهربان نیست خدا
الا هو رب العرش العظيم بسم الله ابتداء واستفتح
مگر او که پروردگار عرش عظیم است بنام خدا ابتدا میکنم و طلب فتح میکنم
بالله واتوكل على الله صاحب كتابي هذا في حرز الله
بخدا و توکل میکنم بر خدا صاحب کتاب من این کتاب در حرز خدا
وكنف الله وامان الله وضمان الله حيث ما كان
و پناه خدا و امان خدا و ضمان خداست در هر جائی که بوده باشد
وحيث ما توجه لا تقربوه ولا تفزعوه ولا تضاروه
و بهر جا که متوجه شود نزدیک مشوید او را و مترسانید او را و ضرر مرسانید او را

شواظ یعنی زبانه آتش بی آمیزه و دود بخار است

قاعدا ولا قائما ولا نائما ولا في اكل ولا في شرب
در حال نشستن و نه در حال ایستادن و در حال خواب و نه در وقت خوردن و نه در وقت آشامیدن
لا في اغتسال ولا في جنابة ولا في جبال ولا في
نه در وقت غسل کردن و نه در حال جنابت و نه در کوهها و نه در
بحار ولا في حال من الاحوال ولا في ليل ولا في
دریاها و نه در حالی از حالها و نه در شب و نه در
نهار وكلما سمعتم ذكر كتابي هذا فادبروا عنه
روز و هر وقتی که بشنوید شما ذکر کتاب مرا این کتاب پس رو بگردانید از او
لا اله الا الله غالب كل شيء وهو على كل شيء قدير
نیست خدائی مگر خدا که غالب است بر هر چیزی و او بر هر چیز قادر است
واليه المصير وهو اعز من كل شيء وهو على كل شيء
و بسوی اوست بازگشت و او عزیزتر است از هر چیزی و او بر هر چیز
حفيظ اللهم احفظ يا رب من علق عليه كتابي هذا
نگهبان است خداوندا حفظ کن ای پروردگار من کسی را که او آویخته شده است براو کتاب من این کتاب
بالاسم الذي هو مكتوب على سرادق العرش لا
بنامی که آن نوشته شده است بر سراپردهای عرش نیست
اله الا الله الغالب الذي لا يغلبه شيء ولا ينجو
خدائی مگر الله که غالب است که غلبه نمیکند براو چیزی و نجات نمی یابد

مِنهُ هارِبٌ وَاُعيذُهُ بِالحَيِّ الَّذي لا يَموتُ وَبِالعَزيزِ

از او گریزنده و پناه میدهم او را بزنده که نمی میرد و بعزیزی

الَّذي لا يُضامُ وَبِالقَيّومِ الَّذي لا يَنامُ وَبِالكُرسِيِّ

که ستم رسانیده نمیشود و به خود برپائی که نمیخوابد و بر کرسی

الَّذي لا يَزولُ وَاُعيذُهُ بِالاِسمِ الَّذي هُوَ مَكتوبٌ

که زایل نمیشود و پناه میدهم او را بنامی که آن نوشته شده است

في اللَّوحِ المَحفوظِ وَبِالاِسمِ الَّذي هُوَ مَكتوبٌ في

در لوح محفوظ و بنامی که آن نوشته شده است در

التَّوراةِ وَالاِنجيلِ وَبِالاِسمِ الَّذي هُوَ مَكتوبٌ في

توریة و انجیل و بنامی که آن نوشته شده است در

الزَّبورِ وَبِالاِسمِ الَّذي هُوَ مَكتوبٌ فِي القُرآنِ وَبِالاِسمِ

زبور و بنامی که آن نوشته شده است در قرآن و بنامی

الَّذي حُمِلَ بِهِ عَرشُ بِلقيسَ اِلى سُلَيمانَ بنِ داوُدَ عَلَيهِمَا

که برداشته شد به سبب آن بارگاه بلقیس بجانب سلیمن پسر داود که بر ایشان باد

السَّلامُ قَبلَ اَن يَرتَدَّ اِلَيهِ طَرفُهُ وَبِالاِسمِ الَّذي نَزَلَ

سلام پیش از آنکه برگردد بسوی او چشم او و بنامی که نازل شد

بِهِ جَبرَئيلُ عَلَيهِ السَّلامُ عَلى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَآلِهِ

بآن جبرئیل که بر او باد سلام بر محمد که رحمت فرستد خدا بر او و آل او

في يَومِ الاِثنَينِ وَبِالاَسماءِ الثَّمانِيَةِ المَكتوباتِ عَلى قَلبِ

در روز دوشنبه و بنامهای هشت گانه که نوشته شده اند بر دل

الشَّمسِ وَضَوءِ القَمَرِ وَبِالاِسمِ الَّذي يَسيرُ بِهِ السَّحابُ

آفتاب و روشنائی ماه و بنامی که راه میروند بآن ابرهای

الثِّقالُ وَيُسَبِّحُ الرَّعدُ بِحَمدِهِ وَالمَلائِكَةُ مِن خيفَتِهِ

سنگین و تسبیح میکند رعد بحمد او و فرشتگان از ترس او

وَبِالاِسمِ الَّذي تَجَلّى بِهِ الرَّبُّ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الجَبَلِ

و بنامی که ظاهر شد بآن پروردگار که عزیز و بزرگوار است بر کوه

لِموسَى بنِ عِمرانَ عَلَيهِ السَّلامُ فَتَقَطَّعَ الجَبَلُ مِن اَصلِهِ

برای موسی پسر عمران بر او باد سلام پس پاره پاره شد کوه از بیخ آن

وَخَرَّ موسى صَعِقًا وَبِالاِسمِ الَّذي كُتِبَ عَلى وَرَقِ

و بر رو افتاد موسی بیهوش و بنامی که نوشته شده است بر برگ

الزَّيتونِ وَاُلقِيَ فِي النّارِ فَلَم يَحتَرِق وَبِالاِسمِ الَّذي

زیتون و انداخته شد در آتش پس نسوخت و بنامی که

مَشى بِهِ الخِضرُ عَلَيهِ السَّلامُ عَلَى الماءِ فَلَم تَبتَلَّ قَدَماهُ

راه رفت بآن خضر بر او باد سلام بر روی آب پس تر نشد پاهای او

وَبِالاِسمِ الَّذي نَطَقَ بِهِ عيسَى بنُ مَريَمَ صَلَواتُ اللهِ

و بنامی که سخن گفت بآن عیسی پسر مریم که رحمتهای خدا

عَلَيْهِ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا وَ اَبْرَءَ الْاَكْمَهَ وَالْاَبْرَصَ وَ
بر او باد در گهواره در حال کودکی و شفا داد اکمه و ابرص را و
اَحْيَى الْمَوْتٰى بِاِذْنِ اللّٰهِ وَ اُعِيذُهُ بِاللّٰهِ الَّذِي نَجّٰى اِبْرٰهِيمَ
زنده کرد مردگان را باذن خدا و پناه میدهم او را بخدائی که نجات داد ابرهیم را
عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ نَارِ نَمْرُودَ بْنِ كَنْعَانَ وَ بِالْاِسْمِ الَّذِي دَعٰى
که بر او باد سلام از آتش نمرود پسر کنعان و بنامی که دعا کرد
بِهٖ يُوسُفُ الصِّدِّيقُ صَلَوٰاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ فِي الْجُبِّ فَنَجَا
بآن یوسف صدیق که رحمتهای خدا بر او باد در چاه پس نجات یافت
وَ بِالْاِسْمِ الَّذِي دَعَا بِهٖ يُونُسُ بْنُ مَتّٰى مِنَ الظُّلْمَةِ فَنَجَّيْتَهُ
و بنامی که دعا کرد بآن یونس پسر متی در تاریکی پس نجات دادی او را
وَ بِالْاِسْمِ الَّذِي انْفَلَقَ بِهِ الْبَحْرُ لِمُوسٰى بْنِ عِمْرَانَ صَلَوٰاتُ
و بنامی که شکافته شد بآن دریا برای موسی پسر عمران که رحمتهای
اللّٰهِ عَلَيْهِ وَ بَنِي اِسْرَائِيلَ وَ كَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ
خدا بر او باد و برای بنی اسرائیل و بود هر شکافی مثل کوه عظیم
وَ اُعِيذُهُ بِالتِّسْعِ اٰيَاتٍ الَّتِي نَزَلَتْ بِطُورِ سَيْنَاءَ عَلٰى
و پناه میدهم او را به نه علامتی که نازل شد در کوه طور سینا بر
مُوسٰى صَلَوٰاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ وَ اُعِيذُ حَامِلَ كِتَابِي هٰذَا مِنْ
موسی که رحمتهای خدا بر او باد و پناه میدهم بردارنده کتاب خود را این کتاب از

اکمه یعنی کسی که از مادر کور زاید و ابرص یعنی کسی که سفید باشد پیس باشد

كُلِّ عَيْنٍ نَاظِرَةٍ وَ اُذُنٍ سَامِعَةٍ وَ اَلْسُنٍ نَاطِقَةٍ وَ اَيْدٍ
هر چشم نظر کننده و گوشهای شنونده و زبانهای سخن گوینده و دستهای
بَاطِشَةٍ وَ اَقْدَامٍ مَاشِيَةٍ وَ قُلُوبٍ وَاعِيَةٍ وَ صُدُورٍ
ضرر رساننده و پاهای راه رونده و دلهای حفظ کننده و سینهای
خَاوِيَةٍ وَ اَنْفُسٍ كَافِرَةٍ وَ يَمِينٍ لَازِمَةٍ وَ بَلِيَّةٍ ظَاهِرَةٍ
فرو گیرنده و نفسهای کفر ورزنده و قسم لازمی و بلای ظاهری
اَوْ بَاطِنَةٍ وَ اُعِيذُهُ مِمَّنْ يَعْمَلُ السُّوٓءَ وَ الْخَطَايَا اَوْ
یا پنهانی و پناه میدهم او را از کسی که میکند بدی و خطاها یا
يَهُمُّ بِهَا مِنْ ذَكَرٍ وَ اُنْثٰى وَ اُعِيذُهُ مِنْ شَرِّ عُقَدِهِمْ
قصد میکند بآنها از مرد و زن و پناه میدهم او را از شر گرهای ایشان
وَ مَكْرِهِمْ وَ سِلَاحِهِمْ وَ بَرِيقِ اَعْيُنِهِمْ وَ حَرِّ اَجْسَادِهِمْ
و مکر ایشان و سلاح ایشان و برق چشمهای ایشان و گرمی بدنهای ایشان
وَ مِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَ الْاِنْسِ وَ الشَّيَاطِينِ وَ مِنَ التَّوَابِعِ وَ اللَّوَازِمِ
و از شر جن و آدمی و شیطانها و از توابع و لوازم
وَ السَّحَرَةِ وَ مِنْ شَرِّ مَا يَكُونُ فِي الْجِبَالِ وَ الْغِيَاضِ وَ
و ساحران و از شر آنچه می باشد در کوهها و جنگلها و
الْخَرَابِ وَ الْعُمْرَانِ وَ مِنْ شَرِّ سَاكِنِي الْقُبُورِ وَ مِنْ شَرِّ
خرابها و معمورها و از شر ساکنان قبرها و از شر

توابع و لوازم جنیانی اند که همراه مردمان باشند و بهر جا که مردمان روند ایشان نیز همراه روند و لوازم ایشان باشند

سَاكِنِي الْبِحَارِ وَالْأَنْهَارِ وَمِنْ شَرِّ مَنْ يَكُونُ فِي الْمِيَاهِ وَالْأَوْدِيَةِ
ساکنان دریاها و نهرها و از شر کسی که می باشد در میان آبها و درّها
وَالْأَنْهَارِ وَالْقِفَارِ وَالْآبَارِ وَمِنْ شَرِّ الشَّيَاطِينِ وَمِنْ
و نهرها و عمارتهای بلند و چاهها و از شر شیطانها و از
شَرِّ كُلِّ غُولٍ وَغُولَةٍ وَسَاحِرٍ وَسَاحِرَةٍ وَسَاكِنٍ وَ
شر هر مرد غول و زن غول و مرد سحر کننده و زن سحر کننده و مرد ساکن و
سَاكِنَةٍ وَتَابِعٍ وَتَابِعَةٍ وَشَرِّهِمْ وَشَرِّ آبَائِهِمْ وَأُمَّهَاتِهِمْ
زن ساکن و مرد تابع و زن تابع و شر ایشان و شر پدران ایشان و مادران ایشان
وَأَبْنَائِهِمْ وَمِنْ شَرِّ الطَّيَارَاتِ وَأُعِيذُهُ بِأَهْيًا شَرَاهِيًا
و پسران ایشان و از شر فالهای بد و پناه میدهم او را بازلی دایمی
وَأُعِيذُ حَامِلَ كِتَابِي هٰذَا مِنْ شَرِّ الدَّهَالِسِ وَالْأَبَالِسِ
و پناه میدهم بردارنده کتاب خودم را این کتاب را از شر دهالس و ابلیسها
وَمِنْ شَرِّ الْفَاعِلِ وَالْفَاعِلَةِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ عَيْنٍ سَاحِرَةٍ
و از شر مرد کننده و زن کننده و از شر هر چشم سحر کننده
وَخَاطِئَةٍ وَمِنْ شَرِّ الدَّاخِلِ وَالْخَارِجِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ
و خطا کننده و از شر داخل شونده و بیرون رونده و از شر هر زیادتی کننده
وَعَادٍ وَمِنْ شَرِّ عَفَارِيتِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَمِنْ شَرِّ الرِّيَاحِ
و تجاوز کننده و از شر عفریتهای جن و آدمی و از شر بادها

تابع جن مذکر و تابعه مؤنث است ... و امهاتهم یعنی جنیانی که مرغیانند ... تابع و ملازم ... لفظ ... دهالس ... شیاطین ... اصل ... علیهم السلام ... والله تعالی اعلم

عفریت در لغت ... در اینجا ... کننده

دریز

وَمِنْ شَرِّ كُلِّ أَعْجَمِيٍّ وَفَصِيحٍ وَنَائِمٍ وَيَقْظَانٍ وَأُعِيذُ حَامِلَ
و از شر هر عجمی و فصیحی و خوابی و بیداری و پناه میدهم بردارنده
كِتَابِي هٰذَا مِنْ شَرِّ سَاكِنِي الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ وَالْبُيُوتِ وَ
کتاب خودم را این کتاب از شر ساکنان زمین و آسمان و خانهها و
الزَّوَايَا وَالْمَزَابِلِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ مَنْ يُولَعُ بِهَا وَأُعِيذُهُ
گوشهها و مزبلها و از شر هر که حرص میورزد در آنها و پناه میدهم او را
مِنْ شَرِّ مَا تَنْظُرُ إِلَيْهِ الْعُيُونُ وَأُضْمِرَتْ عَلَيْهِ الْقُلُوبُ
از شر آنچه نظر میکند بسوی آن چشمها و پنهان کرده شده است بر آن دلها
وَأُخِذَتْ عَلَيْهِ الْعُهُودُ وَمِنْ شَرِّ مَنْ يُولَعُ بِالْفُرُشِ وَالْمُهُودِ
و گرفته شده است بر آن عهدها و از شر کسی که حرص میورزد در رختخوابها و گهوارهها
وَمِنْ شَرِّ مَنْ يَعْمَلُ الْعَزِيمَةَ وَمِنْ شَرِّ مَنْ لَا يَقْبَلُ النَّصِيحَةَ
و از شر کسی که میکند عزیمت را و از شر کسی که قبول نمیکند نصیحت را
وَمِنْ شَرِّ مَنْ إِذَا ذُكِرَ اللهُ ذَابَ كَمَا يَذُوبُ الرَّصَاصُ
و از شر کسی که هرگاه یاد کرده شود خدای تعالی میگدازد چنانکه میگدازد قلعی
وَأُعِيذُ حَامِلَ كِتَابِي هٰذَا مِنْ شَرِّ إِبْلِيسَ وَمِنْ شَرِّ الشَّيَاطِينِ
و پناه میدهم بردارنده کتاب خودم را این کتاب از شر ابلیس و از شر شیطانها
وَمِنْ شَرِّ مَنْ يَعْمَلُ الْعُقَدَ وَمَنْ يَسْكُنُ الْهَوَاءَ وَالْجِبَالَ وَ
و از شر کسی که میبندد گرهها را و کسی که ساکن میشود در هوا و کوهها و

مراد از عزیمت در اینجا ... که خوانده میشود ...
... رسانیدن ضرر

البحار ومن في الظلمات ومن في النور ومن شر من يسكن
در دریاها وکسی که در تاریکیهاست وکسی که در روشنی است و از شر کسی که ساکن می باشد
القبور ومن شر من يمشي في الاسواق ومن يكون مع
در قبرها و از شر کسی که راه میرود در بازارها وکسی که می باشد با
الدواب والمواشي والوحوش ومن شر من يكون في
چهارپایان و گلهها و وحشیان و از شر کسی که می باشد در
الارحام والآجام والآكام ومن شر من يوسوس في
رحمها و نیستانها و تلها و از شر کسی که وسوسه میکند در
صدور الناس ويسترق السمع واعيذ حامل كتابي
سینههای مردمان و گوش می اندازد و پناه میدهم بردارنده کتابم را
هذا من النظرة واللمحة والخطرة والكسرة و
این کتاب از نظر کردن و نظر سبك و بخاطر گذرانیدن و شکستن و
النفخة واعين الانس والجن المتمردة ومن شر الطايف
دمیدن و چشمهای مردمان و جنیان سرکش و از شر طوف کننده
والطارق والغاسق والواقب واعيذه من شر
و وارد شونده و شب تاریك و داخل شونده و پناه میدهم اورا از شر
كل عقد وسحر وفزع واستيحاش او هم او كرب او احتراق
هر گرهی و سحری و ترسی و وحشتی / یا غمی یا اندوهی یا سوختنی

او وسواس ومن كل داء يعتري لبني آدم وبنات حواء
یا وسوسه و از هر دردی که عارض میشود برای پسران آدم و دختران حوا
من قبل البلغم والدم والمرة السوداء والحمراء و
از جانب بلغم و خون و مره سیاه و سرخ و
الصفراء ومن الزيادة والنقصان ومن شر كل داء
زرد و از زیادتی و نقصان و از شر هر دردی
يغير الجلد او جارحة او عرق او عصب او في نطفة
که تغییر دهد پوست را یا عضوی یا رگی یا پی یا در نطفه
او في كل روح او في سمع او بصر او شعر او بشر او
یا در هر روحی یا در گوشی یا چشمی یا موئی یا پوستی یا
سن او ظفر او رجل او يد او ظاهر او باطن واعيذه
دندانی یا ناخنی یا پائی یا دستی یا ظاهری یا پنهانی و پناه میدهم اورا
بما استعاذ به آدم ابو البشر صلوات الله عليه
بآنچه پناه جسته است بآن آدم پدر آدمیان که رحمتهای خدا بر او باد
وشيث وهابيل وادريس ونوح ولوط وابراهيم
و بآنچه پناه جسته است بآن شیث و هابیل و ادریس و نوح و لوط و ابرهیم
واسمعيل واسحق ويعقوب والاسباط وعيسى و
و اسمعیل و اسحق و یعقوب و فرزندان یعقوب و عیسی و

ايوب ويونس والياس واليسع ويوسف وموسى و
ايوب و يونس و الياس و اليسع و يوسف و موسى و
هرون وداود وزكرياء ويحيى وهود وشعيب و
هرون و داود و زكريا و يحيى و هود و شعيب و
صالح ولقمن وذو الكفل وذو القرنين وطالوت و
صالح و لقمن و ذو الكفل و ذو القرنين و طالوت و
العزير والخضر والنبي الامي المصطفى صلوات الله
عزير و خضر و پيغمبر امى بر گزيده كه رحمتهاى خدا
عليه وعليهم وكل ملك مقرب ونبي مرسل واقسمت
بر او و بر ايشان باد و بانچه پناه جستم بان هر ملك مقرب و پيغمبر مرسل و قسم خوردم
واسميت على من علق عليه كتابي هذا بسم الله
و نام بردم بر كسى كه اويخته شده است بر او كتاب من اين كتاب بنام خداى
الرحمن الرحيم الجليل الحميد الفعال لما يريد واعيذه
بخشاينده مهربان بزرگوار ستوده شده بسيار كننده براى انچه خواهد و پناه ميدهم اورا
بالله وبما استنارت به الشمس ويستنير به القمر وهو
بخدا و بانچه نورانى شده است بان افتاب و روشن شده است بان ماه و آن
مكتوب تحت العرش لا اله الا الله محمد رسول الله
نوشته شده است در زير عرش كه نيست خدائى مگر الله محمد رسول خدا است

فسيكفيكهم

فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم نفذت حجة
پس زود باشد كه كفايت كند خدا از تو شر ايشان را و اوست شنواى دانا جارى شد حجت
الله وظهر سلطان الله وتفرق اعداء الله وبقي وجه
خدا و ظاهر شد سلطنت خدا و متفرق شدند دشمنان خدا و باقى ماند ذات
الله وانت يا حامل كتابي هذا في حرز الله وكنف الله
خدا و تو اى بردارنده كتاب من اين كتاب در حرز خدا و پناه خدا
وستر الله وامان الله وجوار الله والله جارك و
و پرده خدا و امان خدا و همسايگى خداى و خدا همسايه تو و
وليك ما شاء الله كان وما لم يشأ لم يكن اشهد
دوست تو انچه خواست خدا شده است و انچه نخواست نشده است گواهى ميدهم
ان الله على كل شيء قدير وان الله قد احاط بكل
اينكه خدا بر همه چيز قادر است و اينكه خدا بتحقيق كه احاطه كرده است هر
شيء علما واحصى كل شيء عددا واحاط بما لديه خبرا
چيزى از راه علم و شمرده است هر چيزى را از جهت عدد و احاطه كرده است بانچه نزد او است از راه اطلاع
ان الله وملائكته يصلون على النبي يا ايها الذين امنوا
بدرستى كه خدا و فرشتگان او رحمت ميفرستند بر پيغمبر اى گروهى كه ايمان آورده ايد
صلوا عليه وسلموا تسليما ختمت كتابي هذا بخاتم
رحمت بفرستيد بر او و سلام فرستيد سلام فرستادنى مهر كردم كتاب خود را اين كتاب بمهر

اللهِ الّذي خَتَمَ بِهِ اَقطارَ السّمواتِ والاَرضِ وبِخاتَمِ
خدا که مُهر کرده است بآن اَطرافِ آسمانها و زمین را و بمُهر
اللهِ المَنيعِ وبِخاتَمِ سُليمنَ بنِ داوُدَ وبِخاتَمِ محمّدٍ المُصطفى
خدا که قوی است و بمهر سلیمان پسر داود و بمهر محمد مصطفی
صَلَواتُ اللهِ عَلَيهِم اَلا اِنَّ اَولِياءَ اللهِ لا خَوفٌ عَلَيهِم
که رحمتهای خدا بر ایشان باد آگاه باش بدرستی که دوستان خدا نیست خوفی بر ایشان
وَلا هُم يَحزَنونَ وَبِكُلِّ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ وبِكُلِّ نَبِيٍّ
و نه ایشان اندوهناک میشوند و بهر فرشته مقرّبی و بهر پیغمبر
مُرسَلٍ وَباللهِ الّذي لا اِلهَ اِلّا هُوَ رَبُّ العَرشِ العَظيمِ
مُرسلی و بخدائی که نیست خدائی مگر او که پروردگار عرش بزرگ است
منقولست که هر که این دعا را چهل صباح بخواند مشکر دیدان
جمله نصرت کنندگان حضرت صاحب الزمان علیه الصلوة والسلم
اَللّهُمَّ بَلِّغ مَولانا صاحِبَ الزَّمانِ صَلَواتُكَ عَلَيهِ في
خداوندا برسان آقای ما صاحب الزمان را که رحمتهای تو بر او باد در
مَشارِقِ الاَرضِ وَمَغارِبِها وَسَهلِها وَجَبَلِها عَنّي
مشرقهای زمین و مغربهای زمین و هموار زمین و کوه زمین از جانب من
وَعَن والِدَيَّ وَاَولادي وَاِخواني في ديني صَلوةً
و از جانب پدر و مادر من و فرزندان من و برادران من در دین من رحمتی

کثیرة

كَثيرَةً زِنَةَ عَرشِكَ وَعَدَدَ كَلِماتِكَ وَعَدَدَ ما اَحصاهُ
بسیار هم وزن عرش تو و بعدد کلمهای تو و بعدد آنچه شمرده است آنرا
كِتابُكَ وَعَدَدَ ما اَحاطَ بِهِ عِلمُكَ اَللّهُمَّ اِنّي اُجَدِّدُ
کتاب تو و بعدد آنچه احاطه کرده است بآن علم تو خداوندا بدرستی که من هر آینه تازه
في صَبيحَةِ هذا اليَومِ وَما عِشتُ بِهِ في اَيّامِ حَيوتي
در صبح این روز و آنچه زنده بمانم در آن در روزهای زندگی خود
عَهداً وَبَيعَةً لِمَولانا صاحِبِ الزَّمانِ في عُنُقي لا
پیمانی و بیعتی برای آقای ما صاحب الزمان در گردن خودم که
اَحولُ عَنها وَلا اَزولُ اَللّهُمَّ اجعَلني مِن اَنصارِهِ وَ
بر نگردم از آن و زایل نشوم خداوندا بگردان مرا از نصرت کنندگان او و
نُصّارِهِ وَالذّابّينَ عَنهُ وَالمُمتَثِلينَ لِاَمرِهِ وَ
یاوران او و دفع کنندگان از او و امتثال کنندگان برای فرمان او و
المُستَشهَدينَ بَينَ يَدَيهِ اَللّهُمَّ وَاِن حالَ بَيني وَبَينَهُ
شهید شدگان در پیش روی او خداوندا و اگر چنانکه حایل شود میان من و میان او
المَوتُ الَّذي جَعَلتَهُ عَلى عِبادِكَ حَتماً فَاَخرِجني
مرگی که گردانیده آنرا بر بندگان خودت لازم پس بیرون آور مرا
مِن قَبري مُؤتَزِراً كَفَني شاهِراً سَيفي مُجَرِّداً قَناتي
از قبر من بخود پیچیده کفن خودم را از غلاف کشیده شمشیر خود را برهنه کرده نیزه خود را

مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدّاعي لِلْحاضِرِ وَالْبادي اَللّٰهُمَّ وَاَرِني
لبيك گوينده خواندن كسى را كه طلب كننده است مر حاضران در شهرها وصحرا نشينان را خداوندا وبنماى بمن
الطَّلْعَةَ الرَّشيدَةَ وَالْغُرَّةَ الْحَميدَةَ وَاكْحُلِ اللّٰهُمَّ
آن طلعت نيكو را وآن سفيدى پيشانى محمود را وسرمه بكش خداوندا
ناظِري بِنَظْرَةٍ مِنّي اِلَيْهِ وَاشْدُدِ اللّٰهُمَّ اَزْرَهُ وَطَوِّلْ
چشم مرا از سرمه نظر كردن از من بسوى او وقوى كردان خداوندا قوت او را ودراز كن
عُمْرَهُ وَقَوِّ ظَهْرَهُ وَاعْمُرِ اللّٰهُمَّ بِهِ بِلادَكَ وَ
عمر او را وقوت ده پشت او را ومعمور گردان خداوندا باو شهرهاى خود را و
اَحْيِ بِهِ عِبادَكَ فَاِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ ظَهَرَ
زنده گردان بسبب او بندگان خود را پس بدرستى كه تو گفته وگفتار تست حق كه ظاهر شده است
الْفَسادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِما كَسَبَتْ اَيْدِي النّاسِ فَاَظْهِرْ
فساد در بيابان ودريا بسبب آنچه كسب كرده اند دستهاى مردمان پس ظاهر كردان
لَنا وَلِيَّكَ وَابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ الْمُسَمّى بِاسْمِ رَسُولِكَ
براى ما دوست خود را وپسر دختر پيغمبر خود را كه ناميده شده است بنام پيغمبر تو
حَتّى لا يَخْفى شَيْءٌ مِنَ الْحَقِّ مَخافَةَ اَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ اَللّٰهُمَّ
تا اينكه مخفى نماند چيزى از حق از ترس كسى از خلق خداوندا
اكْشِفْ هٰذِهِ الْغُمَّةَ عَنْ هٰذِهِ الْاُمَّةِ بِحُضُورِهِ اِنَّهُمْ
بردار اين سختى را از اين امت بحاضر شدن آنحضرت بدرستى كه ايشان

يَرَوْنَهُ بَعيدًا وَنَرٰيهُ قَريبًا يا مَوْلايَ يا صاحِبَ الزَّمانِ
گمان ميكنند او را دور ومى بينيم ما او را نزديك اى آقاى من اى صاحب الزمان
اَلْعَجَلَ الْعَجَلَ اَنَا مُنْتَظِرٌ لَكَ حَتّى يُمَكِّنَنِي اللّٰهُ مِنْ دَوْلَتِكَ
تعجيل كن تعجيل كن كه من منتظرم براى آمدن تو تا اينكه متمكن سازد مرا خدا از دولت تو
اَلْعَجَلَ الْعَجَلَ مناجاة كه منسوبست بحضرت امام همام سيد
تعجيل كن تعجيل كن الساجدين زين العابدين صلوات الله وسلامه عليه
اِلٰهي طالَ ما نامَتْ عَيْناىَ وَقَدْ حَضَرَتْ اَوْقاتُ صَلَواتِكَ
اى خدا من بطول انجاميد كه بخواب رفته بود چشمهاى من در حالى كه بتحقيق كه حاضر شده بود وقتهاى نمازهاى تو
وَاَنْتَ مُطَّلِعٌ عَلَيَّ تَحَلَّمُ بِحِلْمِكَ الْكَريمِ اِلى اَجَلٍ
و تو مطلع بودى بر من در حالى كه حلم ميكردى بحلم بزرگ خود تا زمانى
قَريبٍ فَوَيْلٌ لِهاتَيْنِ الْعَيْنَيْنِ كَيْفَ تَصْبِرانِ غَدًا
نزديك پس واى براين دو چشم چگونه صبر خواهند كرد فردا
عَلى تَحْريقِ النّارِ اِلٰهي طالَ ما اَمْشَتْ قَدَماىَ في
بر سوزانيدن آتش الهى اى خداى من بطول انجاميد كه براه رفت پاهاى من در
غَيْرِ طاعَتِكَ وَاَنْتَ مُطَّلِعٌ عَلَيَّ تَحَلَّمُ بِحِلْمِكَ الْكَريمِ اِلى
غير طاعت تو و تو مطلع بودى بر من در حالى كه حلم ميكردى بحلم بزرگ خود تا
اَجَلٍ قَريبٍ فَوَيْلٌ لِهاتَيْنِ الْقَدَمَيْنِ كَيْفَ تَصْبِرانِ غَدًا
زمانى نزديك پس واى براين دو پا چگونه صبر خواهند كرد فردا

عَلى تَحريقِ النّارِ اِلهي طالَما ارتَكَبَت نَفسي بِما هُوَ راجِعٌ
بَر سوزانيدَن آتش آنهارا اى خدا اين بطول انجاميد كه مشغول شد نفس من بكار چند بر گردد

اِلَيَّ وَاَنتَ مُطَّلِعٌ عَلَيَّ تَحلُمُ بِحِلمِكَ الكَريمِ اِلى اَجَلٍ
برمن و تو مطلع بودى برمن وحال آنكه حلم ميكردى بحلم بزرگ خود تا زمانى

قَريبٍ فَوَيلٌ لِهذا الجَسَدِ الضَّعيفِ كَيفَ تَصبِرُ غَدًا
نزديك پس واى براين بدن ناتوان چگونه صبر ميكند فردا

عَلى تَحريقِ النّارِ اِلهي لَيتَ اُمّي لَم تَلِدني اِلهي لَيتَ
بر سوزانيدن آتش اورا اى خداى من كاش مادر من نزاييده بود مرا اى خدا من كاش

السِّباعَ قَسَّمَت لَحمي عَلى اَطرافِ الجِبالِ وَلَم اَقُم
درندگان قسمت كرده بودند گوشت مرا بر اطراف كوهها و نه ايستاده بودم و با بجا

بَينَ يَدَيكَ اِلهي لَيتَني كُنتُ طَيرًا فَاَطيرُ فِي الهَواءِ
پيش روى تو اى خداى من كاش من بودم مرغى پس پرواز ميكردم در ميان هوا

مِن فَرَقِكَ اِلهي الوَيلُ لي اِن كانَ فِي النّارِ مَجلِسي اِلهي
از ترس تو اى خداى من واى بر من اگر بوده باشد در آتش نشيمن من اى خداى من

الوَيلُ لي ثُمَّ الوَيلُ لي اِن كانَ الزَّقّومُ طَعامي اِلهي
واى برمن پس واى برمن اگر بوده باشد درخت زقوم خوراك من اى خداى من

الوَيلُ لي ثُمَّ الوَيلُ لي اِن كانَ القَطِرانُ لِباسي اِلهي
واى برمن پس واى برمن اگر بوده باشد جامهاى آتش لباس من اى خداى من

الوَيلُ لي ثُمَّ الوَيلُ لي اِن كانَ الحَميمُ شَرابي اِلهي الوَيلُ
واى برمن پس واى برمن اگر بوده باشد حميم جهنم شراب من اى خداى من واى

لي ثُمَّ الوَيلُ لي اِذا اَنا قَدِمتُ اِلَيكَ وَاَنتَ ساخِطٌ
برمن پس واى برمن دروقتى كه من بيايم بسوى تو وحال آنكه خشمناك باشى

عَلَيَّ فَمَا الَّذي يُرضيكَ عَنّي اَو بِاَيِّ حَسَناتٍ سَبَقَت
برمن پس چيست آن چيزى كه خوشنود كرداند ترا از من يا بكدام حسنهائى كه سبقت كرده است

مِنّي في طاعَتِكَ اَرفَعُ بِها اِلَيكَ رَاسي وَيَنطَلِقُ
از من در طاعت تو كه بلند كنم بسبب آنها بسوى تو سر خود را وجارى شود

بِها لِساني اِلَّا الرَّجاءُ مِنكَ فَقَد سَبَقَت رَحمَتُكَ
بآنها زبان من مگر اميدوارى از تو پس بتحقيق كه سبقت كرده است رحمت تو

غَضَبَكَ وَقُلتَ وَقَولُكَ الحَقُّ نَبِّئ عِبادي اَنّي اَنَا
غضب ترا وگفته تو وگفته تو است حق كه خبر ده بندگان مرا اينكه من منم

الغَفورُ الرَّحيمُ وَاَنَّ عَذابي هُوَ العَذابُ الاَليمُ
بسيار آمرزنده مهربان واينكه عذاب من اوست عذاب دردناك

صَدَقتَ وَبَرَرتَ يا سَيِّدي لا يَرُدُّ غَضَبَكَ اِلّا حِلمُكَ
راست گفته تو ونيكو كفته اى آقاى من بر نميگرداند غضب ترا مگر حلم تو

وَلا يُجيرُ مِن عِقابِكَ اِلّا رَحمَتُكَ وَلا يُنجي مِنكَ اِلّا
و پناه نميدهد از عقاب تو مگر رحمت تو و نجات نميدهد از تو مگر

التضرع الیك فها انا ذا بین یدیك ذلیل صاغر راغم
تاری کردن بسوی تو پس اینك من ایم پیش روی تو ذلیل وخوار وافتاده کننده
داحض فان تعف عنی فقد بما شملنی رحمتك و
ناچیز کرد پس اگر عفو کنی از من پس از قدیم فرو گرفته است مرا رحمت تو و
البستنی عافیتك وان تعذبنی فانا لذلك اهل و
پوشانیده است مرا عافیت تو و اگر عذاب کنی مرا پس من برای آن سزاوارم و
هو منك عدل یا رب غیر انی اسألك بالمخزون
آن از تو عدالت است ای پروردگار من غیر اینکه من سؤال میکنم تو را بحق خزانه کذاشته شده
من اسمائك وبما وراء الحجب من بهائك ان ترحم
از نامهای تو و بحق آنچه در عقب پردههاست از نیکوئی تو اینکه رحم کنی
هذه النفس الجزوع وهذا البدن الهلوع وهذا
این نفس جزع کننده را و این بدن حریص را و این
الجلد الرقیق وهذا العظم الدقیق الذی لا یصبر علی
پوست نازك را و این استخوان تنگی را که صبر نمیتواند کرد بر
حر شمسك فكیف یصبر علی حر نارك ولا یطیق
حرارت آفتاب تو پس چگونه صبر میتواند کرد بر حرارت آتش تو و طاقت ندارد
لصوت رعدك فكیف یطیق صوت غضبك عفوك
برای صدای رعد تو پس چگونه طاقت میتواند داشت صدای غضب تو را طلب میکنم عفو ترا

عفوك عفوك فقد غرقتنی الذنوب وغمرتنی
طلب میکنم عفو ترا طلب میکنم عفو ترا پس بتحقیق که غرق کرده است مرا گناهان و فرو گرفته است مرا
النعم وقل شكری لك وضعف عملی ولا شیء
نعمتها و کم است شکر من برای تو و ضعیف است عمل من و نیست چیزی
اتكل علیه الا رحمتك یا ارحم الراحمین
که اعتماد کنم بر آن مگر رحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

کیفیت نماز رغایب

نماز رغایب که بطرق عامه روایت شده است روزه میداری پنجشنبه
اول ماه رجب را و چون شب جمعه میرسد بعد از نماز مغرب و پیش
از نماز عشا دوازده رکعت نماز میگذاری هر دو رکعت بیك
سلام و میخوانی در هر رکعتی سوره حمد را یکمرتبه و سوره انا
انزلناه را سه مرتبه و سوره قل هو الله احد را دوازده مرتبه
و چون از گذاردن دوازده رکعت فارغ شوی هفتاد مرتبه میگوئی
اللهم صل علی محمد النبی الامی واله پس سجده
خداوندا رحمت بفرست بر محمد که پیغمبر امی است و بر آل او میکنی و
در حال سجده هفتاد مرتبه میگوئی سبوح قدوس
رب الملائكة والروح بسیار منزه است بسیار پاکیزه است
پروردگار فرشتگان و روح پس سر از سجده برمیداری
و هفتاد مرتبه میگوئی رب اغفر لی وارحم
ای پروردگار من بیامرز و رحم کن

وَتجاوز عمّا تعلم انّك انت العلىّ العظيم

و درگذر از آنچه میدانی بدرستی که تو توئی بلند رتبه بزرگ مرتبه

بعد از آن سجده دیگر میکنی و هفتاد مرتبه میگوئی

سبّوحٌ قدّوسٌ ربّ الملائکة والرّوح پس در آن

بسیار منزّه است بسیار پاکیزه است پروردگار فرشتگان و روح

سجده حاجت خود را از حق تعالی مسئلت مینمائی

نصیحت

مرویست که حضرت رسول صلّی الله علیه و آله فرموده است که اطاعت زنان مکنید در هیچ حالی و ایمن مکردانید ایشانرا بر مالی و باز مگذارید ایشانرا برای تدبیر کردن کار عیال اگر ایشانرا بگذارید که هرچه خواهند بکنند خود را بمهلکها می افکنند نیست ایشانرا دینی در هنگامی که لذّتی پیش آید و نیست ایشانرا پرهیزکاری در وقتی که شهوت و خواهش رو دهد فراموش میکنند خوبیرا و در خاطر میگیرند بدیرا تهمت و بهتان میگویند و متوجّه کار شیطان میگردند

دعا بجهت دفع خوف و اندوه و دفع ضرر پادشاه

دعا بجهت دفع خوف و اندوه و دفع ضرر پادشاه

مرویست که حضرت رسول خدا صلّی الله علیه و آله بحضرت امیر المؤمنین علیه السّلام خطاب نموده و فرموده است که یا علی هرگاه ترا اندوه و در چیزی یا از پادشاه بترسی پس بگو

لا اله الّا الله الحلیم الکریم سبحان الله وبحمده

نیست خدائی مگر الله بردبار صاحب کرم تسبیح میکنم خدا را و حمد او اینکه ستایش نمودم

بجای فلان نام کسی را که از او خوف دارد بگوید

ربّ السّموات السّبع وربّ العرش العظیم والحمد لله

که پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار عرش عظیم است و سپاس مر خدا راست

ربّ العالمین اللّهمّ انّی اعوذ بك من شرّ فلان

که پروردگار عالمیان است خداوندا بدرستی که من پناه میبرم بتو از شرّ فلان

بجهت دفع شر

وادرأ بك فی نحره بجهت دفع شر مرویست که ربیع گفته

و دفع میکنم بتو در کوی گردن او

است که حضرت امام جعفر صادق علیه السّلام چون داخل مجلس منصور دوانیقی شد این را خواند که

خیرك بین یدیك وشرّك تحت قدمیك وانا استعین

خیر تو پیش روی تو باد و شرّ تو در زیر پاهای تو باد و من استعانت میجویم

بجهت دفع هر شدتی و سختی

بالله علیك بجهت دفع هر شدتی و سختی مرویست که حضرت

بخدا بر تو

امام موسی کاظم علیه السّلام فرموده است که رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرموده است که یا علی هرگاه بهولی اندازد ترا امری یا نازل شود بر تو شدتی و سختی پس بگو

اللّهمّ انّی اسالك بحقّ محمّد وآل محمّد ان تنجینی

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا بحق محمّد و آل محمّد اینکه نجات دهی مرا

بجهت دفع ضرر سگ

من الکرب العظیم بجهت دفع ضرر کلب بسند مذکور مرویست

از اندوه بزرگ

که حضرت رسول صلّی الله علیه و آله فرموده است که یا علی چون به بینی سگ را که فریاد و زوزه میکند پس بخوان

ابن آیه شریفه را تا حق تعالی تو را از ضرر آن کفایت کند و آیه اینست
یا معشر الجن و الانس ان استطعتم ان تنفذوا من
ای گروه جنیان و آدمیان اگر میتوانید که بیرون روید از
اقطار السموات و الارض فانفذوا لا تنفذون الا
اطراف آسمانها و زمین پس بیرون روید بیرون نمیروید مگر
بسلطان بجهت دفع خوف از شیر بسند مذکور از حضرت رسول صلی الله
بسلطنتی و قوتی علیه و آله روایت شده است که فرمود یا علی هرگاه ببینی شیر را پس بگو
الله اکبر الله اکبر الله اکبر مما اخاف و احذر
خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است از آنچه میترسم و حذر میکنم
اللهم انی ادرا بک فی نحره و اعوذ بک من شره
خداوندا بدرستیکه من دفع میکنم بتو در گلوی گردن آن و پناه میبرم بتو از شر آن
بجهت باز آمدن بنده گریخته مرویست از جابر که حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام فرموده است که بجهت باز آمدن بنده گریخته بگو
اشهد انک اله فی السماء و اله فی الارض و انک
گواهی میدهم اینکه تو خدائی در آسمان و خدائی در زمین و اینکه تو
حکم فی السماء و حکم فی الارض و جبار فی السماء
حاکمی در آسمان و حاکمی در زمین و جباری در آسمان
و جبار فی الارض ترد الضالة و تهدی من الضلالة
و جباری در زمین باز میگردانی گم شده را و هدایت میکنی از گمراهی

بجهت دفع خوف از شیر

بجهت باز آمدن بنده گریخته

فاردد علی ضالتی فانها من رزقک و عطیتک لا تبتل
پس باز گردان بر من گم شده مرا پس بدرستیکه آن از روزی تو و بخشش تست مبتلا مگردان
بها مؤمنا و لا تغن بها کافرا بجهت دفع ترسیدن در خواب
بآن مؤمنی را و غنی مگردان بآن کافری را مرویست که حضرت امام
موسی کاظم علیه السلام فرموده است که هرگاه کسی در خواب
بترسد تعلیم کنید باو این دعا را که در وقتی که اراده خواب
کند بخواند پس اگر طفل باشد یکمرتبه بخواند و
اگر بزرگ باشد سه مرتبه بخواند و دعا این است
آمنت بالله و کفرت بالجبت و الطاغوت اللهم
ایمان آوردم بخدا و کافر شدم بجبت و طاغوت خداوندا
احفظنی فی منامی و فی یقظتی بجهت اداء دین
حفظ کن مرا در حال خوابم و در حال بیداری من مرویست که مالک بن
انس گوید که بحضرت امام جعفر صادق علیه الصلوة و السلام
عرض کردم که قرضی دارم پس تعلیم کن بمن دعائی که هرگاه آنرا
بخوانم حق تعالی دین مرا ادا کند پس آنحضرت
فرمود که بعد از هر نماز سه مرتبه بگو
اللهم صل علی محمد و آل محمد و اقض لی دینی
خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و ادا کن برای من قرض مرا

بجهت دفع ترسیدن در خواب

بجهت اداء دین

وسهّل لی قضاءه و یسّره علیّ بحولک و قوّتک
و آسان کن برای من ادا کردن آنرا و میسّر گردان آنرا بر من بقوّت خود و توانائی خود
انّک علی کلّ شیء قدیر یا ارحم الرّاحمین
بدرستی که تو بر هر چیز بغایت توانائی ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان

بجهت ایمن شدن از خوف

بجهت ایمن شدن از خوف داود رقی گوید که رفتم بخدمت حضرت
امام جعفر صادق علیه الصّلوة و السّلام پس فرمود که ای داود
آیا تعلیم نکنم بتو کلماتی را که هرگاه آنها را هر روز صبح و شام
سه مرتبه بخوانی حق تعالی ایمن گرداند تو را از
هر چیزی که خوف داشته باشی از آن گفتم
تعلیم کن ای فرزند رسول خدا پس فرمود که بگو
اصبحت بذمم الله و ذمم انبیائه و ذمم رسله
صبح کردم به پیمانهای خدا و پیمانهای پیغمبران خدا و پیمانهای رسولان خدا
و ذمّة محمّد صلّی الله علیه و آله و ذمم الاوصیاء
و پیمان محمّد که رحمت فرستد خدا بر او و آل او و پیمانهای جانشینان
علیهم السّلام آمنت بسرّهم و علانیتهم و شاهدهم
که بر ایشان باد سلام ایمان آوردم به پنهان ایشان و آشکار ایشان و حاضر ایشان
و غائبهم و اشهد انّهم فی علم الله و طاعته لمحمّد
و غائب ایشان و گواهی میدهم اینکه ایشان در علم خدا و فرمانبرداری اویند برای محمّد

صلّی الله علیه و آله داود گوید که من این دعا را نخواندم بجهت
که رحمت فرستد خدا بر او و آل او مطلبی مگر آنکه بر آمد مطلب من در کتاب
منیة الدّاعی و غنیة الواعی که شیخ محمّد بن عابد در احراز تعوّذ فی
تالیف نموده مذکور است که آمنه مادر حضرت پیغمبر صلّی الله
علیه و آله چون با آنحضرت حامله شد کسی را در خواب دید
که با او گفت که حامله شده به بهترین خلق خدا پس او را محمّد نام
کن و نام او در تورات احمد است و بنا و بر بر وی این نوشته را و چون بیدار شد دید
که بر نزد سر او نی پاره گذارده و در میان آن ورقی هست و این دعا بر آن نوشته است

تعویذ حضرت رسول خدا صلّی الله علیه و آله

و دعا اینست بسم الله الرّحمن الرّحیم استرعیک ربّک
بنام خدای بخشاینده مهربان می سپارم ترا به پروردگار تو
و اعیذک بالواحد من شرّ کلّ حاسد قائم او قاعد
و پناه میدهم تو را بیگانه از شرّ هر حسد برنده ایستاده یا نشسته
و کلّ خلق رائد فی طرق الموارد لا تضرّوه
و هر مخلوق پیش رونده در راههای وارد شدن ضرر مرسانید او را
فی یقظة و لا منام و فی ظعن و لا فی مقام
در حال بیداری و نه در حال خواب و نه در وقت حرکت کردن و نه در وقت ایستادن
سجیس اللّیالی و آخر الایّام ید الله فوق
در تمام شبها و آخر روزها قدرت خدا بالاتر از

ابدیهم و حجاب الله فوق غادیتهم بجهت دفع همّ
نمدنهای ایشانست و منع کردن خدا بالاتر از دشمنی ایشانانست و کرفتکی دل
از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله منقولست که فرمود
یا علی امان است برای امت من از هم و کرفتکی دل اینکه بکویند
لا حول و لا قوة الا بالله لا ملجا و لا منجا من الله
نیست قوتی و نه توانائی مکر بخدا نیست پناهی و نه نجاتی از خدا
الا الیه بجهت دفع ضرر شیطان و دفع ضرر
مکر بسوی او ساحران از آنحضرت صلی الله علیه
و آله منقول است که فرمود یا علی هر که بترسد
از شیطانی یا از ساحری پس بخواند این آیات شریفه را
ان ربکم الله الذی خلق السموات و الارض
بدرستی که پروردگار شما خدائیست که آفرید آسمانها و زمین را
فی ستة ایام ثم استوی علی العرش یغشی اللیل
در شش روز بعد از آن مستولی شد بر عرش می پوشاند شب را
النهار یطلبه حثیثا و الشمس و القمر و النجوم
بروز طلب میکند آنرا از روی شتاب و آفرید آفتاب و ماه و ستارگان را
مسخرات بامره الا له الخلق و الامر تبارک
در حالتیکه رام کرده شده اند بفرمان او آگاه باشید که از برای خداست آفریدن و فرمان دادن مبارکست

بجهت دفع غم و کرفتکی دل

بجهت دفع ضرر شیطان و دفع ضرر ساحران

یعنی طلب میکند روز شب را یا شب روز را بزودی

الله رب العالمین ادعوا ربکم تضرعا و خفیة انه
خدائی که پروردگار عالمیان است بخوانید پروردگار خود را فروتنی کنان و پنهان کنان بدرستی که او
لا یحب المعتدین و لا تفسدوا فی الارض بعد
دوست نمیدارد از حد درگذرندگان را و فساد مکنید در زمین بعد از
اصلاحها و ادعوه خوفا و طمعا ان رحمت الله
اصلاح آن و بخوانید خدا را خوف دارنده و طمع دارنده بدرستی که رحمت خدا
قریب من المحسنین و هر که بترسد از جانوران
نزدیکست بر نیکوکاران درنده پس بخواند این دو آیه را که
لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم
بتحقیق که آمده است شما را رسولی از جنس شما که دشوار است بر او آنچه بزحمت و مشقت افکند شما را
حریص علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم فان
حریص و خواهان است بر خوب شدن شما بمؤمنان بسیار مهربان و صاحب رحم است پس اگر
تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت
روبگردانند پس بگو ای محمد کفایت است مرا خدا که نیست خدائی مکر او بر او توکل و اعتماد کردم
و هو رب العرش العظیم بجهت دفع خوف از درندها
و او پروردگار عرش بزرگ است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که از پدران خود علیهم السلام روایت کرده است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
فرموده است که هر که از درنده بترسد که او را بکوسفندان او ضرر رساند پس بکوید

بجهت دفع ضرر جانوران درنده

بجهت دفع خوف از درندها اینجا

بجهت ایمن شدن از فرود آمدن سقف بر سر آدمی

اَللّٰهُمَّ رَبَّ دَانِیَالَ وَرَبَّ الْجُبِّ وَرَبَّ کُلِّ اَسَدٍ

خداوندا ای پروردگار دانیال و پروردگار چاه و پروردگار هر شیر

مُسْتَاْسِدٍ اِحْفَظْنِی وَاحْفَظْ عَلَیَّ غَنَمِی بجهت ایمن شدن

صاحب جرأت حفظ کن مرا و حفظ کن بر من گوسفندم را از فرود آمدن سقف

بر سر آدمی بسند مذکور از حضرت رسول خدا صلی الله علیه

و آله منقولست که فرموده است یا علی برای امت من امان

است از فرود آمدن سقف خواندن این آیه شریفه که

اِنَّ اللّٰهَ یُمْسِکُ السَّمٰوٰاتِ وَالْاَرْضَ اَنْ تَزُوْلَا وَلَئِنْ

بدرستی که خدا نگاه میدارد آسمانها و زمین را از اینکه زایل شوند و اگر

زَالَتَا اِنْ اَمْسَکَهُمَا مِنْ اَحَدٍ مِنْ بَعْدِهٖ اِنَّهٗ کَانَ

زایل شوند نگاه نمیدارد آنها را کسی بعد از او بدرستی که خدا هست

حَلِیْمًا غَفُوْرًا بجهت ایمن شدن از غرق بسند مذکور از حضرت

بردبار بسیار آمرزنده رسول صلی الله علیه و آله منقولست که فرمود یا علی برای امت من امان است

از غرق شدن اینکه چون اراده سوار شدن بکشتی کنند بخوانند این آیه را

که بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَمَا قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهٖ

بنام خدای بخشاینده مهربان و نشناختند خدا را بقدر سزاواری شناختن

وَالْاَرْضُ جَمِیْعًا قَبْضَتُهٗ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ وَالسَّمٰوٰاتُ مَطْوِیَّاتٌ

و زمین تمام آن در قبضه قدرت اوست در روز قیامت و آسمانها در هم پیچیده شده اند

بجهت ایمن شدن از غرق

بیمینه

بجهت ایمن شدن از ضرر دزدان

بجهت رفع سرکشی چهارپا سواری

بِیَمِیْنِهٖ سُبْحَانَهٗ وَتَعَالٰی عَمَّا یُشْرِکُوْنَ بِسْمِ اللّٰهِ مَجْرٖیهَا

بقدرت کامله او منزه است او و برتر است از آنچه شریک او قرار میدهند بنام خداست راندن آن

وَمُرْسٰیهَا اِنَّ رَبِّیْ لَغَفُوْرٌ رَحِیْمٌ بجهت ایمن شدن از ضرر

و باز داشتن آن بدرستی که پروردگار من هر آینه آمرزنده مهربان است دزدان بسند مذکور

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که فرمود

یا علی برای امت من امان است از دزدان خواندن این دو آیه شریفه

که قُلِ ادْعُوا اللّٰهَ اَوِ ادْعُوا الرَّحْمٰنَ اَیًّا مَا تَدْعُوْا فَلَهُ

بگو ای محمد که بخوانید خدا را بنام الله یا بخوانید او را بنام رحمن بهر نام که بخوانید او را پس برای اوست

الْاَسْمَآءُ الْحُسْنٰی وَلَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِکَ وَلَا تُخَافِتْ

نامهای نیکو و بسیار بلند مکن قرائت نماز خود را و بسیار آهسته مکن

بِهَا وَابْتَغِ بَیْنَ ذٰلِکَ سَبِیْلًا وَقُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ لَمْ

آنرا و طلب کن میان آن و این راهی و بگو که سپاس مر خدا را است که

یَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ یَکُنْ لَهٗ شَرِیْکٌ فِی الْمُلْکِ وَلَمْ یَکُنْ

فرا نگرفته است فرزندی و نیست برای او شریکی در پادشاهی و نیست

لَهٗ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَکَبِّرْهُ تَکْبِیْرًا بجهت رفع سرکشی

برای او دوستی از خواری و تکبیر بگو او را تکبیر کفتنی و شموسی چهارپا

سواری بسند مذکور از حضرت رسول صلی الله علیه و آله

منقولست که فرمود یا علی هر که سرکشی کند بر او دابه او پس در گوش راست آن بخواند

که وله اسلم من فی السموات والارض طوعا وکرها
و از برای او انقیاد کرده است هر که در آسمانها و زمین است از روی خوشی و ناخوشی
و الیه ترجعون بجهت دفع زرداب و درد شکم
و بسوی او باز کشت میکنید شما بسند مذکور از حضرت رسول صلی
الله علیه و آله منقولست که فرمود یا علی هر که در شکم او زرداب
باشد پس بنویسد بر شکم خود آیة الکرسی را و آنرا باب بشوید
و آن آب را بیاشامد تا صحت یابد باذن حق تعالی و مرویست
از عثمن بن ابی العاص ثقفی که بخدمت حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله رفتم و گفتم که شکم من درد میکند پس
فرمود که هفت مرتبه دست بر شکم خود بمال و بگو
اللهم انی اعوذ بک بعزتک و قدرتک من شر
خداوندا بدرستیکه من پناه میبرم بتو بحق عزت تو و قدرت تو . از شر
ما اجد فی بطنی بجهت دفع وسوسه شیطان ابوبصیر
آنچه می یابم در شکم خودم و محمد بن مسلم از حضرت امام محمد
باقر و امام جعفر صادق صلوات الله علیهما روایت کرده اند
که حضرت امیر المؤمنین علیه الصلوة والسلم فرموده است که
هرگاه یکی از شما از وسوسه شیطان بترسد پس پناه برد
بخدا و بزبان و دل بگوید امنت بالله و رسوله
ایمان آوردم بخدا و رسول خدا

بجهت دفع زرداب و درد شکم

بجهت دفع وسوسه شیطان

مخلصا

مخلصا له الدین اعوذ بالله من الشیطان الرجیم
در حالیکه اخلاص ورزنده ام برای او دین را پناه میبرم بخدا از شیطان رانده شده
بجهت دفع خوف کردن در شب بسند مذکور مرویست که حضرت
امیر المؤمنین علیه الصلوة والسلام فرموده است که هر که در شب
بترسد پس چون بخوابگاه خود رود بخواند سوره قل هو الله احد
را پس بدرستی که چون این سوره را بخواند حق تعالی موکل کرداند
برو پنجاه هزار فرشته را که در آن شب حفظ و حراست او کنند
بجهت دفع چشم زخم مرویست که حضرت جبرئیل علیه السلام
افسون کرد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله را از ضرر چشم زخم
باین طریق که خواند این را که بسم الله ارقیک
من کل شیء یوذیک و من کل عین بنام خدا حفظ میکنم ترا
از هر چیزی که آزار کند ترا و از هر چشمی وحاسد الله یشفیک
بسم الله ارقیک ایضا بجهت دفع و حسد برنده خدا شفا دهد ترا
بنام خدا حفظ میکنم ترا ضرر چشم از حضرت امیر المؤمنین علیه
الصلوة والسلام منقولست که جبرئیل علیه السلام بخدمت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله آمد پس آنحضرت را غمگین
دید پس گفت یا محمد چیست این غم که در روی مبارک تو می
بینم آنحضرت جواب داد که حسن و حسین را چشم زده اند

بجهت دفع خوف کردن در شب

بجهت دفع چشم زخم

ایضا بجهت دفع ضرر چشم

پس جبرئیل گفت یا محمد تصدیق کن باینکه چشم اثر میکند پس
بد رستی که چشم حق است تعویذ کن ایشانرا باین کلمات واین
کلماترا بر ایشان بخوان پس انحضرت فرمود که کدام است ان کلمات جبرئیل گفت
بگو اللهم ذا السلطان العظیم والمن القدیم والوجه
خداوندا ای صاحب سلطنت عظیم و نعمت قدیم وذات
الکریم ذا الکلمات التامات والدعوات المستجابات
کریم ای صاحب کلمهای تمام و دعاهای مستجاب
عاف الحسن والحسین من شر الجن واعین الانس
عافیت ده حسن وحسین را از شر جنیان وچشمهای ادمیان
پس انحضرت این کلماترا بر حضرت امام حسن وامام حسین
علیهما السلام خواند پس ازار ایشان رفع شد وبرخواستند
ودر پیش روی انحضرت بازی میکردند وانحضرت باصحاب
فرمود که تعویذ کنید خودرا وزنان واولاد خودرا باین تعویذ
پس بدرستی که تعویذی مثل این نمیباشد بجهت دفع درد چشم
از ائمه هدی علیهم السلام روایت شده است که هرکه خواهد
که چشم او درد نیاید سزاوار است که در همه اوقات از شب و
روز این دعارا بخواند که اللهم انی اسئلک بحق
خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو بحق

بجهت دفع درد چشم

محمد وال محمد ان تصلی علی محمد وال محمد
محمد وال محمد اینکه رحمت فرستی بر محمد وال محمد
وان تجعل النور فی بصری والبصیرة فی دینی
واینکه بگردانی نور را در چشم من و بینائی را در دین من
والیقین فی قلبی والاخلاص فی عملی و
و یقین را در دل من و اخلاص را در عمل من و
السلامة فی نفسی والسعة فی رزقی و
سلامتی را در جان من وتوسعه را در روزی من و
الشکر لک ابدا ما ابقیتنی ایضا بجهت دفع
شکر را برای تو همیشه مادام که باقی بداری مرا درد چشم
از ائمه علیهم السلام روایت شده است که هرکه
چشم خودرا دوا کند سزاوار است که این ایه شریفه
را در جامی بنویسد که ان جام را از تربت مبارکه
حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام ساخته و
گل انرا باب زمزم سرشته باشند وبعد از انکه این
ایه را بر ان جام نویسد انرا باب بشوید واب
را در شیشه کند وبچشم کشد تا شفا یابد
انشاء الله تعالی وایه شریفه اینست الله
خدا

ایضا بجهت دفع درد چشم

نور السموات والارض مثل نوره کمشکوة

نور آسمانها وزمین است مثل وحکایت نور او مانند چراغ دانی است

فیها مصباح المصباح فی زجاجة الزجاجة

که در آن چراغی باشد که آن چراغ در شیشه باشد و آن شیشه

کانها کوکب دری یوقد من شجرة

گویا ستاره باشد درخشان که افروخته شود آن چراغ از درخت

مبارکة زیتونة لا شرقیة ولا غربیة

مبارک زیتون که نه از سمت مشرق باشد و نه از سمت مغرب

یکاد زیتها یضیء ولو لم تمسسه نار نور علی

نزدیک باشد روغن زیتان که روشن شود و اگرچه نرسد با آن آتش نوری بالای نوری

نور یهدی الله لنوره من یشاء بجهت رفع درد

نوری راهنمائی میکند خدا برای نور خود هر کرا میخواهد سر بر دو درد سر

(بجهت رفع درد سر)

کسی که سر او درد دارد بنویسد بمداد یا بر

کاغذی بنویسد و بر سر او ببندد این را که

ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا

ای پروردگار ما میل مفرما دلهای ما را بعد از آنکه هدایت کرده ما را و ببخش برای ما

من لدنک رحمة انک انت الوهاب

از نزد خودت رحمتی بدرستی که تو توئی بسیار بخشنده

(بجهت رفع درد سر و صداع شقیقه)

بجهت رفع درد سر و صداع مشهور بشقیقه مرویست که

ائمه علیهم السلام فرموده اند که هر که سر

او درد کند یا او را صداع شقیقه باشد بگوید

بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الکبیر و

بنام خدای بخشاینده مهربان بنام خدای بزرگ و

اعوذ بالله العظیم من شر کل عرق ضار و

پناه میبرم بخدای عظیم از شر هر رگ ضرر رساننده و

من حر النار و مرویست که هفت مرتبه این دعا را

از حرارت آتش آهسته بخواند بطریقی که کسی نشنود و دعا این است

اعوذ بالله الذی سکن له ما فی البر والبحر

پناه میبرم بخدائی که ساکن شده است برای او آنچه در صحرا و دریا

والسموات والارض من صداع رأسی و از ائمه علیهم

و آسمانها و زمین است از درد سر خود السلام مرویست

که بجهت رفع درد سر اذان و اقامه را باید نوشت و بر سر باید

آویخت از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مرویست که هر کسی که

هر چه عطسه کند بگوید الحمد لله علی کل حال

(بجهت رفع درد دندان و درد گوش)

هرگز درد گوش و درد دندان سپاس مر خدا راست بر هر حالی

باو نرسد از حضرات ائمه معصومین علیهم السلام مرویست که

بجهت رفع درد دندان

چوبی یا آهنی بردار و بمال بران دندان تو که درد میکند و هفت مرتبه
بگو بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و بالله محمد
بنام خدای بخشاینده مهربان بنام خدا و بیاری خدا محمد
رسول الله صلی الله علیه و آله ابرهیم خلیل الله
رسول خداست رحمت فرستد خدا برو و آل او ابرهیم دوست خداست
اسکن بالذی سکن له ما فی اللیل و النهار و
ساکن شو بآنکسی که ساکن شده است برای او آنچه در شب و روز است و
هوا السمیع العلیم و هو علی کل شیء قدیر بجهت
اوست شنوای دانا و او بر هر چیز قادر است دفع تبها

بجهت رفع تبها و دردها

و بیماریها از ابن عباس منقولست که حضرت رسول
خدا صلی الله علیه و آله این دعا را بما تعلیم نمود بجهت
رفع تبها و دردها همگی و دعا اینست بسم الله
الکبیر اعوذ بالله العظیم من شر کل بنام خدای
بزرگ است پناه میبرم بخدای عظیم از شر هر عرق ضار
و من حر النار مرویست که سعید بن قیس رگ ضرر رساننده
و از حرارت آتش گفته است که از حضرت امیر
المؤمنین علیه الصلوة و السلام شنیدم که فرمود که
حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هر که

برمال

بجهت حفظ مال و خانه

برمال یا بر خانه خود نترسد پس بگوید لا اله الا
انت ربی علیک توکلت و انت رب العرش
نیست خدائی مگر
تو که پروردگار منی بر تو توکل و اعتماد کردم و توئی پروردگار عرش
العظیم ما شاء الله کان لا حول و لا قوة الا بالله
بزرگ آنچه خواست خدا شده است نیست قوتی و نه توانائی مگر بخدای
العلی العظیم اشهد ان لا اله الا الله و اشهد
بلند رتبه بزرگ مرتبه گواهی میدهم اینکه نیست خدائی مگر الله و گواهی میدهم
ان الله علی کل شیء قدیر و ان الله قد احاط
اینکه خدا بر هر چیزی قادر است و اینکه خدا بتحقیق که احاطه کرده است
بکل شیء علما و احصی کل شیء عددا اللهم
بهر چیز از راه علم و شمرده است هر چیزی را از جهت عدد خداوندا
انی اعوذ بک من شر نفسی و استعیذ بک منه
بدرستی که من پناه میبرم بتو از شر نفس خود و پناه میجویم بتو از آن
و من شر کل دابة انت اخذ بناصیتها انک
و از شر هر جنبنده که تو گرفته موی پیش سر او را بدرستی که تو
علی صراط مستقیم آمنت بالله و کفرت بالطاغوت
بر راه راستی ایمان آوردم بخدا و کافر شدم بشیطان
و استمسکت بالعروة الوثقی لا انفصام لها
و چنگ زدم بدست آویز محکم تر که نیست شکستنی برای آن

کتابخانه مجلس شورای ملی
تاسیس ۱۳۰۲
کتابخانه

کتابخانه
جعفر سلطان القرائی
تبریز ۱۳۶۵ قمری

۲۹۷

وَاللّٰهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ عَزَّ جارُكَ وَجَلَّ ثَناؤُكَ وَلا اِلٰهَ غَيْرُكَ
وخدا شنوای داناست عزیز است همسایهٔ تو و بزرگ است ستایش تو و نیست خدا غیر تو
فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللّٰهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ
پس زود باشد که کفایت کند از تو شر ایشان را خدا و اوست شنوای دانا

حمداً لاِلٰه هو بالمجد حقیق که با مداد دقایق توفیق ترجمهٔ
ادعیهٔ کتاب کنوز النجاح وعدة السفر را سید محمد بن
محمد باقر الحسینی بپایان رسانید و بعضی از مواضع
که احتمالات داشت یا محتاج بتوضیح بود در حواشی
ببیان آن پرداخت بتاریخ شهر
ربیع المولود سنه هزار و
صد و سی هجری
سنه ۱۱۳۰

بلوح الخط فی القرطاس دهر وکاتبه رمیم فی التراب
غرض نقشی است کز ما باز ماند که هستی را نمی بینم بقائی
مگر صاحبدلی روزی برحمت کند در حق مسکینان دعائی
فی دار السلطنه اصفهان صانها
الله عن الحدثان بخط سید

